

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسلام و مسلمانان در آمریکا

نویسنده : محمود خداقلی پور و فهیمه وزیری

Translation Movement
.INIS

منبع : کتابخانه فکری تبیلن

www.IRPDF.com

بزرگترین منبع کتابهای الکترونیکی رایگان

فهرست

مقدمه

فصل اول: پیشینه ورود مسلمانان به آمریکا

فصل دوم: ترکیب و پراکندگی جمعیت مسلمان مقیم آمریکا

فصل سوم: سازمان ها و تشکل های اسلامی در آمریکا

۳. مساجد

فصل چهارم: تشکل های فرقه ای و قومی مسلمانان در آمریکا

فصل پنجم: شیعه در آمریکا

فصل ششم: رشد اسلام در بین سیاهان آمریکایی

میوه های اسلام

خلاصه ای از ماهیت و خصوصیت های اجتماع مسلمانان

دانشگاه اسلام

فصل هفتم: زندگی و مشارکت در جامعه آمریکا

فصل هشتم: قوانین اسلام، آداب اسلامی و فرهنگ آمریکایی

فصل نهم: مسأله جنسیت، نقش و رسالت زن و مرد مسلمان

فصل دهم: وضعیت کنونی مسلمانان در آمریکا

فصل یازدهم: فعالیت سیاسی مسلمانان در آمریکا

فصل دوازدهم: مسائل و چالش های فراروی مسلمانان آمریکا

فصل سیزدهم: آینده اسلام در آمریکا

فصل چهاردهم: جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان آمریکا

کتابنامه

Translation Movement
JMS

تردیدی نیست که در عصر کنونی، اسلام تولدی دگرباره یافته و امواج عالمگیر آن، بعثت و انگیزش جدیدی در روح و وجدان انسان های حق پرست به وجود آورده است. دلایل و ریشه های بروز این بعثت جدید اسلامی، که روز به روز بر عمق و دامنه آن افزوده می شود، بسیار است؛ اما در میان همه عوامل مؤثر، آنچه که بیش از هر چیز دیگر جلوه می کند، شکست علم و ناتوانی ایدئولوژی های شرق و غرب و مهم تر از آن، به بن بست رسیدن روشنفکران معاصر در تحقق بخشیدن به شعارهای پر طمطراق خویش مبنی بر ساختن جامعه ایده آل انسانی بوده است.

این گرایش آگاهانه و بازگشت جدید به اسلام، نه تنها در کشورهای مسلمان، بلکه در بسیاری از ممالک غیر مسلمان؛ از جمله: کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی نیز طی چند دهه گذشته افزایش یافته است. غرب که از هیچ تلاشی برای تضعیف، تحریف و مسخ چهره اسلام و سرکوبی مسلمانان و مستعمره نمودن ممالک اسلامی و نیز چپاول ثروت های آنان، فرو گذار نمی کند، امروزه با رشد فراگیر اسلام در کشورهای بزرگ و کوچک اروپا و آمریکا، متحیر مانده است.

از بیست میلیون مسلمان ساکن در ممالک غربی، نزدیک به شش میلیون و به نقلی هشت میلیون نفر آنان در آمریکا به سر می برند. مهم تر از همه این که، اسلام در آمریکا در مقایسه با سایر کشورها، سریع ترین رشد را دارد؛ به طوری که در حال حاضر مسلمانان، بزرگ ترین اقلیت مذهبی در کشور به حساب می آیند. ادامه این روند شتابدار اسلام گرایانه در آمریکا تا سال دوهزار، مسلمانان این کشور را از نظر تعداد، بر یهودیان فزونی خواهد داد و رشد سریع اسلام در آمریکا، در حالی صورت می گیرد که مذاهب دیگر با کاهش بیش از پیش پیروان خود روبه رو می شوند. دلیل عمده رشد اسلام در آمریکا، نه تنها برای افزایش سیل مهاجران مسلمان، طی چند دهه اخیر به آن کشور است، بلکه گرویدن روز افزون مردم آفریقایی تبار آمریکا به اسلام نیز، نقش بسیار مهمی در گسترش اسلام در این کشور داشته است؛ به طوری که گفته می شود: هر ساله تعداد ۲۵ هزار نفر در آمریکا به اسلام می گروند.

صاحب نظران و پژوهشگران مسائل اسلامی در آمریکا، مهم ترین انگیزه سیاهان و غیر سیاهان را برای گرویدن به اسلام، برای جامعیت اسلام از بُعد احساسی، منطقی، علمی، سیاسی و کلاً زندگی اجتماعی و فردی می دانند. در این میان، شعارهای ضد تبعیض نژادی، دعوت به برابری و اخوت، بیش ترین جاذبه ها را برای سیاهان آمریکایی داشته است. سیاهان آمریکا که در طی قرن ها قربانی ظلم، تبعیض، محرومیت از امتیازات حقوق انسانی و اجتماعی بوده اند و معنای نژاد پرستی، بی عدالتی و نابرابری را با تمام وجود خویش لمس کرده بودند و خاطرات تلخ عصر بردگی اسلاف خویش و تغییر اجباری دین و هویت فرهنگی نیاکان خود را همچنان در حافظه تاریخی خود نگه داشته بودند و همواره در تلاش های پیگیر و مبارزات مستمرشان برای رسیدن به حقوق انسانی و کسب جایگاه شایسته در عصر بردگی و جاهلیت مدرن - آن هم در جامعه ای که

در ساختن زیربنای اقتصادی و فرهنگی آن، نقش مهمی داشته اند - تمام راه ها را تجربه می کردند و انواع ایدئولوژی ها را به امید یافتن روزنه ای امید بخش برای رهایی از شرایط اسارت بار و تبعیض آلود مورد بررسی و کنکاش قرار می دادند، این بار اسلام برایشان جاذبه های بیش تری داشته و دارد.

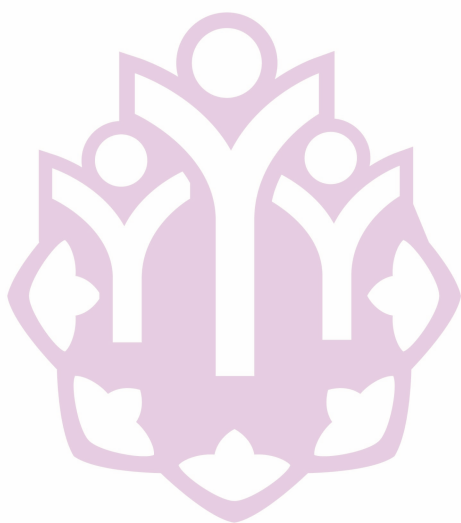
سیاهان آمریکایی، که خود را بارزترین نمونه قربانیان تبعیض نژادی می انگاشتند، در مسیر تلاش ها و مبارزات مستمر رهایی بخش و حق طلبانه خود، دریافتند که سرانجام باید پیام ها و آموزش های نجات بخش و تحوّل آفرین را تنها و تنها در اسلام بیابند و از این رو، مجذوب آن شدند و به شکل روز افزونی به اسلام گرویدند تا آن جا که امروز، بنابه ارزیابی های صورت گرفته، بیش از ۴۵٪ از جمعیت شش میلیون نفر مسلمان این کشور را سیاهان تشکیل می دهند و روز به روز نیز بر تعدادشان افزوده می شود.

ولی با این حال که اسلام سریع ترین رشد را در آمریکا داشته است، مسلمانان هنوز جایگاه شایسته خود را در این جامعه به دست نیاورده اند و به همین دلیل، نتوانسته اند تأثیر چندانی بر فرهنگ این کشور به جای گذارند. مسلماً در جامعه ای که مسیحیت و یهودیت به عنوان دو مذهب مسلط مطرح است، مسلمانان برای پیدا کردن جای پای مهم خود باید مدت ها تلاش کنند، هر چند در سال های اخیر ندای آنان در برخی از محافل دولتی و سیاسی جدّی گرفته شده و بعضی از سیاستمداران برای تحکیم موقعیت آینده و جلب آرای بیش تر، دست حمایت به سوی گروه های اسلامی دراز کرده اند. مهم ترین مسأله ای که مسلمانان آمریکا با آن روبه روهستند، همانا نگرش منفی مردم کشور نسبت به آنان و فقدان تشکّل عمومی است؛ زیرا تبلیغات منفی رسانه ها و محافل صهیونیستی، اسلام را معادل تروریسم و مسلمانان را افرادی ضد یهود و متعصّب، که در صدد نابودی تمدن غرب هستند، معرفی نموده اند. گرچه مسلمانان برای زدودن چنین تصویر مخدوشی از اسلام در ذهن مردم آمریکا، تلاش های فراوانی کرده و می کنند، ولی با بروز برخی حوادث، نظیر: انفجار مرکز تجارت جهانی در نیویورک در سال ۱۹۹۳ و انفجار ساختمانی در اوکلاهما که عمدتاً با تبلیغات منفی رسانه ها علیه مسلمانان توأم بوده، احساسات ضد اسلامی مردم آمریکا، باردیگر علیه مسلمانان برانگیخته می شود. با این حال، مشاهده می شود که گروهی از مردم منصف و واقع بین آمریکا، بویژه بعضی از رهبران کلیساها پیوسته از حقوق مسلمانان این کشور جانبداری کرده اند.

لذا در این مجموعه، سعی بر آن است که وضعیت اسلام در آمریکا، به طور کلی بررسی شود و نیز ابعاد گوناگون زندگی مسلمانان آمریکا از جمله: سازمان های اسلامی، فرقه های اسلامی، وضعیت فعلی و چالش های فرا روی مسلمانان این کشور، دلایل اجتماعی و انسانی گرایش به اسلام، فعالیت های سیاسی مسلمانان و سرانجام، آینده اسلام در آمریکا مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

اما در خاتمه لازم است که از مساعدت ها و پیشنهادات حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج باقر موسوی گلپایگانی - دام عزّه - و همچنین سازمان ها و ارگان های مختلفی از جمله اداره کل هماهنگی های فرهنگی وزارت امور خارجه، اداره کل مطبوعات خارجی، معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی، بخش اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و... و نیز نویسنده و مترجم محترم کتاب مسلمانان سیاه آمریکا و دیگران

که ما را در انجام این گردآوری یاری نموده اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم. به امید آن که این مطلب
رهگشای مبلغان واقعی اسلام قرار گیرد.



نهضت ترجمه
Translation Movement
.TM

فصل اول: پیشینه ورود مسلمانان به آمریکا

امروز در آمریکا، مسأله اعتقاد به اسلام، یک پدیده چشمگیر و یک حرکت اعتقادی - مذهبی رو به رشد است. در دوران گذشته، اسلام در آمریکا، به عنوان یک فرهنگ خارجی - بویژه عربی - تلقی می شد؛ در حالی که امروز به عنوان یک اعتقاد مذهبی بسیار مهم و قابل احترام مطرح است. تعداد زیادی از گروه های مهاجر اظهار می دارند:

در کشف قاره آمریکا، مسلمانانِ آمریکا نیز سهمی داشته اند. طبق اطلاع، در اتاق کلکسیون کتاب های شخصی (کریستف کلمب)، کتابی از یک جغرافیدان عربی به نام (الادریسی) وجود دارد. در این کتاب شرح داده شده که هشت نفر مسلمان، چگونه قاره آمریکا را کشف کرده اند. کریستف کلمب، مترجمی داشت اسپانیایی که از نوادگان عرب بود.(۱).

اما با وجود این، تاریخ دقیق ورود نخستین فرد یا گروه مسلمان به آمریکا، کاملاً روشن نیست؛ گرچه بعضی ها تاریخ ورودشان را به دوره کلمبوس که در تلاش کشف قاره جدید بود، نسبت می دهند. به نظر این دسته از محققان، کلمبوس برای تحقق بخشیدن به تلاش های اکتشافی خویش، به تخصص دریانوردی اعراب متکی بود؛ زیرا اعراب مسلمان، در مقایسه با اروپاییان، تنها کسانی بودند که از دانش های علمی بویژه علم دریانوردی برخوردار بودند. به نظر گروهی از مورخان، نخستین مسلمانی که وارد آمریکا شد (استوانیکو) نام داشت که (مارکوس نیز) را در تلاش اکتشافی برای یافتن منطقه (آریزونا) در سال ۱۵۳۹ راهنمایی می کرد.(۲). از سویی دیگر، بسیاری از تاریخ نویسان آمریکایی مطالب فراوانی را درباره ارتباط مسلمانان با این دنیای جدید نقل کرده اند. مثلاً گفته اند:

در سال ۱۷۱۷، گروهی از بردگان معتقد به خدا و رسولش^۱ با لهجه عربی، وارد این سرزمین تازه شدند.(۳). و برای همین است که می گویند:

تاریخچه اسلام در آمریکا، از اندرون کشی های حامل برده شروع شد. دست کم، یک پنجم برده هایی که از آفریقای غربی به آمریکا آورده شدند، مسلمان بودند.

از این رو، برخی مسلمانان سیاه پوست دوست دارند بگویند:

اسلام بخشی از خاطره ژنتیک سیاه پوستان است.

شایان توجه است که، این خاطره در قرن بیستم، پس از ورود مبلغان فرقه احمدیه به آمریکا، پس از جنگ جهانی اول، بار دیگر زنده شد.(۴).

البته این بردگان، گرچه مسلمان بودند، ولی مجبور شدند از دین خود دست بردارند(۵) و به آیین مسیحیت روی آورند و به این دلیل، نفوذشان بر فرهنگ و جامعه آمریکا ناچیز بود.(۶).

در سال ۱۷۹۰، در ایالت کارولینای جنوبی آمریکا (مورها)(۷) (MOORs) دیده شدند.

بر اساس بیش‌ترین شواهد موجود، شمار مسلمانانی که برای نخستین بار در آمریکا سکونت گزیدند، زیاد نبوده است (۸) و در واقع در دهه ۱۸۶۰ بود که مهاجرت تعداد مشخصی از مسلمانان، بویژه از کشورهای مسلمان خاورمیانه، به آمریکا شروع شد و پس از آن، گروه‌های متعددی از مسلمانان خاورمیانه به صورت پی در پی در خلال دهه‌های ۱۸۸۰، ۱۹۰۰ و ۱۹۱۰ به آمریکا مهاجرت کردند. (۹).

در حقیقت، موج اصلی مهاجرت در سال‌های ۱۸۱۵ - ۱۹۱۲، ۱۹۳۰ - ۱۹۳۸، ۱۹۴۷ - ۱۹۶۰ و از سال ۱۹۶۷ تاکنون بوده است. به دلیل جنگ جهانی و تغییرات متناوب در قانون مهاجرت، مدتی این سیر، متوقف شد. نخستین گروه مقیم، از سوریه و یا از مناطق همجوار سوریه، لبنان، فلسطین واردن کنونی آمدند. بیش‌تر آنان از مناطق کوهستانی و مردم عادی بودند، نه سواد داشتند و نه آشنا به حرفه‌ای بودند. پس از گذشت یک قرن، گروهی از شیعیان لبنانی وارد آمریکا شدند که بیش‌ترشان تنها برای کار موقت و کسب خوشبختی و سپس بازگشت به وطن، آمده بودند؛ ولی اغلب آنان، سرانجام مقیم آمریکا شدند؛ حتی آنانی هم که به کشورشان بازگشته بودند، پس از اندک زمانی، به آمریکا بازگشتند. در این قرن نیز از سایر مناطق دنیا، عده زیادی به آمریکا آمدند که شامل: مسلمانان روسیه و اروپای شرقی، تاتارها، کاکس‌ها، آلبانیایی‌ها، ترک‌ها و یوگسلاوها می‌شود.

در دهه پنجاه، بار دیگر موج تازه‌ای از مهاجرت به آمریکا آغاز شد. این مهاجران بیش‌تر از کشورهای: فلسطین، مصر، سوریه و عراق بودند. آنان به طور کامل، انگلیسی صحبت می‌کردند و پیش از رسیدن به آمریکا، غربی شده بودند. آنان برای آن آمده بودند تا تحصیلات عالیه، مهارت و تکنولوژی جدید را فراگیرند و از موقعیت کاری با تخصص کامل برخوردار شوند؛ ولی سرانجام بیش‌ترشان با زنان آمریکایی ازدواج کرده و عضو جامعه آمریکا شدند.

در دوران حکومت (جانسون)، قانون مهاجرت به آمریکا، در یک مورد اصلاح شد و به مسلمانان اندونزی، پاکستان و هند که دارای مشاغل سطح بالا بودند، اجازه ورود به آمریکا داده شد. (۱۰).

مسلمانان مهاجر پس از ورود به آمریکا عمدتاً در ایالات نیویورک، ماساچوست و پنسیلوانیا اسکان گزیده و تدریجاً در سال‌های بعد به تعداد بیش‌تری در مراکز صنعتی غرب میانه از جمله: میشیگان، اوهایو، ایندیانا و ایلینویز، مستقر شدند و گروهی نیز برای فعالیت‌های کشاورزی، ایالت آیوا را برگزیدند. (۱۱) به نظر مورخ آمریکایی (خانم ایمیلی لاول) عامل تعیین‌کننده چگونگی اسکان یافتن مهاجران مسلمان و همگونی آنان بامحیط جدید، مسأله سنت‌های فرهنگی همراه با ویژگی‌های جغرافیایی ایالات مختلف آمریکا بوده است. در این زمینه کتابی تحقیقی، به قلم (علی کتانی) در سال ۱۹۷۰ به نگارش در آمد که در آن وضعیت زندگی مهاجران مسلمان از ابعاد گوناگون، و از جمله: بُعد فرهنگی و خصوصیات جغرافیایی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

برای مثال، کتانی در کتاب خود سعی کرده نشان دهد که چگونه باورهای مذهبی و فرهنگی مسلمانان در گزینش ایالت خاصی برای سکونت، مؤثر بوده است وی در این باره می‌گوید:

مسلمانان مهاجر هندو، به دو دلیل به فعالیت کشاورزی در ایالت کالیفرنیا پرداختند:

یکی این که در کشور خود نیز قبلاً به کشاورزی اشتغال داشته اند، و دیگر این که متوجه شدند که با کشاورزی، بهتر و آسان تر می توانند اعتقادات مذهبی خود را حفظ کنند. وی در بخش دیگری از کتاب خویش در این زمینه آورده است:.

مسلمانان مهاجر ترکیه ای و مسلمانان مهاجر هندی بهتر از مسلمانان مهاجر عرب، توانسته اند شخصیت فرهنگی و مذهبی خود را در محیط جدید حفظ کنند و از میان اعراب مهاجر نیز، لبنانی ها مذهبی تر از بقیه باقی مانده اند.

به نظر مورخ آمریکایی، خانم لاول، مهاجران جدید مسلمان خیلی بیش تر از مهاجران اولیه به مسائل ایمانی و مذهبی توجه دارند. (۱۲).

همان گونه که قبلاً اشاره شد، تاریخ دقیق ورود مسلمانان به آمریکا مشخص نیست و پژوهشگران در این باره اتفاق نظر ندارند. تنها سند معتبر در این زمینه، تاریخ برده داری در آمریکا و وارد کردن برده از آفریقا، که در بین آنان تعداد قابل توجهی مسلمان نیز وجود داشت، می باشد؛ از این رو، ورود بردگان آفریقا به آمریکای شمالی، تنها واقعه تاریخی مستندی است که بر اساس آن، تاریخ ورود مسلمانان به آمریکا هرچند به صورت ورود اجباری، معلوم می شود. در این زمینه، یکی از پژوهشگران، سال ۱۷۱۷ را به عنوان نخستین سالی می داند که نام های کسانی چون: عمر بن سعید، جابر بن سلمان، پرنس عمرو بن علی در لیست اسامی بردگان آفریقا در آمریکا دیده شده است. (۱۳).

البته بردگی در آمریکا، به شکلی بود که بردگان مسلمان و مهاجر، نمی توانستند اعتقاد مذهبی و فرهنگی خود را حفظ کنند و به گفته (مرحوم) دکتر (اسماعیل فاروخی)، استاد دانشگاه تمپل، برده داران آمریکایی نام های مورد علاقه خود را روی بردگان می گذاشتند و حتی آنان را وادار به پذیرش آیین خود می کردند و از این که بردگان را بازتابی از وجود خود می دیدند، لذت می بردند. (۱۴).

با وجود این، تعداد قابل توجهی از مورخان و پژوهشگران، زمان ورود داوطلبانه مسلمانان به آمریکا را، در ربع آخر قرن نوزدهم ذکر کرده اند. در همین زمینه محققانی چون: (ایوان حداد) و (ادیرلومیس) (ADAIR LUMMIS) سال های ۱۸۷۵ - ۱۹۱۲ را نخستین دوره موج مهاجرت مسلمانان به آمریکا بر می شمارند. به نظر آنان، نخستین گروه مهاجران، افراد یا خانواده هایی بودند که یا به دلیل ناهنجاری ها و فشارهای سیاسی ممالک خود و یا عمدتاً به دلیل بهبود بخشیدن به وضع معیشتی خود، به آمریکای شمالی هجرت کرده اند.

دومین دوره موج مهاجرت در خلال سال های ۱۹۱۸ - ۱۹۲۲، به دلیل بروز هرج و مرج سیاسی و اجتماعی در اروپای شرقی و خاورمیانه - که از پیامدهای جنگ جهانی اول بود - صورت گرفت. و سومین دوره مهاجرت بین سال های ۱۹۳۰ - ۱۹۳۸ اتفاق افتاد. آن گاه پس از پایان جنگ جهانی دوم و بروز نابسامانی ها و مشکلات ناشی از آن، موج چهارم مهاجرت مسلمانان به آمریکا آغاز شد. البته در این دوره، نه تنها مسلمانان از کشورهای خاورمیانه، بلکه از هندوستان، پاکستان، اتحاد جماهیر شوروی سابق، ممالک اروپای شرقی و دیگر ممالک مسلمان نشین نیز به آمریکا مهاجرت کردند. به نظر برخی صاحب نظران، مهاجران تشکیل دهنده موج

چهارم، بر خلاف گروه های مهاجر قبلی - که عمدتاً از طبقات پایین و بی سواد و کم سواد بودند - آنان بیش تر، افراد تحصیل کرده و شهرنشین و متخصص بودند و بعضاً نیز برای رسیدن به آزادی های سیاسی و ایدئولوژیکی به ایالات متحده آمریکا وارد شدند.(۱۵).

بنابه گفته (لاری پاستون) موج جدید مهاجرت مسلمانان به آمریکا از سال ۱۹۶۷، به سبب ایجاد تسهیلاتی در مقررات اداره مهاجرت شروع شد که طی آن، تعداد چشمگیری از مسلمانان از کشورهای نظیر: پاکستان، ایران و ممالک عربی که در میان آنان افراد دانشجو، متخصص، دانشمند، ثروتمند و صاحب حرفه های فنی و تکنیکی به وفور دیده می شد، راهی آمریکا شدند. جالب توجه این که، براساس ارزیابی های اخیر دولت آمریکا، ایرانیان مقیم آمریکا، جایگاه بسیار مهمی در میان همه مهاجران مسلمان و غیر مسلمان سراسر دنیا در ایالات متحده دارند. بر اساس ارزیابی مذکور، مهاجران ایرانی از حیث در صد متخصص و دانشمند و موفقیت در زمینه های علمی و اقتصادی، بعد از مهاجران هندی و تایوانی، در رده سوم قرار دارند.(۱۶).

۱. مجله اسلام، ش ۲، چاپ چین، ۱۹۹۳.

۲. EMILY KALLED LOVEL, "ISLAM IN THE UNITED STATES: PAST AND PRESENT", IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA, 1983,p.94. 3. نشریه اسلام، ش ۲۲، چاپ چین، ۱۹۹۳.

۴. نشریه اکونومیست، چاپ انگلستان، ۹۶/۸/۲۴.

۵. ریچارد پرنتاین، نشریه نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.

۶. EMILY KALLED LOVEL, "ISLAM IN THE UNITED STATES: PAST AND PRESENT", IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA, 1983,P.95. 7. مور: نامی است که اروپاییان معاصر به مسلمانان کرانه

های دریای مدیترانه در شمال غربی آفریقا، اطلاق می کنند.

۸. نشریه اسلام، ش ۲، چاپ چین، ۱۹۹۳.

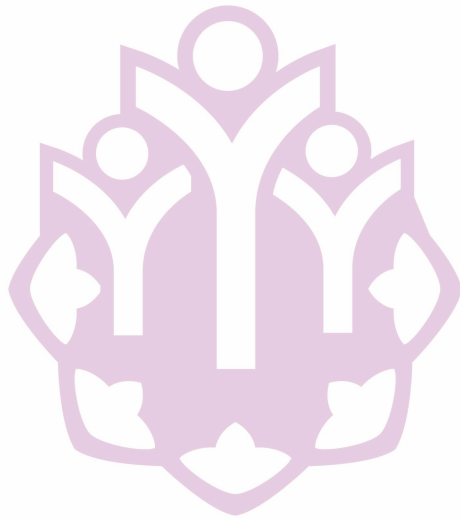
۹. EMILY KALLED LOVEL, "ISLAM IN THE UNITED STATES: PAST AND PRESENT", IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA, 1983,p.95. 10. نشریه اسلام، ش ۲۲، چاپ چین، ۱۹۹۳.

۱۱. EMILY KALLED LOVEL, "ISLAM IN THE UNITED STATES: PAST AND PRESENT", IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA, 1983,p.95 . 12. EMILY KALLED LOVEL, "ISLAM IN THE UNITED STATES: PAST AND PRESENT", IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA, 1983,p.95 . 13. BEVERLEE TURNER MEHDI, 'THE ARAB IN AMERICA' 1492-1977,OCEANA PUBLICA TAIONS,1978,p.p.1-2"ISLAMIC

IDEALS IN NORTH AMERICA, IN THE MUSLIM COMMUNITY
IN NORTH AMERICA, ED. EARLE WAUGHT, BABA ABU-
LABAN, EDMONTON: UNIVERSITY OF ALBERTA PRESS

14. 1983. همان جا.

15. YVONNE YAZBECK, ISLAMIC VALUES IN THE UNITED
STATES, HADDAD ADIR LUMMIS, A COMPARATIVE STUDY, NEW
YORK: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1987. 16. YVONNE
YAZBECK, HADDAD, THE MUSLIM OF AMERICA, N. Y:
OXFORD UNIVERSITY PRESS. 1991 p.33



نہضت ترجمہ

Translation Movement

.INS

فصل دوم: ترکیب و پراکندگی جمعیت مسلمان مقیم آمریکا

با بررسی آمار و ارقام مربوط به روند افزایش یا کاهش پیروان مذاهب مختلف در ایالات متحده درمی یابیم که، اسلام در بین سایر ادیان، سریع ترین رشد را در این کشور داشته است. رشد سریع اسلام در زمان و شرایطی در جریان است که بسیاری از مذاهب دیگر، شاهد کاهش تعداد پیروان خود در آمریکا هستند. رشد سریع اسلام در آمریکا، که از اوایل سال ۱۹۸۰ شروع شد، به دلیل افزایش مهاجرت از ممالک اسلامی به این کشور و نیز گرایش فزاینده مردم بومی آمریکا مخصوصاً سیاه پوستان، به دین اسلام بوده است. بنا به گزارش (شورای مسلمانان آمریکا) طی این مدت بیش از هشتصد هزار مهاجر مسلمان، تنها از ایران وارد آمریکا شده اند. گرچه آمار دقیقی از مسلمانان، (اعم از مهاجر و بومی) به دلیل نبودن آمار جدید، در دست نیست، با وجود این، متخصصان و پژوهشگران، تعداد تقریبی مسلمانان آمریکا را در حدود چهار تا شش و حتی تا دوازده میلیون نفر تخمین می زنند. این بدان معناست که در حال حاضر، تعداد مسلمانان این کشور از تعداد مسیحیان فرقه (ایسکو پالیان) بیش تر است و در اوایل قرن آینده نیز، تعداد مسلمانان بر یهودیان آمریکایی فزونی خواهند گرفت. طبق آمار مندرج در سالنامه کلیساهای آمریکا - کانادا در سال ۱۹۹۱، تعداد مسلمانان بین چهار تا شش میلیون نفر برآورد شده و این رقم، در مقایسه با تعداد پیروان بسیاری از مذاهب دیگر، نشان دهنده آن است که اسلام در زمره بزرگ ترین گروه مذهبی در آمریکا قرار گرفته است. طبق همین آمار، تعداد کل بوداییان ۱۹۴۴۱ نفر؛ کلیساهای ایسترن ۴۰۵۷۳۳۹ باب؛ یهودیان ۵۹۴۴۰۰۰ نفر؛ مسلمانان بین چهار تا شش میلیون نفر؛ کلیساهای ارامنه، لهستانی و کاتولیک سنتی قدیمی جمعاً ۹۷۹۸۳۱ باب؛ تعداد پروتستانها ۷۹۳۸۶۵۰۶ نفر؛ تعداد مسیحیان کاتولیک رومی ۵۷۰۱۹۹۴۸ نفر و خلاصه تعداد پیروان فرقه مذهبی میلانوس جمعاً ۲۰۰۳۲۹ نفر می باشد. (۱).

برخی از تحقیقات نشان می دهد که، مسلمانان تقریباً شصت کشور جهان، وارد آمریکا شده اند. گفته می شود: جامعه مسلمانان مهاجر عرب در این کشور، یک جمعیت دو میلیون نفری را تشکیل می دهند که نیمی از آنان را نسل های سوم و چهارم، یعنی، مهاجرانی که بین سال های ۱۸۷۵ - ۱۹۴۰ به این کشور وارد شده اند، تشکیل می دهند و بنا به قولی، بیش تر افراد معتقد به دین خود هستند، و حال آن که مهاجران ترکیه ای، که تعدادشان را یکصد هزار نفر برآورد می کنند عمدتاً سکولار هستند؛ هر چند در میانشان کم نیستند افرادی که اسماً و توارثاً مسلمانند.

گرچه آمار دقیق مسلمانان ساکن در آمریکا معلوم نیست، ولی برخی از برآوردها، مانند آمار اداره مهاجرت و اداره سرشماری آمریکا، جمعیت آنان را در این کشور، در سال ۱۹۸۰، ۳/۳ میلیون نفر تخمین زده اند. در حال حاضر، تعداد مسلمانان مقیم آمریکا (اعم از مسلمانان مهاجر و مسلمانانی که در این کشور به اسلام گرویده اند) جمعاً رقمی بین پنج تا شش میلیون نفر تخمین زده می شود که بنابه برخی ارزیابی ها، این تعداد تا سال

دوهزار تقریباً دو برابر خواهد شد. با نگاهی به روند گذشته در می یابیم که همواره تعداد مسلمانان در آمریکا، خصوصاً از دهه ۱۹۸۰ به بعد، سریعاً در حال رشد بوده است.

آمار نشان می دهد که، در طی دهه گذشته، هجرت مسلمانان به آمریکا، در مقایسه با هجرت غیر مسلمانان، بیش از دو برابر بوده است و از آن جایی که کشورهای آسیایی، خاورمیانه و شمال آفریقا بیش ترین جمعیت مسلمانان جهان را در خود دارند، می توان گفت: تقریباً تمامی مسلمانان مهاجر در آمریکا از همین ممالک هستند. طبق آمار اداره مهاجرت آمریکا در سال ۱۹۸۶ تعداد ششصد هزار پاکستانی و ۲۸۰۰ افغانی جمعاً ۸٪ کل مهاجران مسلمان مقیم آمریکا را تشکیل می دادند. تعداد مهاجران ترکیه ای که در اوایل سال ۱۹۸۰، نزدیک به ۲۴٪ کل مهاجران مسلمان آمریکا را تشکیل می دادند، تدریجاً کاهش یافته و به ۶٪ رسیده است. میزان رشد هجرت مسلمانان از کشورهای شمال آفریقا در دهه ۱۹۷۰، بر خلاف دهه ۱۹۶۰، کاهش یافت و بعدها سیر صعودی یافت؛ ولی به طور کلی مسلمانان مهاجر شمال آفریقا که قبلاً ۲۶٪ کل مهاجران منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را تشکیل می دادند، کم کم کاهش یافته و به ۱۲٪ رسید؛ ولی با وجود این کاهش، تعداد کل مهاجران خاورمیانه و شمال آفریقا طی دهه گذشته افزایش داشته است. (۲).

بر اساس آمار سال ۱۹۸۶ اداره مهاجرت آمریکا بیش ترین مهاجرانی که از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به آمریکا هجرت کردند، ایرانی بودند؛ یعنی، نزدیک به ۵۲٪ از مجموع مسلمانان هجرت کننده به آمریکا را ایرانیان تشکیل می دادند.

به عبارت دیگر، یک چهارم - مهاجران مسلمان در آمریکا ایرانی بودند که از این حیث، تعداد مهاجران ایرانی، نسبت به مهاجران دیگر کشورهای مسلمان بیش تر بوده است.

طبق آمار اداره مهاجرت آمریکا، ۷۰٪ از کل مهاجران مسلمان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را، تنها مهاجران آفریقایی، ترکیه ای و ایرانی، تشکیل می دادند. (۳).

طبق آمار سال ۱۹۹۱، شمار مسلمانانی که از کشورهای مختلف به آمریکا مهاجرت کرده اند، به شرح زیر است: (۴).



البته لازم به ذکر است که ارقام و اعداد ارائه شده در این جدول، بیش تر جنبه تخمینی دارد؛ زیرا دولت آمریکا مذهب مهاجران را ثبت نمی کند. (۵).

همچنین بر اساس پژوهش (شورای مسلمانان آمریکا) در سال ۱۹۹۲، از مجموع مسلمانان این کشور، ۴۴٪ آنان را مسلمانان بومی و ۵۶٪ بقیه را مهاجران کشورهای مسلمان تشکیل می دادند که از بین این مهاجران، در حدود ۲۴/۴٪ از کشورهای جنوب آسیا، ۱۲/۴٪ از کشورهای عربی، ۶/۲٪ از کشورهای آفریقایی، ۳/۶٪ از ایران، ۲/۴٪ از ترکیه، ۲٪ از جنوب شرقی آسیا و ۵٪ از نقاط دیگر وارد این کشور شده اند. از مجموع مسلمانان بومی آمریکا نزدیک به ۴۲٪ سیاه پوست و ۱۰٪ بقیه سفید پوست هستند. (۶).

به هر حال، اسلام در آمریکا بر پایه مهاجران کشورهای عرب استوار شده است. آنان همانند پدران و اجدادشان تکلم می کنند و سخن می گویند. یکی از این افراد به نام دکتر (حسن حتمحوت) می گوید:

ازچهل سال پیش تاکنون به حرفه پزشکی اشتغال دارم، من مصری الاصل و تحصیل کرده انگلستان هستم و مدت ها در کویت استاد دانشگاه بودم وازشش سال پیش به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده ام وهمسر و دخترم نیز هر دو پزشک هستند.(۷).

بسیاری از مهاجران، افرادی متخصص هستند و به طور مثال می توان به پزشکان مهاجر مصری ومهندسان مهاجر هندی و پاکستانی اشاره کرد. کارگرانی از یمن، روشنفکرانی از کرانه باختری تحت اشغال رژیم صهیونیستی و تاجرانی از ایران نیز در میان آنان دیده می شوند.(۸).

در مورد مهاجران یمنی، سید راشد، امام جماعت یکی از مساجد و رهبر معنوی غیر رسمی مسلمانان می گوید: بیش تر مهاجران یمنی فعالیت خود را با کار در مزارع کشاورزی آغاز می کنند، چون آنان در کشور خود نیز به کشاورزی اشتغال داشته اند. این مهاجران سپس ممکن است به لوس آنجلس یا ارنج کاونتی بروند و در رستوران ها ویا در بخش ساختمان به کار مشغول شوند، آنان بسیار سخت کوش هستند. آنان تا می توانند، پول جمع می کنند و سپس کار و کاسبی کوچکی برای خودشان به راه می اندازند؛ و می توان گفت که، ۹۵٪ یمنی ها درحال حاضر، در زمینه های تجاری و بازرگانی به کار مشغولند. همچنین وی افزود:.

این جا سرزمین امکانات است. اگر کسی با جدیت تلاش کند، در هر زمینه ای که بخواهد موفق می شود؛ زیرا امکانات برایش فراهم است و ما بخشی از این کشور هستیم و آینده خویش را در این جا می بینیم.(۹). ضمناً در بین مهاجران، هنوز کسانی یافت می شوند که به جز لباس عربی، لباس دیگری نمی پوشند و بر تعطیلی کار به هنگام اقامه نمازهای پنج گانه اصرار می ورزند و از همه مهم تر این که کودکان مسلمان در آمریکا، دست در دست پدرانشان به سوی مسجد روانه می شوند. بیش تر مهاجران می کوشند تا با ساختن مراکز مهم عبادی در کشور مقصد، ارتباط صادقانه خود را با سرزمین مادری شان و نیز با یکدیگر حفظ کنند. از این رو، مراکز مهمی را در شهرهای واشنگتن، شیکاگو، لوس آنجلس و... بر پا کرده اند و در شهرهای مختلف گلدسته های چشم نوازی در کنار آسمان خراش ها دیده می شود و نیز ده ها هزار دانش آموز دختر و پسر به منظور فراگیری زبان عربی و اصول دین اسلام به مدارس اسلامی می روند.(۱۰).

آنان غیر از این که دارای هویت مذهبی جداگانه ای هستند، خود را نیز با محیط تطبیق می دهند. دکتر (حتوت) در این زمینه می گوید:.

ما به هویت اسلامی - آمریکایی خود مباحثات می کنیم. ما می خواهیم که بخشی از جامعه پر تنوع آمریکا باشیم. ریشه و اصلیت مامتعلق به مشرق زمین است و فقط حال و آینده ما در این جا قرار دارد.(۱۱). همان گونه که پیش تر اشاره شد، دین اسلام در آمریکا، از ادیانی بوده که سریع ترین رشد را داشته است و این امر، به سبب مهاجرت از کشورهای واقع در کمربند سبز (از مراکش تا نقطه خاورمیانه، ایران، پاکستان، هند و نیز مالزی)(۱۲) و زاد و ولد در خانواده های مسلمان بوده است.(۱۳). دکتر (حداد) از دانشگاه ماساچوست در این زمینه می گوید:.

- مسلمانان را مهاجران و یا فرزندان آنان تشکیل می دهند. یافتن آمار دقیق رشد مسلمانان نیز همچون دست یابی به تعداد کل آنان، کاری دشوار است؛ چرا که تازه واردهای آمریکا را از لحاظ مذهب طبقه بندی نمی کنند. بنابراین، شمردن صرف کسانی که از کشورهای پرجمعیت مسلمان هستند نیز کار دقیقی نیست. (۱۴).

واقعیت غیر قابل انکار دیگر این که، به نظر بسیاری از کارشناسان، شمار مسلمانان آمریکا تا سال دو هزار، بیش از آمار یهودیان خواهد شد و این مسأله در آینده، اسلام را مذهب دوم آن کشور معرفی خواهد کرد؛ ولی صهیونیسم ها برای تضعیف روند پر شتاب اسلام در آمریکا، تبلیغات زیادی کرده اند و گفته اند:

بررسی سال ۱۹۹۰ درباره مسائل مذهبی نشان می دهد که، مسلمانان در مقایسه با ۸٫۱٪ جمعیت یهودیان، تنها نیم در صد جمعیت بزرگسال ایالات متحده؛ یعنی، حدود یک میلیون بزرگسال را تشکیل می دهند. (۱۵).

درباره پراکندگی جمعیت مسلمان مقیم آمریکا نیز باید گفت: آنان در سراسر مملکت، پراکنده اند؛ ولی بیش ترین تمرکزشان در شهرهای بزرگ است. بیش تر مهاجران مسلمان پس از ورود به این کشور در ایالت هایی چون: کالیفرنیا، نیویورک و ایلینویز اسکان گزیدند. گروهی از این مهاجران با توجه به مهارت ها و علایق کاری و حرفه ای، شهرهایی چون: دیترویت، دیربورن، تالیدو و شیکاگو را برای زندگی انتخاب کرده اند. در هر یک از شهرهای مذکور در حال حاضر بیش از سیصد هزار مسلمان زندگی می کنند. بعضی از مهاجران تدریجاً از ایالت نیویورک به قصد پنسیلوانیا، ویرجینیای شمالی و کارولینای شمالی نقل مکان کرده اند.

برخی از تحقیقات حاکی است که، مسلمانان مستقر در ایالات مختلف آمریکا از لحاظ ترکیب قومی و نژادی با یکدیگر فرق دارند. برای مثال، مسلمانان ساکن ایالت کالیفرنیا عمدتاً از ممالک خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیا هستند، در حالی که مسلمانان مستقر در نیویورک، بیش تر از مهاجران اروپای شرقی، خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. مسلمانان ایلینویز نیز ترکیبی از مهاجران اروپای شرقی، خاورمیانه ای، شمال آفریقا و سیاهان آمریکایی هستند. از سویی دیگر، در گذشته مسلمانانی که از خاورمیانه و شمال آفریقا به آمریکا مهاجرت می کردند از نظر تعداد، بیش تر از مسلمانان سایر ممالک بودند؛ ولی در سال های اخیر این روابط تغییر یافت به طوری که مسلمانانی که از آسیا به این کشور مهاجرت می کنند بیش تر از مهاجران سایر کشورها هستند. در حال کنونی بیش ترین مسلمانان مهاجر به آمریکا را ایرانی ها و پاکستانی ها تشکیل می دهند. (۱۶).

همان گونه که پیش تر اشاره شد چون اداره آمار و سرشماری جمعیت در آمریکا، هیچ گونه آماری در باره علایق و وابستگی های مذهبی مردم این کشور عرضه نمی کند، از این رو، بررسی آمار جمعیت مسلمانان عمدتاً به صورت نظر خواهی های مقطعی و غالباً محلی از سوی برخی از انستیتوها و مؤسسات اسلامی صورت می گیرد که چندان دقیق و قابل تعمیم نبوده و بیش تر مبنی بر برآوردها و تخمین های نسبی است. برای مثال، (انستیتوی منابع اسلامی) (۱۷) اخیراً طی یک نمونه گیری آماری از تعدادی از مساجد سعی کرد ترکیب نژادی و قومی مسلمانان مرتبط با مساجد مورد نظر را تعیین نماید. بر اساس نظر خواهی انستیتوی مذکور، معلوم شد که نزدیک به ۲۵٪ از این مساجد اعلام داشتند که، مسلمانان سیاه بومی، بیش ترین تعداد مسلمانان مساجد مزبور را تشکیل می دهند، حال آن که ۲۳٪ مساجد معتقد بودند که، بیش ترین گروه مسلمانان آنان اعراب هستند و ۱۹٪ بقیه بر این باور بودند که، مهاجران مسلمان از هندوستان، پاکستان و

بنگلادش بیشترین افراد عضو را تشکیل می دهند. به بیانی دیگر، طبق ارزیابی انستیتوی مزبور، سیاه پوستان بومی آمریکا، اعراب و مهاجران شبه قاره هند سه گروه اصلی و عمده مسلمانان اهل مسجد در این کشور به شمار می آیند. (۱۸).

همچنین بررسی آماری (انستیتوی منابع اسلامی)، حاکی است که، در برخی از مراکز عمده نظیر: شهر بوستون، نیویورک و اورنج کانتی ترکیب متوازی از همه گروه های مسلمان، شامل مسلمانان مهاجر و بومی وجود دارد، هر چند که این ترکیب در همه ایالات و شهرهای مختلف آمریکا به چشم نمی خورد. بررسی مذکور تعداد مسلمانان غیر مهاجر آمریکا، یعنی، مسلمانان سیاه پوست را ۴۰٪ بر آورد کرده و نتیجه گرفته است که، در خلال دهه های گذشته درصد قابل توجهی از سیاه پوستان کشور به اسلام گرویده اند. البته گرایش به اسلام در بین سفید پوستان نیز وجود داشته، ولی درصد آن در مقایسه با سیاهان بسیار ناچیز (نزدیک ۲٪) بوده است. تحقیقات پژوهشگران درباره مسلمانان آمریکا، تقریباً نتایج مشابهی را نشان می دهد، هر چند که در مواردی اختلافاتی نیز به چشم می خورد. نمونه این که، براساس تحقیقات متعدد صورت گرفته در این زمینه مسلمانان آمریکا، بر خلاف بعضی از پیروان مذاهب دیگر دارای اجتماعات محلی و محدود به منطقه خاصی نیستند. به عبارتی دیگر، برخلاف پیروان فرقه مسیحی مورمن که در ایالت یوتا متمرکز هستند، مسلمانان در بیش تر ایالات آمریکا پراکنده اند، هر چند تمرکز شان در برخی از شهرهای عمده نظیر: نیویورک، لوس آنجلس، شیکاگو، دیترویت و بوستون بیش تر به چشم می خورد. (۱۹).

به طور کلی بیشترین مراکز مهم و نیز تمرکز مسلمانان در آمریکا، به ترتیب در هفت شهر بزرگ زیر واقع شده است:.

نیویورک، شیکاگو، لوس آنجلس، دیترویت، واشنگتن، سان فرانسیسکو و بوستون. (۲۰).

شایان ذکر است که در برخی از اجتماعات بزرگ مسلمانان، تعداد پیروان فرقه خاصی از اسلام بیش تر دیده می شود، هر چند که این امر در همه شهرهای مسلمان نشین این کشور مصداق ندارد. برای مثال، شهر (دیربورن) (DEARBORN) میشیگان، که مرکز اصلی شیعیان لبنانی به شمار می رود، تعداد شیعیان لبنانی این شهر، به دلیل تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ و مهاجرت گروه زیادی از شیعیان لبنانی به آمریکا، (۲۱) بزرگ ترین رقم اتباع مسلمان در این شهر را داراست. (۲۲) همچنین لازم به ذکر است که - دانش آموزان پسر و دختر در این شهر، مسلمان هستند و در رستوران های این مدارس، گوشت خوک که نزد مسلمانان حرام است، صرف نمی شود. (۲۳).

در شهر دیترویت نیز شیعیان زیادی از ممالک عربی، خصوصاً لبنان به چشم می خورد. (۲۴) این شهر یکی از مراکز صنعتی و پر جمعیت ترین شهرهای مسلمان نشین آمریکاست که اقلیت های مذهبی بسیاری را بویژه در دهه اخیر به خود جلب کرده است. طبق آخرین گزارش و آمار تخمینی، تعداد مسلمانان این شهر را بالغ بر دویست هزار نفر تخمین زده اند. وضعیت مسلمانان و سایر اقلیت های مذهبی از ملیت های مختلف در این شهر به شرح زیر است:.

مسلمانان لبنانی که جمعیت آنها بین شصت تا صد هزار نفر است و نسبت به سایر اعراب ساکن آن جا از رفاه و وضع مالی بهتری برخوردار هستند، بیش تر شیعه هستند و در حدود ۸۰ تا ۹۰٪ آنان به انقلاب اسلامی ایران علاقه مند و یا گرایشاتی دارند. تعداد یمنی های این شهر به ده الی سی هزار نفر تخمین زده می شود که بیش تر آنان زیدی (چهار امامی) و تا حدودی محافظه کارند. فلسطینی های این شهر نیز که کم تر از ده هزار نفرند، بیش تر از مسلمانان و مسیحیان تشکیل شده اند. تعداد عراقی ها بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده می شوند که اغلب آنان از مسیحیان (کلدانی) هستند. و تنها ۲٪ آنان مسلمانند که از وضع مالی چندان خوبی برخوردارند. این اقلیت مذهبی دارای نشریاتی نیز هستند؛ نظیر: نشریه عربی زبان صوت الوطن که مواضع آن بر ضد جمهوری اسلامی ایران است. شهرهای دیترویت و دیربورن کلاً دارای هفت مسجد و مرکز اسلامی است و نیز این شهر دارای چهار برنامه رادیویی (به زبان عربی) است که همچنان موفق ترین آنها برنامه بعثی های عراق است. (۲۵).

در لوس آنجلس نیز ده ها هزار ایرانی که عمدتاً شیعه هستند به سر می برند. (۲۶) همچنین با وجود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار مسلمان و حدود پنجاه مرکز اسلامی در این منطقه، دیگر یافتن محلی برای به جا آوردن نماز، کار دشواری نیست. (۲۷).

تعداد شیعیان مقیم شهرهای واشنگتن و حومه آن که عمدتاً ایرانی هستند، نیز قابل توجه است. بر اساس برخی ارزیابی ها در حدود ۴۵ تا ۷۰ هزار ایرانی همراه با ده ها هزار مسلمان مهاجر از ممالک دیگر در این منطقه زندگی می کنند که در این میان، مهاجران ایرانی عمدتاً شیعه هستند. (۲۸). به هر رو، تعداد مسلمانان واشنگتن رو به افزایش است و سبب این امر را می توان در افزایش تعداد مهاجران و نیز گرایش روز افزون آمریکایی ها به اسلام دانست. (۲۹).

ناحیه میدوست، که یکی از مراکز عمده تجمع مهاجران عرب در ایالات متحده آمریکاست، دارای مساجد بزرگی است. بیش تر مسلمانان این ناحیه لبنانی اند و با شیوه زندگی آمریکایی مأنوس شده اند. هر چند که بر اثر شرایط جدید جهانی، یکدستی و یکنواختی قبلی در رفتار افراد این جامعه مسلمان به هم خورده است. هجوم مسلمانان مهاجر پاکستانی (غالباً پیشه ور)، یمنی (غالباً بی سواد)، فلسطینی و شیعه های جنوب لبنان، کار و فعالیت مراکز مذهبی این ناحیه را با مشکل مواجه ساخته و موجب آشفتگی هایی شده است.

مشکل دیگر این مراکز، وجود رهبرانی است که از تولد یافتگان و پرورش دیدگان خارج از آمریکایند و نگران آنند که (اسلام) به کسوت آمریکایی در آید. این رهبران در مراکز تحت نفوذ خود دست به اقدام زده و مانع از اجرای اعمالی می شوند که نشان از تقید زندگی آمریکایی دارد؛ از قبیل: حضور زنان بی حجاب در مراسم نماز جماعت، شرب خمر و رقص و پایکوبی در ساختمان های وابسته به مسجد؛ زیرا این کارها با مبانی شریعت منافات دارد. در برخی موارد مشکلات از آن جا ناشی می شود که مساجد تلاش می کنند تا هم به مهاجران جدید و هم به دانشجویان خود رسیدگی کنند. در یک ناحیه، مرکز اسلامی تلاش می کند گروه زیادی از پناهندگان مسلمان جنوب شرقی آسیا را زیر چتر حمایت خود بگیرد و وارد جامعه اسلامی نماید. در یکی از شهرهای منطقه (میدوست) اقلیت مسلمان، جمعیت قابل ملاحظه ای را تشکیل می دهد به طوری که دولت

حضور آنان را به عنوان یک مجموعه مشخص به رسمیت شناخته و برای ارائه خدمات ویژه مطابق با معیارهای مذهبی آنان اعلام آمادگی کرده است؛ مثلاً، در برخی مدارس دولتی دوزبان آموزش داده می شود و به بچه های مسلمان در روزهای اعیاد مذهبی مرخصی می دهند. در یک منطقه که تراکم جمعیت مسلمان زیاد است، بازار متمرکز و فعالی وجود دارد که خدمات و کالاهای مورد نیاز و علاقه هر گروه و قومی را مانند: موسیقی محلی، ادویه، شیرینی، رستوران، وسایل سرگرمی و کتاب ها و مجله های گوناگون (۳۰) در اختیارشان قرار می دهد.

دلیل عمده ای که عموم مهاجران برای اظهار رضایت از زندگی در ناحیه میدوست ابراز کرده اند آن است که، مسلمانان زیادی از کشورهای عربی، از سال ها پیش این منطقه را وطن خویش قرار داده اند و وجود تعدادی مسجد و باشگاه و مراکز تجمع برای مسلمانان باعث می شود که هر مهاجر از راه رسیده ای احساس غربت نکند. در این منطقه، بعضی از مسلمانان، از طریق ازدواج، رابطه خویشاوندی با یکدیگر پیدا کرده اند و بیش تر این مسلمانان از اعقاب مهاجران مسلمانی هستند که در ابتدای قرن بیستم به آن جا آمده بودند. سوابق و آمار نشان می دهد که، برخی از مسلمانان در دهه ۱۹۳۰ تا حدود ایالت داکوتای شمالی هم رفتند و به عنوان نیروی کار ناحیه میدوست در صنایع به کار پرداختند. در برخی اوقات مثلاً، در جوار یک مسجد، می توان متوجه شد که تراکم مسلمانان در این ناحیه، آن قدر است که می توان آن را یک کولونی یا محله اسلامی به شمار آورد. این نقاط پر تراکم به فرد مهاجر این احساس را القا می کند که وی فردی متعلق به جامعه است و احساس راحتی و امنیت می کند. با تمام این احوال، بسیاری از مسلمانان منطقه از تراکم جمعیت مسلمانان و نزدیکی آنان به یکدیگر دغدغه خاطر دارند. مثلاً احساس می کنند که در این شرایط انگیزه کم تری برای یادگیری انگلیسی پیدا می کنند و یا کم تر در صدد شناخت فرهنگ آمریکایی و ارتباط با آن بر می آیند. یکی از مسلمانان ساکن منطقه از ورود گروهی از روستاییان یمنی اظهار نگرانی می کرد. او می گفت:

آنان به نظافت، امانت، نظم و ترتیب اهمیت چندانی نمی دهند و در امور خود دقیق نیستند. البته این نقطه ضعف ها مانع از قبول آنان در جامعه مسلمانان نمی شود.

بدیهی است که مسلمانان هر منطقه در خصوص مزایای زندگی در آن احساس متفاوتی دارند. بعضی ها عقیده دارند که، زندگی در جمع مسلمانان به آنان احساس امنیت می دهد و درد دوری از وطن را نیز تسکین می دهد. آنان در جامعه ای که اسلام را نمی شناسد، احساس انزوا و تنهایی نمی کنند و اگر موردی پیش آید که لازم باشد به وطن اصلی خود خدمتی بکنند، بیش تر فرصت آن را پیدا می کنند. البته این حقیقت را نباید فراموش کرد که فشار تبلیغاتی سال های اخیر علیه لبنان و لبنانی ها موجب می شود که آنان احساس تنهایی و انزوا بکنند.

در ناحیه شمال ایالت نیویورک، مسلمانان به سه گروه قومی پاکستانی، یمنی و ترک ها تقسیم می شوند. یمنی ها و ترک ها غالباً از سطح آموزشی پایینی برخوردارند و حال آن که بیش تر پاکستانی ها از درجات تحصیلی دانشگاهی برخوردارند. از نظر وضع اجتماعی، پاکستانی ها غالباً از طبقه متوسط، دارای توانایی های حرفه ای اند و در نظام اجتماعی، افراد موثری به شمار می آیند. از نظر دینی نیز پاکستانی ها مسلمانان سنتی

و آگاه به شمار می آیند. در مسجد پاکستانی های منطقه تعداد زیادی هندی، مصری، یمنی و برخی از اعراب مسلمان کشورهای دیگر حضور پیدا می کنند، اقلیت ترک های مسلمان که بیش تر در حرفه های خیاطی و لباس فروشی شاغلند، مسجد مختص به خود دارند و با پاکستانی ها جز به هنگام مجالس عمده اعیاد، تماس چندانی ندارند.

اغلب مسلمانان این منطقه مهاجران تازه ای هستند که در عرض ده، پانزده سال اخیر به ایالات متحده آمریکا وارد شده اند. این گروه از مسلمانان، غالباً برای ادامه تحصیلات تخصصی دانشگاهی به آمریکا آمده اند و پس از فراغت از تحصیل توانسته اند در مؤسسات علمی، صنعتی و اداری منطقه جذب شوند. آنان اکنون به میانسالی رسیده و دارای فرزند هستند و در عین علاقه به ماندن در آمریکا، راغب و مقید هستند که فرزندان شان با ارزش های اسلامی بیگانه نباشند.

این مهاجران با آن که از طریق عضویت در سازمان ها و همکاری در محیط های کار با یکدیگر تماس ندارند، ولی می کوشند با دیگر خانواده های مسلمان تماس و معاشرت داشته باشند و نظر به این که این نوع تماس ها و معاشرت ها مستلزم مسافرت های زیاد است، این نوع مهاجران را می توان گروه های متحرک نامید. (۳۱).

همان گونه که پیش تر بدان اشارت رفت، به تازگی مهاجران فراوانی از پاکستان به این ناحیه آمده اند که اغلبشان دارای تحصیلات عالیه بوده و در سازمان های حرفه ای و تجاری به کار مشغول شده اند. آنان به دلیل وجود امکانات شغلی به این منطقه روی آورده اند، و معمولاً در کنار هم زندگی نمی کنند، بلکه بیش تر به صورت پراکنده و منزوی در شهر یا حومه، منزلی خریده و یا اجاره کرده و زندگی می کنند. در این جا مسلمانان به ندرت در جوار یکدیگر زندگی می کنند، پاکستانی ها هم همین وضع را دارند. در عین حال خیلی از آنان سعی می کنند به مساجد رفت و آمد کنند و از این طریق با یکدیگر آشنا شوند، و حتی برای ایجاد رابطه و آشنایی به منازل یکدیگر بروند. اگر چه به خاطر این دیدارها مجبور باشند، ساعت ها رانندگی کنند. با این که بیش تر مسلمانان ساکن این منطقه معتقدند که بخش شمالی ایالت نیویورک، زیستگاه مناسبی برای مسلمانان است، ولی گروهی هم عکس این نظر را باور دارند.

برای یافتن شغل مناسب در این منطقه نیز مانند دیگر مناطق آمریکا، افرادی که از تخصص یا حرفه ای برخوردار باشند به آسانی شغلی مناسب پیدا می کنند؛ ولی برای آنانی که مهارت کافی نداشته باشند و یا تحصیلاتی نکرده باشند، شغل یابی مشکل است.

البته لازم به ذکر است که مسلمانان تولد یافته در آمریکا، خیلی بیش تر از مهاجران از راه رسیده می توانند نظر مساعد نسبت به یک منطقه داشته باشند.

همچنین کسانی که مدت زمان بیش تری سابقه اقامت داشته اند، نظر موافق تری ابراز کرده اند؛ مثلاً در میان کسانی که در سال ۱۹۸۰ یا پس از آن به آمریکا هجرت کرده اند، ۳۵٪ آنان از محل اقامت خود اظهار رضایت می کنند ولی از میان کسانی که پیش از سال ۱۹۸۰ به آمریکا آمده اند، ۶۰٪ آنان اظهار رضایت می کنند که البته این مسائل را می توان در دو جدول زیر نشان داد: (۳۲).

پاسخ به این پرسش: آیا این ناحیه را در حال حاضر برای سکونت مسلمانان مناسب می دانید ضریب همبستگی = ۱۵٪، سطح معنا داری = ۰۰۱,۰ و کل جامعه آماری = ۳۳۴.

پاسخ به این پرسش: آیا این ناحیه را در حال حاضر برای سکونت مسلمانان مناسب می دانید ضریب همبستگی = ۱۲٪، سطح معنا داری = ۰۳,۰ و کل جامعه آماری = ۲۱۲.

شایان توجه است که در منطقه نیویورک، شهرکی عربی با نام LITTLE ARABIA (الحی العربی الصغیر) وجود دارد. این شهرک به دلیل وجود اعراب زیاد در این منطقه، به این نام مشهور شده است. در این شهرک، دختران جوان، شلوارهای جین و روی آنها مانتوهای سیاه و گشاد می پوشند و به این ترتیب حجاب خود را حفظ می نمایند. (۳۳).

ایالت کالیفرنیا با داشتن حدود یک میلیون و هفتصد هزار مسلمان از لحاظ جمعیت مسلمان در میان ایالت های آمریکا در رده ششم قرار دارد. این ایالت با این که بیش ترین مساجد آمریکا را در خود جای داده است، ولی از لحاظ بافت و ترکیب جمعیتی، جمعیت مسلمان بسیار ناهمگون و نامناسبی را داراست. (۳۴). در ایالت جورجیا در شهر آتلانتا نیز تعدادی مسجد وجود دارد و در هر جمعه، صدها نفر به سوی مرکز اسلامی برای ادای نماز جمعه روانه می شوند. (۳۵).

ولی با این همه، ترکیب متنوعی از مسلمانان مهاجر و بومی، شیعه یا سنی در شهرهای بزرگ و کوچک آمریکا وجود دارد. نکته قابل توجه این که، پراکندگی مساجد مسلمانان در شهرهای بزرگ و کوچک متناسب با تمرکز جمعیت مسلمانان در این شهرها نیست. بدین معنا که از ۱۱۰۰ مسجدی که - طبق برآورد (انستیتیوی منابع اسلامی) - در سراسر ایالات متحده وجود دارد، فقط یک سوم آنها در شهرهای بزرگ واقع شده اند، حال آن که یک چهارم از این مساجد در شهرهایی قرار دارد که جمعیت آنها کم تر از صد هزار نفر است و نیز ۲۷٪ از آنها در شهرهایی واقع شده که بین صد تا پانصد هزار نفر جمعیت دارند. با این حال، در تمام مساجد آمریکا تنوع خاصی از مسلمانان مختلف به چشم می خورد که حاکی از پراکندگی و استقرار مسلمانان مهاجر و بومی در سراسر این کشور است. (۳۶).

۱. YEARBOOK OF AMERICAN, AND CANADIAN CHURCHES, 1991. 2. YVON YAZBECK, HADDAD, THE OF AMERICA, N. Y: OXFORD UNIVERSITY PRESS. 1991 p.33. 3. YVON YAZBECK, HADDAD, THE OF AMERICA, N. Y: OXFORD UNIVERSITY PRESS. 1991 p.33. 4. اداره مهاجرت آمریکا، آلماناک جهانی، ۱۹۹۳.

۵. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.

۶. AMERICAN MUSLIM COUNCIL, 1991. 7. المجله ۹۴/۹/۱۱.

۸. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.

۹. همان جا.

۱۰. المجله، ۹۴/۹/۱۱.

۱۱. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا ۹۳/۶/۲.

۱۲. رابرت، مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۱۳. لاری شارل، یو.اس.آ.تودی، چاپ آمریکا ۹۶/۴/۱۴.

۱۴. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.

۱۵. لوری شارون، یو.اس.آ.تودی، چاپ آمریکا، ۹۶/۸/۲۳.

۱۶. 17. YVON YAZBECK HADDAD, 1991. یک سازمان تحقیقات غیر انتفاعی در

ناستین کالیفرنیا در نزدیکی شهر لوس آنجلس است.

۱۸. CONGRESSIONAL QUARTERLY, R. 1993,p.374. 19. YVONNE

HADDAD AND JAME IDELMAN, SMITH MISSION TO AMERICA: FIVE ISLAMIC SECTION MOVEMENT IN NORTH AMERICA,

20. 1993. مقاله تحقیقی داوود هارون، تاریخ جامعه اسلامی در هوستون، کنفرانس جهانی اهل البیت .

۲۱. YVONNE HADDAD AND JAME IDELMAN, SMITH MISSION TO

AMERICA: FIVE ISLAMIC SECTION MOVEMENT IN NORTH

AMERICA, 1993. 22. اسعد احمد، العالم الاسلامی، چاپ عربستان ۸۱/۱۲/۲۴.

۲۳. المجله، چاپ انگلستان ۹۴/۹/۱۱.

۲۴. YVONNE HADDAD AND JAME IDELMAN, SMITH MISSION TO

AMERICA: FIVE ISLAMIC SECTION MOVEMENT IN NORTH

AMERICA, 1993. 25. (وضعیت فرق مختلف از جمله مسلمانان در دیترویت و لزوم تبلیغ بیش تر

در آمریکا)، از گزارشات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

۲۶. YVONNE HADDAD AND JAME IDELMAN, SMITH MISSION TO

AMERICA: FIVE ISLAMIC SECTION MOVEMENT IN NORTH

AMERICA, 1993. 27. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا ۹۳/۶/۲.

۲۸. YVONNE HADDAD AND JAME IDELMAN, SMITH MISSION TO

AMERICA: FIVE ISLAMIC SECTION MOVEMENT IN NORTH

AMERICA, 1993. 29. گاریل ماخی، واشنگتن پست، چاپ آمریکا، ۸۳/۴/۱۳.

۳۰. ایون یازبک حداد و آدیرت - لومیس، گسترش ارزشهای اسلامی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه افضل

وثوقی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۷.

۳۱. همان، ص ۲۹.

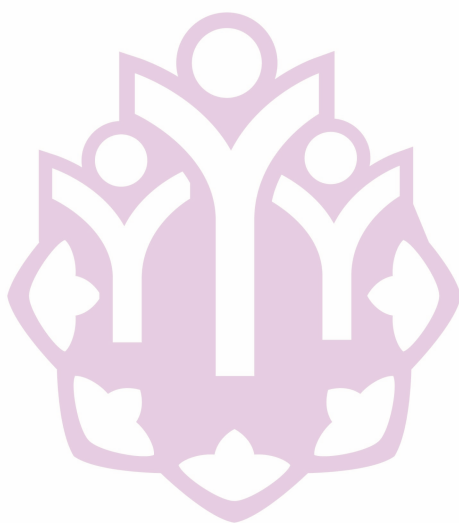
۳۲. همان، ص ۱۱۳.

۳۳. المجله، چاپ انگلستان، ۹۴/۹/۱۱.

۳۴. سخنرانی دکتر انوردیل، استاد دانشگاه بین المللی آمریکا در کنفرانس سالیانه انجمن دانشمندان مسلمان علوم اجتماعی.

۳۵. المجله، چاپ انگلستان ۹۴/۹/۱۱.

۳۶. CONGRESSIONAL QVARTERLY R.1993,p.374.



نہضت ترجمہ
Translation Movement
TM

فصل سوم: سازمان ها و تشکل های اسلامی در آمریکا

۱- تشکل های اسلامی مسلمانان مهاجر.

فدراسیون انجمن های اسلامی.

انجمن اسلامی دانشجویان.

۲- تشکل های مسلمانان بومی آمریکا.

ملت اسلام (NATION OF ISLAM).

نقاط مثبت سمینار.

نقاط منفی سمینار.

نظر کلی.

دار الاسلام.

انصار الله.

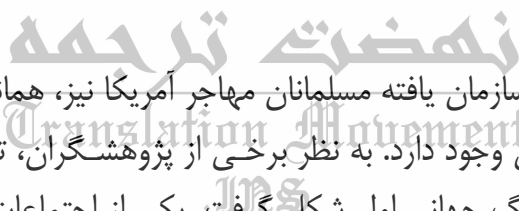
شورای مسلمانان آمریکا (AMERICAN MUSLIM COUNCIL).

سازمان شورای روابط آمریکایی - اسلامی.

شورای امور عمومی مسلمانان.



۱- تشکل های اسلامی مسلمانان مهاجر.



درباره تاریخ فعالیت های مذهبی سازمان یافته مسلمانان مهاجر آمریکا نیز، همانند دیگر جنبه های زندگی آنان در این کشور، آرا و اقوال گوناگونی وجود دارد. به نظر برخی از پژوهشگران، تشکیلات فرهنگی و مذهبی مسلمانان آمریکا عمدتاً پس از جنگ جهانی اول شکل گرفت. یکی از اجتماعات عمده مسلمانان این کشور در ایالت آیووا در (سِدار رپیدز) به وسیله مهاجران لبنانی و سوری به وجود آمد. مهاجران مذکور در اوایل دهه ۱۹۲۰ ساختمانی را در این منطقه برای برگزاری مراسم مذهبی اجاره کردند و در خلال دوره رکود بزرگ در آمریکا، نخستین مسجد را در آیووا بنا کردند. در سال ۱۹۷۲، مسلمانان (سِدار رپیدز) یک مرکز اسلامی و مسجد جدیدی را بنا نهادند که هنوز به عنوان تنها مرکز بزرگ اسلامی ایالت آیووا پابرجاست. (۱) (لاری پاستون) با استناد به تحقیقات (ایوان حداد) آورده است که:

مهاجران مسلمان اولیه توجه چندانی به بسط و توسعه باورهای اسلامی خود در این کشور نداشته و بیش تر به فکر بهبود وضعیت معیشتی و زندگی خود بودند و به همین دلیل در بدو ورود به آمریکا، حتی مراسم اولیه

عبادی خود را نیز به جا نمی آوردند. از این رو، مهاجران مذکور در فعالیت های مذهبی سازمان یافته شرکت نمی کردند.

نخستین گروهی که در برگزار کردن مراسم عبادی جمعی شان، مدارک مستند وجود دارد، گروهی است که اعضای آن در سال ۱۹۰۰ در (راس) در ایالت داکوتای شمالی گرد هم آمدند و در سال ۱۹۲۰ مسجدی را در این منطقه بنا کردند؛ ولی، به گفته ایوان حداد، پس از چند سال مسلمانان مذکور به قدری جذب محیط شدند که حتی نام های مسیحی برای خود برگزیدند و با مسیحیان ازدواج کردند تا جایی که در سال ۱۹۴۸ مسجد را کاملاً رها کردند. البته طبق نظر لاری پاستون رها کردن مراسم عبادی، درباره همه مهاجران اولیه مصداق ندارد. برای نمونه در سال ۱۹۱۹ یک مجموعه اسلامی در هایلند پارک در میشیگان به وجود آمد و سازمان مشابهی در سال ۱۹۲۲ در شهر دیترویت به وجود آمد. در سال ۱۹۲۳ نیز، علی رغم تأثیر شدید محیط مسیحی نیویورک، یک مجموعه دیگر اسلامی به نام (انجمن اسلامی دانشجویان) در بروکلین نیویورک تأسیس شد. (۲).

شاید بتوان گفت: در آمریکا فعال ترین ارگان مسلمانان همانا تعدادی انجمن های دانشجویان مسلمان است. در آمد روزافزون حاصله از فروش نفت، سبب شده است که مسلمانان از طریق آموختن علوم و تکنولوژی مدرن، جامعه خود را پیشرفت دهند. افزایش جمعیت مسلمانان در آمریکا یک امر تحیر انگیز بوده است. انجمن دانشجویان مسلمان یک ارگان خیلی مهم است. (۳).

اما از میان این چنین مجموعه های اولیه اسلامی در آمریکا، مشهورترین آنها در (سِدار ریپدز) در ایالت آیووا واقع شده که در سال ۱۹۳۴ به عنوان (مسجد مادر) در سراسر آمریکای شمالی معروف شد. مسلمانان کانادا چهار سال بعد، یعنی، در سال ۱۹۳۸ نخستین مسجد خود را در ادمونتون بنا کردند. (۴).

مسلمانان مهاجر مقیم آمریکا برای حفظ معتقدات دینی و همبستگی مذهبی خود نه تنها در ساختن مساجد و مراکز مذهبی می کوشند، بلکه به تشکیل مجموعه ها و انجمن های سازمان یافته متعددی که منعکس کننده علایق قومی و نژادی در کنار باورهای مذهبی آنان باشد روی می آورند. به همین دلیل تا اوایل دهه ۱۹۶۰ حد اقل بیست انجمن مذهبی متعلق به قومیت ها و ملیت های مختلف تنها در شهر نیویورک به وجود آمد. مهاجران مراکشی، مصری، مالزیایی، پاکستانی، یمنی، سودانی، اندونزیایی و غیره هر یک انجمن های اسلامی که نشان دهنده هویت ملی و مذهبی شان بود، ایجاد کردند. هر یک از این انجمن ها و تشکیلات اسم خاص خود را داشت که نمونه هایی از آنها را می آوریم:

انجمن متحده دره نیل، انجمن نویی سودانی ها، انجمن آمریکاییان آفریقایی تبار، حزب پاکستانی آمریکا، جامعه آمریکاییان یمنی، جامعه بین المللی مسلمانان، انجمن مسلمانان اندونزی، اتحادیه اسلامی آمریکا، میسیون اسلامی آمریکا، انجمن آمریکاییان مالزی تبار، فدراسیون سازمان های متحد مراکشی ها، جامعه خلق جوان مسلمان، بنیاد مساجد نیویورک، انجمن جوانان مسلمان و جامعه فرهنگی بانوان مسلمان. مجموعه ای از این انجمن ها و اتحادیه ها و تشکیلات اسلامی در نیویورک و نقاط دیگر آمریکا به صورت

چتری از سازمان های اسلامی در آمده و زمینه ساز پیدایش مجموعه بزرگ تر و فراگیرتری به نام (فدراسیون انجمن های اسلامی) در سال ۱۹۵۴ شدند.(۵).

فدراسیون انجمن های اسلامی.

شخصی به نام (عبدالله اجرم) در تأسیس این فدراسیون نقش بسیار تعیین کننده ای داشت. وی که در جریان جنگ جهانی دوم در ارتش آمریکا خدمت می کرد، متوجه فقدان اطلاعات و سوء تفسیر از اسلام شد و به عنوان راه حل، به فکر ایجاد سازمانی افتاد. از این رو، فدراسیون انجمن های اسلامی را بنا نهاد.(۶) این فدراسیون ابتدا در شهر سیداراپیدزلا (CEDARRAPIDS LOWA) به وجود آمد. اهداف اساسی آن، حفظ فرهنگ اسلامی، تشریح اصول تربیت اسلامی و تبلیغ اعتقادات آن است. این فدراسیون در واقع یک سازمان اجتماعی است که سالانه یک مجمع عمومی برگزار می کند. در این مجمع سالانه، مسلمانان از فرهنگ مشترک یکدیگر بهره گرفته و تجربه فعالیت های اسلامی را برای یکدیگر بازگو می کنند.(۷).

این سازمان، نخست از کشورهای عربی کمک دریافت می کرد و به همین دلیل، ایجاد روابط نزدیک مذهبی با مجموعه های اسلامی ممالک عربی را مورد تشویق قرار می داد. قابل ذکر است که تعداد قابل توجهی مسجد و سازمان مذهبی در آمریکا با فدراسیون انجمن های اسلامی ارتباط ارگانیک دارند. براساس اساسنامه این فدراسیون تمام مسلمانان مقیم آمریکا و عضو این مجموعه، ملزم به آموزش و گسترش ایده آل های اسلام، از قبیل: احترام به مقام و منزلت انسان، برادری و دوست داشتن در بین انسان ها و برابری مطلق همه انسان ها در برابر خداوند می باشند.(۸).

(فدراسیون انجمن های اسلامی) کنفرانس های سالیانه خود را، پی در پی در نقاط مختلف آمریکا و کانادا برگزار می کرد و ضمن تلاش برای تقویت همبستگی مسلمانان و ارتقای سطح آگاهی و دانش اسلامی آنان، تبلیغ اسلام برای غیر مسلمانان را نیز به طور ملموسی، به عهده گرفت و از این حیث منشأ اثراتی شد. برای مثال، وقتی که فدراسیون مذکور، در سال ۱۹۵۵ کنفرانس سالیانه خود را در کانادا برگزار کرد، مسلمانان زیادی از آمریکای شمالی در آن شرکت کردند و گروهی نیز در خلال کنفرانس به اسلام گرویدند. به نظر برخی از ناظران، برگزاری این گونه کنفرانس ها از سوی فدراسیون مذکور، آثار روانی ارضا کننده ای بر روی مسلمانان شرکت کننده - که به دلیل دوری از سرزمین و فرهنگ بومی خود دچار نوعی ضربه فرهنگی شده و خود را محصور در یک محیط فرهنگی بیگانه می یافتند - به جای می گذاشت. جالب توجه این که تعداد زیادی از حاضران در این کنفرانس ها را جوانان مسلمان نسل دوم تشکیل می دادند که تحت تأثیر محیط فرهنگی جدید قرار گرفته بودند و نام های نیمه اسلامی و نیمه غربی بر روی خود نهاده بودند از قبیل: جیمز علی، آلفرد محمد، آلبرت حسن ونظیراینها. گرچه فدراسیون انجمن اسلامی به غیر از برگزاری منظم کنفرانس های سالیانه فعالیت های دیگری صورت نمی داد، با این حال، برگزاری موفقیت آمیز همین کنفرانس ها در تقویت

روح همبستگی و بالا بردن احساس هویت یافتن و اعاده هویت مخدوش و یا گمشده مسلمانان مهاجر که خود را در حصار یک فرهنگ بیگانه محصور می دیدند، نقش به سزایی داشت.(۹).

انجمن اسلامی دانشجویان.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ سازمان جدیدی به نام (انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان) (MSA) به وجود آمد. این انجمن بر خلاف (فدراسیون انجمن اسلامی)، که ماهیت قومی و نژادی داشت، دارای یک ماهیت فراگیر جهانی بوده و به انترناسیونالیسم اسلامی اعتقاد داشت. در واقع MSA محصول انجمن های اسلامی دانشجویی متعددی بود که پس از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از دانشگاه های آمریکا به وسیله دانشجویان مسلمان سازماندهی شده بودند. در سال ۱۹۶۳ انجمن های مذکور، نیاز به ایجاد یک انجمن اسلامی بزرگ تر و فراگیرتری را احساس کردند؛ از این رو، در نخستین نشست سالیانه خود در اوربانا واقع در ایالت ایلینویز، انجمن اسلامی دانشجویان؛ یعنی، MSA را که جنبه سراسری در سطح آمریکا داشت تشکیل دادند. در کنفرانس اوربانا مسلمانان ایرانی، هندی، پاکستانی، ترکیه ای و ممالک عربی شرکت داشتند و در نخستین کمیته اجرایی منتخب نیز دانشجویان ممالک فوق برگزیده شدند. هدف از تشکیل MSA این نبود که این سازمان، صرفاً به جامعه مسلمانان خدمت کند، بلکه خدمت به اسلام و ایجاد یک جامعه اسلامی نمونه و ایده آل مورد نظر شرکت کنندگان بود.(۱۰).

شاید بتوان گفت: فعال ترین ارگان مسلمانان در آمریکا، همان انجمن های اسلامی دانشجویان است. در آمد روزافزون حاصله از فروش نفت، سبب شده است که مسلمانان از طریق آموختن علوم و تکنولوژی مدرن، جامعه خود را پیشرفت دهند. انجمن اسلامی دانشجویان، یک ارگان خیلی مهم به شمار می آید. آنان اسناد و منابع اسلامی را به نمایش گذاشته و آنها را توزیع می کنند، حوزه های علمیه بنا می نهند، نماز را تبلیغ می کنند، افراد مذهبی را جذب و تربیت می کنند و برای وحدت میان مسلمانان می کوشند. این ارگان همچنین یک سری طرح های ویژه دارد که از جمله آنهاست: دایر نمودن کلاس تربیت خبرنگار بر پایه تفکر اسلامی، طرح همکاری پرداخت اعانه بدون بهره (قرض الحسنه)، چاپ و انتشار ادبیات اسلامی، ایجاد مؤسسه اطلاع رسانی درباره مراسم و احیای مسلمانان و سایر موارد مهم و خدمات مشابه دیگر.(۱۱).

نکته قابل ذکر و شایان توجه این است که، در اوایل دهه ۱۹۶۰ (و در واقع سال ۱۹۶۳) دگرگونی ها و حوادث مهمی در جهان اسلام رخ داد. در این سال امام خمینی(ره) به دست رژیم پهلوی تبعید شد، جماعت اسلامی پاکستان ممنوع و (مولانا مودودی) متفکر بزرگ اسلامی این کشور، محکوم به مرگ گردید. اعضای (اخوان المسلمین) در مصر دستگیر و زندانی شدند و دو سال بعد، متفکر مسلمان مصری، (سید قطب) دستگیر و سرانجام اعدام شد. در اندونزی حزب (مسجومی) ممنوع گردید و رهبر حزب مذکور؛ یعنی، (ناصر) به زندان افکنده شد. از دیگر جریانات مهم این دوره، اوج گیری مبارزات ضد استعماری مردم مسلمان الجزایر علیه نیروهای اشغالگر فرانسوی و پیروزی انقلاب الجزایر بود. طبیعتاً دانشجویانی که در کنفرانس اوربانا شرکت

کرده بودند، کاملاً تحت تأثیر حوادث یاد شده قرار داشتند، خصوصاً که بیش تر آنان از همان کشورهای پر حادثه، به آمریکا آمده بودند. انجمن دانشجویان مسلمان به تدریج دامنه فعالیت های خود را گسترش داد و در سال ۱۹۷۱ به فکر ایجاد دفاتر و مراکز دایمی در نقاط مختلف آمریکا افتاد. طبق نوشته ایوان حداد، نخستین دفتر مرکزی انجمن مذکور در مسجد الامین واقع در گاری در ایالت ایندیانا دایر شد و در سال ۱۹۷۳ یک مدیر اجرایی تمام وقت، برای اداره امور مربوطه منصوب گردید و سرانجام در سال ۱۹۷۵ بزرگ ترین دفتر مرکز MSA در منطقه وسیعی در پلین فیلد ایندیانا با هزینه نیم میلیون دلار تأسیس گردید که دارای بخش های گوناگونی در زمینه آموزش و تعلیم، انتشارات، روابط عمومی، امور مالی و اداری تحت نظر یک دبیر کل بود. (۱۲).

در خلال سال های مذکور، یک سازمان بزرگ تحت عنوان (تراست اسلامی آمریکای شمالی) (NAIT) که از آن به مثابه بازوی مالی MSA یاد می شد، به وجود آمد. این سازمان مالی فعالیت های مربوط به سرمایه گذاری MSA و دادن وام های کوچک به مسلمانان برای فعالیت های اقتصادی را به عهده داشت. به علاوه (NAIT) یک مؤسسه دیگری به نام مرکز تعلیمات اسلامی THE ISLAMIC TEACHING ENTER LITC در اواسط دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد که هدف اصلی آن تبلیغ و آموزش اسلام، و توزیع نوشته های اسلامی بود. در همین سال، انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، گروه فارسی زبان به نام (MSA) (P.S.A) که عمدتاً ایرانی بودند تشکیل یافت. شایان توجه این که، بسیاری از اعضای MSA پس از پایان تحصیلات دانشگاهی و اشتغال به کار در آمریکا، به فعالیت های اسلامی خود در MSA تحت نام سازمان های فرعی و تخصصی دیگری از قبیل (انجمن دانشمندان و مهندسان مسلمان آمریکا) (AMSE)، دانشمندان علوم اجتماعی مسلمان آمریکا (AMSS)، و انجمن اسلامی پزشکان (IMA) همچنان ادامه دادند. تمام این مجموعه ها در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان MSA فعالیت دارند و اگر چه MSA به عنوان یک تشکیلات بزرگ فراگیر و فعال مورد توجه بیش تر مسلمانان مهاجر در آمریکا قرار گرفت، ولی به عنوان تنها مجموعه اسلامی مسلط باقی نماند؛ زیرا در سال ۱۹۸۱ جامعه اسلامی آمریکای شمالی (ایسنا) ISLAMIC SOCIETY OF NORTH AMERICA با صلاحدید سازمان های اسلامی وابسته به MSA تشکیل شد. (۱۳).

جامعه اسلامی آمریکای شمالی (ایسنا) (ISNA).

در واقع (ایسنا) از تشکل و ارتباط ارگانیک چند سازمان تخصصی شامل: (انجمن جامعه اسلامی) (MCA)، (انجمن دانشجویان مسلمان) (MSA)، (جامعه دانشمندان و مهندسان مسلمان) (AMSE)، (دانشمندان مسلمان علوم اجتماعی آمریکا) (AMSS)، (انجمن پزشکان مسلمان) (IMA)، (تراست اسلامی آمریکای شمالی) (ITC)، (بنیاد توسعه بین المللی) (FID) و (تراست اسلامی کانادا) (CIT) به وجود آمده و از طریق یک شورای اجرایی به نام مجلس شورا همه سازمان ها و انجمن های مربوط به خود را تحت پوشش

قرار می دهد. مجلس شورا در واقع یک ارگان قانونگذاری است که سیاست های جاری و برنامه های آینده ایسنا و نیز بودجه سالیانه، انتخاب رئیس جدید و تشکیل شورای اجرایی را تعیین می نماید. ایسنا در عین حال، تعدادی سازمان خدماتی در زمینه های مالی، آموزشی، اجتماعی، علمی و حقوقی را برای کمک به مسلمانان آمریکا تأسیس کرده است. تعدادی نشریه نیز به کمک ارگان های وابسته به ایسنا، منتشر می شوند که برخی از آنها عبارتند از: جورنال جامعه پزشکان مسلمان، الاتحاد، اسلامیک هرایزون، جورنال مطالعات اسلامی، دانشمندان مسلمان. به طور کلی ایسنا، از سوی انجمن دانشجویان تأسیس یافت. طبق اساسنامه ایسنا، عضویت در آن برای هر مسلمان شانزده سال به بالا آزاد است. تأکید ایسنا بر مبانی قرآن و سنت در مسیر خط فکری کسانی مثل مودودی و حسن البنا است.

اهداف و مقاصد ایسنا عبارتند از: گسترش دعوت اسلام و رساندن پیام اسلام به مسلمانان آمریکای شمالی، برای انتخاب آن به عنوان راه کامل زندگی. ایسنا در عین حال مسؤول نظارت بر عملکرد بخش های مختلف مالی، پزشکی، حقوقی، علمی، آموزشی و فرهنگی این سازمان است. (۱۴).

۲- تشکل های مسلمانان بومی آمریکا.

میسوین مسلمانان آمریکا AMERICAN MUSLIMS MISSION (AMM).

گفته می شود که میسوین مسلمانان آمریکا (AMM) علی رغم تغییرات مهمی که در ساختار آن صورت گرفته، هنوز به عنوان بزرگ ترین و سازمان یافته ترین جامعه مسلمان بومی آمریکا مطرح است و نیز ارتباط تنگاتنگی با گروه (ملت اسلام) دارد، که در آینده به آن اشاره می کنیم. (۱۵).



گروه (ملت اسلام)، که در سال ۱۹۳۱ به دست (والس فرد محمد) طرح ریزی شد، سنت های دو گروه (موریش سانیس تمپل) که به وسیله (نوبل دروعلی) در سال ۱۹۱۳ به وجود آمد و (جنبش بین المللی بهبود وضعیت سیاهان) به رهبری (مارکوس گاروی) را در یکدیگر ادغام نمود. (دروعلی) بنیانگذار (موریش تمپل) به هویت سیاهان آمریکا تأکید می ورزید و آنان را آسیایی و موریش نامیده و نوع ایمان اسلامی به آنان می داد. نامبرده به پیروان خود چنین القا می کرد که، اسلام دین (مورها) و آسیایی هاست، حال آن که مسیحیت، دین سفید پوستان است. از سویی دیگر، رهبر (جنبش بین المللی سیاه پوستان) معتقد بود که وضعیت اجتماعی سیاهان باید بهبود یابد و نهایتاً سیاهان باید به آفریقا باز گردند. (۱۶).

رهبر بعدی گروه (ملت اسلام)، یعنی (اليجاه محمد) به میزان زیادی تحت تأثیر آموزش های دو گروه فوق الذکر قرار گرفت؛ هر چند که آموزش های خود را بر پایه تعلیم (فردمحمد) استوار نمود. اليجاه محمد، این

شخصیت اسرارآمیز را خدا تصور می کرد و خود را پیامبر او برمی شمرد و همین امر، سبب شد که رهبری او در میان گروهی از سیاهان، صورت معنوی و پرجاذبه ای پیدا کند و بتواند سازمان مقتدری را به وجود آورد. (۱۷).

در حقیقت الیجاه محمد، پایه های اسلام متین را در آمریکا تثبیت کرد. او این نکته را به خوبی دریافته بود که آفریقایی هایی که از چهارصد سال پیش به طور وحشیانه از اسلام جدا شده بودند، باید به همین دین بازگردند. شکنجه های روحی که به آمریکاییان آفریقایی تبار و سکنه آفریقایی منطقه کارائیب وارد شده، همچنان تا به امروز پا برجاست. بسیاری از آنان، همچنان بت سفید آویزان بر صلیب را می پرستند و فکر می کنند که خداوند، مردی سفید پوست است.

الیجاه محمد توانست بر (مالکوم ایکس) تأثیر بگذارد، و او را به دین اسلام هدایت کند. با عنایت خداوند، دل مالکوم ایکس پاک شد و در اصول دین اسلام که موجب می شود انسان به موجود ارزشمندی تبدیل شود، غرق شد.

این دگرگونی، تنها بر مالکوم ایکس سایه نیفکند، بلکه صدها هزار آمریکایی آفریقایی تبار از او پیروی کردند و توانستند دل های خود را از گناه پاک ساخته و وحدت کلمه را به وجود آورند.

این جنبش که یکی از موفق ترین جنبش های اصلاح طلبانه در قرن بیستم بود، به یک امت اسلامی جهانی مبدل شد که با قرآن و سنت محمدی هدایت می شد. الیجاه محمد، پیش از مرگش اعتقادات خویش را از نژادپرستی سیاهان به پیروی از سنت پیامبر تغییر داد. (۱۸).

به هر حال، الیجاه محمد، نقش مؤثری را در پیدا کردن هویت سیاهان ایفا کرد؛ چرا که آنان دریافتند، اسلام می تواند هویت اصلی شان را که در اثر بردگی از بین رفته بود، به آنان باز گرداند. (۱۹).

اما گفتنی است که الیجاه محمد نیز مانند بسیاری دیگر، تحت تأثیر فرقه (احمدیه) قرار گرفت و مسلمان شد و تا آن جا پیش رفت که تئوری های توضیحی درباره اهریمن های چشم آبی ارائه داد و این تئوری محور این داستان قرار گرفت که مردم سفید پوست در شش هزار سال پیش به وسیله دانشمند دیوانه سیاه پوستی به نام (یعقوب) آفریده شدند که البته بعدها نظریات وی رد شد. (۲۰).

پس از مرگ الیجاه محمد در سال ۱۹۷۵، فرزند و جانشین او (وارث الدین محمد) (والاس محمد) تغییرات مهمی در گروه (ملت اسلام) به وجود آورد و با کوشش فراوان توانست این گروه را به جریان عمده اسلامی پیوند بزند. وی در سال ۱۹۷۶ اعلام کرد که پدرش پیامبر نبوده و اسم سازمان خود را به (جامعه جهانی اسلام در غرب) تغییر داد. به دستور (وارث الدین) همه معابد (ملت اسلام) به مسجد تبدیل شد و مراسم مذهبی برگزار گردید. سرانجام در سال ۱۹۸۰ این سازمان به (مسیون مسلمان آمریکا) تغییر نام یافت و نام نشریه آن از جورنال مسلمانان آمریکا به جورنال مسلمانان تبدیل شد. وارث الدین محمد همچنین مانع از تبلیغ نژادی و ایجاد نفرت علیه سفید پوستان شد. البته این گونه آموزش های وی باعث ناخرسندی برخی از عناصر سنی این سازمان گردیده و آنها را به زیر چتر رهبر دیگری به نام (لوئیس فراخان) سوق داد. این گروه بار دیگر اسم قدیمی (ملت اسلام) و فرم آن سازمان را ادعا کرد؛ ولی وارث الدین محمد همچنان فرآیند خود را دنبال کرد.

وی در سال ۱۹۸۵ سازمان خود را غیر متمرکز ساخت و اختیارات (شورای ملی ائمه) را محدود کرد و شخصاً از مأمور روزانه سازمان فاصله گرفت و بیش تر مسؤولیت ها را به عهده امامان محلی گذاشت. او سرانجام توانست سازمان پدر خود را تغییری بنیادین داده و به جریان عمده اسلامی پیوند زند و بدان مقبولیت جهانی بخشد و در سایه یک چنین اقدامات دگرگون کننده ای، به صورت یک رهبر عمده در بین گروهی از مسلمانان آمریکا در آید. (۲۱).

گفتنی است، پیروان وارث الدین محمد که تعدادشان چند صد هزار نفر تخمین زده می شود، بزرگ ترین گروه مسلمانان بنیادگرای سیاه پوست کشور را - بنا به نوشته دائرة المعارف آکسفورد - تشکیل می دهند. (۲۲).

در خصوص فعالیت های گروه ملت اسلام نیز باید گفت: آنان یک آژانس امنیتی بزرگ را در واشنگتن تشکیل دادند و نخستین کار امنیتی آنان در سال ۱۹۸۸ آغاز شد. هنگامی که ساکنان ساختمان ها برای حل مشکل قاچاق گسترده مواد مخدر در مجتمع ساختمانی، به دنبال کمکی می گشتند، حدود ۲۵ داوطلب از مسجد حضرت محمد^ص به حفاظت از آن جا پرداختند. این نگهبانان خود را (میوه های اسلام) می نامیدند؛ نامی که امت اسلام برای اعضای مرد خود برگزیده بود. (۲۳).

همچنین همان طور که ذکر شد این گروه در مسلمان کردن افراد نقش بسزایی داشته اند؛ مثلاً، رفیق الدین - که از اعضای مدرسه خواهر کلارا محمد، در ایالت ویلادلفیا، و از کسانی بود که اسلام را بنابه دعوت سازمان امت اسلام پذیرفت و سپس به مذهب اهل تسنن روی آورد. - می گوید:

من شیوه کمک به مردم خود، یعنی، کمک به آمریکاییان آفریقایی تبار را فرا گرفتم. وی کسی است که به اداره مدارس ابتدایی و دبیرستان ها کمک می کرد. این مدارس به ظاهر منضبط، که پسران با پیراهن های سفید و شلوار و دختران با روسری های شان در آن شرکت می کنند، با حال و هوای محله های اطراف این مدارس که دیوارهای شان پر از شعار است، ضدیت دارد. او می گوید:

اسلام یک ساختار نیرومند اخلاقی پدید می آورد و به سیاهان اجازه می دهد که از نژاد پرستی روی برگردانند و راه هایی برای کسب شغل، پیش پای آنان قرار می دهد که از حد ورزش و سرگرمی فراتر می رود. (۲۴).

یکی دیگر از فعالیت های گروه ملت اسلام، تشکیل سمینارها و کنفرانس های مختلف است که برای روشن شدن هر چه بیش تر خط مشی این گروه، به نمونه ای از این سمینارها اشاره می کنیم:

سمیناری از اول تا چهارم سپتامبر سال ۱۹۹۵ میلادی در شهر دیترویت ایالت میشیگان آمریکا برگزار گردید. این سمینار، همزمان با نماز جمعه به امامت امام وارث الدین محمد فرزند (الیجاه محمد) مؤسس سازمان ملت اسلام (NATION OF ISLAM) شروع شد. قابل ذکر است که پایه های سازمان ملت اسلام در سال های بین ۵۰ - ۶۰ بر اساس اعتقادات تبعیض نژادی طرح ریزی شد؛ ولی بعدها با کناره گیری (مالکوم ایکس) و دیگران (حتی فرزند مؤسس آن) از این سازمان، سازمان جدیدی به نام (نهضت مسلمان آمریکا) به وجود آمد. گرچه هنوز سازمان (ملت اسلام) تحت رهبری (لویس فراخان) با همان اعتقادات پیشین، ولی اندکی ملایم تر در حال فعالیت و گسترش است. آقای وارث الدین محمد، درخطبه های نماز جمعه به بیان

مسائل اخلاقی و تاریخیچه ای از شهر مکه، تمجید از خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علیث) تمجید از قرآن و ارتباط آن با انجیل و تورات پرداخت و یادآور شد که هدف از فرستادن پیامبران بویژه پیامبر اکرم چه بوده است و در ادامه سخنان خود، مردم را به اسلام دعوت کرد و از آنان درخواست کرد تا برای ابراز موجودیتشان در راهپیمایی بزرگی که در خیابان های مرکز شهر و اطراف هتلی که سمینار در آن برگزار می شود، شرکت کنند. این راهپیمایی به مدت دو ساعت در مرکز شهر و خیابان های اطراف هتل محل برگزاری سمینار به طول انجامید. پس از بازگشت از راهپیمایی، سمینار با برگزاری کلپ مسلمانان جوان مجرد کار خود را آغاز کرد و در کنار این کلپ، کلپ جوانان و مسائل فرهنگی نیز ادامه یافت. دومین روز این سمینار نیز با برگزاری کمیته های مختلف و سخنرانی های همزمان در موضوعات متفاوت به کار خود ادامه داد و حاضران در این سمینار بر حسب علاقه به موضوعات مطروحه در کمیته ها، در آنها شرکت کردند. در طی این سمینار بیش از چهل کمیته در موضوعات گوناگون تشکیل شد. سومین روز سمینار که به خانم ها اختصاص داشت، با نمایش مد لباس به کار خود ادامه داد. ضمناً همزمان کمیته پدران، پسران، ملاقات شورای جوانان و بزرگسالان نیز برگزار گردید. وارث الدین محمد در سخنرانی خود نخست در باره کسب رضایت خداوند سخن گفت و در ادامه، به گوشه هایی از زندگی حضرت رسول و سرزمینی که آن حضرت در آن جا تولد یافت اشاره کرد و گفت:

پیامبر - پیش از تولد، پدر و در دوران کودکی، مادرش را از دست داد و از آن پس، به سرپرستی دایه اش (حلیمه) و در خانه عبدالمطلب رشد و نمو کرد.

در ادامه او سرشت نیک رسول خدا و این که وی چگونه توانست لقب (امین) را به خود اختصاص دهد، سخن گفت و در این میان اشاراتی به نحوه زندگی مردم، قبایل، ملت ها و سلطنت های آن زمان داشت. نامبرده در ادامه سخنانش در خصوص چگونگی گسترده نژاد سیاه و در عین حال مسلمان کشور شیبا و ملکه سبا که در قرآن هم از آن یاد شده و این که چگونه سلطنت خود را از آفریقا تا خاورمیانه وسعت بخشید اشاراتی نموده و گفت:

Translation Movement

اگر امروز رهبران و دولت مردان آمریکا از همبستگی ما وحشت دارند، برای تبعیض نژادی نیست، بلکه بیش ترین وحشت آنان از تاریخ و عملکردهای ما و نیز این که نتیجه همبستگی ما، عواقب خوشی برای آنان نخواهد داشت، می باشد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

البته این بخش خوبی از مردم آمریکایی آفریقایی تبار است که ریشه ای انسانی در درونشان جریان دارد، اما آنچه اسلام برای ما به ارمغان آورد، رشد فکری در مغز، قلب و اعماق وجودمان بود و نتیجه این شد که با اسلام توانستیم رشد و نمو کرده، و خود را بالا کشیم و نه تنها انسان هایی با خصوصیات انسانی بشویم، بلکه توانستیم به درجات بالای مادی نیز نایل آییم و به مقام هایی مانند: شهردار، نماینده، وزیر و به مشاغل مهمی از قبیل: بانکداری و مقام های شامخ دیگر برسیم. من فکر می کنم توانسته ایم نشان دهیم که نه تنها قادر هستیم کسب مسؤولیت کنیم، بلکه توان آن را داریم که هر مسؤولیتی را به نحو احسن به انجام برسانیم.

آن گاه وی به مسأله کاندیدا توری ریاست جمهوری جنرال (ژنرال) باز نشسته (کلون پاول) و این که او از سوی قدرتمندان و منتقدان سیاسی سفید پوست معرفی شده اشاره کرد و گفت:

جای تعجب و تأسف است که چرا این مسأله از سوی آمریکایی های آفریقایی تبار صورت پذیرفت و یا مورد تأیید واقع نشده است، اگر به این گفته خداوند متعال که در قرآن می فرماید: خداوند اوضاع و احوال هیچ قومی را تغییر نخواهد داد، مگر این که مردم آن قوم، خودشان در راه و روش زندگی شان تغییری حاصل نمایند. توجه کنیم، نتیجه می گیریم که اگر بخواهیم آزاد باشیم و یا آزاد شویم، باید نخست خود را از قید و بند مادیات رها سازیم.

وی در ادامه با تشریح بیش تری از شخصیت حضرت رسول^ﷺ و عملکردها و نحوه زندگی آن بزرگوار، منظور خود را در خصوص رهایی از قید و بندهای مادی بیان کرد. سپس در باره پرورش شخصیت، احترام به قرآن و رسول خدا و ایستادگی و دفاع از حقوق انسانی چنین گفت:

ما باید مثل یک خانواده که زائیده جهان هستی است، عمل کنیم. ساختن یک اجتماع بزرگ و عاری از هر گونه تعصبات و تبعیضات اعم از نژادی، زبانی، رنگ و همچنین ظلم، بی عدالتی و غیره و در واقع ساختن یک اجتماع نمونه، که هدف نهایی و غایی هر مسلمان معتقد است، این امکان پذیر نیست مگر با درس گرفتن از قرآن و سنت رسول خدا^ﷺ. لذا برای رسیدن به چنین اجتماعی، باید مراکز تحصیلی، علمی و مذهبی که دارای شرایط ذکر شده باشند، ایجاد کرد.

وی در پایان سخنانش درباره چگونگی تأسیس سازمان ملت اسلام (NATION OF ISLAM) تحت رهبری پدرش و این که مشکلات این سازمان چه بوده و چرا فکر کرد که باید طرفدارانش را از قید زنجیرهایی که این سازمان به دست و پای اعضایش بسته بود رها سازد، سخنانی ایراد کرد. سخنران بعدی امام (محمد عبدالعلیم)، امام جماعت مسجد فیلادلفیا در ایالت پنسیلوانیا بود که سخنش را تحت عنوان (نیاز مسلمان آمریکا به یک شبکه اطلاعاتی مستقل) آغاز کرد.

او در ابتدای سخنانش در خصوص مشکلات عدیده مسلمانان از زمان برده داری مطالبی را مطرح کرد و گفت:

نداشتن خودجوشی، احترام و اعتماد به نفس از مسائلی هستند که خشونت و جنایت را در اجتماع ما ایجاد کرده و مزیدی بر مشکلات اقتصادی، آموزش و پرورش و اخلاقیات شده است و متأسفانه ما هم در حل این مشکلات، خیلی موفق نبوده ایم.

وی در ادامه افزود:

شکست های ما در نتیجه:

۱. نداشتن قدرت تولید مستقل و روش صحیحی در ارائه بیان مشکلات اجتماعی؛
۲. بی میلی در ارائه راه حل های جدید برای مشکلاتی که قرن هاست با مسامحه و با نتیجه های همیشگی تکرار شده است؛

۳. و نیز بی اهمیت دانستن شبکه اطلاعاتی است. از نیازهای ضروری، شناختن ایده های نو و یافتن پاسخ برای مشکلات اجتماعی است.

نخستین قدم در این راه، شناخت است اعم از فردی، سازمانی، گروهی و ایجاد ارتباط با یکدیگر بر اساس حقیقت، اعتماد و احترام است. متأسفانه تلاش های گذشته بر مبنای رؤیا بوده است. نباید از پتانسیل های موجود در بین مسلمانان غافل بود. تنها نیاز ما تکیه بر خدا و گرفتن کمک از سنت های پیامبر اسلام است. پس از او آقای (مطهر کاظمی) به ایراد سخن پرداخت. وی که دارای فوق لیسانس در رشته های هنر و مدیریت بازرگانی است، سخنش را با عنوان (مسائل حقوقی بشر) و مسائل حقوقی که مسلمانان آمریکا با آن روبه رو هستند به این شرح بیان کرد:

امروز که در این محل گرم و فضای دوستانه جمع شده ایم بگذارید یادی کنیم از نخستین مسلمانانی که برای کشف قاره آمریکا وارد این سرزمین جدید شدند. بر طبق شواهد موجود در دائرةالمعارف مذاهب، نخستین کسانی که پیش از شروع برده داری، نخستین مرکز اسلامی را در آمریکا تأسیس کرده اند، آفریقایی ها بوده اند. بعدها وقتی برده داری و برده فروشی آغاز شد، نخستین قربانیان این راه، مسلمانانی بودند که مانند کالا در انبارهای استعمارگران آمریکا به فروش می رسیدند. زن و مرد مسلمان از روستاهای سودان، مالی و غنا به وسیله برده داران ربوده می شدند و در جهان جدید به فروش می رسیدند. این مسلمانان اولیه، از پایه گذاران کشاورزی بودند. آنان بودند که مرغزارها را احیا کردند و در پرورش چمن ها و کاشتن درختان و به ثمر رساندن آنها می کوشیدند. همچنین آنان در نگهداری حیوانات اهلی و پرورش طیور و نیز در ساختن محل های مسکونی برای اربابان خود تلاشی پی گیر داشتند. آنان در واقع سازندگان اصلی و واقعی این جهان جدید؛ یعنی آمریکا، بوده اند. بگذارید یادی کنیم از مؤسسان اولیه آمریکا که از خانه و مکان خود، یعنی، از دورترین نقاط دنیا دزدیده و از خانواده و ریشه اصلی خود جدا شده و به صورت برده به این سرزمین آورده شدند. این مسلمانان ناکام و بی دفاع که دردها و شکنجه های وارده بر آنان غیر قابل توصیف است، سازندگان اصلی آمریکا بوده اند که رحمت خداوند بر آنان باد. متأسفانه این افراد نه تنها متحمل درد و رنج شدند، بلکه نام و مذهبشان را نیز به زور از دست دادند. نام های برده ای بر آنان نهادند و آنان را رفته رفته از اسلام جدا کردند. بنابراین، اینان برادران ایمانی گمشده و شهدای ما هستند. در واقع می توان گفت که: در بنیاد و بنیان آمریکا، خون به ناحق ریخته مسلمانان جاری است. این بزرگان، نخستین اقوام گمشده اسلام در آمریکا به شمار می روند. تاریخ مسلمانان در آمریکا زیر آوار زمان همراه با درد و رنج خوابیده و در انتظار است که روزی دانشمندان مسلمان آمریکا آن را کشف نموده و به میراث اسلامی خود بازگردانند. وظیفه امت اسلامی است که این رابطه را با قوم گمشده ای که ما آن را آمریکایی های آفریقایی تبار می نامیم برقرار نماید. خوشبختانه پس از گذشت این همه زمان، و تحمل درد و رنج و از دست دادن آزادی های فردی، مذهبی و قطع ارتباط با اسلام، هنوز روح اسلام در فضای آمریکا جریان دارد و در جست و جوی گمشده خویش است. لازم است بررسی کرد و دید چه چیز باعث شد که افرادی مانند: (مالکوم ایکس)، (جمیل الامین)، (محمد علی) و بسیاری دیگر راه را یافته و به خویشتن خویش بازگشته اند. فکر می کنم این چیزی نیست مگر عطر دل انگیز شهدای اسلامی که پس

از گذشت پانصد سال هنوز در آسمان آمریکا پراکنده است. بیایید دست در دست هم دهیم و این گمشدگان را به خانواده اسلام باز گردانیم. گروه های زیادی هستند که خود را وابسته به اسلام می دانند، در حال حاضر چهار گروه مختلف (امت اسلام) (MATION OF ISLAM) در آمریکا وجود دارد و بعضی از آنها در ارتباط با اسلام هستند، لیکن از توده مردم بسیار فاصله دارند. امروز اسلام توده مردم، تحت رهبری امام وارث الدین محمد در جریان است. اسلام و مسلمانان یک چیز نویی در تاریخ آمریکا به شمار نمی آیند. تاریخ آنان با آغاز پیدایش آمریکا رقم خورده است، لیکن برخورد آمریکای امروز با اسلام و مسلمانان، مانند برخورد با یک واقعیت و یا اتفاق جدید است که هیچ سابقه ای نداشته و ندارد و با اسلام برخوردی مشکوکه و در عین حال خشن دارد. در آمریکا به مسلمانان بی احترامی می شود. گروهی معتقدند که اسلام تهدیدی است برای جهان متمدن، در صورتی که اسلام نه تنها تهدیدی نیست بلکه مورد تهدید هم واقع شده است. در حال حاضر از میان پزشکان مشغول به کار در آمریکا، بیش از هفت هزار نفر از آنان، مسلمان پاکستانی هستند.

از سال ۱۹۹۰ تا کنون شمار مسلمانانی که در نیروی نظامی آمریکا به خدمت مشغول شده اند، به بیش از پنج هزار نفر رسیده است.

آمریکایی های آفریقایی تباری که برای آمریکا شهرت هایی کسب کرده اند کم نیستند. برای نمونه می توان به افرادی چون: (محمد علی)، (کریم عبدالجبار)، (مایک تایسون)، (الیجاه محمد) و (مالکوم ایکس) اشاره کرد. اینان افرادی بودند که توانسته اند تاریخ آمریکا را رقم زنند و آزادی های نژادی، مدیون حرکت های برخی از آنان است. با تأسف باید گفت که: معرفی همه آنان، از حوصله این نوشتار خارج است.

در اقتصاد می توان از کمپانی کامپیوتر **AST** نام برد که پنجمین کمپانی در این رشته است. داده ها و کمک های مسلمانان و آمریکایی های آفریقایی تبار آن قدر زیاد است که در حد ظرفیت این کتاب نیست و از این رو، به همین ها که اشاره شد اکتفا می شود.

قرآن کریم حقوق انسان ها را به شکل خوبی بیان کرده است. حرکت های مسلمانان - اعم از آنهایی که در امور سیاسی، اجتماعی و غیره فعالیت می کنند -، باید طبق اصول قرآن باشد و نمونه عملی قرآن هم حرکت های رسول خدا^ا است که در عدالتخواهی زبانزد خاص و عام بود. اسلام معتقد است که، اگر در مقابل بی عدالتی، توان دفاع و مبارزه عملی نداری، پس حد اقل با سخن گفتن بر ضد بی عدالتی اقدام کن. چنانچه به هر دلیل حتی قادر به سخن گفتن هم نیستی، پس مانند یک امر شیطانی، از آن دوری جوی و البته این ضعیف ترین شکل مبارزه با بی عدالتی است.

به طور کلی جهان اسلام از همپیمانان قوی و مورد اطمینان آمریکا به شمار می رود. در جنگ کُره در سال ۱۹۱۵ پاکستان و ترکیه کمک های زیادی به نیروهای نظامی آمریکا کرده و صدمات زیادی را در قبال جنگ آمریکایی متحمل شدند. نکته مهم و ثابت شده آن است که جهان اسلام با آمریکا در مقابله نیست، بلکه سازگاری مشترک در ادامه حیات دارند. مسلمانان آمریکایی می توانند و باید پلی باشند بین ابرقدرت آمریکا و کشورهای اسلامی.

نداشتن یک آمار صحیح از جمعیت مسلمانان در آمریکا خود به تنهایی مشکلی است. البته سازمان شورای اسلام شیکاگو اقداماتی در این باره انجام داده است که نیمه تمام باقی ماند، شورای مسلمانان آمریکا AMC در واشنگتن در حال انجام دقیق ترین آمار گیری است. به نقل از بازرسان و نویسندگان غربی، جمعیت مسلمانان در حدود شش میلیون نفر است و بنابه گفته دائرةالمعارف مذهبی آمریکا، جمعیت مسلمانان در حدود پنج تا هفت میلیون نفر است. به هر حال بنا به اعتقاد دستگاه های ارتباط جمعی آمریکا، اسلام یکی از پر افزایش ترین مذاهب و اقلیت های آمریکاست.

بافعال شدن مسلمانان به منظور شرکت هر چه بیش ترشان در محافل و حرکت های سیاسی، بیش از پیش مورد خشم و نفرت و جنایت واقع شده اند. این حرکت ها بیش تر از سوی نویسندگان و در جهت خلاف آزادی بیان انجام می گیرد. بسیاری از مسلمانان و نیز دنیای اسلام هنوز از آن گزارشی که به وسیله جمهوری خواهان در سال ۱۹۹۳ داده شده در شک هستند.

(REPUBLIC TASK FORCE) (این کمیته هفت نفره) که ریاست آن را نماینده جمهوری خواه فلوریدا (بیل مک بوم) عهده دار بود و آقای (جو بودانسکی) یهودی روسی الاصل هم در این کمیته شرکت داشت در طی گزارشی مسلمانان را به عنوان مرکز اصلی تروریست معرفی کرده و به غرب هشدار دادند که جهان اسلام از بوسنی به عنوان محل جهشی به سوی احیا گری اسلامی در اروپا استفاده خواهد کرد. در این گزارش تأکید شده است که: احیا گری اسلامی یک تهدید بزرگی برای دموکراسی غرب خواهد بود. در این گزارش آن چنان متعصبانه و خصمانه علیه مسلمانان سخن رفته بود که منجر به استعفای سه تن از نمایندگان عضو کمیته هفت نفره شد. آنان از انتشار این گزارش جلوگیری می کردند.

متأسفانه آمار دقیقی از جنایاتی که علیه مسلمانان انجام می گیرد در دست نیست و این بدین سبب است که مسلمانان، آن تبعیضاتی را که روزانه در محل های مختلف اعم از محل کار، دانشگاه و غیره بر آنان روا داشته می شود گزارش نمی دهند. برای مثال در سال ۱۹۹۴ (سازمان مبارزه با افترا) که بیش از دو هزار واقعه تبعیض نژادی، مذهبی، THE ANTI DEFAMATION LEAGUE جنسی و غیره را گزارش داده، از این تعداد، علی رغم حمله های تنفر آمیز، توهین و اتهامات که به طور روز افزون در حال جریان است، تنها پانزده مورد آن در طول سال از سوی مسلمانان گزارش شده است. اجتماع مسلمانان در حال حاضر، بیش از پیش مورد هجوم اتهامات تروریستی و غیره واقع شده است. برای نمونه همین فیلم (جهاد در آمریکا) - ساخته شده سرمایه داران یهودی - که در سراسر آمریکا به نمایش در آمد، نشانه بارزی بر این واقعیت است. فیلم جهاد در آمریکا، اثر (استیو امرسون) فیلمی است بسیار مُحَرِّک علیه مسلمانان. در این فیلم از کل مسلمانان بویژه مسلمانان آمریکایی چهره ای تروریستی - که وابسته به یک شبکه جهانی تروریست اسلامی هستند - یاد شده و در تأیید گفتارش از درگیری های بین فلسطینی ها و اسرائیلی های غاصب بهره برده تا بدین وسیله چهره اجتماع مسلمانان را خدشه دار نماید، و این در حالی است که بیش تر مردم عادی آمریکا هیچ گونه اطلاعی از جنایات صهیونیست ها در باره مردم بی گناه فلسطین در کشور اشغال شده شان ندارند.

استیوامرسون که خود را به اصطلاح متخصص در امور تروریستی می داند، با تنفر از مسلمانان و با شیوه خاص خودش در مقاله ای در وال استریت جورنال تحت عنوان تروریسم اسلامی از خاورمیانه تا غرب میانه درباره داستان (ISLAMIC TERRORISM FROM MIDWEST TO MIDEAST) از فردی به نام (مرزوکر) که به فعالیت های تروریستی سازمان حماس وابسته است، یاد کرده و می گوید که حماس یکی از مخالفان صلح خاور میانه است. عنوان مقاله به نحوی است که بدبینی مردم آمریکا را بر ضد مسلمانان آمریکایی و مسلمانان جهان بر می انگیزاند. این حرکت های استیوامرسون، مسلمانان را در برابر حملات آمریکایی ها، آسیب پذیر کرده و سرانجام منجر به توهیناتی چون: (برگرد به خانه ات)، (ترک کثیف) یا (چرا به مملکت بر نمی گردی)، (دیگه بسه) از سوی مردم آمریکا به نمازگزاران در مساجد و یا (شتر سواران) در ملاء عام شده است.

بنا به گزارش اخیر نیویورک تایمز از سال ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ دست کم پنج مرکز عبادت مسلمانان به آتش کشیده شده است، در سپتامبر ۱۹۹۴ مسجد تازه ای که حدود یک میلیون دلار مخارج ساخت آن بوده، در شهر (یوتا) به آتش کشیده شد. در اکتبر همین سال برای مسجد (بروکلین) کالیفرنیا در نتیجه آتش سوزی خسارات زیادی به بار آمد، به فاصله یک هفته از حادثه بمب گذاری در اوکلاهوما، مرکزهای اسلامی کارولینای شمالی به کلی در آتش سوخت و از بین رفت در ژوئن ۱۹۹۵ از مسجد شهر (اسپرینگ فیلد) ویرانه ای بیش نماند و نیز در ژوئیه ۱۹۹۵ مسجد شهر (هاتنس ویل) از بابت آتش سوزی متحمل خسارات بسیاری شد.

پس از بمب گذاری و تبلیغات منفی به اصطلاح متخصصان تروریستی من جمله استیوامرسون، مسلمانان و اعراب مقیم آمریکا نشانه حرکت های متفرانه قرار گرفتند و تا کنون بیش از ۲۲۲ حمله از جمله زخمی کردن، کشتن، انداختن آب دهان بر روی زنان مسلمان با حجاب، تهدیدهای بمب گذاری، قتل، خرابکاری و غیره بر ضد مسلمانان گزارش شده است. البته رفت و آمد برخی مسلمانان با بنزهای سی تا چهل هزار دلاری به مساجد در محیط های فقیر نشین این مسائل را نیز تشدید می کند.

Translation Movement

چه باید کرد.

۱. اکنون زمان آن فرارسیده است که، جامعه اسلامی مراکزی را در سطح محلی و ملی برای رسیدگی و حل بحران های مسلمانان ایجاد کند.

۲. وقت آن است که بین فعالان و سازمان های اسلامی یک ارتباط شبکه ای بر قرار گردد.

۳. باید با تشکیل سمینارها، کنفرانس ها و سخنرانی های مطبوعاتی و ارائه پیشنهاداتی بر اساس موازین اسلام، در حل بحران و مشکلاتی چون: سقط جنین، سکس قبل از ازدواج، طلاق و غیره تلاش کرد و اهمیت متشکل بودن خانواده از پدر و مادر و تأثیرات آن بر زندگی فرزندان را یادآور شد.

۴. باید آن همبستگی مذهبی که نمونه های مثبت آن را همه به وضوح دیده و احساس کرده اند، ایجاد کرد. زمانی که مقاله تروریسم اسلامی از خاورمیانه تا غرب میانه نوشته (استیوامرسون) را به پایان می بردم، درحالی که از نوشتن چنین مقاله ای بسیار غمگین بودم، از خود پرسیدم: چطور یک نفر می تواند راجع به مردمی که

آمریکا را بنا نهاده اند و ارزش های انسانی و خانوادگی را در آن بنیان گذارده اند و مسیحیت و یهود را هم چون خانواده در آغوش کشیده اند، بدین صورت به ناروا مقاله بنویسد، فیلم بسازد و تنفر ایجاد کند.

نقاط مثبت سمینار.

۱. ایجاد راهپیمایی آرام در مرکز شهر و دعوت مردم به اسلام و سمینار مذکور؛
۲. سخنرانی در ساختمان مرکز شهر برای مردم شهر دیترویت؛
۳. خوش بینی از این که آینده مسلمانان در آمریکا درخشان خواهد بود؛
۴. روحیه خوب و مؤدب بودن مسؤولان و شرکت کنندگان در برگزاری سمینار؛
۵. نظم و انضباط برنامه ها و سخنرانی ها و سازماندهی خوب و مرتب؛
۶. داشتن یک سیستم امنیتی داخلی و خارجی بسیار خوب؛
۷. تشویق در فروش نوارها و کتاب های رهبر خود، یعنی، آقای امام وارث الدین محمد؛
۸. داشتن بازار خوب که شامل: میزهای کتاب، اجناس خوراکی، پوشاک و غیره بود؛
۹. این سمینار که چهار روز به طول انجامید و بیش از چهل کمیته اصلی و فرعی از جمله: کمیته خواهران، کمیته نوجوانان، کمیته پدران و پسران، کمیته جوانان مجرد و غیره در آن تشکیل شد.

نقاط منفی سمینار.

نهضت ترجمه

Translation Movement

۱. بی اطلاعی از احکام طهارت؛
۲. برگزاری مراسم رقص برای نوجوانان دختر و پسر زیر یازده سال با یکدیگر؛
۳. نفوذ بیش از حد فرهنگ آمریکایی در رفتار شرکت کنندگان؛
۴. جدایی سیاست از مذهب بویژه در سخنرانی های رهبر این سازمان؛
۵. در طول این سمینار هیچ صحبتی درباره مسائل سیاسی و یا جنایاتی که بر سر مسلمانان در بوسنی هرزه گوین، فلسطین اشغالی، کشمیر و غیره به میان نیامد.

نظر کلی.

مسلمانان سیاه پوست آمریکایی بر خلاف مسلمانان مهاجر، به مسلمانی خویش افتخار می کنند و هیچ وحشتی از ابراز علاقه خود به اسلام ندارند و برای کسب شغل، کار و غیره حاضر نیستند به راحتی از اظهار مسلمان بودنشان صرف نظر کنند. افرادی هستند دارای پتانسیل و از آن جایی که تشنه اسلامند، در خصوص مسائل دینی از هر کینه و بغض شخصی به دوراند. از این رو، زمینه مناسبی برای تبلیغ هستند. اگر نکات منفی در عملکردهای آنان وجود دارد بیش تر به دلیل ندانستن آنان است، نه به سبب غرض ورزی شان، لذا دعوت برخی رهبران رسمی این سازمان و سازمان های مشابه، بی تأثیر در ارتباط نزدیک و نهایتاً تأثیر گذاری بر آنان نیست. لازم به تذکر است که این سازمان، سازمان گروه توده مسلمانان آمریکا بوده و از سوی دولت آمریکا نیز شناخته است. ضمناً در مراسم رسمی از قبیل مراسم افتتاحیه سالانه مجلس که از رهبران گروه های مذهبی دعوت به عمل می آید، وارث الدین محمد، رهبر نهضت مسلمانان آمریکا - که از مدعوین همیشگی این مراسم است - گاهی سخنران مراسم افتتاحیه نیز بوده اند.

دار الاسلام.

برخی از پژوهشگران، از جمله (ایوان حداد) دار الاسلام را بزرگ ترین و مهم ترین سازمان مسلمانان سنی و بومی آمریکا می دانند. این سازمان در دهه ۱۹۶۰ توانست تعداد زیادی را به خود جلب کند و با رشد سریع و چشمگیر به عنوان یکی از مهم ترین سازمان های اسلامی در این کشور مطرح شود. تشکیلات و تقسیم بندی این سازمان با دیگر سازمان های اسلامی آمریکا فرق داشت. رهبر این سازمان شخصی به نام (امام یحیی عبدالکریم) بود که لقب امیرالمؤمنین را نیز به او داده بودند. در سازمان مذکور، بخش هایی چون: دفاعی، آموزشی، مالی، امور خارجی، خدمات اجتماعی، مساجد و مانند اینها به وجود آمد تا خدمات مورد نیاز جامعه اسلامی و طرفداران آن سازمان را برآورده کند. این سازمان حوزه فعالیت خود را با شتاب هر چه بیش تر در سراسر آمریکا گسترش داد تا جایی که تنها در منطقه نیویورک نزدیک به بیست مسجد احداث نمود و حتی دامنه اقدامات تبلیغی خود را به کانادا نیز کشانید. در واقع دارالاسلام نیز همانند دیگر جنبش های سیاه پوستان دهه ۱۹۶۰ یک حرکت مبارزاتی بود که گاه و بی گاه با اقدامات خشونت آمیز همراه می شد.

البته روند حرکت دارالاسلام به صورت اولیّه تا اوایل دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت؛ ولی پس از آن به سبب تحولاتی که صورت گرفت، این سازمان نیز همانند بسیاری از سازمان های مذهبی یا سیاسی - ایدئولوژیکی دستخوش تغییرات دگرگون کننده و از آن جمله تجزیه درونی گردید.

برخی از محققان یک روحانی صوفی مسلک پاکستانی به نام (جیلانی) را عامل بروز تجزیه درونی دارالاسلام بر شمردند، بدین صورت که این شیخ صوفی مسلک، در اوایل دهه ۱۹۸۰ وارد نیویورک شد و در یکی از مساجد متعلق به دارالاسلام شروع به تدریس و آموزش مسلمانان کرد. تدریجاً شماری از مسلمانان با علاقه و جدّیت آموزش های او را دنبال کرده و گرد او جمع شدند و پس از مدت کوتاهی آوازه دانش، کرامات و

معجزات وی فراگیر شد تا جایی که از دیگر نقاط آمریکا برای شنیدن سخنان وی به نیویورک می آمدند. کار به جایی رسید که گروه زیادی از شیفتگان مکتب این شیخ صوفی، رهبر اولیه دار الاسلام؛ یعنی، امام یحیی عبدالکریم را رها کرده و خواهان انتقال مقام رهبری به (جیلانی) شدند. همین امر سبب شد که گروه طرفدار جیلانی از جریان اصلی سازمان جدا شده و گروه جدیدی به نام (فقرا) را تشکیل دهند و کسانی که به امام یحیی وفادار ماندند تدریجاً تجزیه شده و به دیگر سازمان های موجود اسلامی پیوستند. (۲۵).

انصار الله.

دهه ۱۹۶۰ دهه ای پر حادثه بود. نه تنها در بسیاری از ممالک اسلامی، بلکه در آمریکا نیز حوادثی به وجود آمد. در خلال این دهه، حرکت های گوناگون مبارزاتی از سوی گروه های مختلف، نظام اجتماعی این کشور را به چالش کشیده بودند. حرکت فراگیر طرفداران آزادی های مدنی، بویژه تلاش های مبارزاتی (دکتر مارتین لوتر کینگ) و نیز جنبش (هیپیسم) علیه مظاهر مادی زندگی و توجه به ارزش های انسانی و معنوی در آمریکا از نمونه های حرکت های چالش گرایانه دهه ۱۹۶۰ به شمار می روند. طی همین دهه یکی از انواع مبارزات سیاه پوستان آمریکا برای احقاق حقوق خود در زیر چتر یک مجموعه جدید که آمیزه ای از ناسیونالیسم سیاهان یا نژاد پرستی، رادیکالیسم و اسلام بود، تجلی یافت. این گروه جدید که عمدتاً یک مجموعه اسلامی بود و نام انصار الله را به خود گرفت، تأکید زیادی بر مسأله برتری نژادی سیاهان داشت. شخصی به نام (امام عیسی) به پیدایش نخستین تمدن بشری در کرانه رود نیل در شمال آفریقا اشاره کرده و آن را نشانه ای مهم از نقش تعیین کننده سیاهان در پیدایش و پرورش تمدن بشری می دانست. به نظر وی، منطقه جنوبی مصر و شمال سودان، مهد تمدن سیاهان و میراثگاه تاریخی آنان بود.

امام عیسی سرانجام با الهام از الیجاه محمد گروه خود را تشکیل داد و همانند مالکوم ایکس به زیارت مکه رفت و پس از آن برای دیدار (معبد المهدی) به سودان رفت و ضمن دیدار از خانواده المهدی - کسی که ارتش های امپراتوری بریتانیا را شکست داده بود - و گرفتن عکس با آنان از پایگاه فرقه انصار در جزیره (ابا) نیز دیدن نمود و پس از بازگشت به آمریکا تصاویری را که در دیدارهای مختلف گرفته بود به طرفداران خود در آمریکا نشان داده و با ارائه گزارشاتی مصور از سفر خود به سودان و نشان دادن عکس هایی از خود در کنار خانواده المهدی سعی کرد به طرفداران خود بقبولاند که وی نیز وابسته به خاندان المهدی است. تبلیغات حساب شده وی، بر جوانان سیاه مؤثر افتاد و سرانجام سازمانی از جوانان تشکیل شد. وی از پیروان خود می خواست که به سبک مسلمانان انصار سودانی لباس بپوشند و مسجدی نیز به فرم معماری مسجد المهدی برای پیروان خود بنا کرد و حتی نام خود را به امام عیسی المهدی تغییر داد. پس از این که امام سودانی به نام امام الهادی المهدی در جریان شورش سال ۱۹۶۹ جزیره (ابا) کشته شد، امام عیسی بار دیگر نام خود را به (سیدالامام عیسی الهادی المهدی) تغییر داد. (۲۶).

امام عیسی اصلاً خود را فرزند امام الهادی سودانی می دانست و مدعی بود که امام سودانی مدت ها پیش به آمریکا آمده و با مادر او ازدواج کرده و پس از تولد وی، خاک این کشور را ترک کرده است. خانواده امام الهادی با شنیدن این خبر، تصمیم به شکایت قانونی گرفتند؛ ولی بعدها صادق المهدی رهبر سیاسی خاندان المهدی آنان را منصرف کرد و استدلال کرد که داشتن چنین فردی برای تبلیغ در آمریکا، ضربه ای به خاندان المهدی نمی زند. وی حتی شخصاً در سفر به آمریکا دعوت امام عیسی و دیدار با او در دفتر مرکزی سازمان در بروکلین را پذیرفت و ضمن گفت و گو با وی و مشروعیت بخشیدن به گروه انصارالله در آمریکا، برخی از تعالیم مذهبی امام عیسی را مورد انتقاد قرار داد و آنها را اصلاح کرد، بویژه این که استفاده از کتاب انجیل در مراسم عبادی و مذهبی را ممنوع کرد.

آنچه در بین پیروان این طرز فکر اسلامی بیش تر از هر چیز اهمیت داشته، آموزش زبان عربی و تکلم به این زبان با فرزندان، همچنین پوشیدن لباس های سفید و بلند به سبک سودانی ها و گذاشتن عمامه برای مردان بود. جالب این که گروه مذکور، به موسیقی و استفاده از آن در مراسم مذهبی بسیار تأکید دارد و حتی گروه ویژه موسیقی تشکیل داده. نکته قابل توجه این که امام عیسی با توجه به شخصیت جنجال برانگیز و هویت سودانی خاصی که از خود ساخته، از حمله و انتقاد مصون نماند و نه تنها سودانی های آمریکایی، بلکه گروهی از طرفداران خود وی، نسبت به او سوء ظن پیدا کردند و چون بیم آن می رفت که در صورت بر ملا شدن سوابق گذشته اش، پیروان او متفرق و جذب جریانات عمده اسلامی گردند، بدین سبب مدتی است که خود را فقط به عنوان یک معلم مذهبی معرفی می کند، نه رهبر سیاسی. همچنین برای حفظ حیات گروه خویش در برابر انتقادات و حملات (بویژه یهودیان و مسیحیان) نام انصارالله را به (انجمن عبری اسلامی نوین) تغییر داده و ستاره داوود با هلال اطراف آن به صورت علامت پرچم این گروه درآمد. و کتاب انجیل در کنار قرآن در آموزش های مذهبی به کار می رود. از سوپی پوشش زنان مسلمان این گروه تعدیل یافت و به کارگیری نقاب صورت از بین رفته است و تأکید بیش تر بر زندگی جمعی بر اساس مقررات و قوانین، از ویژگی های این مجموعه اسلامی می باشد. (۲۷).

Translation Movement

.IMS

شورای مسلمانان آمریکا (AMERICAN MUSLIM COUNCIL)

شورای مسلمانان آمریکا (AMC) در چهارم ژوئن ۱۹۹۰ با هدف توسعه سیاسی در حرکت های مسلمانان منطقه و معرفی اسلام به توده جامعه آمریکا و طبق مرامنامه خود بدون مصالحه در هویت و ارزش های اسلامی پا به عرصه فعالیت گذاشت. شایان ذکر است که، پرچمدار اولیه این حرکت، مرکز اسلامی جنوب کالیفرنیا بود.

همچنین این شورا در کنار قوت بخشیدن به فعالیت های سیاسی مجامع اسلامی در آمریکا و شکل دادن به فعالیت های مذکور و تشویق مسلمانان به شرکت فعال در سیستم حکومتی آمریکا از طریق پرداخت مالیات،

شرکت در شوراهای اداری و رأی دادن، انتخابات پارلمانی در سطح شهر، ایالت و سطوح بالاتر و ایجاد یک کانون نفوذگذاری (لابی) تأسیس گردید. در این رهگذر توانست با جذب بسیاری از مسلمانان همفکرش به سرعت در رسانه های عمومی و ارتباط جمعی، کاخ سفید و اعضای کنگره آمریکا به عنوان نماینده مسلمانان مقیم این کشور راه یابد و ملاقات هایی با رئیس جمهور و اعضای کنگره آمریکا داشته باشد و درباره مسائل مختلف از جمله: فلسطین، بوسنی و غیره جلسات و سمینارهایی بر پا نمایند و برای نمونه، سال گذشته برای نخستین بار این شورا اقدام به برگزاری ضیافتی به مناسبت عید سعید فطر در کاخ سفید کرد.

شورای مسلمانان آمریکا یک سازمان غیر انتفاعی است که با اهدافی از قبیل: کمک به یکپارچه نمودن جامعه مسلمانان در آمریکا، خدمت به منافع جامعه اسلامی در آمریکا، جلوگیری از تبعیضات و خشونت های نژادی، مذهبی و ملی علیه مسلمانان به وسیله آموزش آنان در شناخت حقوق قانونی شان در برخورد با مسائل مختلف و در نهایت شرکت دادن مسلمانان در آینده سیاسی دولت آمریکا به وجود آمد. بدین منظور، سازمان مذکور دفتر مرکزی خود را در قلب واشنگتن، یعنی، پایتخت آمریکا افتتاح کرد، تا ضمن ابراز وجود و اعلام حضور بتواند با مقامات محلی، دولتی و رهبران ملی این کشور در تماس باشد.

شورای مسلمانان آمریکا در واشنگتن دی.سی، عمده ترین مرکز و منبعی است که می توان جهت کسب هرگونه اطلاعی درباره مسلمانان این کشور به آن رجوع کرد. این شورا دارای کارکنانی اندک و یک بودجه صرفاً چهارصد هزار دلاری است که در مقایسه با گروه های کاتولیک یا یهودی بسیار ناچیز است.

با این همه، رفته رفته احساس فزاینده ای از همبستگی در میان مسلمانان پدید می آید که علت آن تا حدودی به بحران هایی چون: جنگ خلیج فارس، بمب گذاری در مرکز تجارتی جهانی نیویورک و بمب گذاری در شهر اوکلاهوما مربوط می گردد. (۲۸).

همچنین پیشتاز تلاش های مربوط به هماهنگی و تقویت قدرت سیاسی مسلمانان، شورای اسلامی آمریکاست. این گروه، نظارت و هماهنگی اقدامات را در ارتباط با قوه قانونگذاری آمریکا عهده دار است.

دو سازمان برجسته مسلمانان مهاجر آمریکا به نام های انجمن اسلامی شمال آمریکا (جامائیکا، نیویورک) و دایره اسلامی شمال آمریکا (پلینت فیلد، ایندیانا)، شورای اسلامی آمریکا را مورد تأیید قرار داده اند. وارث الدین محمد رهبر سیاه پوست فرقه میسیون اسلامی در شیکاگو نیز شورای مذکور را تأیید کرده است. سه گروه یاد شده هر یک بر شبکه ملی متشکل از هزاران مسجد و مدرسه نظارت می نمایند. شورای مسلمانان آمریکا، تحولات رخ داده در درون این گروه ها را زیر نظر قرار داده و غالباً به عنوان واسطه ای صدیق عمل کرده و درباره فعالیت های آنها نظر می دهد.

گفتنی است که هم انجمن اسلامی شمال آمریکا، که از سوی اخوان المسلمین عرب تشکیل یافت و هم دایره اسلامی شمال آمریکا، که از انجمن مزبور کوچک تر بوده و از هند و پاکستانی های محافظه کارتر تشکیل یافته است، در دهه ۱۹۶۰ صرفاً گروه هایی دانشجویی بودند، اما هنگامی که دانشجویان مربوطه به صورت شهروندان، نان آوران و مالیات دهندگان کشور در آمدند، اهدافشان نیز تغییر یافت. هنگامی که انجمن اسلامی شمال آمریکا در جنگ ۱۹۹۰ خلیج فارس، هیچ موضعی اتخاذ نکرد، خاندان سلطنتی عربستان سعودی کمک

های ملی خود به آنان را قطع کردند، اعضای انجمن مزبور این اقدام سعودی ها را یک توفیق اجباری دانستند؛ چرا که از آن پس ناگزیر شدند به خود متکی شوند و روی پای خود بایستند. (۲۹).

این شورا دارای یک (هیأت مشاوره ملی) NATIONAL ADVISORY BOARD است که متشکل از رهبران و نمایندگان اقلیت و سازمان های مختلف مسلمان در آمریکاست. در ساختار تشکیلاتی این سازمان غیر از هیأت مشاوره یک هیأت امضا و یک هیأت اجرایی نیز وجود دارد، این شورا دارای یک خبرنامه ماهیانه تحت نام LETTER AMC NEWS بوده و سالانه یک کنفرانس و یا سمپوزیوم نیز برگزار می کند که در همان برنامه اقدام به جمع آوری کمک های مالی نیز می نماید. البته گفتنی است که در کنار این کنفرانس سالانه، این شورا جلسات متعددی در شهرهای مختلف و همچنین کنفرانس های مطبوعاتی بنا به مقتضیات زمانی برگزار می نماید. اهم فعالیت های شورا به شرح ذیل است:

۱. تشویق مسلمانان برای ثبت نام انتخاباتی و شرکت در فرآیندهای سیاسی از قبیل: کاندیداتوری در سطوح محلی، ایالتی و فدرال؛

۲. معرفی رقبای انتخاباتی که به مسائل مسلمانان واقف و حساس بوده و مورد تأیید جامعه مسلمانان هستند؛

۳. لابی گری (نفوذ گذاری) در خصوص مسائل مختلف در حمایت از مسلمانان و ... می باشد.

همچنین این شورا برخی از موفقیت های خود را در طول حیاتش بدین ترتیب اعلام می نماید:

۱. برگزاری مراسم دعا برای بازگشایی مجلس نمایندگان آمریکا از سوی یکی از رهبران مذهبی مسلمانان به نام (امام سراج وهاج) در ۲۵ جون ۱۹۹۱؛

۲. برگزاری مراسم دعا برای بازگشایی مجلس سنا از سوی یکی دیگر از رهبران مذهبی مسلمانان به نام (امام وارث الدین محمد) در فوریه ۱۹۹۲؛

۳. تشویق و ترغیب رئیس جمهوری آمریکا در به رسمیت شناختن اعیاد مسلمانان و اظهار عرض تبریک به مناسبت عید فطر و مانند اینها.

این شورا همان طوری که قبلاً گفته شد به منظور جمع آوری کمک های ملی روز یک شنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۷۵ برابر با بیستم اکتبر ۱۹۹۶ در هتل ماریت کریستال - گیت اقدام به برگزاری مراسم شامی کرد. در این مراسم که نخست پس از نماز ظهر تحت عنوان (سمپوزیوم مسائل سیاسی) آغاز به کار کرد، سخنرانان صاحب نامی از جمله: (دکتر طه جابر الوانی)، (دکتر مرتضی احمد) و (پروفسور علی مزروعی) شرکت داشتند.

نخستین سخنران این سمپوزیوم دکتر طه جابر الوانی عراقی الاصل و رئیس مؤسسه بین المللی تفکر و اندیشه

اسلامی و همچنین INTERNATIONAL INSTITUTE OF ISLAMIC

THOUGHT رئیس شورای فقهی آمریکا بوده است. نامبرده دکترای خود را در (FIQH

COUNCIL OF AMERICA) رشته شریعت و قوانین اسلامی از دانشگاه الازهر اخذ کرد و از سال

۱۹۷۵ تحت عنوان مشاور قانونی در قوانین ویژه با وزارت کشور عربستان سعودی ا LEGAL

ADVISOR FOR SPECIAL LAW IN همکاری می نماید. وی به عنوان نخستین سخنران

در قسمتی از THE HOME MINISTRY OF SAUDI سخنان خود درباره مسئولیت مسلمانان اظهار داشت که:

طبق نصّ صریح قرآن، ما همه دارای یک پدر، یک مادر و یک خانه هستیم و قدر مسلم خانه ما، منحصر به چهار دیواری که در آن زندگی می کنیم نیست، وسعت خانه ما به پهنای جهان هستی است. از این رو، مسئولیت های مان در برابر باری تعالی به همان اندازه است. نامبرده در ادامه اظهار داشت:

سه اصل اساسی که همواره باید مد نظر باشد عبارتند از: اصل توحید، اصل تزکیه و اصل عمران، البته عمران به معنای ساختن و پرورش دادن جهان هستی. اگر بتوانیم در امور زندگی این سه اصل را به مرحله اجرا درآوریم، ما بقی امور در رده های بعد قرار خواهند گرفت.

وی در گوشه ای دیگر از سخنانش ضمن بر شمردن دیکتاتوری های زمامداران کشورهای اسلامی بویژه در باره حرکت های اسلامی اظهار داشت:

ما فکر می کنیم زندگی کردن در آمریکا با اصل دین، مذهب، سوابق تاریخی و میراث فرهنگی ما مغایرت دارد، در صورتی که این تفکر به هیچ وجه صحیح نیست. درباره خودم می توانم این را بگویم که، برای نخستین بار در تاریخ زندگی ام در آمریکا توانسته ام معنای واقعی شهادتین را بدون هیچ وحشت و تهدیدی از سوی رهبران سیاسی به مرحله تمرین و عمل بگذارم. وی در ادامه اظهار داشت:

باید گذشته را کنار گذاشت. ما الان در این جا هستیم و شرایط هم مناسب است. باید سعی کنیم خود را جزئی از این جامعه بدانیم و به خاطر مسائل گذشته، خود را از جامعه جدا نکنیم. باید مسائل گذشته را به صورت مثبت در اختیار کشورمان - منظورم این کشور (آمریکا) - و جامعه مان؛ یعنی جامعه جهانی قراردهیم. نامبرده در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت:

نیاز ما در این سوی جهان اجتهاد است نه فتوا؛ شرعیه است نه فقه قدیم؛ چرا که شرعیه، محیط بر همه نیازها و همه انسان هاست.

آقای طه جابر در بخش پایانی سخنان خود از شورای مسلمانان آمریکا و سازمان های مشابه خواست که مسائل سیاسی را به عهده متخصصان علوم مذکور قراردهند، بی شک وجود فقیه در جمع متخصصان لازم است. در بخش پرسش و پاسخ، یک جوان پاکستانی از ایشان پرسید:

چگونه می توان هم هویت اسلامی را پرورش داد و به درجات عالی رسید و هم در عین حال خود را عضوی و جزئی از این کشور (آمریکا) دانست. نامبرده به طور گذرا اظهار داشت:

یک فرد مسلمان باید در هر حال به مختصات محیط خود آشنا شده و یک تعادل به وجود آورد. دومین سخنران این سمپوزیوم پروفیسور (احمد پاکستانی الاصل)، دارای فوق لیسانس در رشته مدیریت در امور توسعه از دانشگاه آمریکایی بیروت و دکترا در رشته فلسفه و علوم سیاسی از دانشگاه شیکاگو بود. نامبرده

مشاور سردبیر جورنال آمریکایی علوم انسانی - اسلامی و بررسی مسائل شرق - غرب می باشد.
(AMERICAN JOURNAL OF ISLAMIC SOCIAL SCIENCE AND)

(EAST - WEST) وی مؤلف کتاب ها و مقالات بسیاری در باره اسلام، سیاست و توسعه های آسیای جنوبی (REVIEW) و خاورمیانه بوده و در حال حاضر نامبرده به عنوان پروفسور علوم سیاسی دانشگاه همپتن (HAMPTON) و عضو پروژه روابط بین الملل آکادمی هنر و علوم آمریکاست.

وی به عنوان دومین سخنران در باره نیاز مشارکت مسلمانان مقیم آمریکا در فرآیند های سیاسی اظهار داشت: بیش تر ما از بدو ورود به آمریکا، امید بازگشت به وطن را داریم، اما خیلی به ندرت اتفاق افتاده است که این امید، جامه عمل به خود بیوشد. ولذا فکر می کنم باید واقعیت را پذیرفت و در بهبود اوضاع وطنی که اختیار کردیم بیش از پیش حساسیت به خرج دهیم.

وی در حمایت از شورای مسلمانان آمریکا اظهار داشت:

این شورا و سازمان های مشابه باید از سوی مسلمانان مورد حمایت معنوی و مادی قرار گیرند تا شاید از این طریق بتوانیم به طور متشکل، یکپارچه و همصدا در خصوص مشکلاتمان اظهار نظر کنیم.
وی در ادامه گفت:

برای بسیاری این پرسش مطرح است که آیا قانون اساسی آمریکا با اسلام مغایرت دارد یا خیر و یا این که قانون اساسی آمریکا، اسلامی است یا خیر، باید بگوییم به غیر از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی آمریکا همان قدر اسلامی است که قانون اساسی سایر کشورهای اسلامی، از جمله عراق، یمن، اردن، مصر، سوریه و... اسلامی هستند، با این تفاوت که در آمریکا برای ریاست جمهوری دست کم دو کاندیدا وجود دارد، در صورتی که در کشورهای اسلامی فقط و فقط یک کاندیدا وجود دارد که همیشه هم به طور اتفاقی با ۹۹/۹٪ آرا به ریاست جمهوری دائمی نایل می آیند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا جامعه آمریکا آمادگی اعلام حزب اسلامی برای فعالیت های سیاسی را دارد یا خیر اظهار داشت:

من مخالف با حزب جداگانه ای هستم. مرحوم دکتر (کلیم صدیقی) - رحمه الله علیه - به چنین عملی در انگلیس دست زد و پارلمان مسلمانان انگلیس را پایه گذاری نمود که باید بگوییم: کار بسیار خطرناکی برای مسلمانان بود.

در خصوص علت عدم حضور فعال مسلمانان در برنامه های سیاسی، نامبرده اظهار داشت:

به نظر می رسد که عدم حضور مسلمانان به علت راحتی و آرامش خاطری است که در آنها ایجاد شده است، چرا که بسیاری از مشکلات از قبیل تبعیض نژادی و مانند اینها از سوی یهودی ها، مسیحی ها و اقلیت های اسپانیایی و غیره تا اندازه ای رفع گردیده است.

وی اظهار داشت:

ما باید ضمن مشارکت فعال در فرآیند سیاسی به شکل موجود، از هر یک از اقلیت ها و یا گروه های مختلف آنچه را که منافع ما با آن شریک است اختیار نموده و با اقلیت های دیگر همکاری نماییم؛ برای مثال، با اقلیت

اسپانیایی و مکزیکی در خصوص مسائل و قوانین مهاجرتی هم نیاز هستیم، باید در این زمینه با آنان مشارکت فعال داشته باشیم، از یهودیان در خصوص لابی گری باید بیاموزیم، از دیگران نیز به همین ترتیب باید بیاموزیم و با آنان مشارکت داشته باشیم. در غیر این صورت راه به جایی نخواهیم برد.

پس از نماز مغرب و صرف شام، دکتر (چیما) رئیس هیأت امنای شورای مسلمانان آمریکا ضمن خوش آمدگویی، نیاز این شورا را در خصوص کمک های معنوی و مادی مجامع اسلامی بر شمرد و گفت:

علی رغم گردش پول پانصد میلیون دلاری در بین جامعه اسلامی مقیم آمریکا، سازمان ها و شوراهایی نظیر شورای مسلمانان آمریکا از حمایت مادی مسلمانان محروم است و آرزو کرد که - ان شاء الله - در آینده مسلمانان با برخورداری از احساس مسؤولیت بیش تر در این خصوص اقدام لازم را به عمل آورند.

سومین و آخرین سخنران و یا در واقع سخنران اصلی این سمپوزیوم دکتر (علی مزروعی) بود. وی که کنیایی الاصل است، از دانشگاه منچستر و کلمبیا به ترتیب مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را در رشته فلسفه از دانشگاه آکسفورد لندن اخذ نموده است. نامبرده در سال های ۱۹۷۴ - ۱۹۹۱ به عنوان پروفیسور در رشته علوم سیاسی و همچنین بین سال های ۱۹۷۸ - ۱۹۸۸ به عنوان سرپرست بخش آمریکایی های آفریقایی تبار و همچنین سرپرست بخش مطالعات آفریقایی دانشگاه میشیگان مشغول به کار بوده است. دکتر مزروعی بیش از بیست تألیف و ناول داشت. وی در عین حال، بیش از بیست جورنال معروف، عضو هیأت مدیره و تحریریه بود. او در حال حاضر رئیس شورای بین المللی مرکز آفریقایی لندن است. دکتر مزروعی سومین و آخرین سخنران این سمینار، در خصوص ضرورت مشارکت مسلمانان در فرآیند سیاسی و انتخابات آمریکا سخنانش را با این پرسش که اگر اقلیت ها در کشورهای اسلامی حق فعالیت سیاسی و حق رأی دارند، چرا اقلیت های اسلامی در کشورهای غیر اسلامی از این حقوق محروم باشند اگر اقلیت ها در کشورهای مسلمان می توانند درجات عالی رسمی در دولت اتخاذ نمایند، چرا اقلیت های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی باید از این حق محروم باشند وی در ادامه اظهار داشت:

به اعتقاد من مسلمانان نه تنها در مسائل داخلی، بلکه در سیاست خارجی و مسائل مربوطه به آن نیز باید فعالانه مشارکت داشته باشند و اظهار نظر نمایند، قدر مسلم مسلمانان حق دارند که در خصوص حمایت و کمک های نظامی ایران به بوسنی، واکنش مثبت نشان داده و نظر خود را ابراز نمایند، همان گونه که حق دارند از سیاست آمریکا در قبال لیبی اعتراض نمایند. در باره چگونگی رأی دادن مسلمانان، بر این باورم که، مسلمانان نباید به احزاب رأی دهند، بلکه باید به فرد رأی بدهند؛ یعنی، پس از بررسی عملکرد و نقطه نظرات فرد یا کاندیدای مورد نظر، بدون وابستگی حزبی آن کس را که منافع مسلمانان را بیش تر در نظر می گیرد رأی دهند. مانباید مثل سیاه پوستان خود را منتسب به دموکرات ها، جمهوری خواهان و یا هر حزب دیگر بدانیم. برای ما باید منافع مسلمانان در اولویت باشد. در خصوص انتخابات ریاست جمهوری همان گونه که همه مطلع هستید، من هم به طور خصوصی و هم آشکارا و عمومی نسبت به بسیاری از سیاست های آقای (کلینتون) اعتراض خود را اعلام نموده ام، لیکن هر چه به انتخابات نزدیک تر می شویم، به این نتیجه می رسم که آقای کلینتون در مقایسه با رقیب انتخاباتی خود نسبت به مسلمانان صمیمی تر و دوستانه تر برخورد

کرده است. از نمونه برخوردهای وی به رسمیت شناختن اعیاد اسلامی، اظهار عرض تبریک به مسلمانان جهان بویژه مسلمانان آمریکا به مناسبت عید فطر، ایجاد مساجد برای نخستین بار و اجازه فرایض مذهبی در ارتش، چشم پوشی به کمک های جمهوری اسلامی ایران به بوسنی و مانند اینهاست که می تواند بیانگر این صمیمیت و دوستی باشد. پس از سخنانی دکتر مزروعی، آقای (احمد اشرف) که از اعضای هیأت امنای شورای مذکور است، برنامه دریافت کمک های مالی را آغاز کرد. شایان ذکر است به هر یک از چهارتن کاندیداهای نمایندگی مجلس آمریکا (جیمز پ. موران) (CONGRESSMAN JAMES P. MORAN) از حزب دموکرات و رقیب انتخاباتی او (جان اوتی) (JOHN OTEY) جمهوری خواه و نیز (تام دیویس مستقل) (CONGRESSMAN TOM DAVIS) و رقیب انتخاباتی وی (تام هورتون) (TOM HORTON) از حزب جمهوری خواه پنج دقیقه اجازه نطق انتخاباتی داده شد که نامبردگان نظریات خویش را در خصوص مسائل مربوط به مسلمانان بویژه وضعیت و مشکلات مهاجرتی، مالیات و غیره بیان کنند.

لازم به ذکر است از مؤسسان اصلی شورای مذکور مرحوم (محمد ابو سعود) مصری الاصل و هم‌رزم شهید (سید قطب) و دکتر (العمودی) تونسی الاصل را می توان نام برد که به طور نسبی افراد مستقل و طرفدار انقلاب اسلامی می باشند، لیکن شورای مذکور با کمک های مالی دولتی و غیر دولتی عربستان سعودی شروع به کار کرده و در طول این چند سال تقویت گردیده است. شایان ذکر است در سال های اخیر، وابستگی این شورا و سازمان های نظیر آن به عربستان سعودی به دلایل مختلف تقلیل یافته است و در نتیجه، این عمل تأثیر بسزایی در بنیه مالی آنها گذاشته است. در حال حاضر بنیه مالی شورای مذکور بسیار ضعیف بوده و مسؤولان این شورا به جمع آوری کمک های مالی از منابع مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران اقدام نموده اند.

همچنین درباره شیوه ارتباط شورای مسلمانان آمریکا با حماس باید گفت که، این شورا عملاً از حماس طرفداری می کند؛ مثلاً، در برنامه خبری یکی از شبکه های تلویزیونی خاورمیانه، عبدالرحمن العمودی، رئیس شورای مسلمانان آمریکا اظهار داشت که:

حماس یک جنبش تروریستی نیست.

و پس از آن، وی با افتخار اعلام کرد که: با (موسی ابو مرزوق) در اسرائیل همکاری دارد. وی گفت:

به نظر من او (ابو مرزوق) واقعاً یکی از بهترین افراد جنبش اسلامی حماس و به طور کلی در جنبش فلسطین می باشد و من با او همکاری می کنم.

همچنین لازم به ذکر است که وی به دنبال دستگیری مرزوق در نیویورک، هماهنگ سازی دفاعیات حماس را به عهده گرفت و در این باره اظهار کرد:

افتخار می کنم که عضو کمیته ای هستم که دفاع از موسی ابو مرزوق در آمریکا را بر عهده دارد و این مسأله را امتیازی برای خود می دانم. (۳۰).

ضمناً رئیس شورای مسلمانان آمریکا به همراه دیگر مسؤولان در کنفرانس ها و سمینارهای مربوط به مسأله فلسطین شرکت می کنند و در سمیناری که اخیراً توسط انجمن مطالعات و تحقیقات آمریکا شرکت کردند و در این گردهمایی، قطعنامه ضد یهودی و ضد آمریکایی مورد تصویب شرکت کنندگان قرار گرفت. (۳۱) که این نوع موضع گیری شورای مسلمانان آمریکا، همواره مورد انتقاد مخالفان آنها بوده است.

سازمان شورای روابط آمریکایی - اسلامی.

شورای روابط آمریکایی - اسلامی یک سازمان وابسته به توده مردم است. دفتر مرکزی این سازمان در واشنگتن دی. سی و شعب آن در شهرهای بزرگ آمریکا دایر می باشد. از اهداف این سازمان نوپا که تقریباً یک سال از عمرش می گذرد، به نمایش گذاردن تصویر مثبتی از اسلام در آمریکا و همچنین ارائه نقطه نظرات و موضوعاتی است که دانستن آن برای مردم آمریکا مهم است. این سازمان برای دستیابی به اهدافش از طریق رسانه های ارتباط جمعی در اطراف آمریکا اقدام نموده و با زیر نظر داشتن رسانه های ارتباط جمعی در سطح آمریکا و همچنین در سطح بین المللی قصد دارند که نه تنها پاسخگوی افراد دگماتیک باشند، بلکه سدی باشند بر ضد سازمان هایی که علیه مسلمانان حرکت می کنند. وظایف این سازمان عبارتند از:

۱. برگزاری کنفرانس ها و سمینارها برای رسانه های ارتباط جمعی، مقامات رسمی دولتی و مجامع علمی؛
 ۲. چاپ، تکثیر و ارسال انتشارات مختلف بر حسب نیاز مسلمانان در آمریکا، مجله فصلی و جزوات؛
 ۳. اعلام رخدادهای مهم: این سازمان از طریق فکس تمامی حرکت ها و اتفاقات مهم را در ارتباط با مسلمانان و مجامع اسلام به اطلاع همه مسلمانان آمریکا می رساند؛
 ۴. تحقیق: این سازمان یک سری تحقیقات در مورد مسلمانان دارد. از جمله جمع آوری آمار حرکت های مسلمانان در باره حقوق اجتماعی است که در این تحقیقات، آمار حرکت های خشونت آمیزی بر ضد مسلمانان انجام گرفته نیز وجود دارد؛
 ۵. حرکت های ضد تبعیض نژادی و مذهبی بر ضد مسلمانان؛
 ۶. لابی (فعالیت برای نفوذ در سیستم سیاسی - اجتماعی آمریکا): این سازمان دارای یک تیم لابی ست است که مسؤولیت تماس با رهبران سیاسی آمریکا در رابطه با اسلام و موضوعاتی که مستقیماً با منافع مسلمانان مرتبط است با آنان است؛
 ۷. این سازمان دارای وظایف دیگری از جمله آموزش و همکاری کردن با دانشجویانی که دوستدار کسب تجربه در باره وسائل ارتباط جمعی اند، می باشد.
- نخستین جلسه میهمانی سالانه جمع آوری اعانات FUNDRAISING شورای روابط آمریکایی - اسلامی CAIR در ساعت هفت با یک ساعت تأخیر با نماز مغرب آغاز به کار کرد.

در این جلسه که بیش از ۱۵۰ نفر از مسلمانان فعال واشنگتن و حومه شرکت داشتند، قرار بود آقای (حکیم علیجا) بسکتبالیست معروف مسلمان نیز شرکت نماید که گویا به دلیل شروع تمریناتش نتوانست شرکت کند. از میهمانان دیگری که نتوانست شرکت کند، سفیر نیجریه بود که با ارسال پیامی از عدم حضورش عذرخواهی کرده بود. در این جلسه، سرپرست نمایندگی به همراه مسؤول تبلیغات نمایندگی نیز شرکت داشتند. پس از صرف شام سرپرست و مدیر سازمان مذکور آقای (نهاد اواد) ضمن خوش آمدگویی در خصوص اهمیت کار دسته جمعی و همکاری همه مسلمانان با هم سخن گفت و اظهار داشت که:

جامعه مسلمانان نباید خود را ناچیز بشمارد و از ابراز عقیده اش ترسی داشته باشد، ولی در عین حال نباید عکس العمل همراه با تنفر داشته باشد. ما برای انجام وظیفه و هدفی در این جا هستیم، نگوئید که ما نمی توانیم و یا قادر نیستیم این کار را و یا آن کار را انجام بدهیم. کوچک ترین کاری که ما می توانیم انجام بدهیم این است که مسلمان خوبی باشیم، مادر خوبی باشیم، پدر خوبی باشیم و همسایه خوبی باشیم. این کم ترین کاری است که می توانیم انجام بدهیم. از وظایف دیگر ما این است که، همیشه گوش به زنگ باشیم، نباید از جریانات عقب بود و غافل شد. عنایت کنید به این مطلب که ما سه ساعت، فقط سه ساعت از جریان بمب گذاری او کلاهما عقب بودیم، نتیجه چه شد نتیجه این شد که همه انگشت ها به ما نشانه رفت و همه نیزه ها متوجه مسلمانان و عرب ها شد. زمان برای ما مسلمانان بسیار با اهمیت است. باید بیش از پیش به آن توجه شود.

در ادامه نامبرده در خصوص طبیعت کارهای جمعی آن هم در وسعت کاری که CAIR انجام می دهد سخن گفت و اظهار داشت:

انجام چنین کارهایی مستلزم مخارج سنگینی است که این، بدون کمک جامعه اسلامی امکان پذیر نیست و تقاضا کرد که افراد شرکت کننده نه تنها خودشان کمک کنند، بلکه دیگران را نیز به این کار تشویق نمایند. فیلم کوتاهی از عملکرد این سازمان به نمایش گذاشته شد و پس از آن قسمت اصلی برنامه که درباره جمع آوری کمک ها بود آغاز شد. بدین منظور از آقای (عبدالله ادریس) رئیس سازمان ایسنا که در این خصوص کارها ید طولایی دارد و در واقع می توان گفت در کار خودش حرفه ای است شروع به سخن و جمع آوری اعانات کرد و به حق، خوب عمل کرد و نتیجه این که در آن شب بیش از ۱۲۰ هزار دلار جمع آوری شد. خاطر نشان می سازد:

این نمایندگی نیز به دلیل شرایط خاص سازمان مذکور و محبوبیت و رشد سریع آنها در بین سازمان های دیگر اسلامی و همچنین نتیجه و بازدهی کار، این سازمان مبلغی را به عنوان کمک به این سازمان پرداخت کرد. لازم به ذکر است که، این سازمان نوپا که حدود یک سال بیش تر از عمر فعالیت هایش نمی گذرد نشان داده است که، خوشبختانه بین اهداف و وظایفی که برای خود قایل شده است، همسویی لازم را دارا نمی باشد و به وضوح نشان داده است که توانسته است ضمن دفاع از اسلام و مسلمانان، محبوبیت و رشد سریعی در بین سازمان های دیگر اسلامی کسب کند. مدیریت این سازمان جوان، پر کار، دارای هدف و برخوردار از موازین اسلامی است.

شورای امور عمومی مسلمانان.

(سالم میر آیتی) از جوانان پر جوش و خروش لوس آنجلس است. او با اقشار مختلف مردم در ارتباط است. گاهی او را می بینیم که مثلاً با (اسپایک لی) فیلم ساز گفت و گو می کند و گاهی با (حکیم اولا جووان)، قهرمان معروف بسکتبال. میر آیتی همچنین در میان نسل تازه ای از مسلمانان کالیفرنیا که قصد دارند، تصویر خویش را که به عنوان خارجی ها، زندگی می کنند، دگرگون سازند، شخصیت برجسته ای به حساب می آید. علاوه بر کارهای دیگر، میرآیتی می کوشد نخستین برنامه کار سیاسی داخلی مربوط به انتخاب را برای مسلمانان تهیه نماید. او می گوید: ما باید موقعیت خویش را تغییر داده و از عریضه نویسی صرف به تلاش برای به تصویب رساندن برنامه کار خود بپردازیم. و این برنامه کار، مشتمل است بر حل و فصل اختلافات زن و شوهر، احقاق حقوق والدین و رسیدگی به مسأله اعمال خشونت در محیط خانواده و نقض حقوق بشر در کشورهای خارج.

میرآیتی که در ناحیه قومی لوس آنجلس رشد یافته است و در رشته مهندسی بیوشیمی تحصیل کرده است، در سال ۱۹۸۸ شورای امور عمومی مسلمانان را تأسیس کرد؛ زیرا معتقد بود که مساجد محلی به تنهایی نمی توانند سوء تفاهم های زیاد رسانه ها درباره انتفاضه فلسطین، ماهیت اسلام و نیم میلیون مسلمان مقیم کالیفرنیا را بر طرف سازند.

وی در دفتر کار کوچکی در یکی از محلات مرکزی شهر با تابلوهایی به زبان اسپانیایی و کره ای فعالیت می کند. او می گوید:

رفته رفته ما را داشتند از بحث و تبادل نظر درباره مذهبمان محروم می ساختند.

بخش عظیمی از فعالیت میرآیتی صرفاً به برقراری ارتباط مربوط می شود. در این خصوص وی به برگزاری ضیافت های ناهار با صاحبان حرف و مشاغل مسلمان، تهیه گزارش ها و مطالبی درباره بوسنی برای روزنامه هایی چون سان جوزه مرکوری نیوز (SAN JOSE MERCURY NEWS) و تشکیل اجلاس هایی با شرکت افراد ذی نفوذ می پردازد. وی اخیراً نیز با تهیه کنندگان شبکه های ان.بی.سی. (NBC) و سی.بی.اس. (CBS) ملاقات هایی به عمل آورد. پس از وقوع بمب گذاری در او کلاهماستی، میرآیتی و دو تن از همکارانش با نمایندگان کالیفرنیا در کنگره دیدار کردند تا مسأله درک ضعیف مقامات آمریکا از مسلمانان آمریکا و اعتقادات اسلامی شان را مورد بحث قرار دهند.

میرآیتی می افزاید:

اگر فقط می توانستیم یک کاندیدای ریاست جمهوری داشته باشیم، که بگوید: وقت آن است که دست از شریر جلوه دادن مسلمانان برداشته شود و این گام بزرگی به حساب خواهد آمد. (۳۲).

همان گونه که پیش تر اشاره شد، شرایط اجتماعی ویژه دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آمریکا زمینه ساز پیدایش بسیاری از حرکت های مبارزاتی و رشد سازمان های مختلف، از جمله برخی از سازمان های اسلامی بومی شد؛ ولی با از بین رفتن تدریجی موج رادیکالیسم ناشی از بحران های جامعه طی دهه بویژه ۱۹۷۰ بسیاری از سازمان های مبارزاتی سیاسی، نژادی و مذهبی نیز از بین رفتند. در این میان تعدادی از سازمان های اسلامی نیز به دلیل مشکلات مالی و ایدئولوژیکی و مهم تر از همه به دلیل بی رنگ شدن شعارهای رادیکالی دهه ۱۹۶۰، تدریجاً محو شدند. برای مثال، (حزب اسلامی مظفر الدین حمید)، (گروه اسلامی منفی) تحت رهبری خمس خلیفه عبدالخالص و (فدراسیون مسلمانان آمریکا) به دلایل مختلف از بین رفتند و تنها سازمان ها یا گروه هایی به حیات خود ادامه دادند که توانسته بودند پایگاه خود را در میان طرفداران خود قوت بخشند و علاوه بر جلب حمایت اقتصادی و مالی پیروان خود، از کمک های برخی از ممالک اسلامی، خصوصاً عربستان سعودی چه در زمینه مالی و چه آموزشی برخوردار شوند.

از مشکلات رایج سازمان های اسلامی، نبودن افراد کاملاً آموزش دیده برای اداره امور مذهبی آنان است. لذا با توجه به عدم وجود انستیتوهای آموزشی تخصصی مذهبی در آمریکا، نامزد های رهبری جماعات اسلامی، ناگزیر به دانشگاه الازهر مصر، مکه، کراچی و دیگر مدارس علمی ممالک اسلامی اعزام می شدند. ممالکی چون: عربستان سعودی، پاکستان و مصر با درجاتی متفاوت، آماده کمک های آموزشی بویژه تأمین هزینه تحصیلی مسلمانان آمریکا در خارج بودند که البته هدف اصلی آنان از این کار، تحت تأثیر قرارداد و خط مشی دادن به جریانات خاص اسلامی در آمریکا بوده است. روشن است که سعودی ها در این زمینه بیش ترین هزینه ها را متقبل شدند تا اسلام مورد نظر خود را در آمریکا ترویج دهند. از جمله کمک های دیگر برخی ممالک اسلامی، اعزام امام جماعت های آموزش دیده از الازهر یا مکه برای اداره مساجد آمریکا بود. برای مثال، در دهه ۱۹۵۰ گروهی امام جماعت تعلیم دیده و فارغ التحصیل الازهر برای اداره جامعه بزرگ مسلمانان یوگسلاوی در شیکاگو و اجتماعات اسلامی لبنانی ها و آلبانی ها در دیترویت به آمریکا فرستاده شدند. ممالک غربی در سال ۱۹۶۲ برای تعلیم دادن امام جماعت مساجد و اجتماعات اسلامی سازمانی به نام (اتحادیه جهانی مسلمانان) را بنیانگذاری کردند. در اوایل دهه ۱۹۸۰ تقریباً ۲۶ جامعه اسلامی در ایالات متحده از خدمات (اتحادیه جهانی مسلمانان) برخوردار شدند و مشکل رهبری آموزش دیده برای مساجد خود را تا حدی بر طرف کردند. تقریباً تمام این افراد در مصر، لبنان و عربستان سعودی تعلیم دیده بودند. (۳۳).

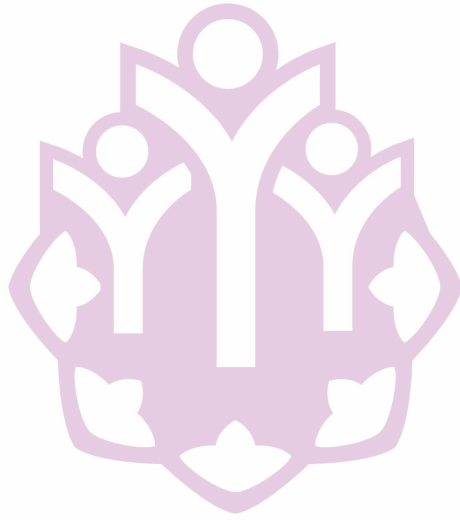
۱. EMILY KALLED, 1883, p.96. 2. LARRY POSTON, ISLAMIC DAWAH IN THE WEST, NEW YORK: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1992. 3. مجله اسلام، ش ۲، چاپ چین، سال ۱۹۹۲.

۴. مجله اسلام، ش ۲، چاپ چین، سال ۱۹۹۲.

۵. همان ص ۳۵.

۶. همان ص ۳۵.

۷. مجله اسلام، ش ۲، چاپ چین، سال ۱۹۹۲.
۸. LARRY POSTON, 1992, p.35. 9. GUTBI MAHDI AHMAD, MUSLIM OR GAMIZATIONS IN THE UNITED STATES, IN YVANNE HADDAD, 1991, pp:12-14. 10. همان، ص ۱۴-۱۵.
۱۱. مجله اسلام، ش ۲، چاپ چین، سال ۱۹۹۲.
۱۲. 13. GUTBI MAHDI AHMAD, P.P.14-15. همان جا.
۱۴. همان جا.
۱۵. E.E. GALVERLY, "NEGRO MUSLIMS IN HARTFORD", "THE MUSLIM WORLD" 55, 1965. 16. همان جا.
۱۷. GUTBI AHDI AHMAD, "MUSLIM OR GANIZATIOMS IN THE UNITED STATES", IN YVANNE HADDAD. 1991. 18. بشاره مراد الدین، المجله، چاپ انگلستان، ۹۶/۵/۱۱.
۱۹. ریچارد پرنتاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۶/۶/۲.
۲۰. اکونومیست، ۹۶/۸/۲۴.
۲۱. GUTBI MAHDI AHMAD, "MUSLIM OR GANI`ZATIONS IN THE UNITED STATES", IN YVANNE HADDAD, 1991. 22. دیناویزبرگ برین، نیشن، چاپ تایلند، ۹۶/۱۱/۱۱.
۲۳. لورن آدامز، واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۹۶/۹/۲.
۲۴. دیناویزبرگ برین، نیشن، چاپ تایلند، ۹۶/۱۱/۱۱.
۲۵. 26. GUTBI MAHDI AHMAD, P. 20. همان جا.
۲۷. همان جا.
۲۸. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.
۲۹. لامیس آندونی، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۵.
۳۰. استیون امرسون، وال استریت جورنال، چاپ آمریکا، ۹۶/۵/۱۰.
۳۱. استیون امرسون، وال استریت جورنال، چاپ آمریکا، ۹۶/۵/۱۰.
۳۲. رابرت مارکند و لامیس آندونی، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۵.
۳۳. LARRY POSTON, ISLAMIC DAWAH IN THE WEST, NEW YORK: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1992.



نہضت ترجمہ
Translation Movement
.IN5

۳. مساجد

مسجد، ساختمان، هیأت مؤسس و نقش آن.
معماری و شکل اداری مسجد.
هیأت مؤسس مسجد.
ریشه های برخورد و نزاع.
وظایف مسجد.
پیوند و ارتباط با فرهنگ آمریکایی.
مسائل مالی مسجد.
امام مسجد.
(امام) مسجد در بافت جامعه آمریکا.
تضادها و برخوردهای فرهنگی.
اهمیت زبان عربی.



مسجد، ساختمان، هیأت مؤسس و نقش آن.

در جوامع اسلامی، مسجد همواره نقش بسیار مهمی داشته است. مسجد نه تنها محل عبادت بلکه مرکز آموزش اسلامی، فعالیت های سیاسی و نیز پناهگاهی برای تخفیف فشار زندگی روزمره است. همچنین مسجد مرکز تجمع مؤمنان برای مبادله افکار در خصوص مسائل جامعه اسلامی است و نیز برای کسانی که در زندگی روزمره از تنهایی و انزوا رنج می برند، مسجد پناهگاه و مقر خوبی به شمار می آید. در محیط بیگانه ای مثل آمریکا، حفظ مسجد و آباد نگه داشتن آن به منظور حفظ و استحکام هویت اسلامی جامعه مسلمانان آمریکا نیز اهمیت بسزایی دارد و بیش تر، به این دلیل است که بیش تر مسلمانان بر اهمیت مسجد برای حفظ و تحکیم ایمان مسلمانان تکیه می کنند.

معماری و شکل اداری مسجد.

بنای سفید و بزرگ شهر (میدوست) باگنبد و دو مناره بلند آن، به هر بیننده ای اعلام می کند که این جا مسجد است. در زیر این گنبد بزرگ، فضای وسیعی است (شبستان) که کاملاً مفروش است و از صندلی در آن خبری نیست. مؤمنان نماز و فعالیت های اجتماعی خود را نشسته یا ایستاده روی همین فرش ها انجام می دهند. علاوه بر فضای وسیع شبستان در ساختمان مسجد، سرویس های دستشویی برای طهارت و وضو و نیز

اتاق هایی برای تعویض لباس وجود دارد. اتاق های وسیع تر مسجد برای فعالیت های اداری و آموزش کودکان و بزرگسالان اختصاص دارد. در مسجد امکان پخت و پز و پذیرایی برای مناسبت های مختلف وجود دارد. گاهی جلسه های عمومی در شبستان مسجد تشکیل می شود. البته همه مساجد مراکز مذهبی، الزاماً مطابق مدل فوق بنا نشده اند.

برخی مسلمانان مسجد را فقط مکانی برای ادای فریضه نماز می دانند، ساختمان ظاهری آن هر چه می خواهد باشد. برخی دیگر، به ساختمانی نام مسجد اطلاق می کنند که حتماً گنبد و مناره داشته باشد؛ چیزی که نشان گر اصالت معماری اسلامی است، در غیر این صورت بیش تر آن را یک مرکز اسلامی می دانند تا یک (مسجد) به معنای معمول کلمه. در برخی موارد، کلمه (مسجد) به ساختمانی با مشخصات یاد شده اطلاق نمی شود، بلکه به گروهی از مسلمانان اطلاق می شود که به منظور ادای نماز، آموزش قرآن و یا به منظور دوستی و رفاقت دور هم جمع می شوند. این جمع مؤمنان در اوایل شکل گیری در خانه ها تشکیل می شود. وقتی بر شمار اعضای گروه افزوده می شود جلسات در سالن های عمومی موجود در محل تشکیل می شود و اگر گروه، همچنان بزرگ تر شود امکانات مالی نیز پیدا کند، جای معینی را به نام (مسجد) بنا می کنند. گاهی محلی را که بیش تر برای مقاصد دیگری ساخته اند، می خردند و آن را به عنوان مسجد مورد استفاده قرار می دهند و گاهی گروه تصمیم می گیرد خود بانی مسجد شود.

همه مساجد تقریباً این مراحل را طی کرده اند. حتی در یک مورد، هسته مرکزی بانیان مسجدی از شهرهای سواحل شرقی آمریکا که تنها متشکل از شش خانواده عرب بودند، در اوایل قرن بیستم به آمریکا مهاجرت کرده بودند. آنان در ابتدا، برای ادای نماز جماعت به صورت دوره ای در خانه ها جمع می شدند. چون مهاجران تازه، به آن منطقه رسیدند و با زاد و ولدشان روز به روز بر تعداد آنان افزوده شد، به فکر جای وسیع تری افتادند که هم به راحتی بتوانند جلسه های بزرگ را در آن برگزار کنند و هم عاملی برای جذب اعضای تازه باشد. اعضای گروه تصمیم گرفتند که به مجمع خود رسمیت قانونی بخشند، از این رو، زمین خریداری کردند و این زمین به نام مجمع ثبت شد، اما برای ساختن بنایی در این زمین، مجبور شدند بیست سال صبر کنند تا بودجه و امکانات لازم فراهم شود. به مرور زمان همه خانواده ها احساس کردند که اگر هر چه زودتر مرکز نسبتاً خوب و مجهزی برای فرزندانشان ن سازند، نه تنها به تدریج رابطه و علاقه خود را با اسلام قطع خواهند کرد، بلکه با فرهنگ و زبان مادری خود (عربی) نیز بی گانه خواهند شد.

سرانجام ساختمانی محکم و بدون تزیینات غیر ضروری بنا شد تا محلی برای عبادت کنندگان و شرکت کنندگان در کلاس های مختلف و جایگاه معاشرت و ارتباط برادران دینی با یکدیگر باشد. موج مهاجرت های جدید مسلمانان به این ناحیه و افزایش شمار افراد و اعضای وابسته به مسجد، در آمد مسجد را تا حد قابل ملاحظه ای بالا برد، و از این در آمد بر تأسیسات مسجد افزوده شد و گنبدی سنتی بر روی آن بنا شد. حضور روز افزون مسلمانان در مسجد، سرمایه آن را افزایش داد به طوری که طولی نکشید در جنب آن، ساختمان نویی، شامل سالن اجتماعات و تعدادی کلاس درس ساخته شد.

این مسجد امروزه به عنوان یک مرکز عبادی، آموزشی و اجتماعی، مورد استفاده یک هزار نفر است که در شعاع هفتاد مایلی پراکنده اند. امروزه با وجود این که تعداد مسلمانان منطقه بیش تر شده، لیکن تعداد کم تری به این مسجد آمد و رفت می کنند؛ زیرا در برخی نقاط، گروه های کوچک تر اقدام به تأسیس مساجدی کرده اند و مسجد بزرگ اولیّه فقط مورد استفاده مسلمانانی است که در نزدیکی آن زندگی می کنند. البته در روزهای عید گروه های بزرگ مسلمانان در این مسجد قدیمی جمع می شوند. در یکی دیگر از مناطق سواحل شرقی یک مسجد با شیوه دیگری کار خود را آغاز کرده و گسترش یافت. حدود پانزده سال پیش گروه اندکی از خانواده های مسلمان پاکستانی که به آن شهر آمده بودند، کم کم همدیگر را شناختند و قرار گذاشتند برای نماز جماعت، هر روز در خانه یکی از آنان گردهم آیند. غالب این افراد توانسته بودند مشاغل و پُست های خوبی در محل بگیرند و زندگی نسبتاً مرفّه ای تشکیل دهند. چون برای افراد تحصیل کرده در آن منطقه مشاغل خوب یافت می شد، پس از چندی پاکستانی های تحصیل کرده بیش تری به آن جا رفتند. این مسلمانان در بر خوردهای شان در محل کار و در اجتماع با یکدیگر آشنا شدند. آنان از این که به سبب مشترکات ملی و مذهبی خود توانسته بودند گرد هم آیند احساس غرور می کردند و فعالیت هایی را برای گردهمایی های عبادی و آموزش دینی و فرهنگی فرزندانشان آغاز کردند و مانند مورد قبل به فکر تأسیس یک مرکز مخصوص به خود افتادند تا با تماس های بیش تر و ازدیاد جمعیشان به تدریج به صورت یک جامعه اسلامی قابل ملاحظه در آید. اگر چه وضع مالی آنان خوب بوده و بر مبنای در آمد خود، می توانستند برای تجهیز و گسترش مرکز خود در خواست وام های سنگین بکنند، اما به سبب آن که می باید برای دریافت وام، سود بانکی پرداخت کنند و چون این کار را مغایر با مبانی اسلام می دانستند، اقدام عمده ای در این زمینه نکردند و از این رو، هشت سال پیش به اجاره کردن محل هایی برای گردهمایی اقدام کردند. در ابتدای کار، یک محل مناسب تجاری را برای دو روز در هفته، کرایه کردند، سپس محلی در محوطه دانشگاه اجاره کردند؛ اما به تدریج با کمک های مالی اعضا و ترتیب دادن فعالیت های گوناگون توانستند پول کافی برای تأسیس یک مسجد فراهم کنند. با دسترسی به پول به تدریج تزئینات داخلی و خارجی مسجد درست شد. گنبد با شکوهی را با صرف هزینه ای بالغ بر سی هزار دلار ساختند و سپس به تزئینات داخلی نیز پرداختند.

اکنون که کار مسجد سامان یافته و از هر نظر آماده بهره دهی به حدود پنج هزار مسلمان ساکن این ناحیه شده است، ولی با کمال تأسف تنها - جمعیت منطقه به طور منظم به مسجد رفت و آمد می کنند و علت این امر آن است که بسیاری از مسلمانان، مانند پیروان سایر مذاهب چندان اعتنایی به مسائل عبادی ندارند، و دیگر این که در نزدیکی آن ناحیه علاوه بر این مسجد، دو مسجد دیگر نیز وجود دارد که طی ده سال اخیر تأسیس شده اند. این دو مسجد احتمالاً نتوانند پاکستانی هایی که در مسجد نو رفت و آمد می کنند را به سوی خود جلب کنند؛ زیرا یکی از این مساجد مخصوص ترک ها است و یکی هم محل تجمع مسلمانان آفریقایی مقیم آمریکاست. اگر چه ائمه و مدیران این مساجد به فعالیت خود برای ایجاد ارتباط بین مسلمانان و تشکیل مجالس عمومی به مناسبت اعیاد ادامه می دهند، اما مثل کلیساها و کنیسه ها، مساجد هم به مسأله استقلال اهمیّت می دهند؛ زیرا در هر مسجد، معمولاً افرادی که دارای زبان و فرهنگ مشترک هستند گردهم می آیند.

از سویی مسأله تکیه بر مالکیت (مسجد ما!) عامل عمده ای در حفظ این استقلال و جدایی خواهی است. بررسی ما نشان می دهد که: هر چه جامعه مسلمانان یک منطقه گسترده تر می شود، انزوای مراکز مذهبی نسبت به یکدیگر بارزتر می گردد. وانگهی برای ما روشن شده که در بسیاری از مناطق مساجد و مراکز مذهبی تازه تأسیس، بیش تر برای استفاده طبقات متوسط و گروه های حرفه ای بنا می شود.

هیأت مؤسس مسجد.

برخی از مساجد و مراکز اسلامی عمده در ایالات متحده آمریکا به وضوح گرایش به آن دارند که هم از نظر وسعت ظاهری و هم از نظر میزان توانایی در جلب تعداد هر چه بیش تر مسلمانان، از ملیت های گوناگون، پیشرفت کنند تا به این ترتیب آن مسجد یا مرکز بزرگ، محل تجمع عموم مسلمانان نواحی اطراف باشد. از سویی دیگر، چنانچه چنین وسعتی به معنای از دست دادن هویت مسجد به عنوان مرکزی جهت تجمع گروه خاصی از مسلمانان باشد، مساجد کوچک گرایشی به این گونه گسترش ندارند.

همان گونه که قبلاً نیز یادآور شدیم غالب این مساجد، محلی برای تجمع و حفظ هویت قومی - ملی یک گروه بنا شده اند، نظیر همان وضع فضایی که در برخی از کلیساهای خاص اقلیت های قومی مشاهده می شود؛ زیرا در این مساجد و کلیساهای علاوه بر مسأله عبادت و تشکیل جلسات دعا و نیایش، افراد برای حفظ هویت قومی، ملی و زبانی خود گرد هم می آیند، تا بدین وسیله هم زبان و فرهنگ خود را دایر و پویا نگه دارند و هم از نظر ملیت منسجم و جوش خورده باقی بمانند. وانگهی این مسأله واقعیت دارد که در بسیاری از نواحی محل اقامت مسلمانان، مسجد تنها راه ورود به جامعه و باز کردن جای مناسب در آن است. مسجد مشخصاً در حفظ هویت اقلیت ها نقش عمده دارد.

تجارب گذشته در زمینه ادغام سازمان مساجد مربوط به قومیت ها و ملیت های گوناگون نشان می دهد که، تحقق این امر با مشکلات زیادی روبه روست. برخی از مسلمانان از این که (مسجد آنان) به دست مهاجران مسلمان سایر کشورهای اسلامی اداره شود ناراضی اند. مسجد اصولاً برای گرد هم آوردن افراد یک ملیت تأسیس شده است. در مواردی که افراد متعلق به یک ملیت به نحوی یا به دلیلی از کادر مدیریت یک مسجد کنار گذاشته می شوند، آنان می کوشند در نزدیکی همان مسجد قبلی، مرکز تازه ای درست کنند؛ زیرا عمدتاً در این مساجد است که تسهیلات و خدمات مورد انتظار اقلیت ها تأمین می شود. مسأله وحدت ملی و زبانی تا آن جا اهمیت دارد که گاهی نمازگزاران در خواست می کنند که خطبه های مذهبی نیز به زبان معینی ایراد شود. در برخی جاها، اعضا در نحوه اداره مجامع و مسأله حجاب و پوشش ظاهر تقاضاهای ویژه خود را دارند.

در برخی مناطق ایالات متحده بویژه شهرهای بزرگی که جمعیت های قابل ملاحظه ای از مسلمانان را در بر دارد، وضع به گونه ای دیگر است. در این مناطق تعداد زیادی مسجد و مرکز اسلامی بزرگ وجود دارد که بیش از دو سال از تاریخ تأسیس آنها می گذرد و به اعضای خود در مناطق نسبتاً وسیعی خدمات می دهد.

علاوه بر آنها، مساجد و مراکز جدیدی به سرعت و با شتاب در حال احداث است که بیش تر برای تأمین آموزش قرآن و عربی مورد استفاده قرار می گیرند. این مراکز و مساجد، نسبت به آنهایی که پیش تر بدان اشارت رفت کم تر جنبه قومی - ملی دارند و بیش تر به گروه های حرفه ای و نژادی خدمات و آموزش می دهند. تعداد مساجد در یک ناحیه موجب شده است که مسلمانان مثل روزهایی که به خرید می روند، دوره بگردند و به همه مساجد سر بزنند تا سازمان و برنامه هر کدام را که مطابق سلیقه و نیاز خود یافتند انتخاب کنند و عضو آن بشوند. از آن جا که مساجد فعالیت های گوناگونی دارند، برای جلب اعضای بیش تر با یکدیگر رقابت دارند و برای پیشی جستن از یکدیگر تلاش می کنند تا حتی الامکان برنامه های خود را بهتر و جالب تر سازند. از برگزاری مراسم نماز جماعت یک شنبه ها گرفته تا کیفیت برنامه آموزشی و ساعات فعالیت روزانه، در یکی از شهرهای مورد مطالعه این پژوهش تعداد مساجد به اندازه ای زیاد است که برخی از مسلمانان منطقه در دو یا چند مسجد عضو هستند و علل این امر را تمایل به استفاده از فعالیت های متنوع، کیفیت خطبه های امام جماعت و برنامه های آموزشی ذکر کرده اند.

ریشه های برخورد و نزاع.

علاوه بر عواملی که ممکن است یک مسجد را از مسجد دیگر متمایز سازد، در پاره ای موارد علایق قومی و ملی و گرایش به سوی این یا آن خط فکری موجب برخوردهایی در درون یک مرکز واحد می شود. تضادهای درون یک مسجد گاهی بر اثر ورود اعضای جدید و جمع شدن آنان دور گروه هایی که باورهای متفاوت دارند، پدید می آید. مثلاً، تفاوت باورها در مسائلی از قبیل: نحوه تفسیر و توجیه عقاید اسلامی در بافت جامعه آمریکا، اداره امور مسجد بر طبق فلان مشی مکتبی موجب مشکل می شود و یا وقتی اعضای جدیدی به کادر مدیریت در آیند و عقایدشان با عقاید و روش های مدیریت متفاوت باشد، طبیعتاً برخورد ایجاد می شود. همچنین این برخوردها می تواند در خصوص نحوه تفسیر احکام اسلام باشد؛ مثلاً، حتی در یک مورد این برخورد، به خلع ید از مدیریت سابق و مستقر شدن گروه تازه انجامید و در یک مورد تعدادی از بنیانگذاران اولیه مسجد، وقتی اختلاف مشی و سلیقه با گروه های جوان تر پیدا کردند، دلسرد و بی علاقه شدند و کناره گرفتند.

بعضی دیگر مایل بودند مسجد را به عنوان مؤسسه ای که به نیازهای شان رسیدگی می کند، به همان روال سابق نگه دارند، اما تضاد و برخورد بین مسلمانان مهاجر و نسل جوان مسلمان و متولد آمریکا، چنان بالا گرفت که در یک مورد کار به دادگاه کشید، و البته رأی دادگاه هم به نفع مهاجران تازه از راه رسیده صادر شد و از مدیران و بنیانگذاران اولیه مسجد خلع ید شد.

گروهی مسلمان که به تازگی به آمریکا آمده بودند در یک مسجد و فعالیت های مرکز اسلامی حضور پیدا کردند و کم کم شمار آنان از اعضای قدیمی بیش تر شد و توانستند مدیریت مسجد را در اختیار خود بگیرند.

گروه تازه وارد، روش ها و مقررات تازه ای وضع کردند. آنچه که بیش از هر چیز اعضای قدیمی را آزار می داد، آن بود که گروه جدیدی همه فعالیت های اجتماعی را در مسجد متوقف کرد و درباره زنان هم مقرر کرد که باید با حجاب حاضر شوند و در نماز جماعت جدا از مردان باشند. پیش از این تغییر وضع، در این مسجد مذکور دوش آب و حمام بوده، مراسم جشن و عروسی به مناسبت های مختلف تشکیل می شده، بازی ها و سرگرمی های جوانان و حتی مجالس رقص به مناسبت اعیاد محلی برپا می شده است و زنان و مردان در کنار هم به نماز می ایستادند.

مسأله زبان برای بسیاری از مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کسانی که می خواهند به سبک سنتی و نقش گذشته مساجد برگردند، مایلند در مسجد زبان عربی بشنوند و خطبه ها به انگلیسی نباشد. بدیهی است اگر چنین باشد عده ای نخواهند توانست از مساجد فایده ای ببرند؛ زیرا آنان متولد آمریکا هستند و زبانشان انگلیسی است.

در نتیجه این تغییر وضع، بنیانگذاران اولیه مسجد و فرزندان شان مجبور شدند ساختمان دیگری خریداری کنند که از آن هم برای نماز و عبادت استفاده شود و هم مرکز تجمع و فعالیت های اجتماعی باشد. اگر چه همه گروه ها روی هم رفته با این نظر موافقت دارند که کلاس های آموزش دینی روزهای یک شنبه به انگلیسی اداره شود تا ایمان مسلمانان متولد آمریکا تقویت گردد، اما در خصوص این که خطبه های نماز به انگلیسی باشد یا عربی و یا مخلوطی از هر دو، نظر واحدی بر گروه حاکم نیست.

این نمونه، تفاوت نیازهای گروه های مختلف مسلمانان را در جامعه آمریکا نشان می دهد. به خصوص مسأله زبان که مهم ترین عامل وحدت بین مسلمانان متولد آمریکا و مهاجران جدید است. برای مسلمانان کم سواد که از مناطق روستایی جهان عرب به این دیار آمده اند، مسجد بیش تر به عنوان سنگر حفظ هویت اسلامی آنان در دنیای نو و بیگانه به شمار می آید. در واقع آن مشی و روشی که در نظر مهاجران قدیمی، دینی سخت گیر یا بازگشت به سنت های کهن و از مُد افتاده به شمار می آید، برای مهاجران جدید - که در درجات تحصیلی پایین تری هستند - عین حفظ اسلام و هویت اسلامی محسوب می شود؛ یعنی، حفظ آن ارزش هایی که از هر چیز دیگر برای آنان عزیزتر است. این تفاوت ها گاهی جنبه دینی دارد، اما گاهی نیز یک تفاوت فرهنگی است و برخی اوقات نیز تضادها ناشی از اختلاف عقیده فرقه ای است. رهبران اسلام در این جا در بسیاری موارد سعی بر آن دارند که ترکیب جماعت مسلمانان به گونه ای باشد که شیعه و سنی بتوانند در کنار یکدیگر عبادت و تحصیل کنند؛ اما در بسیاری موارد تلاش آنان بی بهره می ماند و تلخی و خشم در میان گروه ها بالا می گرفت.

مشکلات ناشی از اختلاف طبقاتی - اجتماعی ممکن است در مسجد واحد و گروه واحد مشکلاتی به بار آورد. روش انتخاب یک هیأت مدیره برای مسجد یا مرکز اسلامی معمولاً از طریق انتخابات آزاد است و به انتخاب یک گروه از افراد همسنخ و همسلیقه - از نظر موقعیت اقتصادی و اجتماعی - منتهی می شود. این شیوه به خصوص در مناطقی که تعداد مساجد زیاد است و افراد دستشان در انتخاب مسجد بازتر است به چشم می خورد. برای این است که می بینیم در شهرهایی که جمعیت مسلمانان زیاد است، عوامل متعددی نظیر: هویت

ملی، وضع اقتصادی و اجتماعی فرد، دید مذهبی و فکری در انتخاب دخالت دارند. مسلمانان هر منطقه بیش تر به مسجدی می روند که از همه این جهات با سلیقه آنان سازگار باشد.

وظایف مسجد.

بیش تر مسلمانان عقیده دارند که خانواده، مؤثرترین عامل حفظ هویت دینی و ایمان فردی است و در میان اعضای خانواده، مادر (البته با حمایت پدر و همکاری مسجد) بیش از هر فرد دیگری مستقیماً در هویت دینی فرزندان نقش و مسؤولیت دارد و خانواده مسلمان خیلی بیش از مسجد یا مرکز اسلامی در حفظ اعتقادات مذهبی و ایمان فرزندان مؤثر است.

در این خصوص به جدول زیر رجوع کنید.
نقش مسجد و برنامه های آن و مقایسه آن با نقش خانواده در حفظ هویت دینی.

این نکته نیز روشن است که مسجد در این جهت به عنوان مددکار خانواده تأثیر فراوان دارد. خود مسلمانان احساس می کنند که اگر چه مهم ترین عامل در هر حال خانواده است، با این حال، مسجد چه به عنوان تأمین آموزش دینی و چه به عنوان محل تجمع و همبستگی اسلامی (به خصوص در چارچوب جامعه آمریکا) نقش خود را ایفا می کند. بسیاری از افراد عقیده دارند که، مسجد به یاد آنان می آورد که مسلمانند و هویت اسلامی آنان را حفظ می کند.

اما گفتنی است که، در واقع بیش تر مسلمانان، برای مسجد اهمیت قایلند و این، نه تنها برای آن است که مسجد محلی برای ادای فریضه نماز، استماع خطبه های دینی و تشکیل کلاس های آموزش دینی برای جوانان است، بلکه به عنوان مکانی برای تجمع های منفی و اجتماعی و همیاری مسلمانان، بویژه اجرای مراسم عید و برپایی جشن هایی به این مناسبت که در نظر همه مسلمانان منطقه اهمیت دارد، مطرح است. از این رو چه آنانی که به طور منظم به مسجد می روند و چه آنانی که نمی روند، این جشن های ویژه و اعیاد مذهبی برای همه آنان فرصت خوبی است که با برادران و خواهران دینی شان آشنا شوند و تبادل نظر کنند که در نتیجه این برخوردها، احساس دینی و مسلمانی آنان تقویت خواهد شد.

اگر چه فعالیت اجتماعی مسجد، در عمل موجب جذب گروه زیادی از مسلمانان به مسجد است، با این حال، در نظر اکثریت قریب به اتفاق، این موضوع در درجه دوم اهمیت است، آنان وظیفه اصلی مسجد را انجام فرایض دینی می دانند. بنابراین، به نظر این گروه زیاد، و حتی به نظر آنانی هم که به مسجد نمی روند، مسجد وظیفه

دارد نمازهای جمعه و جماعت را برپا دارد. شایان ذکر است که، اگر چه بیش تر مسلمانان یک شنبه ها به نماز جماعت می روند، ولی اقلیتی از آنان بر این مسأله به عنوان یک امر مهم تکیه می کنند. همچنین بیش تر مسلمانان برای این مسأله اهمیت قایلند که مسجد باید هر روز به مدت چند ساعت باز باشد (به جدول ص ۸۵ مراجعه شود) هر چند گروه زیادی نیز به دلیل مسائل اقلیتی این برنامه را توصیه نمی کنند. درباره اهمیت نماز جمعه، سالخوردگان بیش از جوانان و مردان بیش از زنان تأکید دارند. یک فرق عمده بین شیوه انجام اعمال عبادی در میان مسلمانان آمریکا و کشورهای اسلامی آن است که، در آمریکا زنان به مسجد می روند و نماز هم می خوانند، اما در خاورمیانه یا پاکستان، زنان در فعالیت های مسجد بسیار کم شرکت می کنند.

میزان مشارکت افراد در فعالیت های مسجد به نسبت سبب متفاوت است. مسلمانان جوان مانند کلیمیان و مسیحیان، کم تر از پیران و افراد متأهل به مسجد می روند. تنها یک گروه از جوانان از این قاعده مستثنایند که محصلان جوان وابسته به جمعیت های اسلامی بنیادگرا هستند. در نظر این گروه، حضور در مسجد برای عبادت یکی از نشانه های عمده تعهد به اسلام محسوب می شود، فعالیتی که برای هر مبلغ دینی که دعوت به اسلام می کند واجب است. در نظر آنان حضور در مسجد، هم برای مسلمانان گریزان از مسجد و هم غیر مسلمانان یک راه هدایت است. بویژه در میان دانشجویان و فارغ التحصیلان وابسته به جامعه اسلامی دانشجویان، توجه به مسجد به عنوان نقش اساسی در حفظ هویت اسلامی در جامعه آمریکا بسیار مهم تلقی می شود. بسیاری از پدران و مادران جوان که فرزندانشان به حد سنی لازم برای آموزش اسلامی رسیده اند، خود نیز با شور و علاقه وافر در برنامه های مساجد شرکت می کنند. البته برخی از جوانان نسل اول مسلمانان آمریکا به این نکته اشاره می کردند که، اگر چه در کودکی به اجبار از سوی خانواده در کلاس های آموزش دینی در روزهای یک شنبه شرکت می کردند، اما همین آموزش اجباری برای آنان تجربه بسیار خوبی بوده است. یک دختر نوجوان متولد آمریکا اظهار می دارد: با وجود این که پدر و مادرم به آموزش دینی اصرار نداشتند، خودم علاقه مند به آن بودم. وی می گوید:

من در این مملکت درباره دین خودم (اسلام) نسبت به مسیحیت و یهودیت اطلاعات کم تری داشتم. در وضعی بودم که اسلام و مسیحیت برای من فرقی نداشت و اگر کسی می گفت من سه خدا را می پرستم، حرف بی جایی نبود؛ ولی من سرانجام تصمیم گرفتم هویت اسلامی خودم را باز یابم. امروزه غالب پدر و مادرها به خاطر فرزندانشان بیش تر از سابق به مسجد می روند و ضمناً اصرار دارند که فرزندان آنان در کلاس های آموزشی یک شنبه ها شرکت کنند. همه این احساس را دارند که باید فرزندان با اصول عقاید اسلام آشنا شوند. مطالعه زبان عربی غالباً همراه با آموزش قرآن است. بیش تر کسانی که به این آموزش روی می آورند عقیده دارند که، یاد گرفتن زبان عربی بسیار (مهم) است و حتی ۵۰٪ آنان آموزش عربی مسجد را هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت غیر کافی می دانند و می گویند: هفته ای دو ساعت کفایت نمی کند.

در کنار درس عربی، آموزش قصص قرآن و زندگی حضرت رسول هم بیان می شود که نه تنها از نظر پرورش اعتقادی اهمیت دارد، بلکه فرصت مناسبی برای گرد هم آوردن فرزندان و معاشرت و آشنایی آنان با یکدیگر است. زمان این کلاس ها معمولاً بیش از یک یا دو ساعت در هفته نیست. عده بسیار زیادی از مسلمانان احساس می کنند که تنظیم برنامه های مخصوص جوانان از اهمیت زیادی برخوردار است، اگر چه به اندازه برنامه های کودکان ضرورت و اهمیت ندارد؛ زیرا همه معتقدند که، شکل گیری یک نظام ارزشی، در کودکی بیش تر امکان دارد تا جوانی. یک ضرب المثل عربی می گوید: العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر(۱).

در عین حال نباید فراموش کرد که برنامه مخصوص جوانان نیز اهمیت خاص خود را دارد و تهیه آن نیز کار آسانی نیست. به طوری که کلیساهای، کنیسه ها و مساجد همگی در این باره با اشکال روبه رو می شوند و نیز عده نسبتاً زیادی معتقدند که، مساجد در این زمینه فعالیت چندانی ندارند و حال آن که بسیاری از خانواده ها مایلند به کمک برنامه های مسجد مانع از ملاقات ها و معاشرت های نامناسب جوانان مسلمان بشوند. یک مشکل عمده مساجد در تهیه برنامه های آموزشی برای جوانان و نوجوانان، کمبود شدید معلم کار آزموده است، البته نقص وسایل و امکانات آموزشی نیز بی تأثیر نیست.(۲).

از دیگر مشکلات اجرای برنامه های مخصوص جوانان، کمبود مدیران با صلاحیت و عدم دسترسی به امکانات برای آنان است. از آن مهم تر، نامناسب بودن محیط مسجد برای معاشرت پسر و دختر است و حال آن که بیش تر جوانان رغبت وافری به معاشرت گروهی دارند و خانواده ها هم مایل نیستند بچه های جانشان وقتی به سن رشد رسیدند با غیر مسلمانان معاشرت کنند. البته معاشرت و تماس جوانان دوجنس مخالف در جوامع اسلامی، مسأله حساسی است و بسیاری از مسلمانان درباره اجرا یا عدم اجرای چنین برنامه هایی و نیز چگونگی برگزاری آنها مردد و نگرانند. کسانی که به آسانی با این امر موافقت کنند زیاد نیستند و حتی عده ای از مسلمانان اصولاً با هر نوع برنامه ای که مختص به یک گروه سنی باشد، مخالفند.

مشکلات پرورش بچه ها به عنوان مسلمانانی مسؤول، در جامعه آمریکا، برخی را به این فکر وا داشته است که ایجاد مدارس اسلامی محلی، ضرورت دارد، اما گروهی هم درباره فرستادن فرزندان به مدارس اسلامی مساجد در تمام طول هفته (دو شنبه تا جمعه) نظریات مختلفی دارند. تقریباً - جمعیت به شدت از چنین اقدامی پشتیبانی می کنند و مخالفان کم تر از ۵۰٪ هستند. به جدول زیر رجوع کنید. نقش مسجد و برنامه های آن: آموزش مدرسه ای بچه ها.

همچنین بیش تر جوانان و پدرانیشان، اظهار می دارند که، تحصیلاتشان را در مدارس عمومی محلی انجام داده ایم و رضایت کامل داریم. آنان بر کیفیت آموزش تأکید می کنند.

اما این نکته جای شگفتی است که مدافعان نقش مسجد، معمولاً از کسانی هستند که برخوردی محافظه کارانه با اسلام و نقش واقعی مسجد دارند. به نظر می رسد مسلمانان مهاجر نسبت به مسلمانان متولد آمریکا، علاقه کم تری به این نوع مدارس دولتی دارند، البته به استثنای پاکستانی ها که بیش تر مایلند بچه های خود را به مدارس دولتی بفرستند. (به جدول بالا رجوع کنید) شاید بدین علت است که چون پاکستانی ها خود غالباً تحصیل کرده هستند و به ارزش تحصیلات واقفند درباره کیفیت مدارس اسلامی (از نظر آمادگی بعدی برای تحصیلات دانشگاهی) چندان مطمئن نیستند. برخی نیز بیم دارند که مدارس اسلامی، مؤسساتی سخت گیر و محافظه کار نسبت به احکام اسلام و محرمات آن باشند. برخی دیگر از آن بیمناکند که شهریه این مدارس ممکن است بالاتر از توانایی مالی آنان باشد؛ اما رایج ترین نگرانی مسلمانان نسبت به این مدارس آن است که، به عقیده آنان، تأسیس این مدارس، بچه های آنان را از جامعه آمریکا منزوی می سازد. بسیاری از مسلمانان در آمیختن با فرهنگ آمریکا را امری ضروری و ناگزیر می دانند و از هر عامل یا عواملی که آنان را منزوی کند گریزانند. در نظر آنان، تعهد به جامعه آمریکا و زندگی مشترک با آمریکاییان این امر را ایجاب می کند.

به هر حال مسلمانان شدیداً این احساس را دارند که مسجد در تربیت ایمانی فرزندانشان نقشی بزرگ و حمایت کننده دارد. تقریباً بیش تر مسلمانانی که فرزند یا نوه دارند، اعلام کردند: فرزندانشان هفته ای یک بار به مسجد می روند و این کار بسیار ارزشمندی است. نقش مسجد و برنامه های آن: میزان حضور کودکان در مسجد. در صد حضور فرزندان و نوه های مسلمانان در مسجد.

نهضت ترجمه

۸۷٪ افراد مورد پرسش، فرزندان یا نوه های کم تر از شانزده سال دارند و در آمریکا زندگی می کنند. به نظر آنان آموزش اصول اعتقادی اسلام و زبان عربی به کودکان و جوانان از تجارب با ارزش مساجد است. گردهمایی های عمومی مساجد بسیار کار مثبتی است، اما به سبب محدودیت فضایی ساختمانی مسجد و تعداد کم افراد مسؤول، نمی توان این گردهمایی ها را به نسبت گروه سنی یا جنسی تشکیل داد. علاوه بر آن در خصوص این که آیا مسجد را می توان محل فعالیت های تفریحی جوانان قرار داد، اختلاف نظر وجود دارد. دامنه این اختلاف نظرها حتی منجر به طرح پرسش های دیگری شد: آیا جایز است مراسم عزاداری یا عروسی را در مسجد برگزار کرد به دلیل طبیعت گروهی بودن و اجتماعی بودن این نوع مراسم، گروه عقیده مندند که، نباید آنها را در مسجد برگزار کرد، زیرا مسجد جایی است منحصر به عبادت خدا. البته اختلاف نظرها درباره عروسی بسیار بیش تر از مراسم عزا و ترحیم است.

هر وقت یکی از افراد جامعه مسلمانان بمیرد، امام مسجد ممکن است مسؤولیت تأمین جا در یک گورستان عمومی را بر عهده بگیرد و ترتیب غسل و تدفین و تشکیل مجلس ترحیم را بدهد. برخی ها اجرای مراسم

عزاداری و ترحیم را در مسجد مغایر با وظایف مسجد می دانند. گاهی برخی مراسم و باورها که به ملیت صاحب مراسم مربوط است با مخالفت دیگران روبه رو می شود، زیرا در این مراسم اعمالی صورت می گیرد که معمولاً با اسلام مناسبتی ندارد. مثلاً، برطبق رسوم لبنانی ها، در روز عزاداری نوعی شیرینی می پزند که نوعی خیرات برای مرده تلقی می شود. به هر حال در خصوص این که آیا از مسجد یا مرکز اسلامی می توان برای مراسم عروسی استفاده کرد، اختلاف نظر آشکار وجود دارد. البته اندکی بیش از ۵۰٪ با آن موافق هستند (به جدول زیر رجوع کنید).

وظایف مسجد و برنامه های آن: انجام مراسم عروسی.

مسلمانان متولد پاکستان کم تر از دیگران با انجام این مراسم در مسجد موافق هستند (۱۷٪) در مقابل، مسلمانان متولد آمریکا بیش از دیگران با آن موافقت (۴۱٪). امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که برای تعداد بسیار زیادی از مسلمانان آمریکا، مسجد نقش عمده ای در پیوند آنان با یکدیگر دارد. به خصوص برای زن ها که مشارکت آنان در فعالیت های مسجد و حضور در مجالس، آنان را از حالت انزوا در می آورد و امکان همیاری و همکاری بین آنان را فراهم می سازد. زنان، علاوه بر این جنبه مثبت مسجد، از نظر دیگر نیز نقش مسجد را اساسی می دانند و آن تربیت فرزندان شان و حفظ هویت اسلامی آنان است.

اختلاف بین میزان و نوع توقع افراد از نقش وظیفه مسجد تا حدی مربوط به تفاوت های سنی است. به نظر مسن ترها، سخت گیری های تازه مساجد باعث شده است که تماس بین افراد و همیاری آنان محدودتر شود.

ترجمه
Translation Movement
JMS

پیوند و ارتباط با فرهنگ آمریکایی.

سوابق تاریخی حاکی از آن است که در جهان اسلام مسجد، هم برای عبادت و هم به عنوان مرکز و پایگاهی جهت بحث و تبادل نظر و فعالیت سیاسی مورد استفاده بوده است. اگر چه در ایالات متحده آمریکا مسجد دیگر این نقش را ندارد، ولی بعضی مساجد جلسات بحث سیاسی تشکیل می دهند و گاهی سخنرانانی را دعوت می کنند تا درباره مسائل سیاسی، مثلاً مسائل سیاسی خاورمیانه صحبت کنند. تعدادی از مساجد در موضوع تفهیم و تبلیغ اسلام به غیر مسلمانان فعال شده اند. رهبران برخی از مساجد احساس می کنند که مسیحیان هرچه بیش تر درباره اسلام مطلع شوند از حضور مسلمانان در جمع خود بیش تر استقبال خواهند کرد. سعی می کنند با وسایل ارتباط جمعی تماس برقرار کنند و حاضرند با ارباب جراید یا عوامل رادیو و تلویزیون صحبت کنند. از این طریق نظریاتشان را انتشار دهند. در عین حال برخی از مسلمانان معتقدند که،

تماس زیاد با این نوع افراد بی خطر نیست؛ زیرا ممکن است آنان در نقل قول و ترسیم چهره اسلام، نظر مساعد اعمال نکنند و از این طریق به رابطه مسلمانان با کل جامعه صدمه بزنند و زندگی آنان را مشکل تر سازند. برخی نیز اصولاً تماس زیاد ائمه مساجد و مسؤولان مذهبی را با غیر مسلمانان صلاح نمی دانند و معتقدند که، به این طریق به سوی مسائل دنیوی جلب می شوند. برخی از مساجد آمریکا، مانند کلیساها و کنیسه ها در تلاشند با فعالیت هایی نظیر: کاریابی، مشاوره و آموزش انگلیسی مهاجران را هر چه زود تر با محیط زندگی آمریکا الفت بدهند تا جذب آن شوند. نزدیک - افرادی که از آنان مصاحبه شده اظهار داشته اند: این کمک ها به مهاجران بسیار اهمیت دارد و عده بیش تری نیز بر این نکته تأکید کرده اند که، ائمه مساجد باید برای مردم محل - غیر مسلمان - درباره اسلام صحبت کنند.

گروهی نیز یادآور شدند که، هم اکنون تعدادی از مؤسسات دولتی آمریکایی خدماتی از این قبیل به مهاجران می کنند، بویژه در مسأله زبان آموزی. مساجد و مراکز اسلامی نیز در مسأله معرفی اسلام به جامعه عمومی منطقه خود کوشش کافی مبذول می دارند.

برخی مساجد گزارش کردند که، به کمک پزشکان عضو مسجد، ترتیبی داده شده تا خدمات پزشکی، بسیار کم هزینه و حتی مجانی به مسلمانان ارائه شود. البته این خدمات یک کار داوطلبانه خصوصی است نه به عنوان فعالیت عمومی اعلام شده از سوی مسجد. اگر چه در یک مورد آگاه شدیم که مسجد اتاکی را به عنوان درمانگاه تخصیص داده و همکاران هفته ای شش ساعت در خدمت مراجعه کنندگان قرار می گیرند خدماتی از قبیل: آزمایش خون، اندازه گیری فشار خون و غیره... را ارائه می دهند که این فعالیت، هم به عنوان یک خدمت تخصصی پزشکی اهمیت دارد و هم به عنوان وسیله ای جهت جذب و جلب مردم به مسجد و آگاهی از وظایف و فعالیت های آن.

نهضت ترجمه Translation Movement TM

مسائل مالی مسجد.

بر خلاف آنچه که در کشورهای اسلامی رایج است، در آمریکا مساجد از کمک های دولتی استفاده نمی کنند و بودجه آنها از کمک های مردم تأمین می شود. متأسفانه بسیاری از مهاجران از این واقعیت اطلاع ندارند و حاضر نمی شوند کمک قابل ملاحظه ای به مسجد بکنند. در نتیجه مساجد برای اداره امور خود مجبور می شوند یا در جلسات عمومی سینی بگردانند و کمک جمع کنند و یا بازی های لاتاری و بخت آزمایی ترتیب بدهند که هیچ کدام کار شایسته ای نیست و یا دست کم کوشش می کنند اعضای خود را به پرداخت - اموال خود یا ارائه سهم قابل توجهی به مسجد تشویق نمایند تا کمک های بیش تری جمع کنند. معمولاً میزان پرداختی هر عضو در سال از مبلغ دویست دلار تجاوز نمی کند.

در جهان اسلام اصطلاحاً امام به معنای راهبر و پیشواست. همچنین در نظر جامعه مسلمانان، کلمه (امام) یک عنوان با تجلیل برای کسی است که در علوم اسلامی تسلط دارد. در میان اهل سنت، کلمه امام به خلیفه و رهبر جامعه اسلامی نیز اطلاق می شود و در میان شیعه به همه جانشینان موروثی حضرت رسول که از سلاله خود وی و پیشوایان واقعی هستند، گفته می شود. به شخصی که پیشوایی نماز جمعه را برعهده می گیرد نیز (امام) می گویند. البته موقعیت امام جماعت شباهتی به موقعیت روحانیان صاحب عنوان مسیحی یا یهودی ندارد؛ زیرا کسی که پیشاپیش صف های نماز جماعت، امامت و پیش نمازی را تقبل می کند، ممکن است روحانی نباشد و برای این کار تربیت و آموزش ویژه ندیده باشد. چنین کسی در جوامع اسلامی الزاماً مسؤولیت اجتماعی بر عهده ندارد زیرا همه جا عده ای روحانی حرفه ای برای اداره امور مردم در مسائل ازدواج، فوت و ترجیم، مشاوره و هدایت فردی و نظایر آن وجود دارند.

(امام) مسجد در بافت جامعه آمریکا.

در آمریکا، نقش امام مسجد ابعادی دارد که معمولاً در جوامع اسلامی بسیار محدودترند. در آمریکا از امام توقع انجام اموری را دارند که در میان مسیحیان بر عهده کشیش موظف کلیساست و بدون شک این وضع ناشی از شرایط متفاوت جامعه ایالات متحده آمریکاست. آموزش دینی افراد مسلمان، انجام عبادات روزمره، رسیدگی به کسانی که مشکل فرهنگی دارند، رسیدگی به بیماران و محرومان و مشاوره خانوادگی، همه اینها بار مسؤولیت امام مسجد را سنگین تر می کند. در واقع، در جامعه آمریکا چون روحانیان موظف دیگری (شیخ، قاضی، عالم...) برای رسیدگی به امور مردم مسلمان وجود ندارند، همه این وظایف برعهده امام مسجد قرار می گیرد.

اثمه مساجد آمریکا از جهت دیگر نیز وظایف سنگین بر عهده دارند نظیر: حضور در مجالس مذهبی مسیحیان و کلیمیان، سخنرانی در محافل مختلف، شرکت در برنامه های رادیو برای معرفی اسلام. در جوامع اسلامی سنتی خارج از آمریکا، همه اعضای یک خانواده گسترده، در حل مسائل و مشکلات مشارکت می کنند. افراد مسن تر خانواده به شور می پردازند و از کسانی که حقشان تضییع شده است دفاع می کنند؛ اما در آمریکا جوانان مسلمانی که از والدین خود جدا شده اند، در موارد مشابه از امام مسجد کمک می خواهند؛ یعنی، از محترم ترین عضو جامعه مسلمانان. استمداد از امام در مشکلات خانوادگی نه به سبب آن است که عنوان (امام) دارد، بلکه وی از علوم اسلامی آگاه است و مشکلات را با اتکا بر حکم اسلامی رفع می کند. قبول امام به عنوان یک مشاور آگاه خانوادگی اهمیت زیادی دارد. بخش عمده مشورت فرد مسلمان با امام مسجد و درخواست راهنمایی از وی در زمینه مشکلات مربوط به ناسازگاری وی با محیطی است که ایده آل

ها و ارزش هایش را درک نمی کند. بررسی ما نشان می دهد که، بیش تر مسلمانانی که این مشکل را دارند، متوقعند که امام جماعت نه فقط در امر مشاوره و حل مشکلات از طریق اسلامی خبره و آگاه باشد، بلکه از جامعه عمومی آمریکا شناخت کافی داشته باشد. (به جدول زیر توجه کنید).
چه توقعی می توان از امام مسجد داشت: موارد مهم.

برخی ها می پندارند که امام مسجد باید بتواند آنان را از نظر پوشش اسلامی، تجارت و معاملات حرمت و حلیت غذاها، برخوردهای اجتماعی در جامعه آمریکا هدایت کند. برخی دیگر نیز احساس می کنند که امام باید آنان را از شرایط کار در جامعه آمریکا آگاه سازد و به آنان بیاموزد که چگونه می توان در بطن ساختار نظام زندگی آمریکا، مقررات و احکام اسلام را اجرا کرد. تقریباً حدود - مسلمانان معتقدند که، برپا داشتن دقیق ضوابط اسلامی از سوی امام بسیار اهمیت دارد. حدود - این عده معتقدند که، امام باید تلاش آگاهانه ای به عمل آورد تا مسلمانان را به (راه) بازگرداند و منظور آنان مراعات دقیق احکام و بازگشت آنان به مسجد و انجام عبادات است.

به جدول پیشین و زیر رجوع کنید.
چه توقعی می توان از امام مسجد داشت. ضریب همبستگی موارد جدول قبل به نسبت تولد در آمریکا.

آن عده از مسلمانانی که از خارج به آمریکا مهاجرت کرده اند، اصرار دارند که احکام اسلام دقیقاً مراعات شود. و حال آن که مسلمانان متولد آمریکا می خواهند امام انعطاف و سازگاری نشان دهد. آنان می گویند: اگر امام بیش تر مدارا و آسان گیری داشته باشد، آنان و فرزندانشان راحت تر خواهند توانست به مسجد رفت و آمد کنند و در سازگاری با جامعه آمریکا مشکلات کمتری خواهند داشت.
(امام) به عنوان یک مسؤول حرفه ای.

باید یادآور شد که اگر چه برای بیش تر مسلمانان آمریکا، وجود یک امام جماعت برای انجام عبادات و فرایض امر مطلوبی است، اما ضرورتی ندارد که این شخص، یک روحانی حرفه ای باشد. همچنان که در بسیاری از مساجد، آدمی با این ظرفیت علمی وجود ندارد. (و البته می دانیم که در اسلام هر مؤمنی می تواند پیش نماز و امام جماعت باشد و خطبه نیز بخواند). در مساجدی که امام جماعت ندارند، مردم به یکی از چند راه حلی که ذیلاً اشاره می کنیم روی می آورند:

در یکی از مساجد مورد مطالعه ما، سه نفر که دارای شرایط و صلاحیت امامت هستند به نوبت خدمت می کنند. این خدمت داوطلبانه است و هیچ حقوقی به آنان پرداخت نمی شود. در یک مسجد دیگر آگاه شدیم که اعضای مسجد هر سال به صورت انتخابی یک امام جماعت معین می کنند که به مدت یک سال وظایف امام

را عهده دار می شود. این فرد باید تسلط کافی بر شریعت و احکام اسلام داشته باشد و از بابت وظیفه امامت، حقوقی دریافت نمی کند. گاهی امامت مسجد، مقرری مختصری دریافت می کند تا در مقابل آن به صورت نیمه وقت امامت مسجد را انجام دهد. چنین شخصی البته برای امرار معاش باید در خارج مسجد کار کند. مثلاً، در یک مسجدی، شخصی در کنار خدمت نیمه وقت در مسجد، به یک کار صنعتی نیز می پرداخت. پیش از او پدرش نیز به صورت پاره وقت در مسجد امامت می کرد.

این روش کار نیمه وقت یا داوطلبانه امام مسجد در مراکز اسلامی، شبیه کار بعضی از روحانیان مسیحی به خصوص در محیط های کوچک است که داوطلبانه به صورت پاره وقت در خدمت کلیسا قرار می گیرند، با حقوقی مختصر یا مجانی و افتخاری و درآمد اصلی آنان از شغل دیگری حاصل می شود. این شیوه خدمت را در زبان آمریکایی اصطلاحاً **TENT-MAKINS** می نامند که یک اصطلاح کلیسایی است. امام مسجد چه داوطلبانه و مجانی و چه در مقابل حقوق مختصری برای کار نیمه وقت، خدمت کند، در هر حال یک امام و رهبر انتخابی به شمار می آید که از سوی جامعه مؤمنان برگزیده می شود و هیچ قدرت و مقامی خارج از مسجد، او را منصوب نمی کند. ائمه انتخابی البته آموزش ویژه امامت را ندیده اند، ولی انتخاب آنان بر مبنای اطلاعات اسلامی و اخلاق نیک آنان است. این ائمه باید اطلاعات اسلامی را تا حد نسبتاً خوبی به مؤمنان بیاموزند و بتوانند در امور آنان بر مبنای احکام اسلامی قضاوت کنند، خطبه ایراد کنند و از عهده پیش نمازی بر آیند. بدیهی است کسانی که قادر باشند به خوبی از عهده این وظایف بر آیند، مایلند به طور تمام وقت و با حقوق مکفی به خدمت مسجد یا مرکز اسلامی در آیند و مجبور نشوند جای دیگری کار کنند؛ اما غالب مساجد آمریکا بودجه کافی ندارند که چنین مخارجی را متقبل شوند و از کمک کشورهای اسلامی مانند مصر و عربستان و یا از سازمان های بین المللی نظیر سازمان کشورهای اسلامی استقبال می کنند. هم اکنون مستمری برخی از ائمه مساجد، مستقیماً از سوی کشورهای اسلامی پرداخت می شود. در یک مسجد هم متوجه شدیم که اصل حقوق ماهیانه امام از سوی سازمان کشورهای اسلامی پرداخت می شود و بودجه مسجد، فقط کرایه خانه و بیمه بهداشتی وی را تأمین می کند.

سازمان کشورهای اسلامی علاقه مند است تا از ائمه دانشمند و با صلاحیت حمایت کند و کسانی را که برای این کار در کشورهای اسلامی تربیت شده اند به مساجد خارج بگمارد؛ اما بسیاری از مساجد خود مایل به دریافت این کمک و حمایت مستقیم نیستند. وقتی سازمان کشورهای اسلامی یا یک کشور اسلامی بودجه مسجد یا بودجه مستمری امام را تأمین می کند، می خواهد که امام را رأساً منصوب نماید و معمولاً فرد منتخب، یک روحانی تربیت شده ای است که برای شروع خدمت در خارج از کشور اسلامی مربوطه، کار خود را از یک مسجد محلی کوچک آغاز می کند. بسیاری از رهبران مراکز اسلامی و مساجد، در خصوص ائمه اعزام شده از خارج، اعلام مخالفت کردند و عقیده داشتند که، این ائمه منصوب شده از خارج، گاهی از مؤسسان و اداره کنندگان قبلی مسجد خلع ید می کنند و به این وسیله آنان را می رنجانند و یا نظریات ویژه خود را در مسائل اسلامی تحمیل می کنند. نظریاتی که با زندگی در بطن جامعه آمریکا چندان سازگار نیست.

همچنین در مسجد دیگری که در آن امام جماعت تمام وقت خدمت می کرد و از مسجد حقوق می گرفت، نمونه ای از مستقل شدن مسجدهاست. این مسجد در منطقه ای قرار دارد که مسلمانان کشورهای عربی از چند نسل پیش به آن جا مهاجرت کرده و مستقر شده اند و هم اکنون به صورت صاحبان پیشه و تجارت مشغول کارند. در سال های اخیر موج تازه ای از هجرت مسلمانان پاکستان و خاورمیانه به این منطقه صورت گرفت. به دلیل افزون شدن شمار مسلمانان و تثبیت وضع آنان، موفق به ساختن یک مسجد با شکوه تازه ای شدند و از این که خود قادر شدند حقوق و مزایای امامی را که به کار خود مسلط باشد و نیز منتخب خود آنان باشد، پرداخت نمایند، احساس غرور می کنند. به نظر بسیاری از مسلمانان منطقه حتی اگر مسجدها به سبب محدودیت هزینه بتوانند یک امام تمام وقت استخدام کنند، باز هم صلاح نیست با کمک از خارج و تحمل یک امام منصوب، آزادی خود را از دست دهند. البته در حال حاضر فقط در ۲۶ مسجد، امام اعزام شده از خارج از سوی (سازمان کشورهای اسلامی) وجود دارد. و در بسیاری از مساجد یا شخصی واجد صلاحیت ندارند و یا اگر داشته باشند قادر نیستند تمام وقت به خدمت بگیرند و حقوق وی را تأمین نمایند. فقط تعداد کمی امام منتخب در آمریکا وجود دارند که تمام وقت به کار مسجد می پردازند. در مساجدی که امام جماعت ندارند، معمولاً از وجود دانشجویان مسلمان داوطلب خدمت استفاده می کنند. این دانشجویان ضمن آموزش زبان عربی، مبانی اعتقادی را نیز تعلیم می دهند.

تضادها و برخوردهای فرهنگی.

در مساجدی که امام جماعت از کشورهای بیگانه باشد و یا فرهنگی غیر از فرهنگ متعلق به مسلمانان منطقه داشته باشد، مسائل و مشکلات مختلفی پیش می آید. در یک مورد، سرپرست یکی از مساجد توضیح داد که، در یکی از مراکز با عوض شدن امام، مسائل و مشکلات فرهنگی زیادی بروز کرد. موردی که امام تازه، موجب آزردهی خاطر گروه زیادی شد آن بود که، اجازه نداد زنان با مردان در یک جا به نماز جماعت بایستند. مسائلی از این قبیل در برخی مراکز موجب برخورد و جنجال نیز شد.

گاهی می بینیم که یک امام از سوی سازمانی یا کشوری منصوب می شود. حقوقش تأمین می شود. ضمناً آدمی است با صلاحیت علمی و مسلط بر قرآن، حدیث، فقه و زبان عربی، اما این خطر برای وی وجود دارد که به عنوان یک بیگانه غیر منتخب نتواند اعتماد مردم را جلب کند. از سوی دیگر گاهی امام منتخب، مورد اعتماد است، همه او را می شناسند، اما صلاحیت علمی یک امام جماعت را ندارد. اگر امامی که از خارج می آید، تا زمانی که سعی می کند فرهنگ و انتظارات مسلمانان منطقه خود را درک کند و تا زمانی که تغییرات مورد نظر خود را با احتیاط و درایت و هوشیاری و به تدریج اعمال کند، از مقبولیت لازم برخوردار خواهد بود. آئمه اعزامی از خارج، غالباً متوجه این نکته شده اند که مسلمانان متولد آمریکا بیش تر از مسلمانان مهاجر به خود حق دخالت در امور مسجد را می دهند؛ اما باید با هوشیاری به گونه ای عمل کنند تا بتوانند جلوی رفتار

ناشایست را بگیرند و با اتخاذ برنامه های صحیح، تغییراتی را که به نظرشان ضروری می رسد، ایجاد کنند و مؤسسه زیر نظر خود را بیش از پیش اسلامی کنند. این جا مثل کشورهای اسلامی نیست. در یک کشور اسلامی، شما می توانید به عنوان رهبر مذهبی هر دستوری صادر کنید. اگر چه تعداد ۵۰٪ مسلمانان اظهار می کنند که، وجود یک امام تمام وقت، اهمیت زیادی دارد و در حدود ۳۰٪ نیز چنان به آن اهمیت نمی دهند؛ اما کسانی که معتقدند، امام باید واجد توانایی های علمی بوده و برای انجام وظایف امامت، آموزش دیده باشد، بسیار بالاست (نگاه کنید به دو جدول قبل). مسلمانانی که مایل بودند یک امام تمام وقت در خدمت مسجد باشد، همچنین یادآور شدند که، این امام باید در قوانین شریعت تحصیل کرده و فقیه و در زبان عربی و فنون مشاوره توانا باشد. این نکته بدان معناست که وظیفه امام در درجه اول موعظه دینی و هدایت مسلمانان است و اگر کسی دارای این توانایی باشد حتی اگر به صورت نیمه وقت خدمت کند، مقبولیت خواهد داشت.

اهمیت زبان عربی.

بر طبق سنت و دستور اسلامی اذان و نماز باید به زبان عربی ادا شود. در ایالات متحده هم تا حد امکان به همین دستور عمل می شود و در برخی مساجد آیاتی از قرآن و حدیث های اسلامی به عربی خوانده می شود. نزدیک به دو سوم مسلمانان اظهار داشته اند که، امام جماعت باید به دو زبان انگلیسی و عربی کاملاً آشنا باشد. یک امام مسلط به انگلیسی می تواند به زبان انگلیسی موعظه کند و با مسلمانانی که جز به زبان انگلیسی آشنایی ندارند ارتباط برقرار کند و ضمناً به دلیل تسلط بر زبان عربی می تواند نماز را به این زبان ادا کند و برای شنوندگانش قرآن و حدیث بخواند و آموزش دهد. همچنین آنان غالباً اظهار می داشتند که، پیدا کردن امامی که بتواند به انگلیسی سلیس صحبت کند بسیار مشکل است.

به هر حال مطالعات انجام شده نشان می دهد، روز به روز، مسلمانانی که برای عبادت به مساجد آمریکا می روند از خطبه های عربی و آموزش عربی گریزانند و حال آن که نیاز به تکلم و فهم عربی برای انجام عبادات و نماز و ادعیه و قرائت قرآن و حدیث همواره احساس می شود. اطلاعات به دست آمده از مصاحبه ها این نکته را نیز می رساند که امام جماعت اگر به زبان محلی (انگلیسی) آشنایی کافی نداشته باشد، مقبولیت چندانی ندارد؛ نه از سوی مسلمانان مهاجر و نه از سوی مسلمانان متولد شده در آمریکا. (۳).

درباره تعداد مساجد باید گفت که: تعدادشان به ۱۲۶۰ باب می رسد. و همان گونه که اشاره شد به طور فزاینده ای به یک کانون امور اجتماعی و خانوادگی مسلمانان در می آید. خانم خلیفه، که لباسی بلند به تن و یک روسری سفید رنگ به سر دارد، می گوید:

فعالیت های این مسجد به ما و فرزندان ما امکان می دهد تا با سایر مسلمانان معاشرت داشته و ارزش های اسلامی را حفظ نماییم، اهمیت فزاینده مساجد در آمریکا، احیای مجدد ایده اسلامی سنتی (برگزاری نماز جماعت) است. به طور مثال، در نماز جمعه مرکز اسلامی کالیفرنیا جنوبی در لوس آنجلس، (ماهر حاتوت)

ایده مزبور را برای حدود هزار نمازگزار از قومیت های مختلف تشریح نمود. وی گفت: (ما در این جا حاضر شده ایم تا نماز را به جماعت برگزار کنیم. اگر ما روابط میان افراد را تحکیم نبخشیم، با ایده جماعت مخالفت خواهیم کرد).

همچنین ساختار فیزیکی مساجد در آمریکا هویت خاص خود را دارد، معماری مساجد آمریکا به گونه ای که در جهان اسلام، منحصر به فرد می باشد، تحول و تطور نموده است. (عمر خالدی) از متخصصان معماری اسلامی انستیتو تکنولوژی ماساچوست، کمبریج می گوید:

یک سبک آمریکایی در حال پیدایش است. این سبک، کاربردی تر و کم هزینه تر بوده و در آن تزیینات کم تری به کار رفته است.

البته یکی از ویژگی هایی که در برخی مساجد آمریکا از آن اثری نیست، گلدسته یا مناره است که مسلمانان از آن برای گفتن اذان استفاده می کنند. در برخی موارد، حقوق منطقه بندی برای احداث گلدسته ها لغو گردیده و آن هنگامی است که همسایه ها نگران بوده اند مبدا صدای اذان مایه دردسرشان شود، ولی مقامات اسلامی می گویند: مناره ها بیش تر جنبه نمادین دارد. (۴).

به هر حال مساجد آمریکا، دارای انواع و اقسامی گوناگون است. برخی از آنها دارای ساختمان های مرمر مجلل و گنبد های با شکوهی است؛ نظیر: مسجد (تالدو) در اوهایو، انبار های بازسازی شده مسجد خیابان ورمونت در مرکز لوس آنجلس و نیز اتاق های کوچک تخصیص یافته به مسجد در محله های مسکونی متوسط در خیابان های استوریا واقع در کوئینز (۵) هم دارای جلوه دیگری است.

همان گونه که بیان شده، اکنون جامعه مسلمانان آمریکا در یک مرحله انتقال تاریخی قرار دارند و برای نخستین بار، مسلمانان در وضعیت و موقعیتی قرار گرفتند که می توانند از لحاظ فرهنگی، سیاسی و مذهبی تأثیر تازه ای بر جامعه آمریکا بگذارند. ظرف پنج سال گذشته، تعداد مساجد این کشور دو برابر شده است، (۶) و این نشان دهنده رشد سریع دین اسلام نسبت به ادیان دیگر در آمریکاست (۷) و بیش از یک دوم این مساجد از سال ۱۹۸۰ به بعد احداث گردیده است. (۸)

به هر حال این مساجد در سراسر آمریکا گسترده شده اند، بویژه در کرانه های شرقی و غربی و مناطق غرب مرکزی، این مساجد و انجمن ها منعکس کننده روند رشد جامعه اسلامی آمریکاست. این رشد، همان گونه که پیش تر بدان اشارت شد، بیش تر از راه مهاجرت، زاد و ولد و گرویدن به اسلام ایجاد شده است.

بیش تر مساجد در مناطقی که مهاجران اولیه در آن جا می زیسته اند، بنا شده اند؛ نظیر: مسجد (سداراپیدزولا)، (تولایدوی) در ایالت اوهایو، مسجد (دارین) در ایالت میشیگان، گنبد (دارالفجر) که تقریباً هر هفته در آن نماز جمعه تشکیل می شود و مسجد شیکاگو و ایلینویز. (۹).

اما در خصوص قدیمی ترین مسجد آمریکا باید گفت: نخستین مسجد در سال ۱۹۲۹ در (راس) واقع در داکوتای شمالی بنا گردید. (۱۰) چون این ناحیه، زمانی محل اسکان مهاجران سوری و لبنانی هایی بود که برای کمک به کشاورزان منطقه در آن جا به سر می بردند، مسجد مزبور چند سال بعد، منهدم شد.

قدیمی ترین مسجدی که هنوز باقی مانده، در (سیداررپیدز) آیوا واقع است. این مسجد در سال ۱۹۲۵ به عنوان یک مرکز اسلامی بنا شد و پس از نه سال به یک مسجد مبدل شد که به ابوالمساجد معروف گشت. این مسجد دارای ساختمان مستطیل شکل کوچک و دارای روکار چوبی سفیدی است که یک گلدسته یا مناره و یک گنبد آبی پیازی شکل دارد؛ اما بخش اعظم مسلمانان سیداررپیدز در مسجد نوسازتر بزرگ و مجلل نماز به جا می آورند که در محله ای نه چندان دور واقع است.

مسلمانان سیداررپیدز، به عنوان یک گروه پر سابقه و کاملاً جا افتاده، بر جذب شدن خود در درون جامعه تأکید دارند. بسیاری از آنان از سه نسل پیش در این شهر به سر می برده اند، برخی از آنان با افراد غیر مسلمان ازدواج کرده اند، گروهی دیگر از آنان همسران خویش را از دیگر گروه های مسلمان غرب میانه از قبیل: ساکنان شیکاگو، دیربورن، میشیگان و یا تولد برگزیده اند.

منطقه نیویورک نیز یکی از مراکز عمده اسلام است، تعداد مسلمانان نیویورک تقریباً برابر است با کل مسلمانان شیکاگو و لوس آنجلس. در میان مساجد نیویورک، می توان از مرکز جدید و عظیم اسلامی خیابان نود و ششم در اسیت ساید علیا که در آن حدود یک صد نفر می توانند مراسم نماز جمعه را برگزار نمایند، نام برد. همچنین نمازخانه های تک اتاقی در بروکلین کوئینز و نیوجرسی نیز یافت می شود.

مسجد (عبدالمحسن خلیفه) در مدیسون استریت بروکلین، یکی از مساجد کوچک نیویورک است که در آن کاملاً در هم آمیختن فرهنگ های اسلامی و آمریکایی مشهود است و در آن مراسم های مختلفی از قبیل ضیافت شام به مناسبت های گوناگون تشکیل می شود (۱۱).

همچنین مسجد دیگری در سال ۱۹۳۸ تأسیس گردید و هنگامی که تعداد مسلمانان روبه افزایش گذاشت، این مسجد توسعه داده شد و به صورت مرکز جمعیت در آمد، به نحوی که اضافه بر مرکز جمعیت، شامل بخشی برای زنان و بخش دیگری برای تدریس فرزندان مسلمان گردید.

فضای باز و آزاد چهار سوی مسجد، موقعیت آن را در شهر شاخص نموده است؛ امداد خصوص فعالیت این مرکز آقای (عبدو محمد العصری) رئیس جمعیت اسلامی آمریکا می گوید:

به دنبال بیداری همگانی مردم مسلمان که اخیراً در تمام ایالات متحده آمریکا رخ داده است، این مرکز نیز فعالیت خود را در جهت خدمت به مسلمانان مقیم و نشر دعوت اسلامی دو چندان ساخت و به همین دلیل بود که (مؤسسه فتوا و دعوت عربستان سعودی) به ندای این جمعیت لبیک گفت و امام جماعت دایمی را برای این مرکز تعیین کرد، و به حق که امام مذکور، وظایف و واجبات محوله خود را به بهترین شکل مطلوب ایفا می کند.

تلاش مستمر امام جماعت، باعث بازماندن درهای مسجد در طول ۲۴ ساعت شبانه روز و القای پیوستگی درس های وعظ و ارشاد پس از هر نماز، بر مردم شد.

همچنین جمعیت، دوره های آموزشی و آمادگی برای فراگیری علوم اسلامی به وسیله فرزندان ساکنان مسلمان به اضافه زبان عربی دایر کرده است. دیگر این که جمعیت، مبادرت به نصب چهار بلندگو در چهارسوی مسجد کرده تا اذان نمازهای پنجگانه را به طور مرتب پخش کنند، اما این کار باعث خشم و نفرت

برخی عناصر مخالف و دشمن شد و سرانجام منجر به شکایت علیه جمعی، نزد دستگاه قضایی آمریکا به بهانه این که صدای بلند اذان، موجب ناراحتی آنان می شود، شد؛ لیکن به یاری خدا، دستگاه قضایی آمریکا به شرعی بودن اذان و خلاصه به نفع جمعیت رأی داد. و در این خصوص، هزینه های مختلف، از جمله هزینه وکیل مدافع مسجد در این قضیه را کشور عربستان سعودی تقبل کرد.

همچنین جمعیت با کمک و همیاری اتباع مسلمان در شهرهای دیگر، مساجد دیگری را در شهرهای مجاور بنا نهاد. همچنین قطعه زمینی را به عنوان گورستان مسلمانان خریداری کرده و دیگر این که کتابخانه اسلامی عمومی تأسیس کرده تا بتواند سهمی در اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و عربی داشته باشد. وی همچنین در خصوص پروژه های آینده، اظهار داشت:

اولویت هدف ما همانا توسعه مسجد است؛ زیرا که مسجد گنجایش انبوه نمازگزاران را ندارد، مخصوصاً در روزهای جمعه که تعداد نمازگزاران بالغ بر دو هزار نفر می گردد. دیگر این که جمعیت، نقشه خاصی را برای این منظور طرح ریزی کرده است و اضافه بر این توسعه، قرار است دوره های آموزشی جداگانه ای برای پسران و دختران وابسته به مسجد تأسیس کند. همچنین جمعیت قصد دارد، غسلخانه ای برای درگذشتگان مسلمان بنا سازد، و زمین دیگری را برای دفن آنان به گنجایش یک هزار نفر به جای گورستان کوچک فعلی خریداری نماید و هزینه این پروژه ها در حدود سه میلیون دلار خواهد بود.

اما در خصوص تعداد اسلام آورندگان آقای عبود محمد العصری رئیس جمعیت اسلامی گفت:

با توفیق و هدایت خداوندی، هر هفته، سه یا چهار نفر اسلام را قبول می کنند و جمعیت، در این زمینه افرادی را برای ارشاد و آشنا ساختن آنان به فرهنگ اسلامی و امور دینی تعیین نموده و ضمناً حضور آنان را در مسجد کنترل و مواظبت می کنند.

اما درباره پول لازم برای اجرای پروژه های نامبرده، نیز باید گفت که، ما خواستار کمک و تماس حکومت ها، هیأت ها و افراد مسلمان برای جامه عمل پوشاندن به این طرح ها هستیم. کما این که از همه مسلمانان دعوت می کنیم تا از مرکز مذکور باز دید به عمل آورند و از نزدیک با عملکرد این مرکز و نحوه فعالیت ما در جهت خدمت به اتباع مسلمان و پیشبرد دین اسلام آشنا گردند (۱۲).

همچنین از دیگر مساجد، می توان به مسجد (روستای اسلامی) اشاره کرد. روستای اسلامی دارالسلام که در شهر سانتافه از ایالات متحده نیومکزیکو می باشد، بیش از ۱۵۰ خانوار را در خود جای داده است. در این روستا، مسجد، مدرسه دینی که در ضمن، هنرهای اسلامی را آموزش می دهند، نیز ساخته شده است. در این مراکز آرشو بزرگی درباره اسلام به وجود آمده است. ساختمان مسجد که پروژه آن به وسیله معمار مشهور مصری، حسن فتحی تهیه شده است، در حال اتمام است، نخستین محل روستای اسلامی، در ینگه دنیا که دارای ۵,۲ میلیون نفر مسلمان است، می باشد. شهر سانتافه ایالت نیومکزیکو که دارای هوا و اقلیتی شبیه منطقه خاورمیانه است، انتخاب شده است؛ اما در انتخاب محل، عوامل دیگری نیز به غیر از هوا و اقلیم در نظر گرفته شده است.

(عبدالله نورالدین دورکه) که یک مسلمان آمریکایی است، نخستین کسی بود که به فکر تأسیس افتاده است. وی مهم ترین عاملی را که سبب انتخاب این منطقه شده است، به وجود آمدن شهر سانتافه از گروه های مختلف و علاقه آنها به دین، ذکر کرده است.

اما این که حقیقتاً چگونه این فکر به تحقق پیوست!

باید گفت: تعداد افرادی که اسلام را فرا گرفته و به اسلام رو می آورند، روز به روز زیاده تر شده است. در این بین عبدالله نورالدین دورکه که فارغ التحصیل انستیتوی پلی تکنیک ماساچوست بود، برای استفاده از وضع موجود و تجدید دوباره و حفظ سنن اسلامی در آمریکا، نقشه هایی را در فکر خود داشت. وی که ضمن فعالیت دانشگاهی در یکی از دانشگاه های عربستان سعودی در سال ۱۹۷۸، فکر ایجاد این روستا را با کارخانه داری به نام (صالح قبانی) در میان گذاشت و پس از اندک زمانی در سانتافه، اوقاف دارالسلام تشکیل شد. بانیان این موقوفه افراد مختلف از کشورهای گوناگون بودند. سرانجام با کمک های مالی کشورهای عرب، ساختمان های روستا، با الهام از معماری اسلامی ساخته شد. حسن فتحی، معمار مشهور مصری که چندی پیش نخستین جایزه معماری یک صد هزار دلاری را دریافت کرد، سبک اسلامی را همیشه در پروژه های خود به کار می برد و معتقد است که، این نوع معماری، می تواند مشکل خانواده های پر جمعیت جهان سوم را حل کند، چنان که این نوع ساختمان ها هم ارزان و هم مقاوم هستند. برای همین، فتحی در پروژه روستای دارالسلام کوشید تا این پروژه را وسعت بخشد و از آن به عنوان مرکزی برای فرهنگ اسلامی استفاده کند. همچنین محل روستا به گونه ای انتخاب شده که می شود در آینده آن را وسعت بخشید، موقعی که کار ساختمان روستا به پایان رسید، ۱۵۰ خانوار در آن سکنا گزیدند و منبع اصلی در آمد آنان کشاورزی است؛ زیرا خاک این منطقه برای کشاورزی بسیار مساعد است، و برای این که خود روستا تماماً خودکفا باشد، فعالیت های جانبی دیگری نیز در دست اقدام است. ضمناً مردم غیر مسلمان این منطقه از کاتولیک های اهل مکزیک و اسپانیا هستند که هیچ گونه تعصبی درباره دین خود نسبت به ادیان دیگر ندارند. آنان از این که در منطقه شان یک روستای اسلامی ساخته شده، بسیار خوشحالدند و این را به فال نیک گرفته اند، زاهد منطقه میلان گارسیا در این باره می گوید:..

تمام ادیان زندگی با هم را تشویق کرده اند، سال ها طول خواهد کشید تا مردم اسلام را بشناسند (۱۳).

۱. دانش در دوران کودکی، مثل نقشی است که بر سنگ حک کنند.

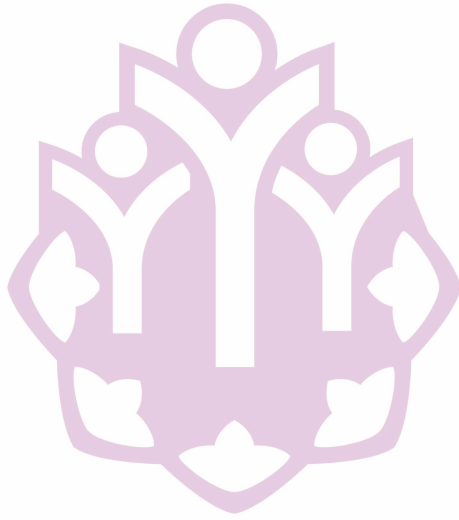
۲. LARRY POSTON, ISLAMIC DAWAH IN THE WEST, NEW YORK: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 1992. 3 EARLE) ارل وا (

WAUGH) مقاله امام جماعت در دنیای کنونی: مدل ها و تغییرها، مندرج در مجموعه دوران های انتقال و تحمل در تاریخ مذاهب چاپ لیدن ۱۹۸۰.

۴. رابرت مارکند و آندونی لامیس، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۹.

۵. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.

۶. استیون امرسون، وال استریت جورنال، چاپ آمریکا، ۹۶/۵/۱۰.
۷. استیون امرسون، وال استریت جورنال، چاپ آمریکا، ۹۶/۵/۱۰.
۸. لاری شارل، یو.اس.آ.تودی، چاپ آمریکا، ۹۶/۴/۱۴.
۹. نشریه اسلام، ش ۲، چاپ چین، ۱۹۹۲.
۱۰. المجله، چاپ انگلستان، ۹۴/۹/۱۱.
۱۱. ریچارد پرنستاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.
۱۲. اسعد احمد، العالم الاسلامی، چاپ عربستان، ۸۱/۱۲/۱۴.
۱۳. ترجمان، چاپ ترکیه، ۸۲/۲/۱۸.



نہضت ترجمہ
Translation Movement
TM

فصل چهارم: تشکل های فرقه ای و قومی. مسلمانان در آمریکا

تشکل های فرقه ای و قومی. مسلمانان در آمریکا

فرقه مسلمانان دروز (DRUZE SECT)

فرقه احمدیه.

فرقه موریش ساینس تمپل (MOORISH SCIENCE TEMPLE)

فرقه انصارالله.

یونایتد سابمیترز انترنشنال (UNITED SUBMITTERS INTERNATIONAL)

تصوف در آمریکا.

سایر فرقه های اسلامی در آمریکا.

تشکل های فرقه ای و قومی. مسلمانان در آمریکا

گرچه در طی قرن جاری، مهاجرت مسلمانان از ممالک مختلف جهان به آمریکا سیر صعودی داشته و خصوصاً طی دو دهه گذشته سرعت شتاب گیرنده ای به خود گرفته، با این حال بررسی اجتماعات مختلف اسلامی در این کشور تا چندی پیش به طور جدی مورد تحقیق علمی قرار نگرفته بوده است. نه تنها عموم مردم آمریکا، بلکه حتی بیش تر متخصصان این کشور تصور درستی از طرز فکر و نحوه زندگی و ترکیب قومی و فرقه ای مسلمانان مهاجر و مسلمانان بومی ایالات متحده ندارند. عمده مردم آمریکا مسلمانان مقیم این کشور را تنها در دو فرقه شیعه و سنی می شناسند، بدون این که شناخت درستی از خصوصیات اعتقادی آنان داشته باشند. در این میان وسایل ارتباط جمعی کشور نیز تصویر مخدوش و نادرستی از چهره مسلمانان ترسیم نموده و بنا به دلایل سیاسی، نژادی و ملی صفات و خصوصیات را به طور حساب شده به مسلمانان و مخصوصاً مسلمانان شیعه نسبت می دهند. به عموم مردم آمریکا چنین تفهیم شده که شیعیان افرادی مبارز هستند که در جریان مبارزات خود در صورت لزوم به شیوه های خشونت آمیز و تروریستی متوسل می شوند. دامنه تبلیغات ضد اسلامی وسایل ارتباط جمعی و محافل صهیونیست که عمده رسانه ها را به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت کنترل دارند از محدوده مسلمانان شیعه گذشته و همه مسلمانان مبارز و اصیل که برای حفظ هویت اسلامی و شرافت و منزلت انسانی خود در برابر سیل بنیان کن تهاجم فرهنگی غرب، بویژه آمریکا به مقاومت ایستاده اند، را نیز در بر می گیرد. بدین معنا که بازگشت مسلمانان آگاه و بیدار به منابع اصیل اسلامی و سرچشمه های زلال اعتقادی برای زدودن زنگارهای خرافی و بریدن قید و بندهای دست و پاگیر ارتجاعی که در توالی قرون متمادی به سبب غفلت مسلمانان و بیداری و نیرنگ دشمنان اسلام، جوامع اسلامی را از حرکت و

زاینده‌گی باز داشت و اسلام ناب محمدی را از صحنه زندگی خارج ساخته بود، به مثابه نوعی گرایش ارتجاعی و واپس گرایانه به نام بنیادگرایی اسلامی قلمداد نموده و بنیادگرایی اسلامی را با تروریسم و اقدامات خشونت آمیز مترادف معرفی می کنند.

تبلیغات منفی رسانه های غربی، و مخصوصاً آمریکایی، بذر بدبینی نسبت به اسلام و مسلمانان را در بین شهروندان اروپایی و آمریکایی می پراکنند و به جای تقویت گرایشات هم گرایانه، گرایشات واگرایانه را نسبت به مسلمانان سایر ممالک تشدید می کنند. حوزه تأثیرگذاری یک چنین تبلیغات اغفال کننده تا به آن جا رسیده که مردم ممالک غربی حتی نسبت به مسلمانان مقیم این کشورها نیز به دیده منفی می نگرند و هیچ گونه اطلاعات درستی در خصوص باورها، ارزش های اعتقادی و خصوصیات گروه های مختلف مسلمان مهاجر ندارند. بدتر از همه این که عملکرد غیر اسلامی و بعضاً خشونت آمیز برخی از مسلمانان وابسته به بعضی از فرقه های قومی و نژادی را به حساب همه مسلمانان می گذارند و بدون بررسی ریشه های اجتماعی، اقتصادی و نژادی و برخی از اقدامات خشونت آمیزی که به دست معدودی مسلمان بومی یا مهاجر صورت می گیرد، آنها را به همه گروه ها و فرقه های بزرگ و کوچک اسلامی تعمیم داده و سریعاً اسلام را با تروریسم و نژاد پرستی و... یکی معرفی می کنند.

به همین دلیل است که بیش تر مردم آمریکا نسبت به طیف وسیع تفاوت هایی که بین گروه های مختلف مسلمان این کشور وجود دارد بی اطلاع هستند. جامعه اسلامی ایالات متحده مرکب از انواع مختلف مسلمانانی است که از سایر نقاط به این کشور مهاجرت کرده و یا آمریکاییانی هستند که در این کشور به دین اسلام گرویده اند. مسلمانان آمریکا نه تنها معرف گروه های مختلف نژادی، زبانی و ملی هستند، بلکه به صورت چندفرقه کوچک و بزرگ فعالیت مذهبی نیز دارند.

برخی از بررسی ها حاکی از این است که، پنج فرقه عمده در مجموعه های اسلامی آمریکا وجود دارد. البته این پنج فرقه غیر از دو جریان اصلی اسلام که به نام شیعه و سنی و همچنین تصوف در جهان مطرح است، می باشند.

Translation Movement
JMS

فرقه مسلمانان دروز (DRUZE SECT).

بررسی های تاریخی نشان می دهد که، فرقه (دروز) در قرن دوازدهم میلادی تحت رهبری ششمین خلیفه فاطمی به نام (الحکیم آمر الله) به وجود آمد و طی چند قرن در لبنان، سوریه و فلسطین گسترش یافت. نخستین گروه (دروز) در دهه ۱۸۷۰ به آمریکا مهاجرت کرد. مسلمانان (دروز) آمریکا هنوز همانند (دروزهای) سایر ممالک، در اجتماعات بسته ای که از مهاجران خاورمیانه ای تشکیل شده، زندگی می کنند و فرزندان شان نیز رابطه خود را با جامعه (دروز) حفظ کرده و به وابستگی اسلامی خود تأکید می ورزند. (دروزها) مثل دیگر

گروه های اسلامی برای ادامه حیات فرهنگی خود پیوسته در صدد یافتن و به کارگیری استراتژی هایی هستند که در حصار فرهنگی غیر اسلامی آمریکا هدف مورد نظر آن را تأمین کند(۱). از آن جایی که پیروان این جریان مذهبی اعتقادات و مراسم مذهبی خود را در خفا و دور از انظار افراد غیر وابسته به این فرقه نگه می دارند، لذا تا به حال اطلاعات کمی درباره این گروه و تعداد اعضای آن وجود دارد، هر چند که تعداد تقریبی آنان را تا نیم میلیون نفر تخمین می زنند. البته درباره این که آیا (دروزها) خود را مسلمان می شمارند و این که آیا چنین ادعایی با معیارهای اسلامی تطبیق می کند یا نه، آرای مختلفی وجود دارد. به نظر برخی از صاحب نظران اگر نشانه مسلمان بودن، اعتقاد داشتن به قرآن و پیامبر اسلام و ایستادن به سوی قبله در هنگام نماز و خلاصه پیروی از شریعت است، در این صورت (دروزها) را نمی شود مسلمان دانست؛ ولی یکی از سخن گویان کمیته امور مذهبی جامعه (دروز) آمریکا در زمینه خط اعتقادی فرقه (دروز) می گوید:

ایمان توحیدی ما، مجسم کننده جوهر اسلام است. این ایمان از اسلام نشأت می گیرد و ریشه در آن دارد. دانشگاه الازهر نیز طی صدور فتوایی فرقه (دروز) را یک فرقه اسلامی معرفی کرد. ولی (عبدالله نجار) رهبر و سخنگوی برجسته جامعه (دروزها) در آمریکا، دیدگاه دیگری ارائه داد و طی مصاحبه ای خاطر نشان ساخت:

ما (دروزها) اسلامی هستیم، ولی مسلمان نیستیم؛ اما به هر حال، یک تلاش هماهنگ به وسیله گروهی چهره های برجسته (دروز) در جریان است تا ما را به جریان عمده اسلام سنتی باز گردانند.(۲).

فرقه احمدیه.

نهضت ترجمه

نام این فرقه از نام بنیانگذار آن (میرزا غلام احمد) گرفته شده است. فرقه احمدیه نزدیک به یک قرن پیش به وجود آمده و از سال ۱۹۲۰ در آمریکا فعال بوده است. پیروان این فرقه نیز همانند فرقه دروز برای حفظ هویت هندی - پاکستانی خود در محصوره فرهنگی غرب تلاش می کنند، ولی بر خلاف دروزها مراسم و معتقدات مذهبی خود را پنهان نمی نمایند و سعی دارند با بسط حوزه فعالیت و جلب پیروان بیش تر موقعیت بهتری برای مجموعه خود به عنوان یک اقلیت مذهبی کسب کنند. از آن جایی که اعضای این جامعه اسلامی از بدو ورود به آمریکا، فعالیت خود را در بین سیاه پوستان این کشور تشدید کردند، توانستند تأثیر مهمی در گرایش یافتن سیاهان به اسلام به جای گذارند.

گفته می شود که، تا اوایل دهه ۱۹۹۰ تعداد پانصد مسجد متعلق به فرقه احمدیه در سراسر جهان و از آن جمله در شهرهای عمده اروپا وجود داشته است. نخستین جامعه اسلامی فرقه احمدیه در آمریکا در سال ۱۹۱۱ شروع و فعالیت تبلیغی آن از سال ۱۹۲۰ شدت یافت.

یکی از مهم ترین فعالیت های تبلیغی این فرقه در آمریکا، آموزش قرآن و ترجمه قرآن به زبان های مختلف بوده است.

همان گونه که قبلاً یادآوری شد، فرقه احمدیه فعالیت خود را از دهه ۱۹۲۰ و عمدتاً در بین سیاه پوستان آمریکا در شهرهایی چون: شیکاگو، دیترویت، سنت لوئیس، و گاری در ایندیانا شروع کرد. تبلیغات این فرقه برای سیاهان بسیار جاذبه داشت؛ زیرا به برابری نژادی تأکید می ورزید و در ضمن برای سیاهان موقعیت هایی در حالت رهبری در نظر می گرفت؛ ولی با ظهور گروه ملت اسلام در دهه ۱۹۳۰ که به برتری نژاد سیاه و پستی نژاد سفید تأکید می ورزید، از شعاع تأثیرگذاری و جاذبه فرقه احمدیه کاسته شد. تا اوایل دهه ۱۹۴۰ تعداد پیروان فرقه احمدیه به ده هزار نفر می رسید و شهرهای شیکاگو، کلیولند، کانزاس، واشنگتن و پیتزبورگ مراکز عمده فعالیت آنان بود. در سال ۱۹۵۰ دفتر مرکزی این فرقه به شهر واشنگتن منتقل شد. در دهه ۱۹۶۰ با ورود مهاجران جدید تعداد طرفداران احمدیه افزایش یافت و دفاتر جدید این فرقه در شهرهای تورنتو، مونترال و اوتاوا در کانادا نیز گشایش یافت.(۳).

گرچه فرقه احمدیه مدعی است که خط اصیل اسلام را دنبال می کند، با این حال، پیوسته مورد انتقاد شدید مسلمانان بویژه مسلمانان سنی قرار داشته است. در گذشته نیز (علامه اقبال لاهوری) جنبش احمدیه را نوعی تهدید برای اسلام معرفی کرده و خواستار جلوگیری از آن شد و متفکر دیگر پاکستانی، (ابوالعلا مودودی) نیز این فرقه را نوعی سرطان علیه جوامع اسلامی خواند. در سال های اخیر نیز این فرقه شدیداً مورد حملات جماعت اسلامی هند و پاکستان و اتحادیه جهان اسلام عربستان سعودی قرار داشته است. بررسی هایی که در خصوص فعالیت های این فرقه در آمریکا صورت گرفته نشان می دهد که، در اوایل دهه ۱۹۹۰ تعداد شش میسیونر مذهبی احمدیه در این کشور وجود داشته اند. پیروان این فرقه شدیداً تلاش دارند هویت مذهبی و فرهنگی خود را در محیط غیر اسلامی و سکولاریستی آمریکا حفظ کنند. یکی از مؤثرترین ابزار تبلیغاتی این فرقه از شروع فعالیت آن تا کنون، انتشار نشریه مسلم سان رایز بوده است. روی جلد این نشریه (MUSLEM SUNRISE) تصویری از خورشید در حال طلوع بر فراز آمریکای شمالی دیده می شود. نکته قابل توجه دیگر، فعالیت چشمگیر زنان فرقه مذکور در امور تبلیغاتی است. زنان به عنوان بخشی از وظایف دینی خود، باید احادیث زیادی را حفظ کنند. پوشیدن حجاب کامل شامل پوشش سر و صورت و نیز فاصله داشتن زنان از مردان در اماکن عمومی و مراسم مذهبی، شدیداً مورد تأکید قرار می گیرد. سازمان هایی نیز مخصوص فعالیت زنان و دختران احمدیه ایجاد گردیده و زنان فعال در این سازمان ها نشریات مخصوص خود تحت عناوین عایشه، لجنانیوز، و نصرت نیوز را منتشر می سازند(۴). سال گذشته با افتتاح بزرگ ترین مسجد این فرقه در شهر سیلوراسپرینگ ایالت مریلند مقر مرکزی فرقه احمدیه به این منطقه منتقل شد. در مراسم افتتاح این مسجد تعدادی از شخصیت های رسمی آمریکا حضور داشتند.

فرقه موریش ساینس تمپل (MOORISH SCIENCE TEMPLE).

یکی از فرقه‌هایی که ظاهراً تحت تأثیر فرقه احمدیه قرار داشته و با آن برای جلب سیاهان در آمریکا در رقابت بوده فرقه (موریش) می‌باشد. این فرقه تحت رهبری (نوبل دروعلی) همانند فرقه احمدیه، فعالیت زیادی برای جلب سیاهان صورت داده و در سوق دادن آنان به سوی اسلام نقش مهمی داشته است. تدریجاً یک بخش از این فرقه به صورت گروه جدیدی به نام ملت اسلام به فعالیت تبلیغی در بین سیاهان ادامه داد و تعدادی دیگر از اعضای موریش به مرور، جلب گروه اسلامی (انجمن بهبود وضع سیاهان) به رهبری (مارکوس گاروی) گردیدند. بقیه پیروان فرقه موریش همچنان به فعالیت‌های خود در آمریکا ادامه می‌دهند. مطالعات تاریخی در خصوص شرایط زندگی آمریکاییان آفریقایی تبار حاکی از اوج‌گیری نوعی بحران هویت و مشکلات فرهنگی و اقتصادی در بین سیاهان کشور در اوایل قرن حاضر است. در دهه‌های اول قرن جاری، سیاهان به طور جدی مسأله هویت و ریشه‌های فرهنگی و مذهبی خود را مورد کنکاش قرار دادند؛ زیرا در خلال دوران بردگی در آمریکا نام‌های آفریقایی آنان و نیز مذهب آنان اجباراً تغییر داده شده بود و مهم‌تر از همه این‌که پس از خاتمه دوره برده‌داری در این کشور، سیاهان با وضع اقتصادی بدی مواجه شده بودند. به همین سبب تلاش‌های گوناگونی برای اعاده هویت سیاهان صورت گرفت که یکی از مهم‌ترین آنان جنبش مذهبی موریش سانیس تمپل بود. رهبر و بنیانگذار این جنبش مذهبی؛ یعنی (نوبل دروعلی) بر خلاف دیگر رهبران سیاه به جای تأکید به ریشه‌های نژادی و قومی سعی داشت سیاهان را به عنوان افراد مظلوم و تهی دست به کمک سبیل‌های اسلامی متحد سازد و احساس غرور و هویت جدید به آنان ببخشد. همزمان با فعالیت‌های موریش تمپل، یک گروه دیگر اسلامی به نام انجمن بهبود وضع سیاهان به رهبری (مارکوس گاروی) برای بسیج و جلب سیاهان تلاش دامنه‌داری صورت می‌داد. گاروی معتقد به مبارزه سیاسی برای آزادی آفریقا و نجات سیاهان به دست آمریکا بود؛ حال آن‌که رهبر موریش تمپل عمدتاً به مبانی مذهبی مورد نظر خود برای بهبود وضع سیاهان تأکید می‌ورزید و به پیروان خود توصیه می‌کرد که با بسط حوزه فعالیت‌های اقتصادی فرقه موریش می‌توان مشکلات معیشتی سیاهان و تهی‌دستان را حل کرد.

خلاصه این‌که تلاش فرقه موریش این بود که مردم فقیر کشور را از طریق تأمین استقلال اقتصادی نجات دهد. (۵).

فرقه انصارالله.

این فرقه مذهبی در سال ۱۹۷۰ از سوی (عیسی محمد) که سیاه پوست مسلمان بود، به وجود آمد. انصارالله همانند فرقه موریش به هویت آفریقایی خود تأکید می‌ورزد و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی پیروان خود را در اولویت قرار می‌دهد. جامعه انصارالله که یک فرقه مذهبی سیاه پوستی است، از بدو پیدایش تاکنون، یعنی طی دو دهه گذشته، از لحاظ برنامه آموزش مذهبی دست خوش تغییراتی شده است. عیسی محمد رهبر این

فرقه شدیداً تحت تأثیر فرقه موریش و جنبش های سیاهان در دهه ۱۹۶۰ قرار گرفته و مانند برخی دیگر از اعضای گروه اسلامی ملت اسلام از نحوه آموزش و رهبری الیجاه محمد و مالکوم ایکس ناراضی بود و به همین دلیل به فکر ایجاد گروه جدیدی براساس دکترین مورد نظر خویش افتاد. البته عیسی محمد از دیدگاه های الیجاه محمد و مالکوم ایکس و نوبل دروعلی در خصوص کمک به وضعیت اقتصادی و اجتماعی سیاهان و مستقل نمودن ذهنی آنان از سفیدپوستان حمایت می کرد؛ ولی بسیاری از مواد آموزشی آنان را قبول نداشت و مغایر با اسلام می دانست. شایان توجه است که دید مذهبی شخص وی در آغاز فعالیت فرقه انصارالله مبتنی بر فلسفه نژادپرستی و برتری نژاد سیاه بود، بویژه این که ریشه نژادی و فرهنگی خود را در شمال آفریقا و مخصوصاً در سودان جست وجو کرده و منطقه اطراف رود نیل را مهد تمدن بشر که به دست آفریقاییان توسعه و گسترش یافته، دانسته است و دیگر این که از بعد مبارزاتی و سابقه رهبری مذهبی، خود را به خاندان (امام المهدی) مبارز انقلابی سودانی و (امام الهادی المهدی) رهبر مذهبی انصار در سودان پیوند می زد. البته به مرور زمان حالت نژادپرستانه آموزش های مذهبی عیسی محمد تا حدی از بین رفت و سعی نمود بحث های خود را براساس تعالیم قرآن تنظیم نماید. در عین حال کوشید خود را مفسر راستین اسلام جلوه دهد و تعبیر و تفاسیر فرقه های دیگر را به باد انتقاد بگیرد. برای مثال، وی معتقد است که، اسم (الله) نباید از عربی به زبان دیگر ترجمه شود؛ چون مفهوم اصلی خود را از دست می دهد و کسانی که کلمه (GOD) را به جای الله می گذارند نمی دانند که GOD آخرین اسم از پنجاه اسم شیطان است. (۶).

همچنین عیسی محمد پیوسته سعی داشته از خود یک چهره پر جاذبه معنوی و صاحب کرامات برای پیروان فرقه انصارالله ترسیم نماید، هرچند که معمولاً از دید پیروان فرقه های اسلامی، رهبران آنان افرادی با خصوصیات بسیار متعالی و پرجذبه و پاک تلقی می گردند و حتی کرامات و معجزاتی را نیز از بنیانگذاران این گونه فرقه های مذهبی انتظار دارند. و یا به آنان نسبت می دهند. به هر حال عیسی محمد نیز از این قاعده مستثنا نیست. وی در سال ۱۹۷۶ مدعی شد که همانند امام (محمد احمدالمهدی) سودانی یک فرد رفرمیست و اصلاحگر در مسائل مذهبی است. عیسی محمد سه نوع رهبر مذهبی مشخص نموده: اول پیامبر که به او وحی می شود؛ دوم حواریون که باید پیام آخرین پیامبر را به مردم برسانند و سوم راهنما یا هادی و رفرم کننده. او خود را در رده سوم قرار می دهد. وی در ۱۹۸۴ اعلام نمود که، وارث مشروع الیجاه محمد است. به نظر وی فرقه انصارالله باید دنباله رو مکتب مالکی باشند و مسلمانانی که به مکاتب دیگر اسلامی وابسته اند، کاملاً در اشتباه هستند؛ زیرا به گفته او آثار امام مالک، تنها مجموعه ای از سنت است که به عربی منتشر شده، حال آن که بقیه به زبان فارسی نوشته شده و بعدها به عربی ترجمه شده اند.

گرچه عیسی محمد تعدیلاتی در آموزش های مذهبی خود ایجاد کرده و از آن جمله برخوردهای نژاد پرستانه را کاهش داده، با این حال با این ادعا که او علاقه مند به حفظ رابطه مستقیم با خط حقیقی اسلام است، تمام پیامبران را سیاه پوست می داند و حتی خدا را سیاه معرفی می کند. وی برای احتراز از اتهام وهابی بودن سعی کرده در تعبیر خود به تفاسیر و تعبیر شیعه نزدیک شود. بدین معنا که با تأیید نقش حضرت علیز، که او را نیز

سیاه می داند، اسلام را رد می کند. (شایان ذکر است که تا سال ۱۹۸۲ طبق گزارشات موجود قریب به هزار نفر در فیلادلفیا به مذهب شیعه گرویدند).

وی با تأکید به این که حضرت فاطمه(س) تنها فرزند رسول خدا حضرت محمد بود و صاحب فرزندی شده، سعی کرد با قبول تفاسیر شیعه درباره نقش حضرت علیز برای خود نیز یک ریشه و تبار عربی پیدا کند و به خاندان پیامبر نزدیک شود.

به هر حال آنچه که روشن است این است که، وی از نظر پیروان خود یک شخصیت ممتاز، معنوی و صاحب کرامات است. البته برخی گزارشات حاکی است که، کسانی که از فرقه انصارالله جدا شده اند عیسی محمد را فردی قدرت طلب، متقلب و کسی که حتی اعمال همجنس بازی و زنا را تشویق می کند، معرفی کرده اند؛ ولی پیروان عیسی محمد او را فردی مهربان، بخشنده، پدر، دوست، رحیم، صبور و... می شناسند و حتی معجزات و کراماتی برای او قایلند. شخص عیسی محمد اعتراف نمود که، پیامبر و مهدی موعود نیستم، بلکه یک معلم، راهنما، رهبر و امام هستم. وی در سال ۱۹۸۸ به عنوان امام جامعه انصار الله خود را بازنشته کرد و رهبر جدیدی به نام امام موسی به جای او نشست؛ ولی عیسی محمد همچنان به فعالیت خود در دفاع از دکترین فرقه مذکور ادامه می دهد. وی شدیداً رهبران مسلمان سنی را مورد حمله قرار می دهد؛ زیرا به نظر او تعالیم قرآن و حدیث نبوی را به انحراف کشانیده اند. نامبرده در کتابی تحت عنوان ۳۶۰ سؤال از مسلمانان سنی که در سال ۱۹۸۹ منتشر شد رهبران مذهبی سنی را به باد انتقاد گرفته و آورده است که، این افراد سنی سعی می کنند نقش خدا را بازی کنند و معلوم سازند که چه کسی حق تفسیر اسلام را دارد. وی بیش تر از همه سنی های عربستان سعودی و مخصوصاً (امینه ابوبلال فیلیپ) نویسنده کتاب (فرقه انصارالله) را مورد حمله قرار داده؛ زیرا امینه ابوبلال در کتاب خود فرقه انصار و شخص عیسی محمد را شدیداً مورد انتقاد قرار داده است. عیسی محمد رهبران مذهبی سعودی را بزرگ ترین بدعتگذار در اسلام بر شمرده و آنان را متهم کرده که تنها به پول، مقام و قدرت می اندیشند و حاضرند جان خود را در راه رسیدن به این خواسته ها فدا کنند. (۷).

به طور کلی آنچه که از نوشته های برخی از صاحب نظران مسائل مذهبی و فرقه ای در آمریکا بر می آید این است که، عیسی محمد دارای شخصیتی جنجال بر انگیز بوده و در خلال سال های متمادی فعالیت های مذهبی و رهبری فرقه انصار الله ویژگی ها و امتیازات فوق العاده ای برای خود قایل شده و در آموزش ها و تز مذهبی خود نیز تعدیل های گوناگونی صورت داده است. برای مثال، در کتاب فوق الذکر در صفحه ۲۹۹ می گوید:

یک مسلمان واقعی در اصل یک مسیحی است.

منظور گفته وی این است که، فرقه انصارالله پیروان حضرت عیسی هستند و منتظر بازگشت او می باشند. وی با انتخاب نام (ربانی یا شوا) که معنایش عیسی است، تلویحاً علاقه خود را به داشتن عنوان خاخم به جای امام نشان می دهد. گرچه فرقه انصارالله مسلمان هستند، ولی طبق آنچه که از نوشته های کسانی چون (ایوان حداد) و (جین اسمیت) بر می آید، عیسی محمد با دیدگاه های خیر خود جامعه انصار الله را یک جامعه

مسلمان طرفدار عیسی مسیح می شناساند. وی در صفحه ۵۸۸ کتاب ۳۶۰ سؤال از سنی ها تأکید می کند که هرگز خود را به عنوان مهدی موعود به حساب نیاورده، بلکه خود را یک رفرمیست مذهبی عصر خویش می شناسد که فرشته میکائیل راهنمای او در تفسیر و تعبیر از اسلام می باشد.

لازم به توضیح است که نظر و ارزیابی پژوهشگران در رابطه با رهبران فرقه های مذهبی چه در آمریکا و چه در خارج از آمریکا ممکن است کاملاً منصفانه و منطبق با واقعیات نباشد، زیرا غالب این گونه نویسندگان، وابسته به فرقه ها یا خطوط دیگر مذهبی هستند که به طور طبیعی اسیر تعصبات و پیش داوری های مذهبی نسبت به دیگر فرقه ها می باشند و یا افرادی که غیر مسلمان هستند و نسبت به اسلام دانش کافی ندارند و به دلیل کم اطلاعی شان از فرهنگ اسلامی چه بسا قول یا فعل یک رهبر مذهبی مسلمان را به دلیل استنباط نادرست و بد فهمی، بیش از حد بزرگ یا کوچک جلوه دهند. به همین دلیل در خصوص بررسی شرح حال رهبران مذهبی و دکترین های مختلف اسلامی، بویژه از زبان نویسندگان و پژوهشگران غیر مسلمان و یا وابسته به فرقه های دیگر اسلامی باید جانب احتیاط رعایت شود و به مأخذهای متنوع و معتبری که از سوی محققان آگاه، منصف و آزاد از تعصبات مسلکی و اعتقادی فراهم شده مراجعه گردد.

یونایتد سابمیترز انترنشنال (UNITED SUBMITTERS INTERNATIONAL).

این فرقه از تعالیم (رشاد خلیفه) که در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۰ در مسجد تاکسان در آریزونا به ضرب کارد کشته شد، پیروی می کند و معتقد است که نخستین و مهم ترین اولویت باید فقط تسلیم در برابر خداوند باشد. این فرقه طبق آموزش های رهبر مقتول خود به جدا کردن حدیث و سنت از قرآن معتقد است.

رشاد خلیفه و پیروان او، رهبران سنی عربستان سعودی را شدیداً مورد انتقاد قرار می دهند و البته مفتی عربستان سعودی نیز متقابلاً رهبر این فرقه، یعنی، رشاد خلیفه را طی صدور یک فتاوی، فردی ملحد و کافر معرفی نمود. خلیفه در یک خانواده صوفی در مصر دیده گشود؛ ولی هرگز خود را صوفی نمی دانست. وی در رشته علم فیزیک تحصیل کرد و به همین دلیل با دلایل فیزیکی و علمی سعی داشت ثابت کند که قرآن معجزه است و به همین دلیل پیام ها و استدلال های وی مورد قبول بسیاری از مسلمانان جهان قرار گرفت. او در سال ۱۹۵۹ به آمریکا آمد و دوره دکترا در رشته بیوشیمی را در دانشگاه کالیفرنیا، ریوساید، به پایان رسانید و پس از ازدواج، شهروند آمریکا شد. خلیفه سعی داشت با استناد به قرآن و بدون استفاده از حدیث و سنت، اصلاحاتی مذهبی صورت دهد. گفته می شود که وی نسبت به وضعیت مسلمانان جهان حساس بود و معتقد بود که، روزی باید مسلمانان سرنوشت خود را به دست گیرند و این در صورتی میسر خواهد بود که تنها به قرآن باز گردند و آن را هادی و چراغ هدایت برگزینند و کاری به سنت و حدیث نداشته باشند؛ زیرا از موقعی که حدیث و سنت وارد زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان شده، آنان را به سیر قهقرایی کشانیده و به ذلت و بدبختی نشانده است. گفته می شود که وی همانند بسیاری از مسلمانان، تحت تأثیر جاذبه های امام

خمینی(ره) و انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بود و دریافت که چگونه با توسل به قرآن و اسلام ناب، مسلمانان ایرانی به کمک خداوند پیروز شده و سرنوشت خود را به دست گرفتند.

رشاد خلیفه تأکید خود به بازگشت به قرآن به جای حدیث و سنت را در کتاب جنجال برانگیز خویش تحت عنوان (قرآن، حدیث و اسلام) مشخص نموده و در این باره، نوشته است:

تا زمانی که مسلمانان تنها به قرآن متکی بودند از نظر علمی، تکنولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی، در جهان رهبری می کردند. به همین سبب مسلمانان در هیچ نبردی شکست نخوردند و مرزهای اسلام از غرب آفریقا تا چین و تا جنوب فرانسه و شرق آلمان امتداد داشت؛ ولی با ظهور حدیث و سنت در اوایل قرن سوم هجری، دوره زوال سریع مسلمانان آغاز شد. از زمانی که یک چنین بدعتگذاری هایی به عنوان منابع هدایت به جای قرآن نشست، مسلمانان در هیچ نبردی پیروز نشدند. چرا سه میلیون یهودی اسرائیلی دائماً ۱۵۰ میلیون عرب را شکست می دهند. واقعاً این چه معنا می دهد که سه میلیون اسرائیلی، یک میلیارد مسلمان را از مسجد مسلمانان در اورشلیم (بیت المقدس) بیرون کنند.(۸).

پیروان رشاد خلیفه همانند او معتقدند که، علت ذلت و عقب ماندگی مسلمانان در عصر حاضر این است که به جای قرآن، احادیث و سنت را چراغ راه هدایت گرفته اند. پیروان رشاد خلیفه بر خلاف مسلمانان گروه اخوان المسلمین مصر و جماعت اسلامی شبه قاره هند معتقدند که، به جای پیروی از سنت پیغمبر باید تنها قرآن را سر لوحه قرار دهند. رشاد خلیفه معتقد بود که، تقلید از سنت پیغمبر اسلام باعث تضعیف مسلمانان شده است. وی ضمن احترام زیاد به رسول خدا به عنوان آورنده قرآن معتقد بود که، مسلمانان در مقام پیروی از سنت پیامبر، او را به سطح خدا رسانیده اند، حال آن که شخص پیغمبر نیز از قرآن هدایت می گرفت و به پیروان خود می فرمود:

من هم بشری مثل شما هستم.

از آن جایی که رشاد خلیفه با علوم فیزیک و بیوشیمی آشنایی داشت و برای اثبات گفته های خود درباره معجزه بودن قرآن و وجود خدا به استدلال های علمی می پرداخت، توانست شمار زیادی از مسلمانان تحصیل کرده و متخصص را جلب کند. وی در سال ۱۹۷۳ نخستین کتاب خود تحت عنوان معجزات قرآن: اهمیت الفبای اسرار آمیز را منتشر کرد و در آن سعی نمود علمی بودن قرآن را به زبان ریاضی نشان دهد. کتاب دوم وی که در سال ۱۹۸۱ تحت عنوان کامپیوتر سخن می گوید: پیام خدا به جهان منتشر شد طرفداران زیادی پیدا کرد. وی در این کتاب مدعی شد که برای اثبات وجود خدا و پیام وحی و سال دقیق خاتمه جهان دلایل بسیار فراوان فیزیکی، ملموس و قابل آزمایش وجود دارد. در سال ۱۹۸۲ سومین کتاب خود تحت عنوان قرآن: معرفی مصور معجزه را منتشر ساخت تا نشان دهد که برای اثبات پیام وحی از جانب خداوند شواهد فیزیکی وجود دارد. و سرانجام چهارمین کتاب وی تحت عنوان قرآن، حدیث و اسلام در سال ۱۹۸۲ انتشار یافت که طی آن به حدیث و سنت حمله نموده و آنها را بدعت شیطان و دام شیطان برای انسان ها معرفی کرده است. دکتر رشاد خلیفه اعلام کرد که، تنها قرآن به عنوان پیام وحی، دارای اعتبار است، حال آن که حدیث و سنن فاقد اعتبار بوده و باعث گمراهی مسلمانان شده است. به نظر وی تنها مأموریت پیامبر اسلام، آوردن قرآن به

عنوان معجزه وی بوده است. وی در اکتبر ۱۹۸۵ اعلام کرد که، به زودی هویت امام زمان آشکار خواهد شد و بسیاری از کسانی که منتظر امام زمان؛ یعنی، امام دوازدهم شیعیان بودند، با کمال تعجب دریافتند که منظور رشاد خلیفه از امام غایب، شخص به خصوصی نیست به جز قرآن کریم. وی بدین ترتیب بار دیگر خواست مؤکداً اعلام کند که تنها قرآن، کلام خداوند می تواند راهنمای اصلی برای مسلمانان و افراد بشر باشد. وی معتقد است که، عقیده نجات انسان ها به دست یک انسان ناجی به نام امام زمان یک عقیده سنتی خرافی است. (۹).

دکتر رشاد خلیفه پس از مدتی شروع به پیش بینی هایی کرد که برخی از آنها تصادفاً با حوادثی که اتفاق افتاد تطبیق می کرد. وی پیش بینی کرد کشورهای که ملل متحد اسلامی را نپذیرند ساقط خواهند شد و اعلام کرد که، نخستین حکومت طی یک کودتای خونین سقوط خواهد کرد. اتفاقاً چهار ماه پس از درج پیش بینی وی در سال ۱۹۸۶ در نشریه ماهیانه گروه رشاد به نام مسلم پرسپکتیو (MUSLIM PERSPECTIVE) حکومت یمن جنوبی سرنگون شد. وی هشدار داد که، بقیه دولت های ممالک اسلامی که منشور ملل متحد اسلامی را مسخره می کنند نیز به زودی سرنگون خواهند شد.

به طور کلی، دکتر رشاد خلیفه در تمام مدت تبلیغ اسلامی خود، اعلام نمود با استمداد از قرآن و زبان علم، خرافه های مذهبی را که عمدتاً به نظر وی از طریق سنت و حدیث وارد اسلام شده و باعث گمراهی و عقب ماندگی مسلمانان شده را از دامن اسلام خواهد زدود و اسلام را به عنوان یک دین منطقی مبتنی بر قرآن، به قرن بیستم عرضه خواهد کرد؛ ولی مخالفت وی با حدیث و سنت و عادی جلوه دادن پیامبر اسلام در چشم پیروان و کم بها دادن به سنت رسول خدا و تبعیت از آنچه که در تضاد با باور عمومی جریانات عمده اسلامی قرار داشت، او را در معرض حمله و انتقاد و تکفیر رهبران مسلمان جهان قرار داد و حتی برخی از پیروان وی پس از جدا شدن از گروه، شخص او را یک فرد قلدر و شیاد و بدعتگذار معرفی کردند. برای مثال، یکی از پیروان برجسته وی به نام (احمد دیدات) از مرکز بین المللی اسلامی (دوربان) در آفریقای جنوبی علی رغم طرفداری شدید اولیه خود از تعالیم او پس از مدتی از گروه وی جدا شده و رشاد خلیفه را فردی کذاب و فریبکار بر شمرد. مفتی اعظم عربستان سعودی نیز طی صدور فتوایی او را ملحد و کافر معرفی کرد.

البته پیروان رشاد در آمریکا اعتقاد شدید خود به تعالیم و سبک زندگی وی را همچنان حفظ کرده و به دلیل رد عقاید دیگر فرقه های اسلامی با آنان رابطه ندارند. اعضای این گروه، تجانس قومی و نژادی ندارند و ترکیبی از مهاجران مسلمان سایر کشورها و مسلمانان بومی که به اسلام گرویده اند می باشند. گفته می شود هسته اصلی این فرقه را مسلمانان ایرانی و ترکیه ای که در سطح بالایی از تحصیلات هستند و شیفته تعابیر و تفاسیر علمی رشاد از اسلام شده اند تشکیل می دهند. اعضای این فرقه اسلامی مثل اکثر مسلمانان پنج بار نماز در شبانه روز به جای می آورند، ولی تعدیل هایی نیز در آداب نماز ایجاد کرده اند. مثلاً، به هنگام اذان گفتن، نام پیامبر اسلام حضرت محمد را حذف کرده و چهار بار الله اکبر و یک بار لا اله الا الله می گویند؛ زیرا طبق تعبیر دکتر رشاد خلیفه هیچ اسمی نباید در کنار اسم خدا ذکر شود، حتی نام پیغمبر. از نظر این فرقه رفتن به حج یک وظیفه شرعی است، ولی تقاضای آنان برای رفتن به مکه از سوی مقامات سعودی پذیرفته نمی

شود؛ چون این فرقه حملات انتقادی شدیدی علیه اسلام سعودی صورت می دهد و رهبران مذهبی سعودی نیز این فرقه را کافر و غیر مسلمان می شناسد. برای پیروان این فرقه دادن زکات بسیار مهم است و به همین دلیل هر فردی ۲۵٪ از درآمد خود را برای این منظور در نظر می گیرد. خلاصه این که اعضای این فرقه همانند دیگر گروه های اسلامی آمریکابه مسأله تربیت فرزندان خود در محیط اسلامی مورد نظر خود بسیار حساس هستند. نکته جالب توجه درباره این فرقه این است که، زنان ضمن تشویق شدن به فعالیت های اسلامی، حق پیش نماز شدن و خطبه خواندن ندارند، مگر این که در شرایط خاصی هیچ مردی برای اداره نماز در دسترس نباشد که در این صورت یکی از زنان می تواند این وظیفه را انجام دهد. پوشش زنان این فرقه با حجاب معمول اسلامی فرق دارد، بدین معنا که زنان مجبور نیستند سر خود را بپوشانند، ولی نوع پوشش آنان باید به گونه ای باشد که سینه آنان را کاملاً بپوشاند. به طور کلی باید گفت: این گروه مذهبی که مرکز اصلی آن مسجد تاکسان در آریزونا می باشد، اخیراً به تعداد پیروان خود افزوده و در حال حاضر تعدادی طرفدار در شهرهایی چون: فینکس آریزونا، ریورساید و منطقه (بی) در کالیفرنیا، شهر ونکوور کلمبیا و دیگر نقاط جهان دارد. (۱۰).

تصوف در آمریکا.

صوف که غالباً از آن به عنوان شاخه پر رمز و راز اسلام یاد می شود از فرقه های کوچک آمریکا به شمار می رود هر چند میزان پیروان آن در حال افزایش است. صوفیان، که بر تجربه مذهبی کاملاً باطنی خداوند تأکید می ورزند هم در میان اهل تشیع هستند و هم در بین اهل تسنن. حرکت تصوف به سوی غرب در قرن دهم میلادی و از ایران آغاز گردید. متصوفه آمریکا سفید پوست و از لحاظ میزان درآمد در طبقه متوسط به بالا قرار دارند. بسیاری از ایشان از طریق شبکه های عصر جدید NEW(AGE NETWORKS با تصوف آشنا می گردند.

این فرقه فاقد تشکیلات و سازمان است. در سال های اخیر، صوفیان کوشیده اند از طریق دیدار از مساجد شهرهای مختلف و تبادل نظر با مسؤولان آنها، اسلام را جان تازه ای بخشند. اگر چه برخی از طریقه ها می گویند: ایمان چیزی است مستقل از تمامی ادیان، ولی اکثر صوفیه می گویند که، اصول و مبانی اعتقاداتشان اسلامی است.

(احمد دین) از صوفیه متعلق به جامعه روحانیت یکی از هفت طریقه موجود در سانفرانسیسکو می گوید: ما عمومگرا هستیم. ما معتقدیم که، همه ادیان و مذاهب عبارتند از تلاش بشر برای توضیح چیزهای غیر قابل توضیح. صوفیه به بردباری و آزاد اندیشی شهرت دارند. در تصوف، بر خلاف اسلام شیعه یا سنی، زنان نقش مهم تری بر عهده دارند، در برخی از طریقه های تصوف، زنان حتی مسؤولیت های رهبری نیز بر عهده می گیرند. هر طریقه ای مستقل از طریقه های دیگر است.

(محمد خدری) از صوفیان اهل شیکاگو می گوید:

تصوف یک اعتقاد فرد گرایانه است. برنامه ها و فعالیت های هر طریقه ای با طریقه دیگر فرق می کند. به طور مثال، پیروان یک طریقه تصوف در بوستون به تشکیل کلاس های تمرکز (مدیتاسیون) و معالجه، برگزاری شب های شعر و تشکیل جلسات نیایش عمومی همّت می گمارند.(۱۱).

سایر فرقه های اسلامی در آمریکا.

فرقه هایی که شرح آنها گذشت، عمدتاً در خلال یک قرن گذشته در آمریکا به وجود آمده و برخی از آنها تدریجاً از بین رفتند، گروهی از اعضای جامعه مسلمانان آمریکا را مسلمانان فرقه های سنی تشکیل می دهند. این فرقه ها شامل: فرقه اسماعیلیه، فرقه عبادی، فرقه علوی، فرقه بکتاشی، زیدی، و شاخه های قادیانی و لاهوری وابسته به فرقه احمدیه می باشند. برخی از مطالعات حاکی است که، تعداد اعضای وابسته به فرقه های گوناگون اسلامی در آمریکا بیش تر از مسلمانان سنی این کشور می باشد. البته برخی از پژوهشگران، پیروان بهائیت و بابی ها را نیز در زمره فرقه های اسلامی قرار داده اند.

پیروان فرقه اسماعیلیه که در عین حال در زمره شیعیان قرار دارند (غیر اثناعشری) بیش تر در دهه ۱۹۶۰ و پس از آن به آمریکا مهاجرت کرده اند. بیش تر اعضای این فرقه، دارای ریشه هندی - پاکستانی هستند و بسیاری دیگر از آنان در دوران استعمار در آفریقا به سر می بردند و پس از منتقل شدن ممالک آفریقایی و پیاده شدن سیاست های آفریقایی کردن جوامع مذکور ناگزیر از ترک آن جا شدند، در این میان زیدی ها از جمله نخستین گروه شیعیانی بودند که به آمریکا مهاجرت کرده اند. بیش تر زیدی ها از یمن به آمریکا آمده اند و تمرکز عمده آنان در منطقه دیربورن میشیگان است. هر چند که گروهی از آنان نیز در بروکلین زندگی می کنند. بعضی از زیدی ها در کارخانه های فولادسازی اطراف بوفالو در ایالت نیویورک به کار مشغولند و گروه قابل توجهی از زیدی ها نیز در ایالت کالیفرنیا به کار کشاورزی اشتغال دارند. همچنین تعداد کمی از پیروان فرقه علوی که غالباً از سوریه، شمال لبنان و شرق ترکیه آمده اند و نیز تعدادی از پیروان فرقه عبادی که عمدتاً دانشجویان عمانی هستند در آمریکا به سر می برند و در زمره شیعیان قرار دارند.(۱۲).

پیروان فرقه بکتاش که اصلاً آلبانیایی می باشند در اجتماعات اسلامی ایالاتی چون: کانکتیکت، نیوجرسی، ماساچوست، و میشیگان پراکنده هستند. نخستین گروه بهاییان آمریکایی (فرقه غیر اسلامی) در سال ۱۸۹۴ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۳ مرکز آنان در شهر ویلمت در ایالت ایلینویز دایر گردید(۱۳).

۱. YVANNE YAZBECK HADDAD MISSION AMERICA, CAINESVILLE AND JEME IDLEMAN SMITH CAINESVILLE
UNINERSITY PRESS OF ELORIDA, 1993. 2. همان جا.

۳. همان جا.

۴. همان، ص ۷۲-۶۷.

۵. همان جا.

۶. همان جا.

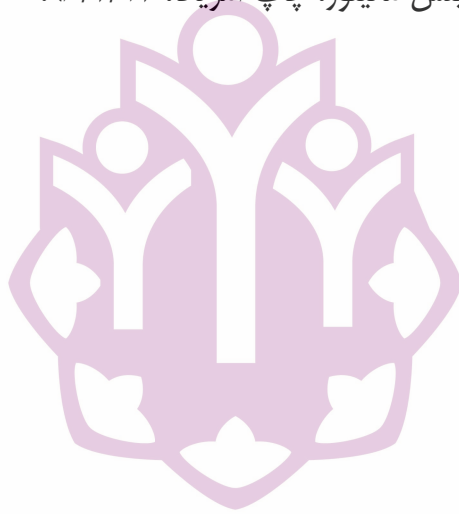
۷. همان جا.

۸. KHALIFA, RASHAD QURAN, HADITH, AND ISLAM. TUCSON, ARIZ: ISLAMIC PRODUCTIONS INTERNATIONAL, 1982, CITED IN HADDAD & SMITH, 1993. 9. YVANNE HADDAD & MISSION TO AMERICA, 1993, HANE SMITH. 10. همان جا.

۱۱. سومان باندراپالی، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۱۲.

۱۲. همان جا.

۱۳. همان، ص ۲۰.



نہضت ترجمہ

Translation Movement

INS

فصل پنجم: شیعه در آمریکا

شیعه در آمریکا

جمعیت شیعیان مهاجر در ایالات متحده ۱۵ تا ۲۰٪ از کل جمعیت مسلمان شش هفت میلیونی این کشور تخمین زده شده است. بیش تر شیعیان مهاجر از کشورهای پاکستان و هندوستان و شرق آفریقا به این کشور مهاجرت کرده اند. از آن جا که مسلمانان هند و پاکستان حدودیک سوم مسلمانان جهان را تشکیل می دهند، می توان استنباط کرد که از هر سه مسلمان در آمریکا یک نفر هندی - پاکستانی، بنگالی یا افغانی می باشد. غالب مسلمانان فرقه آفریقا (خوجه) نامیده می شوند که در اصل از اهالی هندوستان هستند. این مسلمانان به دلیل مواجه بودن با اذیت و آزار هندوستان مستعمره، به شرق آفریقا مهاجرت کردند و در آن جا ساکن گردیده و به بهبود و پیشبرد زبان مخصوص خوجه ها پرداختند. ایشان همچنین از ازدواج دختران خود با غیر خوجه ها ممانعت می کردند. در شرق آفریقا هم خوجه ها از اذیت و آزار برخی حاکمان آفریقایی که از استعداد ایشان در امور تجاری آگاه شدند در امان نماندند و پیوسته با دیده بدبینی به ایشان نگاه می شد. این بدبینی موجب شد، (ایدی امین) در اوگاندا آنان را قتل عام کند. شرح این واقعه در کتب تاریخ آمده، لکن جامعه جهانی به آن توجهی نکرد. امین در مقابل این خوجه ها که آن ها را خطری برای اقتصاد اوگاندا تلقی می کرد، رفتاری وحشتناک در پیش گرفت. بنابراین خوجه ها دست به مهاجرت دوم زدند. این بار، به ایالات متحده و کانادا آمدند و همراه خود عقاید مذهبی و فرهنگی را که ترکیبی از میراث هند و آفریقا بود، آوردند. طبق اطلاعات واصله این شیعیان بهترین سازماندهی را در ایالات متحده دارا می باشند.(۱).

همان گونه که قبلاً خاطر نشان شد، طی یک قرن گذشته مسلمانان مهاجر از بیش از شصت کشور جهان وارد آمریکا شده اند. جمعیت مسلمانان آمریکا در عین حال معرف مجموعه ای از رسوم، سنت ها، نژادها، هویت های قومی و فرهنگی و میراث مذهبی می باشد. در اسلام نیز همانند دیگر مذاهب بزرگ جهان تقسیم بندی های مختلفی براساس برداشت ها و تعبیر متفاوت از آن صورت گرفته که عمده ترین آنها تقسیم بندی بین مسلمانان شیعه و سنی می باشد. نمونه بارز این تقسیم بندی در بین مهاجران مسلمان آمریکا به چشم می خورد. از نظر مردم آمریکا، مسلمانان سنی به دلیل کثرت جمعیتشان در سطح جهان به عنوان جریان عمده و اصلی اسلام شناخته می شوند، حال آن که به شیعیان به چشم اقلیت نگاه می شود. برخی از پژوهشگران و حتی مسؤولان سازمان های اسلامی در آمریکا بدون بررسی و ارزیابی درست از وضعیت شیعیان، تعداد آنان را در آمریکا نیز براساس همان محاسباتی که در سطح جهانی در خصوص جمعیت شیعه و سنی صورت گرفته محاسبه می کنند. مثلاً (احسان بگ بای) مدیر انستیتوی منابع اسلامی در توسن کالیفرنیا، جمعیت شیعیان در آمریکا را ۱۰٪ جمعیت سنی ها به حساب آورده است، غافل از این که با توجه به وجود بیش از هشتصد هزار نفر ایرانی در آمریکا که عمدتاً شیعه هستند و صدها هزار شیعه لبنانی، افغانی، یمنی، سوری در بین چهار

تا شش میلیون جمعیت مسلمان آمریکا می توان دید که شیعیان حداقل ۲۵ تا ۳۰٪ مسلمانان این کشور را تشکیل می دهند. شیعیان نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم وارد آمریکا شدند. بیش تر آنان از جنوب لبنان وارد این کشور شده اند، امروزه نیز بیش تر شیعیان آمریکا از لبنان، عراق و بویژه ایران و شبه قاره هند به این جا مهاجرت کرده اند. گرچه راجع به اختلافات و درگیری های مسلمانان شیعه و سنی در سطح جهان بحث ها و گزارش های مختلفی عرضه شده و برای بسیاری از درگیری ها در ممالک اسلامی نیز ریشه یابی مذهبی صورت گرفته و اختلافات مذهبی شیعه ها و سنی ها به عنوان علت اصلی درگیری در این کشورها قلمداد شده است، ولی نظر بسیاری از تحلیلگران این است که، جمعیت شیعه و سنی در آمریکا بدون هیچ گونه درگیری و اختلاف فرقه ای و گروهی در کنار هم زندگی می کنند. مساجد آنان به روی یکدیگر باز است. در همین زمینه (بگ بای) می گوید:

از نظر برگزاری آداب مذهبی تفاوت بسیار ناچیزی بین مسلمانان شیعه و سنی در آمریکا وجود دارد. از جمله این تفاوت ها یکی این است که، شیعیان به هنگام ادای نماز پیشانی خود را روی سنگ می گذارند، ولی مساجد این جا غیر فرقه ای است و به روی همه مسلمانان باز است و حتی در برخی از مساجد به خاطر شیعیان یک جعبه سنگ یا شبیه آن برای استفاده در مراسم نماز قرار می دهند.^(۲)

بیش تر شیعیان مقیم آمریکا از گروه امامی یا اثنا عشری هستند که در دهه ۱۸۸۰ از جنوب لبنان به این جا مهاجرت کرده اند. تعداد شیعیان آمریکا طی دهه گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته و بیش تر آنان ایرانی هستند که عمدتاً پس از انقلاب اسلامی راهی این کشور شده اند. تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ نیز باعث گردید تا شمار زیادی از بستگان شیعیان لبنانی مقیم آمریکا نیز به این کشور مهاجرت کنند. غالب این لبنانی های مهاجر از جمله کسانی هستند که در جنگ داخلی لبنان فعالانه شرکت داشته و با حفظ اعتقاد مذهبی در ایالت میشیگان در دیربورن دو مسجد بنا نموده و از نظر ایدئولوژیک نسبت به حزب الله لبنان علاقه نشان می دهند. در این میان ایرانیانی که پس از انقلاب و یا بعضاً پیش از انقلاب به این کشور آمده اند، غالباً یا طرفدار رژیم گذشته و یا صرفاً مخالف یا حکومت اسلامی هستند و بر خلاف شیعیان لبنانی به انجام فرایض دینی توجهی نشان نمی دهند، مگر در صد خاصی از ایرانیان که صرف نظر از موافقت یا مخالفت با نظام اسلامی در انجام برنامه های مذهبی جدی هستند. نمونه این گونه افراد را می توان در مراسم مذهبی که به مناسبت های ویژه ای در ماه رمضان یا ماه محرم و اعیاد مذهبی و مانند اینها که از سوی مجموعه های فعال شیعی از جمله انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در آمریکا و کانادا برگزار می شود مشاهده کرد. همچنین تعداد روز افزونی از خانواده های ایرانی که غالباً شیعه هستند، ترجیح می دهند فرزندان خود را به مدارس اسلامی محل خود بفرستند تا ضمن فراگیری تعلیمات و دیسپلین مذهبی از خطر محیط فرهنگی ضد اخلاقی آمریکا که آنان را در محصوره خود گرفتار نموده نیز مصون بمانند و زمینه های اعتقادی در آنان تقویت گردد.

ولی بسیاری از ایرانیان مهاجر در آمریکا علی رغم تلاش های گوناگونی که برای حفظ هویت ایرانی خود صورت می دهند، نسبت به هویت مذهبی و اعتقادات شیعی خود حساسیت نداشته و غالباً جذب محیط فرهنگی

آمریکا شده اند. تعدادی از شیعیان اثنا عشری مقیم آمریکا که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از شبه قاره هند به این کشور مهاجرت کرده اند، یک مجموعه اسلامی بزرگ در شهر نیویورک و نیز در (سیلور اسپرینگ مریلند) و دیگر نقاط آمریکا ساخته اند. همان گونه که قبلاً اشاره شد، فرقه های مختلف شیعی (غیر اثنا عشری) از جمله فرقه اسماعیلی، زیدی، بکتاشی، علوی و عبادی نیز در نقاط مختلف آمریکا ساکن هستند که بیش تر از سوریه، یمن، شرق ترکیه، عمان، آلبانی، هند و پاکستان به این جا آمده اند.

بررسی هایی که از سوی برخی متخصصان درباره زندگی گروه ها و فرقه های مختلف اسلامی در آمریکا صورت گرفته حاکی از این است که، شیعیان در آمریکا با این که در مقایسه با گروه های سنی مذهب، در اقلیت هستند، از نظر تشکیلاتی و فعالیت های سازمان یافته از انسجام لازم برخوردارند و به همین دلیل سازمان ها یا مراکز فعال شیعی در آمریکا در مقایسه با مسلمانان سنی محدود می باشد. البته یکی از دلایل عمده رشد سازمان ها و فعالیت های تشکیلاتی مسلمانان سنی، کمک های مالی و آموزشی بسیاری از ممالک خاورمیانه و شمال آفریقا خصوصاً عربستان سعودی (عمدتاً از لحاظ مالی) و مصر (بیش تر از لحاظ آموزش و تعلیم رهبران مذهبی و ائمه مساجد)، مراکش، برخی از ممالک نفت خیز خلیج فارس مثل کویت و مانند اینها بوده است حال آن که منبع حمایتی شیعیان آمریکا چه از لحاظ پولی و مالی و چه از لحاظ تغذیه فکری و آموزشی بسیار محدود است.

ولی با همه مشکلات و تنگنانهایی که مسلمانان شیعه در آمریکا با آن روبه رو هستند و مخصوصاً علی رغم تبلیغات وسیع رسانه های جمعی آمریکا علیه تشیع (به دلیل دشمنی دولت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان) و معادل قرار دادن تشیع با تروریسم و ارتجاع و اعمال نظارت غیر مستقیم بر فعالیت های شیعیان و از این قبیل، با این حال، مسلمانان شیعه در این کشور فعالیت های تبلیغی قابل ملاحظه ای، هر چند محدود و غیر منسجم، داشته اند.

یکی از چهره های فعال شیعه در آمریکا که بیش تر پژوهشگران از وی به عنوان یکی از بنیانگذاران مجامع و مراکز اسلامی شیعی در این کشور یاد می کنند (یاسین الجبیری) می باشد، نامبرده که اصلاً عراقی است در اوایل سال ۱۹۷۰ به آتلانتا در ایالت جورجیا آمد تا به تحصیلات خود ادامه دهد. وی به دلیل علایق مذهبی و تلاش برای تبلیغ دین، پس از مدتی به صورت یک چهره احترام برانگیزی در بین مسلمانان در آمد و به عنوان امام مرکز اسلامی آتلانتا منصوب شد؛ اما پس از این که معلوم شد شیعه است، از مقام امامت بر کنار شد. البته وی از پای نشست و برای سازمان دادن به فعالیت های اسلامی و تبلیغی خود در پاییز سال ۱۹۷۳ جامعه اسلامی جورجیا را بنیانگذاری کرد و بلافاصله خبرنامه امور اسلامی را منتشر ساخت که به نظر شخص وی، این نشریه قوی ترین صدای حامی تشیع در آمریکا محسوب می شد.

سازمان مذکور سریعاً رشد کرد و دامنه تبلیغات آن از حوزه مسلمانان شیعه به مسلمانان سنی نیز امتداد یافت تا جایی که براساس گفته شخص (الجبیری) شمار زیادی از سنی ها به مذهب شیعه گرویدند و حتی مبلغ تشیع برای دیگر مسلمانان سنی شدند به گونه ای که در برخی از موارد خانواده های سیاه پوست تماماً به تشیع روی آوردند و روز به روز بر تعداد گروندگان جدید افزوده شد. گفته می شود که فعالیت های پی گیر (یاسین

الجبیری) با حمایت ممالکی نظیر: ایران، هند و پاکستان تقویت می شد، بدین صورت که کتب و نشریات مورد نیاز برای تبلیغ در بین سیاهان و سفید پوستان از سوی ایران (از طریق سازمان جهانی خدمات اسلامی) و از شرق آفریقا (به وسیله میسیونرهای اسلامی بلال تانزانیا و کنیا)، و از هند و پاکستان به آمریکا فرستاده می شد. شخص الجبیری مدعی است که تا سال ۱۹۷۷ تعداد ۵۵۷۷۰ کپی کتاب و کتابچه از سوی سازمان وی به طور رایگان در اختیار گروندگان جدید به تشیع، و بویژه در اختیار سیاه پوستانی که استطاعت مالی برای خرید آنها را نداشتند قرار گرفته است.(۳).

از سوی دیگر، شیعیان مقیم آمریکا، مخصوصاً شیعیان جدید که با مسائل دینی زیادی مواجه بودند و نیاز به پاسخ مناسب داشتند و از آن جایی که در آن موقع گویا کسی در بین شیعیان، شخصی که واجد شرایط و اطلاعات لازم برای پاسخ به سؤالات مطروحه باشد، وجود نداشت، از این رو، مرحوم (آیت الله ابوالقاسم خوئی) بنا به درخواست گروهی از شیعیان آمریکا، عالمی به نام (شیخ محمد سرور) را در سال ۱۹۷۶ به ایالات متحده فرستاد. البته پس از مدتی یاسین الجبیری و تشکیلات اسلامی وی مورد حمله و انتقاد قرار گرفت و وی بنا به گفته خود تصمیم گرفت که از شهر آتلانتا به منطقه دیگر آمریکا رفته و فعالیت خود را ادامه دهد. سرانجام در بیستم ماه مه ۱۹۸۲ وی (جامعه بین المللی اسلامی ویرجینیا) را بنیانگذاری کرد. هدف سازمان جدید عبارت بود از: بالا بردن سطح آگاهی مذهبی و تقویت معنویت و روح برادری بین مسلمانان، خدمت به مسلمانان از طریق فراهم ساختن خدمات اجتماعی و آموزشی، کمک به ایجاد وحدت بین مسلمانان در داخل و خارج، تبلیغ اسلام در بین غیر مسلمانان از طریق تهیه مواد لازم برای مطالعه، جمع آوری کمک های مالی و پولی برای نیازمندان، ایجاد ارتباط بین اجتماعات اسلامی و غیر اسلامی و بالاخره دفاع از اسلام در برابر حملات رسانه های خبری. در کنار تحقق این اهداف، الجبیری فعالیت های خود را از طریق تشکیلات جدید پی گیری کرد و مجدداً خبرنامه امور اسلامی را که در سال ۱۹۷۹ متوقف شده بود در سال ۱۹۸۴ منتشر ساخت.(۴).

درباره تعداد شیعیان هر ایالت، متأسفانه آمار درستی در دست نیست، ولی با این حال می توان به موارد زیر اشاره کرد. در میان منطقه سان فرانسیسکو کالیفرنیا، حدود چهارصد شیعه هندی و پاکستانی ساکن هستند. شور و هیجان مذهبی بیش تر در ماه محرم است و پس از محرم، تقریباً کم می شود(۵). در جنوب کالیفرنیا حدود هفتصد هزار نفر شیعه زندگی می کنند که ۴۵۰ هزار نفر آنان ایرانی، ۱۵۰ هزار نفر هندی و پاکستانی و صد هزار نفر از افغانستان و کشورهای خلیج فارس و لبنان و دیگر کشورها می باشند.

در این منطقه هشت باب مسجد وجود دارد که هر کدام از این مساجد به آموزش زبان عربی، فقه، اصول و تفسیر نیز می پردازند. در ضمن، به دلیل وجود شخصیت هایی چون: حضرت خدیجه، حضرت فاطمه، زنان در میان شیعیان از فعالیت برجسته ای برخوردارند.(۶).

در هوستن و حومه آن حدود هشتصد تا نهصد شیعه غیر ایرانی و غیر عرب ساکن هستند. اعمال مذهبی از طریق (انجم حیدری) انجام می شود. فعالیت های مذهبی منحصر به ایام محرم است. ایرانیان در نزدیکی هوستون یک مرکز توزیع کتاب رایگان دایر کرده اند که خدمات زیادی انجام می دهد. تعداد زیادی از سیاه

پوستان مسلمان شده اند و در بلانکو، (مدرسه الزهرا) و (مؤسسه آمریکایی مطالعات قرآنی) دایر شده است. (۷).

در مناطق الک ندیرا، ویرجینیا، مریلند و واشنگتن، حدود هزار شیعه اثنا عشری (هندی و پاکستانی) ساکن هستند و در میان آنان اختلافات زیادی وجود دارد. در مریلند، گروهی از شیعیان با همکاری جمهوری اسلامی ایران مرکزی را خریداری کردند که بسیار وسیع و مجهز است. شیعیان ایرانی و عرب یک مراسم مذهبی در اواخر هر هفته را در آن جا برگزار می کنند، ولی شیعیان هندی و پاکستانی توجه چندانی به این مرکز نشان نمی دهند و افراد اردو زبان هم عده کمی از آنان به این مرکز علاقه نشان می دهند. در این منطقه اعمال مذهبی از طریق اداره جعفریه انجام می شود، تقریباً در نزدیکی مرکز شیعیان، مرکز جامعه اهل سنت دایر است، ولی در آن جا کم تر کاری انجام می شود و اختلافات شدیدی در این مرکز وجود دارد. در نیویورک و حومه آن، حداقل چهار هزار شیعه اردو زبان ساکن هستند، بیش تر آنان در طی ده روز محرم فعال هستند. در منطقه کوئین نیویورک یک مرکز بزرگ شیعه وجود دارد.

در تعطیلات آخر هفته برای بچه ها مدرسه دینی دایر می شود، ولی عده محصلان آن جا کم شده است. در این مکان هم، شیعیان قربانی درگیری های داخلی هستند. دکتر (خلیل طباطبائی) اهل دبی، یک کمیته مرکزی مرکب از نمایندگان گروه های مختلف تشکیل داد تا به گروه ایرانی خاتمه داده شود که مؤثر واقع نشد. در این مرکز همچنین مؤسسه ای به نام (سمینار اسلامی) وجود دارد. (انجمن عزاخانه حضرت زهرا)، نیز یکی از سازمان های نیویورک است. این انجمن هم فعالیت های مذهبی نظیر انتشار نشریه و هم تلاش جهت ایجاد یک مدرسه مذهبی برای اطفال انجام می دهد. یکی دیگر از سازمان های نیویورک، (انجمن جعفریه آمریکای شمالی) است، که در طی ایام محرم، مراسم عزاداری را برگزار می کند. (اتحادیه حسینی) یکی دیگر از سازمان های اسلامی نیویورک است که هدف این سازمان، دادن بورس تحصیلی به اطفال پاکستانی است. از سازمان های اسلامی دیگر نیویورک (طریق ترتیل قرآن) است که تنها هدف این سازمان انتشار و توزیع نشریات مذهبی به زبان انگلیسی است. جوانی به نام (علی خلفائین) مسئول این سازمان است و کار آن رضایت بخش است. (محفل سکینه)، یکی از مراکز خوجه ها در نیویورک است که مجالس مخصوص در آن جا برگزار می شود. (بنیاد مستضعفان) که نام قبلی آن (بنیاد پهلوی) بوده و اکنون پس از انقلاب اسلامی به دست اشخاص صالح اداره و اهداف عالی و انقلابی را دنبال می کند، در نیوجرسی، حدود پانصد شیعه اردو زبان ساکن هستند، در این جا مرکزی به نام (محمل شاه خراسان) دایر شده که فقط در ماه محرم فعال است. مرکز دیگری به نام (بیت القیم) هم اخیراً در جرسی جنوبی دایر شده که آن هم فقط در ماه محرم فعال است. در بوفالو مدینا نیز حدود پانزده تا بیست خانوار شیعه اثنا عشری زندگی می کنند. در مدینا که چهل مایل با بوفالو فاصله دارد، دکتر (سراج حسن) از بودجه شخصی خود یک ساختمان خرید و در آن یک مرکز اسلامی دایر کرده است، مردم شهرهای کانادا هم برای شرکت در مجالس محرم به این جا می آیند. دیترویت پایتخت ایالت میشیگان است و بیش تر مردمان سیاه پوست هستند، شمار زیادی از مسلمانان عرب هم در این جا زندگی می کنند (هم سنی و هم شیعه). در دیترویت هزاران شیعه عرب ساکن هستند، ولی تنها چهل یا پنجاه

نفرشان برای نماز جمعه حاضر می شوند. البته تعدادی خانواده اردو زبان هم در این جا زندگی می کنند که همگی مذهبی و طرفدار انقلاب اسلامی ایران هستند.(۸).

درباره شیعیان گویان هم می توان به مطالب زیر اشاره کرد:

گویان سرزمینی است، به وسعت ۸۳ هزار مایل مربع که در انتهای شمالی آمریکای جنوبی قرار داشته که به آن وضعیت ژئوپلیتیکی استراتژیک درباره هر حرکتی در آمریکای لاتین می بخشد.

سرنوشت گویان از لحاظ سیاسی، اجتماعی مانند جزایر کارائیب است؛ زیرا مبتلا به برنامه های استعماری می باشد و زبان مردمش انگلیسی است. بیش تر اهالی گویان یا از بازماندگان بردگان آفریقایی هستند که از آفریقای جنوبی به آن جا آورده شدند، یا هندیوانی هستند که به صورت کارگر به آن جا رفتند گروهی از بردگان آورده شده به این سرزمین، مسلمان بودند و بیش تر قرآن را از حفظ داشتند.

هندوان مسلمانی که به گویان مهاجرت کرده بودند، چون دارای وضعیت بهتری بودند، موفق به ساختن مساجدی شدند که امروزه تعداد آنها به ۱۲۵ باب می رسد.

از میان هشتصد هزار نفر جمعیت گویان، حدود صد هزار نفر مسلمانند که این نشان دهنده اختناق شدید فرهنگی گویان است. بویژه این که امکانات و تسهیلات ۱۲۵ باب مسجد عمده از سوی رژیم آل سعود و یا سازمان هایی مانند (سازمان مرکزی اسلامی گویان)، (بنیاد خیریه اسلامی گویان)، (انجمن اسلامی صدر) اداره می شوند و از این رو است که از هیأت حاکم حمایت می نمایند. در این وضع گروهی از شیعیان مخلص و پیرو خط امام خمینی(ره) تلاش فراوان به خرج می دهند که ارزش های واقعی اسلام را در میان تمامی جمعیت مسلمانان آن جا متداول سازند. البته شایان ذکر است که با وجود فقدان علما و شهریه مستقیم، شیعیان به دلیل تأثیر انقلاب اسلامی ایران و ارزش های ذاتی و پویای اجتهاد و تقلید، برتری هایی را نسبت به سایر مسلمانان حفظ کرده اند که متأسفانه به علت فقر اقتصادی قادر به سرمایه گذاری روی نظریات مذهبی خود نیستند.

Translation Movement

اما درباره تاریخچه شیعیان در گویان باید گفت: پیش از سال ۱۹۶۹، شیعه ای در گویان وجود نداشت، ولی اتفاقاً جزوه ای تحت عنوان (معجزه زنده) اثر (یوست علی) به دست یکی از اهالی آن جا می افتد. آن فرد که (لطیف علی) نام داشت با ناشران ایرانی ارتباط برقرار می کند و با مطالعه کتب المراجعات و شبهای پیشاور از ارگان (اهل السنه والجماعه) بیرون می آید و با افرادی که به این طریق شیعه شده بودند، تشکیل دهنده هسته شیعیان پیشتاز گویان گردید که اکنون به ثبت رسیده است و اکنون همه شیعیان، عضو این انجمن هستند و تعدادشان نزدیک به سیصد نفر است، اما آنان چون از قشر بسیار کم درآمد می باشند، تاکنون نتوانسته اند مرکز یا نماز خانه ای برای خود بسازند؛ ولی با این وصف، موفق شدند، مدرسه ای با ظرفیت ۳۵ دانش آموز تأسیس کنند که والدین برخی دانش آموزان سنی می باشند.

موضوعاتی که در آن مدرسه تدریس می شود عبارتند از: تفسیر قرآن به قرآن، معرف هدف آفرینش، جهان بینی اسلامی، توحید، عدالت، رهبری، اجتهاد، تقلید، اخلاق، فلسفه نماز، روزه، شهادت، مفهوم ولایت فقیه، انتظار مهدی (عج)، نقش زنان در اسلام، تاریخ حدیث، دولت اسلامی، جهاد و غیره. شیعیان گویان تمامی زاد روزها و درگذشت های معصومان ه را گرامی می دارند و همواره مراسم دعای کمیل را برگزار می کنند. البته شیعیان همواره با روش های خصمانه مؤسسات ضد تشیع مواجه هستند که به انحای مختلف سعی بر نابودی شیعیان را دارند.(۹).

۱. YASIN T.AL-JIBOURI - OCTOBER 14,1993. 2. CONGRESSIONAL QUARTRLY. R.1993,p.374. 3. LARRY POSTAN,1992. 4. همان جا.

۵. صادقی، نگاهی اجمالی به وضع مسلمانان و شیعیان در نقاط مختلف آمریکا، از اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۶۹/۱۲/۲۷.

۶. بیروت تایمز، مصاحبه با امام زید قصفی، سال ۱۳۶۸.

۷. همان جا.

۸. همان جا.

۹. سخنرانی (لطیف علی) در کنفرانس جهانی اهل بیت سال ۱۳۶۹

نهضت ترجمه
Translation Movement
.INS

فصل ششم: رشد اسلام در بین سیاهان آمریکایی

برخی از قراین تاریخی حاکی از آن است که نزدیک یک پنجم کسانی که از آفریقا به عنوان برده به آمریکا آورده شدند، مسلمان بودند و همین امر یکی از دلایل توجه بیش تر سیاهان آمریکایی به اسلام بوده است، زیرا مسلمانان برده در آمریکا تحت اجبار برده داران ناگزیر از تغییر دین خود شده و مسیحی شدند. گرویدن سیاهان به دین اسلام، یک پدیده قرن بیستمی بوده و نوعی عکس العمل در برابر نژاد پرستی و تبعیض علیه سیاهان به شمار می آید. درواقع سیاهان آمریکا در مواجهه با برخوردهای نژاد پرستانه و نفرت آمیز سفید پوستان علیه خود دو راه در پیش روی می دیدند: یا در این جامعه بمانند و ارزشمند بودن خود را برای این کشور به اثبات برسانند و یا به صورت های گوناگون در برابر سیاست های تبعیض آمیز سفیدپوستان بایستند. لذا سیاهان در جریان مبارزات حق طلبانه برای برخورداری از حقوق برابر و استقرار عدالت اجتماعی پتانسیل قدرتمندی در اسلام یافتند که از لحاظ ایدئولوژیکی با اهداف مورد نظر آنان سازگاری داشت. بنا به نظر بسیاری از پژوهشگران مسائل مربوط به مسلمانان آمریکا، مردم سیاه پوست این کشور در اسلام امید برای یک جامعه مبتنی بر عدالت، برادری و برابری و فراهم نمودن شرایط و امکانات لازم جهت ایجاد رابطه برادرانه با معتقدان سایر ادیان را مشاهده کرده اند.(۱).

برخی معتقدند که، سیاهان آمریکا تحت رهبری (تیموتی درو) که گفته می شود: نخستین سیاه پوستی است که در سال ۱۹۱۳ به اسلام گرویده، ریشه اسلامی خود را در اوایل قرن جاری کشف کردند. (تیموتی درو) پس از گرویدن به اسلام، نامش را به (نوبل درو علی) تغییر داد و فرقه معروف به (موریش ساینس تمپل) را که در بخش های پیشین شرح آن رفت، در (نیوآک نیوجرسی) بنیانگذاری کرد؛ ولی اغلب پژوهشگران بر این باورند که، الیجاه محمد بنیانگذار گروه اسلامی ملت اسلام، پیش از همه در معرفی اسلام به سیاهان نقش داشته است. در اوایل کار، گروه ملت اسلام که به مسلمانان سیاه نیز معروف شده بودند عقیده داشتند که، در ماه ژوئیه ۱۹۳۰ خداوند به صورت شخصی به نام (والاس فرد محمد) ظاهر شد و الیجاه محمد نیز آخرین پیامبر بود. گروه مذکور همچنین مدعی بودند که، خداوند یک انسان است و پس از مرگ هیچ زندگی وجود ندارد. این گروه با یک چنین تبلیغاتی، بویژه با ادعای برتری سیاهان، یک جریان اعتقادی خلاف آموزش های سنتی اسلام را به وجود آورد؛ (۲) ولی با شروع دهه ۱۹۶۰ و اوج گیری مبارزات سیاهان برای به دست آوردن حقوق مدنی، بسیاری از سیاهان متوجه وجود رابطه ای بین اسلام و مبارزات حق طلبانه خود شدند و در اسلام نوعی فرهنگ مشروع و جانشین برای فرهنگ تبعیض آلود و نژاد پرستانه حاکم بر جامعه آمریکا دیدند مخصوصاً که در اسلام پیام هایی در باره برابری نژادی و تأکید بر ارزش ذاتی و منزلت تمامی انسان ها وجود داشته که برای سیاهان بسیار پر جاذبه بود. بیش ترها معتقدند که، مالکوم ایکس در گرایش دادن سیاهان به اسلام، در این دوره نقش مهمی داشت. گفته می شود: تا سال ۱۹۷۰ گروه ملت اسلام قریب به صد هزار نفر عضو داشت.(۳).

نهیضت ملت اسلام، منشأ خود را مدیون سنت های مذهبی عرضه شده از سوی مسجد علمی مور - آمریکایی «نوبل دروعلی» می داند. این جنبش دارای ارکان مادی و معنوی است و الیجاه محمد، (مارکوس گاروی) را بانی نهیضت خود به شمار می آورد. الیجاه محمد می افزاید:

شکست هر دو شخصیت «نوبل درو علی» و (مارکوس گاروی) در آزاد سازی نژاد سیاه به دلیل در اختیار نداشتن (کلید) بود و از سویی، هنوز زمان رهایی فرا نرسیده بود.(۴).

این بخش به بررسی پیدایش، رشد و رهبری نهیضت ملت اسلام و گسترش آن به یک نهیضت در سطح ملی اختصاص دارد. پیدایش جنبش ملت اسلام را نمی توان، جدا از رهبری (الیجاه محمد) و وفاداری گروه کوچکی از پیروان وی دانست که از سال ۱۹۳۲ با شکیبایی و ثبات قدم فعالیت کرده اند. معروف است که نخستین کسانی که به وی گرویدند مادر، همسر و شش فرزندش بودند.(۵) پیروانش، نخستین پایه مسجد دیترویت را بنا نهادند که امروزه یکی از مساجد مهم جنبش به شمار می رود. در اوایل سال ۱۹۳۴، پلیس دیترویت الیجاه محمد را به دلیل خودداری از فرستادن یکی از فرزندانش به مدرسه دولتی بازداشت کرد. الیجاه محمد پیش از بازداشت شدن تلاش می کرد مدرسه ای مخصوص مسلمانان تأسیس کند، اتهامش، آن گونه که در هفته نامه تایم بیان شد: (کمک به غفلت از تحصیل صغیر بود).(۶) سهل انگاری هفته نامه تایم در بیان نوع جرم الیجاه محمد تأثیر ناگواری در فکر توده مردم نسبت به وی برجای گذاشت و فرصت مناسبی را برای یک روزنامه سیاه پوست فراهم ساخت تا در سر مقاله خود، از او (الیجاه محمد) دفاع کند. در این سر مقاله نوشته شده بود که، هفته نامه تایم علاقه زیاد به مسائلی دارد که درباره صحت آن تحقیقی به عمل نیامده است:

برای نمونه، در افشاگری اخیر مجله تایم درباره الیجاه محمد دو حقیقت خام وجود دارد: یکی این که الیجاه محمد در سال ۱۹۳۴ به جرم (کمک به غفلت از تحصیل صغیر) بازداشت شده و مدت شش ماه با تعلیق مجازات آزاد شده است. به طور کلی، جرم کمک کردن به غفلت از تحصیل صغیر متضمن نوعی عمل غیر اخلاقی یا کیفری است. الیجاه محمد، به عنوان رهبر یک فرقه مذهبی کوشید، مدارس مذهبی تأسیس کند شخص وی و پیروانش از فرستادن فرزندان خود به مدارس دولتی خودداری کردند. کمک الیجاه محمد به غفلت از تحصیل صغیر که در تایم گزارش شده است همین بود.(۷).

در اواخر همان سال، الیجاه محمد به شیکاگو رفت و در اندک زمانی مسجد شیکاگو را سازمان داد. جنبش تحت رهبری او، باردیگر در جریان شورش سالن دادگاه در پنجم مارس ۱۹۳۵ و در ساختمان مرکز پلیس واقع در خیابان استیت جنوبی(۸) شماره ۱۱۲۱، سرزبان ها افتاد. این شورش منجر به درگیری (بین فرقه گرایان رنگین پوست) و پلیس شد.(۹) در این درگیری شدید، سروان پلیس (جوزف پالیسنزکی)(۱۰) - که سابقه پنجاه سال کار در اداره پلیس شیکاگو را داشت - کشته شد. به علاوه یک مأمور انتظامی دادگاه نیز به شدت مجروح شد و دو عضو فرقه ملت اسلام هدف اصابت گلوله قرار گرفتند و ۳۸ نفر دیگر، از جمله دوازده پلیس، شش مأمور انتظامی و بیست نفر از پیروان الیجاه محمد زخمی شدند. ۴۳ نفر از اعضای فرقه الیجاه محمد به اتهام مشارکت در قتل سروان پلیس موقتاً بازداشت شدند.

زمینه رویدادی که منجر به شورش در دادگاه شد، از ده روز پیش، آغاز گردید. خانم (کریستوپولوس)(۱۱) درخواست بازداشت خانم(حسن) عضو فرقه مورها (مسلمانان) را، به جرم شکستن شیشه های خانه اش در یک نزاع، کرده بود. دادگاه شهرداری یک مأمور (تأمین رفاه) را تعیین کرد تا درباره اتهام وارده بررسی و در صورت لزوم نسبت به صدور حکم بازداشت، اقدام کند. این مأمور که دوشیزه (روزمری گریفین)(۱۲) نام داشت، طرفین دعوا را به دفتر خود، که در نزدیکی دادگاه زنان قرار داشت، احضار کرد. افراد فرقه الیجاه محمد به توصیه رهبر خود، به دلیل این که به وحدت فرقه سوگند خورده اند، به دادگاه رفتند تا از خواهر خود حمایت کنند تا عدالت و انصاف درباره او به اجرا در آید.(۱۳).

روزی که مجرای اتاق دادگاه پیش آمد، خانواده حسن به همراهی پنجاه الی شصت نفر از اعضای فرقه به دادگاه آمده بودند. دوشیزه (گریفین) با خانم حسن و شاکی در دفتر کارش گفت و گو کرد و نظر داد که نیازی به صدور حکم بازداشت نیست. آن گاه خانواده حسن به اتاق دادگاه بازگشتند، خانواده حسن با اطمینان از پیروزی خود، به روی حامیانشان لبخند می زدند. پس از لحظه ای، با علامت دست یکی از اعضای فرقه، همگی شان، به ترتیب نظامی از جای شان برخاستند (این ترتیب جزئی از سنت آنان است) و به سوی قسمت جلوی دادگاه به راه افتادند. در این ضمن، گروه دیگری مرکب از ده زن رنگین پوست، در برابر قاضی (ادوارد شفلر)(۱۴) ایستاده و به سخنان وی درباره دعوی دیگری گوش می دادند. دو گروه، یعنی افراد فرقه الیجاه محمد و ده زن رنگین پوست، به یکدیگر پیوستند. مأموران انتظامی دادگاه به گروه طرفداران حسن گفتند که، باید از در خروجی که در پشت سر آنان قرار دارد، خارج شوند نه از در جلوی دادگاه؛ ولی افراد فرقه، مأموران انتظامی را کنار زدند. یک مأمور انتظامی آنان را دعوت به حفظ نظم کرد. یک زن از فرقه الیجاه محمد که به هیجان آمده بود، فریاد زنان به یکی از مأموران انتظامی گفت: عینک را بردار تا شلاقت بزنم و در فاصله سی ثانیه (کویل)(۱۵) و (مازولا)(۱۶) مأموران انتظامی دادگاه را زیر باران کتک گرفتند و آنان را نقش بر زمین کردند. پلیسی که در دادگاه حضور داشت به یاری آنان آمد. افراد فرقه الیجاه محمد صندلی ها را به هوا پرتاب می کردند. (سروان پالیسنزکی) که در کنار قاضی شفلر نشسته بود، به سوی محل نزاع به راه افتاد؛ اما کارآگاه (هاری شلینگ)(۱۷) بازویش را گرفت و او را از این کار بازداشت. سروان پلیس، بی اعتنا به هشدار وی، داخل جمعیت شد تا نظم را برقرار سازد.

گزارشگر روزنامه هرالدهرالد تربیون در گزارش خود در شرح این واقعه می نویسد:

جنون تقریباً تعصب آمیزی به وجود آمده بود که نتیجه یک رشته رویدادهای بی اهمیت بود که در شرایط عادی دادگاه، کسی بدان توجه ندارد. افراد فرقه الیجاه محمد با فینه های قرمز رنگ که به طور کج روی سرشان قرار داشت و با فریادهای بلند در دادگاه توفان به راه انداختند؛ فریادهای (آزادی و عدالت) و (برادر به پیش، به پیش) با برگردان شعر (چه کسی از گرگ بد گنده می ترسه)(۱۸) که یک زن مسلمان با شور و هیجان آن را می خواند، تکمیل می شد. این شورش، از سوی ۱۵۰ پلیس و مأمور انتظامی پس از نیم ساعت کتک کاری، به نیروی ضربات باتوم و قنداق تفنگ، فروکش کرد.

افراد فرقه الیجاه محمد به عنوان اعضای مسجد اسلام شناسایی شدند.

تحقیق به عمل آمده نشان می دهد که مسجد اسلام، سازمانی است مخفی که معتقد است: سیاهان از نژاد مورها هستند، نه سیاه پوست. پیامبر اصلی شان (نوبل دروعلی) بود که فعالیت اجتماعی خود را با حمل و نقل امانات پستی آغاز کرد و به نظرم می رسد که او شیکاگو را که زمانی ستاد وی بود، ترک گفته باشد... اعضای مسجد شیکاگو، انشعابی است از گروه اصلی (دروعلی). این مسجد شب های یک شنبه، چهارشنبه و جمعه جلسات خود را در خیابان استیت جنوبی، در محل پرستشگاه برگزار می کند. سیستم کامل آیین نظامی این فرقه، آشکارا، مو به مو از کتاب راهنمای انضباطی ارتش گرفته شده است....

اغلب پیروان الیجاه محمد که در این شورش دست داشته اند، به عنوان مراجعان کمیسیون کمک های اضطراری (ایلینویز) شناسایی شدند. در بازرسی رئیس آگاهی و سایر مأموران از ۴۳ نفر از افراد فرقه الیجاه محمد که در بازداشت به سر می بردند، هیچ گونه اسلحه ای به دست نیامد و نیز در کف سالن دادگاه، چاقو یا تفنگی پیدا نشد. بنابه گفته چند شاهد عینی، مأموران انتظامی و افراد پلیس را با اسلحه کمری دیده اند؛ ولی بازجویان موفق نشدند کسی را که با تیراندازی یک مأمور انتظامی و دو تن از افراد فرقه الیجاه محمد را مضروب کرده بود، شناسایی کنند. اعلام شد که مرگ سروان پلیس بر اثر سکت قلبی بوده است. در روز پنج شنبه هفتم مارس ۱۹۳۸، ۴۳ تن از اعضای فرقه الیجاه محمد که در این شورش شرکت داشتند، به جرم اهانت به دادگاه به زندان افتادند.

ویژگی های جنبش ملت اسلام و محاکمه آن.

جنبش ملت اسلام در اوایل دهه ۱۹۴۰ با آزمایش بزرگی روبه رو شد؛ زیرا از استفاده اسلحه خودداری می ورزیدند. اعضای این نهضت معتقد بودند که، خداوند استفاده از هرگونه اسلحه را برای کشتن یک بی گناه، یا به کار بردن خشونت منع کرده است. از این رو، الیجاه محمد در ماه مه ۱۹۴۲ به جرم تحریک پیروانش برای مقاومت در برابر قانون نظام وظیفه و نیز ایجاد اغتشاش (۱۹۰) بازداشت شد. پس از مدتی، اتهام ایجاد اغتشاش از الیجاه محمد سلب شد، ولی او به جرم تشویق افرادش به مقاومت در برابر قانون نظام وظیفه، به پنج سال حبس در زندان فدرال میلان (میشیگان) محکوم گردید. وی در سال ۱۹۴۶ از زندان آزاد شد. در مدت سه سال، بیش از صد نفر از پیروانش به دلیل خودداری از ثبت نام برای رفتن به سربازی، بازداشت و زندانی شدند. یکی از این زندانیان بعدها تعریف کرد که، در سپتامبر ۱۹۴۲، هشتاد نفر از ما در شیکاگو بازداشت شدند. دولت که تصور می کرد مسلمانان عوامل جاسوسی ژاپن هستند به مسجد شیکاگو، هجوم بردند و بنا به گفته کسی که این اطلاع را در اختیار می گذارد نزدیک به پنجاه مأمور آگاهی و پلیس یونیفورم پوش در این حمله شرکت داشتند. اگر چه تعدادی از مسلمانان می توانستند به بازداشت خود اعتراض کنند، ولی اغلب آنان مایل بودند در شمار کسانی باشند که تحت آزار و تعقیب قرار دارند. از این رو، داوطلبانه خود را تسلیم پلیس کردند.

مزاحمتی برای زنان حاضر در مسجد فراهم نیاورد. (۲۰) هر یک از بازداشت شدگان به دو سال زندان محکوم شدند و پس از آزادی، یک دوره تعلیق مجازات نه ماهه را گذراندند. (۲۱).

مسجد مسلمانان در شیکاگو، از سوی پلیس بسته شد. بنا به اظهار یکی از اعضای نهضت: پلیس همه جا را به هم ریخت تا اسلحه مخفی را کشف کند، چرا که فکر می کردند ما با ژاپنی ها همکاری داریم.

خواهر کلارا محمد، همسر الیجاه محمد، در این مدت نقش عمده ای را در ایجاد تماس بین الیجاه محمد و پیروانش چه از راه مکاتبه و چه از طریق ملاقات در زندان ایفا کرد. رفتار پیروان الیجاه محمد در زندان خوب بود، و به این دلیل، اغلب آنان با برخورداری از تخفیف در مجازاتشان آزاد شدند، همگی آنان عقیده داشتند که، رفتار مقامات زندان نسبت به آنان رضایت بخش بوده است. (۲۲).

الیجاه محمد و پیروانش معتقدند که، به دلیل اعتقادات مذهبی شان بود که به زندان افتادند. الیجاه محمد قاطعانه می گوید:

شیطان (۲۳) پرونده سازی کرد، دلیل محاکمه و زندانی شدنم این بود که من حقایق را به پیروانم آموختم. خدمات وکیل مدافع سودی نداشت؛ زیرا شیطان می خواست به هر طریق ممکن صدای مرا خفه کند. (۲۴).

با این که الیجاه محمد داشتن وکیل را پذیرفت، ولی پیروانش از قبول وکیل خودداری کردند و گفتند: ما به دلایل مذهبی از شرکت در جنگ خودداری کردیم. دولت به ما پیشنهاد کرد که وکیل بگیریم، ولی ما این پیشنهاد را رد کردیم؛ زیرا می دانستیم که اگر دولت وکیلی برای ما تعیین کند (۲۵)، از او کاری ساخته نخواهد بود. (۲۶).

زندانی شدن الیجاه محمد، وسیله خوبی شد تا وی بتواند ادعای رهبری خود را به ثبوت برساند. او با سر بلندی و بدون تلخکامی یادآور می شود که با به زندان رفتنش، بهای چیزی را پرداخت که آن را برای سیاهان حقی به شمار می آورد. زندانی شدن برایش به صورت بخش لاینفکی از رسالتش در آمد، زیرا بدین وسیله خود را در ردیف بزرگانی در آورد که در راه دین آزار و شکنجه شده بودند. از دیدگاه پیروانش، آزار و تعقیب الیجاه محمد نه تنها یک شرط مهم از رهبری اش می باشد، بلکه گواهی است بر خلوص و تقدس رسالتش.

رشد مسجد اسلام، در سال های ۱۹۴۶ - ۱۹۶۱.

پیش از سال ۱۹۳۵، تعداد اعضای مسجد شیکاگو آن قدر کم بود که جلسات در خانه های اعضا و مکان های اجاره ای برگزار می شد. مسجد ثابتی وجود نداشت. در ابتدا، اغلب جلسات در بخش غربی شیکاگو برگزار می شد، تا این که بر اثر تصمیم اکثریت اعضا، محل مسجد در سال ۱۹۳۴ به بخش جنوبی منتقل شد. برای مدتی، جلسات در خیابان استیت جنوبی، به شماره ۳۳۳۵ تشکیل می گردید. (۲۷) از آن زمان محل مسجد به

ترتیب به خیابان ۵۱ شرقی شماره ۱۰۴ و خیابان ۳۷ و خیابان ۶۳ و خیابان گرین وود جنوبی شماره ۵۳۳۵ تغییر مکان یافته است.

در سال ۱۹۴۶، الیجاه محمد به شیکاگو آمد و پیروانش را دور هم جمع کرد. این کار برای ما یک مبارزه واقعی بود؛ چرا که ناگزیر شدیم هر پیشیز از پولمان را پس انداز کنیم تا بتوانیم این محل را بخریم، و سپس با تغییراتی آن را تبدیل به مسجد کنیم. رحمت خداوندی شامل حالمان شد و سرانجام توانستیم مسجد مورد نظر را خریداری کنیم. (۲۸) در سال ۱۹۵۴، مسجد کنونی، واقع در بخش جنوبی شیکاگو، که قبلاً یک کنیسه بود، (۲۹) خریداری شد. (۳۰).

اینک در محل مذکور دو ساختمان، یعنی مسجد اسلام و دانشگاه اسلام، قرار دارد. دانشگاه اسلام شامل کلاس های درس، دفاتر، یک کتابخانه کوچک، و یک سالن کنفرانس است. در برنامه نوسازی شهر هاید پارک - کنوود (۳۱) تخریب ساختمان های این منطقه در نظر گرفته شده است. با این که مسلمانان تصمیم دارند یک مرکز اسلامی با هزینه بیست میلیون دلاری تأسیس کنند، ولی دست شیطان را در تصمیم کمیسیون جنوب شرقی شیکاگو برای تخریب ساختمان های این منطقه حس می کنند. (۳۲) براساس برنامه های اعلام شده، مرکز اسلامی مورد نظر دارای چهار ساختمان خواهد بود؛ یک ساختمان دو طبقه که دارای بهترین تسهیلات ممکن آموزشی، آزمایشگاه های علمی، یک ورزشگاه مخصوص کودکان برای سنین مختلف و یک کتابخانه، یک ساختمان دو طبقه دیگر که دارای یک کتابخانه بزرگ برای راهنمایی و افزایش دانش مراجعان، یک موزه برای نشان دادن هنر و آثار فرزندان مسلمان با یک قسمت اداری، یک بیمارستان چهارصد تخت خوابی، یک مسجد با چهار مناره که در آن جا ثروتمند و فقیر خداوند را نیایش کنند، با یک سالن کنفرانس که ظرفیت سه هزار نفر را خواهد داشت. (۳۳) الیجاه محمد امیدوار است که وقتی این مرکز اسلامی احداث شود، به مثابه یک (بنای تاریخی کامیابی سپاه) به شمار آید.



به سوی یک جنبش ملی.

تا سال ۱۹۴۵، دو مسجد دیگر، یکی در میلوکی و دیگری در واشنگتن دی. سی، ایجاد شد. با این که گفته می شود: تعداد اعضای جنبش در دیترویت در دوران بحران اقتصادی آمریکا به هشت هزار نفر می رسید، با وجود این در سال ۱۹۴۵، تعداد کل اعضای چهار مسجد کم تر از هزار نفر بود. (۳۴) در دوران پس از جنگ رشد پویایی، از نظر تعداد مساجد سازماندهی شده و نیز از نظر تعداد اعضا پدید آمد. این رشد بویژه پس از جنگ های کره (۳۵) فزونی یافت. در سال ۱۹۵۹، پانزده مسجد در نقاط مختلف آمریکا پراکنده بود. در مارس ۱۹۵۹، سی مسجد در ۲۸ ایالت آمریکا و بخش کلمبیا وجود داشت. در دسامبر ۱۹۵۹، پنجاه مسجد، در ۲۲ ایالت آمریکا و بخش کلمبیا گزارش شد. (۳۶) علاوه بر این، تعدادی میسیون های مذهبی نیز در مکان های کرایه ای یا خانه ها فعالیت می کردند. این افزایش، در مقایسه با دهه پس از جنگ جهانی دوم، شگفت

انگیز است. تخمین زدن تعداد اعضای هر مسجد، یا به طور کلی اعضای جنبش، دشوار است. مسلمانان این آمار را به عنوان اسرار محرمانه نگه داری می کنند. هنگامی که از روحانی مالکوم ایکس پرسیده شد: تعداد اعضای مسجد نیویورک چند نفر است وی گفت:.

پاسخگویی به این پرسش، دشوار است. البته باید اشاره کنم که شهر نیویورک بیشترین اعضای فعال جنبش را در خود جای داده است؛ اما در لوس آنجلس تعداد شرکت کنندگان در مسجد بالاترین رقم را تشکیل می دهند. گذشته از اینها تعداد اندک اعضای نهضت در شیکاگو، مرا نگران می کند. (۳۷).

بایستی یادآور شد که هر هفته مسلمانان جدیدی به نهضت می پیوندند، ولی به گفته یک مقام رسمی در مسجد شیکاگو، تعداد کسانی که برای مدتی طولانی در نهضت باقی می مانند اندک است. تعریف یک عضو در هر تخمین مختلف است. به طور کلی، مقامات نهضت میان یک عضو ثبت نام کرده و یک مؤمن تفاوت می گذارند. عضو ثبت نام کرده شخصی است که دارای تمامی شرایط عضویت باشد و فعالانه در امور مسجد مشارکت کند، مؤمن به شخصی اطلاق می شود که تعالیم الیجاه محمد را پذیرفته است، ولی در حال تکمیل شرایط عضویت خویش است. چنین شخصی مختار است که در امور مسجد مشارکت داشته یا نداشته باشد. پس از این، هواخواهان جنبش قرار دارند که تعالیم الیجاه محمد را شنیده اند و از برخی برنامه های او، اخلاقاً حمایت می کنند. چنین افرادی ممکن است کمک های مادی هم به جنبش بکنند، ولی خود را در برابر آن متعهد ندانند. چند عضو قدیمی جنبش، آن را ترک گفته اند. الیجاه محمد به نویسنده کتاب گفت:.

عضوی را که دست کم هفت سال در نهضت ماندگار شود، می توان بر ماندگاری دایمی اش حساب کرد. بنا به تخمین ناظران، تعداد اعضای جنبش، بین ده هزار تا دویست و پنجاه هزار نفر است، به گفته یک نویسنده، از هر سیصد سیاه پوست آمریکایی، یک نفر مسلمان ثبت نام کرده است. (۳۸) در واقع، هیچ یک از ناظران آمار حقیقی را نمی دانند. الیجاه محمد ادعا می کند که، تعداد اعضای نهضت به پانصد هزار نفر می رسد، (۳۹) در نوامبر ۱۹۵۸، یک منبع نزدیک به الیجاه محمد اظهار داشت که، متجاوز از سه هزار عضو مسلمان ثبت نام کرده، در حدود پانزده هزار مؤمن و نزدیک به پنجاه هزار هواخواه وجود دارند. یک برآورد غیر رسمی دیگر، تعداد اعضای ثبت نام کرده را دوازده هزار نفر دانسته است. براساس تخمین دیگری، در ژانویه ۱۹۶۰ تعداد اعضای ثبت نام کرده پنج هزار نفر بود، پایین ترین رقم ارائه شده از سوی مقامات یا اعضای نهضت سه هزار و بالاترین آن دوازده هزار نفر بود. ما پس از تحقیق و بررسی بسیار دقیق، به این ارقام تخمینی دست یافتیم. در زمان کنونی، دست کم پنج هزار تا پانزده هزار عضو ثبت نام کرده و حداقل پنجاه هزار مؤمن و تعداد بی شماری هواداران نهضت وجود دارند.

عضویت در نهضت از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۰ کاهش و از فاصله سال های ۱۹۴۵ تا پایان جنگ کره (۱۹۵۳ - مترجم) به گونه پویایی افزایش یافت و از آن زمان تاکنون رو به فزاینده است. سال های بحرانی ۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ منجر به کاهش شدید اعضای نهضت نگردید. بقای نهضت در این دوران، نمایانگر عزم راسخ الیجاه محمد و همبستگی و وفاداری پیروان اوست. جنبش، مؤسسات کسب و کار زیادی را صاحب شد و با کامیابی

آن را اداره کرد و پس از جنگ آنها را گسترش داد، برنامه های مربوط به تأسیس مرکز شیکاگو واقع در خیابان سایت جنوبی از سال ۱۹۴۵ طرح ریزی شد.

به سال ۱۹۵۶ که نخستین کنوانسیون سالانه جنبش با تبلیغات وسیعی در شیکاگو برگزار شد، الیجاه محمد از آنزوا بیرون آمد و آشکارا خلق های سیاه پوست را دعوت به عضویت در جنبش کرد.

الیجاه محمد مردی تنها است که به خاطر افکار و عقیده اش مبارزه می کند. هرگز دچار یأس و تلخکامی نمی شود. امروزه، به عنوان رهبر بلامعارض سیاهان آمریکا به شمار می آید. (۴۰) با آن که می توان پذیرندگان تعلیم الیجاه محمد را مشخص کرد، ولی می توان گفت: مسلمانان در مدت پنج سال، تلاش های خود را برای تبلیغ اسلام تشدید کرده اند. هر مسلمان در اجتماع سیاهان، یک مبلغ محسوب می شود. به علاوه الیجاه محمد و مقامات روحانی جنبش از مجامع عمومی و مطبوعات سیاهان و گاه از رادیو استفاده می کنند. افزایش تعداد اعضای جنبش در سال های اخیر نشان دهنده این تلاش است و به اثبات می رساند که این سازمان دارای قابلیت و روحانیان تربیت شده است. در سال ۱۹۵۶، روزنامه پیتزبورگ کرویۀ طی سر مقاله ای به قلم سر دبیر آن در شیکاگو، توجه خود را به رشد اجتماع مسلمان معطوف کرد. متعاقب آن الیجاه محمد به تبلیغ رسالت خویش از طریق این روزنامه پرداخت. سپس در سایر روزنامه های متعلق به سیاه پوستان مقالاتی نوشت. یک سال بعد روزنامه پیتزبورگ کرویۀ نشان مدنی را به الیجاه محمد برای (ستایش از دستاوردهای برجسته وی به عنوان یک رهبر مسجد اسلام) اعطا کرد. (۴۱).

الیجاه محمد هر سال در مساجد متعدد جنبش و در میان پیروانش ظاهر می شود. وی بین پنج تا ده هزار شنونده را در شهرهای نیویورک، واشنگتن دی. سی، دیترویت، پیتزبورگ شیکاگو و لوس آنجلس به محل سخنرانی هایش کشانده است. در کنوانسیون سالانه مسلمانان شیکاگو که در سال ۱۹۶۰ برگزار شد، تعداد پانزده هزار سیاه پوست در فعالیت های سه روزه کنوانسیون شرکت کردند. (۴۲) از این تعداد، متجاوز از ۱۱۰۰ نفر کتباً اسلام را پذیرا شدند. در این کنوانسیون ۸۹۰ نفر از اعضای نهضت در مساجد واقع در شرق آمریکا، و شش هزار نفر از مساجد غرب آمریکا شرکت کردند. (۴۳).

تا پیش از آن هنگام، با این که تعداد اعضای جنبش فزونی یافته بود، اما وجود جنبش برای توده مردم سفید پوست ناشناخته بود تا این که (مایک والاس) (۴۴) در یک برنامه مستند تلویزیونی تحت عنوان (نفرتی که نفرت آفرید) این جنبش را در ژوئیه ۱۹۵۹ به سفیدپوستان معرفی کرد. این معرفی جنبش، همراه با فعالیت مسلمانان، منجر به نوشتن مقالاتی از سوی نویسندگان هفته نامه تایم، ریدرز دایجست، کاسمو، پولیتن و مجله اخبار آمریکا و گزارش های جهان و نیویورک تایمز و سایر مطبوعات درباره این جنبش در همان سال شد. از سال ۱۹۵۹، مفسران رادیو و تلویزیون توجه خاصی به این نهضت نشان دادند که بازتاب برداشت نامساعدشان درباره این جنبش است. گروه زیادی از مفسران، این جنبش را نهضت برتری سیاه و جنبش ضد آمریکایی و ضد یهود توصیف کرده اند. کمیته فرعی امنیت داخلی سنای آمریکا و کمیته فعالیت های غیر آمریکایی مجلس نمایندگان در صدد تحقیق درباره نهضت ملت اسلام برآمدند. (۴۵) واکنش رهبران مدنی سیاه پوست به جنبش ملت اسلام، متفاوت است. برخی آشکارا جنبش را محکوم کرده اند. (ویلیکینز) (۴۶) دبیر اجرایی انجمن

ملی پیشرفت رنگین پوستان و (تورگودمارشال)(۴۷) مشاور انجمن مزبور، دکتر (مارتین لوتر کینگ) رهبر تحریم اتوبوس در مونتگمری (ایالت آلاباما) از این جمله اند. این افراد با مخالفان سفید پوست جنبش اتفاق نظر دارند و معتقدند که، جنبش مسلمانان یک نهضت برتری طلبی سیاه است. آنان می گویند:

انجمن ملی پیشرفت رنگین پوستان با هر گروه سفید یا سیاه و یا مذهبی ای، که به اشاعه نفرت در میان انسان ها پردازد، مخالفت می کند و آن را خطرناک می داند.

ویلیکینز نژاد پرستان سفید پوست و مخالف بی اساس آنان، با تصویب لایحه متزلزل حقوق مدنی سیاهان در کنگره را عامل پیدایش مکتب های نفرت از سفید می داند و جنبش ملت اسلام را این گونه مورد نکوهش قرار می دهد:

افراد به اصطلاح مسلمان که درباره برتری سیاهان و نفرت از سفید پوستان موعظه می کنند، تنها به این دلیل پیروانی یافته اند که آمریکا در دادن امکانات برابر به سیاهان بسیار کند به پیش می رود و تحقیر و آزار شدن شهروندان سیاه را مانع نمی شود.(۴۸).

به نظر نمی رسد که سایر رهبران سیاه، به اندازه ناظران سفید پوست و سیاهان محترم از وجود نهضت اسلامی دست پاچه شده باشند. حتی گفته می شود که، سیاستمداران برجسته (هارلم) و بویژه (آدام کلایتون) و (هولان جک) که عضو کنگره آمریکا هستند، را مجیر مسلمانان می گویند، در حالی که مسلمانان راستین در انتخابات شرکت نمی کنند.(۴۹).

نهضت ملت اسلام، دیگر گروه کوچکی از سیاهان بیگانه نمای سرکش وبافینه قرمز به سر در اجتماعات شهرنشین شمال آمریکا نیست، و هر کسی از مشاهده تلاش های مسلمانان برای برخورداری از احترام در اجتماع و نظم و وفاداری آنان به الیجاه محمد و نهضت، می تواند تحت تأثیر قرار بگیرد. مخالفان نهضت قبول دارند که مسلمانان شدیداً مطیع قانون هستند و افراد پلیس بیش تر به سبب بروز خشونت های جزئی نگران هستند.(۵۰) به نظر می رسد که نهضت ملت اسلام به گونه استواری استقرار یافته است و الیجاه محمد به عنوان رهبر بلامنازع این جنبش همچنان باقی خواهد ماند.

شخصیتی از جورجیا.

الیجاه محمد هفتمین فرزند از یک خانواده دوازده نفری است، فرزند یک کشیش باپتیست است که، در دهم اکتبر ۱۸۹۷ در یک مزرعه استیجاری در (ساندرزویل)(۵۱) در ایالت جورجیا، زاده شد، اندک زمانی در آتلانتا زندگی کرد. در ۲۲ سالگی با (کلارا اوانس)(۵۲) در (کوردل)(۵۳) واقع در جورجیا، در تاریخ هفتم مارس ۱۹۱۹ ازدواج کرد. به سال ۱۹۳۳ به اتفاق همسر و دو فرزندش در پی تحمل تبعیضات شدید، رنج ها و دشواری های چندین ساله موجود در ایالت جورجیا به دیترویت آمد.(۵۴) درباره اوایل زندگی وی، اطلاعات کمی در دست است. شخص الیجاه محمد به نویسنده کتاب گفته است که، پیش از آمدن به دیترویت به عنوان پادوی مزرعه،

کارگر راه آهن، کارگر کارخانه تولید اره و کارخانه آجرسازی، کار می کرد. (۵۵) در فاصله سال های ۱۹۲۹ - ۱۹۳۱ در کارخانه شورلت در دیترویت کار می کرد و گزارش شده که از سال ۱۹۲۹ به دلیل وضع بد مالی، ناچار به دریافت اعانه شد. علاوه بر اینها، می گویند: او مدتی محصولات شرکت لبنیات سازی در شیکاگو را توزیع می کرده است. (۵۶) اندک زمانی نیز وظایف یک روحانی غسل تعمید دهنده را عهده دار بوده است. تا این که با (فرد) در دیترویت آشنا شد و معاونت او را به دست آورد. در فاصله سال های ۱۹۳۵ - ۱۹۴۱ در واشنگتن دی.سی. کار می کرد. سال های ۱۹۴۱ - ۱۹۴۶ را در زندان بسر برد و پس از آزادی در شیکاگو زندگی می کند. الیجاه محمد دارای جثه کوچک (۱۶۰ سانتی متر قد) و چهره ای روشن است. او را شخصی توصیف کرده اند که ممکن است از نژاد شرقی باشد. (۵۷) او با این که جسماً ضعیف به نظر می رسد، ولی از سلامتی کامل برخوردار است. در زمستان سال ۱۹۵۹ به علت بالا رفتن فشار خونس، مدت کوتاهی به بستر بیماری افتاد. (۵۸) الیجاه محمد اذعان می دارد که از تحصیلات کمی برخوردار است و این واقعیت که اوتا کلاس پنجم درس خوانده است را تأیید می کند. (۵۹) او به خانواده اش علاقه مند است. همسر او، خواهر کلارا که در هفتم نوامبر ۱۸۹۹ به دنیا آمده است، به آرامی حرف می زند. زنی هوشمند است. معمولاً هنگامی که شوهرش به خاطرات سی سال پیش خود اشاره می کند، به یاری اش می آید. اعضای نهضت، خواهر کلارا را به عنوان اصل و منشأ واقعی، ستایش می کنند، به این معنا که حضور کلارا محمد را برابر با آرمان والای مسلمانان می دانند، وی قسمت اعظم عمرش را با کدبانوگری گذرانده است. الیجاه محمد و همسرش شش پسر و دو دختر و ۲۷ نوه دارند که جملگی عضو جنبش هستند. پنج تن از پسرها ازدواج کرده اند که چهار نفرشان مؤسسات وابسته به مسجد را اداره می کنند. یکی از پسران الیجاه محمد به نام (والاس دلانی محمد) روحانی و مسؤول مسجد است. وی پیش از آن که وظایف کامل روحانی را در مسجد فیلادلفیا عهده دار شود، در دانشگاه اسلام زبان عربی تدریس می کرد. پسر دیگرش موسوم به (الیجاه محمد کوچک) معاونت ریاست عالیّه مسجد شیکاگو را به عهده دارد. کوچک ترین پسرش (اکبر) در حوزه علمیه دانشگاه الازهر قاهره تحصیل می کند. هر دو دختر (الیجاه محمد و همسرش) ازدواج کرده اند. یکی از دخترها، ریاست عالیّه سازمان زنان مسلمان در شیکاگو را عهده دار است و دیگری که به نام خواهر (انل) شهرت دارد، همسر ریموند شریف یکی از رهبران جنبش است و پنج فرزند دارد.

الیجاه محمد در یک عمارت مبله و بزرگ زندگی می کرد که دارای هیجده اتاق است و در یکی از بخش های بسیار آبرومند هایدپارک شیکاگو قرار دارد. دفتر کارش، به غیر از دانشگاه اسلام، در این ساختمان و در طبقات دوم و سوم واقع است. در زیرزمین ساختمان، اتاق های پذیرایی اضافی وجود دارد. (هربرت) یکی از پسران الیجاه محمد در ساختمان مجاور این عمارت زندگی می کند. الیجاه محمد دارای بیش از پنج منشی و چهار خدمتکار زن است که خانه اش را اداره می کنند و مسؤولیت پخت و پز را به عهده دارند. الیجاه محمد مانند بیش تر پیروانش در روز فقط یک بار غذا می خورد، که معمولاً غذا خوردنش با اعضای خانواده و مهمانان است. سه اتومبیل او، یعنی، یک کادیلاک زرد رنگ مدل ۱۹۵۶، کادیلاک آبی رنگ مدل ۱۹۵۹ و لینکلن سیاه

رنگ مدل ۱۹۵۹ بیش تر از سوی منشی ها و کارکنان جنبش برای انجام امور سازمانی مورد استفاده قرار می گیرد. (۶۰).

الیجاه محمد که از داشتن این اتومبیل ها احساس غرور نمی کند می گوید:

علت این که من سوار اتومبیل کادیلاک می شوم، روشن است. سیاهان برای چیزهایی مانند کادیلاک ارزش زیادی قایلند. شخصاً ترجیح می دهم از اتومبیل کهنه و کوچکی برای رسیدن به مقصد استفاده کنم، ولی اگر این کار را می کردم، سیاهان شایع می کردند که، اسلام او را فقیر ساخته است، در حالی که در وضع حاضر، فکر می کنند که، اسلام برای هیچ کس فقر نمی آورد. به خواهری که در این جا است نگاه کنید. او حدود دوازده سال پیش از شهری که ۷۲ مایل با لتیل راک مرکز کانزاس فاصله دارد به شیکاگو آمد. در بدو ورودش به شیکاگو هیچ چیز نداشت؛ اما اکنون در وست ساید زندگی می کند. مالک یک جایگاه فروش بنزین است و دو آپارتمانش را به اجاره داده است، حمد و سپاس بر پروردگاری که برکات خود را نصیب ملت اسلام کرده است. (۶۱).

پیروان جنبش در طول سال های متمادی با اصرار از الیجاه محمد خواستند از کشورهای اسلامی آفریقا و خاورمیانه دیدار کند، ولی او نمی پذیرفت؛ چرا که فکر می کرد هزینه سفر برای پیروانش بیش از اندازه باشد. با این همه، سرانجام الیجاه محمد و دو پسرش اکبر و هربرت بار سفر را بستند. این مسافرت از نوامبر ۱۹۵۹ تا ژانویه ۱۹۶۰ به طول انجامید. هزینه این مسافرت از طریق مساعدت مالی هر عضو، به مبلغ ۲۵ دلار، تأمین شد.

سلیقه های شخصی الیجاه محمد بی اندازه محافظه کارانه است؛ لباسش مشکی یا خاکستری راه راه است. همیشه پاپیون می زند. تنها کسی از اعضای جنبش است که بافینه به سر می کند. بافینه او از جنس مخمل تیره با هلال برودری دوزی شده و دارای علامت خورشید و ستارگان و ماه است. (۶۲).

شیوه سخن گفتنش ملایم و در عین حال قاطع است. صدایی گیرا دارد. رفتارش در خانه و دیگر جاها، رسمی و مؤدبانه و ملاطفت آمیز است. یکی از پیروانش، که چندین روز مهمان خانواده الیجاه محمد بوده است می نویسد:

حتی فرزندان هم با او خودمانی نیستند و رسمیت در خور توجهی در روابط او با فرزندان وجود دارد؛ اما به هر حال، به آنان عشق می ورزد. با آن که در زندگی خانوادگی شان روابط رسمی دارند، با این حال، همه چیز رنگ مهربانی دارد. الیجاه محمد همسرش، فرزندان و آشپزها، جملگی با یکدیگر با احترام و مهربانانه و رسمی رفتار می کنند، زندگی در خانه او بسیار بزرگوارانه است و نجابت بر محیط خانوادگی شان حکم می راند. همسرش، دوست داشتنی و نمونه یک زن مسلمان است. مهمانان زیادی به خانه او می آیند. منشی ها غذای خود را با اعضای خانواده الیجاه محمد صرف می کنند؛ اما هیچ کدامشان در این ساختمان به سر نمی برند. الیجاه محمد به آنان اجازه می دهد تا یکی از اتومبیل ها را برای رفت و برگشت به خانه خود و نیز برای رفتن به موزه مورد استفاده قرار دهند. (۶۳).

توجه خالصانه الیجاه محمد به خلق های سیاه و اعتقادش به این که وی اساساً یک اصلاح طلب است، در نگارنده عمیقاً اثر کرد. عادت داشتن به کار زیاد از جمله ویژگی های او می باشد که مورد تقلید پیروانش نیز قرار گرفته است. روحانیان و پیروان جنبش می کوشند تا شیوه سخنرانی، حرکات و سکنت و طرز راه رفتن او را تقلید کنند. راه رفتن شتابان او در داخل و خارج از مسجد، از سوی افسران جنبش تقلید می شود، (او به ما می آموزد که با سرعت نور، حرکت کنیم). (۶۴).

الیجاه محمد علاوه بر تنظیم سیاست کلی جنبش ملت اسلام، بر فعالیت های مسجد شیکاگو نیز نظارت دارد و شخصاً به تمامی نامه های رسیده به مسجد، پاسخ می گوید. هر هفته مقالاتش را برای روزنامه های مخصوص سیاه پوستان می فرستد. روحانیان جنبش هر شب از طریق تلفن های راه دور فعالیت های مساجد و مقدار پولی که به خزانه واریز شده است، به وی گزارش می کنند. یکی از روحانیان جنبش درباره شخصیت او، می گوید:

او نافذترین شخص و افتاده ترین انسانی است که می شناسم... او دلیرترین مردی است که تاکنون دیده ام. بسیار بخشنده است و من در او مردی را یافته ام که از فضایی والا برخوردار است. با ملاحظه، شریف و بسیار منطقی است. به ندرت خشمش را دیده ام. هنگامی که سفارش یا دستورش را انجام ندهید، با لحنی بسیار مؤدبانه و در عین حال جدی شما را مجازات می کند. عزمی راسخ دارد و بر این باورم که این استواری را به یکسان در مورد فرزندانش و دیگران به کار می برد. او به من توصیه کرد تا از تربیت فرزندانش غفلت نورزم؛ زیرا اگر در این باره کوتاهی شود، لوس بار می آیند. وقتی احساس می کرد که فرزندانش مرتکب خلاف می شوند، جلوی آنان را می گرفت. حتی وی فرزندانش را با تعلیق عضویتشان در مسجد، مجازات کرده است. (۶۵).

الیجاه محمد از زندگی آرامی برخوردار است. مگر در مواقعی که میان مردم ظاهر می شود. او سخنرانی های خود را با برادران عزیز من آغاز می کند و از فعالیت ها، رسالت خود و دشواری های سیاهان آمریکا سخن می راند. مشکلات سیاهان به نظر او جدی ترین مسأله جهان کنونی است. وی معتقد است که، اخلاق در میان خلق های سیاه شدیداً انحطاط یافته است و در این باره می گوید:

در هیچ نقطه از جهان مردمی را نمی یابید که مانند سیاهان از نظر اخلاقی در سطحی چنین نازل قرار داشته باشند.

درباره مشکلات اقتصادی سیاهان، به همان اندازه جدی سخن می گوید که درباره مسائل اخلاقی شان، او در این باره وسواس به خرج می دهد با این که الیجاه محمد بسیاری از شرایط ناگوار سیاهان را ثمره سقم و اجحاف سفیدپوستان می داند، اما سیاهان را نیز به سبب خشنودی از این شرایط ملامت می کند. به عقیده او، سفیدپوستان با آزاد کردن سیاهان، به آنان فرصتی دادند و اینک سیاهان خواستار دریافت فرصت تساوی هستند. او می گوید:

سیاهان باید با تلاشی فوق العاده هویت و شخصیت کامل خود را باز یابند.

بدین ترتیب، مسؤولیت عمده و اساسی به کارگیری یک راه حل برای رفع مشکلات سیاهان، بر دوش سیاهان است. آنان باید با فراهم آوردن هزینه حل این مشکلات، به رفع آن پردازند. فداکاری کنند. رنج ها را بر خود هموار سازند تا انسان بودن خود را به عنوان انسان های سیاه تحقق بخشند. (۶۶).

کسی که به دیدار الیجاه محمد می رود، در لحظه های نخست او را گرفتار مشغله های مذهبی می یابد؛ اما پس از گذشتن اندک زمانی الیجاه محمد از مشکلات بهداشتی، مسکن، خانواده، در آمد و اخلاق سیاهان سخن می راند. وی بر این باور است که، از سوی دشمن قفقازی (۶۷)، اداره آگاهی آمریکا و دفتر مالیات های داخلی مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. او در مصاحبه ای گفته است:

اگر آنان مرا می شناختند، به دستگیر کردنم مبادرت می ورزیدند. هم اکنون، فرزند من در دادگاه پرونده ای دارد و من می کوشم که او را از شر دادگاه، رهایی بخشم. (۶۸).

هر چند قابل پیش بینی است که خطر همواره زندگی الیجاه محمد را تهدید کند، ولی با این حال، او به تنهایی، قدم زنان یا با اتومبیل به محل کارش می رود؛ اما در محافل همگانی گروهی از پیروان آموزش دیده اش از او حفاظت می کنند. (۶۹).

الیجاه محمد مشروعیت رهبری خود را در توجیه تاریخی شرایط و نیازهای سیاهان ایالات متحده می یابد. از خودش به عنوان کسی که خیابان ها را همراه آنان زیر پا گذارده، در دوزخ آمریکای شمالی رنج برده، در جنوب از وی شیطان های سفیدپوست تحقیر شده، و کسی که کاملاً شرایط سیاهان را درک می کند، صحبت می کند. وفاداری بسیار سیاهان به او، علاقه هایی که سیاهان را به او پیوند می دهد، چنان نیرومند است که برخی از پیروانش دچار این نگرانی شده اند که مسلمانان، به جای پرستش خداوند، او را پرستند. اگر او بمیرد چه خواهد شد، پیروان حضرت محمد نیز پس از مرگ آن بزرگوار در ۱۳۰۰ سال پیش، نمی توانستند باور کنند که پیامبر اسلام در گذشته است؛ زیرا آنان خداوند را از نظر دور داشته بودند و پیامبر را ستایش می کردند. (۷۰).

رهبرمان، به ما آموخته است که خداوند را پرستیم نه رهبر را. (۷۱).

اگر چه پیروان الیجاه محمد به وی به چشم یکی از مسلمانان سیاه می نگرند، اما احترام زیادی برای فضایل او قایلند. الیجاه محمد به عنوان رهبر و روحانی مسلمانان ایالات متحده معرفی شده است. در چشم پیروان، او رهبر محبوب پیشوای معنوی، رسول مقدس اصلاح طلب، مهم ترین ملیت گرای سیاه و بره کوچک بدون خال یا عیب است. (۷۲) یک روحانی او را هم پدر وهم مادر خود نامیده است. او کسی است که کلید حل مشکل سیاهان آمریکایی را در دست دارد. مسلمانان همواره او را عالیجناب الیجاه محمد می نامند. (۷۳).

و در گفت و گوهای رویاروی و غیر رسمی، وی را پیشوای گرامی یا قربان خطاب می کنند. (۷۴).

مشکل جانشینی الیجاه محمد.

به دلیل اهمیت فوق العاده الیجاه محمد در جنبش ملت اسلام، مسأله جانشینی وی نیازمند تفسیر است. الیجاه محمد شخصاً مقام خویش را رهبر سیاهان مسلمان آمریکا می داند و می گوید: اگر من نتوانم وظیفه ام را به انجام برسانم، دیگری این کار را خواهد کرد؛ اما، الیجاه محمد اصول و مواد ادامه رهبری را تدوین کرده است. (۷۵) علاوه بر این، به نظر می رسد که فرزندش روحانی والاس محمد را تربیت می کنند تا جانشین او شود. والاس محمد در یکی از مصاحبه هایش گفته است:

معمولاً در خارج از شهر به سر می برم، به هر جا که به وجود من نیاز باشد، از سوی الیجاه محمد اعزام می شوم. هنگامی که الیجاه در شهر نیست، به شهر می آیم، زیرا الیجاه در اداره امور به من متکی است. الیجاه اطمینان دارد که من می توانم کارها را سرو سامان دهم. پیروان به من، به چشم دومین شخصیت جنبش می نگرند. من چهار سال درس قرآن می دادم. بسیاری از روحانیان نهضت واجد شرایط رهبری اند، ولی کسانی که همواره در جست و جوی یافتن اطلاعاتی درباره اسلام هستند، در صورت نبودن الیجاه، به من مراجعه می کنند.

اخیراً نیز شایع شد که والاس محمد جانشین الیجاه شده است. برخی از پیروان به نویسنده کتاب گفته اند که، الیجاه محمد به آنان اطمینان داده است که (او روحانی والاس را به عنوان جانشین احتمالی خویش برخواهد گزید). مطبوعات سیاه پوستان اطلاعاتی در این زمینه به چاپ رسانده اند، که به عقیده نویسنده کتاب، از سوی دفتر کسب اخبار مسلمانان تهیه شده است. (۷۶).

سایر روحانیان مساجد اسلام نیز والاس محمد را جانشین احتمالی الیجاه می دانند. روحانی مالکوم ایکس از مسجد نیویورک که در شمار رهبران برجسته جنبش است، در سخنرانی خود که در دوازدهم دسامبر ۱۹۵۸ در مسجد شیکاگو ایراد کرد، هنگام معرفی روحانی والاس به عنوان هفتمین فرزند رهبر و پیشوای محبوب ما، که پا بر جای پای پدر می گذارد، به طور ضمنی به این موضوع اشاره کرد. (۷۷) به عقیده مالکوم ایکس به هیچ وجه اتفاقی نبود که روحانی والاس هفتمین فرزند از هشت فرزند الیجاه محمد باشد. والاس محمد در سی ام اکتبر ۱۹۳۳ در دیترویت به دنیا آمد، دوره ابتدایی و متوسطه را در دانشگاه اسلام به پایان رساند و چهار سال دیگر را به مطالعه اسلام و زبان عربی در مدرسه مسلمانان گذراند. یک مصری که زبان عربی را در دانشگاه اسلام تعلیم می داد، قدرت فراگیری او را در زبان عربی، بالاتر از سطح معمول توصیف کرده است. پیش از آن که او به مقام روحانی اش نایل آید، علاقه زیادی به علوم و الکترونیک داشت. در فاصله زمانی سپتامبر ۱۹۵۲ تا مارس ۱۹۵۴، والاس محمد کارگر شرکت آکسفورد الکترونیک شیکاگو بود؛ اما از آن جایی که او مرتباً سرکارش حاضر نمی شد، به خدمتش خاتمه دادند، و کارفرمایش از استخدام مجدد وی خودداری کرد. او مدتی هم در آبدارخانه مسجد فعالیت داشت.

روحانی والاس و خانواده اش، در یک آپارتمان چهار اتاقه در فیلادلفیا زندگی می کنند و معروف است که کرایه آپارتمان را مسجد فیلادلفیا می پردازد. او جوانی است دارای رفتاری شایسته و در وفاداری اش نسبت به پدر، جای هیچ گونه تردیدی نیست. هم روحانی والاس و هم مالکوم ایکس به عنوان نمایندگان الیجاه محمد در جلسات عمومی شرکت می کنند. با این که هیچ گونه شواهدی بر وجود رقابت میان روحانیان جنبش بر سر

رهبری آینده وجود ندارد، با این حال، مالکوم ایکس از نقش رهبری برجسته تری در مقایسه با سایرین برخوردار است. بروز یک نفاق بین مالکوم ایکس و جانشین احتمالی الیجاه می تواند نهضت را متلاشی کند. اگر چنین وضعی در زمانی پیش آید که الیجاه محمد در قید حیات نباشد، روحانی مالکوم ایکس قادر خواهد بود که تعداد زیادی از اعضای نهضت را به سوی خود جلب کند. (۷۸).

پیروان الیجاه محمد نگرانی زیادی درباره رهبر آینده نهضت در هنگام مرگ رهبر کنونی شان نداشتند. البته قبول داشتند که درگذشت الیجاه بسیار اسف بار خواهد بود. کسانی که درباره این موضوع بحث می کردند، متقاعد شده بودند که هر یک از روحانیان جنبش ملت اسلام، متساویاً از قابلیت هدایت جنبش برخوردار هستند. یکی از اعضای خوشبین نهضت می گفت که، تقریباً همه پیروان، اعم از مرد و زن، می توانند نهضت را رهبری کنند، چرا که به اهمیت (یگانگی مسلمانان) آگاهی یافته اند. (۷۹) البته در جنبش ملت اسلام، مرجعیت در همه مسائل آرمانی و خدشناسی و خط مشی نهضت در انحصار الیجاه محمد است. (۸۰) با این که روحانیان و سایر مقامات به نوعی وظایف رهبری را بر عهده دارند، با این حال آنان مرجعیت داشتن در کار رهبری را انکار می کنند. مشارکت آنان در رهبری از سوی الیجاه محمد تعیین می شود. از این رو، اعضای نهضت مکلفند به آنان احترام بگذارند و دستوراتشان را اجرا کنند. اعضا مدعی هستند که در نهضت سوای نقش خاص الیجاه محمد، هیچ گونه سلسله مراتبی وجود ندارد، چرا که همه مسلمانان برادر و خواهر یکدیگرند، ولی دیگران عقایدی ابراز می دارند که با این ادعا نمی خواند. (۸۱).

نهضت ملت اسلام.

نهضت ملت اسلام از پیروان الیجاه محمد تشکیل می شود که بیش تر آنان در پنجاه مسجد واقع در نقاط مختلف آمریکا سازمان داده شده اند. به این ترتیب، ملاحظه می شود که مسجد، واحد سازمانی و ستون ملت اسلام به شمار می رود. هر مسجد مستقل است. با وجود این، مشورت با الیجاه محمد درباره سیاست کلی، قویاً به مساجد توصیه شده است. ظاهراً مساجد برابرند و به یک اندازه حق تماس مستقیم با الیجاه محمد دارند؛ اما به نظر می رسد که برخی از مساجد از اهمیت بیش تری برخوردارند؛ زیرا هم اعضای شان بیش تر است و هم توانایی شان برای کمک های مالی به نهضت به منظور تأمین رفاه اعضای شیکاگو که اقامتگاه دائمی الیجاه محمد در آن جا واقع شده، و به تدریج مبدل به کعبه پیروان الیجاه محمد شده است. اعضا و روحانیان نهضت در شیکاگو به دیدار مرد نهضت (۸۲) می روند. روحانیان و تنی چند از مقامات نهضت تماس نزدیک تری با الیجاه محمد دارند. الیجاه محمد همه روحانیان و مقامات مسؤول ملی را بر می گزیند. مهم ترین مقامات یک مسجد عبارتند از: رئیس سازمان مردان و زنان (۸۳)، کارمندان مسجد (۸۴)، خزانه دارها (۸۵) و بازرسان (۸۶)، که انتصاب آنان باید به تأیید الیجاه محمد برسد. در شیکاگو، الیجاه محمد می تواند رأساً این

مقامات را تعیین کند یا به سایر مقامات مانند رئیس سازمان مردان و زنان اجازه دهد تا با موافقت او آن را برگزیند. در نتیجه انتصاب مقامات مسؤول مسجد نهایتاً نیاز به موافقت وی دارد.

به گفته یکی از مقامات نهضت هیچ کس به جز الیجاه محمد (۸۷) نمی تواند به یک روحانی دستور بدهد. اگر چه صلاحیت یک روحانی محدود به مسجد تحت نظر اوست، اما از آن جایی که مسؤولیت عملیات و مدیریت مسجد را به عهده دارد، لذا کارهای زیاد و پر اهمیت به اومحوّل می شود. او در جلسات مذهبی که هفته ای سه بار در روزهای چهارشنبه و جمعه شب و بعد از ظهر یک شنبه تشکیل می شود، باید تدریس کند و در عین حال ریاست جلسات را به عهده داشته باشد. او باید در تمام فعالیت های مسجد در طول هفته شرکت جوید. او می تواند به عنوان نماینده الیجاه محمد در سایر مساجد و در وظایف عمومی شان شرکت کند. با اعضای نهضت به مشورت بنشیند و به طور کلی در هر جا که مدرسه نهضت وجود داشته باشد، فعالیت کنند. در شیکاگو، روحانی مسؤول مسجد، برخی از مسؤولیت های مدیریتی را به عهده ندارد؛ زیرا الیجاه محمد در این شهر مقیم است و دارای دبیرخانه ای نسبتاً بزرگ و کارمندان بسیار است. با این حال، حجم کارهای روحانی مسجد شیکاگو، همچنان زیاد است. (۸۸).

سایر مقامات برجسته نهضت، بعضی رؤسای کل سازمان مردان و زنان (۸۹) از سوی الیجاه محمد تعیین می شوند و در نهضت دو رئیس کل سازمان مردان و زنان (یک زن و یک مرد) وجود دارد که از مقام فرماندهی (۹۰) برخوردارند. هر دو آنان از الیجاه محمد دستور می گیرند و در برابر او مسؤولند. در رأس سازمان مردان هر مسجد که میوه های اسلام (۹۱) نامیده می شوند، یک رئیس سازمان مردان قرار دارد. رئیس کل در کار همه رؤسای سازمان مردان نظارت دارد. این رؤسا از طریق رئیس کل در برابر الیجاه محمد مسؤولند. سازمان زنان هر مسجد، آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی (۹۲) را با نظارت یک مسؤول سازمان زنان به عهده داشته و از رئیس کل سازمان زنان دستور می گیرد و از طریق او در برابر الیجاه محمد مسؤول است. علامت اختصاری این سازمان (ام. جی. تی. جی. سی. سی) (۹۳) می باشد. رؤسای سازمان های مردان و زنان خارج از شیکاگو از روحانیان محلی دستور می گیرند. این رؤسا، دارای معاونان اول و دوم و سوم هستند و معاونان باید رؤسا را به عنوان مافوق خود بپذیرند. رؤسای کل سازمان های مردان و زنان در شیکاگو اقامت دارند. مسجد شیکاگو رؤسای سازمان مردان و زنان را نیز در پوشش خود می گیرد. رئیس کل سازمان مردان نهضت ریموند شریف (۹۴) است وی در آتلانتا (از ایالت جورجیا) به دنیا آمده است و اینک در مرز چهل سالگی قرار دارد، پدر پنج فرزند است. او آجودان الیجاه محمد افسر ارشد رابط میان الیجاه با روحانیان و پیروان او می باشد. بعد از الیجاه محمد او تنها کسی است که اطلاعات کافی درباره فعالیت های روزانه نهضت دارد. نقش ریموند شریف به عنوان چشم و گوش الیجاه و دوست پیروان، این تصور را پدید آورده است که مسؤولیت او بیش تر از الیجاه محمد است. او همچنین داماد الیجاه محمد بوده و نیازهای زندگی خود را از راه فعالیت در نهضت تأمین می کند. وی در هیأت امنای نهضت عضویت دارد.

رئیس کل سازمان زنان نهضت، خواهر لوتی (۹۵) است. او کوتاه قد و زیرک و فروتن است. پنج فرزند دارد. همسرش علی محمود (که با او نسبت خویشاوندی ندارد) به کار نقاشی تابلوهای تبلیغاتی اشتغال دارد. خواهر لوتی دومین دختر الیجاه محمد است.

رئیس سازمان مردان در مسجد شیکاگو که در کارها به ریموند شریف یاری می دهد الیجاه محمد کوچک است. وی ازدواج کرده است، ولی فرزندی ندارد، او چهارمین پسر الیجاه محمد بوده و در قنادی مسجد کار می کند، و شب ها به نگهبانی از مسجد و دانشگاه اسلامی می پردازد. با این که الیجاه محمد و دو رئیس کل سازمان های مردان و زنان مسؤولیت های ملی جنبش را در انحصار خود دارند، اما اخیراً دفتری موسوم به دبیرخانه ملی (۹۶) تأسیس شده است و برادر (جان) دوازدهم (سیمونز) دبیر مسجد نیویورک به این سمت برگزیده شده است. وظایف او، دقیقاً تشریح نشده است؛ ولی در هر حال، او مسؤول (تأسیس مساجد جدید) هماهنگ کردن بیانیه های صادره از مساجد برای جراید، دادن خبر به مطبوعات و همراهی الیجاه محمد، در مصاحبه های مطبوعاتی است. او در نیویورک فعالیت دارد.

ایجاد مسجد.

پیش از ایجاد مسجد، یک گروه غیر رسمی از کسانی که تعلیم الیجاه محمد را شنیده اند، از شخص وی یا یکی از روحانیان نهضت برای ایراد خطابه درباره اسلام و تعلیم الیجاه دعوت به عمل می آورند. پس از ایراد سخنرانی، گروه مزبور می تواند برای گرویدن به اسلام و پذیرفتن تعلیم الیجاه محمد تصمیم بگیرد؛ در صورت تمایل یافتن به گرویدن به اسلام، اعضای گروه مورد نظر از الیجاه محمد درخواست می کنند که او اجازه تأسیس مسجد را بدهد. تا چند سال پیش، وجود دست کم پنجاه نفر برای تأسیس یک مسجد لازم بود، اما اینک این تعداد به ۲۵ نفر کاهش یافته است. دو سال پس از تأسیس مسجد، شماره آن تعیین و یک روحانی به عنوان مسؤول مسجد برگزیده می شود. روحانی یاد شده پس از طی یک دوره آموزش سازمانی توأم با فعالیت، مقامات موقتی مسجد را از میان اعضای ثبت نام کرده بر می گزیند.

وظایف مسؤولان مساجد.

احراز مقامات مسجد، منحصر به مردان و زنان عضو سازمان های مردان و زنانی است که واجد شرایط این مقام ها هستند. اعضای این دو سازمان، مورد احترام زیاد پیروان و گروه برگزیده رهبری ملی یک مسجد هستند. آنان خود را به طور کامل تسلیم مشیت الهی و الیجاه محمد کرده اند و مایلند که تمام زندگی خویش را وقف خدمت به نهضت کنند. رؤسای مقامات اصلی یک مسجد را روحانی سازمان های مردان و زنان

تشکیل می دهند. کارمندان پرستشگاه که به کارهای دفتری و بایگانی مشغولند به آنان کمک کرده و همکاری نزدیک دارند. کارمندان دفتری می توانند مرد یا زن باشند. در هر مسجد، دو خزانه دار وجود دارد، یکی مسؤول درآمدها و هزینه های عمومی مسجد، و دیگری به خزانه دار فقیران (۹۷) معروف بوده و صندوق کمک به بیماران و نیازمندان و هزینه های تدفین را عهده دار است. در شیکاگو ایجاه محمد سمت مدیر عامل تجاری و خزانه داری را نیز به عهده دارد. در حال حاضر هیچ مدیر تجاری که بتواند تمام مؤسسات مسجد را هماهنگ سازد، وجود ندارد. در هر رشته ای مدیر ویژه ای وجود دارد که مستقیماً در برابر ایجاه یا فرد تعیین شده از سوی او، مسؤولیت دارد. تعداد کمی از این کسب و کارها به وسیله پسران ایجاه اداره می شود. آقای هربرت (۹۸) (پدر شش فرزند) مدیریک قنادی است. آقای (امانوئل) (پدر چهار فرزند) و مسؤول لباسشویی است و آقای (تاتانیل) (۹۹) (پدر هشت فرزند) او را در این کار یاری می دهد. آقای (اکبر) تا این اواخر یکی از دو خزانه دار مسجد شیکاگو بود. بازرسان نیز در شمار مقامات مهم مسجد به شمار می روند. یک بازرس مرد و یک بازرس زن که در امور مربوط به رفاه عمومی و رفتار مسلمانان نظارت دارند، در برابر سازمان های مردان و زنان مسؤول هستند. این بازرسان نیازهای مادی اعضا را مشخص کرده و درباره دادن کمک های لازم توصیه می کنند. رسیدگی به مشکلات خانوادگی، یا مشکلات به وجود آمده بین اعضا و حل اختلافات در صلاحیت آنان است، در غیر این صورت، موضوع را به مقامات بالاتر گزارش می کنند. افزون بر این، ایجاه محمد به سیاهان زندانی نیز کمک هایی به صورت کالاهای ضروری مانند صابون می کند.

رؤسای جزء سازمان های مردان و زنان، هر چند که مسؤولیت ملی ندارند، اما بر فعالیت سازمان های مردان و دختران مسجد نظارت دارند. این سازمان ها براساس و الگوی سازمان های بزرگسالان به وجود آمده است. رؤسای کل سازمان های مردان و زنان نهضت به صورت تمام وقت استخدام شده و حقوق دریافت می دارند. البته میزان حقوق آنان معلوم نیست. مدرکی وجود ندارد که ثابت کند رؤسای سازمان های زنان از حقوق کارمندی برخوردار هستند. کارمندان دفتری مسجد به طور تمام وقت کار می کنند.

Translation Movement
IMS

دانشگاه اسلام.

همه کارکنان دانشگاه اسلام از سوی ایجاه محمد تعیین می شوند. وی همچنین کادر علمی دانشگاه را شخصاً یا با توصیه رئیس دانشگاه برمیگزیند. با این که اغلب مدرسان دانشگاه مسلمان هستند، امادر گذشته سیاهان غیر مسلمان نیز برای این کار در نظر گرفته می شده اند. هیأت رئیسه دانشگاه از گروه امنای آن، شامل ایجاه محمد، ریموند شریف رئیس کل سازمان مردان نهضت و آقای (جان حسن) تشکیل می شود که شخص اخیر الذکر از زمان تأسیس مسجد در نهضت فعالیت داشته است.

مقامات دیگر مسجد در اختیار افرادی است که دارای مشاغل نیمه وقت هستند. برخی از اعضا برای شغل هایی مانند محافظت مسجد در هنگام برگزاری جلسات و ریاست کمیته های تجاری استخدام می شوند. محافظان، مسؤول بازرسی بدنی کسانی هستند که برای نیایش یا شرکت در جلسات سازمان های مردان و زنان به مسجد می آیند. سایر پیروان برای انجام کارهای گوناگون نهضت داوطلب می شوند. بر اثر کثرت فعالیت ها، امکان این که تعداد زیادی از اعضا با سرسختی و پیوسته در فعالیت های نهضت مشارکت کنند را مقدور می سازد. قابلیت نهضت در یافتن نوعی شغل برای افراد لایق و مایل به کار در واقع درمان مؤثری برای آغاز به کار و انصراف از فعالیت های پیشین است. جوانان احساس می کنند که از روی خلوص نیت مایل به انجام این فعالیت ها هستند. فعالیت در مسجد، جایگزین اسراف و تبذیر زندگی طبقه پایین سیاه پوست در کارهایی چون: ورزش، رفتن به میخانه ها و قمار در می آید. بسیاری، برادری بین مسلمانان را به مراتب جذاب تر از روابط غیر مشخص در محیط اجتماعی سابق می یابند. استخدام کارکنان و آغاز به کار اعضا از مجرای سازمان مردان و زنان نهضت صورت می گیرد.

۱. 2. YVAMME H. & J. SMITH, 1993. همان جا.
۳. 4. CONGRESSIONAL QUARTERLY.R. 1993.p,374. مصاحبه با الیجاه محمد. وی مؤکداً تکذیب می کند که هرگز به نهضت مسجد علمی مور آمریکایی تعلق نداشته و یا این که نهضت ملت اسلام انشعابی از آن است.
۵. الیجاه محمد، شیکاگو: دانشگاه اسلام، بی تا، ص ۲، ۱۹۵۹.
۶. تایم، ۱۰ اوت ۱۹۵۹، ص ۲۵؛ در واقع الیجاه محمد پس از آن که آگاه شد که شورای آموزش و پرورش میشیگان آموزگاران را در مدرسه مسلمانان و دبیرخانه بازداشت کرده است، عملاً خود را تسلیم پلیس کرد. بعدها اتهامات علیه آموزگاران و دبیرخانه سلب گردید.
۷. پرحرفی و حقایق تایم، (سرمقاله) بیتزبورگ کوریه، ۲۴ اکتبر ۱۹۵۹، ص ۱۲.
۸. 9. CONGRESSIONAL QUARTERLY.R. 1993.p,374. دیلی تربیون، شیکاگو، ششم مارس ۱۹۳۵، ص ۱ و ۱۰، با عکس های ص ۳۲.
۱۰. JOSEPH PALCZNSKI. 11. CHRISTO POLOUS. 12. ROSE. 13. MARY GRIFFIN. همان، ص ۱۰.
۱۴. 15. COYELE. 16. HARRY SHELLING. 17. MAZOLA. چه کسی از گرگ بد گنده می ترسه یک داستان منظوم قدیمی آمریکایی درباره سه بچه خوک است که در مبارزه شان با گرگ به پیروزی رسیدند و پس از پیروزی، این شعر برگردان را می خواندند. چه کسی از گرگ بد گنده می ترسه.
۱۸. جرم ایجاد اغتشاش در حقوق آمریکا به معنای ایجاد بلوا و شورش (SEDITION) است و جنبه براندازی رژیم و خیانت به کشور را ندارد.

۱۹. روحانی جیمز سوم، از جمله مشاوران الیجاه محمد، در یک مصاحبه اظهار داشته است: ما در ژانویه ۱۹۴۵ آزاد شدیم و من دوباره در آوریل ۱۹۴۵ به علت قصور در معرفی خود بازداشت شدم (نخستین بار به دلیل قصور در کار ثبت نام برای سربازگیری بود و هنگامی که به زندان افتادم بدون رضایت ما نام ما را ثبت کردند و ما را در ردیف مشمولان قرار دادند). به شورای سربازگیری نامه ای نوشتم حاکی از این که خودم را معرفی نکردم و بازداشت من بدین خاطر است. یک ماه دیگر را در زندان سپری کردم و آنان به شکایتم پاسخی ندادند. به نظر می رسید که تصمیم داشتند دوباره مرا به زندان بپندازند... پس از نزدیک به یک ماه، محاکمه ام آغاز شد، و پیش از آن که فرصت دفاع از خود را داشته باشم به دو سال زندان محکوم شدم. پس از صدور حکم، از قاضی اجازه صحبت کردن گرفتم و به او گفتم که نمی توانند مرا دوباره به زندان بپندازند؛ زیرا هنوز پنج ماه از مدت محکومیت سابق باقی مانده است. این پرسش من بود. قاضی پاسخ داد که نمی دانست من می توانم از تعلیق مجازات استفاده کنم. این موضوع را از قاضی پنهان نگاه داشته بودند. قاضی به دادستان گفت که تا پایان دوره تعلیق مجازات نمی تواند مرا به زندان بفرستد. مأمور تعلیق مجازات تأیید کرد که من دوره تعلیق مجازات می گذرانم. پس از آن هیچ گونه بازداشتی صورت نگرفت. مدت محکومیت سه ساله من، به دلیل حسن رفتار، به نه ماه کاهش یافت.

۲۰. منظور از تعلیق مجازات از نظرگاه حقوقی این است که، محکوم آزاد شده در زمان معینی پس از خاتمه محکومیت خود زیر نظر ناظر قانونی قرار می گیرد، در این مدت، چنانچه رفتار محکوم مطابق ضوابط قانونی باشد، پرونده تشکیل شده علیه او مختومه تلقی خواهد شد، در غیر این صورت، مجدداً به زندان انتقال می یابد.

۲۱. مصاحبه با برادر کریم الله، اهمیت این حقیقت در بخش چهارم، ص ۱۱۷-۱۱۸ شرح داده شده است.

۲۲. منظور سپیدپوشان است. (مترجم).

۲۳. مصاحبه با الیجاه محمد؛ و نیز محمد سخن می گوید، شیکاگو، دسامبر ۱۹۶۱، ص ۴.

۲۴. منظور وکیل تسخیری است. (مترجم).

۲۵. مصاحبه با روحانی جیمز سوم، Translation Movement

IMS

۲۶. مصاحبه با برادر کریم الله.

۲۷. مصاحبه با روحانی جیمز سوم.

۲۸. کنیسه به پرستشگاه یهودیان اطلاق می شود.

۲۹. مسلمانان ادعا می کنند که مبلغ ۹۳۵۰۰ دلار برای این دو ساختمان پرداختند. برخی از ناظران معتقدند که این رقم مبالغه آمیز می باشد.

۳۰. URBAN RENEWAL PROGRAMME HYDE PARK KENWOOD.

31. اظهار نظر شده است که طرح سی میلیون دلاری را نایستی جدی گرفت. قطعاً هنوز بسیار زود است تا داوری کنیم که آیا مسلمانان توانایی این هزینه مالی را دارند یا نه نویسنده معتقد است که، شاید در یک برهه طولانی قادر به این کار باشند، برای نخستین مرحله این طرح، هزینه سی هزار دلار برآورد شده و تلاش برای

جمع آوری این پول به شدت صورت می گیرد. مسلمانان کمک های زیادی می کنند. درخواست کمک مالی، محدود به مسلمانان نیست، بلکه از اجتماع سیاه پوست به عنوان یک کل نیز درخواست کمک شده است.

۳۲. پیامبر، ج ۱، (پرستشگاه اسلام)، نیویورک، سال ۱۹۵۹، ص ۳۸-۴۰.

۳۳. روحانی جیمز سوم در یک مصاحبه.

۳۴. جنگ های کره (۱۹۵۰° ۱۹۵۳): جنگ بین دو کره جنوبی و شمالی بود که منجر به دخالت آمریکا، چین و نیروهای سازمان ملل شده و با قرار داد ترک مخاصمه در سال ۱۹۵۳ خاتمه پذیرفت.

۳۵. جنگ های کره (۱۹۵۰° ۱۹۵۳): جنگ بین دو کره جنوبی و شمالی بود که منجر به دخالت آمریکا، چین و نیروهای سازمان ملل شده و با قرار داد ترک مخاصمه در سال ۱۹۵۳ خاتمه پذیرفت.

۳۶. مصاحبه با روحانی مالکوم ایکس.

۳۷. الکسی هیلی، آقای محمد سخن می گوید، ریدرز دایجست، مارس ۱۹۶۰، ص ۱۰۴.

۳۸. هرالد دیسپیچ، لوس آنجلس، ۲۸ مه ۱۹۵۹، ص ۱ و ۴.

۳۹. یک ناخن شست الیجاه محمد در حزب سپید پوست مسیحی به برابری، خلوص، زیبایی و مذهب سیاه پوستان حمله می کند (شیکاگو: پرستشگاه شماره ۲ اسلام، بدون تاریخ)، ص ۳-۴.

۴۰. روزنامه پیتزبورگ کرویو مبادرت به قطع پیام های هفتگی الیجاه محمد نمود.

۴۱. رقم تخمینی پانزده هزار نفر از سوی سخنگوی کنوانسیون گزارش شد، این رقم به نظر نویسنده و بسیاری از خبرنگاران جراید که درباره آن تفسیر نوشتند، درست به نظر می رسد. نویسنده در همه فعالیت های کنوانسیون های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ شرکت داشت، پرسش نامه هایی به دیدار کنندگان داده شد و در آن پرسیده شده بود که آیا به تعلیم الیجاه محمد اعتقاد دارند شمارش این پرسش نامه ها از سوی یک افسر پرستشگاه شیکاگو به نویسنده گزارش شد.

۴۲. (بولتن خبری) (شیکاگو: دفتر اخبار مسلمانان، هفتم مارس ۱۹۶۰)، ص ۱.

۴۳. MIKE WALLACE. 44. جت، ۲۷ اوت ۱۹۵۹، ص ۶.

۴۵. 46. THURGOOD MARSHAL. 47. ROY WILLKINS. به نقل از: شیکاگو

دیفندر، ۸ اوت ۱۹۵۹، ص ۱.

۴۸. تایم، دهم اوت ۱۹۵۹، ص ۲۵.

۴۹. تایم، دهم اوت ۱۹۵۹، ص ۲۵.

۵۰. SANDERSVILLE. 51. CLARA EYANS. 52. CORDELE. 53. الیجاه

محمد، ص ۲.

۵۴. از یک مصاحبه، در ماکون جورجیا، به خدمت شرکت راه آهن جنوب و شرکت آجرسازی چروکی در آمد و در آن جا یک سرکارگر خط واگن و آجر ساز بود.

۵۵. یک خبر دهنده موضوع را به نویسنده گزارش کرد.

۵۶. روحانی مالکوم ایکس درباره الیجاه محمد در اولین شب جلسه کنوانسیون سال ۱۹۶۰ سخن می گوید، و از او به عنوان مرد سیاه کوچک یاد می کند. پس از ورود الیجاه محمد یک دختر به نویسنده گفت: به چشم های خود اعتماد ندارم؛ زیرا منتظر بودم تا یک سیاه پوست واقعی را ببینم. اما چه کسی وارد شد یک چینی. او شباهت زیادی به شرقی ها دارد.

۵۷. نویسنده یک شب که الیجاه محمد طبق دستور پزشک استراحت کرده بود، به عیادتش رفت؛ اما وی برای پُست کردن یک نامه از خانه خارج شد، سپس آمد و نشست و با میهمان خود به صحبت پرداخت. او گفت: پزشکان واقعاً از دستشان کار زیادی ساخته نیست و وی به الله ایمان دارد

۵۸. یکی از روحانیان نهضت گفته است که، وی (الیجاه محمد) تا سال سوم و دیگران گفته اند که، تا سال هشتم مدرسه را تمام کرده است. صرف نظر از این که کدامیک حقیقت دارد، الیجاه محمد از این موضوع ناراحت نیست. برعکس این حقیقت که تحصیلات اندکی داشته جزئی از تفضل وی به شمار می آید؛ زیرا تحصیلات متعارفی او را فاسد نکرد، این موضوع مایه امید و منبع الهام پیروانش می باشد. موانع نخستین برای آنان اهمیت زیادی ندارد.

۵۹. گفته می شود که اتومبیل لینکلن الیجاه محمد در اواخر سال ۱۹۵۹ از سوی پیروانش در مسجد شیکاگو، به جای اتومبیل کرایسلر امپریال داده شد. نویسنده توسط یکی از منشی های الیجاه محمد آگاه شد که تقریباً به مدت یک سال، از پذیرفتن هدیه یک اتومبیل خودداری کرد تا این که پیروانش پول کافی برای خریداری دو قطعه زمین جهت مرکز اسلامی فراهم کردند. منشی مزبور با شتاب افزود که تغییر اتومبیل ها از نقطه نظر حیثیت آقای محمد مطلوب بود. نویسنده در نخستین دیدار الیجاه محمد با پیروانش در شیکاگو پس از بازگشت وی از سفر خاورمیانه و آفریقا، حضور داشت. در این دیدار، الیجاه محمد به پیروانش گفت که، پس از مشاهده این که چگونه آفریقاییان با پشتکار برای خود و اسلاف خویش تلاش می کنند، احساس کرد که گویی هر کادیلاک متعلق به یک سیاه پوست را بایستی بدور بیاندازد وی از مسلمانان خواست که دیگر اتومبیل جدیدی از آن نوع را ندهند.

Translation Movement
IMS

۶۰. مصاحبه با الیجاه محمد.

۶۱. تا سال ۱۹۵۳ پیروان الیجاه محمد بافینه قرمز به سر می گذاشتند؛ اما این کار ادامه نیافت زیرا الیجاه محمد مایل نبود که پیروانش با پیروان بافینه به سر نهضت مورها و سایر گروه های مسلمان که سیگار می کشند، مشروب می خورند و سوء رفتار دارند اشتباه شوند.

۶۲. از مصاحبه با یکی از پیروان.

۶۳. مصاحبه با روحانی جیمز سوم.

۶۴. مصاحبه با روحانی جیمز سوم.

۶۵. حزب مسیحی سفید پوستان حمله می کند...، ص ۱۱.

۶۶. براساس افسانه رایج میان اعضای این جنبش، منظور از قفقازی، سفید پوست است.

۶۷. این مورد، روحانی والاس دلانی محمد را درگیر نقض آشکار قانون سربازگیری کرد.

۶۸. یک پیرو در مصاحبه ای فاش کرد که هر جا الیجاه محمد سفر می کند، سکوت کامل در مسیر حرکت وی وجود دارد. و از این که با چه نوع وسیله ای حمل و نقل می کند و یا چه مسیری را طی می کند و حتی درباره زمان ورود و خروج وی نیز اطلاعات وجود دارد. همواره یک گارد محافظ همراه اوست و ترتیبات خاص امنیتی تا صد یاردی الیجاه محمد وجود دارد. اگر کسی بخواهد الیجاه را ترور کند بی درنگ کشته خواهد شد. مسجد، تدابیر امنیتی خاصی در هنگام سخنرانی وی و در کنار درها وجود دارد و این تدابیر تا وقتی که وی به اتفاق گارد محافظ خود سوار اتومبیل شود، ادامه دارد. هنگام سفر وی، این تدابیر به خوبی انجام می شود. این تدابیر خاص امنیتی، زندگی آنان را در اختیار الیجاه محمد می گذارد تا وارد یک محل شده و از آن خارج شود.

۶۹. در کتب معتبر اسلامی مانند سیره ابن هشام و تاریخ طبری آمده است: پس از درگذشت پیامبر، در روز دوشنبه ۲۸ ماه صفر عمر بن خطاب به مسجد رفت و به مردم گفت: پیامبر رحلت نکرده است و دست و پای هر کس را که بگوید که پیغمبر درگذشته است خواهم برید. در این هنگام ابوبکر وارد مسجد شد و عمر را خاموش کرد و با خواندن آیه ۱۳۸ از سوره آل عمران و آیه ۳۱ از سوره الزمر گفت: ای مردم! هر که محمد را می پرستید، اینک محمد مرده است و هر که خدای او را می پرستید، خدا زنده است، بروید و جنازه پیغمبر را دفن کنید. عباس نیز میان مردم آمد و رحلت پیامبر را تأیید کرد. پس جنازه را در خانه خود پیغمبر و در محل بسترش به خاک سپردند. (مترجم).

۷۰. از مباحثه بین دو افسر مسجد شیکاگو در حضور نویسنده.

۷۱. کنایه از انسان پاک و عاری از گناه است.

۷۲. عبدالنایم، یک مبلغ اسلامی در ایالات متحده و نماینده جماعت الفلاح (یک سازمان پاکستانی) یادآور می شود: همان گونه که ملاحظه می کنیم، تعلیم الیجاه محمد (که از طریق مساجد عرضه می شود) موجب شده است که آمریکایی های بیش تری با اسلام آشنا شوند تا مجموعه تلاش های سایر افرادی که در آمریکا به اسلام می گروند. ما از این حقیقت آگاه هستیم که الیجاه محمد بدان گونه که برخی از مسلمانان می گویند براساس اصول نژادی عمل می کند. به عبارت دیگر، اسلام در نظر او و در سخنانش، به مثابه یک مذهب انسان سیاه است. با این حال برای ما دشوار نیست تا خردمندی چنین رویه هایی از جنب او را درک کنیم. تنی چند از دوستان ما مدعی هستند که تعلیم اسلامی الیجاه محمد با اسلام مشرق زمین تفاوت دارد. آقای محمد به این موضوع اذعان داشته و توضیح می دهد که با مردم من، بایستی براساس شالوده خاص رفتار کرد، زیرا گذشته و اوضاع و احوال آنان از سایر اوضاع و احوال های حاکم در دیگر نقاط جهان متفاوت است. شما نمی توانید یک دارو را برای درمان بیماری های گوناگون به کار برید. (مجله دنیای اسلام و ایالات متحده آمریکا، شماره اکتبر، نوامبر و دسامبر ۱۹۵۶ ص ۸ و ۹) البته غالب نحله های اسلامی قدیمی تر در آمریکا از الیجاه محمد به عنوان یک رهبر مسلمان استقبال نکرده و برخی حتی با حقارت به افراد به اصطلاح مسلمان وی می نگرند. این موضوع به خصوص درباره مسلمانان فرقه احمدیه صادق است که رقیب نهضت مسلمانان به شمار می رود و چند سال پیش در شیکاگو توسط یک عرب فلسطینی، که قبلاً در دانشگاه اسلام کارمند الیجاه محمد بود، تأسیس شد.

۷۳. این اصطلاحات و عبارات در سخنرانی های روحانیان و پیروان الیجاه محمد آمده است.

۷۴. این اصطلاحات و عبارات در سخنرانی های روحانیان و پیروان الیجاه محمد آمده است.

۷۵. هرال دسیپچ، چاپ شیکاگو، نوزدهم دسامبر ۱۹۵۹، ص ۱؛ (والاس، بسیار شهرت دارد و به عنوان رهبر مسلمانان، جانشین الیجاه محمد خواهد شد). هرال دسیپچ به وسیله یکی از پیروان الیجاه محمد در لوس آنجلس به چاپ می رسد.

۷۶. عدد هفت از نظر مسلمانان از یک اهمیت غیبی برخوردار است.

۷۷. جدایی مالکوم ایکس از نهضت در سال های بعد، درستی این نظر را به اثبات رسانید.

۷۸. مسلمانان سیاه آمریکا، ص ۱۰۹.

۷۹. هم برای اعضا و هم برای افسران، حیطة کافی جهت تصمیم گیری در جزئیات وجود دارد، به شرط این که در خصوص سیاست های عمومی و ضوابط دچار اختلاف نشوند. روحانیان مسجد در خارج از شیکاگو چنین مسؤولیت هایی را به عهده دارند. در شیکاگو، روحانیان و افسران با الیجاه محمد درباره مسائل جزئی بی شمار به شور می پردازند که در مساجد نیویورک یا کالیفرنیا به عهده روحانیان آن جا می باشد.

۸۰. جای تردیدی نیست که یک نظام سلسله مراتب مناسبی در بین افسران نهضت ملت اسلام وجود دارد. ادعای برابری خواهی، بیش تر جنبه معنوی دارد تا واقعی. تفاوت در مفهوم نظام سلسله مراتب در ملت اسلام، از سوی دو افسر ابراز شد. یک روحانی در مصاحبه ای به گونه ای قطعی و مؤکدی گفت: الیجاه محمد رهبری عالی نهضت اسلام است و روحانیان مسؤول مساجد، مقام دوم را دارند. سپس فرماندهان هستند. فرماندهی که در مسجد محل اقامت الیجاه محمد به فعالیت اشتغال دارد، سمت فرماندهی کل را دارد.

۸۱. به طور عادی، هنگامی که سیاه پوستان می گویند عازم دیدار مرد هستند منظورشان یک مرد یا یک رئیس سفید پوست است.

۸۲. CAPTAINS. 83. SECRETARIES. 84. TREASURERS. 85. INVESTIGATORS. 86.

یک روحانی که به مدت بیست سال، در یک مسجد فعالیت دارد و در شمار نزدیکان الیجاه محمد می باشد، در مصاحبه ای ادعا کرد که موردی پیش نیامده که الیجاه محمد از تأیید انتخاب یک نفر از سوی روحانیان خودداری کند.

۸۷. علاوه بر منشی های مخصوص الیجاه محمد، دو منشی دیگر نیز هستند که وظیفه شان بایگانی و روابط عمومی مسجد شیکاگو می باشد.

۸۸. SUPERMECAPTAINS. 89. CAMMONDOR. 90. FRUITS OF ISLAM. 91. MOSLEM GIRLS TRAINING AND GENERAL CIVILIZATION. 92. M.G.T.G.C.C. 93. RAYMOND SHARIFF. 94. LOTTIE. 95. NATIONAL SECRETARY. 96. POOR TREASURER. 97. HERBERT. 98. TATANIEL

میوه های اسلام

میوه های اسلام

براساس یک قاعده کلی، هر مسجد برای مردان سازمانی را تأسیس می کند که میوه های اسلام نامیده می شود. یک مسجد جدید تنها پس از گذشت دو سال از تاریخ تأسیس آن اجازه ایجاد این سازمان را دارد. میوه های اسلام خود را به عنوان یک سازمان نظامی در مسجد توصیف می کند؛ اما این سازمان با آن که انتظامی است، اسلحه حمل نمی کند و هیچ گونه هدف نظامی ندارد؛ زیرا بنابر آرمان رسمی نهضت، الله، در وقت مناسب شیطان را از سیاره زمین بیرون می راند. یکی از تعالیم الیجاه محمد آن است که پیروانش نباید هرگز اسلحه حمل کنند. تأکید وی بر عدم توسل به خشونت و حدود آن، بعدها مورد بحث قرار خواهد گرفت. میوه های اسلام دارای نوعی ویژگی های آموزش نظامی در سازمان، انضباط و درجات افسران آن می باشد. نویسنده کتاب از یک مسلمان پرسید که آیا در مسجد شیکاگو یک سازمان نظامی وجود دارد یا خیر وی پاسخ داد:

شما از وضع میوه های اسلام خبر دارید. وظایف آن اساساً حمایت و دفاع از ملت اسلام و اتباع آن است ... ما آموزش نظامی می بینیم. همچنین به تحصیلاتمان در میوه های اسلام ادامه می دهیم. منظور ما از حمایت از ملت، جانبداری صددرصد از همه چیز ملت و اتباع آن و حتی دستگیره های در مسجد است. هرکس این مقررات را زیر پا بگذارد، یا خسارتی بر ملت وارد آورد، با وی به شدت رفتار خواهد شد. اگر لازم باشد، خشونت جسمی برای دفاع از نفع ملّی ملت اسلام به کار خواهد رفت. ما هیچ نوع اسلحه گرم نداریم و آموزش ما بدون اسلحه گرم صورت می گیرد. ما فن دفاع از خود را فرا می گیریم. آنچه که یک عضو میوه های اسلام می تواند بدون اسلحه گرم انجام دهد، یک آشپز هم می تواند با سیب زمینی انجام دهد. ما عضو میوه های اسلام هستیم و هیچ نیاز به اسلحه گرم نداریم. وظیفه یک برادر مسلمان این است که از زندگی یک خواهر و برادر مسلمان با به مخاطره افکندن زندگی خود دفاع کند.

بسیاری از مسلمانان، میوه های اسلام را یک سازمان نظامی در مفهوم عمومی و متداول آن نمی دانند. این توصیف برای ادراک وظایف آرمانی و نیز وظایف عملی سازمان کافی نیست. یک بررسی انجام شده از این سازمان، حاکی از این است که:

ترس و واهمه از دردسرهای احتمالی با کافران، بویژه با پلیس، انگیزه تأسیس میوه های اسلام بود. یک سازمان نظامی از مردان که به وسیله رؤسای این سازمان آموزش می بینند و تاکتیک های لازم را می آموزند. (۱).

از نظر آرمانی، سازمان میوه های اسلام با اعتقاد عمومی مسلمانان دایر بر این که ملت اسلام ملتی در دل یک ملت است، سازگاری ندارد. از این رو، باید حکومت خاص خود را داشته باشند. این اعتقاد، نوعی تجلّی از حقیقت مربوط به سازمان و وظایف آن را در خود نهفته دارد. سازمان اعضای خود را وادار می کند تا اهمیت و

رسالت جدی ملت اسلام را درک کرده و در عین حال به مقامات نهضت احترام بگذارد. میوه های اسلام، به عنوان ارگان الهام بخش عقاید و انضباط، شور و شوق را در مسلمانان بیدار می کند و تداوم می بخشد و روحیه افراد را تقویت می کند و یک وسیله بی همتای اجتماع مسلمانان به شمار می رود. مهم تر از همه، مسلمانان احساس ایمنی می کنند؛ زیرا ملت اسلام دارای سازمانی است که نظم را برقرار می کند و بویژه مسلمانان را در برابر حملات یا خطرات خشن خارجی حفظ می کند. اعضای میوه های اسلام از نوعی اعتبار در میان مسلمانان برخوردارند و خود را حامیان منافع ملت، بویژه ناموس زنان مسلمان سیاه می دانند.

سازمان میوه های اسلام و فعالیت هایش، همچنین بازتاب این هراس است که احتمال دارد رفتار عاری از نظم مسلمانان به مقاومت غیر نظامی آمریکا برخوردنده باشد. اجتماع مسلمانان به عنوان یک کل، ممکن است از سوی خارجیان تحریک به خشونت شود و سازمان می خواهد تا از این تحریکات جلوگیری کند. سازمان می داند که رفتار عاری از نظم و انضباط مسلمانان می تواند از منابع متعدد سرچشمه بگیرد. نخستین منبع، همان گونه که یک روحانی مسلمان به نویسنده گفت، از عقاید نادرست درباره عیسی مسیح و مسیحیت و جامعه سیاه پوست ریشه می گیرد. وی استدلال کرد سیاه پوستانی وجود دارند که پس از شنیدن تعالیم الیجاه محمد دست به خشونت می زنند (مسیحیان عقب مانده که تقدس مسیحیت و حیثیت جامعه سفید پوست را با به خطر انداختن زندگی خود حفظ می کنند). دومین و مهم ترین عامل تحریک مسلمانان شاید حضور یک عامل تحریک در بین آنان است که به طرز زیرکانه ای به جلسات فرستاده می شود، تا یک رویداد را دامن بزند و بهانه ای به دست دولت برای درهم شکستن نهضت بدهند. مسلمانان پیوسته از این پیش بینی نگران هستند. خواسته مسلمانان برای پذیرش در اجتماع و برخورداری از احترام در جامعه، ایجاب می کند که مسلمانان نباید هرگز متجاوز باشند و خشونت را دامن بزنند.

بیم از این که عوامل خارجی، خشونت را میان مسلمانان دامن بزنند در دیدار مهم الیجاه محمد و یکی از روحانیان نهضت در پانزدهم اوت ۱۹۵۹ به طور کامل مورد بحث قرار گرفت و نویسنده نیز در این دیدار حضور داشت. دیدار در منزل الیجاه محمد انجام شد و محیط گفت و گو تا حدی متشنج بود. با این که الیجاه محمد ظاهراً آرام به نظر می رسید و قهوه اش را می نوشید، با وجود این، نگران بود. این دیدار به سبب فرستاده شدن نامه (استونر)(۲) فاضل والا مقام شوالیه های مسیحی (کوکلوس کلان)(۳) برای کمیسر پلیس نیویورک، انجام گرفت. در این نامه که تاریخ آن ششم اوت ۱۹۵۱ بود آمده است:.

از ستاد ملی صندوق پستی شماره ۴۸ آتلانتا - جورجیا.

به: عالیجناب استفان پ. کندی کمیسر پلیس شهر نیویورک محرمانه و کاملاً سری. سفید پوست هم رنگ گرامی من.

موضوع: مسلمانان سیاه.

شوالیه های مسیحی کوکلوس کلان از همه مردم سفید پوست وفادار، خواه کاتولیک یا پروتستان، متولد آمریکا یا خارج از آن، جوان یا پیر، تشکیل شده است. تلاش ما این است تا تمام نیروهای مسیحیت سفید پوست را برای مبارزه در راه حفظ نژاد کبیر سفید متحد سازیم، آینده تمدن بستگی به بقای نژاد سفید و بسیار

با هوش دارد که رساننده حقیقت مسیحیت است. گزارشی از یکی از افراد کوکلوس کلان در اداره پلیس نیویورک دریافت کرده ام که حاکی از آن است که، مسلمانان نیجری، (منظور نهضت الیجاه محمد است) علیه قانون و نظم سفید پوست، دست به شورش زده اند. در گزارش آمده است که، این سیاهان هیچ گونه احترامی برای افراد پلیس سفید پوست و مسیحی قایل نیستند. به این جهت به سود قانون و عدالت، پیشنهاد می کنم که از شوالیه های مسیحی کوکلوس کلان حمایت کنید.

کمیسر کندی: دوست گرامی من، بدین وسیله خدمت شوالیه های مسیحی کوکلوس کلان را به منظور حفظ برتری سفید پوستان در شهر نیویورک و سرکوب کردن نیجریه ای های مسلمان در این شهر، به شما عرضه می کنم. تصور می کنم که پنج هزار کوکلوس کلان چنانچه به آنان کارت شناسایی و لباس پلیس نیویورک داده شود، قادرند محله هارلم را از وجود سیاهان پاک سازی کنند. آنان لباس های کوکلوس کلان خود را در منزل می گذارند، به طوری که نیجریه ای ها نتوانند دریابند که نیروهای امدادی پلیس همان سفید پوستان کوکلوس کلان هستند. همچنین می توانید از وجود شوالیه های مسیحی به عنوان گارد محافظ مغازه های سفیدپوستان در محله هارلم، و نیز در سایر مناطق نیویورک که مشتریان نیجری مشکلاتی را برای کسبه به وجود می آوردند، استفاده کنید. سرانجام این کاکا سیاه ها چگونه توقع دارند که زندگی خود را بدون خرید از کاسبان سفیدپوست بگذرانند. شما می توانید از افراد کوکلوس کلان برای حفاظت از فروشندگان سفیدپوست در هارلم و سایر نقاط نیویورک که از طاعون سیاه در رنجند استفاده کنید. (۴).

برای الیجاه محمد و کسان دیگری که در این ملاقات حضور داشتند، روشن نبود که چگونه یک نامه کاملاً محرمانه ارسال شده برای کمیسر پلیس نیویورک، یک هفته پس از ارسال آن، به دست الیجاه محمد رسیده است. نویسنده نامه اتهامات وارده بر مسلمانان را بسیار جدی گرفته بود. روحانی مالکوم ایکس در این مورد اظهار داشت:

جای تردیدی نیست که کوکلوس کلان در شهر نیویورک و بویژه در بخش پلیس بسیار فعال است. به دلیل رویداد (مایلز دیویس) (۵) که منجر به کشته شدن یک سیاه پوست در حوزه ۷۹ پلیس شد و (ماجرای میسی) (۶) که پلیس به اقدامات وحشیانه ای دست زد و سایر شورش های اخیر که مسبب آن پلیس بود... ما فکر می کنیم که شواهد طبیعی حاکی از فعالیت زیاد کوکلوس کلان در نیروهای پلیس نیویورک به چشم می خورد، همان گونه که این نامه نشان می دهد. (۷).

مالکوم ایکس با تکیه بر مسالمت جویی مسلمانان گفت:

گذشته مسلمانان در هارلم یکی از موارد انضباط و اطاعت از قانون از سوی مسلمانان می باشد. ما هرگز اشاره یا نشانه ای به هیچ نوع خشونت نکرده ایم. با این حال، در چند هفته اخیر هدف نوعی تبلیغات ضد مسلمانان قرار گرفته ایم که ما را وادار می کند تا بپذیریم که به دلیل حفظ نظم و اطاعت از قانون مجازات می شویم. (۸).

وقتی روزنام آمستردام نیوز (۹) نظر معاون کمیسر پلیس نیویورک را درباره این نامه پرسید، وی گفت:

ما به این گونه نامه ها پاسخ نمی دهیم تا با پاسخ خود آنها را ارزشمند سازیم. ما اجازه نمی دهیم که قرارگاه پلیس به دست افرادی بیفتد که نیازی به اندرز آنان در کار اداره امور پلیس نداریم. تعداد این گونه نامه های بی ارزشی که برای ما فرستاده می شود، بسیار است و ماه مه آنها را برای مقامات مربوطه می فرستیم. (۱۰).

به رغم ارزیابی ملایم معاون کمیسر پلیس نیویورک از اهمیت چنین نامه ای، الیجاه محمد موضوع را جدی گرفت، و امکان این که (شخص دیگری از سوی گروه دشمن در جلسات ما حضور می یابد تا زمینه بحران را آغاز کند) رد نکرد. وی در مورد نظر مقامات پلیس در این زمینه به پیروان خویش گفت:

مایه حیرت است که دولت و ادارات پلیس و آگاهی به راستی برآند تا مسلمانان را به صورت پرخاشگران نشان دهند. آنان طالب سیاهان نجیب و مسالمت جو نیستند. دولت از سیاهان مسالمت جو خوشش نمی آید و ناراحتی آنان نیز از همین بابت است. آنان از این که مسلمانان آدم های خاطی نیستند، احساس نفرت می کنند.... (۱۱).

نویسنده کتاب از الیجاه محمد پرسید: اگر یک سیاه پوست یکی از پیروان شما را در جلسه مسجد کتک بزند، چه پیش خواهد آمد او با اطمینان پاسخ داد:

غیر قابل تصور است که پیروانم هم او را کتک بزنند؛ زیرا همه آنان آموخته اند تا از دست زدن به هر نوع خشونت و از جمله کتک زدن به یک برادر یا همسر اجتناب کنند. او همچنین گفت:

این کار زیر پا گذاردن قوانین اسلامی است و مجازات دارد.

با این حال، وی رهنمود شدید اللحنی برای روحانیان مسلمان صادر خواهد کرد که:

توی گوش آنان بکنید که نباید هرگز پرخاشگر باشند و به خشونت توسل جویند، مگر آن که بخواهند از زندگی خود دفاع کنند، آن هم موقعی که زندگی شان به مخاطره افتاده باشد.

الیجاه محمد مانند سایر موارد، نویسنده را با اتومبیل لینکن خود که به تازگی خریده بود به خانه رساند. در طول راه، نویسنده درباره خوش بینی الیجاه محمد نسبت به مسالمت جویی پیروانش دچار تردید شده بود و تردیدش را ابراز کرد؛ اما الیجاه محمد مطمئن بود که یک برادر به برادر دیگر حمله نمی کند. گماردن جاسوسان در جلسات ما، کمکی به ایجاد بلوا نمی کند و این شگرد دشمنان ما به شکست می انجامد. اعتقادات ما و قوانین اسلامی و مجازات آن برای جلوگیری از بروز خشونت کافی است؛ یعنی، صلح و عدم توسل به خشونت.

با این که میوه های اسلام حق حمل اسلحه را ندارند، اما تمرینات لازم که بخشی از فعالیت های تأمین تندرستی است به طور منظم انجام می گیرد. این تمرینات هفته ای یک بار انجام می شود. محل انجام این تمرینات بر روی سایر مسلمانان بسته است، لکن گاه میوه های اسلام مهارت های خود را برای مسلمانان به نمایش می گذارند و این گونه نمایش ها هم مسلمان و هم سایر شرکت کنندگان را تحت تأثیر قرار می دهد. آیین نامه های عمومی این تمرینات نشان دهنده نوعی از رفتار پلیس، و درجات افسران به صورت سروان بودن رئیس سازمان مردان و ستوان بودن معاونان او و عرضه هنر دفاع از خود مانند بوکس و جودو

است. الیجاه محمد یا رؤسای مردان می توانند برای انجام وظایف مسجد از اعضای میوه های اسلام دعوت به کار کنند. رعایت قوانین اسلامی از سوی اعضای میوه های اسلام بیش تر مورد انتظار است. اعضا بر حسب شماره، مأموریت می گیرند، مانند (میوه های اسلام ویژه شماره ۱۰۵). این طرح و برنامه که موجب ایمان و اعتقاد به شماره های داده شده به اعضا است، یکی از پوشش های آرمانی است که در مسلمان احساس اهمیت دادن به مأموریت را پدید می آورد. حتی حروف میوه های اسلام بر لباس آنان دوخته می شود. در سال ۱۹۵۸ مسجد (۱۲) شیکاگو تقریباً دارای یک صد عضو از میوه های اسلام بود و در داخل سازمان یگان های متعددی از اعضا به کارهای گوناگون گمارده شدند. مهم ترین یگان (گارد افتخاری ویژه) (۱۳) می باشد که ریاست آن با یک ستوان است که در عین حال دبیر مسجد نیز به شمار می آید، این یگان که از جوانان تشکیل می شود (اغلب آن ها زیر سی سال هستند) گارد محافظ الیجاه محمد در جلسات عمومی است.

وظایف میوه های اسلام.

جلسات به طور منظم دوشنبه شب ها برگزار می شود. اعضای میوه های اسلام به گروه هایی چند برای آموزش تمرینات بدنی و کارهای مسجد مانند تنظیف و نقاشی و... تقسیم می شوند. در جلسات بازرگانی، بازرسان درباره رفاه برادران تحقیق می کنند. به برادرانی که مشکلات مادی داشته باشند به طور کلی مساعدت می شود. به افراد بی کار در صورتی که برای آنان کاری پیدا نشود، کمک می شود تا کاری پیدا کنند، به این ترتیب که اعضای دارای شغل و پیشه (باید گوش های خود را تیز کنند) و ببینند که امکانات استخدام در محل های کارشان وجود دارد یا خیر، در صورت وجود چنین امکاناتی، موضوع را فوراً به سازمان میوه های اسلام اطلاع می دهند و سازمان نیز به نوبه خود به اعضای فاقد کار، آگاهی می دهد که درخواست شغل کنند. در موارد بسیاری، به یک عضو بی کار به طور غیرمستقیم کمک شده و در یکی از دفاتر مسجد استخدام گردیده است، بی آن که نیازی به وجود او باشد. به این طریق، برای اعضای استخدام شده این فکر به وجود نمی آید که صدقه و اعانه می گیرند. البته این شیوه چندان مورد استفاده قرار نمی گیرد. (۱۴) روحانی (والاس) معتقد است که:.

یک برادر در صورتی از کمک های لازم برخوردار می شود که راستگو، وفادار و قابل اعتماد باشد. او می گوید:.

همه برادران مسلمان، مردان شایسته ای هستند و شایسته نبودن غیر عادی است. ما توقع کامل بودن نداریم؛ اما می توانیم بگوییم که آیا یک برادر برای خوب بودن تلاش می کند یا خیر (۱۵).

افسران میوه های اسلام شامل سروان، ستوان یکم، ستوان دوم و ستوان سومند. احترام به افسران، جزئی از دستورات عمومی و آیین نامه های میوه های اسلام است. به افسران مافوق بایستی به گونه ای درست، سلام نظامی داد. در زیر برخی از دستورات عمومی مربوط به اعضای میوه های اسلام آمده است:.

۱. تمامی وظایف محول شده را به عهده بگیریم.
۲. سرباز باشیم، مراقب باشیم و سریع العمل.
۳. هرگونه سوء تفاهمی را تحت هر شرایطی گزارش کنیم.
۴. در پُست نگهبانی خود درست بایستیم. یک عضو، سرپُست خود نباید دست دهد، و همواره باید به حالت خبردار بایستد.
۵. پُست نگهبانی را پس از تحویل دادن به نگهبان بعدی باید فوراً ترک کنیم.
۶. دستورات را از افسران و درجه داران و گاردها دریافت و اجرا کنیم.
۷. متوجه گفتار خود هنگام انجام وظیفه باشیم.
۸. هنگام برگزاری جلسات به همه افسران و سربازان نهضت احترام نظامی بگذاریم. (۱۶).
- آیین نامه آموزشی (۱۷) اعضای میوه های اسلام شامل موارد زیر است:
۱. نظافت جسمی و روحی و تنظیف اموال مسجد (مدرسه و دیگر دارایی های مربوط به آن).
۲. عشق و وحدت: الف) عشق به رهبر و پیشوا عالیجناب الیجاه محمد، ب) عشق به یکدیگر، ج) آگاهی از وحدت، د) داشتن هدف یکی شدن با دیگران.
۳. عقیده مذهبی: الف) اخوت اسلامی در هر جلسه (از کتاب الاسلام) خوانده شود، ب) قسمتی از زندگانی محمد اثر (مولانا علی) نیز خوانده شود، ج) مطالعه کتاب (خود متعالی) (راه حلی برای مشکل سیاهان - اثر الیجاه محمد - چاپ دانشگاه اسلام).
۴. تمرینات بدنی: پیاده روی، ورزش های سالم، تمرینات و مشق نظامی.
۵. نزاکت نظامی: الف) دادن سلام نظامی به طرز درست، ب) سلام دادن به افسران بر حسب درجه آنان، ج) خطاب قرار دادن یک افسر بر حسب درجه اش، د) اجرای تمام دستورات صادره از سوی یک افسر.
۶. سفرهای تحصیلی: الف) موزه ها، ب) باغ وحش، ج) سیاره نما، (۱۸) د) ماهی خانه؛ (۱۹).
۷. کلاس رسم: ترسیم نقش های دلخواه؛
۸. کلاس هنرهای چوبی: کلاسی که باچوب ساخته شود.
۹. دفاع از خود: الف) بوکس، ب) جودو، ج) انواع کشتی.
- سایر وظایف میوه های اسلام، شامل موارد زیر است:
۱. الیجاه محمد را خوشحال سازید.
۲. مرده را نزد او ببرید.
۳. روح ۲۶ فوریه را زنده نگه دارید.
۴. دعای سرور (فرد) را انجام دهید.
۵. درخانه آتش بیفروزید. (۲۰).
- یک عضو نوزده ساله سازمان میوه های اسلام، برخی از وظایفش را به شرح زیر عنوان کرد:

جمعه شب در خیابان شماره شصت و سوم سرگرم پاک کردن ماهی بودم (۲۱) پس از آن به مسجد برگشتم تا در جلسه ساعت هشت شرکت کنم. ما نه تنها روزنام پیتزبورگ کوریه را می فروختیم، بلکه خریداران را به شنیدن پیام الیجاه محمد دعوت می کردیم. شاید کمی عجیب باشد که اگر بگویم اغلب مردم ما این روزنامه را نمی خرنند. من وظیفه دارم که هفته ای ۳۵ نسخه از این روزنامه را بفروشم، ولی من تنها می توانم نصف آن را بفروشم و بقیه روی دستم می ماند. هر عضو میوه های اسلام مسؤول است که حد اقل سی و پنج نسخه از این روزنامه را در هفته بفروشد. برخی از برادران بیش تر از ۳۵ نسخه می فروشند.

ترتیب دادن مهمانی ها در مسجد، به عهده میوه های اسلام است. در یک ضیافت شام بوقلمون که از هزینه اعضای نهضت در سالن کنفرانس دانشگاه اسلام برگزار شد، یک دسته موزیک چهار نفره شامل نوازنده ساکسیفون، یک طبال توم توم (۲۲)، یک نوازنده کرنیت (۲۳) و یک گیتار زن، موسیقی ملایم و پاپ را اجرا می کردند. (چای برای چای) نام قطعه ای بود که نواخته می شد. هر چهار موزیسین پیش از عضویت در نهضت نوازندگان حرفه ای بودند. اعضای جزء میوه های اسلام و پسرهای بین سیزده تا هیجده ساله مشق نظامی را اجرا کردند و اجرای آن دقیق و از روی نظم بود. نویسنده کتاب از اجرای آن، که شامل (سلام نظامی اصلی) و نیز (سلام های ویژه) بود به حیرت در آمد. سلام اصلی همان سلام متداول نظامی است، ولی رو به شرق می ایستند و سلام می دهند. سلام ویژه، ابتکار نهضت است.

آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی.

(سازمان آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی) نامی است که بر آموزش زنان و دختران مسلمان در آمریکا برای خانه داری، تربیت فرزندان، شوهرداری، خیاطی و آشپزی و به طور کلی شیوه رفتار در خانه و خارج از آن، نهاده اند. (۲۴) تنها زنانی به عضویت این سازمان در می آیند که بتوانند در همه فعالیت های مسجد شرکت کنند. می توان از آنان خواست تا هر وظیفه ای را که در صلاحیتشان است، در مسجد به عهده گیرند. آنان افسران مسجد و خدمتگزاران ملت هستند. بیش تر آنان در خارج از مسجد شغلی دارند. در زمان کنونی، تعداد ۷۵ زن در سازمان مسجد شیکاگو عضویت دارند. سازمان آموزش دختران مسلمان براساس اصول سازمان میوه های اسلام بنا شده، با این تفاوت که تمامی وظایف سازمان میوه های اسلام را به عهده ندارد. بهداشت و نظافت شخصی زنان مورد تأکید است. به زنان خواندن و نوشتن (بویژه به کسانی که نتوانسته اند تحصیلات رسمی بکنند) تاریخ، خانه داری (شامل خیاطی و آشپزی و نظافت و غیره) آموخته می شود. اعضای این سازمان مسؤول آموزش زنان مسلمان و خوب، و مراقبت از کردار و رفتار اعضای زن نهضت هستند. آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی به طور منظم پنج شنبه شب ها تشکیل می شود.

سازمان آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی به همه زنان بالای سیزده سال تکلیف می کند که ماهی دو بار وزن بدن خود را گزارش کنند. براساس گفته یک مصاحبه شونده، هر زن و دختر این گروه سنی

باید سطح وزن را حفظ کنند. برای هر یک پوند وزن اضافی (۲۵) و خارج از مقررات، یک سنت جریمه در نظر گرفته شده است. سوابق این موضوع را، دقیقاً خواهر (روزی لی) (۲۶) کارمند مسجد نگه داری می کند. بنا به گفته وی، زنان مسلمان با پرداخت جریمه اعتراضی ندارند؛ زیرا معتقدند که، چیزی که برای همه خوب باشد، نمی تواند بد به شمار آید. به عبارت دیگر، آنچه که الیجاه محمد فرمان می دهد به سود همگان است. برنامه رفاهی سازمان، شامل تحقیق درباره وضع رفاهی خواهران مسلمان در جلسات و تلاش برای بر آورده ساختن نیازهای ایشان است. هم سازمان میوه های اسلام و هم سازمان آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی دارای تقسیمات فرعی کمیته های بیماران و بینوایان است. کمیته بیماران به امور بیماران رسیدگی و از آنان عیادت می کند، کمیته بینوایان درباره شرایط فقرا یا اعضای بی کار تحقیق کرده و توجیه هایی در زمینه کمک به آنان می دهد. روی هم رفته، دو سازمان یاد شده در خدمت تحصیل بزرگسالان و سیاست های ابتکاری ملت است و اعضای آنان خدمتگزاران ملت به شمار می آیند. خواندن قرآن (خردمندی متعالی) برای اعضای این دو سازمان اجباری است.

فعالیت های همبستگی.

علاوه بر روابط رسمی اعضا و سازمان هایی که در پی آمد، سازندگی ملت اسلام به مشارکت مداوم اعضا نیاز دارد، هماهنگ کردن فعالیت های نهضت در سایر سطوح نیز برای تحقیق تدریجی ساخت ملت و همبستگی متقابل اعضا، ضرورت دارد. الیجاه محمد به دلایل گوناگون قادر نیست با همه پیروانش تماس مستقیم شخصی، به جز از راه مکاتبه، داشته باشد. باوجود این، حضورش از راه ارسال (پیام ها) به مساجد و شرکت روحانیان یا یکی از اعضای خانواده اش (غالباً روحانی والاس) در مساجد احساس می شود. مالکوم ایکس رئیس مسجد نیویورک اغلب به نمایندگی از سوی الیجاه محمد در این مراسم حضور می یابد. دیدار الیجاه محمد از مساجد خارج از شیکاگو به ندرت صورت می گیرد. در واقع، وی تنها از یک مسجد در جنوب آمریکا دیدن کرده که در آتلانتا (ایالت جورجیا) قرار دارد و این دیدار نیز اخیراً صورت گرفته است. پیروان الیجاه محمد غالباً رنج سفر طولانی را تحمل کرده و برای شنیدن تعالیم او در مسجد شیکاگو، یا دیدن شخص وی، می آیند. در سال ۱۹۵۹ گزارش شد که بیش تر از ۳۵۰۰ مسلمان از گوشه و کنار آمریکا به واشنگتن دی. سی مسافرت کردند تا تعالیم او را بشنوند و به افتخار دیدارش نایل آیند. این رقم تا اندازه ای مبالغه آمیز به نظر می رسد. بهترین موقعیت برای هماهنگ ساختن و کشاندن اعضا در فعالیت های ملی در روز جشن ناجی و کنوانسیون سالانه است.

روز ناجی.

پیروان الیجاه محمد هرسال در ۲۶ فوریه، که سالگرد تولد سرور (فرد) (والاس محمد) می باشد، مشتاقانه در انتظار وحدت معنوی با رهبر خود و با یکدیگر هستند. بیش تر مسلمانان در این روز به عبادت می پردازند. همچنین، در کنوانسیون سالانه نهضت که در ۲۷ فوریه آغاز می شود، شرکت می کنند. ۲۶ فوریه روز عبادت و تفکر و شادمانی است. در روزهای تولد ناجی و تشکیل کنوانسیون، تجدید آشنایی می شود. آشنایی های نو به وجود می آید و هدیه ها رد و بدل می گردد.

در سال ۱۹۶۰ به مناسبت روز ناجی نزدیک به بیست هزار کارت تبریک چاپ شد و با قیمت یک دلار و نیم برای هر جعبه محتوی یازده کارت به فروش رفت.

روز ناجی برای مسلمانان به مثابه کریسمس مسیحیان است. خواهران مسلمان لباس های سفید یکدست و مردان کت و شلوار همراه با کراوات های دستباف می پوشند که نوع آن از سوی رئیس کل سازمان مردان تعیین می شود.

در کنوانسیون سال ۱۹۶۰، و نیز در کنوانسیون های پیشین، مردان مسلمان ناگزیر بوده اند لباس های زیر را بپوشند:

۱. روز اول: لباس آبی با کراوات سفید رنگ دستباف؛

۲. روز دوم: لباس قهوه ای با کراوات قهوه ای دستباف؛

۳. روز سوم: لباس تیره با کراوات سیاه دستباف.

با این حال، اگر عضو نهضت یا مهمان سیاه غیر مسلمان، بدون در نظر گرفتن این رنگ در مراسم حضور یابد، همچنان از اواستقبال می شود. سگوی سخنران در مسجد شیکاگو، که معمولاً روباز است، با گل و سبزه تزیین و با آستری سفیدی پوشیده می شود. صندلی مخصوص الیجاه محمد سبز رنگ است. (۲۷) در کنار صندلی وی، جایگاه رئیس کل سازمان های مردان، دو یا همه پسرانش و چند روحانی قرار دارد. روحانیان مساجد مختلف ضمن سخنان خود برای مسلمانان از فعالیت های الیجاه محمد ستایش می کنند.

کنوانسیون سالانه مسلمانان.

با این که کنوانسیون سال ۱۹۶۰ به عنوان (سی امین اجلاس) توصیف شد، اما دلیلی وجود ندارد که این کنوانسیون ها به گونه پیوسته ای از زمان تأسیس نهضت ملت اسلام تشکیل شده باشند. اگر هم تشکیل شده اند، اجلاس های اولیه کوچک بوده و مورد توجه مردم قرار نگرفته است. نخستین کنوانسیون، که تبلیغات گسترده ای درباره آن به راه افتاد، در کلیسای پروتستان ها به سال ۱۹۵۶ برگزار شد. این کنوانسیون گروه زیادی از مسلمانان بخش های مختلف آمریکا را که در آن جا مسجد وجود ندارد، به خود جلب می کند. تعداد زیادی از این مسلمانان از شرق و غرب میانه، و شمار کمی هم از غرب یا جنوب می آیند. به هر حال،

کنوانسیون، گروه زیادی از سیاه پوستان غیر مسلمان را هم جلب می کند. در کنوانسیون سال ۱۹۵۹، نزدیک به دو هزار نفر شرکت کردند.

در کنوانسیون سال ۱۹۶۰، مسلمانان از همه وسایل تبلیغاتی، پوسترها، برچسب های روی اتومبیل سواری، بولتن های مطبوعاتی، آگهی های دستی، آگهی روزنامه و رادیو و تلویزیون استفاده کردند تا بتوانند شرکت کنندگان بیش تری داشته باشند. در روزنامه ها، رادیو و تلویزیون تبلیغات زیادی درباره آن انجام شد. گزارش های برخی از جراید سفید پوست محلی پیش از تشکیل کنوانسیون، و در مدت برگزاری آن، لحن خصمانه داشت. بنا به گفته مسلمانان، هدف جراید سفید پوست دل سرد کردن سیاه پوستان از شرکت در کنوانسیون بود. با این حال، اعلانات رادیو و تلویزیون محلی، و تفسیرهای مربوط به آن سبب شد که نام این کنوانسیون بر سر زبان ها بیفتد. مسلمانان به طور کلی از تعداد میانگین افراد شرکت کننده در کنوانسیون در مدت سه روز خشنود بودند؛ ولی بی تفاوتی سیاه پوستان شیکاگو آنان را دلسرد کرد. به گفته الیجاه محمد اگر سیاه پوستان شیکاگو از اربابان سفید پوست خود هراس نداشتند، بیش تر از پنجاه هزار نفر در مراسم گشایش کنوانسیون حضور می یافتند.

اگر از شنیدن حرف های من هراس دارید، پس باید عواقب آن را هم تحمل کنید. من نماینده (الله) هستم و فرصت ندارم از کافران بخواهم تا ایمان بیاورند. (۲۸).

اگر مقدار پول صرف شده و تلاش مسلمانان در کارهای تبلیغاتی این کنوانسیون در نظر گرفته شود، تعداد اعضای شرکت کننده در کنوانسیون نا امید کننده بوده است. با وجود این، با توجه به جمعیت شهر شیکاگو تعداد شرکت کنندگان در مقایسه با کنوانسیون های پیشین بالا بود. (۲۹) نویسنده کتاب در کنوانسیون های سال ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ نیز شرکت داشت. آیین و فعالیت های دو کنوانسیون نامبرده با هم فرق داشت. کنوانسیون سال ۱۹۵۹ سه روز به طول انجامید و در کلیسای سیاه پوست برگزار شد. کنوانسیون سال ۱۹۶۰ در محل بی طرفی چون آمفی تئاتر شیکاگو تشکیل شد. در کنوانسیون سال ۱۹۵۹ روحانیان در باره فعالیت های مساجد خویش گزارش کردند در حالی که در کنوانسیون سال ۱۹۶۰ یک گزارش جامع از سوی دبیر ملی خوانده شد.

گزارش روحانیان در کنوانسیون سال ۱۹۵۹ اساساً گزارش های خشنود کننده ای از وضع مساجد بود که چند موضوع تازه نیز در آن گنجانده شده بود و به میزان زیادی بر محور (ارائه شواهدی) برای توجیه خدمات الیجاه محمد دور می زد. به مدت سه روز پیروان و میهمانان به گزارش های رؤسای مساجد گوش فرا دادند. در روز اول، خلاصه گزارش ها را به الیجاه محمد ارائه دادند، اما وی سخنرانی نکرد. وی در جلسه آخر، سخنرانی مهمی ایراد کرد که نزدیک به چهار ساعت به طول انجامید و حاوی تعالیم عمومی و آرمانی و طرح های خاص برای سال های آینده بود. کنوانسیون های هر سال بر موضوع های خاصی تکیه دارند. به سال ۱۹۵۶، موضوع کنوانسیون (وحدت یا مرگ) خواسته های ما، امیدهای ما، نگرانی های ما و امکانات ما یک راه خروج بود. در سال ۱۹۵۷ موضوع حمایت از زنان مسلمان در برابر (ددمنشان و شکارچیان غیر خصم) مورد تأکید قرار گرفت. (۳۰) در سال ۱۹۵۹، الیجاه محمد بر طرح های دراز مدت خود در شیکاگو تکیه کرد و ابراز امیدواری

نمود که این طرح ها به صورت طرح های عمومی و اجتماعی در بین پیروانش در سایر شهرها درآید. موضوع فرعی سخنرانی وی در سال ۱۹۶۰ (تولد عیسی مسیح) بود که در آن به این نکته اشاره شد که (عیسی مسیح تنها به سبب چیزی جان سپرد که آن را حقیقت می شمرد) نه به دلیل دیگری. موضوع سخنرانی سال ۱۹۶۰ این بود: (در سفر به دور دنیا، چه دیده ام و چه شنیده ام) حال افراد به اصطلاح سیاه پوست آمریکایی برای خود چه می توانند بکنند و چه باید بکنند، وحدت ما سبب می شود به خودمان متکی شویم. معمولاً چند سخنران انگشت شمار و غیر مسلمان در این کنوانسیون ها سخنرانی می کنند. در کنوانسیون سال ۱۹۵۶، (هامورابی)(۳۱) مدیر خانه علم شیکاگو فیلم هایی را درباره آفریقا و سایر نقاط جهان نشان داد. در کنوانسیون سال ۱۹۵۹، (جیمز لاسون)(۳۲) از نهضت آفریقای متحد نیویورک (نهضت گاروی - مترجم) پیام (جمال عبدالناصر) رئیس جمهور مصر و (توبمان) رئیس جمهور لیبیا را در کنوانسیون قرائت کرد. سایر فعالیت ها شامل تشکیل نمایشگاه ها و بازارها و اجرای برنامه دانشجویان دانشگاه اسلام بود.

بحثی درباره گزارش های تسلیم شده به کنوانسیون ها صورت نمی گیرد. همین وضع در خصوص تصمیمات اتخاذ شده در کنوانسیون نیز وجود دارد. چنین فعالیت هایی در پشت پرده و در مدت برگزاری کنوانسیون انجام می شود. روحانیان و سایر رهبران مساجد با حضور الیجاه محمد و رئیس کل سازمان مردان، در کنفرانس شرکت می جویند. گروه های اعضا به منزل الیجاه محمد دعوت می شوند، و به این طریق الیجاه محمد می تواند با پیروان خود دیدار کند، و با آنان به گفت و گو بپردازد.

ملیت گرایی اقتصادی و سازمان.

تعداد انگشت شماری از رهبران سیاه پوست بر اهمیت خودکفایی اقتصادی به عنوان یک وسیله پیشرفت نژادی تأکید کرده اند.(۳۳) در نهضت (گاروی) خود تصمیم گیری در زمینه شالوده تحقق هدف های سیاسی ملیت گرایی سیاه به شمار می رفت. یکی از هواخواهان (گاروی) در زمان کنونی می نویسد:

داشتن در آمدهای در خور توجه، به معنای از میان بردن بخش بزرگی از فلاکت های اجتماعی و سیاسی موجود در جوامع ماست. تا وقتی در آمریکا اقامت دارید (این تأکید از نویسنده است) از بازرگانان سیاه پوست مقیم آمریکا حمایت کنید، تا آن زمان که دقیقاً به معنای اندرزه های ملیت گرایان سیاه که طی سال ها به زبان نیامده است، پی ببرید، (بویژه) این اندرز که آینده انسان سیاه در داخل آفریقا است و به آن جا تعلق دارد، سرزمینی که همه آنان از آن جا می آیند....(۳۴).

نهضت ملت اسلام، عقیده مزبور را با تأکید بیش تری مورد تأیید قرار داده است. در واقع، عبادت مسلمانان به زیاد کار کردن، داشتن عقل معاش و انباشت ثروت از یک تأیید رسمی و نیمه مذهبی برخوردار است.

تعالیم اقتصادی الیجاه محمد و سازمان نهضت به گونه تفکیک ناپذیری با جانبداری های وی از حل مشکل افراد به اصطلاح سیاه پوست در آمریکا عجین شده است.

انسان سیاه امروزه در آمریکا با مشکل اقتصادی جدی رو به رو است که مسیحیان سفید پوست قادر به حل آن نیستند. شما، ای کسانی که اصطلاحاً سیاه پوست آمریکایی نامیده می شوید! می توانید با یاری الله مشکلات خود را حل کنید.

انسان سیاه باید حقیقت را درک کند. انسان سیاه در ایجاد مشکلات بی کاری، نا امنی و فقر خود بسیار مؤثر بوده است. انسان سیاه باید نخست (از مردگی) بیدار شود تا بتواند امنیت اقتصادی خود را به دست آورد. و دانش و فهم و خردمندی را بیابد و در آن صورت است که توانایی پیروی از تعالیم مرا پیدا خواهد کرد. و این تنها اسلام است که راه خروج از این بن بست، و خواستن از میان خواسته های بسیار را به پیروانش؛ یعنی، ملت سیاه نشان می دهد.

فرد سیاه آمریکایی، همانند (ایلعاذر)(۳۵) لقمه ای نان از سفره مرد ثروتمند (سفید پوست) گدایی می کند! تکرار می کنم که برای حل مشکلات سیاه آمریکایی باید ایلعاذر را از درون قبر صدا کرد. مؤمنان به حقیقت اسلام، بایستی از چشم دوختن بر سفیدپوست در طلب عدالت (شغلی) دست بردارند.(۳۶).

آنچه که در زیر می آید، رهنمودهای اقتصادی الیجاه محمد به مسلمانان سیاه است:.

۱. لزوم وحدت و فعالیت های گروهی را بپذیرید؛

۲. منابع جسمی و مالی خود را روی هم بگذارید؛

۳. از انتقاد بی جا از هر چه متعلق به سیاه است و سیاه خلق کرده، دست بردارید؛

۴. به خاطر داشته باشید که حسادت، انسان را از درون نابود می کند؛

۵. اعمال سفید پوستان را تقلید کنید، آنان کامیاب هستند و برای شکست خود دلیل نمی تراشند. شما هم همان کار را بکنید.

مرد سفید پوست، پولش را صرف همزادان خود می کند و این کاملاً طبیعی است. شما هم باید چنین کنید. یاری کنید تا برای همزاد خود، شغلی فراهم آورید. از چینی ها و ژاپنی ها، پرتوریکویی ها و کوبایی ها درس بگیرید. به میان اجتماع بروید و از هر همزاد خود حمایت کنید. چینی ها و ژاپنی ها از راه کمک به هموعان خویش، می توانند شغل و کمک مالی به نیازمندان عرضه کنند. این موضوع، نخستین قانون طبیعت است. از همزاد خود دفاع و حمایت کنید؛ زیرا مسلمانان راستین چنین می کنند.

سیاه پوست آمریکایی، فریب خورده، گمراه و قربانی فریب خویش است و آن چنان کر و لال و کور می نماید که قادر نیست از همزاد خود دفاع کند. او اینک در بدترین شرایط اقتصادی که ممکن است برای یک موجود زنده در صحرای آمریکا وجود داشته باشد، بسر می برد. وی با دست خود کمک کرد تا به شرایط اقتصادی و نا امنی کنونی تنزل یابد. توای انسان سیاه! تنها عضو نژاد بشری هستی که به آرامی از کنار محل کسب و کار همزاد خود می گذری و دلارهایت را در نزد دشمن طبیعی ات خرج می کنی. سیاه پوست آمریکایی به آن اندازه که همزاد خود را تحریم یا انتقاد می کند، هرگز در طول تاریخ آمریکا سفیدپوستان را تحریم یا انتقاد نکرده است. به این ترتیب، عشق خود را به دشمن و نفرت خویش را از همزادش نشان می دهد.

یک مسلمان راستین هرگز محل کسب و کار همدین مسلمان یا برادر سیاه خود را تحریم نمی کند. یک مسلمان راستین از کامیابی برادران و خواهران سیاه خویش به خود می بالد، و در می یابد که پیروزی آنان در واقع پیروزی اوست. قانون اسلام را می فهمد: اگر یک برادر یک ظرف آش دارد، نیمی از آن متعلق به مسلمان دیگری است. (۳۷).

نظام اشتراکی اقتصادی.

سازمان فعالیت های اقتصادی یک مسجد، از سوی الیجاه محمد به عنوان (نظام اشتراکی) (۳۸) توصیف شده است. در این نظام، پیروان وی داوطلبانه و به طور منظم بخشی از در آمد خود را برای ایجاد کسب و کارهای مسجد اختصاص می دهند. این کمک ها که برای پیشبرد اهداف اسلام صورت می گیرد (صدقات) (۳۹) نامیده شده و در شمار سهام افراد در کسب و کار آزاد محسوب نمی شود. همچنین اعضا باید یک دهم درآمد هفتگی یا سالانه خود را برای حمایت از نهضت ملت اسلام تخصیص دهند که به (عشریه) (۴۰) معروف است. در جلسات روزهای یک شنبه معمولاً صفی از پیروان برای پرداخت کمک مالی به نهضت، کشیده می شود که کمک های خود را به کارمندان مسجد پرداخت می کنند، با این که به نظر می رسد بیش تر اعضا به طور منظم این کمک ها را می پردازند، اما در صورت عدم استطاعت، الزامی به پرداخت آن ندارند. یکی از اعضا گفت:

هر هفته به طور منظم، مبلغی که کم تر از ده دلار نیست، به عنوان کمک پرداخت می کرد تا این که ناگزیر شد به سبب نگه داری از پدر بی کار خود، از دادن این کمک خود داری ورزد. یکی دیگر از اعضا ادعا کرد:

هرگز در پرداخت عشریه کوتاهی نکرده است و به عنوان صدقه، هر هفته یک دلار اضافی برای هزینه های جاری می پردازد.

نویسنده کتاب دریافت که اعضای نهضت، پرداخت صدقه و عشریه را جدی می گیرند. از چند نفر از آنان پرسیده شد، آیا هیچ گاه احساس کرده اید که پول خود را از دست داده اید، آیا فکر می کنید که زندگی خود را بر طبق تعالیم نهضت می گذرانید پاسخ های آنان حاکی از این بود که، از تعهدات مالی خود در برابر نهضت راضی اند و آرزو دارند که بتوانند کمک بیش تری به این هدف بزرگ بنمایند. نویسنده کتاب از ۲۵ محصل دبیرستان خواست تا نموداری دایره وار ترسیم کنند که نشان دهنده این باشد که یک خانواده مسلمان با در آمد فرضی سالانه ۴۵۰۰ دلار چه نوع مخارجی دارد مقصود از این کار این بود که بررسی شود آیا دانش آموزان نیز در فکر پرداخت عشریه به ملت هستند یا خیر همه دانش آموزان به این پرسش پاسخ دادند و بررسی نمودارهای آنان آشکار ساخت که تقریباً ۱۰٪ از در آمد خود را برای کمک به نهضت، اختصاص داده اند. همچنین پاسخ آنان نمایان کننده تمایل عمومی برای کنار گذاردن مبلغ قابل توجهی به عنوان پس انداز بود.

گرچه شواهدی که ما در این زمینه به دست آورده ایم، به هیچ وجه قابل تعمیم نیست، ولی به نظر می‌رسد که هدف نظام اشتراکی اقتصادی الیجاه محمد گسترش سه رشته ارزش‌ها در میان سیاه‌پوستان و بویژه در میان مسلمانان است. نخست آن که از راه تشویق به عبادت پس انداز کردن، حس مسؤولیت خود پیشرفتی اقتصادی را به آنان تلقین کند. دوم این که، از مجرای کار و کسب‌های آزاد متعلق به نهضت، زمینه سرمایه‌گذاری فراهم شود. و سوم این که، الیجاه محمد از آنان می‌خواهد تا نسبت به رفاه اجتماعی خود؛ یعنی، اجتماع مسلمانان احساس مسؤولیت کنند. این ارزش‌ها، که می‌گویند: سیاه‌پوستان آمریکا عاری از آنها هستند، هدفهای نظام اشتراکی اقتصادی به شمار می‌آید. (عشریات) همراه با تأیید رسمی نیمه مذهبی آن ساز و کار (مکانیسم) ترغیب عادت به پس انداز کردن است. بخشی از عشریات در کسب و کارهای آزاد و دسته‌جمعی سرمایه‌گذاری می‌شود. این کسب و کارها به عنوان نمونه‌هایی مورد استفاده اعضا قرار می‌گیرد. در برابر، پیروان نیز انتظار دارند که منافع این کمک‌ها در هنگام بیماری و بی‌کاری و یا کهولت نصیب آنان شود. در شیکاگو، تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری برای کار و کسب، به عهده الیجاه محمد است. سودهای به دست آمده از این کسب و کارها به مسجد بر می‌گردد و به گفته یکی از افسران مسجد (افسران مسجد تصمیم می‌گیرند که با آن چه بکنند). منظور از افسران مزبور، رئیس کل سازمان‌های مردان، خزانه دار، برادر (جان حسن) عضو هیأت امنای مسجد و مدیر مسؤول آن کسب و کار است در همه این گونه موارد، تصمیمات لازم با مشورت الیجاه محمد یا کسی که به وی نزدیک است گرفته می‌شود.

غالب کسب و کارهای مسجد شیکاگو در ده سال اخیر دایر شده است. پیش از سال ۱۹۷۵، سودهای به دست آمده در کسب و کارهای جدید به کار می‌افتاد؛ اما از سال ۱۹۵۸ سودهای خالص آن برای کمک به اعضای فرتوت که قادر به کار کردن نیستند مورد استفاده واقع می‌شود. نزدیک به ۷۵٪ از سود آن صرف افراد فرتوت و فعالیت‌های مسجد و کمک به مساجد کوچک می‌شود. باقی مانده آن، یعنی ۲۵٪ برای کمک به دانشگاه اسلام تخصیص می‌یابد. (۴۱) مسجد شیکاگو اینک نزدیک به پانزده مرکز کسب و کار را اداره می‌کند. در سال ۱۹۴۷، مسجد یک مزرعه ۱۴۰ جریبی در (وایت کلاذ) (۴۲) در ایالت جورجیا خریداری کرد؛ زیرا الیجاه محمد عقیده داشت که ملت بایستی توانایی تغذیه اعضای خود را داشته باشد. دو خانواده مسلمان در این مزرعه کار می‌کنند و در تعطیلات آخر هفته داوطلبانی از شیکاگو نیز به کمک آنان می‌شتابند. در این مزرعه گندم، لوبیا، سبزیجات کشت و جوجه پرورش می‌یابد. علاوه بر اینها می‌گویند که، مقداری کره و شیر مورد نیاز مسلمانان شیکاگو را تولید می‌کند که البته باور کردن این موضوع دشوار است. فرآورده‌های این مزرعه از طریق فروشگاه خوار و بار مسجد به فروش می‌رسد و فروشگاه در عین حال شیرینی نیز می‌فروشد. معروف است که این مزرعه یکی از مراکز کسب و کارهای بسیار سودآور نهضت است. سایر مراکز کسب و کارهای مهم نهضت عبارت است از: یک کارخانه خشکشویی با مأموران تحویل لباس، یک رستوران که غذاهای آمریکایی و عربی دارد، یک خیاطی، یک سلمانی، یک جایگاه فروش بنزین و تعدادی مجتمع آپارتمانی.

این نوع مراکز کسب و کارها، از نوع کوچک به شمار می‌روند. مسلمانان ادعای گسترش پیوسته این نوع مراکز کسب و کارها را دارند. الیجاه محمد امیدوار است که سرانجام بتواند با توسعه این نوع کسب و کارها،

وارد مرحله تولید صنعتی شود؛ لکن مسلمانان آشکارا فاقد سرمایه لازم برای سرمایه گذاری صنعتی در سطح وسیع هستند. حتی اگر چنین سرمایه ای هم فراهم شود، فاقد کارشناسان ماهر و فنی می باشند. به علاوه، مسلمانان امیدی به رقابت با سفیدپوستان بدون داشتن سرمایه و نیروی ماهر ندارند. نهضت (گاروی) در این کار تا حدودی مرتکب اشتباه شد؛ زیرا اندیشه نسنجیده و جاه طلبانه گسترش کسب و کار را در سر می پروراند، در حالی که عاری از مدیران بازرگانی ماهر و ورزیده ای بود که خود را وقف نهضت کنند. هم (گاروی) و هم (نویل درو علی) برای به کار گرفتن نیروی ماهر خارج از نهضت، بهای گرانی را پرداختند (افرادی که به جای شریف بودن، حقه باز بودند) این گونه هدف های بزرگ، از کسب و کارهای کوچک گرفته تا تولید صنعتی، هر چند که شور و شوق را بر می انگیزد و روحیه پیروان را قوام می بخشد، اما اغلب منجر به سرمایه گذاری های پراکنده و بی برنامه و بی منفعت مانند موسسات انتشاراتی نهضت مسلمانان می شود. مسلمانان در فاصله سال های ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱ کوشیدند تا پنج روزنامه و مجله منتشر کنند که عبارتند از: اخبار اسلامی (۴۳)، مجله پیامبر (۴۴)، الیجاه محمد با سیاه پوستان سخن می گوید (۴۵) و الیجاه محمد سخن می گوید. (۴۶) چهار روزنامه و مجله نیز نتوانست ادامه یابد و تنهاروزنامه الیجاه محمد سخن می گوید، که در نیویورک چاپ می شود، می تواند خرج خود را در بیاورد. روحانی مالکوم ایکس عقیده داشت که، این پنج روزنامه و مجله بایستی یکی شود تا از این راه مسلمانان بتوانند استعداد و منابع مالی خود را به گونه مؤثرتری به کار گیرند.

مسجد شیکاگو دارای دو فروشگاه لباس است که یکی برای مردان و دیگری برای زنان است. مقداری از اجناس فروشگاه ها از خیاطی مسجد تأمین می شود، ولی بیش تر آنها، را از بازار آزاد می خرند. این اجناس اصولاً شامل لباس های مد روز آمریکایی مردانه و زنانه و بچه گانه است. در این فروشگاه جواهرات و سایر اسباب و لوازم مورد نیاز مردان و زنان به فروش می رسد. قیمت های فروشگاه کمی گران تر از فروشگاه های مشابه شیکاگو می باشد. دو خواهر مسلمان به نام (جون) (۴۷) دهم دارای دیپلم دبیرستان و (لورین) (۴۸) دهم که دوره دبیرستان را تمام نکرده است، مسئول فروشگاه هستند. از آنان پرسیدم:

آیا فروشگاه سود دهی دارد یا خیر خواهر (جون) گفت: فعلاً بد نیست، اما بهتر می شود. پرسیدم: چرا فکر می کنید که بهتر می شود پاسخ داد: آه! شاید فعلاً آن چه را که مردم می خواهند، نداریم؛ به هر حال، سود دارد. فروشگاه خوار و بار مسجد و رستوران در کنار هم قرار دارند. برادر (میلتون) (که جزء افراد خانواده الیجاه محمد نیست) مدیر این فروشگاه است. فروشگاه خوار و بار سه کارمند دارد. یکی از آنان تعمیرکار برق است که هم در فروشگاه کار می کند و هم در رستوران. در فروشگاه مقدار زیادی مواد غذایی و گوشت حلال نگه داری می شود؛ اما سیگار و گوشت خوک فروخته نمی شود. مدیر فروشگاه به نویسنده گفت: کسب و کارش بسیار خوب است. قیمت گوشت در این فروشگاه از سایر جاها گران تر است.

در مصاحبه ای که با کارکنان این فروشگاه ها به عمل آمده، غالباً ابراز داشتند که حقوق آنان بیش تر از کارگران سیاه پوستی است که در کار و کسب های مشابه کار می کنند، اغلب آنان اظهار می دارند که، ما در کسب و کار خودمان کار می کنیم. برداشت نویسنده این است که شاید دستمزدهای آنان کم تر از افراد

مشابه در همان منطقه باشد؛ اما تفاوت دستمزدها با احساس مالکیت، بالیدن به تلاش دسته جمعی، شور و شوق بودن در نهضت و احساس عمومی برادری در بین کارکنان جبران می شود. بزرگ ترین طرح ملت اسلام از سوی الیجاه محمد برای تأسیس مرکز اسلامی پیشنهاد شده است. دو دستگاه ساختمان در شهر به عنوان محل آن خریداری شده است. (۴۹).

با این که اعضای نهضت را تشویق می کنند تا از راه تلاش های توأم با همکاری به ایجاد کار و کسب پردازند، ولی بیش تر مسلمانان ناگزیرند زندگی خود را از منابع شغلی دیگر تأمین کنند. مسجد شیکاگو حداکثر پنجاه نفر را استخدام کرده و این رقم شامل کارکنان دانشگاه اسلام و منشی های خصوصی الیجاه محمد نیز می شود. از این رو، از مسلمانان خواسته شده است تا از کسب و کارهای مسلمان و سیاه پوستان حمایت کرده و از آنان خرید کنند؛ اما به دلیل حیطه محدود کار و کسب سیاه پوستان، ناگزیرند که بیش تر از فروشگاه ها و خدمات سفید پوستان استفاده کنند، مسلمانان ادعا می کنند که این کار و کسب ها سود دهی دارد. بدون شک بر اثر گسترش و رشد این کار و کسب ها، نیاز به استعدادهای مدیریتی نیز فزونی می یابد. محل های کار آنان در مقایسه با اغلب کار و کسب های مشابه در اجتماع سیاه پوستان شیکاگو بسیار تمیزتر است.

این گونه به نظر می رسد که اعضای نهضت ملت اسلام از لحاظ اقتصادی بر بسیاری از سیاه پوستان کم آمد، برتری دارند. حذف هزینه های مربوط به کالاهای غیر ضروری مانند: سیگار، مشروب و نیز ورزش های تفریحی و خوشگذرانی های عمومی به آنان توانایی بخشیده تا از درآمد خود به طرز مؤثرتری استفاده کنند. برنامه پرهیز غذایی که براساس آن، هرکس باید در روز فقط یک نوبت غذا بخورد، یک منبع دیگر پس انداز پول به شمار می رود. چون ما نتوانستیم در خصوص موضوع انتقال برخی از مسلمانان به آپارتمان های بهتر و خریداری آپارتمان از سوی گروهی از آنان تحقیق کنیم، از این رو، این موضوع به صورت یک مسأله باقی مانده است. (۵۰).

از دیدگاه سیاسی و اجتماعی، پیروان الیجاه محمد مایلند تا خود را از اجتماع سیاه پوست شیکاگو و نیز از جامعه بزرگ تر آمریکایی کنار بکشند؛ ولی به عنوان کارگردان، تولید کنندگان، مصرف کنندگان و اعضای اتحادیه های تجاری در فعالیت های اقتصادی جامعه آمریکایی مشارکت دارند. نتیجه این که انزوای اجتماعی آن بیش تر جنبه ظاهری دارد تا واقعی، سازمان اقتصادی ملت اسلام مؤثرترین نقطه تماس و کنش متقابل میان مسلمانان و سایر سیاه پوستان است. احتمال دارد که مسلمانان به تناسب بهبود شرایط اقتصادی از موقعیت بهتری در اجتماع سیاه پوستان برخوردار شوند.

منابع مالی ملت.

در آمد ملت اسلام به صورت یک رقم سری نگره داری می شود. برای یک شخص خارج از نهضت غیر ممکن است که بتواند میزان در آمد یا هزینه های آن را مشخص کند؛ زیرا اغلب معاملات کسب و کاری، به صورت نقدی یا چک تضمین شده پرداخت می شود. یک شرکت بیمه گزارش می کند که مسلمانان که گاه حق بیمه خود را تا مبلغ ۱۵۰۰ دلار نقداً پرداخت می کنند. (۵۱) نهضت هیچ گونه حسابی در بانک ندارد که نشان دهنده در آمد کل آن باشد. از این رو، ما تنها می توانیم به موضوع منابع مالی آن بپردازیم. نهضت در وهله نخست از حمایت مالی اعضا و در مرحله دوم از حمایت سیاه پوستان علاقه مند به برنامه های آن برخوردار است و یا در جلسات به آن مساعدت مالی می شود. هر مسجد، پول مورد نیاز خود را تهیه کرده و دوباره مصرف کردن آن تصمیم می گیرد. بیش تر وجوهات آن از راه کمک های داوطلبانه اعضا تأمین می شود. گاهی اوقات مالیات نیز وضع می شود، مانند وضع ۲۵ دلار مالیات برای هر عضو برای مسافرت الیجاه محمد به آفریقا و خاورمیانه. منبع اصلی در آمد، از نشریات و سودهای به دست آمده از کسب و کارهای آزاد است. همه کمک هایی که به عنوان صدقه دریافت می شود، در رسیدهای مربوط به آن نوشته می شود: عشریه و صدقه برای بینوایان، مسافرت در سرزمین اسلام، صندوق مرکزی الیجاه محمد مسافرت و روز نجات دهنده. کمک در روز تولد ناجی تعهدی است از سوی اعضا برای طرح های ویژه مانند تأسیس مرکز اسلامی از سوی الیجاه محمد. وجوه دیگر از طریق کارهای عمومی مانند بازارها و ضیافت ها، وجلسات عمومی به دست می آید.

در آمد سالانه نهضت از تمام منابع بالا در حدود سیصد هزار تا پانصد هزار دلار تخمین زده شده است. (۵۲) در فاصله سال های ۱۹۵۸ - ۱۹۵۹ هر مسلمان متعهد شد که ۱۰۵ دلار برای تأسیس مرکز اسلامی مورد نظر الیجاه محمد بپردازد. نمی دانیم که چند نفر به تعهد خود عمل کردند. در فاصله سال های ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ تعهد هر عضو به ۱۲۵ دلار فزونی یافت. نام هر کمک کننده در تابلو اعلان بزرگ در سالن کنفرانس دانشگاه اسلام نوشته شد. در کنار نام کسانی که تعهد خود را کاملاً پرداخت کرده بودند، یک علامت ستاره گذارده شد. کسانی که بیش تر از تعهد خود پرداخت کرده بودند، سه ستاره کنار نام شان وجود داشت. اطلاعاتی که در زیر می آید، از این فهرست گرفته شده است.

Translation Movement
IMS

باید به خاطر بسپاریم که تنها یازده مسجد از پنجاه مسجد پیش از ۲۲ فوریه ۱۹۶۰ پرداخت کمک ها را گزارش کردند و بسیاری هم گزارشات خود را در هنگام برگزاری کنوانسیون سال ۱۹۶۰ ارائه دادند. برای پرداخت این کمک ها، بین مساجد و نیز میان اعضا رقابت وجود دارد. در این فهرست نام اعضای که قسمتی از تعهد خود را پرداخت کرده، اما نتوانسته اند تا تاریخ مقرر آنها را کامل کنند نیامده است. این ارقام، هرچند که کامل نیست، اما نشان دهنده عزم راسخ مسلمانان است. وقتی ببینیم که آن کمک ها، تنها یکی از منابع در آمد نهضت می باشد، آن گاه بر اهمیت آن افزوده می گردد. قبلاً گفتیم که سایر منابع مانند: فروش نسخه های روزنامه پیتزبورگ کوریه تا تابستان سال ۱۹۵۹ بود. از آن زمان، مسلمانان به فروش روزنامه لوس آنجلس هرالد ویسپیچ (۵۳) می پردازند. در مارس ۱۹۶۰ روزنامه سراندر (۵۴) چاپ شیکاگو نیز بر آن اضافه شد.

این دو روزنامه پیام های الیجاه محمد را به چاپ می رسانند. چون الیجاه محمد معتقد است که، از مدت ها پیش در مغز سیاه پوستان این فکر را القا کرده اند که دیگری باید بار از دوش آنان بردارد، از این رو پای فشاری می کند که ملت اسلام باید به خود متکی باشد. سیاه پوستان به عنوان یک ملت از مردم، باید برای هدف های ملی مالیات بپردازند.

وی می افزاید: طی سال ها دولت آمریکا از آنان مالیات گرفته است بی آن که کار عمده ای برای آنان انجام دهد. مسلمانان برای به کار بردن در آمد اندک خود در هزینه های نهضت، زیر فشار شدیدی قرار دارند. در شیکاگو، ادامه کار دانشگاه اسلامی یک بار اضافی است. هزینه گرداندن مدرسه در سال به طور دقیق از چهل هزار دلار تجاوز می کند. تا ژانویه ۱۹۵۹، این مدرسه هیچ نوع شهریه ای نداشت و از آن زمان به بعد شهریه اندکی وضع شده است. کامیابی های مالی و آشکار نهضت ثمره بنیان داوطلبانه سیاه پوست اداری و خدمت اعضای آن است. به کارکنان نهضت حداقل دستمزد پرداخت شده و از آن به عنوان صدقه یاد می شود. به هر کارمند پاکت مهر شده ای می دهند که روی آن کلمه صدقه نوشته شده است. معمولاً کارمندان درباره میزان حقوق خود با دیگران حرفی نمی زنند. در تمام موارد، یک کارمند درباره حقوق خود با رئیس کل سازمان های مردان، و در موارد نادری با الیجاه محمد مذاکره می کند. نویسنده نتوانست مبلغ پرداخت شده به کارکنان به عنوان صدقه را مشخص کند، ولی روحانی جیمز سوم به وی گفت که، از پولی که دریافت می کنم خشنودم و خرج خانواده ام را تأمین می کند. یک کارمند تمام وقت که هجده سال دارد و در یکی از مراکز کسب و کارهای نهضت فعالیت دارد، هفته ای ۳۵ دلار حقوق می گیرد. دیگری که کامیون شخصی خود را برای حمل و تحویل لباس به خشکشویی نهضت به کار می گیرد، از کمیسیون ۳۵٪ که از مشتریان خود دریافت می دارد، درآمد خود را تأمین می کند. به کارکنان امکان استفاده از حق چانه زنی دسته جمعی داده نمی شود. (۵۵).

در سال ۱۹۵۹، آموزگاران مدرسه نهضت تلاش کردند تا برای افزایش حقوق خود به چانه زنی دسته جمعی متوسل شوند. تا سپتامبر ۱۹۵۹، مدرسه هفته ای چهار روز و هر روز چهار ساعت تدریس در نظر گرفته بود. در ماه سپتامبر که مدرسه دو هفته شد، آموزگاران ناگزیر شدند دو وقت درس بدهند. کارکنان مسلمان مدرسه برای افزایش حقوق خود پافشاری نکردند، اما آموزگاران غیر مسلمان با شدت خواستار افزایش حقوق بودند. جلسه ای با حضور الیجاه محمد و رئیس کل سازمان های مردان تشکیل شد و رئیس دانشگاه اسلام موضوع درخواست آموزگاران را مطرح کرد. الیجاه محمد با پاسخ محکمی درخواست آنان را رد کرد و گفت که، حاضر است از همین حالا، استعفای آنان را بپذیرد. در پی این تهدید، به بحث درباره نیازهای مسجد و آن چه که برای نجات (سیاهان در گل فرو رفته) و فداکاری های پیروانش در این راه پرداخت. الیجاه محمد افزود که، وظیفه زنده کردن مردگان، تکلیف اخلاقی هر سیاه پوست است. وی می دانست که آموزگاران می توانند دستمزدهای بالاتری در مدارس دولتی بگیرند، اما گفت: سفید پوست استطاعت مالی آن را دارد، چون پولش را هم دارد. منظورش این بود که، چون سفید پوستان بر اقتصاد و حکومت سلطه دارند، از این رو می توانند دستمزد بیش تری را به آموزگاران در مدارس دولتی بپردازند. سرانجام، آموزگاران در برابر استدلال قاطع او تسلیم شدند و دیگر کسی درخواست افزایش دستمزد نکرد. به هر حال، وقتی الیجاه محمد جلسه را ترک گفت،

رئیس کل سازمان های مردان از آموزگاران خواست تا بردبار باشند، زیرا روزهای بهتر نزدیک است. به نظر می رسد که وی احتمالاً با آموزگاران جداگانه صحبت کرد. دو ماه بعد، همه آموزگاران به جز یک نفر، اضافه حقوقی بین پنج تا پانزده دلار دریافت کردند. آموزگاری که از این اضافه حقوق محروم شده بود، حقوقش از سایرین بالاتر بود. وی با این که از این موضوع ناراحت بود، ولی استعفا نکرد. در این جلسه، نویسنده دریافت که صدقات کارمندان، آموزگاران، منشی ها و رانندگان اتوبوس و سایر کسانی که کارشان به مدرسه و مسجد مربوط می شود، جمعاً در هفته به پنج هزار دلار می رسد. این هزینه ها از محل کمک های مالی دریافت شده در جلسات مسجد تأمین می شود. الیجاه محمد گاهی اوقات هدایایی را از پیروانش یا از مساجد دریافت می کند. یک بار روحانی والاس گفت: تعجب می کنید که با چه ظرافتی هدیه می دهند و بعد افزود: الیجاه محمد معمولاً هدایای بیش تری به پیروان می دهد. در حال حاضر، الیجاه محمد از مسلمانان درخواست کرد تا برای تأسیس مرکز اسلامی کمک کنند. وی از کمک خواستن از غیرمسلمانان خودداری کرد. تا زمان برگزاری کنوانسیون سال ۱۹۶۰، وصول کمک ها در جلسات عمومی صورت نمی گرفت، ولی این کار به طور استثنا درباره صندوق مرکزی به کار می رفت. برخی از پیروان پیشنهاد کردند که، نهضت از کمک مالی سفیدپوستان برخوردار شود، بویژه سفیدپوستانی که هواخواه جدایی از سیاهان بودند، الیجاه محمد این پیشنهاد را رد کرد. پیشنهاد دهندگان معتقد بودند که بسیاری از سفیدپوستان هوادار جدایی از سیاهان مایلند به نهضت، کمک مالی نمایند.

شایع است که الیجاه محمد از کمک مالی کشورهای خارجی برخوردار است؛ ولی به نظر می رسد که این اتهام بی اساس باشد. وی مطبوعات رایگان از برخی از کشورهای اسلامی دریافت می کند، که غالباً به وسیله گروه های مذهبی آنان توزیع می شود. الیجاه محمد این شایعه را تکذیب کرده و می گوید: به دلیل پیشرفت مداومی که برای روشن کردن مردم خود به عمل می آورم، به من اتهام می زنند که از خارج کمک مالی می گیرم. این اتهام مطلقاً بی اساس است. هر پیشیز از پولی که دارم از جیب خودم درآمده و نه از منبع دیگری. به من اتهام زده اند که با کمونیست ها سرو سروی دارم. اتهام زده اند که تلاش می کنم از جمهوری متحده عربی (۵۶) کمک مالی بگیرم. من از هیچ کس به جز خداوند طلب کمک نمی کنم و به هیچ نوع کمک خاصی از منبع خاصی نیاز ندارم. خداوند برای من کافی است. اگر تسلیم مشیت الهی شویم، خداوند همه کاینات را به ما ارزانی خواهد داشت. در اطراف کنگره آمریکا پرسه نمی زنم، به کاخ سفید نمی روم، تا از رئیس جمهور و کنگره برای هرچیز مربوط به آمریکا گدایی کنم. نیازی به این کار ندارم. وقتی برای شما از سرنوشت محتوم آمریکا و این که خداوند یاور من است سخن می گویم، آیا حق دارم کاسه گدایی را بردارم و از هر کسی طلب کمک کنم من خداوند را رؤیت کردم، همان گونه که (موسی) نیز یهوه (۵۷) را دید. بنابراین، خداوند حقایق را بر من آشکار ساخته است. (۵۸).

مشکلات اداره نهضت.

ساخت اداری نهضت با رشد و گسترش اخیر آن همگام نیست. ناتوانی نهضت برای جلب افراد ماهر و دارای صلاحیت و شایستگی خاص مهم ترین مشکل نهضت را تشکیل می دهد. این مانع تا حدودی نتیجه محدودیت منابع مالی و اهمیت زیادی است که برای وفاداری اعضا قایل هستند، ایجاه محمد این مشکلات را این گونه شرح می دهد:

برخی از مشکلات ما در بر گیرنده این حقیقت است که از هر نه نفری که مسلمان می شوند، تنها یک نفر ممکن است فهمیده و دارای شایستگی بهره دهی در خدمات آموزشی اعضا باشد. طبقه متوسط سیاه پوست، یا به اصطلاح افراد تحصیل کرده، فاقد احساس تمایل به انجام خدمات برای مردم خود و فداکاری لازم برای قبول این مسؤولیت هستند. کسانی که به اسلام گرویده اند، به جز چند نفر، اغلب بینوا و عوام بوده و اعتلای این افراد کار بسیار دشواری است. (۵۹).

فقدان شدید افراد لایق در نهضت، نه تنها به طور اخص در سازمان اداری محسوس است، بلکه در کادر آموزشی و تحصیلی مدرسه مسلمانان نیز احساس می شود. در نتیجه، نهضت با محدودیت رؤسای با کفایت رو به رو است. اغلب آنان تحصیلات دبیرستان را به پایان نرسانده اند و برخی مانند روحانی (کریم) (از مسجد بالتیمور مریلند) پیش از عضویت در نهضت، کاملاً بی سواد بوده اند. گروه انگشت شماری نظیر روحانی جیمز سوم (از مسجد شیکاگو)، دبیرستان را تمام کرده اند. روحانی (مالکوم ایکس) (از مسجد نیویورک) تنها تا کلاس هشتم درس خوانده است. مشاغل این دو روحانی در نهضت، که هر دو آنان بسیار قابل و با استعداد هستند، روشن کننده محدودیت های مشاوران ایجاه محمد از لحاظ استعداد و قابلیت است. روحانی جیمز سوم در کامدان (۶۰) در ایالت تگزاس به دنیا آمد. پیش از این که به عضویت نهضت در آید، به جیمز اندرسون (۶۱) مشهور بود. پدرش یک کشیش باپتیست بود که پنجاه سال این شغل را داشت. در سال ۱۹۳۴، جیمز اندرسون در هجده سالگی و پس از پایان تحصیلات دبیرستانی، از کانزاس را به مقصد شیکاگو ترک گفت. از آن زمان تاکنون وی به ایالات جنوبی تولید کننده بنه سفر نکرده است. وقتی برای نخستین بار به شیکاگو آمد، مدت یک سال دنبال کار می گشت. در سال ۱۹۳۵، با حقوق هفته ای سیزده دلار در یک خشکشویی استخدام شد. تا سال ۱۹۳۹ این گونه شغل ها را داشت، تا این که مطالبی را درباره مسجد اسلام از یک عضو سابق مسجد شنید که همکارش بود.

در سال ۱۹۴۰ به نهضت ملت اسلام پیوست و در شمار کسانی بود که در جنگ جهانی دوم به زندان افتاد. پیش از جنگ، و پس از آن، وی به عنوان آموزگار روزها در دانشگاه اسلام درس می داد و شب ها در یک کارخانه کار می کرد. در سال ۱۹۵۴، برای روحانی شدن آموزش دید و در سال ۱۹۵۶ معاون روحانی شد. در پنج سال اخیر به عنوان معاون دانشگاه اسلام فعالیت داشته، و مدت کوتاهی نیز رئیس این دانشگاه بوده است. وی اینک یک روحانی کامل است.

از وظایف روحانی جیمز، تدریس در دانشگاه اسلام است، او نخستین کسی است که هر بامداد وارد دانشگاه می شود و آخرین نفری است که آن جا را ترک می کند، برنامه روزانه اش انباشته از وظایف روحانی و مسؤولیت

های اداری است. وی علاوه بر روزهای یک شنبه هفته ای دو بار در مسجد سخنرانی می کند. در طول هفته، در تمام فعالیت های مسجد شرکت می جوید. او آرزو دارد آن قدر پیشرفت کند تا بتواند به یک یاری دهنده بزرگ برای تحقق هدف نهضت مبدل شود. (مالکوم ایکس شاباز) (۶۲) که قبلاً مالکوم کوچک نامیده می شد، بلند قد و باریک اندام و دارای پوست روشن و سخنوری تواناست. وی که برخاسته از یک محیط طبقه پایین و بسیار فقیر است، موقعیت برجسته ای را در بین مسلمانان کسب کرده است، نام کامل اسلامی او (مالک الشاباز) است. وی یکی از رهبران ملیت گرای معروف در هارلم است. ۳۶ سال دارد و در نوزدهم مه ۱۹۲۵ در اوماها (نبراسکا) به دنیا آمد. پدر و مادرش به (لانسینگ) در ایالت میشیگان نقل مکان کردند. در آن زمان وی بیش تر از شش سال نداشت. او تحصیلات رسمی خود را در میشیگان به انجام رساند. خانواده خود را رها کرده و به بوستون رفت و از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۲ در آن جا زندگی کرد. در سال ۱۹۴۳ به نیویورک آمد. وی به نویسندگی پرداخت، بیش تر عمر خود را در دهه ۱۹۴۰ در زندان گذرانده است. در سال ۱۹۴۷ اسلام آورد. وقتی از او پرسیده شد که، آیا هرگز برای یک مدت طولانی کار کرده است پاسخ داد:

در پانزده سالگی رئیس خردم بودم؛ کار بدون دردمس. دزدی می کردم. تنها شغلی که تاکنون داشته ام گارسونی سر میز بوده است. تحصیلاتی نداشتم. به مدرسه آن جا (اشاره به هارلم) نرفتم. منظورم این است که در خیابان ها درس زندگی را فرا می گرفتم. هر چه را که آموختم از زمانی بود که پیرو الیجاه محمد شدم. هیچ وقت به تحصیل علاقه ای نداشتم. از نوزده سالگی در زندان بودم.

او نمایندگی الیجاه محمد را در بسیاری از جلسات عمومی نهضت در ایالات متحده بر عهده دارد. در اوایل ژوئیه ۱۹۵۹ به عنوان نماینده ویژه الیجاه محمد سفری به آفریقا و خاورمیانه داشت و از جمهوری متحده عربی، عربستان سعودی، سوریه و نیجریه دیدار کرد. سایر مسلمانان برای وی احترام زیادی قایلند و مشتاق شنیدن سخنرانی هایش هستند. وی ناشر مجله معروف منجر مگزین بود که دیگر چاپ نمی شود. الیجاه محمد او را یک روحانی بزرگ می شمارد و در این باره می گوید:

تابستان گذشته، در پنجم و ششم ژوئیه از مسجد شماره هفتم در نیویورک به اتفاق روحانی گرامی مالکوم دیدار کردم. هر جا که من باشم، او هم هست، فقط سر میز غذا از اومی خواهم که به خودش بد بگذراند؛ زیرا قدش آن قدر بلند است که غذای مرا هم می خورد. هر جا مرا پیدا کنید، او هم همان جاست... یکی از وفادارترین روحانیانی است که من دارم. به همه جا می رود؛ به شمال و به جنوب. حتی اگر از او بخواهم، به چین هم می رود. خداوند را سپاس می گزارم که برادر روحانی مالکوم را به من ارزانی داشته است. (۶۳).

به نظر می رسد که گروه انگشت شماری از پیروان نهضت، نسبت به مشکلات سازمانی آن حساسیت نشان دهند، آنان که از این مشکلات آگاه هستند، این موضوعات را برای افراد خارج از نهضت بازگو نمی کنند. افسران نهضت به خوبی از نیازهای آن و بویژه نیاز به کادر قابل آگاهند؛ اما به دلیل اهمیت زیادی که برای وفاداری و تعهد خود در برابر الیجاه محمد قایلند، قادر نیستند افراد مطلوب خود را پیدا کنند. برخی از پیروان تحصیل کرده نهضت از رئیس کل سازمان مردان انتقاد می کردند و می گفتند که، قدرت زیادی به هم زده است به طوری که الیجاه محمد نیمی از اوقات نمی داند که در نهضت چه می گذرد. این عده معدود معتقد

بودند که، اگر می خواهید واقعاً کاری انجام شود، باید نزد الیجاه محمد بروید. هر چند در این انتقاد گوشه ای از حقیقت نهفته است، اما در واقع انتقاد از شخص الیجاه محمد است که چرا چنین افسر آسیب پذیری را برگزیده است. یکی از مشکلات مهمی که نهضت با آن رو به رو است، قصور الیجاه محمد، در تفویض اختیارات کافی به مقامات پایین تر است. به استثنای احتمالی رئیس کل سازمان مردان، اختیارات به افراد ناقابل، اما متعهد داده می شود. این موضوع یکی از مشکلات دانشگاه اسلام و مانع بزرگی فرا راه اداره آن است. در جریان این تحقیق، تنها یکی از اعضا از الیجاه محمد و سازمان مسجد شیکاگو انتقاد کرد. وی تأکید کرد که با تمام وجودش از الیجاه و برنامه هایش حمایت می کند، اما نگرانی عمیق خود را از برخی موضوعات در سازمان مسجد ابراز داشت.

نگران سیاست ها و طرز تلقی های الیجاه محمد و نزدیکانش و نیز نگران پنهان کاری های این محل هستیم. تمام محل از پنهان کاری پر شده است. رُک و راست بگویم، نمی دانم که چه باید بکنم. مسجد در واقع یک حکومت گروه اندک خانوادگی است وی نزدیک ترین فرد به الیجاه محمد است و به نظر می رسد که الیجاه محمد به وی اعتماد زیادی دارد. گمان می کنم شاید دلیلش اعتمادی است که به او دارد. ظاهراً الیجاه محمد به من اعتماد ندارد. تمام تصمیمات را خودش می گیرد و تصمیمات من در مسائل اداری هرگز اجرا نمی شود. الیجاه محمد می گوید که، از دریافت پیشنهاداتها خشنود می شود، اما وقتی پیشنهادات تهیه شد فقط قدردانی می کند و این نهایت کار است. او به زیر دستان خود، به جز عده کمی، اعتماد ندارد. واقعاً کارهای الیجاه را دوست دارم و به آنچه که برای مردم ما آرزو می کند، ایمان دارم؛ ولی سر در نمی آورم که او می خواهد من چه کاری را انجام دهم. منشی الیجاه محمد تحصیلات کمی دارد. سازمان به راستی فقیر است. هنوز برای برنامه ریزی کنوانسیون سالانه، کاری نکرده اند در حالی که این کار باید ظرف همین ماه انجام شود. (۶۴). وی ابراز تأسف می کرد که همه تصمیم گیری های مربوط به خط مشی نهضت باید در یک دفتر اتخاذ شود، پیشنهاد نمود که نهضت ملت اسلام نظیر هر ملت دیگر، باید دارای هیأت دولت باشد که صلاح کارها را به الیجاه محمد بگویند.

Translation Movement
JMS

۱. بنیون، همان، ص ۹۰۲.

۲. J.B.STONER. 3. کوکلوس کلان (KU KLUX CLAN) سازمان مخفی سفیدپوستان نژاد پرست آمریکاست که از پایان جنگ های داخلی آمریکا تشکیل شد و با شیوه خشونت آمیزی به آزار و اذیت و قتل سیاهان پرداخته است. این کلمه ریشه یونانی دارد و از (KUKLUS) به معنای گروه گرفته شده است. اعضای آن را نیز شوالیه (KNIGHTS) می نامند. (مترجم).

۴. نامه منتشره از سوی آمستردام نیوز، نیویورک، دوازدهم سپتامبر ۱۹۵۹، ص ۲-۱.

۵. MILES DAVIS. 6. MASSEY. 7. همان، ص ۹.

۸. همان، ارزش تبلیغاتی این نوع رویداد از لحاظ همبستگی داخلی بسیار زیاد می باشد و آنان در بهره برداری از چنین رویدادهایی به سود خود کوتاهی نمی کنند.

۹. 10. AMESTERDAM NEWS. همان، ص ۱ و ۹.

۱۱. ملاقات با الیجاه محمد.

۱۲. 14. F.O.I. 13. SPECIAL HONOR GUARD. مصاحبه با روحانی والاس محمد.

۱۵. در متن انگلیسی از قلم افتاده است. (مترجم).

۱۶. دستورات عمومی (نسخه تایپ شده و بدون تاریخ).

۱۷. (اطلاع نامه) سازمان میوه های اسلام خرد سالان (نسخه تایپ شده و بدون تاریخ).

۱۸. سیاره نما (PLANETARIUM) اسبابی است که به وسیله آن گردش سیارات را به دانش آموزان نشان می دهند. (مترجم).

۱۹. در برابر آکواریوم آورده شده است. (مترجم).

۲۰. از یک پوستر دایمی که در سالن کنفرانس دانشگاه اسلام نصب شده است.

۲۱. سیاه پوستان خیابانی علاقه مند به شرکت در جلسات مسجد. این خیابان به خاطر وجود تعداد زیاد سیاه پوستان طبقه پایین که در آن جا پرسه می زنند، مشهور است.

۲۲. توم توم (TOMTOM) نوعی طبل دستی است شبیه ضرب در موسیقی ایرانی (مترجم).

۲۳. کرنیت (CORNET) نوعی ساز بادی از خانواده ترومپت است. (مترجم).

۲۴. پاسخ به پرسش چهارده در درس شماره یک مسلمان گمشده پیدا شده، (اولین ترم امتحانی انتصاب الیجاه محمد). (نسخه تکثیر شده و بدون تاریخ).

۲۵. یک پوند دقیقاً ۴۵۳/۵۹ گرم یا ۱۶ اونس است. (مترجم).

۲۶. 27. ROSIE LEE. حضور الیجاه محمد در مسجد به مناسبت روز ناجی در سال ۱۹۵۶ در برنامه

چاپ شده به این صورت شرح داده شد: (ساعت سه بعد از ظهر ورود شاهانه الیجاه محمد، رهبری نو برای روزی جدید). در جلسه آخر کنوانسیون سال ۱۹۶۰، روحانی مالکوم ایکس از حاضران خواست تا هنگامی که الیجاه محمد از سالن خارج می شود، صندلی های خود را ترک نکنند و دست بزنند: (لطفاً به این مرد سیاه که می دانید شما را دوست دارد، احترام بگذارید، و نیز به رئیس جمهور ایالات متحده که فکر می کنید شما را دوست دارد).

۲۸. سخنرانی الیجاه محمد، از یادداشت های نویسنده.

۲۹. تعداد کسانی که در کنوانسیون های سال های ۱۹۵۶، ۱۹۵۷ و ۱۹۵۹، شرکت کرده اند، از رقم دو هزار نفر در هر یک از آنها، تجاوز نکرد.

۳۰. (حیوانات سبع) اشاره به سفید پوستان و فاقد قدرت های (غیر دشمن)، کنایه از سیاه پوستان و سایر رنگین پوستانی است که طالب روابط جنسی نامشروع با زنان سیاه پوست هستند.

۳۱. 33. JAMES R. LAWSON. 32. F.H. HAMMURABI. فردریک دوگلاس، زندگی

و عصر فردریک دوگلاس، هارتفورد، کانتیکت شرکت انتشاراتی پارک، سال ۱۸۸۲، ص ۵۰۱؛ (نژادی که نتواند در آمد خود را پس انداز کند و همه پول خود را خرج کند و به هنگام بیماری زیر بار قرض رود، هرگز نمی

تواند در مقیاس تمدن قیام کند، صرف نظر از این که چه قوانینی از این فرصت برخوردار است. مارا در آفریقا یا کانزاس بگذارید، و تا وقتی که یاد نگیریم که بیش تر پس انداز کنیم تا خرج، بدون شک غرق و معدوم خواهیم شد. ناموس طبیعت این نیست که ما در مواهب جهانی از ثروت برابر برخوردار شویم. برخی کامیاب تر از دیگران خواهند بود، و فقر، در موارد بسیاری، ثمره بدشانسی است تا جنایت، لکن هیچ نژادی اجازه نمی دهد که افراد آن قربانی بدشانسی شوند، بی آن که به عنوان یک نژاد بی ارزش به شمار آیند. نگاه کنید به: بروکرت، بر فراز بردگی، واشنگتن، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ (خردمندترین کسان در میان نژاد من درمی یابند که رنجش و دل آزاری از مسائل برابری اجتماعی، کمال ابله‌ی است، و پیشرفت در برخورداری از تمامی امتیازاتی که نصیب ما خواهد شد باید بیش تر نتیجه مبارزه شدید و پویا باشد تا الزام و اجبار تصنعی. هر نژادی که چیزی برای عرضه کردن به بازارهای جهان دارد، در زمانی دراز از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم بوده است. نکته مهم و درست این است که همه امتیازات قانون شامل ما گردد؛ لکن مهم تر از این است که ما آمادگی اجرای این امتیازات را داشته باشیم.

۳۴. آن. نووکیوجی، مرد جوان به شرق برو، نیویورک، نهضت پیشتاز ملیت گرای آفریقایی، ص ۴۸-۴۹. (نویسنده این بروشور همچنین به چارلز پیکر معروف است).

۳۵. ایلعادر (LAZARUS) نامی است که (لوقا) بر گدایی نهاد که در همسایگی مردی ثروتمند زندگی می کرد، ایلعادر بتانی (BETHANY) کسی است که عیسی مسیح او را با معجزه خویش زنده کرد. (مترجم).

۳۶. الیجاه محمد، هرال دسیچ، لوس آنجلس، ۲۱ نوامبر ۱۹۵۹، ص ۸.

۳۷. ص ۳-۱۰ الیجاه محمد، هرال دسیچ، نوزدهم فوریه ۱۹۵۹، .

۳۸. نظام اشتراکی (COMMUNALISM) نوعی اشتراک منافع گروهی در سازمان های اجتماعی یا اقتصادی است که از لحاظ محتوا و شکل مالکیت و آزادی فعالیت با مرام اشتراکی معروف به کمونیسم متفاوت است.

۳۹. صدقات (ALMS) همان خیرات و مبرات است. (مترجم).

۴۰. عشریه (DUTY) فریفته و تکلیف مذهبی هم معنا می دهد. (مترجم).

۴۱. مصاحبه با روحانی والاس محمد.

۴۲. WHITE CLOUD. 43. ISLAMIC NEWS. 44. MESSENGERS MAGZINE. 45. MR MUHAMMAD SPEAKS TO THE BLACKMAN. 46. MR MUHAMMAD SPEAKS. 47. JUNE X. 48. LORRAINE X. 49. این منطقه را خیابان های شرقی شماره هشتاد و پنجم و هشتاد و ششم و خیابان های جنوبی سات پارک و پریر احاطه می کند. شورای انجمن چاتهام آوالون پارک با طرح مسلمانان برای خرید این محل مخالفت می کند. نگاه کنید به: شیکاگو سات ابست اکونومیست، ۲۷ مارس ۱۹۶۰، ص ۱؛ در اوت ۱۹۶۰ کمیسیون پارک شیکاگو، که زمین را به مسجد فروخته بود، با سلب مالکیت از مسجد، آن را به صورت یک

پارک در آورد. مسلمانان از غرامت ۱۶۵۰۰۰ دلاری دادگاه برخوردار شدند، مبلغی که بیش تر از پولی بود که کمیسیون بخش پارک می خواست پیش از کشاندن موضوع به دادگاه به مسلمانان بپردازد. نگاه کنید به: **اليجاه محمد سخن می گوید، شماره مخصوص ششم، ص ۱۹.**

۵۰. با بهبود وضع اقتصادی مسلمانان، تمایلات خشونت طلبانه آنان معتدل تر شده است. در واقع این علاقه مندی به تحصیل ثروت، یکی از محظورات مهم و داخلی در کار امکان سیاسی یا انقلابی شدن نهضت است.

۵۱. از سوی رابرت. س. نلسون، خبرنگار روزنامه کریشن ساینس مانیتور به نویسنده گزارش شد.

۵۲. نشریه اخبار آمریکا و گزارش های جهان، نهم نوامبر ۱۹۵۹، ص ۱۱۲.

۵۳. **LOSANGLES HERALD DISPATCH. 54. AMEW SURRENDER.**

۵۵. چانه زنی دسته جمعی (COLLECTIVE BARGAINING)، که در اصطلاح حقوقی مذاکرات احقاق حق جمعی نامیده می شود، به مذاکرات نمایندگان کارگران با کارفرما درباره مسائل کارگری مانند: ساعات کار، دستمزد، شرایط کار و غیره اطلاق می شود. (مترجم).

۵۶. منظور از جمهوری عربی متحده، اتحادیه سیاسی مصر و سوریه در فاصله سال های ۱۹۵۸^۱ تا ۱۹۶۱ بود، که به دلایل سیاسی و اقتصادی متلاشی شد. (مترجم).

۵۷. کلمه یهوه (JEHOVAH) در زبان عبری به معنای خداوند است. ریشه کلمه از (یهوه) یا (یاهو) یکی از خدایان کنعانیان گرفته شده است. موضوع شایان توجه این است که در تورات در باب اول از سفر پیدایش تا آیه چهارم از باب دوم آن از خداوند با نام (الوهیم) ذکر شده، ولی در فصول و آیات بعدی کلمه (یهوه) آمده است. (مترجم).

۵۸. سخنرانی، واشنگتن دی.سی، ۳۱ مه ۱۹۵۹، ص ۷.

۵۹. مصاحبه با الیجاه محمد.

۶۰. **MALCOM CAMDEN. 61. JAMES ANDERSON. 62.**

X SHABAZ (غیر از مالکوم ایکس معروف است.) (مترجم).

۶۳. سخنرانی در میلواکی، ویسکانسین (تایپ شده)، ص ۳-۴.

۶۴. مصاحبه شونده، درخواست کرد که نامش ذکر نشود. وی از آن زمان نهضت را ترک گفت.

خلاصه ای از ماهیت و خصوصیت های اجتماع مسلمانان

خلاصه ای از ماهیت و خصوصیت های اجتماع مسلمانان

زندگی منظم و فعالیت های مسلمان سیاه که در این فصل آمده و در فصل های آینده نیز بیش تر تشریح خواهد شد، به وجودآورنده چیزی است که ما آن را با عنوان (ملیت گرایی ظاهریینه) (۱) توصیف کرده ایم. البته باید گفت که تأثیر متقابل عقاید باطن گرایی (که قبلاً شرح داده شد) در فعالیت های منظم نهضت به نحوی است که موجب خلاقیت و همبستگی آن گردیده و اجتماع مسلمانان را می سازد. این اجتماع یک اجتماع طبیعی نیست، بلکه اجتماعی از مؤمنان یا اساساً یک گروه (پاریا) (۲) در محلات فقیر نشین سیاهان است، اجتماعی است (خود آگاه) که اعضای آن با پشت کار و انضباط فردی و فداکاری بر طبق آرمان متمرکز اسلام (بر طبق درک الیجاه محمد) زندگی می نمایند، اجتماعی است که در آن اضطرابات و ناکامی های اعضا همساز شده است.

مسلمانان ادعا می کنند که آرامش فکر و شادکامی را در این اجتماع می یابند، با عضویت در این اجتماع از آزادی، برادری، عدالت و برابری بهره مند می شوند. معنای واقعی آزادی و عدالت و برابری را از دیدگاه آنان باید در اجتماع و در میان همزادان خود یافت و نه در اجتماع بیگانگان و از راه همپیوندی با سفید پوستان همان گونه که بسیاری از سیاهان چنین می اندیشند. به هر حال، آگاهی یک مسلمان از هویت و اجتماع خود کافی نبود و باید تبدیل به یک فرآیند کنش عامدانه برای بالا بردن نفع شخصی و نفع اجتماعی به عنوان یک کل باشد. گو این که رهبر نهضت تعریف جامعی از نفع اجتماعی نموده، اما اعضای نهضت می توانند به مشخص کردن جزئیات آن بپردازند. سازمان نهضت نیاز به این دارد که به هدف تبدیل نفع اجتماعی به یک کنش متقابل، جامه عمل پوشد. البته انجام این منظور، مستلزم آن است که نوع خاصی از سازمان به وجود آید. سازمان مسلمانان سیاه از ویژگی های انحصاری و نظامی و انضباط زیاد برخوردار است. جنبه انحصاری آن را می توان در آرمان نهضت یافت که در عین حال مجری عقاید رهبر درباره قابلیت و مسئولیت پذیری است. شایان ذکر است که ساختار سازمان که استوار بر سلطه گروهی اندک بوده و تفاوت هایی بین کادر رهبری و اعضای عادی دیده می شود، برای مسلمانان سیاه یک امر عادی است، زیرا هدف مشترک خود را فراتر از این مسائل می دانند. (جوزف زیگمونت) (۳) مشابه این وضع را در سازمان انجمن مراقبان (شهود یهوه) نیز دیده است. شرحی که وی در این زمینه به دست می دهد قابل شمول به نهضت ملت اسلام نیز می باشد.

با وجود ساختار خاص و اختلافات بارزی که در این نهضت به چشم می خورد، لکن شایان ذکر است که این نهضت انباشته از هدف های مشترک و عمیق برای برابری و ایجاد توازن است. هدف برابری سبب می شود که توزیع سلسله مراتب قدرت تلطیف شود. همه اعضا برادر یکدیگرند و چون همگی خدمتگزار نهضت هستند. بنابراین اگر کسی بیش تر از دیگران قدرت داشته باشد، این قدرت به چشم نمی آید. همچنین، با این که زندگی اعضا شدیداً تابع مقررات است، ولی چون حقیقت را پذیرفته اند، خود را از قیود (واقعی) آزاد سازند. (۴).

جنبه نظامی سازمان از این نقطه نظر اهمیت دارد که سازمان به حراست از منافع تعریف شده نهضت پرداخته و به گونه خشونت آمیزی هدف های آن را دنبال می کند. وجود انضباط در سازمان تاحدودی از این عقیده نشأت می گیرد که خلق های سیاه به انضباط نیاز دارند. و تا اندازه ای به سبب آن است که دست یافتن بر هدف های نهضت، بستگی به قابلیت اعضای آن از لحاظ پیش بینی موانع پیشرفت خلق های سیاه دارد. از این رو، حفظ انضباط برای همبستگی داخلی نهضت و تعهد در برابر آن حایز کمال اهمیت است.

در محدوده این اجتماع هر عضو با اهمیت به شمار می رود؛ افراد با کفایت و با استعداد پاداش می گیرند، بلند پروازان به مقامات بالا دست می یابند، پشت کار و ایثار فردی و انضباط و تعهد برای همه لازم است و جایی برای تنبلی وجود ندارد. بگذارید آدم های تنبل به کلیسای مسیحی بروند؛ اما اگر شما بلند پرواز و پشت کار دارید، به مسجد اسلام بیایید. برای ما مهم نیست که چه لباسی به تن کرده اید، مهم آن است که بیرون بیایید و دنباله رو الیجاه محمد باشید. از شما می خواهیم که اسلام را قلباً بپذیرید و به گسترش فروشگاه های ما کمک کنید. بیایید فروشگاه خود را به یک صنعت لباس دوزی تبدیل کنیم و اگر مرد سفید پوست به بهره گیری از تلاش شما این کار را جامه عمل می پوشاند، پس چرا ما نتوانیم با نیروی کار خود برای خودمان صنعت لباس دوزی به وجودآوریم ما باید چیزی از خودمان داشته باشیم؛ یعنی، برای مرد و زن سیاه کار فراهم کنیم... ما باید از خودمان بیرون آییم و کار کنیم. باید همسران خود را در خانه با هنرهای خلاقه سرگرم کنیم و از آشپزخانه مرد سفید پوست، دورش کنیم. هیچ کس نباید چشم امید به آسمان بدوزد؛ چرا که در اسلام، همه چیز با کار و زحمت به دست می آید. همه فرزندان الیجاه محمد کار می کنند. اگر می خواهید به بهشت بروید باید پشت کار داشته باشید؛ چون در نهضت اسلام جایی برای تنبلی و جهل وجود ندارد.(۵).

روش تقسیم کار (اصلی) و خرده تقسیم کار (فرعی) در نهضت به بسیاری از اعضا امکان می دهد تا دائماً در فعالیت های آن مشارکت نمایند. مشاغل و عناوین گوناگونی به وجود آمده که اغلب آنها افتخاری و حیثیتی است. این مشاغل به گروه زیادی از سیاهان طبقه پایین داده شده که در گذشته هرگز پیش بینی نمی کردند کسی آنان را به حساب آورد. اعضای نهضت هم از اخلاق عمیق و هدف های باطنی و ظاهری و هم از هدف های عادی مشخص نظیر پیشرفت و ترقی الهام می گیرند. تأثیر متقابل مادیات در معنویات به مسلمانان توانایی می دهد تا به خاطر نفع مشترک اجتماعی با یکدیگر تشریک مساعی کرده و فکر داشتن هدف و جهت در بین اعضا پدید آید.

پس بیایید در همین جا، در شیکاگو، دست اتحاد به یکدیگر دهیم. معیارهایی را بنیان نهیم که رهنمون بیست میلیون مرد سیاه در سراسر ایالات متحده آمریکا باشد. آن وقت خداوند آسمان و زمین از ما خشنود خواهد شد. برای این اتحاد، ما قبلاً طرحی ریخته ایم که عبارت است از ایجاد یک مرکز آموزشی برای فرا گرفتن دانش مورد نیاز ما، کتابخانه ها، مراکز تفریح، مراکز درمانی یک مسجد زیبا که مذهب اسلام و پدران ما را بیاموزد، و همه این کارها فقط بیست میلیون دلار خرج دارد. شما و من می توانیم این بیست میلیون دلار را در همین جا، در (سات ساید)(۶) فراهم کنیم.

شما این پول را در اختیار دارید تا صرف این هدف ارزشمند سازید که فرزندان شما بتوانند روزگاری با سربلندی به این بنای تاریخی اشاره کنند که ناجی آنها بوده است. (۷).

ورود سیاه پوستان به نهضت ملت اسلام.

دیدگاه الیجاه محمد بر سیاست رسمی نهضت ملت اسلام، جذب (سیاه پوستان در گل فرو رفته) به نهضت و دور کردن آنان از حمایت و رهبری طبقه متوسط سیاه پوست یا قطع جانبداری آنان از رهبرانی چون (پدر دیواین)، (جونز مدعی پیامبری) و غیره می باشد. توجه الیجاه محمد معطوف به ضعیف ترین سیاه پوستان مناطق شهری شمال آمریکاست. وی اخیراً به سازمان دهی نهضت در جنوب آمریکا پرداخت و یک روحانی را به آتلانتا در ایالت جورجیا اعزام داشت. در این شهر به سال ۱۹۵۶ یک مسجد تأسیس شد. چند میسیون مذهبی کوچک، در چند شهر واقع در قلب جنوب، زیر نظر روحانی مسؤول مسجد آتلانتا قرار دارند. سیاه پوستان زیادی از مسجد اسلام دیدن می کنند؛ زیرا از سوی دوستان مسلمان یا میسیونر جامعه سیاه پوست دعوت می شوند. دیدار برخی از آنان از مسجد به سبب مطالبی است که از روزنامه، رادیو و تلویزیون درباره اسلام فراگرفته اند؛ ولی گروه کمی از آنان به عضویت نهضت در می آیند و در آن باقی می مانند. یک افسر مسجد شیکاگو می گفت: با این که حدود ۱۰٪ از مهمانان شرکت کننده در جلسات برای عضویت ابراز تمایل می کنند، اما تنها ۲٪ آنان شرایط کامل عضویت را دارند. افسر دیگری برآورد می کرد که به طور متوسط، هفته ای پنجاه نفر مایل به شرکت در سه جلسه هفتگی هستند. وی افزود که از این تعداد، حداکثر پنج نفر برای عضویت ثبت نام می کنند. با توجه به دلایلی که پیش تر بیان شد، ما هیچ گونه آمار معتبری از گروندگان به اسلام در دست نداریم؛ ولی می توانیم استنباط کنیم که میزان آن بسیار بالاست. اغلب مسلمانان شیکاگو در جنوب متولد شده اند. بیش تر مهاجران جنوب، احتمالاً مدارس ابتدایی را تمام نکرده اند و تنها شمار کمی از آنان دبیرستان را به پایان رسانده اند. برخی از آنان نیز بی سوادند و غالب آنان فاقد مهارت لازم برای مشاغل صنعتی در شهرهای شمال هستند. بسیاری به شمال آمده اند تا راه خروجی برای فعالیت های خود در جنوب بیابند؛ اما تجربه های بعدی به اغلب مهاجران جنوب آموخت که شهرهای شمالی با هدف رسیدن به ارض موعود بسیار فاصله دارد؛ زیرا سیاه پوستان فاقد تحصیل و مهارت هستند و امکانات شغلی و فرهنگی شان محدود است. سیاهان دریافتند که تبعیضات شغلی و مسکن در شمال، درست مانند جنوب، به دلیل عادت، مهر تأیید خورده است. این مهاجران نه تنها برای جامعه سفید پوستان بیگانه به شمار می روند، بلکه در چشم سیاه پوستان شهر نشین نیز اجنبی هستند. ساکنان سیاه پوست شمال آنان را از خود دور می کنند؛ چون نگران هستند که متأثر از مهاجران جاهل شوند. آنان بیم دارند که شیوه های خشن تازه واردان، مانع پیشرفت نژادی گردد و آنچه را که تاکنون در رهگذر روابط نژادی به دست آورده اند، محدود سازند و به

پذیرش آنان از سوی سفید پوستان گزندی برساند. آنان از ورود این تازه واردان احساس شرمساری می کنند، و یک گزارشگر سیاه پوست به گونه قاطعی آنان را به عنوان ناخواسته هایی از ایالات جنوبی توصیف کرده است. مسلمانانی که در شمال متولد شده اند از لحاظ تحصیلات، کمی بهتر از جنوبی ها هستند. بسیاری به دبیرستان رفته اند؛ ولی گروه انگشت شماری توانسته اند آن را به اتمام برسانند. عده کمی از دانشجویان مؤسسات عالی توانسته اند یک دوره تحصیلی شش ماهه یا بیش تر را بگذرانند، تعداد فارغ التحصیلان مؤسسات عالی در نهضت، به عنوان یک کل، از ۱۰٪ تجاوز نمی کند. البته مسلمانان ادعا می کنند که در نهضت، پنج پزشک مسلمان وجود دارد. در میان اعضای دایمی مسجد شیکاگو دو فارغ التحصیل مدارس عالی وجود دارد که هر دو آنان از مدرسه عالی هنرهای آزاد سیاه پوستان جنوبند. شمار کمی هم سال اول یا دوم مدارس عالی را تمام کرده و یا اخیراً در آن جا ثبت نام کرده اند.

اکثریت انبوه کسانی که از مسجد اسلام دیدن می کنند، ناخواسته های جنوب هستند (۸) که به دلیل گذشته اجتماعی و منشأ نژادی خود در محلات فقیرنشین شهرهای شمال سکنا دارند. در این محله ها وضع اجتماعی، امیدوار کننده نیست، دوستی های طولانی به ندرت به وجود می آید، امکانات انحطاط اخلاقی، خود تحقیری فراوان است. تنها افراد دارای تحرک بسیار با شخصیت و با عزم راسخ و قابلیت فردی تلاش می کنند، تا از بی تفاوتی جامعه سیاه پوست یا از حقایق ناشی از سیاه بودن در محیط یک جامعه سفید پوست و دشمن بگریزند. تجربه مشترک آنان بی کاری، آلودگی ها و بیماری است. تلخ کامی، ناکامی و سرخوردگی، با زندگی روزمره شان پیوند خورده است. اغلب آنان بر اثر احساس بیگانگی اجتماعی و فرهنگی ناگزیر می شوند به درمان های طفره آمیز مانند: قمار، اعتیاد به الکل، مواد مخدر و جنایت برای حل مشکلات خود متوسل می شوند. برخی سر و کارشان به زندان می افتد. سایران به طالع بین ها روی می آورند تا روح خود را درمان کنند. تنها چند نفری به یک سازمان ملیت گرا ملحق می شوند. و گروهی به ملت اسلام. آنان در جست و جوی راه خروجی پویا از فقر و فلاکت خویش هستند. (۹) همه آنان راه های مختلفی را در پیش می گیرند که غالباً به سرانجام فلاکت و ناکامی و انحطاط اخلاقی می انجامد. شمار کمی از آنان هم به پیشرفت و تجدید حیات اخلاقی خویش می پردازند. نهضت ملت اسلام، یکی از این راه ها برای سیاه پوستان طبقه پایین به شمار می آید که در طلب پیشرفت هستند. نهضت برای کسانی که از قابلیت و انگیزش رشد شخصیت از طریق انضباط فردی و پشت کار و حس مسؤولیت فردی برخوردار هستند، راه خروجی را نشان می دهد.

شرایط عضویت در نهضت ملت اسلام.

از لحاظ نظری، مردم سیاه (یعنی همه افرادی که دارای پوست سرخ، زرد و قهوه ای) هستند واجد شرایط عضویت در نهضت ملت اسلام می باشند، لکن عملاً، تنها سیاه پوستان آمریکایی در آن عضویت دارند. دانشجویان کشورهای خاورمیانه تلاش کردند تا در جلسات مسجد شرکت کنند، ولی به آنان اجازه این کار داده

نشد. آقای (جلیل جواد) یک دانشجوی عراقی تعریف می کرد، سه سال پیش به اتفاق (حصیر علی) - که هر دو مسلمان هستند - به مسجد شیکاگو رفتند، با این که آنان کارت شناسایی خود را برای اثبات مسلمان بودنشان ارائه دادند، اما به آن دو اجازه ورود داده نشد. نگهبانان به آنان گفتند که، مشغول تمیز کردن مسجد هستند. نامبردگان پنداشتند که، شاید نگهبانان فکر کردند که آنان مست هستند و از این رو، با زور مانع ورودشان به مسجد شدند و به ناچار آن دو مسجد را ترک گفتند. بنا به گفته جلیل جواد سه ماه بعد دکتر (جواد معاریب) و همسر سفید پوست آمریکایی اش به مسجد رفتند و به آنان نیز اجازه ورود داده نشد. به آنان گفته شد که، نام و نشانی خود را بدهند تا روحانی مسجد بعدها با آنان مکاتبه کند، ولی بعدها هیچ مکاتبه ای صورت نگرفت. جلیل جواد از این موضوع متعجب شده بود که در حق یک برادر مسلمان، به دلیل اختلاف نژادی، تبعیض قایل می شوند. وی اظهار داشته بود که حتی خلیفه اسلام نیز در مسجد با سایر مسلمانان برابر است به علاوه مسجد ۲۴ ساعته باز است و کسی را که برای عبادت به مسجد می رود، نمی توان از این کار بازداشت. یکی از افسران مسجد اظهار می دارد که، این محدودیت ارتباطی با نژاد ندارد، بلکه به سبب آن است که افراد یاد شده از پیش با اسلام آشنا شده اند در حالی که پیروان الیجاه محمد در این زمان نوزادان محض اسلام هستند. الیجاه محمد برادران مسلمان شرقی خود را می پذیرد و بسیاری از آنان در منزل وی شام می خورند. با این حال، الیجاه محمد فکر می کند که برخی از برادران مسلمان شرقی که در آمریکا اقامت دارند، تعالیم اسلام را فراموش کرده اند. در این جا باید اضافه کنیم که آقای الیجاه محمد به برخی از مسلمانان شرقی زیاد اهمیت نمی دهد، بویژه به کسانی که مقیم آمریکا هستند و بنا به ادعای وی، برخوردشان با یک تمدن بیگانه آنان را به بدترین نمونه آدم های ریاکار و دو رو مبدل می سازد. این حقیقت که بقالان مسلمان در ایووا، (۱۰) کالیفرنیا و میشیگان به فروش مشروبات الکلی و فرآورده های گوشت خوک مشغولند و تقریباً همه دیپلمات های مسلمان در سازمان ملل و واشنگتن دی.سی و نیویورک و سان فرانسیسکو آزادانه مشروب می خورند، وی را بسیار آزرده می سازد. رفتار بسیاری از دانشجویان مسلمان در

آمریکا نیز او را ناراحت می کند. (۱۱) Translation Movement

در نتیجه این سوء تفاهم، آقای (نعیم) یادآور می شود:

چند گروه از مسلمانان مقیم آمریکا، با نامه پراکنی به عنوان رهبران مسلمان در خارج از آمریکا به پیروان الیجاه محمد اتهام می زنند که به آنان تعلیم داده نمی شود تا نمازهای روزانه خود را به جای آورند. الیجاه محمد ضمن رد کردن شدید این اتهام، می گوید که آن روز نزدیک است که شما شاهد بالا رفتن مسلمان آمریکایی از مناره ها و گفتن الله اکبر و هجوم مردم به مساجد باشید که به خوبی مساجد عربستان سعودی، عراق، مراکش و پاکستان است. (۱۲).

سیاهان آمریکایی که آرزوی وحدت مجدد با سایر همزادان خود را در سر می پروراندند، آماده اند تا خود را کاملاً تسلیم مشیت الهی سازند و در برابر الیجاه محمد نیز کاملاً تسلیم هستند. نظریه وحدت مجدد، حاکی از آن است که سیاه پوستان همواره مسلمان بوده اند، هر چند که به دلیل سالیان دراز بردگی در ایالات متحده،

گذشته خود را فراموش کرده اند. بنابراین، در چشم آنان، عمل مسلمان شدن به معنای پذیرش صرف دین نیست، بلکه بازگشت به مذهب اجدادی و رجعت به ملتشان می باشد.

شیوه های جذب.

یک افسر مسجد به نویسنده کتاب گفت: وقتی که الیجاه محمد به هر سیاه پوستی که برای شنیدن سخنانش می آمد یک دلار می داد، بنابراین غیر عادی نیست که افراد بی کار با وعده های کار یا نوعی کمک مالی ترغیب به شرکت در جلسات سخنرانی شوند. حتی، به بعضی ها غذای رایگان در رستوران مسجد می دهند. با این که الیجاه محمد این نوع جلب غیر مستقیم را پسندیده نمی داند، وی همواره برای دستگیری از نیازمندان آمادگی دارد و ممکن است از اعضای نهضت که آینده خوبی در انتظار آنان است، برای صرف شام در منزل الیجاه محمد دعوت شود، و این افتخاری است که به راستی اهمیت زیادی دارد. هر مسلمانی وظیفه دارد تا از سیاهان برای شرکت در جلسات مسجد دعوت کند. تلاش منظمی به عمل می آید تا مردگان را در نزد الیجاه محمد نگه دارند؛ یعنی، سیاه پوستان غیر مسلمان با تعلیم الیجاه محمد آشنا شوند. یک چنین تلاشی برای کشاندن سیاه پوستان به جلسات به (ماهی گیری گروهی) معروف است. عموماً، گروه هایی از پیروان، به مناطق شهری که در آن جا طبقات پایین زندگی می کنند، می روند و آنان را تشویق به شرکت در جلسات به جای این که وقت خود را در میخانه ها بگذرانند می کنند. یک عضو نوزده ساله نهضت شرح داد که، چگونه از طریق یک برادر، از اسلام آگاه شد و ماهی اش صید گردید:

در آغاز، تعلیم را از برادر شنیدم که همکار من بود. او برایم تعریف کرد که الیجاه محمد برای سیاهان چه خدماتی را انجام می دهد. به آن تعلیم گوش فرا دادم و نتوانستم آن را نادیده بگیرم و جزئی از آن شوم. برادری که این تعلیم را بازگو کرد، آدم بردباری است و قویاً به الیجاه محمد معتقد است. می خواهم بگویم که این برادر بر حسب اتفاق مرا برگزید. به مسجد اسلام رفتم و در مدت پنج دقیقه ای که در آن جا بودم، به اسلام گرویدم و در مدت دو هفته به عضویت نهضت در آمدم. نخستین برداشت من از مسجد این بود که از آن جا خارج شوم و دست هر مرد و زن و کودک سیاه پوست را بگیرم و در اولین فرصت به مسجد بیاورم. هر وقت برای (صید ماهی) به خیابان های شماره چهار و هفتم و شصت و سوم می روم، همین احساس را دارم. به یک مست بر می خورم، به او می گویم که به مسجد بیاید، او به ما می گوید: (فقط یک بطری مشروب می خواهم و وقت آمدن به مسجد را ندارم). به خودم می گویم که تا اندازه ای که می دانم، او وقت زیادی دارد. احساس می کنم مرده ای را به روی شانه هایم حمل می کنم، اما نمی توانم او را وادار به این کار کنم. او می بایست در مسجد اسلام باشد. (۱۳).

اخيراً قسمت روابط عمومی به سازمان مسجد شیکاگو افزوده شده است. ریاست این قسمت با برادر (چارلز بتا) (۱۴) است. قسمت روابط عمومی و دفتر جدید التأسيس دبیر ملی برای ایجاد تماس گسترده با جوامع سیاه

پوست، برنامه وسیعی را در نظر گرفته اند. با وجود این، هر دو قسمت می کوشند تا با سیاه پوستان تماس برقرار کنند. در شیکاگو، مسلمانان به صورت گروهی یا دو یا سه نفره در مراسم عمومی و تظاهرات سیاه پوستان شرکت می کنند. (۱۵) در این اماکن به فروختن روزنامه هایی می پردازند که آثار الیجاه محمد را چاپ کرده است. آنان درباره اسلام، بویژه پیرامون برنامه های اقتصادی الیجاه محمد، سخن می گویند. علاوه براین، گروه های کوچکی در روزهای یک شنبه به کلیساهای سیاه پوست می روند و پس از برگزاری مراسم مذهبی، آزادانه با اعضای کلیسا سرگرم گفت و گو می شوند و از آنان دعوت می کنند تا عصر همان روز در جلسات مسجد شرکت کنند. (۱۶) به نظر می رسد که این شیوه کارساز باشد؛ زیرا بدین طریق گروه هایی از کلیسا روها، بویژه آنان که به کلیساهای معمولی می روند، و گاه روحانیان کلیسا را ترغیب می کنند تا از مسجد اسلام دیدار کنند و به تعالیم پرستشگاه گوش فرا دهند.

با این که مسلمانان در جلسات مذهبی آواز نمی خوانند و هیچ گونه موسیقی نواخته نمی شود، اما روحانی (لوئی) دهم، که قبلاً خواننده معروفی بود، اخیراً صفحه ای پر کرده به نام (یک مسلمان آواز می خواند): بهشت یک سفید پوست و دوزخ یک سیاه پوست، که شعر آن خلاصه ای از تعالیم الیجاه محمد است. روحانی (لوئی) دهم به همراهی پیانو، گیتار و با صدای بم آواز می خواند. وزن آهنگ شبیه کالیپسوی (۱۷) ملایم هند غربی است. (۱۸) این موزیک را در رستوران مسجد نیویورک در محله هارلم با دستگاه موسیقی سکه ای پخش می کنند. مسجد شیکاگو این رویه را پیروی نکرده، اما ممکن است که به صورت یک شیوه جالب مورد قبول عموم مساجد قرار گیرد. روحانی (لوئی) جوان، دارای سیمایی روشن و خوش قیافه است و صدای دل انگیزش برای بانوان جوان گیرایی خاصی دارد. بنابراین، جای حیرت نیست که در اجتماعات مسلمانان در نیویورک و در مساجد ایالت نیوانگلند حضور می یابد. فیلم های سینمایی که نشان دهنده فعالیت های کسب و کار آزاد و آموزش مسلمانان و سفر الیجاه محمد به آفریقا و خاورمیانه می باشد، برای جلب اعضای جدید به کار گرفته می شود. نویسنده کتاب، دو فیلم از این نوع فیلم ها را دیده است که یکی درباره فعالیت مسلمانان و دیگری درباره مسافرت روحانی مالکوم ایکس به آفریقا و خاورمیانه بوده است. نزدیک به پانصد نفر مسلمان و غیر مسلمان برای تماشای این فیلم آمده بودند. الیجاه محمد فیلم را تماشا می کرد، و همزمان با آن، مالکوم ایکس توضیحاتی درباره سفر خود می داد. توضیحات جذاب مالکوم ایکس بر محور فعالیت های کسب و کار و ارتباط سیاه پوستان با آفریقا دور می زد: گفتیم که شما را به آفریقا می بریم؛ ولی پیش از آن باید به شما آفریقایی هایی را نشان دهیم که از چهار صد سال پیش تاکنون در آمریکا هستند. اجازه بدهید اضافه کنم که این مردی است (با انگشت به الیجاه محمد اشاره می کند) که اندیشه های آفریقایی به ما داد. مردی که به ما آموخت ما میهنی داریم، که اگر نتوانیم آن را در آمریکا به دست آوریم، به میهن خود باز خواهیم گشت. (۱۹).

رسانه های عمومی.

اليجاه محمد طی سال های متمادی برای معرفی خود به مردم، تنها از جزوه های تبلیغاتی استفاده کرد، و خودش در جلسات، آنها را توزیع می کرد. در سال ۱۹۵۶، تلاش خویش را برای جلب پیروان از طریق مطبوعات سیاه پوست آغاز کرد و چندین روزنامه، مقالاتی از او را به چاپ رسانده که عبارتند از: پیتزبورگ کوریه، (۲۰) لوس آنجلس هرال ديسپچ، (۲۱) اخبار آمستردام، (۲۲) ميلواکی ديفندر، (۲۳) شيكاگو نیوکروزیدر (۲۴) و غیره می باشند. شخص اليجاه محمد یا روحانیانش، که گاه به چند ایستگاه رادیویی محلی دسترسی ندارند. اليجاه محمد برای انتشار روزنامه و مجلات، خود دست به سرمایه گذاری زد، که مجله مسنجر (۲۵) و روزنامه اخبار اسلامی (۲۶) از نمونه های آن به شمار می روند که تنها یک شماره از این دو منتشر و سپس تعطیل شد. مجله در آوریل ۱۹۵۹ منتشر شد و قرار بود که هر سه ماه یک بار انتشار یابد. تنها شماره اخبار اسلام در ششم ژوئیه ۱۹۵۹ به چاپ رسید. ماهنامه اليجاه محمد سخن می گوید، یک ماهنامه مبارزه طلبانه بود که عدالت را نثار سیاهان می کرد. این ماهنامه از ماه مه ۱۹۶۰ به بعد منتشر شد، ماهنامه اليجاه محمد با مرد سیاه سخن می گوید، تنها مجله ای است که مطالبی را می نویسد که دیگران جرأت نوشتن آن را ندارند. این مجله با سردبیری (دان برلی) (۲۷) در ژوئن ۱۹۶۰ انتشار یافت و تاکنون فقط یک شماره از آن انتشار یافته است. به نویسنده کتاب گفته شد که نزدیک به پنجاه هزار نسخه از این شماره چاپ شد، و بهای هر نسخه آن پانزده سنت بود و میزان فروش آن بالا بود اما، محل تردید است که بیش تر از سی هزار نسخه به فروش رفته است. دومین مجله به نام سلام (۲۸) که در قطع ساده مجلات کورنت (۲۹) و پیجنت (۳۰) منتشر شد، از سوی مسجد پیتزبورگ و فیلالدلفیا تأمین می شد. نخستین شماره آن که در ژوئیه ۱۹۶۰ منتشر شد، اختصاص به فعالیت های مسلمانان داشت و بهای تک فروشی آن بیست سنت بود.

محتوای رسالت اليجاه محمد از راه این رسانه ها، اساساً مذهبی است. این موضوع، بویژه، در مورد تمام مقالاتش در پیتزبورگ کوریه صادق است. او در این مقالات به مشکلات اقتصادی و اجتماعی به طور اتفاقی و تقریباً سراسری پرداخته است. وی مشکلات اقتصادی و اجتماعی را در هرال ديسپچ و لوس آنجلس می نوشت. انتقادش از زندگی اجتماعی سیاه پوستان به گونه مؤثری از سوی یکی از پیروانش به نام (راندولف سیدل) در ستون شیوه زندگی ما به طور منظم در هرال ديسپچ (۳۱) به چاپ می رسید. از مارس ۱۹۶۰ تحوّل عمده ای در شیوه دعوت عمومی اليجاه محمد صورت گرفت. مقالاتش در نیوکروزیدر این تغییر بینش را نشان می دهد که هنوز هم رنگ مذهبی دارد، اما به گونه چشمگیری تلطیف شده است. از سفید پوستان به عنوان شیاطین، کم تر یاد می شود یا اساساً اشاره ای نمی شود. تلاش او از آخرین کنوانسیون سالانه نهضت به این سو، نشان دهنده حساسیت وی به اتهاماتی است که وی را آموزنده نفرت می شناسند. نقش نهضت در نفرت از سفید پوستان، مانعی بزرگ فرا راه کوشش اليجاه برای جلب سیاه پوستان است. او می کوشد تا این نقش، و سایر نقش های عاری از جاذبه نهضت را تغییر دهد. (ماسکویانگ) (۳۲) ناشر مجله سلام اخیراً نوشت: آیا اليجاه محمد، نفرت از سفید پوست و برتری سیاه را می آموزد پاسخ: اليجاه محمد می آموزد که همه سیاهان باید به مبارزات آفریقایی خود ببالند و از سیاه بودن خود احساس شرم نکنند. سایر گروه های نژادی و مذهبی

مانند یهودیان، ایتالیایی ها، ایرلندی ها و کاتولیک ها به شدت به میراث فرهنگی خود بالیده و پیوسته برای ابدی کردن آن می کوشند. در این صورت، پس چرا بالیدن سیاهان بر گذشته خود را اشتباه بدانیم.

پرسش: چرا الیجاه محمد اجازه مصاحبه یا پذیرفتن یک سفید پوست، مثلاً یک روزنامه نگار سفیدپوست را نمی دهد پاسخ: این موضوع درست نیست. وی در کمال صمیمیت گفته است: با هر مرد سفیدپوست که بخواهد حقایق مربوط به شخص وی یا نهضت ملت اسلام را بگوید یا بنویسد، مصاحبه خواهد کرد. (۳۳).

هنوز به نظر می رسد که تماس شخصی کار سازترین شیوه ای است که مسلمانان از راه آن مسلمانان جدیدی را جلب می کنند. مسلمانان در وهله نخست تلاش های خود را متوجه نزدیکانشان می سازند. این موضوع در پاسخ به پرسش ما تحت عنوان چگونه نخستین بار با اسلام آشنا شدید منعکس گردید. سی نفر مسلمان به این پرسش پاسخ دادند. ۲۹ نفر گفتند که، از راه نزدیکان خویش با اسلام آشنا شده اند. تنها یک نفر (که در گذشته روسپی بود) گفت که، یک برادر مسلمان هنگامی که در خیابان پرسه می زد، مرا دید. از من دعوت کرد تا همان شب به جلسه بروم. (۳۴) میزان تأثیر مسلمانان بر سایر سیاه پوستان بستگی به این دارد که کردار و رفتار آنان چگونه باشد و ظاهر خوبی داشته باشند. البته، مسلمانان همواره در معرفی خود یا عرضه تعالیم الیجاه محمد برای کسی که آمادگی مسلمان شدن را دارد، کامیاب نبوده اند. مسلمانان به دلیل نداشتن تحصیلات و نکته سنجی، برخورد بدی با سیاه پوستان تحصیل کرده دارند.

تلاش دسته جمعی اعضای میوه های اسلام (گروه ماهی گیری)، گروه زیادی از افراد طبقه کارگر سیاه پوست را به شنیدن تعالیم الیجاه محمد می کشاند. هنگامی که الیجاه محمد در ماه مه از واشنگتن دی. سی. بازدید کرد، یک ناظر گزارش کرد که، پیروانش در توزیع بروشورهای مربوط به جلسه به اندازه ای فعالیت کرده اند که نزدیک به چهار هزار نفر (غیر مسلمان) در آن جا حضور یافتند. این ناظر افزود: مطبوعات سیاه پوست محلی برای این دیدار ارزش خبری قایل نشدند، و از هجوم مردمی که به دیدار الیجاه آمده بودند دچار حیرت شدند. (۳۵).

تنها معدودی از اعضای نهضت از طریق مکاتبه شخصی با الیجاه محمد، به ملت اسلام کشانیده می شوند. این افراد در مناطقی زندگی می کنند که در آن جا تعداد مسلمانان برای تشکیل یک مسجد کافی نیست. الیجاه محمد از طریق مکاتبه، تعالیم خود را به آنان می آموزد. به علاوه، چند نفری نیز در زندان اسلام آورده اند، الیجاه محمد تماس های خود را با زندانیان سیاه پوست (که تعالیم او را شنیده و مایل به عضویت هستند) حفظ می کند. همان گونه که در پیش گفته شد، وی برای زندانیان پول و دروس اسلام را می فرستد و آنان را تعلیم می دهد.

نقش نطق و بیان در تبلیغات مذهبی.

نقش نطق و بیان در تبلیغات مذهبی نهضت ملت اسلام، شایسته نوعی بررسی است. نخست به این دلیل که به مانند یک وسیله ای برای جلب سیاه پوستان به نهضت به کار می رود. دوم این که اهمیت واقعی نهضت را هم برای رهبران و هم برای پیروانش آشکار می سازد، سوم آن که هر چند قدرت نطق و بیان به عنوان یک وسیله جلب به کار گرفته می شود، ولی در عین حال یکی از محدودیت های بزرگ نهضت به شمار می رود.

قدرت نطق و بیان، نهضت را در زمان واحد، هم با مذهب و هم با ملیت گرایی می شناساند. هر دو ویژگی برای سیاه پوستان طبقه پایین که در طلب هویت و اعتبار در جامعه کنونی هستند، جاذبه و گیرایی دارد. الیجاه محمد آمادگی های مذهبی و روحیه خرافاتی سیاه پوستان و طبقه پایین را درک می کند. همچنین، وطن پرستی افراطی و ذاتی سیاهان را که زاید تحقیر شدن خلق های سیاه است نیز ادراک می کند، استعداد های مذهبی، روحیه خرافاتی، ناکامی ها، امیدها و آمال آنان از راه قدرت نطق و بیان تبلیغات مذهبی مورد بهره برداری قرار می گیرد. البته از راه قدرت نطق و بیان از سیاهان طبقه پایین و دارای تحرک فرازین (که قابلیت پیشرفت مادی و معنوی خود را دارند) نیز دعوت به عضویت می شود. این موضوع، همان گونه که قبلاً گفته شده، جاذبه ای عمده است و اهمیت نهضت را برای غالب اعضای آن توجیه می کند.

این قدرت نطق و بیان دارای دو سطح از جاذبه است: داخلی و خارجی. جاذبه داخلی، که بعدها درباره آن صحبت خواهیم کرد، اساساً متوجه مسلمانان است. هدف اصلی یاری دادن به مسلمانان در تلاششان برای پیشرفت می باشد؛ یعنی، کمک به ساختن نهضت از طریق حفظ همبستگی و وفاداری نسبت به آن و نیز تحکیم اعتقادات و اخلاق و شور و شوق در بین اعضا. هدف جاذبه خارجی در وهله نخست ترغیب غیر مسلمانان به این امر است که راه حل مشکلاتشان در اسلام وجود دارد. دوم این که، آنان باید با الیجاه محمد برای تحقق اهداف ملیت گرایانه و اعلام شده متحد شوند. سوم آن که دنباله رو اعمال وی و پیروانش باشند، حتی اگر رهبری وی را نمی پذیرند. این گونه به نظر می رسد که این قدرت نطق و بیان نه جامعیت دارد و نه محدودیت؛ زیرا به بهره برداری از هر چیزی می پردازد که برای جلب آنان در نهضت مؤثر است. در واقع، این موضوع در دستورات روحانی (والاس) به سایر روحانیان آمده و از آنان خواسته است تا برای شنوندگان خود درباره مذهب، زیاد تبلیغات نکنند. در حقیقت، او از آنان خواسته است تا به شنوندگان خود بگویند که مذهب مهم نیست، و تکیه سخنان خود را بر فعالیت های الیجاه محمد بگذارند. (۳۶).

موضوع اهمیت ندادن به مذهب به دلیل جلب بیش تر سیاهان و تکیه کردن بر مسائل مادی در گفت و شنودی با یک روحانی برجسته مسلمان آشکار شد. چیزی وجود دارد که صرفاً در جامعه سیاه مطرح نیست. می دانید که مسیحیت، معنویت گرایی کافی به مردم ما داده است. تکیه ما بر مذهب است، در حالی که این تأکید برای آنان جاذبه ای ندارد؛ زیرا تا حدودی ناشی از جهل آنان و تا اندازه ای به دلیل وجود انضباط در نهضت می باشد؛ یعنی، فراموش کردن مادیات، سیگار نکشیدن، مشروب نخوردن، کنار گذاشتن عادات زشت و غیره. بنابراین، معتقدم که فعالیت واقعی الیجاه محمد باید سر مشق قرار گیرد. توجه مردم به مسائل مادی است و شما می توانید این موضوع را در نیویورک احساس کنید. همه ملیت گرایان مانند (لاسون) از نهضت ملیت گرایان متحد (۳۷) آفریقایی، (کارلوس کوکر) (۳۸) از نهضت پیشتاز ملیت گرایی آفریقایی در هارلم درباره

مادی گرایی داد سخن می دهند. مردم می خواهند که مسکن و غذا و لباس خود را بهتر کنند و ما باید تبلیغات خود را متوجه آن کنیم. کارلوس و لاسون و سایر ملیت گرایان از لحاظ تعلیم و آرمان به منظور خود رسیده اند، لکن فاقد سازمان هستند. (۳۹).

سیاه پوستانی که به عنوان ناظر در جلسات مسجد شرکت می کنند به جلسات طولانی برده می شوند که طی آن روحانی مسجد، نظریات الیجاه محمد را به طور خلاصه بیان می کند. از رنج ستم های رفته بر انسان های سیاه در آمریکا، شکست مسیحیت در درمان دردهای آنان، و سرکشی فرمانروایان سفید پوست سخن می گوید. مهم تر از همه، به آنان اطمینان می دهد که الیجاه محمد یک سیاه پوست بی باک و دلیر است که مظهر آرزوها و آمال هر مرد و زن فهمیده سیاه پوست آمریکایی است. اگر الله با حضور خود این بعد از ظهرها را به ما ارزانی داشته، شما مردی را خواهید دید که مظهر آرزوها و آمال هر مرد و زن فهمیده سیاه پوست در آمریکاست. شما رهبری واقعی و توانا را خواهید دید که نیازهای سیاهان را درک می کند و می داند چگونه آنان را به کامیابی برساند. شما هیچ گونه خیالبافی را درباره این مرد و برنامه اش برای مسلمانان نمی یابید. سیاهان تا وقتی چشم امید به خیالباف دوخته اند، هرگز چیزی نخواهند شد. ما در آمریکا مشکلات واقعی داریم و باید برای حل آنها واقع بین باشیم. باید به خود آییم و ببینیم که رهبرانی مانند (پدر دیواین)، (ددی گریس)، (۴۰) (جونز مدعی پیامبری) و نظایر آنان فقط یک شوخی بزرگند و قادر نیستند چیزی را برای سیاهان به جز مضحکه شدن در چشم جهان متمدن به ارمغان آورند. (۴۱).

دیدار کنندگان از مسجد به داستان های کامیابی برادر یا خواهر فلان یا بهمان گوش فرا می دهند که یک رستوران، یک سلمانی، یک کسب و کار آزاد کوچک دایر کرده است. گفته می شود: ابتکار کسب و کارهای این گونه افراد نتیجه تعلیم الیجاه محمد است. داستان هایی، مانند آنچه در زیر می آید، در برخی از دیدار کنندگان حسن اثر دارد:

بسیاری از مردم ما، که عاری از هدف یا دستاوردها می باشند، با شنیدن پیام الیجاه محمد به مقام بلندی می رسند که (بوروکرتیس) (۴۲) ساکن نیویورک بدان رسید. وی پیش از آن که تعلیم الیجاه را بشنود به عنوان یک مکانیک در خیابان ها کار می کرد، اما حالا یک گاراژ پنج طبقه از خودش دارد که ظرفیت بیش تر از ۱۲۰ اتومبیل و پنج کامیون سرویس و بوکسل را دارد. کارگران را استخدام می کند، ولی عضو اتحادیه اتومبیل آمریکا در مانهاتان نیست. خانه ای را در کنار گاراژش خریداری کرده و خانواده وی دو اتومبیل دارد، پدر چهار دختر و یک پسر است. (۴۳).

گرویدن شخصیت های مهم به اسلام، دیدار کنندگان و نیز اعضا را از ارزش هدف مسلمانان مطمئن می سازد: موسیقیدانان و مبارزان بی شماری به مسجد روی آورده اند. رزمندگانی چون (هنری براون پل) (۴۴) چهارم، معروف به مایک جاکویز (۴۵) و موسیقیدانانی مانند (جیمز مودی) (۴۶) و (سونی استیت) (۴۷) و (آدام رایس) (۴۸) نوازنده معروف ترومپت و خواننده بر جسته آوازهای کالیپسو، (لوئی) و (الکوت) و (ریموند اوز) (۴۹).

به همین ترتیب درباره مسلمان شدن دو پزشک سیاه پوست و عضویت آنان در نهضت، تبلیغات زیادی می شود.

نمونه حرفه ای های سیاه پوستی که به تعلیم الیجاه محمد روی می آورند، دکتر (لئومک کلوم)(۵۰) از نیویورک (نیوجرسی) و دکتر (بویس جنیکینز)(۵۱) از سن لوئی هستند. وقتی از دکتر (جنکینس) (رئیس سابق بهداری بخش گرینویل از ایالت می سی سی پی) پرسیده شد که، چرا اسلام آورده است گفت: نور(۵۲) را دیدم، و در الیجاه محمد مردی را یافتم که می خواهد برای مردم خود کاری بکند.(۵۳) اسلام آوردن تنی چند از کشیشان واعظ، که آدم های مهمی نبودند، غالباً به عنوان یک وسیله جلب نظر کسانی به کار می رود که درباره مذهب مسلمانان تردیدهایی دارند.

بسیاری از واعظان مسیحی به نزد الیجاه محمد آمدند تا مشکلاتشان را حل کنند. در بین ما برخی واعظ وجود دارند که به اسلام گرویده اند. روحانی (لوسیوس ایکس)(۵۴) از مسجد شماره چهارم در واشنگتن دی. سی. قبلاً کشیش کلیسای ادونتیست های روز هفتم(۵۵) و کشیش سالمند لوس آنجلس به نام (قدوسی ماب دیویس)(۵۶) در سال جاری کلیسای خود را تبدیل به آموزش تعلیم اسلام کردند. روحانی مسلمان در سانفرانسیسکو یک انجیل شناس بود. کشیش (با پتیست ریچموند)، در ویرجینا، در تابستان امسال کلیسای خود را تبدیل به مسجد شماره ۲۴ اسلام کرد. اخیراً در نزدیکی ترنتون،(۵۷) (قدوسی ماب هال)(۵۸) از کلیسای صلیب مقدس(۵۹) از یکی از مساجد مسلمانان دعوت به سخنرانی در کلیسای خود را کرد و با شنیدن سخنان روحانی مسلمان، کلیسای خود را بست و از اعضای کلیسا خواست تا در مسجد اسلام حضور یابند. قدوسی ماب هال به شرکت در جلسات مسجد نیویورک پرداخت. واعظان و انجیل شناسان هر روز می آیند و می نویسند که از زمانی که الیجاه محمد به تفسیر واقعی کتاب مقدس دست زد، چون تا به حال کلیسا چنان تفسیری از آن نکرده بود، ادراک بیش تری از کتاب مقدس یافته اند.(۶۰).

با این که مسلمانان جداً معتقدند که، گاروی یکی از رهبران بزرگ سیاه پوست است که به آمریکا آمد، لکن مایل نیستند درباره وی احساسات به خرج دهند. به طور مثال، مسلمانان ادعا می کنند که یک مسلمان آفریقایی الهام بخش گاروی برای آمدن به آمریکا برای دست و پنجه نرم کردن با بار سنگین بیدار کردن و متحد کردن سیاهان بود.

چه چیزی مارکوس گاروی را چنین متمایز ساخته است، چه چیزی ذهن او را تغییر داد، چه چیزی چشم دلش را گشود و نیروی عقلش را آزاد ساخت وقتی آقای گاروی به انگلستان رفت، در آن جا یک مسلمان آفریقایی بود که مذهب طبیعی مردم سیاه را به وی شناساند ... مذهب مبارزه جوی اسلام را. این موضوع گاروی را بیدار کرد و او را از حلقه های زنجیر مسیحیت آزاد ساخت. وی را ناگزیر کرد تا بار دیگر مانند یک انسان سیاه به منافع جمعی همه انسان های سیاه بیندیشد.(۶۱) از مسلمانان خواسته می شود تا مرده پرست نباشند، و درباره دستاوردهای رهبران در گذشته به خیالبافی نپردازند. آیا ما نباید هرگز از اشتباهات ابلهانه دیگران درس عبرت بگیریم... مارکوس گاروی در عصر جدید به آمریکا آمد... تا روح ملیت گرایی سیاه را در ما بدمد، ولی ما غالباً سرگرم ستایش از رهبران مرده گذشته هستیم و برخی از ما، جاهلانه در انتظار بازگشت این رهبران از گور نشسته ایم... و بسیاری دنباله رو گاروی مرده اند... شخص آقای گاروی می آموخت که: مرد بزرگ تری در پی

وی خواهد آمد... چرا ما باید همواره مرده پرست باشیم تمام کسانی که به راستی گاروی را دوست دارند، ناگزیرند امروزه الیجاه محمد را بپذیرند و مقلد او باشند.(۶۲).

قدرت نطق و بیان تبلیغات مذهبی به مسلمانان، منزلت پیشتازان سیاه پوست و بسیار علاقه مند به آفریقا را داده است؛ اما این علاقه از شور و حرارتی نامحدود برخوردار نیست. الیجاه محمد مایل نیست که پیروانش برای آفریقا زیاد احساسات به خرج دهند و مشکلات خود در آمریکا را به دست فراموشی بسپارند. علاقه آنان به آفریقا، در عین اصالت، معطوف به بدست آوردن اعضای جدید می باشد. در شماره ماه ژوئیه نشریه الیجاه محمد سخن می گوید، شش صفحه ای از اخبار و مقالات زندگی نامه ها و عکس های رهبران آفریقا به چاپ رسید. عکس روحانی مالکوم ایکس در حال گفت و گوی صمیمانه با (کواندا)(۶۳) رهبر نهضت ملیون رودزیا چاپ شده بود. عکس الیجاه محمد، مانند سایر رهبران آفریقا، به عنوان (خواهان ملیت سیاه) دیده می شد. برداشت نویسنده کتاب (که یک روحانی مسلمان نیز آن را تأیید کرد) این است که رهبران مسلمان فکر می کنند که قادر نیستند از راه بزرگ جلوه دادن آفریقا با استفاده از قدرت نطق و بیان تبلیغات مذهبی تعداد زیادی مسلمانان جدیدی جلب کرد؛ زیرا بسیاری از سیاه پوستان آمریکا هنوز آفریقا را یک جنگل انبوه می دانند. به نویسنده کتاب گفته شد که، اصطلاح سیاهان آسیایی طبیعی تر است؛ زیرا عاری از احساس شرمی است که آفریقا در سیاه پوستان پدید می آورد.

مشکلات قدرت نطق و بیان در تبلیغات مذهبی.

صرف نظر از فقدان عمومی انگیزش در میان خلق های سیاه برای پیشرفت از راه تلاش خویش و انضباط بسیار شدید و فداکاری هایی که الیجاه محمد از پیروانش می خواهد، قدرت نطق و بیان تبلیغات مذهبی، محدودیت شدیدی را برای نهضت ملت اسلام از لحاظ توانایی جلب پیروان زیاد به وجود می آورد. ما تنها چند مورد از این محدودیت ها را بیان می کنیم. قدرت نطق و بیان، نقش عوامانه ای از نهضت می سازد که با فعالیت های واقعی و مشهود و کاملاً محسوس مسلمانان مغایرت دارد. این ناسازگاری برای پیروان بالقوه نهضت، مشکلات فکری پدید می آورد. به این ترتیب، تنها سیاه پوستانی که قادرند بین فعالیت های واقعی نهضت و قدرت نطق و بیان، تمیز قایل شوند، احتمالاً بدان پیوسته و در نهضت باقی می مانند. مثلاً، سیاه پوستانی که در طلب مذهب باستان هستند، ملت اسلام را جانشین مناسب آن نمی دانند. کسانی که در جستجوی اسلام اصیل، عین مذهب جدا شده از ملیت گرایی هستند، تمایز آشکاری در ملت اسلام نمی یابند. سایرانی که به دنبال اطمینان یافتن از هویت نژادی خویش هستند - که باور کردنی به نظر نمی آید - نمی توانند این اطمینان را در قدرت نطق و بیان نهضت بیابند. پافشاری الیجاه محمد مبنی بر این که سیاه پوستان آسیایی، مسلمان هستند، باعث سردرگمی و گیجی این افراد می شود. بسیاری از کسانی که زمانی فکر می کردند یا به آنان آموخته شده بود که اجدادشان از آفریقا آمده اند، کاملاً از این موضوع گیج شده اند. چند سیاه

پوست که تعالیم الیجاه محمد را شنیده اند از نویسنده کتاب در کمال صمیمیت پرسیدند: آیا ما واقعاً آسیایی هستیم یک دختر سیاه پوست که حدود ۲۱ سال دارد، به نویسنده کتاب گفت: پس از شنیدن تعالیم الیجاه محمد دیگر قادر نبودم که بگویم به چه نژادی تعلق دارم! وی گفت: عادت داشتم فکر کنم که یک سیاه پوست هستم، و حالا گیج شده ام! نمی دانم چه هستم! برخی از پیروان الیجاه محمد همین پرسش را مطرح کردند؛ ولی در یافتن پاسخ برای آن بسیار ناموفق بودند. تأکیدات الیجاه محمد بر ملت سیاه ما قبل تاریخ یا حکومت بهشت متعالی برای اغلب سیاه پوستان مسخره به نظر می آید. آنان از خود می پرسند: این بهشت کجاست آیا در آفریقا، خاورمیانه یا در آسیاست به هر تقدیر بیش تر سیاه پوستان با به کار بردن کلمه سیاه یا قهوه ای تیره برای توجیه خود موافق نیستند. در واقع، از این که خود را به صورت قهوه ای روشن، قهوه ای، زرد کم رنگ، زرد متوسط، زرد و زرد پر رنگ توجیه کنند احساس سربلندی می نمایند. آنان از سیاه بودن خویش نفرت دارند و آن را نوعی حقارت می دانند، هنوز هم عده زیادی دوست ندارند که خود را با آفریقا مرتبط سازند و این پیوند را نوعی کسر شأن می شمارند. الیجاه محمد می کوشد تا بر نفرت سیاه پوستان از آفریقا با گفتن این که آنان آسیایی هستند و آفریقایی ها نیز بخشی از آسیایی ها به شمار می روند، سرپوش بگذارد. سیاه پوستانی که همواره به نوعی به آفریقا تعلق خاطر دارند، یا اینک نژاد آفریقایی خود را مجدداً مدعی شده اند، به گونه آشکاری با الیجاه محمد مخالفت می ورزند. یک سیاه پوست دیدار کننده از برخی از جلسات الیجاه محمد، برخی از نقش های متضاد ملت اسلام را یادآور شد: علاوه بر اطلاعاتی که خودم دارم، این مردم الیجاه محمد را یک پیامبر می دانند، ولی به وی بیش تر به چشم یک رهبر ملت گرا نگاه می کنند تا کسی که بینش مذهبی جدیدی را عرضه کرده است. مسلمانان برادری و گرمی آشکار از خود نشان می دهند. به نظر می رسد که بین آنان و مسلمانان سنتی، تفاوت های مشخصی وجود دارد. این گونه به نظرم می آید که اینان با گرویدن به اسلام، تلاش می کنند تا از طریق مذهب، در انسان سیاه پوست احساسی از گذشته، و نیز سرنوشتش، پدید آورند که بر تحولات مادی و اقتصادی و تاریخی برتری دارد. از این رو، سازمان آنان، از عقاید گاروی هم که برنامه اقتصادی و ملیت گرایی شدیدی را دنبال می کرد، فراتر رفت. چون دانش کافی از تعالیم او ندارم، به نظرم می آید که راهی دور و دراز برای خلق احساس هویت، در مردم سیاه می باشد. از نظر تاریخی ما باید با اسلام چه کنیم. آن زمان که موضوعات اقتصادی و اجتماعی را مورد بحث قرار می دهند، نسبت به آنچه که می گویند همدردی کامل دارم. (۶۴).

به هر حال،... مسلمانان ظاهراً بر این باورند که تلاش برای جلب مسلمانان، بیش تر با موانع رهبران سیاه، واعظان سیاه پوست، هراس از پرده داران، جهل از میراث انسان سیاه، عشق به چیزهای بی ارزش، بیم از دست دادن شغل، و عشق به عیسی مسیح رو به رو است. همان گونه که برادر (هربرت خصیص) گفت، سیاه پوستان آمادگی دنبال کردن یک زندگی شریف و اخلاقی را ندارند. آنان برای زندگی متمدن آماده نیستند. احساس مسؤولیت نمی کنند و از نامسئول بودن لذت می برند، مانند سفید پوست فکر می کنند و آرزو دارند سفید پوست باشند، و از این رو از سیاه نفرت دارند. اسلام به ما می آموزد که خودمان باشیم. خود را دوست بداریم. برای خود کار کنیم. از دروغ گفتن اجتناب کنیم. نترسیم. نگذاریم مایه مضحکه دنیا شویم. مردانی در

بین مردان و زنانی در میان زنان شویم. و از این که در همه عمر، یک پسر بچه و دختر بچه باقی بمانیم، دست برداریم. (۶۵).

یک مسلمان برایم شرح داد که سیاه پوستان تصور می کنند که پیروان الیجاه محمد تحصیل کرده نیستند. وی از خواهرش سخن گفت که دبیرستان را تمام کرده، اما از مسلمانان تحصیل نکرده خوشش نمی آید: خواهرم از افراد تحصیل نکرده خوشش نمی آید. مسلمانان مایه شرمساری او هستند، چون فکر می کند که ما تحصیل کرده نیستیم. فکر می کند که فقط مردم عوام به مسجد می آیند، به خصوص مهاجران جنوب.... به من می گوید که، رفت و آمد با آدم های تحصیل نکرده برایش دشوار است و آدم های تحصیل کرده را هم برای مراوده پیدا نمی کند. به این جهت زندگی اش ملال آور است. (۶۶).

به این ترتیب مشاهده می شود که قدرت نطق و بیان سبب می شود که توانایی نهضت مسلمانان از جهت جلب اعضای بیش تر، محدود شود؛ زیرا سیاهان اصولاً بیش تر خود را با نیازهای مادی زندگی هم آهنگ می سازند و کم تر به ارزش های اجتماعی یا سیاسی اهمیت می دهند، حتی اگر ضرورت های مادی به ذلت و حقارت آنان بینجامد. از این رو، قدرت نطق و بیان نهضت، روی هم رفته برای بسیاری از سیاهان مخاطره آمیز به شمار می رود.

آیین ویژه عضویت در نهضت.

نخستین گام عضو شدن در نهضت، شرکت در یکی از جلسات مسجد است. پس از شنیدن تعالیم، روحانی رئیس جلسه می پرسد: چند نفر از شما آنچه را که شنیدند حقیقت می دانند دست های خود را بلند کنند. سپس از کسانی که فکر می کنند آنچه را شنیده اند حقیقت می شمارند و مایلند با همزادان خود در این هدف بزرگ سهیم شوند، می خواهد تا پیش آیند. کسانی که بپذیرش اسلام را با بلند کردن دست نشان داده اند، پیش آمده و با روحانی یا الیجاه محمد دست می دهند و خطاب به آنان گفته می شود: از امروز دیگر شما یک سیاه پوست نیستید، بلکه یک مسلمان و عضو ملت سیاه بوده و با برادران (و خواهران) خود در سراسر جهان، برابر هستید. شما حالا آزادید. آنان را راهنمایی می کنند تا نام خود را به وسیله یکی از کارمندان تمام وقت مسجد ثبت کنند. مردان به نزد دبیر میوه های اسلام و زنان به نزد دبیر آموزش دختران مسلمان و کلاس عمومی تمدن می روند. از این رو، دست کم در دو یا سه جلسه شرکت کردند، داوطلب عضویت در نهضت، نامه زیر را دریافت می دارد:

دانایی و توانایی.

ملت گمشده، پیدا شده. اسلام، عدالت، آزادی و برابری اسلامی در بیابان.

آمریکای شمالی.

آیا شما واجد شرایطید.

بله هستید.

به میان هموعان خود بیايد.

مشكل: الله اعلام داشته است كه ما بايد به زادگاه و مردم بومي خود بازگرديم و يا نابود شويم.
السلام عليكم.

بسم الله الرحمن الرحيم... مالك يوم الدين... به نام رسول او عاليجناب اليجاه محمد.
عزيز!

ملت اسلام از بازگشت شما به ميان ملت مقدسشان بسيار خشنود است. مايليم به اطلاعاتن برسانيم شما ديگر يك برده نيسديد بلكه آزاد، مستقل و يك مسلمان آسايي هستيد كه الله و يك ميليارد برادران و خواهران در كنارت هستند. خواهشمند است براي دريافت دستورالعمل ها و دروس، روز يك شنبه به دفتر مسجد مراجعه كنيد. از خداوند متعال مي خواهيم كه به شما بركت عطا فرمايد. به عضو داوطلب، به محض مراجعه به مسجد، يك نسخه فرم درخواست نامه داده مي شود تا از روي آن پر کرده و به مسجد برگرداند. من دو يا سه بار در جلسات تعاليم اسلام، كه از سوي يكي از روحانيان تعليم داده مي شد، شركت كردم. من به اسلام ايمان دارم. سوگند مي خورم كه خدائي جز الله نيست. محمد بنده و رسول اوست. مشتاقانه طالب اصلاح خود هستم. نام اصيل مرا به من عطا كن. نام بردگي من به شرح زير است:

و كساني كه بتوانند از روي فرم اين پرسشنامه به درستي بنويسند، براي دريافت دروس و دستورالعمل هاي عضويت مراجعه مي كنند. براي برخي رونويس كردن اين پرسشنامه دشوار است و اگر بخواهند عضو شوند، بايد نوشتن را فرا گيرند. اگر كساني كه نوشتن را مي دانند، دچار اشتباه نگارش شوند، نامه با مداد قرمز اصلاح شده و براي آنان فرستاده مي شود. برخي از درخواست كنندگان مي توانند اين مرحله را در مدت كوتاهي طي كنند و دستور العمل ها را دريافت دارند. تنها چند نفر انگشت شمار از درخواست كنندگان بيش تر از دو سال صبر کرده اند تا بتوانند اين نامه را بدون اشتباه بنويسند. نامه يك درخواست كننده پس فرستاده شد؛ زيرا وي املاي كلمه نجات دهنده (۶۷) را يا املاي آمريكايي (۶۸) نوشته بود. به هر حال، هفته بعد كه نامه اصلاح شده را فرستاد، مورد قبول قرار گرفت.

هدف از اين آيين ويژه، تسهيل خروج آنان از جامعه سفيد پوست و جهت دادن به ارزش هاي آنان و حفظ انضباط و همبستگي و وفاداري و شور و حرارت در نهضت است. نخستين گام براي خارج شدن از جامعه عادي و گسستن تعلق خاطري كه به آن دارند، اين است كه فرد تازه مسلمان، سياه پوست بودن خود را نفی كند و باور كند كه مليت او اسلام يا آسايي است. كاري مي كنند تا نام خود را تغيير دهد كه در واقع جريان جدا شدن وي از نقش دستكاري شده سياه پوست است. او مي آموزد تا خود را تسليم اراده خداوند و اليجاه محمد سازد. خارج شدن (از جامعه عادي) با آموزش دروسي كه هدف آنها ارائه چشم اندازه ها و ارزش هاي جديد است، تسهيل مي گردد. اين دروس حتي پس از اين كه به صورت يك عضو ثبت شده در آمد، مدت ها ادامه مي يابد. هنگامي كه درخواست عضويت پذيرفته شد، ايمان آورنده در جلسات آزاد شركت نموده و متن دروسي را دريافت مي كند كه بايد آنها را مطالعه كند و امتحان بدهد. اين دروس را حفظ مي كند. بايد خاطر نشان

سازیم که حفظ کردن، جزئی از بی اثر کردن سحر و جادویی است که در جهان، قفقازی ها فرا گرفته اند. این دروس براساس حقایق واقعی قرآن، دانایی و توانایی (کتاب آیین ها اثر الیجاه محمد - مترجم) و اعمال اسلامی تهیه شده است. کارنامه پیشرفت اعضا نگه داری شده و آنان را از لحاظ نظافت، رفتار، روحیه همکاری، تلاش و قابلیت ارزشیابی می کنند. دروس به صورت مکاتبه، خواندن و تلفظ (هجی کردن)، زبان ها و تمدن عمومی، نجوم، رویدادهای مهم تاریخ از سیزده هزار سال پیش از تولد مسیح، سالشماری خورشیدی، روحی که از شش هزار سال پیش تاکنون تجلی دارد، رویدادهای مهم تاریخ و پایان مقطع تمدن عرضه می شود. اعضای بلند پروازتر می توانند دوره هایی را در زبان عربی، حساب، فیزیک، جبر، هندسه عمومی و مثلثات طی کنند. داوطلبی که در هر یک از این دروس رد شود، می تواند در دفعات متعدد امتحان بدهد. با این حال، هیچ داوطلبی به مرحله دروس بعدی نمی رود، مگر آن که امتحانات مربوط به حقایق واقعی را با کامیابی پشت سر بگذارد. دانشجویان با استعداد، یعنی، آنانی که تمام این دوره ها را پشت سر می گذارند، به حل مسائل می پردازند. اعضا ساعت های متمادی را با دوستان خود برای حل این مسائل صرف می کنند. رابطه نزدیک میان مسائل و تعالیم در نمونه های زیر آشکار می شود، که از مجموعه ۳۴ مسأله نقل شده است، مسأله شماره سیزدهم پس از فراگرفتن ریاضیات، که به معنای اسلام است و اسلام، یعنی ریاضیات، آشکار می شود که شما همواره می توانید هر زمان آن را ثابت کنید. سپس باید فراگیرید که آن را به کار برید و در زندگی از مزایای آن برخوردار شوید؛ یعنی، زندگی خوب داشتن، پول، درآمد خوب و دوستی در تمام جهات زندگی. فوراً در بهشت بنشینید. این بزرگ ترین آرزوی برادر و آموزگار شماست. حال باید به زبان آنان سخن گویند. بنابراین، می توانید خداشناسی ریاضیات را با اصطلاحات درست به کار برید. در این کار کامیاب نخواهید شد مگر آن که به خوبی صحبت کنید؛ زیرا او همه چیز را درباره شما می داند. دبیر اسلام جایزه ای در نظر گرفته است برای کسی که این مسأله را تمیز تر و بهتر از دیگران حل کند. در زبان انگلیسی ۲۶ حرف وجود دارد. اگر دانش آموزی روزی یک حرف یاد بگیرد، پس برای یاد گرفتن ۲۶ حرف چند روز لازم است بسیاری از پدران و مادران مسلمان همچنان اسامی برده داران را به عنوان نام اول فرزندان خود بر می گزینند. دیگران نیز نام های اسلامی را که ممکن است عربی یا به طور استثنا آفریقایی غیر عربی باشد برمی گزینند. (۶۹) در اوایل تشکیل نهضت، این ابتکار وجود داشت که پیش از گذاردن نام اصلی، ده دلار بایستی پرداخت می کردند، ولی به نظر می رسد که این رویه دیگر معمول نیست. (۷۰).

تعدادی از مسلمانان توانسته اند اسامی واقعی خود را به جای نام های اول شیطانی حفظ کنند. در حقیقت، افسران عالی رتبه مسجد شیکاگو که بیش تر از بیست سال در نهضت هستند، تاکنون نام های واقعی خود را نگرفته اند. روحانی جیمز از سیزدهم سال ۱۹۴۰ در نهضت بوده و تا به حال نام اول اسلامی نداشته است. اسم آخر اسلامی او (شاپاز) است. تصور می رود که نام خانوادگی شخصی او را الله داده است، بسیاری از پیروان از این که دست کم بخشی از نام های برده داران را حذف کرده اند، احساس سربلندی می کنند و امیدوارند که روزی الله نام های واقعی آنان را عطا کند. برادر کریم الله، که نامش کاملاً اسلامی است، به نویسنده کتاب گفت: دریافت نام مقدس، دومین رویداد مهم زندگی من بود. (۷۱) به هرحال مسلمانان خشنود هستند که نام

های شان در کتاب زندگی، که الیجاه محمد آن را نگه داری می کند، ثبت می شود. برخی اوقات استادان دانشگاه اسلام در شناختن دانشجویان با دشواری هایی رو به رو می شوند؛ زیرا یک اشتباه جزئی در نوشتن شماره ده لاتین در کارنامه دانشجویانی پیش آمد که اسم اول همه آنان یکی بود. بیش تر مسلمانان نام های شیطانی قدیم را در روابط کسب و کار به کار می برند. گروه زیادی عدد ده را به عنوان نام وسط به کار می برند. کسانی که اسم کاملاً اسلامی دریافت کرده اند، نام سابق خود را کاملاً به دور انداخته اند. نویسنده فقط یک مورد را می داند که در آن مسلمانی کوشید تا نام اسلامی خود را قانونی سازد. (۷۲).

به یک آفریقایی که به عضویت نهضت در آمده بود اطلاع دادند که داشتن نام جدید برایش لازم نیست؛ چون نامش نام بردگی نیست. از او حق عضویت مطالبه نکردند. با این که می بایست در جلسات مسجد شرکت می کرد، ولی او را ناگزیر به این کار و طی دوره آموزشی نکردند که هر تازه واردی باید طی کند. وی را به عنوان یک برادر مسلمان یا ایمان آورنده ای پذیرفتند، که در ردیف یک مسلمان ثبت نام کرده است. (۷۳).

وظایف مادی و معنوی اعضا.

وظایف اعضا را می توان به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرد. نخستین و مهم ترین تکلیف اخلاقی دوست داشتن یکدیگر، زندگی کردن باوحدت کامل، و سهیم شدن در تمام مسؤولیت های ملت اسلام است. روحیه وحدت هنگامی نشان داده می شود که یک عضو در دادگاه محاکمه می شود. در چنین مواردی، پیروان الیجاه محمد که از جریان محاکمه آگاه شده اند به شهر محل دادگاه مسافرت می کنند تا با حمایت از برادران و خواهران خود، اجرای عدالت رعایت شود. هدف از سایر وظایف، نظارت بر رفتار اعضا می باشد. قوانین زیر در ماه مه ۱۹۵۹ از سوی (ریموند شریف) رئیس کل سازمان میوه های اسلام به اعضا ابلاغ شد.

Translation Movement

بسم الله الرحمن الرحيم.

تخلف از این قوانین با مجازات سی روز تعلیق عضویت در مسجد همراه است.

۱. خوابیدن در مسجد.
۲. تأخیر چند ساعته برای شرکت در جلسات.
۳. استعمال مواد مخدر (مواد تخدیر کننده هروئین، ماری جوانا).
۴. مرد متأهلی که اوقات خود را با سایر خواهران می گذراند.
۵. تحقیر کردن همسر (زن).
۶. معاشرت با مسیحیان.
۷. مصرف نوشابه های الکلی.
۸. کثیف نگه داشتن خانه.
۹. رعایت نکردن بهداشت شخصی.

۱۰. مواظب حرکات خواهران بودن؛
۱۱. دروغ گفتن و دزدی اموال یکدیگر؛
۱۲. قمار بازی (تیراندازی به شرط پول - نرد بازی - ورق بازی)؛
۱۳. شایعه پراکنی برای دیگران؛
۱۴. خوردن گوشت خوک؛
۱۵. زنا کردن با زنان روسپی؛
۱۶. زنا ی غیر محصنه؛
۱۷. نافرمانی از دستور افسران مسجد؛
۱۸. بی احترامی نسبت به روحانیان و رئیس کل سازمان میوه های اسلام؛
۱۹. پرحرفی درباره رهبر و آموزگار (الیجاه محمد)؛
۲۰. تفسیر نادرست از تعلیم اسلام؛
۲۱. تفسیر نادرست از گفته های الیجاه محمد.

ضوابط حاکم بر رفتار خواهران مسلمان نیز شبیه این مقررات است. علاوه بر اینها خواهران باید لباس هایی بپوشند که ساق پا و بازوی آنان را بپوشاند. نباید روژ لب یا لوازم آرایش غلیظ بزنند. داشتن سربند (روسری) برای خواهران الزامی است. لباس ها و رنگ لباس پسران و دختران و دانشگاه اسلام قبلاً تعیین می شود. الزامات متعددی درباره رفتار افراد وجود دارد. تنها ضمانت های اجرائی موجود برای اجرای این مقررات عبارت است از: احساس گناه اخلاقی، هراس از نارضایی الله، نظر اعضا نسبت به خاطی، قطع کمک مالی در موقع نیاز و سرانجام تعلیق عضویت یا اخراج از ملت اسلام به جرم تخلفات مداوم. الیجاه محمد مدعی است که حداکثر زمان تعلیق عضویت یا اخراج برای تخلفات شدید هفت سال است: خداوند به من فرمان داد تا حداکثر مجازات ها را برای تخلفات جدی تعیین کنم. روابط جنسی غیرقانونی در شمار تخلفاتی است که جرم آن اخراج است. در مدت انجام این تحقیق، عضویت چند نفری به مدت کوتاهی تعلیق شد. شدیدترین مجازات اعمال شده پنج سال اخراج بود و این مجازات شامل کسی گردید که پیش از ازدواج با خواهران مسلمان، روابط جنسی داشت. نویسنده کتاب با چند نفر از کسانی که عضویتشان در مسجد تعلیق شده بود، مصاحبه ای کرد و دریافت که همه آنان مشتاق بازگشت به نهضت ملت اسلام هستند.

مورد برادر ... در پایین شرح داده شده تا نشان داده شود که چگونه ضمانت های اجرائی عمل می گردد و افراد در برابر از دست دادن عضویت خود واکنش نشان می دهند. برادر ... از سه نسل پیش، و پیش از این که با یک دختر غیر مسلمان روابط جنسی برقرار کند، در نهضت عضو بوده است. وی مورد خود را این گونه شرح داد: دو سال از مسجد دور بودم با یک دختر غیر مسلمان روابط جنسی برقرار کردم و داوطلبانه مسجد را ترک گفتم. پیش از این ماجرا، مسلمان خوبی بودم. در آن زمان از داشتن روابط جنسی خودداری می کردم. در مسجد دختری بود که دلم می خواست با او ازدواج کنم، ولی قادر نبودم به سرعت این کار را انجام دهم. به این دلیل، با دختر غیر مسلمانی دوست شدم. پس از این که دو سالی از مسجد دور بودم و مشروب می خوردم

و سیگار می کشیدم، و دنبال زن های روسپی می رفتم، به این نتیجه رسیدم که در این دنیای مرده چیزی وجود ندارد. دلم می خواست دوباره به مسجد برگردم. به نزد رئیس سازمان میوه های اسلام رفتم و گفتم که مایلم مجدداً به مسجد بازگردم. سه شنبه ها روز بازجویی است. چهار هفته تمام از سوی رئیس سازمان میوه های اسلام و دیگران مورد بازجویی رسمی و غیر رسمی قرار گرفتم، می دانید آنها مدت ها بازجویی می کنند تا ببینند آیا واقعاً راست می گویی. اگر دروغ بگویی، همان دروغ را نمی توانی هفته بعد تکرار کنی. هیچ وقت متوجه نمی شوی که چه زمانی بازجویی شده ای، و ممکن است فکر کنی که داری با یک برادر گفت و گو می کنی. او به آنچه که به زبان می آوری، با دقت گوش می دهد. پس از چهار هفته پرسش، روز چهارشنبه مرا در برابر اجتماع همه مسلمانان در دادگاه نظامی آوردند. رئیس سازمان میوه های اسلام به عنوان قاضی و هیأت منصفه عمل می کرد. قاضی دادگاه با لحن شدیدی مرا به خاطر ارتکاب زنا ی غیر محصنه، زنا کردن با زنان روسپی، قمار بازی، مشروب خواری، کشیدن سیگار و زیر پا گذاشتن تمام قوانین ملت اسلام ملامت کرد. از من پرسیدند: آیا با هیچ یک از خواهران مسلمان روابط جنسی داشته ام یا خیر از روی صمیمیت پاسخ دادم: خیر. قاضی گفت: جای شکرش باقی است که این کار را نکردي. پس از گذراندن این دوره تحقیر، از من پرسیدند: چگونه از جرایم خود دفاع می کنی که تنها دفاع من، اعتراف به گناه بود. قاضی مرا گناهکار شناخت و عضویت مرا در مسجد به مدت یک سال دیگر شامل تعلیق دانست. همچنین مرا در انزوا قرار دادند؛ یعنی، هیچ مسلمانی حق صحبت کردن با من را نداشت و نمی توانستم در جلسات، خواه عمومی یا خصوصی، شرکت کنم، حالا چند برادر با من سلام و علیک می کنند، ولی وقتی آنان را در خیابان می بینم به من پشت می کنند. خیلی دلم می خواهد به مسجد برگردم. مدت محکومیت من یک سال دیگر به سر می رسد و دوباره زندگی را از سر می گیرم. می دانید، من زندگی ام را از یک عضو تا گارد محافظ الیجاه محمد رساندم و در راه روحانی شدن بودم. من از اتومبیل پنجم به اتومبیل الیجاه محمد تغییر شغل دادم. حال ناگزیرم همه چیز را از نو شروع کنم. می دانم که وقتی مدت محکومیت من تمام شود با روی خوش از من استقبال می کنند. خود را شایسته اصلاح می دانم و باید دوباره وجود خود را ثابت کنم. رئیس سازمان میوه های اسلام به من گفت: آیا فکر می کنی که الیجاه محمد شوخی می کند، فکر می کنی که او هم اهل ورق بازی است، تو چه حقی داشتی که زحمات او را به هدر دهی.

شایان ذکر است که این برادر با وجود تعلیق عضویت، به نویسنده کتاب گفت: هفته ای بیست دلار عشریه برای نهضت می فرستد. می گویند: تنها یک افسر، مقررات روابط جنسی را زیر پا گذاشت، و بلافاصله خلع درجه گردید و عضویتش در نهضت معلق ماند. (۷۴).

رفتار شخصی و ادب و نزاکت پیروان الیجاه محمد در اجتماع سیاه پوست معروف است، حتی سیاه پوستانی که سایر جهات نهضت را تأکید نمی کنند، احترام زیادی برای رفتار و انضباط پیروان در زندگی خصوصی و در روابط با سایر سیاه پوستان قایل هستند، گروه زیادی معتقدند که، کامیابی الیجاه محمد از قابلیت وی در نظم دادن به پیروانش سرچشمه می گیرد. نیاز به مسؤولیت تا حدودی شدت مجازات مربوط به مقرارت رفتار اعضا را توجیه می کند. انضباط شدید در خصوص طبقه کارگر مسلمان، زیان های آشکاری به همراه دارد. به طور

کلی، سیاه پوستانی که با الیجاه محمد درباره مسأله نژادی اتفاق نظر دارند برای شان دشوار است، بلکه در زندگی آزادی خود را به خاطر وعده های اسلام نادیده بگیرند. در نتیجه، در حالی که انضباط شدید در حکم دارایی اخلاقی و اجتماعی اعضا محسوب می شود و مایه هم بستگی نهضت است، لکن در عین حال مانع گسترش آن می شود. شواهدی به چشم نمی خورد که انضباط و کنترل برای جلب اعضای بیش تر، شدت خود را از دست می دهد. این مشکل، همان گونه که در پیش گفته شد، نشان دهنده این است که اعضای بالقوه در اساس برخی از تعالیم الیجاه محمد موافقت، ولی فکر می کنند که این مکتب آشکارا ضد سفیدپوست است. کامیابی سیاه پوستان در خارج شدن از جامعه سفید پوست و بیگانه شدن با آن تا حدودی از طریق جریان آیین ویژه عضویت آنان در نهضت و تا اندازه ای از مجرای تکرار مداوم و بزرگ جلوه دادن این مکتب در جلسات مسجد صورت می گیرد. به این جهت است که حضور هفته ای یک بار در جلسات برای همه اعضا الزامی است.

یک عضو تازه نهضت در معرض برنامه حفظ کردن قرار می گیرد تا وی را برای سال های بعد آماده سازند، بدین طریق، مسیرهای تازه و جالبی درباره جهان اطراف وی ارائه می گردد. وی خودش را، مردمش را، جامعه اش را و جهان را با بینش یگری می بیند و ترغیب می شود تا ارزش های جدید را با پیشرفت خود یکسان سازد و احساس جدید ارزش فردی و مسئولیت را به دست آورد. (۷۵).

وضعیت تحصیل مسلمانان سیاه پوست.

تحصیل مسلمانان در مدارس اسلامی، به قدمت نهضت ملت اسلام است. نخستین مدرسه مسلمانان، به صورت تأسیس دانشگاه اسلام، در سال ۱۹۳۲ و در شهر دیترویت به وجود آمد. دومین مدرسه، در سال ۱۹۳۴، در شیکاگو تأسیس شد. هر دو مدرسه، از زمان تأسیس تاکنون، فعالیت دارند. قبلاً گفتیم که ملیت گرایان سیاه به نهادهای آموزشی آمریکا، اعتماد ندارند، اما هیچ یک، به جز مسلمانان سیاه، به تأسیس مدارس ویژه اقدام نکردند. الیجاه محمد معتقد است که، اگر سیاه پوستان در کار تحصیل، شکست خورده اند، به این دلیل است که سفید پوستان در قالب نظام تحصیلی رایج، می کوشند تا سیاه پوستان را در منزلت پست خود نگاه دارند. در نتیجه سیاه پوستی که در این نظام آموزشی، تحصیل می کند، عملاً با دوران پیش از تحصیل خود، فرقی ندارد؛ زیرا سیاه با نامی به مدرسه می رود، که سفید پوست به او داده است. هنگامی که مدرسه را تمام می کند، همان نشانه ستم سفید پوست را با خود به همراه دارد. این نوع تحصیلات، به آنان می آموزد تا درباره گذشته خود تحقیق کرده، به میراث پیش از بردگی خویش، مباحثات نموده و راه استقلال اقتصادی یا سایر جنبه های مشابه را بیاموزند. مهم تر از همه اینها، طبقه تحصیل کرده سیاه پوست احساس مسئولیت نمی کند، زیرا داشتن تحصیلات، آنان را در برابر جامعه (سیاهان) با هم‌نژادان خود، مسئول نمی سازد. الیجاه

محمد، ضمن مقایسه تحصیلات سیاهان با بسیاری از دانشجویان آفریقایی که در آمریکا درس می خوانند، می گوید:

ما به تحصیلی نیاز داریم که مردم ما بتوانند از دانش آن بهره بیش تری گیرند، تحصیلی که در مردم ما، اراده و توانایی دنبال زندگی رفتن و برای خود کار کردن را ارزانی دارد. آیا این موضوع، هدف و منظور بسیاری از دانشجویان خارجی نیست که در آمریکا تحصیل می کنند مگر نه این است که این دانشجویان به کشور خود باز می گردند تا مردم خویش را از مواهب دانش خویش بهره مند سازند آیا (قوام نکرومه) به کشور خود باز نگشت، تا با یاری دانشی که در آمریکا و سایر کشورها فرا گرفته بود، مردم خویش را به استقلال برساند آیا دکتر (هاستینگز باندا)(۷۶) به کشور خویش باز نگشت تا ثمره تحصیلات خود را، برای نیل به استقلال (نیاسالند) در اختیار مردم بگذارد مگر دکتر (آزیکوه)(۷۷) نیجریه ای ثمره تحصیلات خود را برای پیشرفت و استقلال کشور خویش به کار نگرفت.

مگر نه این است که آمریکا بورس های تحصیلی در اختیار کشورهای کوچک و ضعیف و مستقل قرار می دهد تا دانشجویان این کشورها دانشی را فراگیرند که از طریق آن به یاری مردم خویش پردازند پس چرا ما این هدف تحصیلی را نداشته باشیم پس چرا وقتی می گوئیم که مردم ما باید تحصیلی داشته باشند که یاری دهنده و مایه بهروزی باشد، سیل ملامت و بدرفتاری به سوی من و پیروانم سرازیر می شود(۷۸).

با این که نظام تعلیم و تربیت (فریسیان سیاه پوست)(۷۹) عدالتی را به ارمغان نیاورده است، با این حال، سیاه پوستان به خود می بالند که در زمینه تحصیل پیشرفت هایی کرده اند. (۸۰) صد سال از پایان بردگی می گذرد، اما هنوز فکر می کنید که به مدرسه می روید. تعداد دیپلم ها و درجات تحصیلی اندک است. شما با داشتن تحصیل محض، نمی توانید کار چندانی انجام دهید، حتی، از عدالت در آمریکا برخوردار شوید. درحالی که دستانتان انباشته از دیپلم ها و درجات تحصیلی مؤسسات عالی و دانشگاه هاست، هنوز از ستم سفید پوست رنج می برید. چه چشم انداز دردناکی است که ما به تحصیل اندک خود و به دست آوردن یک درجه رشد اقتصادی، می بالیم، همه این فخر فروشی ها، یک توهم است که وقتی به بررسی شود، معلوم می شود که ظالمان، این نظام تحصیلی را طرح ریزی کرده اند تا نیت خاص خود را که نگاه داشتن شما در بردگی است جامه عمل بپوشانند ... ظلم کنندگان به ما، خود را مالک و مسلط بر هر چیزی می دانند که از آن ماست. پس در این صورت، شالوده غرور بی جا و ابلهانه ما چیست حتماً بالاخانه خود را اجاره داده ایم. (۸۱) به جرأت می توان گفت که، هدف مسلمانان از تحصیل، غلبه یافتن بر جزر و مدی است که فریسیان سیاه را خلق کرده است. برای تحصیل دوباره سیاهانی که قربانی قرن ها تعلیم و تربیت نادرست شده اند... برای به دست آوردن منزلت بر حق آنان، به مثابه یک انسان سیاه، در خورشید (ملت اسلام). یک موضوع مهم در تعالیم مسلمانان این است که، اندیشه کسب حیثیت و احساس قدرشناسی را در میان دانشجویان سیاه به وجود آورند. نظام تحصیلی مسلمانان، اهمیت خاصی برای تکالیف روزانه یک مسلمان، فرا گرفتن زبان عربی، اجرای احکام الهی و رشد شخصیت کودک قایل است. (۸۲).

تحصیل پسران و دختران، به یک اندازه اهمیت دارد. دختران مسلمان بایستی علاوه بر این تحصیلات، وظایف خاص خود و مسؤولیت هایی را که به عنوان همسران و مادران آینده دارند، فرا گیرند. دختران مسلمان ملت ما، باید از هیچ کوششی برای فرا گرفتن وظایف خاص و مسؤولیت ها، به عنوان همسران و مادران فردا کوتاهی نکنند. دانشگاه اسلام در شیکاگو و مشابه آن در دیترویت به وجود آمد، تا بهترین آموزش را در رشته های خاص به آنان بدهد. کسانی که نمی توانند در یکی از این کلاس ها شرکت کنند، باید دستور العمل های آموزش دختران مسلمان را به کار بندند. (۸۳) الیجاه محمد معتقد است که، مدارس مشترک سیاه و سفید، پسندیده نیست؛ زیرا پسران و دختران شما باید در مدارس و دانشکده های مسلمانان درس بخوانند. فرزندان خردسال خود، بویژه دختر بچه ها را از آمیزش با بچه های سفید پوست باز دارید. اگر این کار را کردید، آن گاه مردم شما، که مردمی اصیل از خانواده بشری هستند، به عنوان یک ملت به شما احترام خواهند گذارد. (۸۴).

۲. ۱. NATIONALISTIC EXOTERCISM. پاریا، اساساً به معنای طبقه نجس ها در نظام طبقاتی هند می باشد. (مانو) قانونگذار بزرگ هند، افراد را به چهار طبقه برهمن، و یاسیا، کشاتریا و سادرا تقسیم کرد، و کسانی که در خارج از این طبقات قرار دارند اصطلاحاً نجس ها یا پاریا نامیده می شوند. در اصطلاح جامعه شناسی، کلمه پاریا به معنای طبقه محروم و مطرود اجتماع است. (مترجم).

۳. 4. JOSWPH.F.ZYGMUNT. زیگمونت، بیگانگی اجتماعی و فراگرد جذب در یک نهضت رجعت عیسی (رساله فوق لیسانس)، دانشگاه شیکاگو، سال ۱۹۵۳، ص ۹۷.

۵. روحانی مالکوم ایکس به شرح فیلم هایی پرداخت که از سفرش به آفریقا و خاورمیانه تهیه شده بود.

۶. 7. SOUTH SIDE. الیجاه محمد، به فکر خودت باش، نیوکروزیدر، ۲۶ مارس ۱۹۶۰، ص ۵.

۸. جانی مور (JOHNY A. MOORE) روزنامه مدافع شیکاگو، ۲۳ ژانویه ۱۹۶۰، ص ۱ و ۲.

۹. این اثرات برگزیده مسلمانان، به دلیل مراد و گفت و گوهای بسیار، به وجود آمد.

۱۰. 11. IOWA. تایم (مجله دنیای اسلام) اکتبر و نوامبر و دسامبر ۱۹۵۶، ص ۹.

۱۲. تایم (مجله دنیای اسلام) اکتبر و نوامبر و دسامبر ۱۹۵۶، ص ۹.

۱۳. مصاحبه.

۱۴. 15. CHARLES X BETHA. نویسنده با مسلمانان در رویدادهای عمومی دیدار کرد، روز آزادی آفریقایی که از سوی انجمن میراث آمریکایی آفریقایی برگزار شد، و در یک تظاهرات ناشی از زجرکش کردن (مک پارکر) از سوی مجمع سیاه پوستان رأی دهنده، تشکیل شد (هر دو رویداد در ساختمان اتحادیه بسته بندی کنندگان صورت گرفت).

۱۶. همچنین نویسنده با مسلمانان در کوئین چاپل، یک کلیسای سرتا سری سیاه پوستان، در روز یکشنبه ۲۱ ژوئن ۱۹۵۹ و هنگامی که (کلیتون پاول) سخنران اصلی بود، دیدار کرد. رویداد زیر از سوی دوشیزه (لیلیان جنکینس) برای نویسنده نقل شد، سپس یک فارغ التحصیل دانشگاه شیکاگو آن را بازگو کرد: دوشیزه جنکینس در یک کلیسای مختلط سیاه و سفید حضور یافت. در حالی که تعداد سیاه پوستان در این کلیسا بیش

تر است؛ اما تعداد سفید پوستان نیز کم نیست. گروهی از مسلمانان، پیش از شروع مراسم، وارد شدند و از روحانی مسؤول که سفید پوست می باشد درخواست کردند تا به آنها اجازه دهد که پس از پایان مراسم مطلبی را اعلام کنند. روحانی موافقت کرد و به خودش زحمت نداد تا بپرسد که چه موضوعی را می خواهند اعلام نمایند. وقتی نوبت به مسلمانان رسید، یکی از آنان به طرف جایگاه سخنران رفت و درباره طرح ایجاء محمد برای سیاه پوستان سخن گفت و از آنان دعوت کرد تا در جلسه بعد از ظهر همان روز مسجد شرکت کنند. دوشیزه جنکینس گزارش کرد که، روحانی کلیسا از شنیدن این سخنان دستپاچه و حیرت زده شد و اجتماع مختلط نژاد سیاه و سفید ناخشنودی خود را از او نشان داد. روحانی پس از عذرخواهی شرح داد که، نمی دانست چه موضوعی اعلام خواهد شد و اظهار نظر کرد که فکر نمی کند اعضای کلیسای او در نشست مسلمانان شرکت کنند؛ زیرا آن مرد در آن جا نفرت نژادی را موعظه می کند. در بوستون یک بانوی سیاه پوست رویداد مشابهی را در کلیسایش گزارش کرد و اظهار داشت وقتی روحانی کلیسا به مسلمانان دستور داد تا از پخش نشریات خود در کلیسا خودداری کرده و آن جا را ترک گویند، با روحانی به گونه ای زننده رفتار کردند.

۱۷. کالپسو (CALYPSO) نوعی موسیقی ضربی است که اصل آن از هند غربی بوده و اشعار آن براساس موضوعات فکاهی و طنز آمیز سروده می شود. (مترجم).

۱۸. هند غربی (WEST INDIES) رشته جزایری است که بین جنوب شرقی ایالات متحده آمریکا و ساحل آمریکای شمالی امتداد یافته و دریای کارائیب را از اقیانوس اطلس جدا می سازد. این جزایر شامل باهاماس، آنتیل بزرگ و کوچک است که براساس مصوبه شورای قیومیت ملل متحد تحت سرپرستی آمریکا قرار دارد. (مترجم).

۱۹. از یادداشت های نویسنده.

۲۰. PITTSBURGH COURIER. 21. LOS ANGELES HERALD. 22. AMSTERDAM NEWS. 23. MILWAKI DEFENDER. 24. CHICAGO NEW CRUSADER. 25. MESSANGER MAGAZINE. 26. ISLAMIC NEWS. 27. DUN BURLEY. 28. SALAAM. 29. CORNET. 30. PAGENT. 31. RONDOLPH SIDLE. 32. MASCO. 33. YOUNG. نیوکرویدر، دوم ژوئیه ۱۹۶۰، ص ۱-۲.

۳۴. مصاحبه. این رقم شامل کسانی است که تنها به برخی از پرسش ها پاسخ دادند.

۳۵. اولین. او. چیسلی، در یک مکاتبه با نویسنده.

۳۶. رئیس مطالب فشرده (تایپ شده) و بدون تاریخ تحت عنوان خوش آمد گویی، در دستور روحانی والاس آمده است، مذهب رسمی اهمیتی ندارد؛ زیرا همه ما یک رنگ پوست داریم.

۳۷. 38. CARLOOS COOKS. 39. LOWSON. مصاحبه.

۴۰. 41. DADDY GRACE. سخنرانی یک روحانی (متن تایپ شده)، ص ۱.

۴۲. 43. BROCURTIS. رئیس مطالب فشرده (تایپ شده)، ص ۳؛ برداشت یک آموزگار مدرسه در نیویورک که به عنوان یک غیر مسلمان از مسجد شیکاگو دیدن کرد: آنچه که مرا تحت تأثیر قرار داد، این بود که به نظر می رسید از لحاظ مالی کامیاب بودند و پیروزی همواره مؤثر است... (دوشیزه روبی هالونی، در یک مکاتبه با نویسنده).

۴۴. HENRY LTOOTHPICK BROWN. 45. PAUT 4 X MIKE JAKOBS. 46. JAMWS MOODYS. 47. SONY STITT. 48. ADAM RICE. 49. LOUIS CALCOTT- RAYMOND ORR. 50. LEO X MC. CLOOM. 51. BOYCE,E-JENLTINS. 52. در مسیحیت و اسلام نور از صفات الهی است و حکایت بر ذات خداوند دارد (الله نور السموات والارض). (مترجم).

۵۳. الیجاه محمد سخن می گوید، نیویورک، ژوئیه ۱۹۶۰، ص ۱، ۲ و ۶. نظرات مشروح این دو پزشک و عکس یکی از آنها به چاپ رسید. گزارش شده است که دکتر (مک کلومن) رئیس سازمان میوه های اسلام درآمدهای داخلی وزارت خزانه داری بود اینک کارمند این مسجد است.

۵۴. 55. LUCIUS X. کلیسای ادونتیست های روز هفتم (THE 7 TH DAY ADVENTIST) شعبه ای از ادونتیست ها هستند که روز شنبه را به استراحت اختصاص داده و آن را آخرین روز هفته می دانند. در شریعت موسی (احکام عشره) روز شنبه به عنوان آخرین روز هفته شناخته شده و در آن روز هر یهودی باید استراحت کند که آن را سبت (BATH - SAB) می نامند. غالب کلیساهای مسیحی روز یک شنبه را روز استراحت می دانند. فرقه ادونتیست ها معتقدند که، زمان ظهور مجدد عیسی مسیح و پایان جهان نزدیک است. (مترجم).

۵۶. 57. L.DAVIS. 58. R.HALL. 59. HOLY (کلیسای صلیب مقدس) CROSS CHURCH (که کلیسای متحد مسیح) UNITED CHURCH OF CHRIST (نامیده می شود، شعبه ای از پروتستان است که در سال ۱۹۵۷ بر اثر ائتلاف کلیساهای CONGREGATION و انجیلی و کلیسای اصلاح طلب به وجود آمد. مبنای اتحاد آنان صلیب مقدسی بود که عیسی مسیح بر آن تصلیب شد. (مترجم).

۶۰. رئیس مطالب فشرده، ص ۴.

۶۱. الیجاه محمد سخن می گوید، ژوئیه ۱۹۶۰، ص ۳ و ۱۳.

۶۲. همان، ص ۵.

۶۳. 64. KAUNDA. روبی. ای. هالونی. در یک مکاتبه با نویسنده.

۶۵. مصاحبه.

۶۶. مصاحبه. نام مصاحبه شده ذکر نشده است.

۶۷. 68. SAVIOUR. 69. SAVIOR. کاملاً امکان دارد که اعضای نهضت بسیار خوشحال شوند که نام های عربی غیر آفریقایی بر فرزندان خود بگذارند، اما اغلب آنان هرگز تماسی با آفریقاییان نداشته اند.

در جریان این تحقیق یک عضو نهضت پسر نوزاد خود را (آسین) نام نهاد که نامی از نام های آفریقایی غربی است.

۷۰. بینون، همان، ص ۹۰۱؛ اعضا تکذیب می کنند که پولی بابت تغییر نام های خود پرداخته اند.

۷۱. من نام بر حق خود را رها نمی کنم؛ زیرا در حکم زندگی من است. همان، ص ۹۰۲، آنان از نام پیشین خود احساس شرم کرده و آن را به مثابه توهین به صورت نام های بردگی تلقی می کنند. طی مصاحبه با اعضا بارها پرسیدند آیا مایلی نام بردگی مرا بدانی.

۷۲. پیتزبورگ کوریه، ۲۶ سپتامبر ۱۹۵۹، ص ۶؛ ایرا سیدنی پولیام، پسر و همسرش کالی از لوس آنجلس به دیوان عالی برای تغییر نام خود عرض حال دادند؛ زیرا بر آن بودند تا به فرقه مسلمانان بپیوندند. (ایرا) می خواست که نامش به (عبدالحمید آکونی) و (کالی) درخواست کرد که نام قانونی اش به (کالی کوب آکونی) تغییر یابد.

۷۳. عضویت او را بر طبق تعریف مسلمانان از عضویت، نمی توان واقعی دانست. او نمی توانست در فعالیت هایی جز جلساتی که مورد علاقه اش بود، شرکت کند. تعهدی در برابر مسلمانان داشت و از او کاری خواسته نشد.

۷۴. به دلیل این که چنین موضوعاتی در شمار اسرار نهضت به شمار می رود، ناظران در تشریح اخراج یک افسر مسجد در سال های اخیر، دچار گمراهی شده اند.

۷۵. در بخش چهارم حدود یکسان سازی این ارزش ها و این که چگونه به صورت ارکان اجرایی آداب و سنن جامعه در آمده اند، تشریح شده است.

۷۶. HUSTINGS BUNDA 77. AZIKWE 78. الیجاه محمد سخن می گوید، نیویورک، مارس^۸ آوریل ۱۹۶۱، ص ۸.

۷۹. فریسیان (PHARISEES) به گروهی از متشرعان یهودی گفته می شد که سخت پایبند معانی تحت اللفظی تورات و احادیث قدیم یهود بودند و ابدیت روح، قیامت و روز داوری را منکر می شدند. در اصطلاح مذهبی غرب، به افراد خشکه مقدس، فریسیان می گویند. (مترجم).

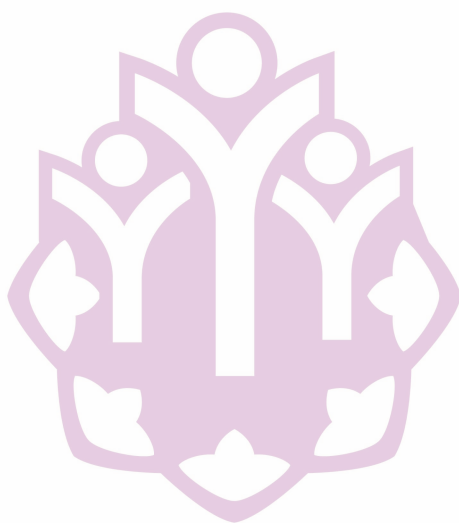
۸۰. الیجاه محمد سخن می گوید، نیویورک، مارس^۸ آوریل ۱۹۶۱، ص ۸؛ فریسیون سیاه، به گزارش دان برلی، واژه ای است که از سوی مسلمانان برای توصیف سیاه پوستان طبقه متوسط و تحصیل کرده خشنود از زندگی به کار می رود، تا وقتی که به آنها اجازه می دهند با راحتی زندگی خود را کپی انسان سفیدپوستی سازند که حیطه های اجتماعی و اقتصادی زندگی خود را بر مبنای مخالفت استوار با شرکت سیاه پوستان در فعالیت های سیاسی قرار می دهد.

۸۱. سخنرانی، واشنگتن دی. سی؛ اخبار اسلامی، ج ۱، شماره ۱، ص ۷.

۸۲. حزب مسیحی سفید پوست حمله می کند، ص ۷^۸.

۸۳. خردمندی متعال، فصل دوم، ص ۵۸.

۸۴. همان؛ در یک سخنرانی در کنوانسیون سال ۱۹۶۰، وی گفت که، یکپارچگی در سطح دانشکده به آن اندازه بد نیست که بیش از سن شانزده سالگی می باشد



نهضت ترجمه
Translation Movement
TM

دانشگاه اسلام

دانشگاه اسلام

دانشگاه اسلام نامی بیش نیست. با این حال، در زیر نام دانشگاه اسلام، مساجد شیکاگو و دیترویت از اوایل دهه ۱۹۳۰، مدارس ابتدایی و دبیرستان را تأسیس کرده اند. در آن زمان، دانشگاه اسلام در دیترویت با شورای آموزش و پرورش دیترویت درگیر بود؛ زیرا این شورا در صدد بستن دانشگاه اسلام برآمده بود. (۱) همچنین، در سال ۱۹۵۹، این دانشگاه به دلیل نداشتن تسهیلات مادی کافی، در شرف بسته شدن قرار گرفت. (۲) تا سال ۱۹۵۳، دانشگاه اسلام در شیکاگو، فقط یک مدرسه ابتدایی به شمار می رفت. در سال ۱۹۵۴ یک دبیرستان نیز به آن افزوده شد. دانشگاه یک ساختمان دو طبقه است که زیر زمین ندارد. در طبقه اول آن پنج کلاس، دفتر مدیر، یک انبار کوچک و استراحتگاه پسران و دختران قرار دارد. علاوه بر اینها، یک اتاق خلوت بزرگ نیز وجود دارد که دانش آموزان لباس و سایر وسایل خود را در آن جا می گذارند. طبقه دوم، شامل یک اتاق کنفرانس است که هم به عنوان کلاس درس استفاده می شود و هم برای سایر فعالیت های مسجد مورد استفاده قرار می گیرد و نیز کتابخانه کوچکی برای استفاده دانش آموزان و دانشجویان دانشگاه در این طبقه قرار دارد. در هنگام زمستان، چنانچه باید به دلیل سردی هوا، یکی از اتاق های دانشگاه برای کلاس درس استفاده شود، از کتابخانه به عنوان کلاس درس استفاده می کنند. در کتابخانه، نشان مدنی اعطا شده به الیجاه محمد از سوی مؤسسه مطبوعاتی پیتزبورگ کروییه را آویخته اند.

سالن کنفرانس، مانند سایر بخش های ساختمان، به خوبی تزیین شده است. تصویر الیجاه محمد و پرچم ملت اسلام، سوای نقاشی دیواری از تاج محل، جزء تزیینات مهم سالن کنفرانس است. (۳) هنگامی که آقای نعیم در سال ۱۹۵۶ از این مدرسه بازدید کرد، گزارش کرد که سالن کنفرانس با پرچم های بزرگ ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان، مراکش، مصر و سایر کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا تزیین شده بود. (۴) تا دسامبر سال ۱۹۵۸، شکل های چاپ شده از پرچم های همه کشورهای مهم مسلمان، در اطراف دیوار سالن کنفرانس به نمایش گذاشته شده بود. در زیر هر پرچم، تاریخچه و اطلاعات آماری مهم درباره آن قرار داشت. از آن زمان به بعد، این پرچم ها را برداشتند. در این نمایشگاه پرچم ها، از پرچم آمریکا خبری نبود و از پرچم لیبیا، اتیوپی، غنا، که در شمار کشورهای مسلمان محسوب می شدند، نیز اثری دیده نمی شد؛ اما پرچم دولت تبعید الجزایر (۵) در سالن کنفرانس وجود داشت.

ثبت نام در دانشگاه اسلام.

در زمان کنونی، نزدیک به ۳۵۰ نفر می توانند در دانشگاه اسلام ثبت نام کنند. از پانزده سال پیش تا کنون، تعداد ثبت نام کنندگان رو به افزایش بوده است. در سال ۱۹۴۵ جمعاً پنجاه نفر ثبت نام کردند. در سال ۱۹۵۴، که محل کنونی خریداری شد، این تعداد به ۱۲۵ نفر رسید. با این که چند دانش آموز غیر مسلمان هم ثبت نام کرده اند، لکن مدرسه اساساً در خدمت دانش آموزان مسلمان است. نویسنده کتاب چند دختر نوجوان را می شناسد که در دانشگاه اسلام ثبت نام کرده و پدر و مادرشان مسلمان نیستند.

جدا، اما برابر.

پسرها و دخترها در یک ساختمان درس می خوانند، لکن کلاس های آنان از یکدیگر جداست. تعلیم جداگانه پسران و دختران، بخشی از سنت مدرسه از آغاز تأسیس آن است. با این حال، در مرحله کودستان و کلاس اول، پسر و دختر مشترک هستند؛ زیرا در این سن، عاری از گناه می باشند. حتی در این کلاس های مختلط نیز، دخترها در پشت سر پسرها می نشینند. تا فوریه ۱۹۵۹، ضابطه (جدا، اما برابر) با شدت اجرا می شد. در همان زمان، مدیر جدیدی در مدرسه به کار گمارده شد که چون توجه زیادی به صرفه جویی در هزینه ها و استفاده بیش تر از کادر آموزشی و تسهیلات مادی موجود را داشت، تصمیم گرفت که کلاس پسران و دختران را یکی کند. این تصمیم، بدون مشورت با الیجاه محمد اجرا شد، ولی بعدها که موضوع را به وی اطلاع دادند، فوراً با این کار مخالفت کرد. درباره این موضوع، جلسه ای در دانشگاه و با حضور الیجاه محمد تشکیل شد. استدلال عمده مدیر مدرسه، که در این جلسه عنوان شد، صرفه جویی مالی و موفقیت دانش آموزان بود. وی تأکید کرد که قبلاً در مدرسه ابتدایی فقط شش کلاس برای سال هشتم و برای دبیرستان چهار کلاس وجود داشت. اگر قرار بود که جدایی دختران از پسران عملی شود، دانش آموزان سال دوم و بالاتر، مجبور بودند در یک اتاق درس بخوانند. دانش آموزان سال دوم و سوم نیز در یک کلاس قرار می گرفتند. سال چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم نیز در یک اتاق بایستی درس می خواندند. در سال دوم و سوم، آموزگار از چهل دقیقه وقت کلاس، بایستی آن را به دو تا بیست دقیقه تقسیم می کرد. از سال چهارم تا هشتم، برای هر سال، فقط ده دقیقه وقت تدریس وجود داشت. مشابه این برنامه، برای دبیرستان نیز وجود داشت. به هر حال، یک آموزگار در طی چهل دقیقه، به گونه مؤثری درس می داد. برنامه مدیر مدرسه برای یکی کردن کلاس های دختران و پسران، سبب شد که کلاس های متعددی برای سال های دوم، سوم و چهارم که معمولاً شاگردان زیادی دارد، به وجود آید. سال پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم به صورت مشترک باقی می ماند. الیجاه محمد نسبت به این طرح نظر مساعد داشت، اما گفت: من در درجه اول، یک اصلاحگر هستم و تا وقتی که مرکز جدید اسلامی دایر نشده، باید مشکلات کنونی آن را تحمل کنیم. این رویداد بیان کننده هدف های تعلیم و تربیت و نیز خدمات الیجاه محمد برای طبقه سیاه پوست در شرایط اقتصادی عاری از امتیاز است. در گفت و گویی که بین مدیر مدرسه و الیجاه محمد صورت گرفت، الیجاه محمد ثابت کرد که

به رغم سخنرانی های طولانی اش برای عموم مسلمانان، اساساً مرد کم حرف، استوار و مصممی است. وی به خوبی از خواسته ها و محدودیت های سازمان خویش آگاه است. با این که نیاز به اندرز افراد با تجربه برای اداره مدرسه دارد، لکن تنها کسی است که دستورات کلی را صادر می کند.

مدیر مدرسه یک مصری است که نزدیک به ده سال است در آمریکا زندگی می کند. در گفت و گوی بین وی و روحانی جیمز، که پس از رفتن الیجاه محمد صورت گرفت، به نظر می رسید که مدیر مدرسه از وضع دانش آموزان و پدران و مادرانشان بی اطلاع است. روحانی جیمز برایش شرح داد که غالب این دانش آموزان متعلق به خانواده هایی هستند که پدران و مادرانشان از بی چیز ترین افراد جامعه اند. در خانه های آنان دو یا سه خانواده با یکدیگر زندگی می کنند و نوجوانان هر نوع کاری انجام می دهند. وجود این جمعیت زیاد در یک خانه به بزهکاری نوجوانان، کارهای خلاف اخلاق، بارداری دختران در سنین پایین (مانند دوازده سالگی) می انجامد، وظیفه الیجاه محمد این است نه تنها اخلاق نوجوانان، بلکه کودکان را نیز از نو احیا کند. در حال حاضر الیجاه محمد با این مشکل روبه رو است که از میان بهترین تعلیم و تربیت موجود در مدارس دولتی و تربیت مسلمانان به گونه ای که شهروندانی دارای اخلاق شایسته باشند، یکی را برگزیند. کودکان مسلمان، از زمان تولد خود، از امتیازات محروم بوده اند و دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم بیش تر آنان از رفتن به مدرسه دولتی بهره مند خواهند شد. اطمینانی نیز وجود ندارد که بقایای زندگی متمدن و اخلاقی را کسب کنند.

مشکل فضای کلاس درس، در نوامبر ۱۹۵۹ تا حدودی حل شد؛ زیرا برنامه مدرسه دو هفته شد. به این ترتیب که دانش آموزان کلاس ششم ابتدایی تا دبیرستان از ساعت هشت تا دوازده صبح در کلاس ها حاضر می شدند و دانش آموزان کلاس پنجم از ۱۲/۳۰ تا ۱۶/۳۰ به همان کلاس رفته و همان آموزگار به آنان درس می داد.

دو هفته شدن مدرسه، تا حدودی ناشی از مشکلاتی بود که مدرسه دیترویت برای ادارات دولتی و محل آموزش عمومی در تابستان سال ۱۹۵۹ پدید آورد. مدرسه دیترویت، ظرفیت ۱۰۲ دانش آموز را داشت. این مدرسه قبلاً یک تماشاخانه مخروطی در شماره ۵۴۰۳ خیابان سی، لاج بود. مدرسه پنج آموزگار داشت، سه مرد و دو زن، گفته می شد که سه آموزگار مرد بر طبق قوانین ایالت میشیگان واجد شرایط بودند. (۶) با این حال، مدرسه بسته شد، زیرا از لحاظ آموزش و تسهیلات مادی، ناقص به شمار می رفت و هرگز از سوی اداره آموزش همگانی تأیید نشده بود. کوتاه زمانی بعد، مسلمانان ساختمان جدیدی فراهم کردند و کلاس ها مجدداً باز شد. مدرسه پیش از این که دو هفته شود، هفته ای چهار روز دایر بود (روزی چهار ساعت)؛ یعنی، از ده صبح تا ساعت چهارده. براساس ترتیب جدید، درست مانند ترتیب سابق، هیچ گونه فاصله ای برای زنگ تفریح یا ناهار خوردن وجود ندارد. با این که دوره تحصیل سالانه برای یک کلاس، کوتاه است، اما دانش آموزان در سراسر سال، به جز یک هفته تعطیلات ماه اوت، سرکلاس حاضر می شوند. دو هفته تعطیلات اضافی نیز برای کنوانسیون سالانه نهضت، تعطیلات عمومی، و تعطیل اجباری مدرسه به دلیل سردی هوا به آن اضافه می شوند. سال طولانی تحصیلی می تواند تا حدودی جبران کمی وقت ناشی از کمبود کادر آموزشی و شرکت چند کلاس در یک اتاق را بنماید.

روزهای سه شنبه همه کلاس ها تعطیل است؛ زیرا این روز اختصاص به فعالیت های گوناگونی مانند: مهمانی وحدت، رفتن به موزه ها یا باغ وحش دارد. فعالیت های مختلف، برای سطوح سنی و متفاوت، ترتیب داده می شود تا نیازها و توانایی های ویژه دانش آموزان را پرورش دهند. مثلاً، دختران نوجوان می توانند روزهای سه شنبه اقتصاد خانواده را آموزش ببینند، در حالی که بچه های جوان تر را به موزه علم و صنعت می برند.

دانشکده.

دانشکده وابسته به دانشگاه اسلام، هرگز بیش از پنج دانشجو نداشته است. مدیریت آن غالباً تغییر می کند و از سال ۱۹۵۳ به این سو، پنج مدیر، از جمله مدیر کنونی، برسر کار آمده اند. همه این مدیران غالباً مسلمان بوده اند. از چهار مدیر سابق، سه نفر مرد و یک زن بوده اند. مدیر سابق و کنونی آن عرب هستند. (۷) نخستین مدیر عرب آن، که در عین حال معلم زبان عربی نیز بود، شیخ (جمیل شاکردیاب) بود که اینک رهبر مسلمانان جنوبی شیکاگو می باشد و دانشجویان عرب منطقه او را یک امام به شمار می آوردند و رقیب الیجاه محمد می باشد. شغل مدیریت، معمولاً شامل نظارت بر کار آموزگاران و برنامه تحصیلی است. مدیر می تواند یک یا دو درس اضافی تدریس کند. اختیارات مدیر، بسیار محدود است. دو تن از مدیران، فقط به طور نیمه وقت کار می کردند. روابط مدیر با الیجاه محمد کاملاً جنبه مشورت دارد. به طوری که معلوم شده است، تاکنون یک غیر مسلمان به عنوان مدیر تعیین شده، اما برخی از آموزگاران مسلمان نیستند (۸). در حال حاضر دو آموزگار غیر مسلمان در دانشگاه هستند که قبلاً در مدارس دولتی درس می دادند. استخدام آموزگاران مسلمان و متأهل، اولویت دارد. در مورد استخدام پیروان الیجاه محمد، نوعی استثنا وجود دارد. از کادر آموزشی موجود، مدیر به طور نیمه وقت کار می کند و از دانشگاه میشیگان فارغ التحصیل شده است. یک آموزگار دارای مدرک فوق لیسانس، و سه نفر دیگر لیسانسیه اند، چهار نفر، دست کم، دو سال از دوره دانشکده را تمام کرده اند و در حال پایان تحصیل بوده یا امیدوارند که در آینده به اینکار موفق شوند.

زبان عربی.

در چارچوب محدودیت های بیان شده در بالا، کار مدرسه به خوبی جریان دارد. به همین دلیل، آقای (نعیم) شدیداً تحت تأثیر کار مدرسه قرار گرفت و در سال ۱۹۵۶ درباره آن نوشت:

هنگام بازدید از مدرسه، از این که مشاهده کردم دختران و پسران نوجوان قسمت هایی از قرآن را از حفظ می دانند و مراسم نماز را به صورت کامل برگزار می کنند، بسیار خوشحال شدم. آنان قادر بودند به زبان عربی صحبت کنند و تلفظ عربی درست داشتند (نیازی به گفتن نیست که چنین پیشرفتی نصیب گروندگان به اسلام

نشده است). در واقع، وقتی یک گروه از هشت یا نه دختر، یک سرود مذهبی را به زبان عربی خواندند، اشک در چشمانم حلقه زد. این منظره زیبا و فراموش نشدنی را دیدگان من در آن جا دید. (۹).

بیش تر دانش آموزان لباس های تمیز به تن دارند. همه پسران، بدون استثنا کت و شلوار و کراوات دارند. با این که مسئولان مدرسه برای اجرای این دستورات تلاش زیادی می کنند، ولی از لباس متحد الشکل و مجاز زیاد استفاده نمی شود. آموزگاران مسلمان زن، رنگ های مجاز را رعایت نمی کنند، ولی لباس های شان بلند است. آموزگاران زن غیر مسلمان هنگام حضور در محوطه مدرسه، از روپوش استفاده می کنند.

بیش تر دانش آموزان از خانواده های طبقه کارگر هستند و مشکل عمده ای را از لحاظ انضباط در مدرسه به وجود نمی آورند. هر دانش آموز، پیش از وارد شدن به مدرسه، یا رفتن به سر کلاس، بازرسی بدنی می شود و اگر اشیای غیر مجازی مانند: تیغ خود تراش، چاقوی جیبی، آدامس، و نشریات منافی عفت را به همراه داشته باشد، از او گرفته می شود. مدرسه، با مراسم نیایش آغاز به کار می کند و پیش از برگزاری مراسم، یک نگهبان عضو سازمان میوه های اسلام، خبردار می دهد و یا روحانی اعلام می دارد که سلام نظامی اصیل به پرچم ملت اسلام صورت گیرد. بلافاصله مراسم نیایش شروع می شود. روحانی هر روز به مدت پنج دقیقه درباره فضایل و آمال ملت سیاه و نقش آن در پیشرفت دانش آموزان سخن می گوید و در این سخنان، تکیه وی بر اخلاق و رفتار پسندیده است.

مسئولیت حفظ نظم به عهده آموزگاران و افسران مسجد است. رؤسای کل سازمان میوه های اسلام و آموزش دختران مسلمان، به طور مرتب از کلاس ها بازدید می کنند و دانش آموزان از دیدن آنان به شدت به هراس می افتند. دانش آموزانی که رفتار بد داشته باشند، به خانه فرستاده می شوند و تنها می توانند به اتفاق اولیای خود به مدرسه باز گردند. دانش آموزان (بد) اخراج می گردند. معمولاً پدران و مادران را به خاطر رفتار بد فرزندان مجازات می کنند، حتی ممکن است عضویت آنان در مسجد به دلیل کوتاهی در تربیت اخلاقی فرزندان، معلق شود. یک مورد جالب، برای پدر یک دختر چهارده ساله، گرفتاری درست کرد. وی در یک کارخانه فولادسازی کار می کند و اتومبیل مدل سال ۱۹۵۸ دارد، وی در یک محله کثیف زندگی می کند. افسران مسجد او را احضار و به وی دستور دادند تا به خاطر فرزندان خود به منطقه بهتری نقل مکان کند، وگرنه عضویت او در مسجد به مدت نود روز به تعلیق در می آید. افسران مسجد و انجمن اولیا و مربیان می کوشند تا پدران و مادران مسئولیت بیش تری نسبت به فرزندان خود در داخل و خارج از مدرسه داشته باشند، دانش آموزان دبیرستانی که درس های خود را با تلاش زیاد فرا می گیرند، عموماً دستورات مسئولین مدرسه را اجرا می کنند؛ اما گاهی اوقات، بی سر و صدا با محدودیت های مدرسه مخالفت می کنند. هم پسرها و هم دخترها، با آموزگاران غیر مسلمان روابط دوستانه ای دارند؛ زیرا تصور می کنند که شدت عمل آنان کم تر از آموزگاران مسلمان است. همچنین، با قرار گذاشتن دختران و پسران در بیرون از مدرسه، مخالفت می شود. تحریم جنسی، انگیزه دوستی با دختران، روابط نزدیک تر را موجب می شود. جای شگفتی نیست که این تحریم یکی از دلایل اصلی بود که شش دختر خود را به مدارس دولتی منتقل کردند. دلیل عمده دختران، این بود که دروس مطلوب، در دانشگاه اسلامی تدریس نمی شود و بر نبودن دوره ماشین نویسی انگشت گذاردند.

به دنبال آنان، پسران نیز همین رویه را در پیش گرفتند، اما با دخالت به موقع الیجاه محمد، اوضاع سر و سامان یافت. فوراً برای دختران کلاس ماشین نویسی دایر شد و معلم ماشین نویسی استخدام کردند. پسر رئیس کل سازمان میوه های اسلام، به دبیرستان دولتی هاید پارک منتقل شد و در انجام این کار قبلاً از الیجاه محمد اجازه گرفت. علت این بود که این پسر به دلیل نفوذ پدرش، زیاد درس نمی خواند و احساس شد که انتقال وی به دبیرستان دولتی، وی را در شرایط مشابهی با سایر دانش آموزان در مدرسه دولتی قرار می دهد.

در دبیرستان، ۲۵ دانش آموز بود (بیست دختر و پنج پسر). از اینان خواسته شد تا به طور کتبی به چند پرسش واقعی پاسخ دهند و آرزوهای خود را بیان دارند، اما غالب دانش آموزان همکاری نکردند. پاسخ های دریافت شده در زیر می آید: (بوی جین دهم) (۱۰) شانزده ساله، متولد در بخش مارشال (میی سی سی پی)، که از ۲۳ فوریه ۱۹۵۸ در شیکاگو زندگی می کند، پدرش یک کارگر است. هیچ یک از پدر و مادرش در نهضت عضویت ندارند. آرزوی وی این است که مسلمان شایسته ای باشد و بتواند کمک بیش تری به الیجاه محمد بکند. (فنوی کریم) (۱۱) شانزده ساله، متولد شیکاگو، که پدر بزرگ و مادر بزرگش از ۲۵ سال پیش عضو نهضت بوده اند. پدر بزرگش در یک سوپر مارکت کار می کند. (فنوی) که دانش آموز با هوشی است، آرزو دارد تند نویس شود.

(لوئیس آرمسترانگ) (۱۲) پانزده ساله، و در شیکاگو به دنیا آمده است. از مدرسه دولتی به دانشگاه اسلام انتقال یافته است. پدرش در یک کارخانه فولادسازی کارگر است، پدر و مادرش در نهضت عضویت ندارند، لوئیس از یک ماه پیش و در هنگام تهیه این گزارش، به نهضت پیوسته است. او می گوید:

آرزوی من، تمام کردن دوره دبیرستان، یکی دو سال درس خواندن در دانشکده، سپس طی کردن دوره دو ساله، آن گاه کار در بیمارستان مسلمانان است که قرار است تأسیس شود.

(روت هلن دهم)، (۱۳) متولد شیکاگو، چهارده سال دارد. خانواده اش از ده سال پیش به عضویت نهضت در آمده اند. آرزویش این است که خیاط شود.

(جون اولین دهم) (۱۴) در هامپلتون (می سی سی پی) به دنیا آمده و چهارده سال دارد. وی و پدر و مادرش از چهار سال پیش به عضویت نهضت در آمده اند. آرزویش این است که پس از پایان تحصیل، یک منشی یا پرستار شود.

(کاول جون دهم) (۱۵) سیزده سال دارد. در (فورت ورت) (۱۶) تگزاس به دنیا آمده از سال ۱۹۵۴ در شیکاگو زندگی می کند. پدرش شغل آزاد دارد. وی و پدر و مادرش از هفت سال پیش عضو نهضت بوده اند. آرزویش این است که به هر طریق ممکن، به الیجاه محمد کمک کند.

(ماری دهم) (۱۷) چهارده ساله و متولد ممفیس (تنسی) است. پدر و مادرش در سال ۱۹۴۶ به شیکاگو آمدند، در هنگام انجام این تحقیق، پدر و مادرش بی کار بودند. هر دو آنان، شانزده سال است که عضو نهضت هستند، وی از هنگام تولد مسلمان بوده و آرزویش این است که درست مانند برادر جیمز آموزگار شود یا یک پرستار.

(کلارا ماری شریف)(۱۸) دوازده ساله، متولد شیکاگو، و پدرش (ریموند شریف) رئیس کل سازمان میوه های اسلام است، مادرش یک مرکز کسب و کار را اداره می کند، مادرش از ۲۸ سال پیش و پدرش از ۲۶ سال پیش، عضو نهضت بوده اند. کلارا آرزو دارد که پزشک شود.

(آلیس دهم)(۱۹) چهارده سال دارد، متولد گرین وود (می سی سی پی) و در سال ۱۹۵۲ به اتفاق پدر و مادرش به شیکاگو آمد. پدرش کارگر ماشین کار است. سه سال است که در نهضت عضویت دارند. آرزویش این است که دانشکده را تمام کند و مانند خواهر وی، آموزگار یا شاید، پرستار درجه یک و یا منشی ... شود.

(کریستین دوازدهم)(۲۰)، سیزده ساله و متولد می سی سی پی است. خانواده اش در حدود سال ۱۹۵۰ به شیکاگو آمدند و هفت سال است که در نهضت عضویت دارند. کریستین آرزو دارد که پرستار یا پزشک شود. وی و (کلارا ماری شریف) دوست نزدیک هستند.

همین پرسش ها، برای ۲۵ پسر سال هفتم و هشتم طرح شد و همه آنان آرزوی خود را برای رفتن به دانشگاه، پس از تمام کردن دبیرستان، ابراز داشتند. برخی از پاسخ های آنان در زیر می آید.

(گلن سیزدهم)(۲۱) دوازده سال دارد و کلاس هشتم است. وی می گوید:

درباره این پرسش، کمی فکر کرده ام. دلم می خواهد رشته حقوق را بخوانم. عموی من وکیل دادگستری است. پدر و مادرم عضو نهضت هستند. عمه ام اوراق قرضه دولتی تا سه هزار دلار دارد و برای تحصیل من بیمه نامه دارد.

(والاس محمد) فرزند بزرگ الیجاه محمد، آرزو دارد که پزشک شود و تا آن جا که می داند هیچ یک از افراد خانواده وی پزشک نبوده اند. او می گوید:

مادرم پولش را پس انداز می کند تا من بتوانم به دانشکده و سپس به مدرسه پزشکی بروم. خود من، دو شغل دارم و هفته ای ۲۸ دلار به دست می آورم. از این پول، پانزده دلار آن را پس انداز می کنم و مادرم هم ده دلار روی آن می گذارد و هفته ای ۲۵ دلار برای تحصیل خود در بانک می گذارم.

پسر عموی والاس امیدوار است که مهندس فنی شود؛ زیرا می گوید:

فکر می کنم پول زیادی در این کار هست. پدر و مادرم هر دو کار می کنند و پول خود را پس انداز می نمایند تا من بتوانم به دانشکده بروم.

(تیموتی ارل گارت)(۲۲) چهارده سال دارد و پدر و مادرش در نهضت عضو هستند، آرزو دارد که داروساز شود. پدرش دکوراتور داخلی است و مادرش در شرکت اشپیگل کار می کند. تیموتی به نویسنده کتاب گفت که، پدر و مادرش تا کنون پول کافی برای رفتن وی به دانشکده فراهم کرده اند.

اگر چه دامنه این تحقیق محدود بود، اما تفاوت بارز بین آمال دختران و پسران را نشان داد. بیش تر پسران، آرزو داشتند که، به دانشگاه بروند در حالی که این علاقه، تنها در چند دختر وجود داشت. به هر حال، آنچه که نویسندگان را تحت تأثیر قرار داد، ارتباط میان هدف های شغلی آنان و امکاناتی بود که فکر می کردند برای آنها در نهضت موجود است. تحصیل در رشته پزشکی، مورد توجه زیاد بود؛ چون یکی از طرح های نهضت، احداث

یک بیمارستان است. همچنین علاقه به آموزش فنی در بین پسران، علاقه به کار منشی گری در بین دخترها وجود داشت. کار در دبیرخانه الیجاه محمد از اعتبار ویژه ای برخوردار است. گو این که مسلمانان در زندگی خصوصی خود، متوجه ادراک دقیق امکاناتی هستند که می تواند به روی آنان باز باشد، اما اغلب پدران و مادران مسلمان، آرزو داشتند که فرزندانشان به دانشگاه بروند.

از چند نفر افراد پا به سن گذارده، پرسیده شد که آرزو دارند پسر یا دخترشان در آینده چه شغلی داشته باشد، پاسخ آنان در زیر می آید:

خواهر (میلدرد)(۲۳) می گوید:

اجازه بدهید درباره پسر من با شما سخن بگویم. دلم می خواهد که مسلمان خوبی باشد و پزشک شود، اما اول باید مسلمان شایسته ای باشد.

برادر (توماس جونز)(۲۴) می گوید:

دلم می خواهد بچه هایم در دانشگاه اسلام آموزگار شوند. آنان را آماده سازم تا بتوانند خدمت بهتری به ملت اسلام و الیجاه محمد بنمایند. بدون شک امیدوارم که آنان به دانشکده بروند و از هر تلاش برای این کار دریغ نمی کنم.

برادر (کریم الله) می گوید:

دلم می خواهد پسر عثمان، آموزگار اسلام (روحانی) شود. آرزویم این است که فرزندانم مؤمن به الله و اسلام باشند. امیدوارم فرزند دیگرم قاسم را به دانشگاه و نیز به دانشگاه الازهر بفرستم.

برادر (دونالد دهم)(۲۵) می گوید:

دلم می خواهد چیزی شوند که دلشان می خواهد، مادامی که آن را به شیوه درست انجام دهند یک دکتر، وکیل دادگستری و غیره. منظورم از راه درست، این است که خوب تحصیل کنند. آن را در خدمت همسران خویشتن به کار برند، نه سفید پوستان.

خواهر (الاین) دهم(۲۶) می گوید: *Translation Movement*

دلم می خواهد فرزندانم مسلمان خوبی باشند، به بزرگسالان احترام بگذارند. آنان را آزاد می گذارم تا دنبال هر حرفه ای که دوست دارند بروند. خوش نمی آید که کسی به من بگوید چه کاری را انتخاب کنم. نمی خواهم برای شغل فرزندان خود، تصمیم بگیرم.

برادر (جان و)(۲۷) می گوید:

اصولاً می خواهم مسلمان خوبی باشد و با استفاده از فرصت های فراهم شده، رشته ای را برگزیند که بتواند به پیشرفت و اعتلای اسلام خدمت کند.

در بین بزرگسالان، نوسان انتخاب شغل گسترده تر بود، ولی تکیه بر این بود که فرزندان در درجه اول مسلمان خوبی باشند و از تحصیل خود، برای پیشرفت اسلام استفاده کنند.

تحصیل بزرگسالان.

از تسهیلات دانشگاه اسلام، برای تحصیل بزرگسالان نیز استفاده می شود. اطلاعات مربوط به پیشرفت تحصیلی بزرگسالان در مسجد شیکاگو، محدود است؛ زیرا این کلاس ها بخشی از فعالیت های میوه های اسلام و آموزش دختران مسلمان و کلاس تمدن عمومی را تشکیل می دهد که تنها به روی مسلمانان ثبت نام کرده در نهضت، باز است. با این حال، در کلاس های زبان عربی که در ساعات چهار تا شش بعد از ظهر تشکیل می شود، افراد غیر عضو نیز می توانند شرکت کنند. سایر دوره هایی که در ساعات شب عرضه می شود معروف است که برای گروه های خاصی در نظر گرفته می شده است. دوره هایی که بیش تر اعضا از آن استقبال زیادی می کنند، شامل نوشتن، خواندن و ریاضیات می باشد. به نظر می رسد که در بین مهاجران جنوب، چند نفری که توانایی خواندن و نوشتن را دارند و تعدادشان انگشت شمار است، این کلاس ها فرصت مناسبی را برای تحصیل آنان فراهم می کند.

علاقه به فرا گرفتن علم، بویژه در مردان زیر سی سال، دیده می شود، افراد غیر عضو نیز می توانند شرکت کنند. در این کلاس ها، آموزش به صورت مهارت های فنی یا کسب و کار عرضه می شود. در مدت انجام این تحقیق، پنج مرد جوان و دو زن، که پس از یکی دو سال که به دانشکده رفتند، آن را ترک گفته بودند، دوباره به مدرسه بازگشتند تا تحصیل خود را کامل کنند. بسیاری از اعضا علاقه محدود خود به تحصیل را، نتیجه تعالیم الیجاه محمد می دانند. آنان ادعا می کنند که آمالشان بر اثر این تعالیم شکوفا شده است. روحانی کریم، در مصاحبه ای گفت که، وی ثمره فعالیت های الیجاه محمد در میان سیاهان است. روحانی کریم، اینک مسؤول مسجد شماره شش در بالتیمور (مریلند) است، که بنا به ادعای وی، چهار عضو دارد. وی به سال ۱۹۴۳ به نهضت پیوست. او مدعی شد که پیش از پیوستن به نهضت کاملاً بی سواد بود و الیجاه محمد خواندن و نوشتن را به وی آموخت، وی با سر بلندی یادآور شد که اینک نه تنها قادر به خواندن و نوشتن است، بلکه ماشین نویسی هم می داند و در بسیاری از دانشکده ها و سازمان های سیاه پوست سخنرانی می کند. چند نمونه از چشم انداز تحوّل یافته پیروان نهضت، بر حسب آمال آنان در زمان کنونی و در مقایسه با گذشته، مؤید این موضوع است.

خواهر (الاین دهم):

سه سال پیش هیچ آرزویی نداشتم. منظورم این است که نمی دانستم چه می خواهم. حالا می دانم چه می خواهم. دلم می خواهد متصدی ماشین حساب شوم، همین و بس. شاید روزی دلم بخواهد زن خانه شوم و دو فرزند داشته باشم (یک پسر و یک دختر) می خواهم خانه ای از خودم داشته باشم. دلم می خواهد پیش از این که ازدواج کنم، کمی پول داشته باشم. مایلم با یک مسلمان ازدواج کنم.

الاین دوره بازرگانی را در یک مدرسه بازرگانی طی می کند و خود را آماده شغل مورد علاقه اش می سازد.
برادر (جان.و):

اکنون آرزویم این است که خود را آماده سازم تا به گونه ای به ملت اسلام یاری دهم. تلاش کرده ام تا در زمینه های مختلف بیش تر درس بخوانم. فکر می کنم که در کار تندنویسی بهترین هستم. اگر این کار نشد قصد دارم که روحانی شوم. می خواهم که مغزم کاملاً تصمیم خود را بگیرد. اگر روحانی شدم، روحانی بسیار کامیابی گردم. در گذشته آرزوهایم بسیار بی ارزش بود. تنها دلم می خواست زن بگیرم، کاری داشته باشم و یک خانواده را اداره کنم. نمی خواستم مانند پدرم برای تأمین زندگی به سختی کار کنم. برادر (جان. و) اخیراً یک دوره سه ساله تندنویسی در دادگاه را تمام کرده است. برادر (کورمنر) معروف به (کرولی دهم) (۲۸) اخیراً به فرا گرفتن زبان عربی و روسی پرداخته و برای رفتن به دانشگاه درس می خواند.

این افراد وسایر بزرگسالان، علاقه زیادی به تحصیل در رشته هنرهای آزاد، بویژه در علوم، نشان می دهند. لکن، بیش تر آنان علاقه مند به رشته بازرگانی هستند. روحانیان مسجد اسلام از میان اعضای میوه های اسلام برگزیده می شوند. آنان، قسمت عمده آموزش خود را از الیجاه محمد فرا می گیرند؛ اما از برنامه تحصیلی بزرگسالان دانشگاه اسلام نیز استفاده می کنند. در مدت گذراندن دوره آموزشی، یک دانشجوی روحانی به صورت منظم تحت آزمایش قرار می گیرد تا یقین حاصل شود که تعالیم الیجاه محمد را درک کرده، و قدرت سخنرانی برای مردم را دارد. این دانشجویان، همان گونه که قبلاً نیز گفته شد، در جلسات چهارشنبه شب، سخنرانی های کوتاهی ایراد می کنند. (۲۹).

بعد از این توضیح، در خصوص فعالیت گروه (ملت اسلام) و نقش (الیجاه محمد) به دنباله بحث می پردازیم. همان گونه که اشاره شد، الیجاه محمد جنگ مذهبی خود را در سال ۱۹۳۱ آغاز کرد که آن را (جنگ اسلام) نامید، و پس از درگذشت وی، پسرش (والاس دی. محمد) جانشین وی شد. زمانی که والاس، رهبری مذهبی ملت اسلام را در سال ۱۹۷۵ به دست گرفت، اسم آن را به (جامعه جهانی اسلام در غرب) (WCIW - WORD COMMUNITY OF ISLAM IN THE WEST) تبدیل کرد و تمام پیروان خود

را دعوت به گزینش نام (بالیان) نمود.

پی آمدهای مرگ الیجاه محمد که برای ۴۴ سال سازمان را رهبری کرده بود به تنها تغییر نام محدود نمی شود؛ زیرا زمان مرگ الیجاه محمد، تغییرات عمده ای در بنیان های فکری و فلسفی سازمان به وجود آمده است. نه تنها اعضا دعوت به طرد واژه عمومی مسلمان سیاه به جای اسم بالیان شده اند، بلکه سفید پوستان نیز هم اکنون می توانند به عضویت این سازمان که زمانی از ناسیونالیست ترین گروه های مذهبی سیاهان بود، در آیند.

با وجود نارضایتی برخی از سیاه پوستان ناسیونالیست از تغییراتی که از سوی والاس در اعتقادات ملت اسلام به وجود آمده به نظر می رسد تلاش وی حرکتی به سوی اسلام ارتدوکس و طرد اسطوره هایی چون خدا دانستن شخص محمد و پیامبر دانستن الیجاه محمد، باشد.

والاس به عقاید پدرش درباره برتری نژاد سیاه ارج نمی گذارد و این بسیاری از مسلمانان سیاه را که به سبب مبارزه شدید الیجاه محمد با نژاد سفیدی که برای قرن ها سیاهان را استثمار کرده بود، به ملت اسلام پیوسته و

مسلمان شده بودند دلسرد می نماید. این گرایشات والاس محمد نمی تواند از سوی نگارندگان این بررسی مورد انتقاد قرار بگیرد؛ چرا که حرکتی در جهت تعالی مسلمانان سیاه و رهانیدن آنان از افکار التقاطی چارچوب های تنگ فکری نژاد پرستی سیاه است؛ ولی به عنوان یک مسلمان می توان از کم بها دادن او به استقلال اقتصادی و سیاسی سیاهان جامعه سفید، که همواره سعی در تحمیل خود بر دیگر اقلیت های جامعه آمریکا دارد، انتقاد نمود.

الیحاه محمد می پنداشت که، چون اسلام روابط ستم کارانه موجود میان سفید پوستان و سیاهان آمریکا را محکوم می داند، بنابراین ملی گرایی سیاه را می پذیرد، چرا که ناسیونالیسم سیاه نیز این روابط ظالمانه را با تمام توان محکوم می کند. حاصل این اشتباه او، انحراف از اسلام اصیل بود. به همین ترتیب، ولی با هیأتی معکوس، والاس محمد نیز مرتکب اشتباهی مشابه شد. او پنداشت چون اسلام، نژاد پرستی (یا ناسیونالیسم) سیاه را، به حکم برابر و برادر دانستن انسان ها با یکدیگر، رد می کند، پس حتماً کار به روابط ظالمانه سفید پوستان و سیاهان آمریکا ندارد و ظلم و تبعیض و تحقیر را نادیده می انگارد. بدین ترتیب او مسلمانان سیاه پوست را از صحنه مبارزه ملت سیاه کنار کشید.

ندیده انگاشته شدن چهار صد سال محرومیت و مظلومیت سیاه پوستان آمریکا از سوی والاس با عکس العمل شدید دیگر سران ملت اسلام رو به رو شد.

در اوایل فوریه ۱۹۷۷، والاس رهبری خود را وارد مرحله جدیدی کرد. او اعلام نمود که، ملت اسلام صحنه فعالیت های تجاری را ترک خواهد کرد.

به سرعت گروه زیادی از رهبران مسلمان و رؤسای مهم مساجد به شدت به این امر اعتراض کردند. در اوت ۱۹۷۷ (سیلیس محمد)، که زمانی مدیر تجاری نشریه محمد سخن می گوید بود، (والاس دی) محمد را به خیانت به مسلمانان سیاه پوست متهم کرد.

در همان سال (لوئیس فراخان)، که زمانی مهم ترین سخنگوی ملت بود، از ملت اسلام جدا شد، دلیل این قطع رابطه تأویلات انحرافی والاس از تعلیمات الیحاه محمد بود.

بزرگ ترین ضربه برای عموم سیاهان آمریکا اعم از مسلمان و غیر مسلمان تغییر نام رسمی سازمان به جامعه جهانی اسلام در غرب و بی اعتنایی به واژه پر مسمای سیاه با اتخاذ نام بلالیان بود.

ناسیونالیست های سیاه که در تلاش برای ایجاد یک جامعه سیاه قدرتمند، متحد و سعادت مند بودند، آن را در قالب ملت اسلام می دیدند. نام سازمان، معنایی را شامل می شد که به آنان حس جهت دار بودن می داد. تغییر نام ملت اسلام در آنان تأثیر ناخوشایند می گذاشت و بر هواداران آنان تأثیر منفی داشت.

رهبر یکی از گروه هایی که از ملت اسلام منشعب شده، و در ساحل غربی، معبدی با نام قدیم ملت اسلام بر پا نموده است، می گوید: نام ملت اسلام، قویاً اتحاد برانگیز بود.

پیش از تأسیس ملت اسلام یک سیاه پوست، به تنهایی، در زندگی پر درد خود احساس ضعف می کرد. او در ملت اسلام آگاهی های تازه و تجربیات مشترکی به دست می آورد. او خود را به عنوان بخشی از جامعه ای تازه با مشخصه ای مشترک و تغییر ناپذیر می دید. اعتقادات مشترکی که اعضای ملت اسلام داشتند، باعث به

وجود آمدن احساس قدرت شده بود؛ چرا که دیگر شخص سیاه به صورت فردی با جهان بیرون رو به رو نمی شد، بلکه برادران و خواهرانی داشت که در اعتقاد، هدف و تعهدات با او شریک بودند.

یکی از جالب ترین انتقاداتی که درباره تغییرات و اضافات فلسفه الیجاه محمد، مطرح شد، از سوی مسیحیانی بود که مسیحیت را طرد و اسلام را تحت رهبری الیجاه محمد پذیرفته بودند. آنان می گفتند: اگر تنها چیزی که آنان می خواستند، روحانیت صرف بود، آنان می توانستند مسیحی بمانند.

حتی مسیحیانی که حاضر به ترک مسیحیت برای اسلام نبودند، از اهداف وسیع ملت اسلام حمایت می کردند؛ چرا که از سخنان و فعالیت های الیجاه محمد معلوم بود که ملت اسلام در آخرین مرحله، تمام سیاه پوستان آمریکا را در بر می گیرد.

آنان برای اثبات نقطه نظرهای خود توجه شان را به این واقعیت که مؤسسات تجاری که زیر نظر الیجاه محمد اداره می شدند، تنها برای مسلمانان نبودند و سیاهان غیرمسلمان نیز حق استفاده از آنها را داشتند، جلب می کنند. دردناک ترین شکایت از تغییرات جدید در ملت اسلام از سوی هزاران مرد و زنی بود که زمانی در مؤسسات تجارتی ملت اسلام مشغول به کار بودند. به عقیده این عده، در کشوری که به سرعت دارد مردم را به مسلخ بی کاری می فرستد، عدم استمرار فعالیت های تجاری ملت اسلام اخم و ترش رویی تمام خانواده های سیاه در آمریکا را به همراه دارد. همان گونه که یک کارمند سابق شرکت بین المللی اسلام می گفت: هیچ چیز بدی در خصوص عمل به اسلام ارتدوکس وجود ندارد؛ ولی تحت قوانین جدید، تنها قسمتی از منافع جامعه سیاه پوستان و بویژه مسلمانان پایمال می گردد. چیزی که ما می خواهیم مسکن بهتر، غذای بیش تر، لباس، امنیت و آرامش ذهن است تا بتوانیم به فرزندان خود یاد بدهیم که رفتار و اخلاق خوب چیست. یک مرد سیاه پوست به شخصه، سرمایه ای برای تجارت به هیچ صورتش را دارا نیست. حالا تلاش های دست جمعی الیجاه محمد و احساس خود یاری که به وسیله او پایه گذاری شد، دارد به نام اسلام ارتدوکس از بین می رود. این سودی است که به مسلمانان و سیاهان دیگر نمی رسد.

احساسی ترین انتقادی که برضد رهبری جدید صورت می گیرد از سوی عموم مسلمانان سیاه آمریکا است که نه از تغییرات جدید خشنودند و نه از ترک نام سیاه مسلمان که برای آنان ریشه عقیدتی دارد به جای بلالیان راضی هستند. آنان می گویند: اسم ها نه تنها به مردم می گویند که آنان چه کسانی هستند، بلکه نیز به آنان می گویند که از کجا آمده اند. نام ها همچنین از تاریخ و فرهنگ سخن می گویند و نشان دهنده ماهیت دارندگان آنها هستند. بسیاری از مسلمانان معتقدند که، طرد نام سیاه مسلمان از هویت آنان هر چه بیش تر می کاهد و آنان را به ناکجا آباد بی نشانی می فرستد.

سیاه پوستی می گفت: یک مرد با یک اسم زنانه، ممکن است بی اختیار، رفتار تهاجمی و مردانه اش را فراموش کند. همچنین یک اسم خنده دار و بی معنا می تواند بردارنده آن، اثر نامطلوبی بگذارد. مسمای به چنین نامی ممکن است احساس جهت مندی و هدف گرایی خود را از دست بدهد. این در حالی است که اگر او نامی مناسب و با معنا داشته باشد شاید این اتفاق نیفتد.

از آغاز روی کار آمدن والاس محمد تاکنون گروه های بسیاری از سازمان که زمانی ملت اسلام نام داشت جدا شده اند، در حالی که بدنه اصلی این سازمان، تحت رهبری والاس محمد هر روز قوی تر می شود و وجهه بیش تری پیدا می کند.

با وجود تمام این اعتراض ها و انتقادهای حرکتی که والاس محمد در میان مسلمانان سیاه پوست به وجود آورده، در برخی جوانب، به دریافتن اسلام ارتدوکس از سوی سیاهان منجر خواهد شد. آن حرکت به سوی اسلام واقعی در معنای ایدئولوژیکی اش اول بار از سوی مالکوم ایکس، یکی از رهبران مبارزه و مشهور مسلمانان سیاه پوست آغاز شد. او پس از آن که به علت برخی اختلافات از ملت اسلام جدا شد، برای برگزاری مراسم حج به مکه معظمه مسافرت کرد و در آن جا با اسلام واقعی آشنایی پیدا کرد و عقاید ملت اسلام را نسبت به سیمایی که او از اسلام در مکه دیده بود انحرافی یافت. او پس از آن سفر به تبلیغ اسلام ارتدوکس پرداخت.

والاس محمد، به اعتراف خود مالکوم ایکس، از لحاظ اعتقادی نزدیک ترین فرد به مالکوم بود. او پس از روی کارآمدن به تقدیر از مالکوم ایکس پرداخت و مسجد شماره هفت نیویورک را به نام وی نام گذاری کرد. علی رغم این گرایش شاید تا حدودی مثبت او به اسلام ارتدوکس، عدم حساسیت والاس محمد به مسائل سیاسی جهانی و بویژه مسائل کشورهای مسلمان، باعث اختلاف میان او و برخی از گروه های اسلامی مبارز ایالات متحده شده است. برای مثال (حامد الگار)، که از سران مسلمانان آمریکاست، در مصاحبه ای در ایران از والاس محمد انتقاد کرد. در این میان شایعاتی درباره ارتباط و نزدیکی والاس محمد با عربستان سعودی وجود دارد که می تواند یکی از عوامل مهم این اختلاف باشد. آیا تغییرات و تجدید نظرهایی که در عقاید ملت اسلام و تعلیمات الیجاه محمد و نیز تغییراتی که در روش مبارز سیاسی مسلمانان سیاه پوست از سوی والاس محمد صورت گرفت، نشان دهنده واقع گرایی و پیروی او از اسلام واقعی و اصیل است، و یا خیانت به سیاه پوستان محروم تلقی می شود این سؤال را تنها پس از تفحص در تاریخچه ملت اسلام و چگونگی پیدایش آن و شرایطی که به شکل گیری ایدئولوژی آن حاکم بوده، می توان پاسخ گفت. (۳۰).

پس از این که مالکوم ایکس از (ملت اسلام) کناره گرفت، تعداد زیادی از مسلمانان نیز همراه او از گروه مذکور جدا شدند. البته نوع اسلامی را که مالکوم ایکس به طرفداران خود تعلیم می داد، با جریان اصلی اسلام که از سوی مهاجران مسلمان تبلیغ می شد و همچنین با اسلام (ملت اسلام) که هنوز رنگ و بوی نژادی دارد، کاملاً تفاوت داشت. (۳۱).

لازم به ذکر است که مالکوم ایکس که نخست به عنوان سخنگوی امت اسلام شهرت کسب کرده بود، پیش از مرگش، در سال ۱۹۶۵، قدم بلند پیوستن به جریان اصلی اسلام را برداشت. او نام خود را به (الحاج ملک الشباز) تغییر داد و تعلیم الیجاه محمد را محکوم کرده و گفت:

آمریکا نیازمند درک اسلام است؛ زیرا اسلام، مذهبی است که مسأله نژاد را از جامعه آمریکا محو می کند. البته این اقدام وی، سرانجام منجر به کشته شدن او شد. (۳۲).

زندگی مالکوم ایکس، الهام بخش مسلمانان و غیر مسلمانان است. او هرگز از مبارزه علیه ستم دست برنداشت. او به قدرت لایزال خداوند باری تعالی ایمان آورد و همین ایمان، او را به سوی قرآن کریم و سنت نبوی رهنمون شد. برای این دگرگونی امام وارث الدین محمد که از عزیز ترین دوستانش بود، همکاری زیادی نمود. امام وارث الدین در بیست سالگی اعتراض خویش را به برخی اصول ضد اسلامی تعلیم پدرش آغاز کرد. او با این تفکر، که خداوند بشر است و پدرش همان حضرت محمد می باشد، مخالف بود و سه بار از گروه (ملت اسلام) اخراج گشت.

آخرین بار در سال ۱۹۶۳ همراه مالکوم ایکس و به دلیل تأثیر گذاری بر او، علیه پدرش، از جماعت امت اسلام اخراج شد. مالکوم پس از جدایی از امت اسلام، روانه حج شد و از همان جا شروع به مکاتبه با دوستانش کرد. (۳۳).

هنگامی که امام وارث الدین محمد جانشین پدرش شد، ادعای پیامبری او را محکوم کرد و او را یک منافق خوش نیت، اما گمراه خواند، این اقدام، لوئیس فراخان را سرخورده کرد و از وارث الدین محمد جدا شد. (۳۴) هم اکنون بخش به جا مانده از (ملت اسلام) به رهبری لوئیس فراخان که مقر آن در شیکاگو است، هنوز آموزش های خود را با جریان اصلی اسلامی کشور تطبیق نداده و گاه و بی گاه مسأله برتری سیاهان را به شکل های مختلف مطرح می کند (۳۵). از جمله آنها می توان به تظاهرات یک میلیونی سیاه پوستان مرد در آمریکا اشاره کرد که البته این تظاهرات از چند وجه قابل توجیه است که به طور مختصر به آن اشاره می شود. بیش از یک میلیون نفر از مردان سیاه پوست آمریکایی از سرتا سر کشور در روز دوشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۷۴ مطابق با شانزدهم اکتبر ۱۹۹۵ در رو به روی کنگره و خیابان های اطراف اقدام به یک گردمایی کردند. این تظاهرات که از حدود یک سال پیش از سوی لوئیس فراخان فراخوانده شده بود با تشکل و رهبری دست اندرکاران ملت اسلام و حمایت و شرکت گروه های NATION OF ISLAM مختلف مسیحی و شخصیت های سیاه پوست نهضت آزادی حقوق مدنی آمریکا همراه بود. این تظاهرات از چند وجه قابل توجیه می باشد که ذیلاً به طور مختصر به آنها پرداخته می شود.

Translation
JMS

تظاهرات.

۱. علل و ریشه های این تظاهرات؛.
۲. نحوه تظاهرات؛.
۳. عکس العمل مقامات عمده آمریکایی، احزاب و شخصیت ها، مردم سفید پوست و توده سیاه پوست آمریکایی نسبت به تظاهرات؛.
۴. پیامدها و پیش بینی آینده؛.
۵. نوع برخورد جمهوری اسلامی ایران.

علل و ریشه های این تظاهرات.

اصولاً نفس گردهم‌آیی منظم و آرمانی گروه زیادی از مردم نظیر تظاهرات اخیر حتی گردهم‌آیی سفیدپوستان، به طور سنتی و تاریخی در فرهنگ آمریکا تأثیر عمیقی بر سیاست ها و تدوین قانون و روش بر خورد آنان می گذارد.

سیاه پوستان آمریکا که نزدیک به چهار قرن به طور رسمی برده بوده اند و تا چند دهه پیش حتی از حق تجمع و احقاق حقوق خود محروم بوده اند، در چندین مورد در چهل سال اخیر زمانی که شرایط و رهبری مناسب فراهم بوده از چنین راهپیمایی، برای جلب توجه جامعه و دولت آمریکا و دنیا استفاده کرده اند. همچنین این تظاهرات ها در رهایی این مردم از ظلم و ستم و آپارتاید و نیز برای از بین بردن عقده حقارت و قرن ها تحقیر تحمیل شده و روحیه آزادی و تحکیم هویت و قدرت آنان مؤثر و مفید بوده است.

گروه ستم کشیده آفریقایی نژاد این کشور از روش های معمول و سنتی موجود نظیر اعتراض عادی، تهیه طومار، انتخاب و ارسال نمایندگان سیاه پوست به مجلسین و سایر ارگان های رسمی در سال های اخیر نتیجه مطلوبی نگرفته اند، حتی گروه های مختلف طرفدار احقاق حقوق سیاه پوستان و رفع تبعیض نژادی و یا سازمان های کلیسایی که تعداد اعضای سیاه پوست آنان به چندین میلیون می رسد، نتوانسته اند با نصیحت، نامه نگاری و فعالیت های معمول کاری از پیش ببرند.

مهم ترین راهپیمایی سیاه پوستان در سال ۱۹۶۳ میلادی، با هدایت یکی از رهبران نهضت مخالف با سیاست های نژاد پرستانه به نام دکتر (مارتین لوتر کینگ) در شهر واشنگتن و در همان محل انجام گرفت. در این راهپیمایی که نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر در آن شرکت جسته بودند، عبارت معروف (من حسرت یک آرزو را دارم) از سوی آقای مارتین لوتر کینگ مطرح شده که حتی تاکنون نیز بر سر زبان توده مردم آمریکاست. منظور آقای کینگ از عبارت مذکور، عمدتاً آرزوی برابری نژادی در آمریکاست. یکی دیگر از راهپیمایی های مهم و موفق سیاه پوستان، گردهمایی مسلمانان در نیویورک به رهبری مالکوم ایکس حدود سی سال پیش بوده که هدف آن آزادی یکی از مسلمانان دستگیر شده به دست پلیس نژاد پرست نیویورک بود. در این راهپیمایی، نه تنها آن مسلمان از بند رهایی پیدا کرد، بلکه قدرت مسلمانان و رهبری قوی مالکوم ایکس به نمایش گذاشته شد. حتی رئیس پلیس وقت نیویورک، عبارت معروفی تحت عنوان یک مرد نباید این همه قدرت و احترام داشته باشد، و این خطرناک است، درباره مالکوم ایکس اظهار داشته بود، گروهی معتقدند: آن تظاهرات و نمایش قدرت بود که منجر به شهادت مالکوم ایکس گردید.

با تجربه و زمینه موارد مذکور بود که ملت اسلام به رهبری فراخان و با استفاده از تشکّل قوی و با شهرت دار بودن نظم خاص در سال های اخیر، شرایط را برای برپایی چنین گردهمایی مناسب دیده و از این فرصت برای به راه انداختن آن استفاده نمود. البته تجربیات و فعالیت های چند ساله اخیر شخص فراخان را نباید در این

خصوص نادیده شمرد. شخص فراخان اخیراً چندین گردهمایی و سخنرانی مهم در شهرهایی که درصد بالایی از جمعیت آنان سیاه پوست هستند، ترتیب داده است که با معیارهای اجتماعی این کشور، تعداد شرکت کنندگان این اجتماعات به طرز بی سابقه ای بالا بوده است. به عنوان مثال، در گردهمایی سال پیش سیاه پوستان در شهر بالتیمور در ایالت مریلند از سوی ملت اسلام تشکیل شد، حدود سی هزار نفر در سالن ورزشی آن شهر به سخنرانی فراخان گوش فرا دادند. حتی طبق گزارشات رسانه ها چند هزار نفر در صف دو کیلومتری و به دلیل عدم وجود صندلی خالی و یا فرصت کافی موفق به ورود به سالن نشدند.

پیام انقلاب اسلامی، مبنی بر قدرت و توانایی تأثیر تظاهرات میلیونی توده مردم با رهبری قاطع، بر تغییر اوضاع اجتماعی به طور قطع در تصمیم دست اندرکاران این گردهمایی بی تأثیر نبوده و باورشان را تقویت کرده است. مخصوصاً مسلمانان سیاه پوست و هوادارانشان در آمریکا به تدریج دریافته اند که این نوع تجمعات تحت پیام و آرمان اسلامی، تنها امید برای بهبودی اوضاع آنان می باشد.

دلیل عمده موفقیت این گردهمایی، وضعیت وخیم بیش تر توده سیاه پوست و وجود تبعیض نژادی برضد جامعه آمریکاست. علی رغم تصویب چندین ماده قانون و وجود شعارها و مقررات مختلف دفاع از حقوق اقلیت ها بر روی کاغذ در چهل سال اخیر، هنوز هم تنش های نژادی آشکار و پنهان و عدم برخورد یکسان با سیاهان به طور گسترده در جامعه آمریکا موجود است. روز به روز سیل جوانان سیاه پوست فقیر، بی کار، بی سواد و الکلی همراه با انواع سوء سابقه جنایی افزوده می شود.

بنا به آمارهای رسمی دولت آمریکا بیش از نیمی از خانواده های سیاه پوست تنها از سوی تک والدین که سرپرست اصلی آنان زن می باشد، اداره می شود. در این نوع خانواده ها، شوهر منزل را ترک کرده و یا طلاق گرفته و اصولاً شوهر ثابت و مشخصی وجود نداشته است. سیاست های دولت نیز یا قادر به حل این مشکل نبوده و یا تمایل برای حل آن نداشته است. بنابر آمار موجود نیمی از جمعیت یک میلیونی زندانیان در آمریکا را سیاهان تشکیل می دهند.

در نتیجه، در این فضا توده سیاه پوست سیاهان آمریکا نه تنها از دولت آمریکا نا امیدند، بلکه از رهبران و شخصیت های مسیحی سیاه پوست و یا آزادی خواه نهضت حقوق مدنی سال های ۱۹۶۰ سازمان و یا شخصیت ها و تشکیلات سیاسی فعلی سیاه پوستان نظیر گروه جسی جکسون و غیره نیز ناخشنودند.

گروه فراخان یک گروه انشعابی از سازمان اصلی ملت اسلام به رهبری الیجاه محمد می باشد که پس از مرگ الیجاه محمد خود را ادامه دهنده واقعی راه آن سازمان برمی شمارد. این گروه بیش تر سیاسی و نژادی است که در چارچوب عقاید اسلامی فعالیت می کند. حدود و ثغور اسلامی و طرز تفکر و ایدئولوژی این گروه بیش تر از سوی فراخان تبیین می گردد و با گروه مالکوم ایکس اختلاف شدیدی دارند. به دلیل الینه شدن جوانان سیاه پوست و وجود جوی که در بالا بدان اشاره شد، و نیز به دلیل توجه این گروه به بهبود اقتصادی خانواده ها و جوامع سیاه پوستی، تعداد جوانان علاقه مند به این گروه در سال های اخیر افزایش یافته است. همچنین فعالیت های این گروه در زمینه تأمین امنیت و پاک کردن چندین منطقه مسکونی در تعدادی از شهرها از مواد مخدر به محبوبیت آن در بین محافل سیاه پوستی افزوده است. این اقدامات در زمانی مطرح می شود که خود

دولت آمریکا و دولت های ایالتی و شهری از حل این نوع مشکلات و مفسده های اجتماعی عاجز هستند و گاهی محافل سفید پوستی و دولتی هم مجبور شده اند که بر خلاف میل باطنی خود از این گونه فعالیت های گروه فراخان تجلیل کرده و طی قراردادهایی اداره برخی مناطق مسأله دار شهرها را به این گروه بسپارند. در این شرایط بود که حدود یک سال پیش فراخان طی مصاحبه ای تصمیم به برگزاری یک اجتماع میلیونی از مردم سیاه پوست را در واشنگتن اعلام کرد. البته بعدها معلوم شد که وی با تعدادی از شخصیت ها و گروه های سیاه پوست در این باره هماهنگی و مشورت کرده است و آنان نیز هر از گاهی مردم را به شرکت در این گردهمایی دعوت می نمودند.

یکی دیگر از دلایل موفقیت این مسأله، هم زمان بودن تقریبی این تظاهرات با افزایش تشنج نژادی به وجود آمده بعد از دادگاه طولانی (آجی سیمسون) و تبعات آن بوده است که بستر مناسبی برای ابراز وجود سیاه پوستان را به وجود آورده بود. برخی از دلایل توفیق این گردهمایی به اختصار عبارتند از:

- (الف) وضعیت رقت بار زندگی توده مردم سیاه پوست؛
- (ب) عدم توانایی و یا عدم تمایل دولت آمریکا در حل مشکلات موجود؛
- (ج) یأس و نومیدی جامعه سیاه پوست از رهبران و شخصیت های کلیسا و نهضت های آزادی خواهی؛
- (د) محبوبیت اخیر گروه ملت اسلام به رهبری فراخان و مشاهده اقدامات اجتماعی این گروه؛
- (ه) زمان گردهمایی که مصادف با روزهای پس از دادگاه آجی سیمسون بود؛
- (و) کمک برخی شخصیت های دولتی و نیز مطبوعات آمریکا به تبلیغ این گردهمایی؛
- (ز) تأثیر انقلاب اسلامی در ایران؛ به طور حتم پیام انقلاب اسلامی و حرکت عظیم توده ای حضرت امام خمینی (ره) در راهپیمایی میلیونی مسلمانان در ایران در ترغیب و رهنمود برای گروه فراخان بی تأثیر نبوده است، ولی بیش تر توده سیاه پوست آمریکایی، بالاچار از مسائل دنیا و یا دنیای اسلام بی بهره و بی خبر می باشند. در نتیجه تأثیر انقلاب اسلامی در این خصوص در همین حد موجود است.

Translation Movement
IMS

نحوه تظاهرات.

از نکات مهم در برگزاری این تظاهرات می توان شاخص های ذیل را نام برد:

(الف) نظم خاص حاکم بر این گردهمایی که از سوی مأموران امنیتی سازمان ملت اسلام که ملبس به یونیفورم های مخصوص بوده اند اجرا می شد؛

- (ب) فضای اخوت و برادری حاکم در طول تظاهرات که با صبر، بردباری و احترام متقابل توأم بود؛
- (ج) نظافت حاکم بر محل تظاهرات که از سوی همه شرکت کنندگان در نهایت جدیت رعایت می شد؛
- (د) عدم حضور و حمل پرچم آمریکا و یا هیچ کشور دیگری در طول تظاهرات؛
- (ه) ثبت نام افراد واجد شرایط رأی دادن از سوی گروه ملت اسلام.

از آن جایی که آقای فراخان در نظر دارد در فاصله یک ماه آینده کنفرانسی تحت عنوان رهبری به پا نماید، به نظر می رسد ثبت نام افراد واجد شرایط به عنوان سندی در تبیین نظریات و یا پشتیبانی از رهبری وی می تواند به عنوان برگ برنده مورد استفاده قرار گرفته و بیان کننده نقش مهم جامعه سیاه در آینده سیاست گذاری های آمریکا باشد.

محورهای حاکم بر سخنرانی ها و علی الخصوص سخنرانی دو ساعت و بیست دقیقه ای آقای فراخان از این قرار بود::

الف) ایجاد وحدت در میان جامعه سیاه پوست آمریکا بدون در نظر گرفتن مذهب، صنف، نوع و یا درجه تحصیلی و مانند اینها؛

ب) تلاش برای رشد هر چه بیش تر و سریع تر اقتصادی و فرهنگی جامعه سیاه در کل؛

ج) جلوگیری از تفرقه و نفاق بین اقشار مختلف جامعه؛ فراخان در این باره اظهار داشت::

در ایام برده داری، بهترین طریقه حکومت و مدیریت در میان بردگان، ایجاد تفرقه بین برده ها به وسیله فرق نهادن بین افراد و گروه های یک قبیله با ایجاد تسهیلات و دادن آوانس های کاذب به یک فرد یا گروه در مقایسه با افراد و گروه های دیگر بود.

وی در ادامه اظهار داشت::

چنان تفرقه ای بین جماعت بردگان ایجاد نموده بودند که هیچ کس، حتی برادر به برادر و یا پدر به فرزند و بالعکس نسبت به هم اطمینانی نداشتند. جالب این جاست که امروز نیز همان اعمال را به طریق پیشرفته تری انجام می دهند. هر روز تسهیلات کاذبی را به این گروه و آن گروه، به این شخصیت و آن شخصیت، به این سازمان و آن سازمان پیشنهاد می کنند، که اگر گروه ها، افراد و یا سازمان ها به عقل خود مراجعه نکنند و تیز هوش نباشند و هوشیارانه عمل نکنند؛ نتایج ایام برده داری را به ارمغان خواهد داشت؛

د) تأکید بر تأثیرات منفی و بی عدالتی سیستم نژاد پرستانه جامعه سفید در آمریکا و کلاً جامعه صنعتی غرب در گذشته و حال؛ فراخان در یک تفسیر مقایسه ای از تاریخ، توأم با شرح حالی از حضرت موسی ژ و فرعون و همچنین ارتباط طرز فکر فرعون با قوانین نژاد پرستانه آمریکا و به دار آویختن و آتش زدن خانه های سیاه پوستان آمریکا را بیان کرد.

وی در ادامه افزود::

با نگاهی خیلی سطحی به مهر رسمی و دولتی آمریکا می توان به سیستم نژاد پرستانه آمریکایی پی برد. فراخان در تأیید سخنانش چگونگی به وجود آمدن این مهر را به پیشنهاد یکی از رؤسای جمهوری این کشور بیان کرد و گفت::

به پیشنهاد او مهر مذکور براساس شش نقطه به نشانه شش رأس ستاره داوود و شش کشور اروپایی که آمریکا را بنا کردند و هر می که بیان کننده تفکر فرعونی و یکی از نشانه های تفکر نژادپرستانه دستگاه حاکمه این کشور است، تهیه گردید.

فراخان افزود::

دیگران، از جمله مسلمانان، آفریقایی ها و عرب ها اگر بیش تر از اروپاییان در پیدایش و ساختن آمریکا نقش نداشته باشند، کم تر از آنان هم دارای نقش نبوده اند.

وی به همین دلیل، سیاست خارجی آمریکا را در روابطش با کشورهای دیگر از جمله کشورهای عرب و آسیایی، آفریقایی، چین و غیره را نژاد پرستانه خواند و اظهار داشت: این طرز تفکر و نوع سیاستگذاری به بن بست رسیده است.

ه) احترام به خود، افتخار به گذشته خود، حقیر نشمردن خود و جامعه سیاه، و کلاً سعی در احیای شخصیت خُرد شده جامعه سیاه پوست در آمریکا. فراخان از شرکت کنندگان تظاهرات که از شهرها و ایالت های مختلف برای شرکت در این مراسم به واشنگتن آمده بودند، درخواست کرد که در بازگشت به خانه های خود فصل جدیدی را در زندگی آغاز نمایند و برخود ببالند که بر خلاف تبلیغات مسموم درباره این تظاهرات و بر خلاف تحریم های متفاوت از سوی مجامع خبری و وسایل ارتباط جمعی، در یکی از بزرگ ترین همایش ها و تظاهرات در تاریخ آمریکا شرکت نموده اند و توانسته اند تاریخ را ورق بزنند.

و) وحدت با خدا و رسیدن به کمال انسانی. آقای فراخان بحث را در هشت قسمت مفصلاً تشریح کرد. بدین ترتیب که برای رسیدن به این کمال و وحدت با خدا، نخست باید گناه را شناخت و سپس باید در درگاه خدا اعتراف به گناه کرد. آن گاه باید به فرد، گروه و یا ملتی که گناه در حق او واقع شده، اعتراف کرد. پس از آن باید تفاوت ها را از میان برداشت و سپس انسان باید توبه کرده و خود را بازسازی نماید. وی ادامه داد:

یکی از دلایلی که امروز من از مردها دعوت کردم که در این تظاهرات شرکت کنند، بدین سبب است که خداوند در ابتدا مرد را به وجود آورد و اگر قرار باشد که ما آغاز جدیدی داشته باشیم و با خداوند وحدت کنیم، لازم است که ما مردان باشیم که این روند را طی کرده اول از خداوند و سپس از مادر، همسر و فرزندان خود درباره کمبودها و نارسایی ها و گناهایی که در حق خودمان و آنان و جامعه مان انجام داده ایم، طلب مغفرت نماییم. بدین ترتیب فراخان درباره علت عدم دعوت از بانوان برای شرکت در این تظاهرات نیز توضیح داد.

نامبرده در بخش دیگری از سخنانش در پاسخ به رئیس جمهور آمریکا که در روز برگزاری تظاهرات مذکور در تگزاس به سر می برد و در سخنرانی خود ضمن تأیید گردهمایی سیاه پوستان آمریکا در اعلام مسؤولیتشان بدون نام بردن از لوئیس فراخان گفته بود که، این اجتماع نباید تحت تأثیر افکار شیطانی و نفرت آلود فرد واحدی قرار گیرد، خطاب به کلینتون اظهار داشت:

آقای رئیس جمهور! متأسفانه شما نتوانستید به عمق بیماری جامعه امروز آمریکا پی ببرید. امروز من به دلیل مسؤولیتی که احساس می کنم لازم می دانم که این درد را اعلام نمایم، نظر شما به جا بود از راهپیمایان تحسین کردید که واقعاً در خور تحسین هستند، آنان را در خور افتخار دانستید که الحق شایستگی افتخار را دارا می باشند، لیکن از من به طور غیر مستقیم به عنوان یک مبلّغ شرّ و نفرت یاد کرده اید، متأسفانه مثل همیشه اشتباه کرده اید. من آدم شرور و بد طبیعتی نیستم، من بنا به مسؤولیتی که دارم، مثل یک طبیعی که درد را شناخته است، موظّف به اعلام درد و نوشتن نسخه می باشم، متأسفانه آمریکا به واسطه قدرت و ثروت،

گستاخ و در عملکردش فرعون صفت شده است و از این رو، از معنویت چشم پوشیده است. برای شما سنگین است که فرزند یکی از بردگانتان طبابت جامعه نماید و بر نقطه درد انگشت بگذارد. اگر شما واقعاً دنبال راه حل برای معضل موجود در آمریکا می باشید، حرف ما را نشنوید و به رنگ پوستمان نگاه نکنید؛ زیرا نژاد پرستی چشمان شما را بر واقعیت ها کور کرده است، حال که عامل صفات فرعون هستید لااقل به اندازه او عقل و اندیشه داشته باشید.

وی در گوشه دیگری از سخنانش واشنگتن را به بیت المقدس تشبیه نمود که قتلگاه بسیاری از پیامبران خداست، وی با اشاره به کاخ سفید، این محل را مرکز همه شرها و فتنه ها نامید و اظهار داشت: دستور قتل بزرگانی مانند مارتین لوتر کینگ، مالکوم ایکس و دیگر رهبران سیاه پوست آمریکا از همین خانه کذابی صادر گردیده است. وی در ادامه به آقای کلیتون اظهار داشت:

من می دانم شما از این که مردم به یکی از فرزندان بردگانتان اعتبار بخشیده اند، خشمگین و ناراحت هستید؛ لکن من از همین تریبون اعلام می نمایم نیازی به جلب توجه شما و کسب اعتبار از سوی شما را ندارم. من آمده ام که تا در رودخانه الهی خود را تطهیر نمایم و شما هم لازم است بدانید که پس از خداوند، تنها جریان اصلی و اعتبار بخش، همین مردمی هستند که پس و پیش و پیرامون ما قرار دارند. از نکات قابل ذکر در سخنرانی نامبرده این بود که با شهادت به وحدانیت خداوند، شهادت به پیامبری حضرت موسی، عیسی و خاتم پیامبران حضرت محمد سخن خود را آغاز کرد و در ادامه از آقای الیجاه محمد رهبر و بنیانگذار سازمان ملت اسلام که سازمان مذکور را براساس مبارزه با تبعیض نژادی بنیانگذاری کرده بود به عنوان مهدی موعود نام برد.

نهضت ترجمه Translation Movement TM

نتیجه:.

به نظر می رسد این تظاهرات در کل، اثرات مثبتی بر روی شرکت کنندگان و جامعه سیاه پوست گذارده و شعف و افتخار خاصی را در آنان ایجاد نمود که به وضوح مشهود بود؛ لکن این شعف و تأثیر مثبت چقدر دوام خواهد داشت و در آینده چه تغییراتی بر روی حرکت های آتی جامعه سیاه پوستان در آمریکا خواهد گذاشت، امری است که باید منتظر ماند و دید ضمناً این حرکت در تثبیت تشکیلات ملت اسلام به رهبری فراخان کمک شایانی نموده است.

عکس العمل مقامات عمده آمریکا.

کلینتون، گینگریچ، تشکل های مذهبی، شخصیت های مختلف، نقطه نظرات مردم و مطبوعات:.. از آن جایی که به لحاظ تعداد، ترکیب و تشکل، این تظاهرات در تاریخ شهر واشنگتن تقریباً بی نظیر بوده، عکس العمل ها و بازتاب های گسترده ای در میان مقامات دولتی و قشرهای مختلف جامعه داشته است. رئیس جمهور آمریکا، بیل کلینتون، و دستیارانش تا چند روز پیش از تظاهرات در حالی که مواظب بودند که اهداف راهپیمایی را رد نکنند، مخالفت خود را با تظاهرات و برگزار کنندگان آن و نقش آنان در این تظاهرات اعلام کرده بودند؛ لکن آقای کلینتون دو روز پیش از تظاهرات آشکارا به طرفداری از این واقعه پرداخت. آشکار است که گستردگی واقعه، نقش و تبعات آن، وی را مجبور کرد که عقب نماند تا تبعات منفی مخالفت با چنین حرکتی مخصوصاً در حدود یک سال پیش از انتخابات ریاست جمهوری شامل حال او نگردد. وی گرچه در روز تظاهرات در کاخ سفید و حتی در واشنگتن حضور نداشت، ولی در ایالت تگزاس به سخنرانی پرداخت که با ملاحظه محور این سخنرانی که در رابطه با چالش های مهم اجتماعی آمریکا در حل تبعیضات نژادی بود، می توان نتیجه گرفت که اقدام وی، عکس العملی بود درباره تظاهرات و تأیید نقش تظاهرات. پس از تظاهرات، چند تن از رهبران سیاه پوست کشور و اعضای فراکسیون سیاه پوست کنگره آمریکا پیشنهاد دادند کمیسیون خاصی تحت عنوان کمیسیون ریاست جمهوری جهت رسیدگی به مسائل نژادی در آمریکا تشکیل یابد که متعاقباً دولت کلینتون اعلام کرد با نظر مثبت و جدی این پیشنهاد را بررسی خواهد کرد.

مجلس آمریکا که اکثریت اعضا در هر دو نهاد، با حزب جمهوری خواه است، به طور سنتی با حرکت های آزادی خواهی، تساوی طلبی اقلیت ها و سیاه پوست ها میانه خوبی ندارند. عموماً پیش از تظاهرات، هیچ گونه نظر خواهی نکردند، به غیر از سخنگوی مجلس نمایندگان آقای گینگریچ که گفته بود: ما در روز تظاهرات در مجلس حضور به هم رسانده و وظایف روزانه خود را مثل سایر روزهای عادی انجام خواهیم داد و آن روز خاصی نیست. منظور آقای گینگریچ در جو تبلیغاتی آمریکا این بود که این تظاهرات خیلی مهم نبوده و اتفاق خاصی نیفتاده است، اما یک روز پیش از تظاهرات، کنگره آمریکا با ملاحظه گستردگی حرکت مردمی و سیل ابراز طرفداری گروه های مختلف از این واقعه و نیز تبعات منفی عدم توجه و نیز تبعات امنیتی آن، روز تظاهرات را تعطیل اعلام نمود.

پس از تظاهرات، رهبران حزب جمهوریخواه از جمله (گینگریچ) اعلام کردند که، با محتوای اهداف واقعه کاملاً موافق بوده و از آن حمایت می کنند و همچنین اضافه کردند که، باید بر عدم موفقیت سیاست های ضد تبعیض نژادی دولت یک بازنگری عمیق انجام پذیرد. و باید دید که چه حالتی اتفاق افتاده که مردم با وجود همه رهبران مناسب و با صلاحیت و ارگان های دولتی، از شخصی که نفرت و تفرقه را تبلیغ می کند پیروی می کنند. آقای گینگریچ حتی با حالت خاصی اعلام کرد که از آقای فراخان به دلیل توجه مقامات به عدم توفیق سیاست های دولت باید تشکر کرد.

گروه های مختلف، از قبیل تشکلات کلیسا و نهضت های طرفدار رفع تبعیض نژادی تقریباً همگی چند روز پیش از این تظاهرات و پس از آن، این واقعه را یکی از حوادث مهم و نقطه عطفی که باعث تحولات عمده ای در تاریخ عدالت اجتماعی و نژادی در آمریکا خواهد شد یاد کردند.

گروهی از تشکّل های سیاه پوست کلیسا پیش از تظاهرات به دلیل این که تظاهرات در دست مسلمانان بود، اعلام داشتند: به دلیل تضاد میان اسلام و مسیحیت، گرچه با اهداف راهپیمایی موافقت، ولی در زیر بیرق عقیده ای که با عقاید آنان مخالف است، حاضر نیستند راهپیمایی کنند.

به نظر می رسد که بیش تر شرکت کنندگان نه به خاطر اسلام، و نه به سبب طرفداری از گروه فراخان، بلکه تنها به دلیل اهداف و شعار اعلام شده در راهپیمایی شرکت کردند تا از این فرصت و ابزار به دست آمده استفاده نموده و نارضایتی خود را از وضعیت وخیم تبعیض نژادی و عدم وجود عدالت اجتماعی ابراز دارند.

برخی مطبوعات و رسانه های گروهی روز پیش از واقعه، به طور آگاهانه و برخی هم از روی اجبار و به دلیل وجود جو طرفداری از این واقعه در میان محافل مختلف، و بعضی نیز نا آگاهانه با تبلیغات خود به گستردگی و اهمیت راهپیمایی کمک کردند. البته در نشریات و اخبار، به طور دایم پس از اعلام برنامه و آگهی و راهپیمایی، بلافاصله نقاط ضعف آقای فراخان مبنی بر تنفر وی از یهودیان و کاتولیک ها را متذکر می شدند، لیکن به غیر از شبکه تلویزیونی CNN، هر سه شبکه سراسری عمده کانال های تلویزیونی، علی رغم اعلام قبلی، پخش مستقیم راهپیمایی را به دلیل نظرات ضد یهودی فراخان تحریم کردند و تنها در چند مورد در طول روز خبر ویژه چند لحظه ای از راهپیمایی را پخش کردند.

از اظهار نظر اқشار مختلف مردم در روزنامه ها و رسانه های جمعی می توان تا حدی نتیجه گرفت که بیش تر سیاه پوستان از اهداف و چارچوب کلی راهپیمایی حمایت کردند؛ ولی غالب سفید پوستان، مخالف جدی آن بوده و یا موافقت ظاهری نشان می دادند.

تشکلاتی که نظریات آنان در مطبوعات منعکس نشد، شامل تشکلات اسلامی موجود در بین سیاه پوستان آمریکا به طور اخص، و همه گروه های عمده اسلامی به طور اعم می باشد.

تقریباً می توان نتیجه گرفت که این موضوعات برای گروه های عمده اسلامی به طور اعم در اولویت نیست؛ ولی سایر گروه های اسلامی سیاه پوستان نظیر گروه وارث الدین محمد (پسر الیجاه محمد) و گروه جمیل الامین که تبعیض نژادی وضعیت سیاه پوستان در آمریکا و رشد اسلام در صدر فعالیت آنان قرار دارد، به دلیل اختلاف با فراخان و اعتقاد به عدم صلاحیت اسلامی وی، از این راهپیمایی حمایت نکردند.

پیامدها و پیش بینی آینده.

الف) آنچه که مسلم است این است که این راهپیمایی بحث وجود اختلاف شدید نژادی و طبقاتی را ولو در کوتاه مدت در میان جامعه برانگیخته است. البته پس از دادگاه آجی سیمسون، این مسائل مطرح شده بود، ولی با حضور بیش از یک میلیون مرد سیاه پوست در واشنگتن و کلیه تبلیغات و سخنرانی ها و تهییج جوامع سیاه پوستی، قضیه ابعاد گسترده تر و عمیقی پیدا کرده است؛.

ب) همچنین به محبوبیت شخص فراخان و گروه ملت اسلام وی افزوده شده و با اعلام کنفرانس رهبریت در یک ماه آینده از سوی فراخان، به نظر می رسد که وی از این محبوبیت و فرصت برای تبدیل شدن به یک نیروی پر نفوذ سیاسی بهره برداری خواهد کرد. البته میزان توفیق وی به عوامل مختلفی بستگی دارد که توضیح جزئیات آن را در این مجال مناسب نمی دانیم؛.

ج) به نظر می رسد که رهبران اسلامی سایر گروه های مسلمان سیاه پوست در این میان تضعیف شده و فراخان بر آنان پیشی بگیرد. حتی در میان شخصیت های سیاه پوست غیر اسلامی نظیر جسی جکسون، و اعضای کنگره ممکن است که فراخان نقش عمده را بازی کند. نظریه:.

بنا بر برخی شواهد و بنا بر سنت و سیستم رژیم آمریکا، تماس مخفی عوامل دولتی با فراخان محتمل است و ممکن است یکی از پیامدهای مطرح شدن فراخان، تضعیف سایر شخصیت های مذهبی و در نتیجه تضعیف اسلام نزدیک تر به اسلام واقعی در آمریکا باشد. گرچه به نظر می رسد که فراخان نیز مانند صدام کاملاً قابل کنترل نیست و ابتکارات خاص خود را دارد؛.

د) دولت و مجلسین آمریکا، به مباحث و موضوعات رفع تبعیض نژادی و بهبود وضعیت اقلیت ها بیش تر توجه خواهند کرد و شاید هم قوانین و تصمیمات جدیدی در این باره اخذ شود و جریان موافق با ملغا شدن قوانین رفع تبعیض نژادی که در یک سال اخیر نضج گرفته تضعیف گردد. این قوانین پس از نهضت آزادی نژادی سال ۱۹۶۰ برای رفع تبعیض چهارصد ساله بر سیاهان وضع شده است و در یکی دو سال اخیر جریان مخالفت با آنان پا گرفته بود و حتی صحبت از فسخ چنین قوانینی به بهانه تبعیض نسبت به سفیدپوستان به میان آمده بود؛.

ه) محافل صهیونیستی، پس از این واقعه که فراخان طی مصاحبه ای با صراحت از آن به عنوان مکنده خون سیاه پوستان ذکر کرد، مسلماً در بیداری اقشار سیاه پوستان مستضعف بی تأثیر نیست، به فکر افتاده و برای چاره جویی اقداماتی را تدارک خواهند دید. برخی از این اقدامات می تواند ترور شخصیت و یا ترور فیزیکی فراخان، انجام برخی امور خیریه برای اقلیت ها و یا مصالحه برای خنثی کردن وی باشد؛.

و) این واقعه می تواند نقطه آغاز بسیار خوبی برای جلب قشر عظیم جوانان سیاه پوست به اسلام به عنوان تنها ایدئولوژی منطقه بر آمال و آرزوهای آنان و نیز دین آبا و اجدادشان مطرح شود. گرچه اعتقادات گروه فراخان التقاطی است و بیش تر جنبه سیاسی و نژادی دارد تا مذهبی، ولی جذب مردم به این گروه می تواند مرحله نخست ورود به دنیای اسلام باشد که از آن مرحله بعضاً با اقدامات درست وارد مرحله اسلام واقعی شوند. شهید مالکوم ایکس مثال خوبی در این باره می تواند باشد که ابتدا به وسیله ملت اسلام به اسلام گروید و

بعدها راه صحیح را پیدا کرد. مشاهده بانگ الله اکبر و نظم و نقش مسلمانان بومی سیاه پوست در این واقعه، مردم بسیاری را مسلماً به اسلام علاقه مند کرده است.

نوع برخورد جمهوری اسلامی ایران.

از آن جا که این حرکت و اهدافش در میان توده اقلیت آمریکا، مخصوصاً سیاه پوستان از محبوبیت به سزایی برخوردار بوده است، ولی در دراز مدت این واقعه، تأثیر عمیقی در سیاست های عملی و واقعی نخواهد داشت، و تنها گروه فراخان عضوگیری بهتری خواهد داشت و در سرنوشت سیاسی سیاه پوستان و حتی صحنه سیاسی آمریکا نقش بیش تری ایفا خواهد کرد. و همچنین گرچه مسلمانان تشکیل دهنده و بانی این حرکت بوده اند، ولی بیش تر توده شرکت کنندگان و حامیان این راهپیمایی ابتدا به ساکن نه مسلمانند و نه طرفدار اسلام، از این رو، به نظر می رسد که جمهوری اسلامی ایران با اعلام حمایت از حقوق حقه مردم سیاه پوست آمریکا و نیز مطرح کردن جو نابرابری و نقش حقوق بشر در آمریکا بتواند با توده سیاه پوست مسلمان و غیر مسلمان آمریکایی همدردی به عمل آورده و نزدیک شود. در کنار این، جمهوری اسلامی ایران می تواند به اسلام به عنوان راه حل اصلاح مفاسد اجتماعی و برطرف کردن جرم و جنایت، از هم پاشیدگی خانواده ها، پایمال شدن ارزش های انسانی و حقوق زنان که سایر سیستم ها و ایدئولوژی ها از حل آنها در غرب عاجز مانده اند تأکید نماید. در عین حال جمهوری اسلامی ایران در دراز مدت باید به برنامه ریزی های طولانی مدت از ورود و علاقه مندی میلیون ها نفر از سیاه پوستان به فرقه فراخان به عنوان مرحله ای برای هدایت آنان به اسلام واقعی، بهره گیری به عمل آورد. همچنین این موضوع که اسلام در آمریکا در حال حاضر به عنوان یک واقعیت زندگی که حضور قوی دارد، خصوصاً اسلام بومی باید در صحبت ها و سخنرانی ها مطرح شود. در حال حاضر ارتباط این حرکت در آمریکا و انقلاب اسلامی را بیان کردن هم برای نهضت مسلمانان سیاه پوست در آمریکا ضرر دارد و هم در دراز مدت برای روابط ما با آنان. (۳۶).

به طور کلی برخوردهای نفرت آمیز نژادی، بحران هویت فرهنگی سیاهان، ناکافی بودن تعالیم و آموزش های مسیحیت در حمایت از خواست های عدالت طلبانه و احقاق حقوق سیاهان و مهم تر از همه جامعیت اسلام به عنوان سیستم اعتقادی و شیوه کامل زندگی از جمله عوامل مهم و مؤثر گرایش سیاهان به اسلام بوده است. در واقع سریع ترین دوره رشد اسلام در آمریکا در دهه ۱۹۸۰ شروع شد. یکی از دلایل این رشد سریع، مهاجرت بیش از یک میلیون ایرانی و افغانی و لبنانی طی این دوره به آمریکا و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بوده و این که تعداد زیادی آمریکایی آفریقایی تبار در این مدت رو به سوی اسلام آوردند. طبق نظر احسان بگ بای، مدیر انستیتوی منابع اسلامی در خلال دهه ۱۹۸۰ گروه های دیگری به غیر از سیاهان، شامل اسپانیولی ها و سفیدپوستان نیز به اسلام گرویدند. به موازات رشد سریع اسلام در آمریکا و بویژه در بین سیاهان، تعداد مساجد نیز افزایش سریع یافت. تقریباً ۹۰٪ مساجدی که امروز در این کشور وجود دارد در دهه

۱۹۸۰ ساخته شده اند. به گفته مدیر انستیتوی منابع اسلامی بخش عظیمی از منابع جامعه اسلامی آمریکا، به برنامه مسجدسازی اختصاص یافت و بسیاری از این مساجد در دهه ۱۹۸۰ با کمک های مالی عربستان سعودی ساخته شدند.

رشد سریع اسلام در بین مردم آمریکا مخصوصاً در بین سیاه پوستان، طی چند دهه اخیر در شرایطی صورت گرفته که سایر ادیان بزرگ با کاهش تدریجی تعداد پیروان خود مواجه شده اند. بسیاری از گروندگان به دین مبین اسلام، بر خلاف تبلیغات مسمومی که علیه جریان فراگیر گرایش به اسلام در غرب و مخصوصاً در آمریکا صورت گرفته و فشارها و اضطراب های روحی و احساسی به عنوان دلایل عمده روی آوردن به اسلام معرفی گردیده، معتقدند که، مهم ترین دلیل انتخاب اسلام و گرویدن به آن همانا کشف استعداد انسان سازی و تحوّل آفرینی اسلام در انسان و جامعه و مبارزه این دین بزرگ الهی با تبعیض، نابرابری و ظلم و کلاً مبارزه با تمامی مظاهر ضد اخلاقی و ضد انسانی که در جوامع غربی و بویژه در آمریکا به وفور یافت می شود بوده که طی مطالعه و بررسی و در توالی یک دوره فعال تفحص و تجسس برای یافتن بهترین و مناسب ترین راه و رسم زندگی صورت گرفته است.

یک بررسی اخیر که درباره زندگی گروندگان جدید به اسلام صورت گرفته، بیان کننده این واقعیت است که ۷۱ تن از ۷۲ مسلمان جدیدی که مورد مطالعه قرار داشته اند، طی یک پروسه مطالعاتی و تجسس برای یافتن آلترناتیوهای دیگر به جای باورهای گذشته خود اسلام را کشف کرده اند و متوجه شده اند که اسلام در واقع با فطرت انسانی آنان سازگاری دارد و حتی بدون این که قبلاً متوجه بوده باشند مسلمان بوده اند. برای نمونه خانم (مارگرت مارکوس) (که اسم اسلامی وی مریم جمیله است) گفت که، وی همیشه قلباً مسلمان بوده و فرد دیگری به نام (دانیل مور) اعتراف کرد که، وی مدت ها پیش از این که رسماً به آیین اسلام بگردد، با تمام وجود مسلمان بوده و (جمیل عبدالشکور) نیز معترف بود که حداقل دو سال پیش از مسلمان شدن، شیفته اسلام شده بوده است. (۳۷).

پس از خاتمه پروسه تحقیق و بررسی زندگی این دسته از تازه مسلمانان، معلوم شد که ۷۱ نفر از ۷۲ نفری که مورد تحقیق قرار داشتند، طی یک پروسه مطالعاتی و درجست و جوی یافتن روش دیگر زندگی، به اسلام گرویده اند و به تعبیری دیگر گراییدن آنان به اسلام، ما حاصل عکس العمل احساسی در برابر فشارهای ناشی از مشکلات شخصی در زندگی نبوده مخصوصاً که بسیاری از آنان با هیچ گونه بحران و یا نومییدی و یأس و محرومیت هایی که معمولاً برخی از افراد را به فکر یافتن درمان مذهبی می اندازد رو به رو نبوده و هیچ گونه درگیری و یا اختلال روانی و ذهنی نیز نداشته اند که بخواهند خود را به عنوان افرادی منزوی و طرد شده از جامعه جدا سازند. برعکس، بیش تر آنان افرادی خون گرم و دارای ذهنیت باز و آگاه نسبت به مسائل محیطی و بین المللی بوده اند. از این رو، همان گونه که اشاره شد، گراییدن این افراد به اسلام، ما حاصل یک پروسه طولانی تلاش جست و جوگرانه و یک انتخاب آگاهانه بوده که متعاقب بررسی هوشیارانه مذاهب و ایدئولوژی ها و آلترناتیوهای دیگر مذهبی و غیر مذهبی صورت پذیرفته است. بیش تر این افراد اذعان می کنند که، طی یک مرحله تدریجی از طریق مطالعات مستمر و گفت و گو با مسلمانان دیگر و خواندن قرآن و دیگر متون

مذهبی و در مواردی با سفر کردن به ممالک اسلامی به آیین جدید گرویده اند. نکته قابل توجه دیگر این که، براساس تحقیقات متخصصان غربی کسانی که به مسیحیت یا آیین یهود می گروند، معمولاً در سنین پانزده یا شانزده سالگی هستند، زیرا در این سنین حداکثر تعهد را نسبت به مذهب احساس می کنند. حال آن که کسانی که به اسلام می گروند، گرچه در سنین پانزده و یا شانزده سالگی شرایط فرهنگی، و مذهبی و احساس مشابهی را تجربه کرده و چه بسا پیشرفت هایی هم در مسیر گرایش به مذهب حاکم بر جامعه نموده باشند، ولی با این حال، در انتخاب مذهب محیط خود تعلل می ورزند و در یک چنین سنینی که فشار احساس بر قدرت تعقل می چربد، دست به انتخاب نمی زنند، بلکه در سنین نزدیک به سی یا سال های اولیه دهه سی سالگی، خود به اسلام گرایش می یابند و پس از تعقل و تفکر و جست و جو آن را بر می گزینند. از این رو، این گونه گرویدن به اسلام یک روش منطقی است نه احساسی. (۳۸).

شایان ذکر است که، گروه زیادی از کسانی که تازه به اسلام گرویده اند، یکی از دلایل عمده مسلمان شدن خود را ساده بودن و آسان گیری اسلام دانسته اند؛ زیرا به نظر اینان اسلام به مراتب کم تر از یهودیت، مسیحیت، بودائیسیم و هندوئیسم پیچیده است و یک دین بسیار خالص و سازگار با فطرت انسان است. برخی دیگر نیز منطقی بودن اسلام و سازگاری آن با علم و پیشرفت را دلیل اسلام آوردن خود ذکر کرده اند. تقریباً درصد قابل توجهی از این دسته مسلمانان از جمله (محمود)، معتقدند که، اسلام تنها سیستمی است که کاملاً با علم و منطق هماهنگ و سازگار است.

برای گروهی دیگر نیز شعار وحدت و برادری در اسلام بسیار پر جاذبه بوده و آنان را به این دین کشانیده و عده ای دیگر نیز مجذوب توجه اسلام به این جهان و حل مشکلات زندگی دنیا در کنار جهان دیگر شده و اسلام را برگزیده اند؛ زیرا به نظر آنان مسیحیت و دین یهود عمدتاً به جهان آخرت می پردازند. گذشته از خصوصیات فوق الذکر، تمام کسانی که مسلمان شده اند، بر این باورند که، اسلام کامل ترین راه زندگی است. خانم (مریم جمیل) یک چنین دیدگاهی را به روشنی طی مقاله ای عرضه کرده و نوشته است که اسلام بهترین و جامع ترین شیوه زندگی را به پیروان خود عرضه کرده است، شیوه ای که در آن رابطه فرد با جامعه و رابطه مادیت با معنویت در یک هماهنگی کامل متوازن شده است. (۳۹).

۱. همان، ص ۱۸۲؛ ایستادگی پیروان (فرد) به اندازه ای زیاد بود که دادگاه برای جلوگیری از یک شورش نژادی، احکام صادره درباره همه شورش کنندگان را متوقف کرد.

۲. دیترویت فری پرس. چهاردهم اوت ۱۹۵۹، ص ۱-۲.

۳. اعضای سازمان میوه های اسلام که می خواهند وارد سالن کنفرانس شوند، باید به پرچم ملت خود احترام بگذارند.

۴. دنیای مسلمان و ایالات متحده آمریکا، ژوئن و ژوئیه ۱۹۵۶، ص ۲۵.

۵. منظور، حکومت ملیون الجزایری به ریاست فرحت عباس در خارج از الجزایر (مصر) می باشد که مبارزه با فرانسوی ها را برای به دست آوردن استقلال در سال های ۱۹۵۸^۱ ۱۹۶۱ هدایت می کرد. وی پس از استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۱ به^۲ عنوان رئیس مجلس ملت تعیین شد؛ اما دو سال بعد، به دلیل اختلاف نظر با (بن بلا) از سیاست کناره گرفت. (مترجم).

۶. دیترویت فری پرس، چهاردهم اوت ۱۹۵۹، ص ۲.

۷. به نویسنده گفته شد که مدیر سابق حتی در یک جلسه مسجد شرکت نکرد. برخی از مسلمانان همچنین گلایه می کردند که مدیر کنونی علاقه ای به مذهب ندارد و هرگز در جلسات مذهبی شرکت نمی کند. مسلمانان احساس می کنند که این دو^۳ عرب علاقه ای به هم ذاتی با آنان ندارند. هر دو (مدیر) عرب مهاجر هستند از زمانی که این تحقیق کامل شد، به جای مدیر مصری الاصل، خواهر کریستین. س. جانسون، یک آموزگار مدارس دولتی شیکاگو که دارای تجارب بسیار می باشد مدیر مدرسه شد.

۸. برای مدرسه بی اندازه دشوار است که آموزگاران غیر مسلمان را برای یک مدت طولانی نگه دارد و تنها عده انگشت شماری متجاوز از یک سال در مدرسه کار کرده اند.

۹. جهان مسلمان و ایالات متحده آمریکا، آوریل و مه ۱۹۵۶، ص ۲۳.

۱۰. BOBBIE JEAN X 11.PHENYOY KARIM 12.LOUIS ARMSTRONG

13. .RUTH HELEN X 14.JUNE EVELINE X 15.CAROL JUNE X

16.FORTH WORTH 17.MARY X 18 .CLARA MARIE SHARRIEFF

19 .ALECE X 20 .CHRISTINE 2 X 21 .GLEN 3 X 22 .TIMOTHY

EARL GARRETT 23.MILDRED 24 .THOMAS JONES 25.DONALD

X 26. ELAINE X 27. JOHN.W 28. KWMENER-CROWLY 29

مسلمانان سیاه آمریکا، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، سال ۱۳۶۳، ص ۳۶۳.

۳۰. مسلمانان سیاه پوست آمریکایی، حزب جمهوری اسلامی، تهران، سال ۱۳۵۹.

32.۳۱ . CONGRESSIONAL QUARTERLY R . 1993,p.374 . اکونومیست،

چاپ انگلستان، ۹۶/۸/۲۴.

۳۳. بشاره مراد الدین، المجله، چاپ انگلستان، ۹۶/۵/۱۱.

۳۴. اکونومیست، چاپ انگلستان، ۹۶/۸/۲۴.

36.۳۵ . CONGRESSIONAL QUARTERLY.R.1993,p.374 . دفتر حفاظت

منافع جمهوری اسلامی ایران، واشنگتن دی. سی.

38.۳۷ . LARRY POSTON, 1992 . همان، ص ۱۶۷.

39.۳۸ . MARCUS, MARGARET (MARYAM JAMEELAH) ,HOW I

BECAME INTERESTED IN ISIAM . THE ISLAMIC REVIEW,,

, APRIL 1961

فصل هفتم: زندگی و مشارکت در جامعه آمریکا

زندگی و مشارکت در جامعه آمریکا

در ارزیابی وضعیت و تجارت مهاجران در چار چوب زندگی آمریکایی، یکی از مسائل کلیدی قابل توجه عبارت است از میزان توانایی و یا تمایل فرد مسلمان مهاجر یا آمریکایی، در سازگاری با فرهنگ آمریکایی است و این که تا چه اندازه از نظر اجتماعی با محیط جدید آشتی می کنند. برخی از پژوهش های اخیر که به شکل ارتقای شغلی و مقامی مهاجران پرداخته (۱)، به این دریافت رسیده اند که، مسلمانان مهاجر به خصوص افراد طبقه متخصص و تحصیل کرده، احساس تبعیض می کنند و این احساس تبعیض و نژاد پرستی در محیط کار، بیش از پیش احساس می شود. (۲).

موقعیت مهاجران مسلمان در آمریکا - که تا سال های اخیر غالباً متعلق به کشورهای عربی بودند - با موقعیت اقلیت های ملی دیگر نظیر ایرلندی ها یا ایتالیایی ها کاملاً تفاوت دارد، زیرا تعداد مسلمانان همیشه بسیار کم تر بوده است.

مسئله موفقیت مهاجران در سازگاری با جامعه آمریکا و مستحیل شدن در فرهنگ آن، موجب دغدغه خاطر برخی شده است که این وضع آنان را از دانش و غرور اسلامی خود جدا می سازد، اگر چه بیش تر مهاجران مسلمان اظهار تمایل کرده اند که، با فرهنگ آمریکایی آمیخته شوند، اما گروهی نیز به گونه یک خطر به آن نگاه می کنند و یادآور می شوند که، باید به هر طریق ممکن هویت اسلامی و ملی خود را حفظ کرد. کسانی که از راه می رسند با دیدن وضع مسلمانان قبلی که چگونه در فرهنگ بیگانه مستحیل شده اند، دچار نگرانی می شوند.

به خصوص آنچه مهاجران تازه را رنجیده خاطر می سازد، انتخاب نام های غربی برای کودکان و کسب رفتارهای خاص آمریکایی در زندگی روزمره است. رفتاری که با مشی شرقی و اسلامی آنان تفاوت بارز دارد. آنان نگرانند که پس از چند سال اقامت رفتارها و ارزش های اسلامی را فراموش کنند و دیگر به اسلام به عنوان یک دین و یک روش زندگی نگاه نکنند.

سازگاری با جامعه و محیط کار.

بیش تر افراد، از شغل خود اظهار رضایت نموده و یادآور شدند که، حتی در وطن خود هم از نظر کار و شغل نمی توانستند به این اندازه راضی و راحت باشند. گروه زیادی که در رشته های علمی، تحصیل کرده بودند اظهار داشتند که، از سوی سازمان های همکاری علمی با آمریکا یا از سوی دانشگاه ها به این جا دعوت شده

اند. دغدغه خاطر از باب تبعیض نژادی و مشکل کاریابی بیش تر دامنگیر کسانی است که تازه فارغ التحصیل شده، ولی هنوز دنبال یافتن شغل نرفته اند.

بیش تر مسلمانان برای گرفتن مرخصی به قصد شرکت در نماز جمعه احتیاط می کنند و درخواست مرخصی نمی کنند. احتیاط آنان از این بابت است که می ترسند یا جواب رد بشنوند و یا شانس ارتقای شغلی را در محیط کار از دست بدهند. مثلاً، یک امام جماعت می گفت: وقتی از رئیس خود دو ساعت مرخصی بدون حقوق درخواست کرد تا به مسجد برود و نماز جمعه را امامت کند، با مخالفت روبه رو شده است. جالب این است که این شخص، عدم دریافت اجازه را حمل بر وجود احساسات ضداسلامی نمی کرد و آن را ناشی از پای بندی به مقررات کار اداره می دانست و می گفت: رئیس اداره نگران بوده که مبادا از آن پس به بهانه هایی از این نمونه، به غیبت افراد اضافه شود.

گرچه بسیاری نیز معتقدند که، از دریافت مرخصی برای دو عید اسلامی با مشکل مواجه نمی شوند به شرطی که مسؤول اداره یا کارخانه مطمئن باشد جزو مرخصی سالیانه به حساب خواهد آمد. در این مورد خاص هیچ کس گزارشی نداده است که مورد اذیت و آزار قرار گرفته باشد.

تنها موردی که احتمالاً در آن برخورد و تضادی دیده می شود، عبارت از مواقع صرف غذاست. می دانیم که در غالب کشورهای اسلامی، غذا خوردن یکی از جلوه های بسیار مهم زندگی اجتماعی است: مثلاً، در میان اعراب، غذا خوردن با دیگران، یکی از راه های تحکیم پیوندهای اجتماعی است. مهمان کردن کسانی که نسبت خانوادگی یا قبیله ای ندارند، امری بسیار جدی به شمار می آید و بسیار مهم تر از آنچه که در فرهنگ آمریکاست، مشاهده می کنیم. از این رو، ممکن است گاهی مسلمانان از دعوت کردن غیر مسلمان یا قبول دعوت آنان امتناع ورزند. برخی مسلمانان از آن واهمه دارند که مجبور شوند بر سر سفره ای حاضر شوند که در آن اطعمه و اشربه حرام مصرف می شود. یا این که مردان مسلمان مایل نیستند زنانشان در حضور افراد نامحرم بنشینند.

معاشرت معمولی با غیر مسلمان و داشتن روابط اجتماعی متعارف با دیگران مجاز است؛ زیرا در فرهنگ اسلامی به (مهمان نوازی) و (حسن معاشرت) اهمیت زیادی داده شده است. می بینیم که بسیاری از مسلمانان علاقه مندند در نظر جمعیت غیر مسلمان مقبولیت پیدا کنند. این نام، نشانه گرایش شدید آنان به ایجاد ارتباط است و عملاً هم در این زمینه تلاش می کنند. البته موارد قبول دعوت شام غیر مسلمانان و مشارکت در غذای آنان روز به روز بیش تر می شود. برای آگاهی بیش تر به جدول زیر مراجعه فرمایید:

در صد مسلمانانی که با دوستان و آشنایان خود غذا می خورند (به نسبت نسل).

میزان معاشرت مسلمانان با پیروان سایر مذاهب به نسبت محل زندگی آنان نیز متفاوت است. مثلاً، در بخش شمالی ایالت نیویورک، مسلمانان به طور کلی تنها با سایر مسلمانان غذا صرف می کنند. هر چند که از اقوام و بستگان آنان نباشند و هر چند که مجبور شوند برای شرکت در این مجالس، راه درازی را طی کنند.

البته این مورد بیش تر اختصاص به پاکستانی ها دارد. مثلاً، در ناحیه میدوست، بیش تر افراد اظهار داشتند که، با افراد غیر مسلمان غذا می خورند. در این جا هم نباید تأثیر منطقه محل سکونت را از نظر دور داشت؛ چرا که مسلمانان میدوست خیلی بیش تر از بخش شمالی نیویورک سابقه سکونت دارند و از نظر مذهبی تعصب و پای بندی کم تری دارند. در این ناحیه شمار زیادی عرب مسیحی در کنار عرب مسلمان زندگی می کنند و در نظر بسیاری از آنان غذا خوردن با یک مسیحی در واقع غذا خوردن با یک (عرب) به حساب می آید، و از سوی دیگر در میدوست، مسلمانانی وجود دارند که سه نسل را پشت سر گذاشته اند و در طی ده ها سال به مدارس و مؤسسات دولتی راه یافته اند و در میان آمریکاییان دوستان و همکاران زیادی پیدا کرده اند که از لحاظ عقیده به مذاهب غیر اسلامی تعلق دارند.

می دانیم که پاکستانی های ناحیه شمالی ایالت نیویورک اغلب از طبقه متوسط به بالا و صاحبان تخصص و مشاغل خوب هستند، در مقابل، اعراب مقیم میدوست از طبقه متوسط به پایین هستند و اغلب کارگر یا کارمند جزء می باشند؛ ولی مسلمانان ساحل شرقی، مخلوطی از هر دو طبقه و قومیت های متفاوتند. آنان بیش از مسلمانان دو ناحیه دیگر با غیر مسلمانان معاشرت دارند. البته شاید یک مطالعه دقیق نشان دهد که این وحدت قومیتی که در ناحیه میدوست و شمال نیویورک وجود دارد، در ساحل شرقی به سبب هجوم بی حساب و ملیت های مختلف از هم پاشیده و بی رنگ شده است؛ اما این یک واقعیتی روشن است که مسلمانان هر چه بیش تر سابقه اقامت داشته باشند، بیش تر با آمریکاییان معاشرت و مسلم است که زندگی در جامعه و فرهنگی که بیش تر مردم آن، غیر مسلمان هستند، موجب افزایش تماس مسلمانان با آن جامعه و فرهنگ غیر اسلامی می شود. اطلاعات به دست آمده حاکی است که کسانی که بی تفاوتند و با مسلمانان یا غیر مسلمانان غذا می خورند و معاشرت می کنند، در زمره کسانی هستند که از سکونت در منطقه خود راضی هستند و آن محل را برای سکونت مهاجران مسلمان، مناسب می دانند. (به جدول زیر نگاه کنید).

قضاوت افراد درباره مناسب یا نامناسب بودن منطقه برای سکونت مسلمانان (به نسبت میزان مراوده با مسلمان و غیر مسلمان).

ضریب همبستگی = ۱۲٪ سطح معنا داری = ۰۰۵٪ کل جامعه آماری = ۳۳۲

البته این احتمال هم وجود دارد که برای برخی از مسلمانان این روش معاشرت و مراوده امری ناگزیر باشد. در کنار این اکثریت، گروهی از مسلمانان نیز طرفدار انزوا و عدم مراوده با غیر مسلمانان هستند. بر حفظ حجاب و توجه هر چه بیش تر به فرهنگ و شعایر اسلامی تکیه می کنند. این روش زندگی را تنها راه حفظ هویت

اسلامی فرزندان‌شان می‌دانند. البته در بسیاری از شهرهای آمریکا بحث‌ها و مذاکراتی در جریان است که در صورت امکان، مدارس تمام وقت اسلامی تأسیس شود که در آنها، در کنار دروس معمولی آموزش عمومی، مبانی عقیدتی اسلام تعلیم داده شود. البته این سؤال پیش می‌آید که در صورت تحقق این برنامه آیا جامعه اسلامی آمریکا کاملاً بریده و منزوی از بقیه جامعه نخواهد شد و به سرنوشت فرقه (ممنونیت)(۳) دچار نخواهد شد فرقه‌ای که خود را از بقیه جامعه آمریکا کاملاً منزوی ساخته است.

جذب کودکان در فرهنگ بیگانه.

همه کسانی که با آنان مصاحبه شده تقریباً اظهار داشتند که، فرزندان‌شان ازدوران کودکی و یا سال‌های اولیه مدرسه با بچه‌های غیر مسلمان معاشر و همبازی بوده‌اند و بچه‌های دیگر را حداکثر یک بار، جمعه‌ها در مسجد ملاقات می‌کرده‌اند. این وضع حتی درباره مسلمانان ساکن شمال ایالت نیویورک نیز (که روابط بین خانواده‌های مسلمان بهتر است) صدق می‌کند.

مسلمانان پاکستانی ساکن شمال ایالت نیویورک از نظر رنگ و پوست که اندکی تیره است مشخصند و لذا فرزندان‌شان گاه‌گاهی، در اوایل ورود به مدرسه با مشکلاتی رو به رو می‌شوند.

بیش‌تر مسلمانان اظهار داشته‌اند که فرزندان‌شان از جهت اختلاف ملیت یا مذهب با بچه‌های دیگر هیچ مشکل و مسأله‌ای در مدرسه نداشته‌اند. غالب بچه‌ها بدون هیچ مشکلی روزهای عید رسمی اسلامی را از مدرسه مرخصی می‌گیرند.

والدین بچه‌های مسلمان در سایر زمینه‌ها نیز اظهار رضایت کرده‌اند. مثلاً، گفته‌اند که، ارتباط بین فرزندان آنان با هم کلاسی‌ها و معلمان بسیار خوب است. معلمان گاهی از بچه‌های مسلمان درخواست می‌کنند که در کلاس و در حضور همکلاسان از دین و کشور خود صحبت کنند و اطلاعاتی به دوستان‌شان بدهند. همچنین تأکید کرده‌اند که، نفس مسلمان بودن بچه‌ها برای آنان هیچ دردسری درست نکرده و آموزشی هم که در مدرسه به آنان داده می‌شود، کاملاً رضایت بخش است.

یکی از وظایف و رسالت‌های مدارس دولتی، تربیت بچه‌هایی است که باید بعدها به صورت شهروندان مسؤول آمریکایی در آیند. برخی از معلمان معتقدند که، این اصل را به معنای محروم کردن بچه‌ها از حق حفظ و اعلام مبانی عقیدتی و فرهنگی خود تلقی نمی‌کنند و با وجود محدودیت امکانات آموزشی، در مدارس برای توجیه پدر و مادرها جلساتی تشکیل می‌شود که در آن مفهوم (شهروند مسؤول آمریکایی) به اولیای بچه‌ها تفهیم شود تا اولیا بچه‌ها را با ویژگی‌های جامعه آمریکا آشنا سازند.

در یک ناحیه شهر میدوست تعداد فوق‌العاده زیادی از بچه‌های عرب هستند که در روزهای عید اسلامی از مدرسه اجازه مرخصی می‌گیرند و تعطیل می‌کنند. (آمار بچه‌های عرب تنها در یک مدرسه هشتاد نفر است). آموزش در این مدارس به دو زبان عربی و انگلیسی است. بسیاری از پدر و مادرهای بچه‌های ابتدایی و

راهنمایی مشاهده می کنند که به اعتقادات اسلامی بچه ها در مدرسه اهمیت می دهند و آنان، در برخورد با بچه ها معتقد به مذاهب دیگر احساس غرور می کنند و ایمانشان تقویت می شود. البته این مسائل مذکور، دارای مشکلات زیادی است که مسلمانان با آن مواجه اند که در قسمت مشکلات فرهنگی و محیطی توضیح داده خواهد شد.

مراقبت و حرمت سالخوردهگان.

قرآن کریم و احادیث اسلامی مسؤولیت همه مسلمانان را در خصوص مراقبت از پیران و رعایت احترام آنان به روشنی بیان کرده است. به خصوص فرزندان را ملزم می کند که در ایام پیری پدر و مادر، از آنان مراقبت و حمایت کنند. درباره این موضوع اغلب به یک آیه قرآن اشاره می کنند که می فرماید:

وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۴).

در جهان اسلام، خانواده ها پر جمعیت و گسترده هستند و فامیل های وابسته، در کنار هم زندگی می کنند. افراد سالخورده همواره از مراقبت تعداد زیادی از افراد خانواده برخوردارند و به این دلیل است که زنان معمولاً کاری خارج از منزل ندارند، پیران اعم از زن یا مرد، همواره می توانند از توجه و مراقبت زنان فامیل بهره مند شوند. کسانی که از لحاظ مالی در وضع بهتری هستند، می توانند برای نگه داری پیران خانواده، پرستاری استخدام کنند. کسانی که نمی توانند پرستاری به خانه بیاورند، پیران را به خانه های سالمندان می سپارند؛ اما این خانه ها که معمولاً برای افراد علیل ساخته شده است، محیط غم انگیز و کسل کننده ای دارند و مراقبت های ارائه شده کافی نیست، البته در جوامع اسلامی، با توجه به وضع خانواده، این کار کم تر ضرورت پیدا می کند و از سوی دیگر، سپردن پیران به این مراکز را ناپسند می دانند و آن را نوعی طرد و دور انداختن تلقی می کنند.

Translation Movement

مسلمانانی که به ایالات متحده آمریکا سفر می کنند، خود را در شرایط کاملاً متفاوتی می بینند. مثلاً، به ندرت اتفاق می افتد که فامیل های وابسته در یک محله و در مجاورت یک دیگر زندگی کنند تا از این طریق مراقبت از افراد سالخورده خانواده میسر شود. مهاجران باید در جست و جوی کار همواره آماده برای رفتن از ناحیه ای به ناحیه دیگر باشند و نیز پس از پیدا کردن کار در اختیار شرکت یا سازمان استخدام کننده قرار می گیرند و اختیار سکونت در دست کارفرماست. شرایط زندگی در آمریکا به گونه ای است که زن و شوهر اغلب مجبورند هر دو کار کنند تا بتوانند به راحتی امرار معاش نمایند و لذا کسی در خانه باقی نمی ماند که از پیران خانواده مراقبت و پرستاری کند. این مشکل بزرگی برای خانواده است به خصوص اگر وضع مالی خانواده به گونه ای باشد که نتوانند در غیاب زن و مرد، خدمت کار یا پرستاری استخدام نمایند. البته خانه های سالمندان موجود در آمریکا از هر نظر بهتر از مؤسسات مشابه در کشورهای اسلامی است؛ زیرا نه فقط مراقبت از

سالمندان در این مراکز ۲۴ ساعته است، بلکه سالمندان از مراقبت بهداشتی مستمر، غذا، سرگرمی و مصاحبت دیگران نیز بهره مند هستند.

قرآن مجید بر مراقبت و نگه داری از پیران تأکید فراوان نموده است؛ اما به این که این مراقبت چگونه و در کجا باید انجام شود، تصریح نشده است. اگر چه از نظر سنت به عنوان یک ارزش فرهنگی، مراقبت از سالخوردگان در میان مسلمانان مورد توجه است، با این حال، نمی توان گفت که، سپردن سالخوردگان علیل و از کار افتاده به خانه های سالمندان کار غیر اسلامی است؛ زیرا در آن نوع مراکز از آنان بهتر پرستاری می شود. مشکل عمده، متأسفانه هزینه بسیار زیاد این کار است که بسیاری از خانواده ها از عهده آن بر نمی آیند. مسأله مراقبت از سالخوردگان از نظر سنتی و مشکلات دیگر که به آن اشاره شد، همواره موجب دغدغه خاطر خانواده هاست. در این باره به جدول زیر مراجعه کنید.

آمار اظهار نظر درباره مراقبت از پدر و مادر پیر در آسایشگاه ها.

در پاسخ به این سؤال: در صورتی که مراقبت از سالخوردگان در منزل مشکل یا پرخرج باشد، آیا باید آنان را به خانه های سالمندان برد.

آمار اظهار نظر درباره مراقبت از پدر و مادر پیر در آسایشگاه ها، درصد پاسخ به نسبت محل تولد.

همان گونه که ملاحظه شد جداول مذکور نشان دهنده این مسأله است که مسلمانان متولد آمریکا کمی بیش تر تمایل به استفاده از خانه های سالمندان دارند. مسلمانان شمال ایالت نیویورک که شمار زیادی از آنان، پاکستانی ها هستند و با یکدیگر معاشرت و مراوده نسبتاً خوبی دارند، بیش تر با این کار مخالفند؛ البته نباید فراموش کرد که این مهاجران چون تازه وارد شده اند، هنوز عملاً با این مسأله رو به رو نشده اند.

یک ضریب قابل ملاحظه، مسأله مالی است. رابطه مستقیمی بین تمایل به استفاده از خانه سالمندان و درجه رفاه و ثروت فرد وجود دارد؛ اما در مقابل کسانی که بیش تر به مسجد رفت و آمد می کنند و در امور خیریه و انجام عبادت فعال ترند با مسأله گذاشتن پیران در مؤسسات مراقبت عمومی، مخالفند. بسیاری از مسلمانان این پرسش را مطرح می کنند که، چرا خود مسلمانان آمریکا به فکر تأسیس خانه های سالمندان نیستند تا سالخوردگان مسلمان در محیطی که از نظر غذا، پوشاک و اعمال عبادی و سایر جهات، محیط اسلامی باشد، نگه داری شوند و مجبور نشوند در یک آسایشگاه که با معیارهای آمریکایی اداره می شود، زندگی کنند.

علاقه به شرکت در برگزاری جشن های آمریکایی.

برای مسلمانان مقیم آمریکا یک پرسش جدی دیگر هم مطرح است و آن این که آیا آنان باید جشن های رایج در فرهنگ آمریکا را جشن بگیرند یا نه همان گونه که می دانیم تقویم اسلامی بر مبنای سال قمری است و اعیاد و روزهای مهم آن با تقویم مسیحیت تطابق ندارد. البته بسیاری از مسلمانان با شرکت در مراسم سال نو مسیحی مخالفت نداشتند به شرطی که کار به (شراب خواری و رقص و بسیاری از حرکات غیر اسلامی) نکشد. به نظر آنان هیچ اشکالی ندارد که افراد خانواده های مسلمان هم به بهانه جشن سال نو دور هم جمع شوند و ضیافتی داشته باشند. گروه بسیار زیادی نیز توجه به بعضی از اعیاد و ایام مخصوص را توصیه می کنند، از قبیل روز (والنتاین) (۵) یا روز مادر و یا روز پدر. شرکت در این مراسم برای آشنایی با آداب و رسوم آمریکاییان کار خوبی است. جامعه مسلمانان آمریکا مراسم دو جشن عمده را که برای آمریکاییان نیز بسیار مهم است بر پا می دارند. این دو جشن عبارتند از: روز مردگان و چهارم جولای (که به روز شکرگزاری نعمات الهی مشهور است). در این دو روز مراسم رژه، نمایش خیابانی، آتش بازی، رفتن به صحرا برای پیک نیک و گذاشتن گلی بر قبور مردگان برقرار می شود. مسلمانان مهاجر، شرکت در مراسم این دو روز را بیش تر برای معنای سمبولیک آنها توجیه می کنند. مسلمانان متولد آمریکا به آن بیش تر اهمیت می دهند. مسلمانان متولد آمریکا، چهارم جولای، روز شکرگزاری را بیش تر به عنوان فرصتی برای تفریح، استراحت، آتش بازی و گردش و پیک نیک تلقی می کنند در حالی که مسلمانان مهاجر، از آن به صورت فرصتی برای تقلید از آمریکایی ها و سازگاری بیش تر با فرهنگ آنان استفاده می کنند. همچنین در روز مخصوص (هالوئین) (۶) بچه های مسلمان همراه با سایر بچه های مدرسه جشن می گیرند، لباس های مخصوصی می پوشند و شادمانی می کنند و مراسم ویژه دیگری نیز انجام می دهند. یک زن مهاجر مسلمان اظهار داشت: مدت ها پیش جشن هالوئین را حتی در مسجد برگزار می کردند؛ اما یکی از اعضای هیأت مدیره، ما را از این کار منع کرد و گفت: برگزاری این مراسم نه شایسته مسجد است و نه برازنده مسلمانان؛ ولی به طور کلی بیش تر افراد با جشن هالوئین موافقت می کنند.

بسیاری هم معتقدند که، جشن شکرگزاری را مثل آمریکایی ها برپا می کنند؛ چرا که همه فامیل دور هم جمع می شوند. سر سفره، بوقلمون و غذاهای متنوع و شیرینی های رنگارنگ می چینند. آنانی هم که این جشن را یک سنت مسیحی می دانند، در عین حال از آن به عنوان فرصتی برای دیدار خانواده و خویشاوندان استقبال می کنند. عده زیادی نیز عقیده دارند که، جشن شکرگزاری در چهارم جولای، یک جشن مذهبی است برای هر کسی از هر دینی باشد؛ چون هدف اصلی از برگزاری این روز، سپاسگزاری به درگاه خدا برای نعماتش است. از میان تمام جشن های مرسوم در آمریکا، (کریسمس) بیش از هر جشنی برای مسلمانان ایجاد مشکل و تردید می کند. اگر چه این روز، یک روز مذهبی مسیحی است؛ اما امروزه جنبه دنیوی و تجاری و تفریحی آن غالب شده است. گرچه مسلمانان برای حضرت مسیح به عنوان یک پیغمبر مرسل تقدس و احترام قایلند (البته نه به عنوان پسر خدا، آن گونه که مسیحیان می گویند) و عقیده دارند که میلاد او باید گرامی داشته شود. با این حال، در میان مسلمانان اختلاف آرای زیادی وجود دارد که آیا باید مسلمانان این روز را جشن بگیرند یا نه و تاجه اندازه و گروهی نیز که زنان یا مادرانشان مسیحی هستند، می گویند: برای آنان نیز کریسمس رسمیت

دارد و روز عزیزی است. برخی از مهاجران مسلمان، عید کریسمس را در حد تهیه درخت مخصوص و رد و بدل کردن کارت تبریک و هدیه برگزار می کنند. آنان در برگزاری این عید با آمریکاییان هم صدا می شوند تا سازگاری خود را با آنان نشان دهند. به نظر آنان کریسمس پیش از این که یک عید مذهبی باشد یک سنت آمریکایی است. همچنین بسیاری از مسلمانان اظهار داشتند: تا وقتی که بچه های شان کوچک هستند، برخی از مراسم کریسمس را جدی برگزار می کنند، از قبیل رد و بدل کردن کادو، آویزان کردن جوراب برای بابانوئل، اما به تدریج که بچه ها بزرگ می شوند و تفاوت بین اعیاد اسلامی و مسیحی را درک می کنند، این مراسم را حذف می کنند. برخی از پدر و مادرهای مسلمان عید کریسمس را به هیچ صورت جشن نمی گیرند و به بچه های شان هم تفهیم می کنند که این، یک عید اسلامی نیست.

یکی از پرسش هایی که برای مسلمانان، مطرح است، این است که: آیا گرفتن درخت کریسمس و آراستن آن برای مسلمانان جایز است پاسخ آنان به این پرسش عبارتند از: ۳۳٪ موافق، ۳۰٪ رأی ممتنع و ۳۷٪ مخالف. از میان کسانی که در خارج از ایالات متحده متولد شده اند (۳۵٪ از لبنانی ها، ۱۸٪ از اعراب سایر کشورهای عربی (عمدتاً مصر، عربستان سعودی، اردن و یمن...) و ۱۲٪ از پاکستانی ها) با خریدن و آراستن درخت کریسمس موافقت. بیش تر کسانی که در میدوست زندگی می کنند (حدود ۴۵٪) عقیده دارند که این رسم قابل قبولی است و وجود این درصد بالا به سبب تراکم زیاد مسلمانان متولد آمریکا و مسلمانان لبنانی الاصل است، بر عکس در میان مسلمانان مقیم ساحل شرقی تنها ۲۵٪ با این کار موافق هستند و درصد موافقان در میان مسلمانان شمال ایالت نیویورک (که بیش تر پاکستانی هستند) بسیار کم تر است؛ یعنی، ۶٪. (به جدول زیر رجوع کنید).

رابطه بین محل تولد، میزان موافقت با برگزاری مراسم جشن کریسمس و تهیه آذین بندی درخت کریسمس.

نهضت ترجمه

ضریب همبستگی ۳۲٪ (سطح معناداری = ۰.۰۰۸٪) - ۸٪ (سطح معناداری = ۰.۱۸٪)
(سطح معناداری ۰.۰۳٪)

سؤال مطرح شده: آیا تهیه درخت کریسمس و آذین بندی آن در ماه دسامبر، برای مسلمانان کار درستی است. مسلمانانی که بیش تر متمایل به مراوده و معاشرت با مسیحیان هستند، بیش تر از بقیه با برگزاری جشن کریسمس موافق هستند و کسانی که به انجام عبادات اسلامی و رعایت شعار اسلامی مقیدترند (حضور در مسجد، انجام فریضه نماز، تلاوت قرآن، روزه...) تبعیت از مراسم جشن کریسمس را برای مسلمانان جایز نمی دانند.

نگه داری حیوانات.

یکی از جلوه های زندگی آمریکایی که قبول آن برای مسلمانان مشکل است، اشتیاق زیاد آمریکایی ها به نگه داری حیوانات به خصوص سگ و گربه است. می دانیم در بیش تر جوامع اسلامی از سگ برای نگهبانی منازل یا مراقبت از گله استفاده می شود و این حیوان را به درون منازل راه نمی دهند، زیرا آن را نجس می دانند؛ ولی وقتی از مسلمانان آمریکا می پرسیم که نظرشان درباره نگه داری سگ در منزل چیست برخی مخالف این امر هستند و به عنوان دلیل قاطع اظهار می دارند: چون حضرت رسول^ﷺ ورود سگ را به درون خانه ممنوع دانسته است و تنها سگی که اسلام ورود آن را به خانه مجاز شمرده، سگ شکاری است. در کتب اسلامی آمده است که حضرت رسول^ﷺ در خصوص آلودگی و ضد بهداشتی بودن سگ هشدار داده است. برخی از افرادی که مورد پرسش قرار گرفته اند، دلیل این هشدار حضرت را آن می دانستند که سگ چون ناقل میکرب است، از این رو، در خانه ای که سگ رفت و آمد کند، نماز اشکال پیدا می کند. هم اکنون در واقع بسیاری از مسلمانان در خانه های شان سگ دارند. البته بیش تر مسلمانان با نگه داری گربه مخالفتی نداشتند؛ چون آن را حیوانی تمیز تر از سگ می دانستند. در بررسی انجام شده معلوم شد که ۲۷٪ با نگه داری سگ موافقت، ۲۲٪ هم نظر خاصی نداشتند؛ ولی ۵۰٪ مخالف بودند (چه به دلیل شخصی و چه به دلیل مذهبی). کسانی که با نگه داری سگ موافق بودند، غالباً همان هایی هستند که تمایل به برگزاری کریسمس داشتند و همان هایی که زیاد مقید به شعار اسلامی نیستند و نیز کسانی که نسبت به مراوده و معاشرت با غیر مسلمانان نظر موافق دارند. در این آمار درصد موافق و مخالف را به نسبت میزان رفت و آمد به مسجد مقایسه نکرده ایم؛ زیرا برخی از مساجد با این قضیه مماشات بیش تری کرده اند. به نظر می رسد که مسلمانان میدوست تا میزان قابل ملاحظه ای، یعنی، حدود ۴۰٪ جزء موافقان نگه داری سگ هستند، در حالی که این میزان در ساحل شرقی به ۷٪، و در شمال ایالت نیویورک به ۱۲٪ می رسد. بالاترین رقم افراد مخالف با نگه داری سگ و گربه در خانه، متعلق به شهر نیویورک است (۷۴٪) در حالی که شمار این افراد در ساحل شرقی به ۶۸٪ و در میدوست به ۳۶٪ بالغ می شود.

Translation Movement

۱. ر.ک: مقاله ریچارد آلبا (RICHARD ALBA) و امیچل چاملین (MITCHEL CHAMLIN) تحت عنوان یک بررسی مقدماتی درباره هویت قومی سفید پوستان مندرج در مجله آمریکایی بررسی های جامعه شناسی شماره آوریل ۱۹۸۳ و نیز مقاله بر آوردن مسائل قومی اثر آلفاندرو پورتس (PORTES ALEJANDRO) مندرج در همان مجله، شماره ژوئن ۱۹۸۴.

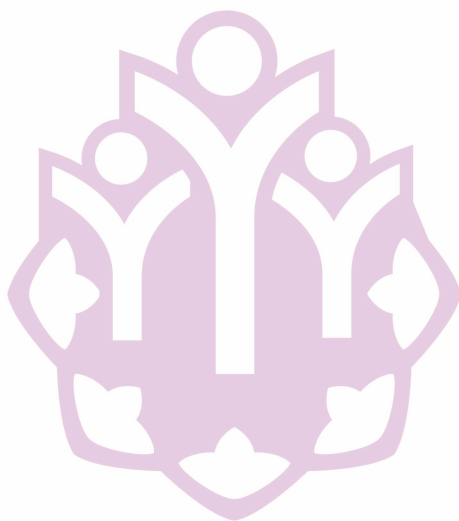
۲. همان جا.

۳. (MENNONITE) یک فرقه مسیحی از پیروان کشیشی به نام منو سیمونز (MENNO SIMONEZ) اهل هلند. پیروان این فرقه که در اغلب کشورهای اروپا و آمریکا پراکنده شده اند، با تقید و تعصب خاصی فرهنگ آیینی خود را حفظ کرده، از مظاهر تمدن نو گریزانند و مجبور به زندگی ساده ای شده اند. مثلاً، این اقلیت در ایالات مختلف آمریکا به کشاورزی قناعت کرده اند. (مترجم).

۴. الاسراء (۱۷) آیه ۲۳.

۵. VALENTINES DAY . این روز مصادف است با چهاردهم فوریه. در این روز معمولاً زوج های جوان هدایایی رد و بدل می کنند که غالباً شامل گل و شیرینی است.

۶. HALLOWE N روز ۳۱ اکتبر. در این روز کودکان لباس های عجیب و غریب می پوشند، شادمانی می کنند و جلوی در خانه های فامیل سبدهایی می گذارند که صاحب خانه هدیه ای در آن بگذارد



زَهْزَهْتِ تَرْجَمَه
Translation Movement
.INS

فصل هشتم: قوانین اسلام، آداب اسلامی و فرهنگ آمریکایی

قوانین اسلام، آداب اسلامی و فرهنگ آمریکایی

شریعت اسلام، برای راهنمایی مسلمانان در عبادات و نیز آداب زندگی روز مره تعیین و ابلاغ شده است. قوانین اسلامی پیش از هر چیز مبتنی بر دستوراتی است که در قرآن کریم آمده است. در زمینه هایی از زندگی و مسائل آن که دستور صریحی در قرآن نیامده است، فقیهان یا بر سنت حضرت رسول عمل می کنند و یا بر احادیث تکیه می کنند. راه های دیگر اجماع و قیاس است. (۱) بر مبنای این عوامل است که شریعت اسلامی بنیان گذاشته شده است. البته به نسبت مذاهب مختلف، اختلافات جزئی وجود دارد. اگر چه شریعت اسلام، برای همه زمان ها و مکان ها آمده است، در عین حال در بسیاری از کشورهای اسلامی، بر اثر فشار و نفوذ مغرب زمین و مسائل تجدد گرایی قرن حاضر، تغییرات زیادی در برخی از مقررات اسلامی به وجود آمده است. مسأله استنباط فقهی، امر بسیار پیچیده ای و دامنه ای وسیع دارد و نمی توان در این رساله به تفصیل از آن سخن گفت. در میان کشورهای اسلامی، برخی از آنها نظیر ترکیه در تقلید از زندگی غریبان تا به آن جا پیش رفته اند که مقررات و نظامات غربی را کاملاً جانشین مقررات اسلامی کرده اند، بر عکس در برخی از کشورها، به خصوص عربستان سعودی سعی بر آن است که ضوابط اسلامی تا حد امکان و دقیق عمل شود. نهضت اسلام گرایی سال های اخیر، حرکتی است به سرچشمه های اولیه اسلام. همان گونه که پیش تر اشاره شد درباره این که در جامعه آمریکا مسلمانان تا چه حد باید ضوابط اسلامی را مراعات کنند و این که آیا جایز است برای تطبیق مقررات اسلامی با مقتضیات فرهنگ آمریکایی، دست به تعبیر و تفسیر و توجیه زد، آرا و عقاید بسیار متفاوتی وجود دارد. در این فصل به آن مسائل و مشکلاتی نظر می افکنیم که اعمال مقررات اسلامی، در بافت زندگی آمریکایی به وجود آورده و خواهیم دید که مسلمانان تا چه اندازه با تغییر و اصلاح قوانین اسلامی نسبت به شرایط زندگی جدید موافق یا مخالفند.

Translation Movement
JMS

اقتصاد، رفاه و مشاغل.

از ابتدای کار، مشکل اقتصادی عامل اصلی مهاجرت مسلمانان به این کشور بوده است. یکی از دلایل عمده آمدن آنان به آمریکا به دست آوردن مشاغل پول ساز و کسب رفاه مادی بوده است. چیزی که در کشور مبدأ برای آنان مقدور و میسر نبوده است. از این رو، پس از ورود به آمریکا، در ضمن تلاش برای دست یابی به امکانات اقتصادی، اغلب آنان مجبور شده اند در آداب اسلامی معمول خود تغییراتی بدهند. این نکته نیز قابل تصور است که، با افزایش سریع جمعیت مسلمان مقیم آمریکا و بالا رفتن آگاهی های مسلمانان آمریکا از

شریعت اسلام و ورود بیش تر مسلمانان بنیادگرا به جامعه اسلامی آمریکا، کوششی هماهنگ صورت گیرد تا مسلمانان مقیم این کشور قادر باشند ضوابط و آداب اسلامی را با مقتضیات فرهنگ آمریکایی آشتی دهند.

مسأله قرض و ربا.

یکی از مسائلی که در خطبه های مذهبی و نیز در ضمن آموزش های اسلامی به بزرگسالان مطرح می شود، موضوع بهره بانکی است. مقررات اسلامی اصولاً دریافت بهره از سرمایه نقدی را ممنوع شمرده و آن را ربا می نامد. بیش تر افراد عقیده دارند که، این دستور اسلامی باید محترم شمرده شود به خصوص وقتی مسأله دادن و گرفتن قرض بین افراد مطرح باشد؛ اما امتناع از این کار در رابطه با نظام بانکی آمریکا بسیار مشکل است. بنابراین، همواره این پرسش مطرح است که چگونه می توان طوری عمل کرد که مسلمان نه بهره وام دریافتی را بپردازد و نه بهره برای پس اندازهای خود دریافت نماید.

مسأله بهره بانکی وقتی جدی تر جلوه می کند که موضوع گرفتن قرض برای بنای مسجد یا تکمیل ساختمان مسجد باشد. در یکی از مساجد این مسأله مطرح شده بود و مسؤولان نمی دانستند که آیا این کار درست است یا نه مؤسسان مسلمان یک مسجد دیگر، ترجیح داده بودند که وام بگیرند و بهره بپردازند تا این که سال ها در انتظار جمع آوری بودجه مورد نیاز صبر کنند. برخی از مسلمانان ترجیح می دهند نقدینه خود را در حساب پس انداز بانک بگذارند که خود به خود بهره به آن تعلق می گیرد و مسأله این است که آیا این افراد مسلمان باید از دریافت بهره ای که بانک با رغبت به آنان می پردازد امتناع کنند بسیاری از افراد اظهار می دارند که، عدم دریافت بهره بانکی، کار احمقانه ای است و حال آن که گروهی دیگر، آن را صحیح می شمارند.

بدین ترتیب برخی افراد با مخالفان دریافت بهره بانکی مجادله می کنند و می گویند شما که نگیرید بانک می گیرد و استدلال می کنند که چرا این پول به جیب مسلمانان نرود و به جیب بانکداران برود. حتی بانک ها را متهم می کنند که بهره حساب های مسلمانان را صرف کمک به غیرمسلمان ها می کنند. برای حل مشکل بهره، سازمان یک مسجد، بانک محدودی به وجود آورد که مسلمانان پولشان را در آن جا پس انداز کنند و بهره بانکی متعارف آن، به جای آن که به خود صاحبان حساب پرداخت شود به افراد نیازمند عضو مسجد پرداخت می شود. البته این یک مورد استثنایی است که ما مشاهده کردیم؛ زیرا مسلمانان معمولاً از سیستم بانکی معمول آمریکا استفاده می کنند و پولشان را حساب های پس انداز می گذارند و مسأله را این گونه توجیه می کنند که بهره دریافتی را در راه های درست مصرف خواهند کرد.

درصد آرای مسلمانان در این خصوص، نسبت به زن و مرد تفاوتی ندارد؛ اما معلوم شد که هر چه فرد ثروتمندتر باشد و در حساب پس اندازش بیش تر پول داشته باشد، بیش تر خود را توجیه می کند. ارتباط بین ثروت و موافقت با مسأله بهره، اگر چه کاملاً چشمگیر است، ولی بدین معنا نیست که مسلمانان ثروتمند، صفات اخلاقی ویژه ای دارند.

در حقیقت، در مسلمانان آمریکا، عموماً کسانی که در اجرای احکام دین رایج (روزه، نماز، قرائت قرآن و...) مفیدترند، بیش تر با مسأله سود و ربا مخالفند و در میان رهبران مذهبی مساجد نیز اختلاف آرا مشاهده می شود و همچنین آمار ما نشان می دهد، هر چه مسلمان بیش تر با غیر مسلمان مأنوس باشد، در گرفتن بهره پس انداز و دادن بهره وام موافق تر است.

رفاه.

اگر چه شمار کمی از مسلمانان در آمدی پایین تر از سطح استاندارد فقر دارند و حتی برخی کاملاً از نظر مالی تأمین هستند، با این حال - آنان عقیده دارند که، در صورت نداشتن شغل و یا نیاز مالی، شخص حق دارد درخواست کمک مالی به منظور امرار معاش خود بنماید. اگر چه سه پنجم دیگر در این باره نظر قاطعی ابراز نکردند، ولی تعداد اندکی با این نظر مخالف هستند. در این مورد خاص، ظاهراً هیچ کدام از عوامل پیش گفته (تولد در آمریکا، حضور منظم در مسجد، تقید به نمازهای واجب و میزان معاشرت با غیر مسلمانان...) در تغییر این درصد، تأثیر ندارند. یکی از دلایل قاطع این واقعیت آن است که، دریافت کمک مالی در زمان احتیاج، با ضوابط و دستورات اسلامی منافات ندارد. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد دادن زکات به تهیدستان، یک اصل اسلامی و یک واجب شرعی است، اعم از این که دولت حاکم، دارای یک سیستم رفاهی متناسب باشد یا نباشد. حتی در کشوری مثل آمریکا، آمار نشان می دهد که دوسوم مسلمانان، خود مستقیماً زکات واجب را از مال شخصی خود به افراد مسلمان مستحق می پردازند. از سویی مسلمانان با دریافت کمک مالی در صورت عدم نیاز مخالفند و دلیل این مخالفت آن است که می گویند: مسلمان باید سعی کند خودکفا باشد. پرداخت کمک و اعانه، انگیزه تلاش برای استقلال مالی را در برخی ها می کشد.

Translation Movement
JMS

مشاغل مناسب برای مسلمانان.

از نظر مسلمانان مقید و عامل به احکام، هر شغلی برای امرار معاش شخص مسلمان مناسب نیست. مثلاً، بانکداری، حرفه ای مناسب برای یک مسلمان نیست؛ زیرا این حرفه ای است که مستلزم دادن و گرفتن رباست و ربا نیز حرام است. در ناحیه میدوست، گروهی از مسلمانان کافه و مشروب فروشی دارند و خیلی هم از این شغل راضی و به آن دل خوشند. و در عین حال می دانند که این کار برخلاف ضوابط اسلامی است. آنان عقیده دارند که، این قضیه غیر از مشروب خواری است. این عده به در آمد زیاد این شغل تکیه می کنند. اما بیش تر مسلمانان معتقدند که، شغل مشروب فروشی در هیچ شرایطی برای یک مسلمان شایسته نیست. در پاسخ این سؤال که: اگر مسلمانی مشروب نخورد، آیا مجاز است مشروب فروشی دایر کند یا در مشروب

فروشی کار کند ۶۲٪ پاسخ منفی دادند و تنها ۱۷٪ پاسخ مثبت دادند و ۲۱٪ بقیه نتوانستند نظر صریحی ابراز کنند. البته در ناحیه میدوست بیش تر افراد، پاسخ مثبت دادند. به این معنا که در مقابل ۸۵٪ پاسخ (نه) (برای مسلمانان ساحل شرقی) و ۸۶٪ (نه) (برای مسلمانان شمال ایالت نیویورک) در ناحیه میدوست تنها ۴۱٪ پاسخ منفی دادند. مسلمانانی که در آمریکا متولد شده اند، بیش تر از مهاجران با سابقه با داشتن حرفه مشروب فروشی برای مسلمان موافقت. کسانی که در سطح تحصیلات پایین تری هستند، بیش تر با این امر موافقت، شاید این شغل را تنها راه پیشرفت اقتصادی خود به شمار می آورند. پیشرفتی که از نظر تحصیلی قادر به کسب آن نیستند، کسانی که اصولاً مقیدتر به آداب اسلامی هستند و در فعالیت های مذهبی مسجد مشارکت فعال تر دارند، در این مورد اسلامی فکر می کنند و شغل مشروب فروشی را به عنوان یک کسب حرام طرد می کنند. البته آمار نشان می دهد که، صرف رفت و آمد به مسجد در طرد شغل مشروب فروشی تأثیر زیادی ندارد. همچنان که می بینیم مسلمانانی که اهل مسجدند نیز به شغل مشروب فروشی اشتغال دارند و آنان کسانی هستند که در عین توجه به حضور در فعالیت های مسجد، به این شغل هم می پردازند. هر چه مسلمانان با غیر مسلمانان محسوس تر باشند و با آنان بر سر یک سفره بنشینند، کم تر مقید به حرمت این پیشه هستند، مخصوصاً اگر خود فرد مشروب فروش، شراب خوار نباشد. علت این طرز فکر آن است که این مسلمانان در حشر و نشر با غیر مسلمانان بیش تر با شراب والکل سرو کار دارند و در هر فرصتی به آنان تعارف می شود که همیشه نمی توانند رد کنند.

صرف نظر از مسأله پذیرایی از دوستان غیر مسلمان با مشروب الکلی که برخی ها انجام می دهند و برخی ابا دارند، کسانی که دوستان شراب خوار دارند به زحمت می توانند خود را با این واقعیات مجاب کنند که یک مسلمان نباید نه مشروب در خانه اش نگه دارد و نه اقدام به خرید و فروش آن کند. درباره مسلمانان ساحل و ناحیه شمالی ایالت نیویورک، یک عامل عمده بی قیدی در این خصوص تأثیر همنشینی و همنمک شدن آنان با غیر مسلمانان است. مسلمانان میدوست (که در آن جا تعداد بیش تری از مسلمانان با غیر مسلمانان محسوس و دمخور هستند) در این باره تقریباً هیچ حساسیتی به خرج نمی دهند که شاید بدان علت باشد که غالب آنان در کار تجارت مشروبات الکلی فعالیت می کنند. اگر چه - مسلمانان اظهار داشتند که، مشروب نمی خورند؛ اما آن عده ای که گاه گاه الکل مصرف می کنند بیش از دیگران عقیده دارند که، شغل مشروب فروشی برای مسلمان اشکالی ندارد.

همچنین بسیاری از مسلمانان آمریکا برای خود مدیر و مالک رستوران های غذاخوری هستند یا به عنوان کارگر و آشپز و گارسون در آن جاها کار می کنند. برای آنان مسأله فروش یا خوردن یا تهیه خوراکی های دارای گوشت خوک (که در اسلام حرام است) مطرح می باشد. اغلب آنان اظهار عقیده کردند که، تمایل به مشاغلی که با گوشت خوک سرو کار دارد، ندارند.

کار برای زنان.

مسأله ممنوعیت برخی مشاغل برای زنان، مشکلی است که در جوامع اسلامی آمریکا به چشم می خورد. مثلاً، بسیاری از مسلمانان شغل خدمتکاری در مجالس و رستوران ها را برای زن مناسب نمی دانند، اولاً به دلیل این که سر و کارش با مشروبات الکلی خواهد بود و از سویی این شغل اقتضا می کند که زن به پوشش خود بی اعتنا باشد و در معرض دید نامحرم قرار گیرد. در حقیقت بسیاری از زنان که از قبول شغل گارسونی در کافه ها و رستوران ها امتناع می کنند، بیش تر به دلیل مسأله حجاب است تا مسأله مشروبات الکلی. در خصوص سر و کار داشتن با مشروبات الکلی نظر زنان هم با نظر مردان چندان اختلافی ندارد.

بیش تر مسلمانان در این باره اظهار داشتند که زن، اگر مایل باشد، باید حق داشته باشد در خارج از خانه کار کند. (۷۳٪) اما در پاسخ به این پرسش که: آیا زن در صورتی مجاز است در بیرون کار کند که در فشار مالی و سختی معیشت باشد پاسخ های متفاوتی ابراز شد: ۳۳٪ پاسخ مثبت، ۴۸٪ پاسخ منفی و ۱۹٪ بی طرف. این واقعیت که تقریباً نیمی از آرای ابراز شده مبنی بر مخالفت با کار زنان در صورت اضطرار مالی است، جای تأمل است. آنانی که مقید به تعالیم و آداب اسلامی هستند، عقیده دارند که، زن، تنها در صورت نیاز مبرم خانواده باید کار کند. مسلمانان متولد آمریکا، در باره کار زنان، نظر موافق تری دارند و درصد رأی موافق زنان در این خصوص از رأی مردان بالاتر است. (به جدول زیر توجه کنید). مقایسه آرای مسلمانان متولد آمریکا درباره کار زنان (با تفکیک زن و مرد).

آیا زنان تنها در صورتی باید خارج از منزل کار کنند که شدیداً در فشار مالی و معیشتی باشند. نظر مهاجران در این باره نسبت به این که از نسل اول باشند یا جزو مهاجران اخیر، متفاوت است. زنانی که در این خصوص اظهار عقیده کردند، به نسبت این که خودشان در هنگام اظهار نظر، شاغل بوده یا نبوده باشند کاملاً متفاوت است. (به جدول زیر مراجعه کنید). مقایسه آرای افراد شاغل، در باره کار زنان (به تفکیک زن و مرد).

آیا زنان تنها در صورتی باید خارج از منزل کار کنند که شدیداً در فشار مالی و معیشتی باشند. کسانی که در حرفه ای تخصص داشته و شاغلند، با کار زنان در خارج از منزل کاملاً موافق هستند، ولو نیاز مالی نداشته باشند؛ زیرا به عقیده آنان در این باره نظر خود زنان مهم تر است تا مردان، در هر رده متخصص یا غیر متخصص. (به جدول پیش رجوع کنید).

اگر چه درباره نوع مشاغل مناسب برای زنان مسلمان پرسشی مطرح نشد تا پاسخ های دریافت شده را تحلیل کنیم، اما این نکته مسلم شده که، آنانی که با کار زنان در صورت اضطرار مالی موافقت، بر این نکته تأکید می

کنند که شغل مناسب برای بانوان مسلمان باید در رشته های درمان و امداد باشد تا مشاغل آزاد و تخصص های علمی. همین افراد هستند که می گویند: زن در صورتی مجاز است برای کار از منزل خارج شود که در بیرون منزل مو و بدن خود را بپوشاند و دامن بلند بپوشد. باز در مقابل، کسانی که نقطه مقابل این عقیده را دارند، اکثریت اظهار داشتند که، تنها مشاغل نامناسب برای زنان مسلمان حرفه های وابسته به محافل و محیط های نامناسب است (نظیر کافه ها و رستوران ها و مشروب فروشی ها...) زنان باید در محیط هایی کار کنند که از نظر آبرو و حفظ پاکدامنی احساس امنیت کنند. اظهارات زیر کما بیش این مسائل را روشن ساخته و بر این نکته تأکید شده که محیط مناسب برای کار زنان، محیطی است که آنان کمترین تماس را با مردان داشته باشند.

وصیت و مسأله ارث.

قوانین اسلامی برای همه اعضای خانواده ارث معینی قایل شده است. فقهای متخصص جداول دقیقی تنظیم کرده اند که نشان می دهند که چه میزان از ما ترک به هر کدام ارث می رسد. هیچ کس حق ندارد افراد خانواده خود از جمله پدر و مادر را از ارث محروم کند و برطبق فقه اسلامی هر مسلمانی تنها به اندازه یک سوم دارایی خود حق تصرف از طریق وصیتنامه دارد. بنابراین وصیتنامه در مال عملاً جز برای این بخش از دارایی قابل اعمال نیست. در اسلام دختر نصف پسر سهم الارث دارد و این دقیقاً به آن دلیل است که بر طبق صریح قرآن، مرد متکفل مخارج خانواده است و از سویی زن حق تصرف در مال خویش را دارد.

در آمریکا وضعیت ارث، متفاوت است. در آن جا اگر مردی بدون وصیت بمیرد، زن مقدار بسیار بیش تری ارث می برد تا یک زن مسلمان در یک کشور اسلامی، همچنین در آمریکا مرد حق دارد برای همسر خود مقداری بسیار بیش تر از آنچه که یک زن مسلمان ارث می برد، سهم قایل شود. بر طبق اطلاعات حتی مقیدترین مسلمانان مقیم این کشور؛ یعنی، کسانی که اعتقاد دارند قوانین اسلامی باید دقیقاً مراعات شود، صلاح در آن می دانند که (آدم وصیتنامه بنویسد و این وصیت تضمینی است براین که ضوابط اسلامی درباره ارث، پس از مرگ متوفاً دقیقاً اجرا شود). بسیاری از مسلمانان متولد آمریکا یا مهاجران که سال های متمادی در آمریکا زیسته اند یا اطلاعات ناچیزی از مسأله ارث در اسلام دارند و یا با آن به بی اعتنایی برخورد کرده اند. شاید علت این رفتار آن باشد که مقررات جاری را در آمریکا قلباً پذیرفته و یا به اجرای عادلانه آنان اعتماد پیدا کرده اند و یا از نظر مالی چیز قابل ملاحظه ای نداشته اند که به خاطر این، وصیتنامه تنظیم کنند. و نیز ممکن است چون نمی خواسته اند برای دختر ارث کم تر از پسر به جا بگذارند، به مقررات اسلامی اعتنا نکرده اند.

در حالی که یک دوم افراد عقیده دارند که، درباره ارث، ضوابط اسلامی باید دقیقاً مراعات شود. تنها سه چهارم این عده اظهار می دارند که، نوشتن وصیتنامه بسیار کار خوبی است. در میان مسلمانان آمریکا آنان که متولد آمریکا هستند و یا مدت بیش تری در این فرهنگ زندگی کرده اند، کم تر از سایر مسلمانان به مراعات شرع

اسلامی در مسأله ارث مقید هستند. مثلاً، آنانی که در خارج از آمریکا متولد شده اند دو برابر بیش از متولدان آمریکا موافق با اجرای احکام اسلامی هستند و در میان مسلمانان نسل دوم، درصد پاسخ های (نمی دانم) بیش تر از پاسخ های منفی است. (به جدول زیر رجوع کنید).
رابطه بین نسل های مختلف مسلمانان مقیم آمریکا با میزان موافقت یا مخالفت آنان با مراعات ضوابط اسلامی ارث.

آیا مقررات اسلامی مربوط به ارث، باید در آمریکا مراعات شود.
از نظر سایر عوامل مؤثر در میزان تقید به این مسأله می توان گفت مسلمانانی که بیش تر با همکیشان خود معاشرت تا بیگانه ها، به مراعات شریعت پایبندند، ولی ضمناً با تنظیم برای هر مسلمان موافق هستند، برعکس کسانی که بیش تر بر سفره بیگانگان حضور دارند تا همکیشان خود به اجرای مقررات اسلامی کم تر روی موافق نشان می دهند. این رابطه مستقیم بین معاشرت با همدینان یا پیروان سایر ادیان در مراعات یا عدم مراعات ضوابط اسلامی در جدول زیر منعکس شده است.
رابطه بین میزان معاشرت با مسلمان یا غیر مسلمان و تقید به احکام اسلامی ارث.

آیا مقررات اسلامی مربوط به ارث، باید در آمریکا مراعات شود.
همان گونه که از ارقام این جداول بر می آید، موافقت با اجرای احکام اسلام در مورد ارث برای مسلمانان مقیم آمریکا به نسبت میزان اقامت در آمریکا و میزان معاشرت یا عدم معاشرت مسلمانان با یکدیگر و با غیر مسلمانان تغییر می کند.

محدودیت های غذایی، مصرف الکل و میزان مشارکت در فرهنگ آمریکا.

اسلام دینی است که آداب و قوانین آن همه فعالیت های روزمره پیروان خود را تنظیم می کند. از این رو، برای معمولی ترین آداب زندگی از قبیل خوراک، پوشاک نیز دستوراتی هست که فرد مسلمان باید آنها را اجرا کند و از اعمال حرام بپرهیزد و امور حلال را انجام دهد. همان گونه که در زمینه های مختلف دیگر دیدیم، در این زمینه نیز برای مسلمانان مقیم آمریکا، مشکلات ویژه ای به چشم می خورد که با رفع آنها باید

تصمیماتی اتخاذ کرد که فرد مسلمان ضمن زندگی در چارچوب مقررات و فرهنگ آمریکایی بتواند اعمال روزمره خود را برطبق ضوابط اسلامی انجام دهد.

محدودیت های غذایی.

یکی از مواردی که مسلمانان مقیم آمریکا باید دقیقاً متوجه شوند، اجتناب از مصرف محصولاتی است که حاوی گوشت خوک باشد ۹۰٪ مسلمانان اظهار داشتند که، در عرض شش ماه گذشته لب به گوشت خوک نزده اند. البته برای امتناع از خوردن گوشت خوک دلایلی ذکر کرده اند.

برخی ها صرف دستور قرآن را برای امتناع از خوردن گوشت خوک دلیل قاطع می دانند.

- بعضی ها می گویند: گوشت خوک حامل میکرب های مضر است که به خاطر آن نه تنها مسلمانان، بلکه غیر مسلمانان هم باید از مصرف آن چشم پیوشند.

- برخی ها تنها به این دلیل گوشت خوک نمی خورند، چون هیچ گاه نخورده اند و به آن عادت نکرده اند و لذا تمایلی به خوردن آن ندارند. در این باره یک امام جماعت، شواهدی را از یک کتاب دینی قادیانی ذکر کرد:

خوردن گوشت خوک در تورات ممنوع اعلام شده، خداوند آن را بر موسی حرام کرد. حضرت عیسی نیز هرگز گوشت خوک نخورد. و در واقع آن را محتوی ارواح خبیثه می دانست. این مطالب در انجیل آمده است. در اسلام هم مصرف گوشت خوک صریحاً حرام شده به دلایل زیر:

- خوک نر با خوک نر جماع می کند و احتمال دارد کسانی که گوشت خوک می خورند، این خصلت را به ارث ببرند.

- خوک حیوانی است بسیار شهوت ران و ممکن است زنان و مردانی که گوشت خوک می خورند، مثل آن حیوان به سوی افراط در شهوت رانی کشیده شوند که زیان آور است.

Translation: شهوت رانی کشیده شوند که زیان آور است.

- خوک از خوردن بچه خودش ابا ندارد و موجودی است بسیار طمّاع و حریص.

- خوک آخته شده (پرواری) حیوان سالمی نیست؛ چون هر نوع خوردنی هرچند کثیف را می خورد؛ زیرا اشتهای سیری ناپذیری دارد. حیوان کثیفی است، مدفوع خود را می خورد و سرتاپایش کثافت است.

- خوردن گوشت چنین حیوانی، هم برای جسم و هم برای روح و اخلاق انسان، زیان بار است. زیان های خوردن گوشت خوک کاملاً مشهور است، ولی خیلی ها هنوز به زیان آن پی نبرده اند.

آمار نشان می دهد کسانی که در خانواده پدری معمولاً گوشت خوک نخورده اند، در بزرگی هم از خوردن آن ابا دارند، ولو آن که از نظر اعتقادی به خوردن یا نخوردن آن مقید باشند. در آمریکا، حتی مسلمانانی که مقیدند به هیچ وجه گوشت خوک نخورده اند، ممکن است نادانسته آن را در ترکیب مواد غذایی دیگر مصرف کنند.

مثلاً، چربی خوک، در بسیاری از روغن های موجود در بازار هست، از این رو، بسیاری از مسلمانان که متوجه این وضع شده اند، حالا دیگر دقت می کنند که پیش از خرید این نوع محصولات به برچسب و ترکیب اعلام

شده آن توجه کنند. بیش از سه چهارم مسلمانان اظهار می دارند که، در موقع خرید مواد غذایی، به این نکته توجه می کنند. گاهی مساجد با تهیه فهرست مواد غذایی مشکوک (به داشتن چربی خوک) به مؤمنان در این باره کمک می کنند. این دقت در انتخاب مواد غذایی، در برخی اشخاص به حد وسواس رسیده است. از این رو، برخی ها عقیده دارند که، مسلمان باید هر نوع خوراکی موجود در بازار را مصرف کند، مگر علم داشته باشد که در ترکیب آن گوشت و چربی خوک به کار رفته است. از میان مسلمانان، دو سوم آنان عقیده دارند که، مسلمان باید حتی المقدور گوشت حلال بخورد، اما نصف همین تعداد هم عقیده دارند که، بدون قید باشد و گوشتش را از مغازه های معمولی خریداری کند. برخی از رهبران مذهبی مساجد، تلاش می کنند که برای مسلمانان حوزه خود، گوشت حلال و از ذبح شرعی تأمین کنند.

بررسی ها نشان می دهند که، مسلمانانی که بی قید و ملاحظه، از مغازه های معمولی گوشت می خرند، آنانی هستند که:.

- غالباً متولد آمریکا هستند.
- معتقدند که اسلام باید خود را با مقتضیات اجتماعی وفق دهد.
- خیلی با غیر مسلمان ها محشور هستند و از سفره های آنان غذا می خورند.

مصرف مشروبات الکلی.

همان گونه که پیش تر اشاره کردیم در اسلام، مصرف مسکرات از هر نوع مطلقاً حرام است. فقها عقیده دارند که، این تحریم مطلق، شامل تهیه و توزیع مسکرات و حتی حضور در مجالس شراب خواری نیز می شود. اگر چه ممنوعیت مصرف مشروبات الکلی به همان اندازه مصرف گوشت خوک، شدید است، اما شمار زیادی از مسلمانان، ظاهراً انعطاف بیش تری نسبت به مورد اول دارند. بدین معنا که ۷٪ آنان اظهار می دارند که، در شش ماهه اخیر چندبار گوشت خوک خورده اند. اما تعداد کسانی که اعتراف کرده اند در همین مدت مکرراً مشروب خورده اند، به ۳۳٪ می رسد. این اختلاف احتمالاً از آن جا ناشی می شود که مصرف مشروبات الکلی چنان رواجی در این کشور دارد و چنان با فرهنگ و زندگی مردم آمیخته شده است که برای مسلمانان خودداری از مصرف آن بسیار مشکل تر از خودداری از مصرف گوشت خوک است. تعداد اندکی از آنان اظهار می دارند که، از شرکت در محافل و مجالسی که در آن جا مشروب خورده می شود یا احتمال دارد برای حاضران مشروب بیاورند، ابا دارند و در صورت شرکت، سعی می کنند شربت یا نوشابه غیر الکلی مصرف کنند. صرف نظر از اختلاف عقیده های فردی، بیش تر مسلمانان بر این باورند که مشروب الکلی یکی از ارکان زندگی روزمره مردم آمریکاست. در یکی از مساجد ناحیه میدوست متوجه شدیم که برخی از افراد وابسته به مسجد، خود پیاله فروشی دارند و از این راه، امرار معاش می کنند و رهبران مهاجر و جدید مساجد به این افراد فشار می آورند که شغل خود را عوض کنند. کاری که برای آنان بسیار دشوار است، زیرا غالب این افراد نه

حرفه دیگری بلدند و نه شخصاً حساسیتی به مسائل اسلامی نشان می دهند. نتایج بررسی ها نشان می دهد که، تنها مسلمانان بازرگان یا صاحبان حرف نیستند که وسوسه می شوند در مجالس و محافل شغلی خود مشروب بخورند و یا تنها آنانی که دوستان غیر مسلمان دارند، گرایش به مصرف الكل ندارند، بلکه جوانان متولد آمریکا هم جزو درصد عمده مشروب خوارانند. این جوانان بیش تر از مهاجران، مشروب می خورند. این وضع درباره مردان و زنان، هر دو صادق است، اما در صد مردان بیش تر است. در این کشور گاهی نوشیدن یک گیللاس مشروب الکلی نوعی تشخص و نشانه مردی تلقی می شود و مردان مسلمان بیش از زنان به این رسم گرایش دارند. (به جدول زیر نگاه کنید).

رابطه بین میزان مصرف مشروبات الکلی و گروه های مختلف مسلمان مقیم آمریکا.

در دو جدول فوق پاسخ های داده شده به پرسش زیر مورد بررسی قرار گرفته است.
آیا در شش ماه اخیر مشروبات الکلی خورده اید.
رابطه بین میزان مصرف مشروبات الکلی و محل اقامت.

از سویی درصد بیش تر کسانی که به مناسبت ها و در مجالس مشروب می خورند، تولد یافته های آمریکا هستند و شاید علت این گرایش، آن است که آنان بیش تر از مهاجران سعی می کنند تا خود را با جامعه آمریکا سازگار سازند.

رهضت ترجمه
Translation Movement
.IMS

مشارکت در زمینه های دیگر فرهنگ آمریکایی.

مسلمانان محافظه کار معمولاً نسبت به فعالیت های اجتماعی که ممکن است موجب تحریک هوس ها و شهوات باشد، نظر خوشی ندارند. مخصوصاً مجالسی که در آن زن و مرد با یکدیگر اختلاط دارند. از این رو، رفتن جوانان را به استخرهای عمومی و کنار دریا (که در آن زن و مرد بی ملاحظه در کنار یکدیگر شنا می کنند) و یا به مجالس رقص (که زن و مرد نامحرم با یکدیگر می رقصند) و حتی گوش دادن به موسیقی های پر هیجان، نظیر (راک) و (پاپ) و غیره مخالف دستورات اسلامی می دانند. چند سالی است که برخی مؤسسات حمایتی، اقدام به تشکیل اردوهای تابستانی کرده اند که در آنها استخر شنای مردان و زنان مجاز است. البته همه اردوهایی که به وسیله جمعیت های اسلامی اداره می شود، این محدودیت ها را ندارند. از میان جمعیت

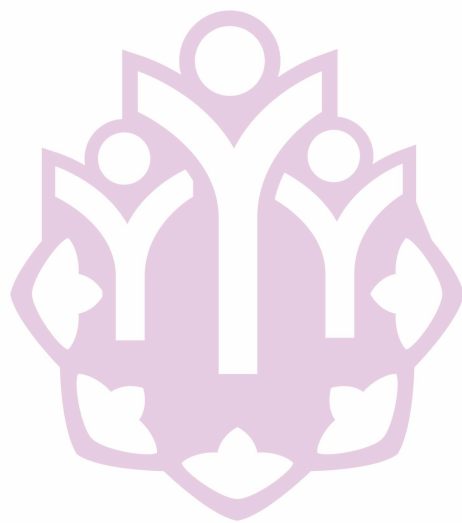
ها و اردوهای که ما بررسی کردیم، در چند مورد اظهار داشتند که، افراد اردو را به صورت مختلط، به کنار دریا و مجالس رقص آمریکایی برده اند، طبق بررسی مشخص شده، کسانی که به پلاژها و مجالس رقص می روند (در حدود نصف شرکت کنندگان در اردوها) همان هایی هستند که مشروب الکلی هم می خورند. البته رابطه مستقیمی بین میزان رفت و آمد به کنار دریا با مسأله تولد در آمریکا نتوانستیم برقرار کنیم، اما متوجه شدیم که بین میزان مشارکت در مجالس رقص و مصرف مشروب الکلی، رابطه مستقیم وجود دارد.

لازم به یادآوری است که گوش دادن به موسیقی های تند غربی در منازل و یا از ضبط صوت اتومبیل های شخصی، کار نامناسبی به شمار نمی آید و بررسی های ما نشان می دهد که، اکثریت عظیمی از مسلمانان به آن عادت کرده اند. به گروهی از مسلمانان یا تعدادی هنرمندان مسلمان جوان برخوردیم که خودشان یک گروه ارکستر موسیقی پاپ تشکیل داده و در مجامع مختلف به هنرنمایی می پردازند. نزدیک به نصف از افراد مورد مصاحبه ما اعلام داشتند که خیلی به موسیقی غربی گوش می دهند.

از سوی ائمه مساجد و پدر و مادرها به جوانان توصیه می شود که از گوش دادن به موسیقی های مدرن رادیو خودداری کنند، اما ظاهراً یا این منع جدی گرفته نمی شود یا به اندازه کافی استمرار ندارد. در برخی جوامع اسلامی خاورمیانه، مثلاً لبنان، رقص های ملی، بخش لاینفک بسیاری از مراسم است. از این رو، برخی از این مسلمانان وقتی به این کشور می آیند به نظرشان طبیعی است که با موسیقی آمریکایی آشنا بشوند و رقص های محلی آن جا را یاد بگیرند. اگر بعضی از پدر و مادرها مانع از شرکت فرزندان جوانشان در مجالس رقص و موسیقی شوند، بیش تر برای آن است که می ترسند از این طریق با جوانان غیر مسلمان معاشرت های نامناسب داشته باشند و به روابط نامشروع منتهی شود. درباره رسم آمریکایی دیتینگ (DATING) (قرارهای ملاقات پسر و دختر جوان نامحرم)، همین نگرانی وجود دارد. یکی دیگر از جلوه های فرهنگی آمریکایی که ظاهراً خیلی در نظر مسلمان ها، به خصوص زن های مسلمان جذابیت پیدا کرده، نمایش های جلف مشهور به SOAP OPERA است، که در تلویزیون نشان می دهند. حدود - افراد اعتراف نمودند که، در شش ماه گذشته حداقل یک یا دو بار به این برنامه نگاه کرده اند و تعداد کم تری اظهار داشته اند که، خیلی مشتاق دیدن این برنامه ها هستند و عجیب آن که مشتریان این برنامه ها غالباً خانم های خانه دار هستند. ظاهراً ائمه مساجد در باره غیر اسلامی بودن این برنامه ها چیزی نگفته اند. آمار نشان می دهد که، بیش تر کسانی که به مجالس رقص آمریکایی می روند، همانانی هستند که تماشاچی این برنامه های تلویزیونی هستند و همین افراد هستند که بیش از دیگران با غیر مسلمان ها محشور هستند.

در یکی از مساجد مورد مطالعه گزارش داده شده که یک یهودی تازه مسلمان، از این که دیده بود مسلمان ها تا چه اندازه به رسوم اسلامی پشت پا زده اند، به شدت ناراحت بوده و حتی آنان را متهم کرده بود که مایه فساد اخلاق و اشاعه بی بند و باری در همه جهان شده اند. در پاسخ به این پرسش که زندگی در آمریکا چه اثری بر خانواده های مسلمان و به خصوص فرد مسلمان می گذارد می توان به این نتیجه رسید که هر چه مسلمان مقیم آمریکا، بیش تر در آن جا بماند و بیش تر با غیر مسلمان ها محشور و همکاسه بشود، بیش تر از قیود و ضوابط اسلامی دور می شود. آمارهای مختلف ما حاکی از این واقعیت است.

۱. در مذهب شیعه منابع استنباط احکام شرعی عبارت است از: قرآن، سنت، اجماع و عقل.



نَهَضَتِ تَرْجَمَه
Translation Movement
.INS

فصل نهم: مسأله جنسیت، نقش و رسالت زن و مرد مسلمان

مسأله جنسیت، نقش و رسالت زن و مرد مسلمان

در مقابله دو فرهنگ اسلامی و غربی، یکی از زمینه های تمایز روشن آن دو، ساختار اجتماعی از نظر نقش زن و مرد در جامعه و رابطه بین این دو جنس مخالف است. از قدیم الایام؛ یعنی، لااقل در طی قرون جنگ های صلیبی که تماس بین اروپا و شرق اسلامی ممکن شد، مسلمانان دریافتند که این مهاجمان غربی از نظر آداب اجتماعی به خصوص در زمینه رابطه بین زن و مرد رفتار دیگری دارند. مسلمانان خاورمیانه دریافتند که در جامعه، آنان هم به سبب تعالیم اسلامی و هم به تبع رسوم عربی (که در آن مرد همه کاره و ارباب و حامی و محافظ زن در مقابل تعرض احتمالی نامحرمان است)، آنچه که در قالب ولننگاری اخلاقی مسیحیان اروپایی، اعراب آن زمان را متحیر می کرد، تا به امروز ادامه یافته و در قالب آزادی جنس اروپایی به عنوان معضلی برای مسلمانان امروزی جلوه گر شده است. با ورود هیأت های مبلغان مذهبی مسیحی به کشورهای اسلامی خاورمیانه هم از درون و هم از برون فشارهایی بر جوامع اسلامی وارد شده که خود را با فرهنگ بیگانه سازگار نماید. مصلحان مسلمانی پیدا شدند که به تلاش برخاستند تا به قول خود، جوامع اسلامی را به سطح فرهنگی و اقتصادی جوامع غربی برسانند. آنان یکی از راه های وصول به این هدف را مشارکت دادن هر چه بیش تر زنان در امور و فعالیت های اجتماعی می دانستند. در این راه، هم میسیونرها و هم یوروکرات های تحصیل کرده در غرب، تلاش کردند تا مملکت را به تبعیت از نظام فرهنگی غرب متقاعد سازند و به زنان، نقش عمده ای در اجتماع ببخشند. این تلاش ها موجب شد که دولت های برخی کشورهای اسلامی، قوانینی در جهت آزادی زن و حق رأی و مشارکت آنان در زندگی اجتماعی تصویب کردند.

این وضع بدان معنا نیست که مسلمانان و مشاوران غربی آنان توانسته باشند همه مسائل زنان جوامع اسلامی را حل کنند و نقش مناسب و کامل زن را در اجتماع به او بسپارند، بلکه برعکس، این اختلاف، رفتار بین زن اروپایی و زن مسلمان نه تنها ادامه یافت، بلکه در برخی موارد شدت یافت و حتی در سال های اخیر به وضوح مشاهده می شود که زنان مسلمان از فرهنگ و شیوه زندگی غربی سرخورده و مأیوس شده اند و تلاش می کنند به معیارهای اصلی زندگی پیشین خود، یعنی، فروتنی، پاکدامنی و عزت نفس برگردند. اختلاف عمده شیوه زندگی زنان در غرب با زنان مسلمان در چند زمینه مشخص جلوه می کند که عبارتند از: آزادی معاشرت زن و مرد، انتخاب همسر آینده، تعدد زوجات و طلاق.

اولین گروه مهاجران مسلمان که به آمریکا آمده اند، از نواحی کوهستانی لبنان بودند. در آن جا زنان روستایی دوش به دوش مردان، بلکه فعال تر در همه امورات اقتصادی و کشاورزی خانواده تلاش می کنند. زنان لبنانی از نظر پوشش هم لباس های راحتی به تن دارند. اگر چه موهای خود را با روسری های مخصوص می پوشانند، اما چادری که تمام بدن را بپوشاند ندارند.(۱).

گروه های بعدی مهاجران مسلمان از این نظر وضع دیگری داشتند، بدین معنا که بر اثر تحولات اجتماعی در بسیاری از کشورهای مسلمان، شیوه پوشش غربی و برهنگی زنان رواج یافته بود و به خصوص بسیاری از زنان شهرنشین، مانند اروپاییان لباس می پوشیدند، از این رو، مهاجرانی که از کشورهای عربی، در فاصله دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ به آمریکا آمده اند، از نظر تغییر لباس و تطبیق پوشش خود، با فرهنگ آمریکایی مشکلی نداشتند.

در سال های اخیر وضع بار دیگر تغییر کرده؛ هم در رفتار آمریکاییان و عکس العمل آنان در مسائل اسلامی و هم در رفتار اعراب تغییرات عمده ای پدید آمده است. با گسترش سریع شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع دنیای عرب، رهبران تازه ای در این جوامع قدرت را به دست گرفته اند، در نتیجه تعداد زیادی از نخبگان شهری دستشان از ثروت های ملی کوتاه شده و از امتیازات ویژه ای نظیر استفاده از بورس و تحصیل در خارج از کشور بهره چندان ندارند و اکنون در میان بسیاری از مهاجران ساکن در محیط های دانشگاهی آمریکا، توجه و تقید به اسلام بیش تر از سابق است، در میان مهاجران جدید، گروه زیادی پاکستانی وجود دارند که زنانشان پوشیده ترند، یعنی ساری و شلوار (اصطلاحاً شلوار قمیص) می پوشند. علاوه بر اینها موج اسلام گرایی سال های دهه ۱۹۷۰ موجب شده است که خانواده ها بار دیگر به ارزش های اسلامی روی آورند. عوامل دیگری نیز در این تغییرات کلی، نقش عمده دارند از جمله رشد و نفوذ مسلمانان و اسلام شناسان پاکستانی در دنیای عرب، عامل دیگر، عکس العمل بسیاری از مسلمانان در مقابل نهضت آزادی زنان (یا به اصطلاح نهضت فمینیست) (۲) نهضتی که ظاهراً در آمریکا تحوّل عمده ای در ساختار اجتماعی جامعه به وجود آورده است. از سوی دیگر مسائلی از قبیل: ازدیاد آمار طلاق در غرب، بی بند و باری جنسی، رواج کتب و مطبوعات مستهجن جنسی، نمایش های قبیح جنسی از همه نوع در رسانه های گروهی تأثیر جدیدی در مسلمانان مقیم آمریکا و ملل مسلمان بر جای گذاشته است. بدین معنا که مسلمانان سراسر جهان در حین استفاده جدی و بهره گیری روز افزون از تکنولوژی غرب ارزش های فرهنگی آن را طرد می کنند و به خصوص با دید کاملاً منفی به روابط جنسی زن و مرد در غرب می نگرند. جامعه مسلمانان آمریکا، سالیانی طولانی از دسترسی به منابع سنتی تعلیم اسلامی محروم بوده اند و بیش تر کتاب های اسلامی موجود به وسیله نویسندگان غیر مسلمان تألیف شده بود به استثنای آثار معدودی که از سوی مسلمانان قادیانی در دسترس قرار گرفته بود. از حدود دهه ۱۹۶۰ بر اثر فعالیت جامعه دانشجویان مسلمان آمریکا روز به روز کتاب های اصیل اسلامی در اختیار خوانندگان مسلمان مقیم ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. بیش تر این آثار به وسیله اعضای اخوت اسلامی و جماعت اسلامی به نگارش در آمد. در این نوشته ها از خانواده به منزله هسته متشکله جامعه، سخن رفته و بر حفظ اصالت و استحکام خانواده تأکید شده بود. در همین زمینه به نقش زن و مرد در حفظ بنیان خانواده و اهمیت هر کدام در جهت خاص خودش اشاره می شد. بدیهی است بسیاری از ارزش های سنتی و نقش و موقعیت زن و مرد، هر کدام در محدوده وظایف اسلامی خود، در برخورد با بافت فرهنگی آمریکا مورد بحث و مذاقه قرار می گرفت. همان گونه که در مسائل اسلامی دیگر اشاره کردیم،

درباره مسأله خانواده نیز فشارهای فرهنگی جامعه آمریکا روی مسلمانان عکس العمل های متفاوت داشته است.

جایگاه زنان در جامعه اسلامی.

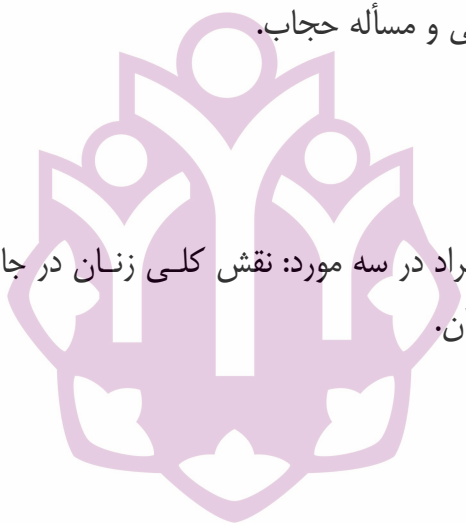
قرآن کریم حقوقی اساسی برای زنان قایل شده و به آنان پایگاهی عطا کرده است که در زمان حضرت رسول و نزول وحی، هیچ کدام از زنان عصر، واجد آن نبودند، در آثار جدید اسلامی نیز مجدداً بر این حقوق تأکید و تصریح شده است که حقوق زنان در اسلام، در جهت آزادی آنان در کنار قبول مسؤولیت و وظایف مناسب آنان است. از نظر قرآن، برابری زنان و مردان، تضمین شده، بدین معنا که از هر دو آنان وظایف ایمانی یکسان خواسته شده و در روز قیامت به یکسان از آنان بازخواست خواهد شد. به علاوه برای زنان وظایف فردی معینی در نظر گرفته شده است. این وظایف را فقهای اسلامی با اتکا به احادیث و سنت پیامبر اکرم^ع معین نموده اند. یکی از مسائلی که در نظر غربیان امروز به صورت نوعی بی عدالتی جلوه می کند، مسأله مهم ارث است که برای زن نصف مرد در نظر گرفته شده است؛ اما در واقع، همان گونه که پیش تر نیز اشاره نمودیم، این اصل قرآنی متکی بر این واقعیت است که در اسلام، مرد متکفل مخارج خانواده شناخته شده است. برخی از مطالعات انجام شده در خصوص تاریخ صدر اسلام حاکی از این است که، در عصر حضرت رسول و اوایل حکومت اسلامی، زنان مشارکت ناچیزی در زندگی روز مره جامعه اسلامی داشته اند و بیش تر در انزوا بوده اند و حتی در مساجد نیز حضور نمی یافتند. در تمام طول قرن بیستم بسیاری از مسلمانان و حکومت های اسلامی تلاش کرده اند که این وضع را تغییر دهند و زنان را در متن فعالیت های گوناگون جامعه باز گردانند. آنان معتقدند که، زنان در گذشته نیز همواره این حق را داشته اند، ولی از آنان دریغ شده است. از این رو، در بسیاری از جوامع اسلامی، روز به روز فرصت های بیش تری برای زنان فراهم می شود تا هم بتوانند تحصیل کنند و هم به کارهای گوناگون بپردازند. در عین حال، به خصوص در دهه اخیر در بیش تر نقاط جهان اسلامی، متفکران اسلامی مسأله خانواده را به عنوان حصن و مأمن ارزش های اسلامی مجدداً مطرح ساخته اند و خانواده را هسته اصلی جامعه اسلامی به شمار می آورند. اجتماعی که در آن ارزش های اسلامی می تواند و باید تجلی یابد. بدین ترتیب پوشش اسلامی (حجاب) که ممکن است در نظر یک غربی نوعی غل و زنجیر برپای آزادی زن به شمار آید، در واقع نشانه انتخاب آزادانه خود زنان مسلمان برای بازگشت به هویت اسلامی و انتخابی آگاهانه است تا در عین حفظ ارزش های اسلامی، در زمینه آموزش فرزندان وظایف خود را به عنوان همسر و مادر خانواده انجام دهند.

در اسلام معاصر، درباره شرایط زندگی زنان، گرایش های متفاوتی وجود دارد که هر کدام دارای طرفداران پر و پا قرصی است؛ برخی بر این نکته تأکید می ورزند که زن باید بر طبق اسلام سنتی در درون خانه و خانواده بماند تا در این حوزه به حفظ ارزش های اسلامی کمک کند. برخی نیز عقیده دارند که، زن باید تمام و کمال

در متن جامعه و در همه فعالیت های جامعه اسلامی حضور داشته باشد و برآند که، فکر منزوی کردن زنان، باجوهر اسلام، بیگانه است و زنان باید در همه مواضع اجتماعی و شغلی، با مردان برابر باشند. این گرایش های فکری از یک سو و موج سوء تفاهم هایی که در طول تاریخ درباره تعالیم اسلامی وجود داشته است از سوی دیگر، موجب آن شده است که غربی ها به سختی بتوانند دید روشنی از موقعیت و نقش زنان در جامعه اسلامی داشته باشند. بسیاری از مسلمانان عقیده دارند که، مردم معمولی آمریکا از نقش زنان در جامعه اسلامی، آگاهی روشنی ندارند. این افراد اظهار می دارند که، به عقیده شخصی آنان، زنان، در چارچوب نظام اسلامی، حقوقی بسیار بیش تر از زنان در بسیاری از مذاهب و جوامع دیگر دارند. (به جداول صفحه بعد نگاه کنید).

نظر مسلمانان آمریکا درباره نقش زنان در اسلام به طور اعم.

نقش زنان در مساجد و مراکز اسلامی و مسأله حجاب.



ضرایب همبستگی بین اظهار نظر افراد در سه مورد: نقش کلی زنان در جامعه اسلامی، نقش زن در اداره مسجد و مراکز اسلامی و پوشش زنان.

نظر مسلمانان آمریکا درباره نقش زنان در اسلام به طور اعم، نقش زنان در مساجد و مراکز اسلامی و مسأله حجاب (به نسبت محل تولد پاسخ دهنده).

Translation Movement
IMS

ضریب همبستگی نظر مسلمانان آمریکا درباره نقش زنان در اسلام به طور اعم. بویژه در مساجد و مراکز اسلامی و مسأله حجاب نسبت به جنسیت پاسخ دهنده.

در این خصوص، آرای موافق مردان بیش تر است.

تفاوت اظهار نظر افراد درباره وضع زنان در خانواده نسبت به جنسیت پاسخ دهنده و محل تولد.

بدیهی است درباره اخلاق جنسی و نقش زنان در جامعه، نظر مسلمانان و غربیان از قدیم الایام متفاوت بوده است. آنچه را که غربی ها آزادی زنان می دانند، در نظر مسلمانان بی حرمتی به شخصیت زن و تشویق زن به بی بند و باری است. به نظر یک مسلمان، حجب و حیای زن، بالاترین فضیلت اوست و برای حفظ این فضیلت دستور است که باید با زنان با کمال احترام رفتار نمود. در این صورت، مفهوم برابری زن در مقابل مرد به معنای آن است که، از زن باید در حد توان و ظرفیت فطری وی انتظار داشت.

بنابراین، وقتی از مسلمانان مقیم آمریکا پرسیده می شود که: آیا وضع زنان مسلمان در آمریکا و در جوامع خاورمیانه هم سطح زنان یهودی و مسیحی است یا احياناً بهتر از آنان است تقریباً ۴۷٪ پاسخ دهنده با نظر موافق پاسخ دادند، کم تر از یک پنجم آنان نظر مخالف داشتند و بقیه نظر ممتنع داشتند. این درصدها، البته به نسبت محل تولد مسلمانان و ملیت های آنان و جنسیت پاسخ دهنده دست خوش تغییراتی می شود که در جدول های پیش منعکس شده است. در مقایسه این نظریات با مسائل پیش گفته، لازم به یادآوری است که:

- پاسخ (بلی) به این پرسش که آیا زنان مسلمان وضع بهتری از مسیحیان و یهودیان دارند معمولاً از سوی کسانی است که پیش تر نیز اظهار نظر داشته اند که، زن، در صورت اضطراب مالی خانواده، می تواند در بیرون منزل کار کند.

- پاسخ (بلی) به این پرسش، غالباً از سوی کسانی ابراز شده که مقید به آداب اسلام (روزه، نماز های واجب، نماز جمعه و قرائت قرآن و مشارکت در خدمات و فعالیت های مسجد و مرکز اسلامی) هستند.

- پاسخ (بلی) غالباً متعلق به کسانی است که مقید به خوردن گوشت حلال هستند و از شرکت در مجالس رقص، استخرهای مختلط، کنار دریا و مجالس شراب خواری خودداری می ورزند. بر عکس کسانی که خیلی مقید به آداب اسلامی هستند و از ارتکاب منکرات ابایی ندارند، معمولاً معتقدند که، وضع زنان مسلمان، بدتر از زنان مسیحی و یهودی است.

در پاسخ به این پرسش که: آیا زنان می توانند به عنوان سرپرست و مسؤول مسجد و مراکز اسلامی انتخاب شوند آمار نشان می دهد که پاسخ غالب مسلمانان مقید به آداب شرع این است: این شغل مناسب زن مسلمان نیست. هر چند نزدیک به نصف تمام افراد به این پرسش پاسخ مثبت داده اند. (با ۲۲٪ مخالف و ۲۵٪ رأی ممتنع) البته محل تولد پاسخ دهندگان، ملیت و جنسیت آنان در این خصوص نیز درصدها را دست خوش تغییراتی می سازد که در جداول پیش منعکس شده است.

در یکی از مساجد، انتخابات هیأت مدیره با مشکل مواجه شده بود، زیرا گروهی از رأی دهندگان با انتخاب زنان به عنوان عضو هیأت مدیره به مخالفت برخاسته بودند. در انتخابات مجددی که در همین مسجد برگزار شد، وضع تازه ای مورد قبول واقع شد، بدین ترتیب که شورای مسجد، منحصراً متشکل از مردان باشند و در مقابل، زنان حق داشته باشند در کمیته های فرعی مربوط به فعالیت های فرهنگی و اجتماعی عضو بشوند.

در بسیاری از نقاط جهان اسلام، زنان به ندرت در سازمان ها و فعالیت های مساجد مشارکت دارند و حتی بسیار کم تر از مردان برای عبادت به مسجد می روند. در بررسی ها نیز اغلب زنان اظهار می دارند که: در نماز

جمعه شرکت نمی کنند، زیرا بر آنان واجب نشده است. هر چند که در آمریکا اصولاً زنان فعالانه در مسجد حضور می یابند، نظیر شرکت در مجالس قرائت و تفسیر قرآن، نمازهای روزمره و کلاس های آموزش دینی که معمولاً روزهای یک شنبه برگزار می شود. اصولاً میزان مشارکت زنان در فعالیت های مسجد و مرکز اسلامی نسبت به مساجد نواحی مختلف متفاوت است: در برخی مساجد، در کنار مردان فعالانه مشارکت دارند، در بعضی از آنها فعالیت های فرعی و جنبی دارند و در برخی کاملاً در پشت صحنه باقی مانده اند.

زنان به خصوص در برخی از فعالیت های اجتماعی، بیش از مردان تلاش می کنند، از قبیل: تشکیل جلسات خیریه، جمع آوری وجوهات برای هزینه جاری مسجد و یا تعمیرات بنای مساجد و مراکز جدید و غیره، آنان در کار تدریس در کلاس های روز یک شنبه نیز فعالانه مشارکت دارند. بدیهی است مشارکت زنان در فعالیت های گوناگون مسجد تأثیر قابل ملاحظه ای بر شیوه های تصمیم گیری مسؤولان و سرپرستان مساجد و مراکز اسلامی داشته است. لازم به یادآوری است که غالب مهاجران تازه، (که تقیّد بیش تری به آداب اسلامی ندارند) نسبت به مشارکت زنان در امور مساجد، نظر مساعدی ندارند و همین برخورد تازه با مسأله، موجب درگیری هایی نیز شده است.

هر قدر مدت اقامت مهاجران در آمریکا بیش تر بوده باشد، نظر موافق تری با فعالیت های زنان دارند و حتی همین افراد به مرور با انتخاب زنان به عنوان مسؤول و سرپرست مساجد و مراکز اسلامی مخالفتی ابراز نمی کنند. در برخی از مساجد مشاهده شده که به نقش زنان اهمیت زیادی می دهند به طوری که زنان را به عنوان عضو هیأت مدیره نیز انتخاب می کنند. البته هیچ جا زنی به عنوان رئیس هیأت مدیره مشغول به کار نیست.

پوشش زنان (حجاب).

نهضت ترجمه

هم اکنون در جهان اسلام توجه ویژه ای به مسأله پوشش مناسب زنان می شود. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد. از یک سو گروه زیادی از زنان مسلمان از سوی مادرها و مادر بزرگ ها به کشف حجاب ترغیب می شوند، برخی نیز به حجاب اسلامی به عنوان پوششی مناسب و نشانه هویت اسلامی می نگرند، آن را مراعات و به این کار نیز مباحثات می کنند. پوشش صحیح برای زن مسلمان، به معنای پوشاندن همه بدن از نامحرم است به جز صورت و دست ها و پاها تا میچ و بدیهی است موی سر کاملاً باید پوشیده شود. از میان مسلمانان متولد آمریکا، اگر نگوئیم، هیچ کس، اما بسیار اندک، چنین پوششی را رعایت می کنند و مهاجران هم پس از اقامت در آمریکا به تدریج حجاب اسلامی را رها کرده و به شیوه غربی ها لباس می پوشند. البته زنان مهاجر و متولدان آمریکا هم در برخی شرایط، حجاب اسلامی را مراعات می کنند. مثلاً، در موقع ادای نماز در مسجد و اگر کسی در مقام نماز و عبادت، حجاب را رعایت نکند از سوی امام مسجد یا سایر مسلمانان به او تذکر داده می شود.

میزان تقیّد به پوشش اسلامی در مساجد مختلف هم، متفاوت است. در برخی از مراسم نماز جمعه، زنانی دیده می شوند که با دامن بلند و آستین بلند، اما بدون روسری به نماز می ایستند. پاکستانی ها با همان لباس سنتی خود موسوم به ساری در مسجد حاضر می شوند. این بی توجهی در بسیاری از مساجد به چشم می خورد و از این رو، امام مسجد باید مرتباً به آنان یادآور شود و این ضرورت اسلامی را گوشزد نماید که البته توصیه ها و اشارات مکرر وی بی اثر هم نیست. در یکی از مساجد، تذکرات و موعظه های مستمر امام فقط بعد از پنج سال توانست آخرین خانم های بدحجاب را به راه بیاورد. در برخی مساجد هم ظاهراً هسته هایی تشکیل شده که آشکارا در برابر حجاب اسلامی جبهه گیری می کنند و هنوز هم پس از سال ها بدون روسری و پوشش صحیح در صف نماز ظاهر می شوند. در چند مسجد دیدیم که روپوش هایی از پیش تهیه کرده اند که به خانم ها، در موقع نماز، امانت داده می شود.

در یکی از مساجد که زنان فعالیت گسترده ای در اداره امور مسجد را داشته اند، امام به همه آنان تکلیف کرده بود که باید با حجاب اسلامی، یعنی به جز صورت، دست و پا، تمام بدن خود را بپوشانند، گرچه در هر کار یا شغلی که باشند. با وجود تذکرات پی در پی، ملاحظه کردیم که بیش تر آنان، تنها در موقع ادای فریضه نماز، این دستور اسلامی را رعایت می کنند. یکی از پژوهشگران از این زنان پرسید: آیا در زمان بیرون رفتن از مسجد (در خیابان و بازار) نیز لباس های بلند و پوشیده را همچنان حفظ می کنید گفت: نه. آن گاه توجیه کرد که این نوع لباس دست و پاگیر است و در ملأ عام رهگذران عادی با کنجکاوی به آدم خیره می شوند. بیش تر زنان جوان مسلمان به خصوص زنان متعلق به نسل های اول و دوم و زنان متولد آمریکا، در هوای گرم مانند زنان غیر مسلمان لباس های آستین کوتاه و دامن کوتاه می پوشند.

برخی از زنان بویژه مسن ترها و آنانی که به تازگی به آمریکا مهاجرت کرده اند، اظهار می دارند که، مایلند بدن و موی خود را بپوشانند و این بدان معناست که شلوار یا دامن بلند با پیراهن آستین دار و روسری می پوشند، چیزی که مناسب زندگی در جامعه آمریکا هم هست. البته همه عقیده ندارند که شلوار پوشش مناسبی است؛ چون پاکستانی ها به طور سنتی شلوار می پوشند، به نظر آنان شلوار، لباس مناسبی است. در عوض بسیاری از اعراب با پوشیدن شلوار موافق نیستند و می گویند: این لباس، بدن نماست. بسیاری از مسلمانان مساجد آمریکا اظهار می کنند: ائمه مساجدی که اخیراً منصوب یا انتخاب شده اند، روی مسأله حجاب اسلامی، بسیار تأکید می کنند. این نکته نیز جالب است که در برخی از کتاب های اخیر آموزشی اسلامی به مردان توصیه شده است که در موقع شنا لباسی بپوشند که از بالای ناف تا زیر زانوی آنان را بپوشاند و زنان هم باید کاملاً پوشیده بمانند. شاید عجیب نباشد وقتی جوانان اظهار می دارند که سادگی و رفتار سنگین و با وقار باید جزو حجاب اسلامی مردان تلقی شود. به هر حال، از مسلمانان درخواست شد به این پرسش پاسخ دهند: زنان نباید از خانه خارج شوند، مگر آن که بازوها و موهای شان کاملاً پوشیده باشد و دامن بلند به تن کنند، نظر شما چیست.

حدود یک چهارم آنان پاسخ موافق دادند و یک دوم آنان پاسخ مخالف. در بررسی های آماری پاسخ های موافق به این پرسش، متعلق به کسانی است که معتقدند حقوق زنان در خانواده تضییع نشده و وضع آنان از وضع زنان مسیحی و یهودی بهتر است و نیز همان ها هستند که با انتخاب زن به عنوان مسؤول و سرپرست

مساجد و مراکز اسلامی مخالفند. در خصوص پوشش غیر اسلامی در کوچه و خیابان، اختلاف چندانی بین آرای زنان و مردان مشاهده نشد، اما اختلاف رأی به نسبت ملیت پاسخ دهنده تغییر می کند. بدین معنا که فقط ۶٪ مسلمانان متولد آمریکا با اظهار نظر فوق درباره حجاب موافق هستند و حال آن که نظر موافق پاکستانی ها به ۴۱٪ می رسد.

به طور کلی نظر مسلمانان مهاجر لبنانی، در همه مسائل مربوط به زنان با نظر و عقیده مسلمانان متولد آمریکا هماهنگی دارد. بنابراین، تعجبی ندارد اگر نظریات مسلمانان ناحیه میدوست (که مخلوطی از لبنانی و آمریکایی هستند) مشابه باشد. همین ها هستند که کم تر از سایر مسلمانان در مسائل عبادی و فعالیت های مسجد مشارکت دارند، در عوض در مجالس و محافلی که مسلمانان مقید در آن شرکت نمی کنند، مرتباً حضور دارند. و هیچ ابایی ندارند که بی ملاحظه، مانند غیر مسلمانان، بدون هیچ قید و بند خاصی در کنار دریا، مجالس رقص و استخرهای مختلط شرکت کنند. ظاهراً به همین دلیل است که وقتی مهاجران مسلمان در ناحیه میدوست مستقر می شوند درگیری های آنان با مسلمانان موجود آن ناحیه بیش تر از جاهای دیگر است. بیش تر مسلمانان میدوست که با سهل انگاری به مسأله حجاب می نگرند، در مسائل دیگر هم همین گرایش غیر اسلامی را دارند. بیش از همه موافق انتخاب زنان به مدیریت و سرپرستی مساجدند، معتقدند که حقوق زنان در خانواده های مسلمان تضییع شده است و بیش تر از سایر مسلمانان با غیر مسلمانان محشور و دمخور و همکاسه می شوند.

رابطه زن و مرد.

همان گونه که پیش تر بدان پرداختیم، در اسلام، خانواده هسته مرکزی جامعه به شمار می آید و مسأله روابط زن و مرد بر طبق مصالح همین هسته مرکزی مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین اسلام آن رابطه زن و مردی که در چار چوب یک خانواده نباشند، بسیار سخت می پذیرد و محدودیت هایی را در این زمینه قرار داده است. در برخی کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی، محدودیت حضور زنان در جمع مردانی که خویشاوند و هم خانواده آنان نیستند، چنان محدود شده که ورود زنان به بازار کار جامعه با مشکلات زیادی توأم است. در برخی کشورها برعکس، برخورد و رابطه زنان و مردان که پیوند زناشویی نداشته و یا جزو یک خانواده نباشند، آزادتر است، هر چند رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج، به سختی مجازات می شود. قرآن کریم در سوره نور، آیه های ۳۰ و ۳۱ به زنان و مردان توصیه کرده است که لباس های مناسب و ساده بپوشند. همین دو آیه است که به تعبیر برخی مفسران حکم مراعات حجاب تلقی می شود. این حکم به اضافه دستوراتی مبنی بر این که زنان نباید چنان لباس بپوشند که تحریک کننده باشد، موجب شده است که در بسیاری از جوامع اسلامی زنان لباس های سنگین و پوشیده و بی زرق و برق بپوشند. بر مبنای همین تعالیم اسلامی است که حتی در آمریکا زنان مسلمان از پوشیدن لباس های تحریک کننده منع می شوند و حضور

آنان در استخرها و پلاژها را ضد اسلامی می‌شمارند و از آنان می‌خواهند حتی در هوای گرم هم از پوشیدن بلوزهای بی‌آستین و دامن کوتاه خودداری نمایند.

بسیاری از زنان مسلمان متولد آمریکا و یا کسانی که از مدت‌ها پیش در این کشور اقامت دارند، به این دستورات اعتنایی ندارند. به همین دلیل است که مهاجران تازه، به خصوص مسلمانان پاکستانی از دیدن زنان مسلمان آمریکا در این هیأت و پوشش بی‌بند و بار، شگفت زده می‌شوند. همین مسأله و اختلاف عقیده گروه‌های مختلف مسلمان درباره حجاب، در بسیاری از نقاط مسلمان‌نشین آمریکا همواره مایه برخورد و درگیری و نزاع بوده است.

مسأله دست دادن زن و مرد.

از دیدگاه اسلامی، زن و مردی که بین آنان پیوند ازدواج نباشد و یا خویشاوند نباشند،^(۳) نباید با یکدیگر خلوت کنند؛ چه ممکن است احساسات گناه‌آلود در آنان بیدار شود. رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج (زنا) در بسیاری از کشورهای اسلامی مجازات مرگ دارد. در نظر برخی دست دادن زن و مرد نیز از آن جایی که احتمالاً موجب تحریک جنسی می‌شود مجاز نیست. و به همین دلیل است که دختران و پسران جوان مسلمان از شرکت در مجالس رقص سبک آمریکایی منع می‌شوند. برخی از مسلمانان این ممنوعیت تماس بدنی زن و مرد نامحرم را تا حد منع دست دادن تسری می‌دهند.

البته مسلمانان غالباً تا این حد تعصب نداشتند، وقتی برای آنان این حکم ذکر شد که زن و مرد مسلمان نامحرم مجاز نیستند با یکدیگر دست بدهند.

بهبخت ترجمه
Translation Movement

قرار ملاقات پسر و دختر (معاشرت پیش از ازدواج)^(۴).

ملاقات‌های پسر و دختر به شیوه غربی، همواره به صورت معضلی برای جوانان مسلمان مقیم آمریکا جلوه می‌کند. در آمریکا ملاقات پسر و دختر مسلمان را که هم مخالف سنت‌های جوامع اسلامی است و هم زمینه روابط نامشروع است، منع می‌کنند. برخی از مسلمانان که نسبت به مسائل جلوگیری از بارداری و سقط جنین با سهل‌انگاری برخورد می‌کنند و به مبانی عقیدتی اسلام چندان مقید نیستند، این امر را مجاز می‌دانند، ولی مسلمانان سنتی و مقید، آن را حرام و غیر مجاز می‌دانند. موضوع قرار ملاقات (بین پسر و دختر) که جزئی لاینفک از فرهنگ آمریکایی است، برای خانواده‌های مسلمان و تربیت صحیح فرزندانشان همواره مشکل عمده‌ای است.

از جوانان مسلمان انتظار می رود که همسران آینده خود را طی ملاقات ها و مجالسی که همراه خانواده در مساجد و مراکز اسلامی تشکیل می شود انتخاب نمایند. ملاقات پسران و دختران مسلمان، تنها با حضور خویشاوندان و بستگان آنان مجاز است. پدر و مادرها اظهار می دارند که در خصوص قرار ملاقات پسر و دختر، نظر یکسانی دارند و حال آن که بسیاری از دختران می گویند که، به پسرهای این اجازه را می دهند، ولی درباره دختران، محدودیت جدی ایجاد می کنند. در عین حال، گروه نسبتاً قابل توجهی از پدر و مادرها اظهار می دارند که، اگر فرزندان شان مایل باشند پسران و دختران دوست و آشنا را به خانه دعوت کنند، به شرط اطلاع و حضور والدین مخالفتی ندارند. همین طور با گردش دسته جمعی آنان با حضور پدر و مادرها موافقت. بسیاری از پدر و مادرها اظهار می کنند: به دخترانشان ابداً اجازه بیرون رفتن با پسران را نمی دهند، مگر این که قصد جدی برای ازدواج داشته باشند. به عبارت دیگر، گردش تفریحی پسر و دختر ابداً مطرح نیست. چون چهارده تا هفده سالگی سن مناسب ازدواج نیست - لاقلاً در آمریکا - از این رو، پدر و مادرها معمولاً مانع آن می شوند که فرزندان شان با پسرهای و دخترهای غریبه قرار ملاقات بگذارند. البته برخی پدر و مادرها سعی می کنند با نصیحت و دلالت، مانع این کار بشوند و به زور و تهدید متوسل نشوند؛ اما این مسأله که پسرهای و دخترها، وقتی بزرگ تر می شوند و به دانشگاه می روند، بحث دیگری است و برخورد خانواده ها با مسأله رفاقت پسر و دختر در این سن بستگی به تجارب خانواده دارد. ما متوجه شدیم که در بسیاری از خانواده های مسلمان، قرار ملاقات پسر و دختر، معمولاً وجود ندارد مگر به قصد و نیت ازدواج و پیدا کردن همسر مناسب آینده؛ اما وقتی جوانان مسلمان، می بینند که در چارچوب فرهنگی آمریکایی پسران و دختران غیر مسلمان صرفاً به قصد تفریح و خوشگذرانی رفاقت می کنند، این وضع موجب درگیری ها و تنش هایی در داخل خانواده می شود.

اگر چه آمار ما نشان می دهد که درباره رفاقت پسر و دختر دو پنجم پاسخ های داده شده منفی است، اما در حدود یک سوم و حتی اندکی بیش تر از افراد مورد مصاحبه اظهار داشته اند: با قرار ملاقات، پسر و دختر، در صورتی که به هجده سالگی رسیده باشند، مخالف نیستند و حدود یک پنجم هم رأی ممتنع داشتند. البته همان گونه که پیش تر نیز توضیح داده شد، در خصوص قرار ملاقات پسر و دختر آرای مخالف و موافق تفاوت هایی دارد و در صد این آرا نیز به نسبت نسل های مختلف مهاجران مسلمان تغییراتی دارد.

جلوگیری از بارداری.

تقریباً نصف افرادی که به پرسش ما در این زمینه پاسخ داده اند، اظهار عقیده کردند که، زن و شوهر مسلمان، در صورتی که مایل نباشند بچه دار شوند، باید از وسایل ضد بارداری استفاده کنند و کمتر از یک پنجم با این نظر مخالفت کردند و بقیه، یعنی، حدود یک چهارم رأی ممتنع داشتند. البته در خصوص این مسأله که اصولاً نظر اسلام درباره کنترل موالید چیست متوجه شدیم که در هر ناحیه، نظرهای مختلف و حتی متناقض وجود دارد. برخی معتقدند که، قرآن با هر نوع کنترل موالید و جلوگیری از بارداری مخالف است؛ اما گروهی دیگر به

استناد یک حدیث از پیغمبر، یک شیوه جلوگیری از حاملگی را مجاز می دانستند و آن هم جدا شدن مرد از زن پیش از انزال است، یعنی ابتدایی ترین شکل جلوگیری و حال آن که با پیشرفت تکنولوژی و به بازار آمدن قرص و آی - یو - دی (IUD) اعلام حکم اسلامی در این قضیه یک کمی پیچیده تر جلوه می کند. مسائل جنبی دیگر این قضیه، نظیر وضع اقتصادی خانواده، عدم توانایی اداره فرزندان بیش تر، خطر احتمالی برای سلامت مادر در صورت کنترل یا عدم کنترل، همه اینها بر اختلاف نظرهای افراد می افزود. امام جماعت مسجدی، جلوگیری از بارداری به طریق عقیم ساختن زن یا مرد را مجاز می دانست؛ ولی سایر راه ها از قبیل استفاده از قرص یا آی - یو - دی را مجاز نمی دانست. با توجه به اختلاف آرا، حتی در میان اعضای شورای یک مسجد، بیش تر افراد مصاحبه شونده، خود را در این خصوص بالاتکلیف می شمردند و می گفتند که، مسجد، در این خصوص، راهنمایی روشنی نمی کند.

سقط جنین.

برخلاف مسأله کنترل موالید که مورد اختلاف نظر است، تقریباً همه افراد عقیده دارند که، سقط جنین در اسلام حرام است. در عین حال، بسیاری از مسلمانان اظهار می دارند که، در برخی موارد اضطراری، سقط جنین جایز است؛ مثلاً، وقتی جان زن در خطر باشد و یا حاملگی، حاصل روابط نامشروع یا تجاوز جنسی باشد. از این رو، می بینیم که در این خصوص هم اتفاق نظر روشنی وجود ندارد. برخی عقیده دارند که، سقط جنین تا چهل روز پس از حاملگی، در اسلام جایز است یا لااقل منعی ندارد. گروهی نیز معتقدند که، تعبیر سخت گیرانه احکام اسلامی در این باره باید کنار گذاشته شود و سقط جنین، در صورت اقتضا و صلاحدید صاحبان بچه باید مجاز و حتی مقبول اعلام شود. البته این نظر، بیش تر از سوی مسلمانان نسل اول ابراز می شود تا مهاجران.

تقریباً ۵۰٪ افراد به روشنی مخالفت خود را با سقط جنین در دوره چهل روزه پس از حاملگی ابراز داشته اند. در مقابل یک پنجم این افراد اظهار می کردند که، این کار مجاز است و بیش از همین تعداد هم نظر روشنی له یا علیه آن اعلام ننموده اند.

ازدواج.

مسأله ازدواج با همکفو، یعنی، تمایل به ازدواج با همسری که از نظر دین، نژاد، قومیت و ملیت مشترک باشد، در میان گروه های مختلف اقلیت های هر اجتماع بزرگ، واقعیتی انکار ناپذیر است. این نوع وصلت های رایج در میان اقلیت های قومی، دینی، نژادی و ملی، از راه های حفظ اصالت و هویت فرد و حمایت از ارزش های

مشخص و شیوه زندگی اقلیت هاست. از این رو، کاملاً طبیعی است که مسلمانان آمریکا ازدواج با همسر مسلمان را به عنوان یک راه حفظ هویت دینی تلقی می کنند و برای آن اعتبار قایلند. اظهارات زیر که از زبان یک زن مسلمان متولد آمریکا و متعلق به نسل اول است، در واقع زبان حال همه مهاجران است، از هر دین و فرهنگی که باشند.

فرهنگ دیگران مقوله کاملاً جداگانه ای است. آنان نه تنها اعتقادات دینی شان با ما فرق دارد، بلکه ارزش های شان به کلی متفاوت است و من فکر نمی کنم ازدواج دو فرد، متعلق به دو دین و فرهنگ متفاوت، ازدواج خوش عاقبتی باشد.

هر اقلیتی که در آمریکاست، ارزش ها و رفتار ویژه خود را به نسل بعد انتقال می دهد؛ مخصوصاً وقتی می بینند که فرزندانشان به مدرسه می روند و خود در محل کار، دائماً تحت تأثیر و نفوذ فرهنگی بیگانه قرار دارند. غالباً به همین دلیل است که مسلمانان آمریکا بر ازدواج و وصلت بین خود تأکید و اصرار می ورزند. همه ائمه مساجد و بسیاری از مسلمانان درباره ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان اظهار می دارند که، اسلام، این وصلت را مجاز می داند حتی اگر زن مسیحی یا یهودی (اهل کتاب) پس از ازدواج هم بر دین خود باقی بماند؛ اما درباره زنان، اگر چه قرآن به صراحت اشاره ای به مجاز بودن ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان ندارد، اما بیش تر مفسران بر این عقیده اند که، زن مسلمان، تنها در صورتی مجاز است با مرد غیر مسلمان ازدواج کند که مرد یا به آداب اسلامی پرورش یافته باشد یا پیش از عقد ازدواج، به اسلام گرویده باشد. این اختلاف جواز درباره ازدواج زن و مرد با غیر اهل دین به سبب این است که معمولاً در خانواده های مسلمان در خصوص انتخاب دین فرزندان، پدر تصمیم می گیرد که به چه دینی تربیت شوند. برخی از مسلمانان ایالات متحده آمریکا بر مسأله ازدواج زن و مرد مسلمان به یکسان تأکید می ورزند، به خصوص از زمانی که احساس کرده اند مماشات اسلام در زمینه ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان، پاسخ متقابلی از سوی مسیحیان و یهودیان ندارد و آشکار است که زن مسیحی یا یهودی به آسانی حاضر نمی شود فرزندش به آیین اسلام پرورش یابد.

Translation Movement

.MS

بسیاری از مسلمانان، اعم از آنان که مخالف یا موافق ازدواج با غیر اهل دین هستند، در این باره خوشبین نیستند که زن یهودی یا مسیحی، پس از ازدواج با مرد مسلمان، مایل باشد که فرزندش طبق آداب اسلامی تربیت شود؛ چون که شوهر چنین می خواهد. در واقع بسیاری از زنان غیر مسلمان، از سویی شدیداً مایلند فرزندانشان طبق تربیت اسلامی بزرگ نشوند؛ زیرا از این می ترسند که در صورت وقوع طلاق، فرزندان خود را کاملاً از دست بدهند. در بحث های بیش تری که با این افراد صورت گرفته، بر ما معلوم شد که مسأله حضانت فرزندان کوچک توسط مادر در خانواده های مسلمان آمریکا چندان مراعات نمی شود.

برخی از زنان مسلمان درباره آزادی مرد مسلمان برای ازدواج با زن غیر مسلمان اظهار داشتند که، این حق، نه عادلانه است و نه مسلمانی فرزندان را در محیط آمریکا تضمین می کند. یک دلیل آن که زنان از این حقی که به مردان داده شده است رنجیده خاطرنند، آن است که به این ترتیب، وقتی مردان حق داشته باشند با زنانی

خارج از گروه ایمانی خود ازدواج کنند، در عمل تعداد داماد های آینده دختران مسلمان تقلیل می یابد و این برای یک گروه اقلیت، زیان بزرگی به شمار می آید.

راه حل این مشکل چیست باید مانع از ازدواج مردان مسلمان با زنان غیر مسلمان شد و یا به زنان هم اجازه داده شود با مرد غیر مسلمان ازدواج کند. هیچ کدام از این دو راه با مبانی اسلام سازگار نیست. در بررسی های انجام شده، مشخص شد که برخی ها با این و برخی با آن راه حل، موافقت، بعضی هم مرددند و نمی توانند نظری قطعی ابراز کنند، اما بیش تر موافق با همان روش سنتی اسلامی هستند. با تمام این احوال، در خصوص این مسأله که زن مسلمان، آیا باید مجرد باقی بماند و یا با مرد غیر مسلمان ازدواج کند عقاید مختلفی وجود دارد.

اما اصل مجاز بودن ازدواج مرد مسلمان با غیر مسلمان اهل کتاب، گاهی جاری است و گاهی هم مورد مخالفت قرار می گیرد. اقتضای واقعیات به گونه ای است که ارزش های اسلامی یکسان مورد اعتنا قرار نمی گیرند. مثلاً، کسانی که با رفیق بازی و قرار ملاقات دختران و پسران مخالف هستند، با اصل اسلامی دیگر هم که می گوید: زن مسلمان بهتر است مجرد باقی بماند تا با مرد یهودی یا مسیحی ازدواج کند، موافقت و حال آن که مخالف ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمانند، که یک اصل مجاز اسلامی است. (۵) ملاحظه می شود که گرایش عمومی در جامعه آمریکا آن است که مرد مسلمان مجاز به ازدواج، خارج از جامعه اسلامی نباشد، هر چند عملی خلاف اسلام به شمار نمی آید و این گرایش در زنان مسلمان بیش تر است در حالی که اختلاف آرای زن و مرد در موارد مشابه (قرار ملاقات جوانان و ازدواج) چندان قابل توجه نیست.

اگر چه ما از افراد درباره تعداد بستگان مرد آنان که با زنان مسیحی یا یهودی ازدواج کرده اند سؤال نکرده ایم، اما درباره این که چند زن از میان بستگان آنان با مردان مسیحی یا یهودی ازدواج کرده و از میان این مردان چند نفر پیش یا پس از ازدواج به اسلام گرویده اند، پرسیده شده است و معلوم شد در خانواده یک سوم این افراد ازدواج هایی بدین شکل صورت گرفته و یک دوم این تعداد اعلام داشتند که، شوهران مسیحی و یهودی آنان به اسلام نگرویده اند. از پرسش های انجام شده چنین معلوم گردید که مردانی که بستگان نزدیکشان با غیر مسلمان ازدواج کرده اند، با این امر، نظر موافق داشته اند. شاید این گرایش بدان علت است که در میان مسلمانان متولد آمریکا، تعداد این زنان بیش ترند و شایان ذکر است که بیش تر این موارد در میدوست اتفاق افتاده است. ضمناً دریافتیم که بین گرایش خانواده به ازدواج زنان با غیر مسلم و اعتقادات مذهبی آنان در خصوص ازدواج و دوستی با جنس مخالف، رابطه مستقیم وجود ندارد.

بیست سال پیش، (الخولی)(۶) (EIKHOLY) در بررسی وضع مسلمانان میدوست گزارش داده بود که، مسأله اجبار برای زن مسلمان در خصوص ازدواج با مرد مسلمان و ممنوعیت وصلت با غیر مسلم، موجب بحث و مجادلاتی در میان مسلمانان متولد آمریکا شده بود. وی اظهار داشته است که، در آن زمان اگر زنی با مرد غیر مسلمان ازدواج می کرد، معمولاً از جامعه اسلامی خود، رانده می شد و احیاناً آن زن به مسیحیت می گروید. به نظر الخولی ۶۱٪ مسلمانان میدوست عقیده دارند که، اگر دختری عاشق یک پسر مسیحی شود و بخواهد با وی ازدواج کند، والدین وی باید با آن مخالفت نموده و تلاش کنند، مانع این وصلت شوند و اگر

اقدام و توصیه آنان فایده نبخشید، لاقلاً سعی کنند مرد غیر مسلمان، پیش از ازدواج به دین اسلام مشرف شود. همین سؤال الخولی، با مسلمانان مطرح شد و مشخص شد که درصد بیش تری (حدود ۷۴٪) معمولاً با این نوع ازدواج، مخالفت کردند و یا لاقلاً مایل بودند که داماد آینده، پیش از ازدواج، به دین اسلام بگردد و گروهی نیز اظهار می دارند که، اگر داماد غیر مسلم، به اسلام هم مشرف نشود، ترجیح می دهند با وی مدارا کنند تا از این طریق لاقلاً نوه های شان تحت تأثیر آموزش ها و رفتارهای اسلامی خانواده باقی بمانند.

آمارهای ما نشان می دهد که، مخالفان ازدواج زنان مسلمان با مردان غیر مسلمان و نیز مخالفان دوستی و رفاقت بین دختران و پسران پیش از ازدواج، معمولاً کسانی هستند که اهل مسجد و عبادتند و در نمازهای جماعت شرکت می کنند. از این رو، می بینیم رابطه بین تقید به آداب اسلامی و مخالفت با ازدواج زنان مسلمان با مرد غیر مسلمان و معاشرت دختر و پسر نامحرم پیش از ازدواج، یک رابطه مستقیم است که همه جا صدق می کند، اعم از این که فرد مسلمان، متولد آمریکا باشد یا مهاجر، از نسل های گذشته باشد یا از نسل نو، اعم از این که این فرد معتقد باشد به اجرای دقیق احکام اسلام و یا تطبیق احکام اسلام با شرایط و مقتضیات جامعه آمریکا.

برعکس کسانی که مقید به حضور در مسجد و انجام اعمال عبادی نیستند و یا تعصبی در این خصوص ندارند، درباره ازدواج زن مسلمان با غیر مسلمان نیز حساسیتی به خرج نمی دهند و موافقتند که دختران هجده ساله و بالاتر با پسران معاشرت و رفاقت داشته باشند. از سویی دیگر بین میزان سازگاری و مماشات فرد مسلمان با زندگی و فرهنگ آمریکایی و موافقت با این نوع ازدواج و مسأله رفاقت پسر و دختر، رابطه مستقیم وجود دارد. آنان معتقدند که، هم دختران باید حق معاشرت با پسر نامحرم داشته باشند و هم زنان و مردان مسلمان باید بتوانند به میل خود با مرد یا زن غیر مسلمان (اهل کتاب) ازدواج کنند. کسانی که معتقدند مسلمان باید فقط با مسلمان ازدواج کند، همچنین معتقدند که، این ازدواج باید با رضایت والدین صورت گیرد و این گونه که در کشورهای اسلامی معمول است، انجام شود. نسبت به کل افراد، در صد نظرها درباره این مورد عبارتند از:

Translation Movement
JMS

موافق ۲۶٪ مخالف ۳۵٪ ممتنع ۳۹٪.

این درصدها به نسبت تعداد زن و مرد پاسخ دهنده تقریباً یکسان است، اما به نسبت محل تولد دست خوش تفاوت هایی می شود: به عنوان مثال، حدود یک چهارم مهاجران اعم از بیش از دو سوم زنان و مردان مسلمان متولد آمریکا دخالت پدر و مادر را در انتخاب زن یا شوهر برای فرزندان خانواده، عاقلانه نمی دانند.

بسیاری از مسلمانان مهاجر متأهل، خود، با رضایت و انتخاب پدر و مادر، همسر اختیار کرده اند و لذا میزان موافقت با مخالفت آنان با این روش ازدواج، بستگی کامل با موفقیت یا عدم موفقیت زندگی خانوادگی خود آنان دارد. در مقابل، مسلمانان متولد آمریکا عقیده دارند، اگر چه پدر و مادر خود آنان زندگی زناشویی موفقی داشته اند، اما این دلیل آن نمی شود که آزادی پسر و دختر را در انتخاب همسر سلب یا محدود کنند. یک

دلیل عمده آنان در این اظهار عقیده این است که، احتمالاً پدر و مادرها به دلیل عدم شناخت فرهنگ آمریکا، قادر به تشخیص درست و انتخاب صحیح همسر برای فرزندان خود نخواهند بود. حتی گروه زیادی از پدر و مادرهای مسلمان مهاجر نیز به تدریج دریافته اند که با وجود گرایش قلبی خودآنان به ازدواج فرزندان با همسر منتخب والدین ناگزیرند تن به انتخاب فرزند بدهند. در کشورهای اسلامی بسیاری از ازدواج ها، از پیش تعیین شده است و بین اقوام و بستگان اتفاق می افتد. (بچه های عمو، خاله، دایی) در مصاحبه های انجام شده دریافتیم که، طرفداران ازدواج با انتخاب پدر و مادر بیش تر با ازدواج بین بچه های عمو، عمه، دایی و خاله موافق هستند تا بستگان دورتر؛ اما در مجموع این درصدها متفاوت است. مثلاً در عین آن که یک سوم افراد با ازدواج از پیش تعیین شده مخالفند، ولی در صد مخالفان با ازدواج بین اقوام درجه یک به یک دوم می رسد.

طلاق و مسأله سرپرستی اطفال.

از رسول اکرم^ع نقل شده است که فرمود: در اسلام هیچ چیز مبعوض تر از طلاق نیست. با این حال، در احکام اسلامی، طلاق به عنوان آخرین راه چاره ناسازگاری ها و مشکلات، به رسمیت شناخته شده است و مراحل و تشریفات آن دقیقاً بیان شده است. اگر چه زن رسماً حق دارد از شوهر طلاق بگیرد، اما عملاً مردها هستند که آسان تر همسر خود را طلاق می دهند. امروز آمار طلاق در بسیاری از کشورهای اسلامی به مراتب پایین تر از ایالات متحده است. بیش تر مسلمانان به این مطلب عقیده دارند که، اگر چه اسلام بر حفظ زندگی زناشویی شدیداً تأکید می ورزد، اما گاهی شرایطی ایجاد می شود که تحمل طلاق و جدایی از ادامه زندگی غیر قابل تحمل زناشویی آسان تر است. در حقیقت بیش از نصف افراد مصاحبه شونده با اظهار نظر ذیل موافقت نمودند:

زوج های مسلمان نباید به سبب عدم رضایت از زندگی زناشویی تن به طلاق بدهند. در صد موافقان با جمله فوق فقط یک پنجم بودند و نزدیک به ۳۰٪ هم در این زمینه اظهار نظر قطعی نمودند. اگر چه مسلمانان متولد آمریکا، بیش تر از مهاجران با نظر موافق به طلاق می نگرند، اما نظر مهاجران هم در این خصوص یکسان نیست. (۷).

توجیهات منطقی اسلام درباره اجازه طلاق در صورت اضطرار، موجب شده است که در این باره اختلاف عقیده زیادی بین مسلمانان وجود نداشته باشد؛ اما درباره مسأله حضانت فرزندان، وضع فرق می کند. (۸) حکم اسلام مبنی بر سپردن فرزندان صغیر به پدر، ظاهراً برای فرهنگ مسلط بر جامعه آمریکا چندان قابل قبول نیست. از اظهار نظرهای جمع آوری شده، چنین بر می آید که ۱۵٪ مسلمانان مقیم آمریکا با حضانت فرزندان به وسیله پدر، بیش از هجده سالگی مخالفند. در مقابل ۴۵٪ با آن موافقت و ۴۰٪ بقیه اظهار نظر قطعی نکردند. در صد اظهار نظرهای موافق و مخالف و ممتنع در دو مورد ضرورت طلاق و نحوه حضانت فرزندان، همخوانی چندان

ندارد. اگر چه تعدادی از مسلمانان با احکام اسلامی در مورد حضانت فرزندان روی موافق نشان می دهند، اما بسیاری از زنان با سپردن فرزندان کم تر از هجده سال به پدر، مخالفند. درباره این که فرزندان به پدر و یا مادر سپرده شود و اگر فرزند دختر یا پسر باشد، کدام یک از والدین صلاحیت حضانت دارند، اختلاف آرای زیادی مشهود است. ما در ذیل، عین اظهار نظر چند نفر را نقل می کنیم.

یک زن سی ساله متولد از پدر و مادر لبنانی:

در مسجد محله ما، مسأله حضانت فرزندان مکرر مورد بحث واقع شده است. می دانید که بر طبق حکم اسلامی، بچه تا سن هفت سالگی معمولاً باید نزد مادر باشد و پس از آن نگه داری وی به پدر محوّل می شود. به عنوان یک مسلمان، ناگزیرم این حکم را بپذیرم، اما وقتی به خودم فکر می کنم و فرض می کنم اگر روزی من از شوهرم طلاق بگیرم و قرار باشد شوهرم درخواست حضانت بچه ها را بکند، بر خود می لرزم. حتی فکرش را هم نمی توانم بکنم. من حکم اسلام را کاملاً قبول دارم و با آن کنار می آیم، اما دلم صد در صد راضی نمی شود.

یک زن جوان هندی در حدود سی ساله:

من عقیده دارم در صورت جدایی زن و شوهر، در مسأله حضانت فرزندان، باید تنها حکم اسلامی راجاری کرد. یک زن جوان مهاجر اهل قطر:

به نظر من پذیرفتن حکم اسلام درباره سپردن بچه ها پس از هفت یا نه سالگی به پدر مشکل است. این مادر است که می تواند به بچه ها آموزش دینی بدهد نه پدر. مادرها دائماً با بچه ها در تماسند و پایه های اخلاقی آنان را مادرها می سازند. یک مهاجر جوان لبنانی:

من با نظر اسلام در خصوص سپردن فرزندان به پدر، پس از هفت سالگی مخالفم. چرا پدر باید بچه را نگه دارد ضمناً این سؤال را هم می توان مطرح کرد که: چرا مادر بچه را نگه دارد من می گویم در صورت وقوع طلاق، بهتر این است که فرزندان، خودشان در محضر دادگاه و حاکم شرع اعلام کنند که با کدام یک زندگی می کنند، پدر و یا مادر.

از بررسی اظهار نظرهای جمع آوری شده چنین بر می آید که بیش تر زنان، موافق حق حضانت فرزندان تا هجده سالگی می باشند. در این اظهار نظر، تفاوت چندانی بین آرای مهاجران و مسلمانان متولد آمریکا به چشم نمی خورد. شاید علت این امر این باشد که معمولاً در دادگاه های آمریکا قضات، بیش تر تمایل دارند که فرزندان، در صورت درخواست مادر، به او سپرده شوند. مسلمانانی که با زن غیر مسلمان ازدواج کرده اند، با این نظر موافق ترند و علت آن هم ظاهراً آن است که این نوع خانواده، چندان مقید به اجرای احکام اسلامی نیستند. کسانی که بیش تر با فرهنگ آمریکایی خو گرفته اند، به خصوص زنان، همین نظر را دارند. (۹).

۱. گسترش ارزشهای اسلامی در ایالات متحده، ص ۷۸.

۲. FEMINIST MOVEMENT. باید توجه داشت که همه خویشاوندان محرم شناخته نمی شوند و محرمیت در بین خویشان و آشنایان یک امر عام نیست، شرایطی دارد که در رساله های عملیه و احکام شرعی بیان شده است.

۴. این عبارت را به جای اصطلاح آمریکایی بسیار رایج **DATING** آورده ایم.

۵. در باره این مسأله، سطح معناداری ضرایب همبستگی به طور قابل ملاحظه ای مثبت است نه منفی. به خصوص با عنایت به محدودیت ازدواج هم زنان و هم مردان مسلمان با سایر مسلمانان.

۶. ر.ک: عبدالله الخولی، اعراب مسلمان در ایالات متحده آمریکا: چاپ ۱۹۶۶.

۷. همان جا.

۸. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: رساله های عملیه.

۹. ایون یازبک حداد و آدیرت لومیس، گسترش ارزش های اسلامی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه افضل وثوقی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، سال ۱۳۷۱.



نهضت ترجمه
Translation Movement
INS

فصل دهم: وضعیت کنونی مسلمانان در آمریکا

وضعیت کنونی مسلمانان در آمریکا

همان گونه که قبلاً خاطر نشان شد، اسلام در آمریکا سریع ترین رشد را در مقایسه با سایر ادیان داشته است. افزایش تعداد مسلمانان در آمریکا در حالی صورت می گیرد که ادیان دیگر روز به روز، تعدادی از طرفداران خود را از دست می دهند. نکته قابل توجه این که مسلمانان آمریکا علی رغم رشد روز افزون خود، هنوز جایگاه مناسب و شایسته ای در این جامعه نیافته و در زندگی فرهنگی و عمومی این کشور، به درستی معرفی و شناخته نشده اند. با این که نزدیک به پنج تا شش میلیون مسلمان در آمریکا زندگی می کنند، ولی هیچ نماینده عمده سیاسی یا فرهنگی، در مراکز بزرگ قدرت و تصمیم گیری این جامعه ندارند. هیچ نامی از یک فرماندار یا شهردار و یا نماینده کنگره که مسلمان باشد به گوش نمی خورد و تنها نام های مسلمانانی چون (محمد علی کلی) قهرمان سابق بوکس و یا (کریم عبدالجبار) ستاره بسکتبال در جامعه آمریکا شناخته شده است. از این رو، با توجه به این که مسلمانان از لحاظ موقعیت های رسمی، سیاسی، سهمی از قدرت ندارند، در برابر تبعیض و بدفهمی و بدبینی جامعه نسبت به خود آسیب پذیر می باشند. مهم تر از همه این که تبلیغات منفی و یک طرفه رسانه های ارتباط جمعی آمریکا با نشان دادن چهره های ناخوشایند و ضد انسانی از اسلام و معادل قرار دادن اسلام با تروریسم باعث ایجاد جو بدبینی و حتی نفرت نسبت به اسلام و مسلمانان در خارج و داخل گردیده و در این میان مسلمانان آمریکا نیز آماج حملات تبعیض آمیز و کینه توزانه قرار داشته اند. به عنوان مثال، پوشش خبری جریان انفجار مرکز تجارت جهانی در نیویورک و موضع گیری مغرضانه رسانه های خبری این کشور، باعث تقویت نگرش منفی و تردید آمیز مردم آمریکا نسبت به مسلمانان این کشور گردیده است. (آلبرت مخبر)، رئیس کمیته ضد تبعیض اعراب آمریکایی در این باره می گوید:

همگی می دانیم که در همه مذاهب، افراد متعصب وجود دارند، ولی یک چنین تفکیکی هیچ گاه از سوی رسانه ها صورت نمی گیرد و همین امر در ایجاد جو بدبینی، بسیار مؤثر است. اصلاً چه کسی این پرسش را؛ مطرح کرده است که آیا دیوید کورش (رهبر گروه مذهبی در ویکیوی تگزاس که طی حمله نیروهای دولتی همراه با تقریباً تمامی پیروان خود به آتش کشیده شد و سوخت) نماینده همه مسیحیان بود ما در شرایط کنونی، با نوعی ضدیت با نژاد سامی و عمدتاً یهود رو به رو هستیم که البته صورت ضدیت با مسلمانان و اعراب پیدا کرده است. (۱).

نگرش مردم آمریکا نسبت به اسلام.

نکته قابل ذکر این است که موضع گیری خصمانه و تعصب آمیز علیه مسلمانان آمریکا، از حد برخوردهای لفظی و شفاهی فراتر رفته و جنبه عملی به خود گرفته است. به گفته آلبرت مخبر، هر حادثه ای که در ممالک خاورمیانه اتفاق می افتد، رسانه های خبری با تبلیغات یک طرفه و تحریف آمیز، احساسات مردم آمریکا را علیه مسلمانان تحریک می کنند، تاجایی که حملات مکرر تلفنی به مسلمانان، تدریجاً به مرحله حملات فیزیکی و منفجر کردن مساجد می انجامد. و اگر کسی در مقام دفاع از مسلمانان این کشور بر آید به احتمال زیاد از حملات افراد متعصب در امان نخواهد بود. خانم ایوان حداد که خود یک مقام علمی و پژوهشگر برجسته در زمینه تاریخ اسلام در دانشگاه (امهرست ماساچوست) است واز لحاظ اعتقادی، مسیحی و همسر یک کشیش فرقه اپیسکپال است، به دلیل داشتن ریشه عربی و نوشتن درباره اسلام و مسلمانان بارها تلفن ها و نامه های تهدید آمیز دریافت داشته است. برای نمونه، وی پس از یک برنامه تلویزیونی در شهر نیویورک که طی آن از اسلام به عنوان یک دین صلح دوست، سخن به میان آورد، چند نامه تهدید آمیز دریافت کرد که روی یکی از کارت پستال هایی که برای او فرستاده بودند، نوشته شده بود (مرگ بر مسلمانان)، (برگرد به همان جایی که از آن جا آمده ای).

مدتی است که مسلمانان آمریکا با توجه به آزارهایی که دیده اند و با استفاده از تجربه اقلیت های دیگر این کشور، شروع به ایجاد تشکیلاتی برای طرح مسائل خود و رسیدن آن به گوش مردم کشور نموده اند. گفته می شود که گروهی از مسلمانان در اوایل دهه ۱۹۹۰ شورای مسلمانان آمریکا AMC را بدین سبب، از مسلمانان برگزیدند تا منافع مسلمانان را در واشنگتن نمایندگی کند و اطلاعات لازم را درباره اسلام برای غیر مسلمانان فراهم نماید. در واقع بنا به گفته (عبدالرحمان العمودی) رئیس شورای مسلمانان آمریکا، هدف اصلی این شورا این است که به مردم آمریکا تفهیم کند که مسلمانان کشور را نباید با سایر مسلمانان خارج از آمریکا یکی بگیرند؛ زیرا مسلمانان این جا یک موجودیت آمریکایی دارند و می خواهند در آمریکا زندگی کنند. (۲).

به نظر تحلیلگران، علاوه بر دشمن دیرینه تمدن غرب و کلیسا با اسلام، عواملی چون: جنگ اعراب و اسرائیل در پنجاه سال گذشته، بحران نفتی اوایل دهه ۱۹۷۰، انقلاب اسلامی ایران و جنگ خلیج فارس در شکل دادن تصور ذهنی مردم آمریکا نسبت به مسلمانان بسیار مؤثر بوده است. به زعم این دسته از ناظران، شاید هیچ واقعه ای بیش تر از انقلاب اسلامی و مخصوصاً بحران گروگان گیری، که طی آن ۵۲ دیپلمات و سرباز آمریکایی به مدت طولانی در ایران باز داشت شدند، در شکل دادن تصویر اسلام در ذهن مردم آمریکا به دست رسانه های ارتباط جمعی و مخالف اسلام، مؤثر نبوده است. به گفته خانم حداد، بازداشت طولانی مدت گروگان ها در ایران، به صورت سمبل بسیاری نمایانی از ضعف و آسیب پذیری آمریکا در خاور میانه جلوه گر شد و باعث شد که مردم آمریکا تحت تأثیر تبلیغات منفی و ضد اسلامی، نسبت به اسلام، نظر دیگری پیدا کنند. ایوان حداد در این زمینه می گوید:.

پس از جریان گروگان گیری تصور منفی و بدبینی مردم آمریکا نسبت به اسلام، تقویت گردید؛ مخصوصاً که مبارزان مسلمان با دست زدن به اقدامات گوناگون در صدد صدور انقلاب اسلامی به دیگر نقاط جهان و جایگزین ساختن قوانین اسلامی به جای نهادهای سکولار و غیر مذهبی در کشورهای اسلامی بر آمدند.

به نظر وی فعالیت های اسلامی تنها به ایران ختم نمی شود، بلکه در بسیاری از نقاط جهان، بویژه در خاورمیانه در ممالکی چون: مصر و الجزایر شدت یافته و حکومت های این کشورها در معرض تهدید جدی مسلمانان قرار گرفته اند. مهم تر از همه این که جنبش های اسلامی در ممالکی که قبلاً بخشی از امپراتوری شوروی سابق بودند، مثل تاجیکستان و افغانستان در ایجاد ذهنیت منفی نسبت به اسلام به عنوان یک دین انقلابی مؤثر بوده است.(۳).

برخی از پژوهشگران معتقدند:

گرچه حوادث خاورمیانه در شکل گیری ذهنیت منفی علیه اسلام و مسلمانان بسیار مؤثر بوده، ولی سوء تعبیر و بدفهمی حوادث خاورمیانه بیش از خود آن حوادث در ایجاد نگرش بدبینانه نسبت به اسلام تأثیر گذار بوده است. به گفته خانم حداد، در آمریکا و دیگر ممالک غربی، اسلام به عنوان تروریسم، بی منطقی، تنفر نسبت به مسیحیت و یهودیت و تلاش مسلمانان برای نابودی غرب یهودی و مسیحی معادل گرفته شده و این گونه به مردم تفهیم شده است. بنیادگرایی اسلام از اختراعات آمریکاست. اصلاً چیزی به نام بنیادگرایی اسلامی وجود ندارد و حتی در زبان عربی چنین کلمه ای موجود نیست.(۴).

برخی از متخصصان آمریکایی معتقدند که برای رفع شبهه نسبت به اسلام و مسلمانان لازم است که واقعیات مذهبی، سیاسی و اجتماعی خاورمیانه بهتر درک شود. یکی از کسانی که دارای چنین طرز تفکری است، گروگان سابق آمریکا در تهران (مورهد کندي) می باشد وی می گوید:

اسلام یک روش زندگی، یک فرهنگ، یک سیستم حقوقی و سیاسی است. از این رو، نمی شود از این واقعیت، کنار ماند.

وی معتقد است که رهبران ضد غربی خاورمیانه برای جهاد علیه حکومت های سکولار و تحت الحمایه آمریکا، شدیداً مورد حمایت توده های مردم قرار دارند، کندي در این زمینه یادآور می شود:

جنگ مذهبی تا حد زیادی بخشی از ایمان است، ولی این بدان معنا نیست که مسلمانانی که در خیابان آتلانتیک منطقه بروکلین، رستوران دارند و مطیع قوانین آمریکا هستند، می خواهند دست به جهاد بزنند.(۵).

مسلمانان آمریکا جملگی براین باورند که رسانه های جمعی این کشور به دلیل گزارشات یک جانبه و تحریف واقعیات، بیش از همه در ترویج روح بدبینی نسبت به اسلام مقصرند؛ زیرا رسانه ها با انگشت گذاشتن روی موضوعات احساس برانگیز و بزرگ جلوه دادن آنها در ایجاد هیجان ضد اسلامی مردم آمریکا نقش تعیین کننده ای بازی می کنند.

شاکر السید سخنگوی (ایسنا) در این زمینه می گوید:

اسلام دارای ماهیت صلح دوستانه است؛ اما به محض این که یک عمل اشتباه آمیز صورت می گیرد، مسلمان ها در رسانه ها مطرح می شوند. آنچه که مایه تأسف است این است که رسانه های آمریکا نه تنها اسلام و مسلمانان را به وقایع جنایی مرتبط می سازند، بلکه طوری مسلمانان را نشان می دهند که گویی ارتکاب هرگونه عمل نادرستی به دست آنان صورت می گیرد. مهم تر از همه این که تصویری غلط و منفی از اسلام از سوی برنامه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی حتی در ذهن کودکان و نوجوانان آمریکایی نقش می

بندد؛ زیرا در خلال این برنامه ها، مسلمانان به صورت افرادی شرور، و بزهکار معرفی می شوند. یکی از نمونه های این گونه برنامه ها، نمایش فیلم کارتون (علاء الدین) است که در آن مسلمانان و اعراب به صورت افرادی ظالم و ترسناک جلوه گر شده اند. در یکی از صحنه های این فیلم، زنی که یک سیب را برای کودک گرسنه دزدیده است، از سوی مسلمانان تهدید به قطع دستان می شود. (محمد مجید) از مرکز اسلامی می گوید: (نشان دادن این گونه صحنه ها نوعی معرفی نادرست اسلام است؛ زیرا دستان هیچ کس از نظر قوانین اسلامی به جرم دزدیدن سیب برای یک بچه گرسنه قطع نمی شود.) (۶).

مشکلات فرهنگی و محیطی.

نکته دیگری که ناظران به عنوان یک مشکل مبتلا به مسلمانان آمریکا به آن اشاره می کنند، مسأله محیط فرهنگی خاص آمریکاست که به سبب عدم تجانس با فرهنگ اسلام، باعث بروز مشکلاتی برای مسلمانان کشور می شود. گرچه به گفته خانم حداد، اسلام کم تر از مسیحیت و یهودیت دارای یک ساختار رسمی است. با این حال، انجام فرایض دینی برای مسلمانان در این کشور به مراتب مشکل تر از انجام همین فرایض در کشورهای اسلام است. البته برای گروهی از مسلمانان از جمله (عبدالله خوج) مدیر مرکز اسلامی واشنگتن هیچ مشکلی از حیث انجام فرایض دینی در محیط آمریکا وجود ندارد؛ زیرا به نظر اینان یک مسلمان معتقد، باید در هر شرایطی آداب دینی خود را به جای آورد؛ ولی آنچه بیش تر مسلمانان این جا بدان معترفند، این است که تربیت فرزند در این محیط، بسیار مشکل است. مخصوصاً که به قول عبدالله خوج، تلویزیون روی کودکان تأثیر بسیار نامطلوبی به جای می گذارد و باعث می شود که آنان درک واقعیت های اصیل را از دست بدهند. مهم تر از همه این که بچه ها بسیاری از چیزهایی را که در تلویزیون می بینند، می خواهند و چون والدین قادر به تهیه آنها نیستند، نوعی نفرت نسبت به والدین در آنان به وجود می آید. از این رو، بسیاری از مسلمانان برای خنثی کردن تأثیرات منفی محیط بر فرزندان خود، آنان را به مدارس اسلامی می فرستند تا طبق اصول اسلامی تربیت شوند؛ ولی برای همه مسلمانان کشور، امکانات کافی برای فرستادن فرزندان خود به مدارس خصوصی اسلامی وجود ندارد و از این رو، آنان ناگزیرند کودکان خود را به مدارس دولتی آمریکا بفرستند و با مشکلات عدیده ای مواجه شوند. یکی از این مشکلات، نحوه پوشش محصلان است. طبق مقررات این مدارس، لازم است که محصلان، یونیفورم مخصوص که غالباً کوتاه است بپوشند. البته برخی از مدارس بنا به درخواست والدین مسلمان بچه های آنان را از پوشیدن یونیفورم کوتاه معاف می کنند، ولی مشکل آنان تنها با حل این مسأله از بین نمی رود. بحرانی ترین شرایط فرهنگی برای محصلان مسلمان وقتی پیش می آید که آنان وارد دبیرستان می شوند. جایی که مصرف مواد مخدر و روابط جنسی بین محصلان آمریکایی بیداد می کند و با معیارهای ارزشی اسلام کاملاً در تضاد است. معمولاً در محیط های آموزشی آمریکا دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر به طور مختلط در کلاس می نشینند و در پارتی های مدارس که مصرف

مشروبات و رقص و مانند اینها یک امر عادی فرهنگی برای شان محسوب می شود، فعالانه و مشتاقانه شرکت می کنند، حال آن که دانشجویان مسلمان، نه تنها از شرکت در این گونه فعالیت ها منع شده اند، بلکه به دلیل حفظ شعائر دینی باید ظاهر و رفتاری متناسب با باورهای مذهبی خود داشته باشند که در این صورت، در بین هم کلاسی ها و سایر محصلان کاملاً انگشت نما شده و در مواردی مورد تمسخر و اذیت و آزار قرار می گیرند. یکی از نمونه های این گونه رفتارها و ظواهر اسلامی، پوشش حجاب برای دختران است که البته درباره همه دختران مسلمان در مدارس مصداق ندارد.

به طور کلی برخورد بین ارزش های اسلامی و محیط فرهنگی سکولار آمریکا در مدارس شرایطی پیش می آورد که تعدادی از جوانان مسلمان به نوعی با محیط غیر مذهبی این کشور کنار بیایند. برای نمونه، برخی از دخترها موقتاً تا پیش از ازدواج ممکن است حجاب اسلامی نپوشند و برخی ملاحظات دیگر اسلامی را در سنین نوجوانی جدی نگیرند؛ زیرا فشارهای فرهنگی محیط به قدری زیاد است که برای برخی از مسلمانان، مخصوصاً نسل جوان مسلمان که در این جا متولد و پرورش یافته، مقدور نیست خود را با استانداردهای مذهبی هماهنگ سازند و ناگزیر گرایشهای فرهنگی محیطی آنان در مواردی برگرایشات مذهبی آنان غلبه می کند. محقق برجسته مسائل اسلامی در آمریکا، خانم ایوان حداد می گوید:

نحوه زندگی والدین مهاجر و نسل دوم مسلمان در آمریکا، دارای تفاوت های چشمگیری می باشد. بسیاری از جوانان مسلمان برخی از مقررات سخت گیرانه اسلامی را مورد بی توجهی قرار می دهند.

خانم حداد معتقد است که، درصد کمی از مسلمانان آمریکا افرادی مذهبی و متعهد به انجام فرایض دینی هستند؛ یعنی، نزدیک به ۵ تا ۱۰٪ آنان آداب دینی را به جای می آورند و ملاحظات اسلامی را جدی می گیرند و بقیه گرچه اسماً مسلمان هستند، ولی عملاً طبق الزامات فرهنگی محیط سکولار آمریکا عکس العمل نشان می دهند و به قول معروف هم رنگ جماعت هستند. از این رو، وقتی از مسلمانان در آمریکا صحبت می شود، نباید تصور شود که همه آنان افرادی مذهبی و متعهد به رعایت اصول اسلامی هستند. (۷).

Translation Movement
JMS

تلاش مسلمانان آمریکا برای شناساندن خود به جامعه.

علی رغم رشد اسلام در این کشور، هنوز برای بسیاری از مردم آمریکا، اسلام کاملاً ناشناخته است و به گفته (احسان بگ بای) مدیر انستیتوی منابع اسلامی، بیش تر مردم آمریکا شناخت بسیار اندکی نسبت به اسلام دارند و خیلی ها هم اصلاً اسلام را نمی شناسند. یکی از دلایل اصلی آن، تبلیغات منفی رسانه ها و محافل خبری علیه اسلام و مسلمانان بوده که در ایجاد تصویر بسیار ناخوشایند از اسلام در ذهن مردم کشور تأثیر زیادی داشته است. از این رو، در شرایط کنونی تلاش برای نشان دادن چهره حقیقی اسلام و مسلمانان به صورت یکی از چالش های مهم مسلمانان آمریکا در آمده است.

مسلمانان این کشور بر این باورند که اسلام می تواند خیلی چیزهای خوب به این جامعه که گرفتار هرج و مرج روز افزون اخلاقی و انواع مفاسد اجتماعی است عرضه کند. یکی از این ارمغان های اسلامی، تبلیغ پیام برادری و تقویت رشته مودت بین افراد است. این پیام اسلامی بیش از هر چیز در بین سیاهان کشور که طی قرون متمادی به صورت های گوناگون مورد ستم و تبعیض بوده اند جاذبه دارد. این گونه تبلیغات، ضمن جلب توجه بسیاری از مردم کشور به مبانی حقیقی اسلام، باعث گردید که نگرش قبلی نسبت به مسلمانان تا حدی تعدیل یابد و علی رغم تبلیغات منفی محافل خبری و مخالف اسلام، مسلمانان تدریجاً بتوانند خود را به مردم کشور بشناسانند و نشان دهند که توجه به مسائل اخلاقی و انسانی و سلامت خانواده و تربیت فرزندان و مبارزه با عوامل نابود کننده روابط انسانی و عاطفی چه در جامعه و چه در کوچک ترین واحد جامعه؛ یعنی، خانواده از خصوصیات زندگی آن است نه کشتن و بمب گذاری کردن. نکته جالب توجه این که در پاره ای از موارد برای مبارزه با انحرافات اجتماعی و مفاسد اخلاقی که به صورت موربانه ای پیکره فرهنگی و اخلاقی این جامعه را از درون می خورد و شیرازه نظام اجتماعی و فرهنگی کشور را به اضمحلال و سقوط تهدید می کند، اولیای امور در سطح شهر و محلی، دست استمداد به سوی مسلمانان دراز می کنند و در بسیاری موارد نیز مسلمانان داوطلبانه در چنین مبارزه ای شرکت می نمایند که نمونه اش همکاری مسلمانان سیاه و وابسته به گروه ملت اسلام به رهبری لوئیس فراخان و دیگر مسلمانان در برخی از شهرها برای مبارزه با باندهای مواد مخدر می باشد. در زندان های آمریکا نیز برای آرام کردن و اصلاح زندانیان بدسابقه و شرور از مسلمانانی که به دلایلی به زندان می افتند، استفاده می شود که البته تا حدود زیادی به نقش تبلیغاتی و تأثیر گذاری مسلمانان اعتبار بخشیده است.

به هر حال، تلاش های سازمان یافته برخی از گروه های منسجم مسلمان در معرفی ارزش های اسلامی و باورهای اعتقادی و سبک زندگی و ایده آل های انسانی خود بی تأثیر نبوده است. مسلمانان آمریکا کاملاً دریافته اند که در سایه فعالیت های تشکیلاتی و سازمان یافته و هماهنگ بهتر و مؤثرتر می توانند صدای خود را به گوش مردم کشور برسانند و از حقوق حقه خود دفاع نمایند و از امکانات و فرصت های موجود این جامعه بهره برداری مثبت کنند. به گفته (آلبرت مخبر)، رئیس کمیته ضد تبعیض اعراب آمریکایی، مسلمانان تا مدت ها به دلیل نداشتن سازمان های مخصوص به خود قادر نبودند برای رفع مشکلات مبتلا به مسلمانان در این کشور کاری کنند و از حقوق خود دفاع نمایند. برای نمونه، کمیته مذکور طی یک اقدام هماهنگ توانست مقامات کشور آمریکا را متقاعد کند که زنان مسلمان به هنگام عکس گرفتن برای تقاضای شهروندی یا اخذ کارت اقامت دایم و تقاضاهای دیگر، حجاب خود را داشته باشند. این کمیته همچنین اخیراً با وزارت دفاع آمریکا بر سر نشان دادن یک فیلم آموزشی نظامی به افسران تفنگدار در پایگاه هوایی والنوت در کالیفرنیا که در آن به مسلمانان اهانت شده بود، برخورد جدی نمود. در این فیلم، که یک افسر مسلمان آمریکایی نیز در بین سایر افسران ناظر آن بود، مسلمانان به عنوان افراد تروریست و دشمن انتخاب شده بودند.

افسر مسلمان از کمیته ضد تبعیض اعراب آمریکایی خواست تا این مسأله را دنبال کنند، آلبرت مخبر رئیس کمیته مذکور در این زمینه گفت: این فیلم، یک تبلیغ ضد اسلامی و ضد اعراب بود و می خواست نشان دهد

که مسلمانان و اعراب، تنها تروریست های جهان هستند، حال آن که آمار موجود نشان می دهد که اقدامات تروریستی جاهای دیگر خیلی بیش تر از خاورمیانه اتفاق می افتد. بیش تر مردم آمریکا عموماً به حقوق مدنی و قانونی دیگران تعدی نمی کنند، بلکه ریشه اصلی تبعیض به گفته^۸ (توماس جفرسون)، جهل است. از این رو، ما سعی می کنیم این خلأ را با آموزش دادن پر کنیم.(۸).

همان گونه که در فوق اشاره شد. مسلمانان طی چند سال اخیر سعی کرده اند با تشکیل سازمان های مخصوص، صدای خود را به گوش مردم آمریکا برسانند و در این کار تا حدی موفق بوده اند، هرچند حوزه تأثیر گذاری این سازمان ها هنوز کاملاً ملموس نیست. در همین راستا به گفته (بگ بای) مدیر انستیتیوی منابع اسلامی در سال ۱۹۹۰ شورای مسلمانان آمریکا تأسیس شد تا به عنوان صدای سیاسی جامعه اسلامی فعالیت کند هر چند به گفته عبدالرحمان العمودی تنوع و گوناگونی مسلمانان مشکلاتی بر سر راه این مأموریت است. وی در این زمینه می گوید:

تقریباً ۵٪ اعضای جامعه اسلامی AMC مسلمانان بومی و بقیه مسلمانان عرب، ایرانی، پاکستانی، هندی، ترکیه ای و غیره هستند که هر یک خواسته های گروهی خود را دنبال می کنند. همین امر مشکلاتی را ایجاد کرده و لذا این شورا تلاش می کند که همه را زیر پرچم واحد اسلام متحد و هماهنگ سازد. اما قابل ذکر است که در سال های اخیر، شواهدی دال بر بازگشت به ریشه های اسلامی به چشم می خورد. این امر البته تا حدودی معلول هجوم فرهنگی است که بسیاری از مردم در آمریکا احساس می کنند، جوامع اسلامی کاملاً دارای نظم و ترتیب هستند. مسلمانان خود را با آمریکایی که در مدارس آن وسایل ضد بارداری توزیع می گردد، همگن نمی کنند، بلکه تجدید حیاتشان همانند سایرین، زمینه و مبنایی معنوی دارد.(۹). مثلاً درباره ارزش خانواده در بین مسلمانان، یک امام جماعت (جمال طیبی) که در عین حال یک پدر نیز هست می گوید:

خانواده، یکی از بزرگ ترین چالش هاست. ما در بحبوه یک رشته آمیزش ها و همگن سازی های فرهنگی و نژادی قرار گرفته ایم، ولی ما نمی خواهیم که هویتمان از بین برود. Translating Islam
MS صاحب یک چایخانه نیز می گوید:

اگر پسر من با یک غیر مسلمان ازدواج کند، با مشکل بزرگی مواجه خواهیم گردید. من به هر کاری که در توانم باشد دست خواهم زد تا مانع از انجام چنین ازدواجی بشوم.

بسیاری از مسلمانان آمریکا چه آنان که با جامعه این کشور، همگن شده اند و چه آنان که تازه به این کشور آمده اند، رفته رفته به آرمان های اسلامی خانواده باز می گردند. بسیاری از این مسلمانان، اعم از واقعی و اسمی، خواستار محکم تر شدن اساس خانواده بوده و سعی می کنند فرزندانشان را با ارزش های اجتماعی محافظه کار، آنچه که آن را میراث اسلام می خوانند پرورش دهند. از نظر مسلمانان، خانواده و هویت طوری با هم عجین گردیده اند که آمریکاییان، با گرایش های فردگرایانه تر خود، ممکن است قادر به شناخت آن نباشند. با این حال، آرمان خانواده اسلامی سنتی نیز تنش هایی در میان مسلمانان آمریکا، بویژه در میان آنان که از لحاظ اقتصادی وضع نامطلوب تری دارند، به وجود می آورد. به طور مثال، در شارون، ماساچوست،

مسلمانان مؤمن به منظور بحث و تبادل نظر درباره ارزش های خانوادگی، در یک مرکز اسلامی روستایی گرد آمده اند. این مسلمانان، در مقایسه با مسلمانان آیوا، در آمریکا مشکلات بیش تری دارند، بیش تر آنان در این جا کم تر از پانزده سال سابقه اقامت دارند و از ظاهرشان بر می آید که از طبقه کارگر هستند. در این گرد هم آیی، زنان و مردان، جدای از یکدیگر نشسته اند و یک روحانی یمنی تبار که لباس سفید به تن دارد و به زبان عربی تکلم می نماید، خاطر نشان می سازد که کودکان را باید از تماشای تلویزیون بر حذر داشت، مگر آن که برنامه های آن اسلامی باشد.

بسیاری از حاضران با تکان دادن سر، نظر او را تأیید کردند، اما نه همه آنان. در بیرون این جلسه، یک زن به یک بانوی خبرنگار گفت:

مثل این که این مردها بچه های خود را در این مملکت بزرگ نمی کنند. نمی دانم اصولاً آیا می دانند که ما چه می کنیم یا خیر.

یک مادر شرکت کننده در جلسه سؤال مکتوبی در اختیار روحانی مزبور قرار داد. سؤال وی درباره پسران خودش بود که به جای شرکت در فعالیت های مسجد، به بازی و ورزش می پردازند. در سؤال وی آمده بود: آنان همین الان سرگرم بازی بسکتبال هستند.

یکی از بچه های حاضر در محوطه محل برگزاری جلسه مزبور، خالد، پسر سیزده ساله ای است که به مدرسه معروف لاتین بوستون می رود. وی آرزویش این است که سرانجام در تیم ملی فوتبال کشور بازی کند. خالد با زیرکی و فراست از اعتقادات مذهبی سفت و سخت خانواده اش و نیز از فرهنگ خاصی که در آن زندگی می کند، سخن گفت. او تمامی تحولات انجام گرفته در تیم های ورزش مورد علاقه اش را دنبال می کند. هم مسلمانان محافظه کار و هم مسلمانان لیبرال، تصویری از خانواده ارائه می دهند که گاهی اوقات به شکل متعصبانه به آن نگاه شده است. مسلمانان سعی می کنند در برابر فرهنگ حاکم بر جامعه تسلیم نشوند، آنان می کوشند یک شبکه پشتیبانی تشکیل دهند که بهترین چیزهایی را که از زاد و بوم های خود به یاد می آورند عرضه نماید.

Translation Movement

(ماهر سید) صاحب یک شرکت بازرگانی در اورلاندو، فلوریدا می گوید:

در اردن، پدرم هیچ گاه درباره اسلام با من گفت و گو نمی کرد، اما در این جا، من ناگزیرم جولانم را برای پسرم فراهم آورم. او در حالی بزرگ می شود که نماز گزاردن و عبادت کردن پدرش را شاهد می باشد. بخش اعظم قرآن، تفاسیر آن بویژه بازوی نامرئی قدرتمند سنت فرهنگی اسلام به رفتار خانواده مرتبط می شود. مسلمانان شیفته آن هستند که بگویند اسلام یک دین کامل است. به طور مثال، حضرت پیامبر اکرم فرموده است:

ازدواج نیمی از ایمان است.

از نظر مسلمانان مؤمن، احکام مذهبی، مستقیماً به چشم اندازهای زندگی در آخرت مربوط می شود. (۱۰). در خصوص وضعیت مدارس و کودکان مسلمان هم، (رفاه کوکهار) یک مسلمان آفریقایی آمریکایی که با یک پاکستانی ازدواج کرده و چهار فرزند دارد می گوید:

البته تربیت کودکان به صورتی که مسلمانی خوب بار بیایند کار ساده ای نیست. از دست دادن فرزندان ما یکی از بزرگ ترین مسائل مورد بحث در جامعه اسلامی است؛ چرا که بسیاری از کودکانی که علاقه ای به دین و به طور کلی اعتقادات مذهبی والدین خویش ندارند.

اگر بتوانید پیش از سنین بلوغ، نظر آنان را به عقاید مذهبی خود جلب کنید شاید موفقیت خواهید داشت، در چنین صورتی، ارزش هایی را در آنان به وجود می آورید که بعدها آن را مورد ارزیابی قرار خواهند داد. یکی از مسائلی که وجود دارد، مدرسه است. بین ۹۰ تا ۹۵٪ از بچه های مسلمان به مدارس دولتی می روند.

محیط این مدارس به گونه ای است که بیش تر والدین آن را مسموم و تباه کننده می دانند، اما مسلمانان به این نکته نیز اعتراف دارند که مدارس خاص خودشان در پایه های بالاتر از کلاس ششم ضعیف هستند.

از این رو، پدران و مادران مسلمان تا آن جا که در توان دارند می کوشند تا آموزش و پرورش دولتی را تکمیل نمایند. آنان برنامه های نرم افزاری جدیدی درباره آموزش قرآن، تاریخ اسلام و زبان عربی خریداری می کنند. همچنین بازی ها، جدول ها و آزمون هایی در اختیار آنان قرار می دهند. برنامه های کامپیوتری قرآن به زبان عربی وجود دارد. CD - ROM.

در سال های اخیر، کارتون ها، فیلم ها و دیگر برنامه های اسلامی جدید ویژه کودکان و نیز مجلات اسلامی کودکان در دسترس می باشد. یکی از این مجلات (MUSLIM KALEIDOSCOPE) نام دارد که انتشار آن در ژوئیه ۱۹۹۵ از سوی یک ناشر بنام آغاز گردید. کیفیت تصاویر و اشکال دایناسورها و حیوانات در این مجله درست به همان گونه ای است که در تازه ترین کتب و نشریات ویژه کودکان در کشور وجود دارد، اما داستان های منتشره در مجلات اسلام دارای محتوای اخلاقی و جنبه های اسلامی است. این داستان ها به زبان های انگلیسی، عربی و اردو به چاپ می رسد.

در اردویی که در بالا بدان اشاره شد، کودکان پس از انجام فعالیت هایی چون: نقاشی، بسکتبال، شنا و نیز صرف نهار، نماز ظهر را به جای می آورند و در یک کلاس آموزش مسائل اسلامی شرکت می جویند. حسن یک داوطلب اریتره ای که در برگزاری این اردو همکاری دارد می گوید: کلمه روز الرحمان است. الرحمان یکی از نام های ۹۹ گانه خداوند و به معنای بخشنده ترین است. پسرها در قسمت جلو و دخترها در پشت سر آنان می نشینند. آنان یک صدا می گویند: (من قول می دهم دروغ نگویم و همواره راست گو باشم). (۱۱).

لذا بر این اساس، مسلمانان مدرسه الهدی را دو سال پیش که احساس می کردند سیستم دولتی نیازهای آنان را بر آورده نمی کند، تأسیس کردند. این مدرسه که دارای ۷۶ دانش آموز از مقطع کودکستان تا سال چهارم است، بیش از دو برابر تعداد دانش آموزی که ثبت نام کرد، متقاضی ثبت نام داشت.

آکادمی اسلامی سعودی در بخش فرفاکس که از سوی دولت عربستان سعودی در سال ۱۹۸۴ (۱۹۳۶) تأسیس شد و شامل کودکستان تا کلاس دوازدهم است، به همان تعداد ۱۲۰۰ دانش آموز مشغول تحصیل خود، در لیست انتظار، متقاضی ثبت نام دارد.

مدرسه کلارا محمد واقع در ناحیه کلمبیا (واشنگتن) و مدرسه جامعه مسلمان واقع در پرتوماک نیز آموزش اسلامی ارائه می کنند. تمامی مدارس اسلامی، بر پایه درسی آموزش و پرورش منطقه، درس های عربی و

تعلیمات اسلامی کامل ارائه می کنند. در مدرسه الهدی تمام کلاس ها از لحاظ اسلامی تدریس می شوند. (۱۲).

۱. 2. C.Q.R.1993. همان جا.

۳. 5.LOS 1993 p.9 4.YVANNE &J,SMITH . C.Q.R.JULY 1991

7. C.Q.R.1993 . 6 . ANGLES TIME, MARCH 15,1993. همان جا.

۸. همان جا.

۹. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۱۰. رابرت مارکند، لامیس آندونی، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۱۱. لامیس آندونی، رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۹.

۱۲. مک تارا، واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۹۶/۱۰/۱۵.



نَهَضَتِ تَرْجَمَه
Translation Movement
.INS

فصل یازدهم: فعالیت سیاسی مسلمانان در آمریکا

فعالیت سیاسی مسلمانان در آمریکا

ادعا می شود که برخی از سازمان های اسلامی آمریکا خود را ملزم به فعالیت های سیاسی در چارچوب قوانین این کشور می دانند. برای مثال، شورای مسلمانان آمریکا AMC نیز خود را بازوی سیاسی مسلمانان می شناسد و دفاع از مسلمانان در برابر تبعیض را از نمونه مسؤولیت های آن است و همچنین تلاش می کند سیاست آمریکا را در قبال خاورمیانه به نفع فلسطینی ها تحت تأثیر قرار دهد، با این حال، مسلمانان علی رغم مختصر اقدامات اولیه ای که آغاز نموده اند، هنوز فاقد یک صدای روشن سیاسی هستند. یکی از دلایل آن، عدم تقارن فکری مسلمانان آمریکا درباره ضرورت فعالیت های سیاسی در این کشور است. برای مثال، در کمیته برنامه ریزی (ایسنا) که در ششم دسامبر ۱۹۸۶ در (پلین فیلداین دینا) برگزار شد، نظریات متضادی در زمینه فعالیت های سیاسی این سازمان عرضه شد. البته ایسنا که به سبب ساخت فکری و نفوذ عربستان، معمولاً دست به فعالیت سیاسی عمده ای نمی زد، تحت فشار انتقاداتی که بدان می شد ناگزیر شد که فعالیت سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد، مخصوصاً که بسیاری از رهبران آن را افرادی تشکیل می دادند که سابقه مبارزه در جنبش های اسلامی اخوان المسلمین و جماعت اسلامی داشته اند؛ ولی برخی از گروه های اسلامی به طور کلی با هرگونه درگیر شدن در فعالیت های سیاسی مخالفت می ورزند. در واقع، طبق بررسی ایوان حداد، سه گروه اسلامی شامل: جماعت تبلیغی، گروه سلفیه و گروه های جدایی طلب سیاهان، مخالف فعالیت سیاسی بوده اند.

جماعت تبلیغی، عمدتاً از هندی ها و پاکستانی ها و برخی از سیاهان تشکیل شده و در واقع بزرگ ترین نشست های سالیانه اسلامی در آمریکا را برگزار می کند که گاهی به ده هزار نفر می رسد و بیش تر شرکت کنندگان مردان هستند. اعضای این گروه، خود را محدود به برگزاری مراسم مذهبی نموده و عمدتاً تأکیدشان این است که مسلمانان مرد برای انجام مراسم عبادت به مساجد بروند. (۱) (معمولاً این گروه برای تبلیغ اسلام، روش تماس شخصی و ملاقات در منازل را به کار می برند).

گروه سلفیه، در سال های اخیر، رشد زیادی در جامعه آمریکا داشته است. این افراد به مبانی سنتی اسلام تأکید دارند و با هرگونه تعبیر و تفسیر جدید از اسلام و شریعت مخالفند و اسلام مسلمانان اولیه را الگو قرار داده اند. اعضای این گروه را عمدتاً اعراب خلیج فارس و تعدادی از افراد تازه مسلمان تشکیل می دهند. اعضای سلفیه تحت گروه هایی مثل جامعه قرآن و حدیث،^۲ که در لوس آنجلس و شهر واشنگتن مستقر هستند و گروه موسوم به جامعه الهجرة^۳ که مقر آن در نیوجرسی است^۴ سازماندهی شده و گفته می شود که از لحاظ ایدئولوژیکی و مالی، تحت حمایت سفارت عربستان سعودی در واشنگتن و حمایت جامعه احیای میراث اسلامی در کویت و در دارالافتاح در عربستان سعودی قرار دارند. فعالیت های سلفیه محدود به کنفرانس های

آموزشی درباره عقیده می باشد که طی بحث های خود به صوفی ها، شیعه ها و تاحدی به مسلمانان اخوان حمله می کنند و با هرگونه فعالیت سیاسی مسلمانان در آمریکا کاملاً مخالف هستند.(۲).

و اما گروه ثالث، شامل مسلمانان ایده آلیست تجزیه طلب سیاه پوست می باشد که اعضای آن در سراسر آمریکا وجود دارند. این گروه نیز مخالف فعالیت سیاسی جامعه اسلامی از طریق داخل سیستم آمریکا می باشد. یکی از نمونه ها و سمبل های این گروه شخصی به نام (جمیل عبدالله امین) است که رهبر پر جذبه مسلمانان سیاه پوست آتلانتا است. وی معتقد است که، ایجاد جامعه ایده آل اسلامی در داخل آمریکا، ولی مجزای از بدنه اصلی جامعه مذکور، باید در زمره اولویت های جامعه اسلامی باشد. نامبرده اکنون به (امام جمیل العالمین) مشهور است و ۴۲ تن از ائمه جماعات مساجد در سراسر آمریکا از او پیروی می کنند. دیدگاه مشابهی نیز از سوی طارق قریشی، مدیر تراست اسلامی آمریکای شمالی NAIT ابراز شده است.

و اما گروه چهارم، یک موضع ملایم نسبت به فعالیت سیاسی مسلمانان آمریکا دارد. براساس نظریه این گروه، مسلمانان نایستی خود را با فرهنگ آمریکا تطبیق دهند و بهترین راه برای اجتناب از گرفتار شدن در منجلاب فرهنگی آمریکا این است که مسلمانان، جامعه خود را در طریق رشد معنوی و همبستگی و انسجام درونی ترقی دهند.

کسانی چون (احمد ذکی حماد) رئیس سابق (ایسنا) و (آمر حلیم) و (ابراهیم شریف) در زمره چهره های برجسته این خط فکری قرار دارند. در ضمن آمر حلیم و ابو شریف هر دو از ویراستاران نشریه معروف جامعه اسلامی آمریکای شمالی (ایسنا)، یعنی، نشریه هرایزن اسلامی (ISLAMIC HORIZONN) می باشند. آمر حلیم طی مقاله ای ضمن انتقاد به دیدگاه های جمیل عبدالله امین به مسلمانان هشدار داد که اگر می خواهند در این جامعه، تبلیغ اسلامی موفق داشته باشند، باید یک فرهنگ اسلامی در برابر فرهنگ عمومی جامعه آمریکا داشته باشند.(۳).

به نظر وی، جامعه آمریکا عبارت از سیستم طراحی شده ای است که در آن اراده انسان براراده خدا ترجیح داده می شود. از این رو، مسلمانان چاره ای ندارند جز این که با دست خود یک جامعه یک پارچه و منسجم و مشخص بسازند و به تعبیری دیگر خود را از رهبری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا آزاد کنند. وی نتیجه می گیرد که نباید از سیاست دوری جسته و انزوا طلبی را پیشه کرد و درباره فعالیت سیاسی نیز مسلمانان باید مستقیماً نهادهای و ارگان های سیاسی و سیاستمداران و مهم تر از همه مردم آمریکا را در جریان خواسته های خود قرار دهند. از این رو، به نظر وی فعالیت سیاسی مسلمانان عبارت است از این که مسلمانان افراد غیر مسلمان را به مسائل اسلام آموزش بدهند و آنان را در این زمینه آگاه سازند و در عین حال، جامعه اسلامی خود را از نفوذ سیستم آمریکا منع شوند.(۴).

حمایت از نامزدهای انتخاباتی.

گرچه تعدادی از گروه های اسلامی، مخالف فعالیت سیاسی هستند، با این حال، برخی از گروه های دیگر اسلامی معتقدند که، باید از کاندیداهایی چون (جسی جکسون) از حزب دموکرات مسیحی حمایت کنند؛ زیرا وی دارای فکری روشن و مدافع حقوق افراد طبقات و اقشار محروم کارگران و زحمت کشان است و از آن جایی که مهاجران مسلمان و کلاً مسلمانان این کشور تا به حال با چهره های متنفذی چون جسی جکسون و مانند اینها تماس های مکرر نداشته و از سویی نیز فاقد تشکیلات قدرتمند سیاسی می باشند، از این رو، بهتر است از طریق ایجاد ارتباط ارگانیک با شخصیت هایی چون جکسون به نحوی در پروسه فعالیت های سیاسی آمریکا به عنوان شهروند مشارکت نمایند و خواسته های خود را اعلام نمایند. به نظر می رسد که این روش برخورد سیاسی در میان تعداد زیادی از مسلمانان مقبولیت یافته و در جریان انتخابات گذشته، جنبه عملی به خود گرفته است. در این زمینه روزنامه وال استریت جورنال گزارش داد که جسی جکسون حمایت بیش تر جناح های جامعه مسلمانان عرب آمریکایی، شامل: مهاجران لبنانی، فلسطینی و یمنی و سایر مسلمانان را جلب کرده است. (۵).

یکی از عمده ترین دلایل حمایت بسیاری از مسلمانان مهاجر عرب از جسی جکسون، حمایت وی از مردم فلسطین و مخالفتش با سیاست آمریکا در قبال اسرائیل بوده است. در این میان دو گروه از مسلمانان عرب، بیش از سایرین، از نامزدی انتخاباتی جسی جکسون حمایت کردند: گروه اول، جوانان عرب وابسته به طبقه کارگر بودند که در خلال دو دهه گذشته به این کشور آمده و تجربه تازه ای در خصوص تشنجات خاورمیانه داشته اند و گروه دوم، شیعیان رادیکال لبنانی که عمدتاً عناصر سیاسی هستند و از جکسون به خاطر سیاست ضد اسرائیلی او حمایت کردند. به نظر شیعیان لبنانی، پیروزی فردی چون جکسون باعث ایجاد تغییراتی عمده در سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه و در سیاست داخلی این کشور نسبت به مهاجران مسلمان و گروه های مذهبی اسلامی خواهد شد. برخی از رهبران جامعه شیعی آمریکا از جمله مرحوم (امام محمد جواد شری) در دیربورن میشیگان جکسون را فردی راستگو، حقیقت پرست و طرفدار مردم و بهترین نامزد انتخابات رئیس جمهور آمریکا توصیف نموده و شیعیان را ترغیب به حمایت از او نمودند. (۶).

جامعه مسلمانان هند و پاکستان بیش تر فعالیت های لابی گرایانه برای نامزدهای سیاسی از طریق احزاب آمریکا به هدف تأمین کمک به پاکستان تمایل نشان داده اند. برای مثال، در انتخابات دو دوره گذشته، فدراسیون پاکستانی های آمریکا در شیکاگو از نامزدی (گری هارت) نامزد حزب دموکرات برای انتخابات رئیس جمهور حمایت کرد؛ زیرا وی در خلال نطق های مبارزاتی خود قول داده بود که برای حل مسأله آوارگان افغانی در پاکستان کمک به دولت پاکستان را افزایش دهد. این موضوع در روزنامه مستقل مسلمانان پاکستان در آمریکا به نام روزنامه یونیتی تایمز انعکاس وسیع یافت. (۷).

به هر حال به قول روزنامه یو. اس. ای تودی، مسلمانان آمریکا که تا سال دو هزار، پیروان بزرگ ترین دین این کشور پس از مسیحیت را تشکیل خواهند داد، از هم اکنون به تلاش هایی برای کسب احترام و اعتبار در صحنه سیاسی آمریکا دست زده اند. این روزنامه با اشاره به انتخاب مسلمانان برای شرکت در کنوانسیون های

ملی و ایالتی از جمله کنوانسیون هفته آینده حزب حاکم دموکرات در شیکاگو نوشت: مسلمانان در حال تأیید نامزدهای مورد نظر خود و پرداختن به مسائل سیاسی هستند.

در این گزارش خاطر نشان شده است که، مسلمانان آمریکا می‌کوشند از حالت نامرئی سیاسی کنونی خارج شده و از طریق حضور در فعالیت‌های سیاسی هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه، قدرت سیاسی خود را به اثبات برسانند.

یو. اس. ای تودی نوشت: شورای روابط آمریکایی اسلامی قصد دارد طرحی را برای ثبت نام از مسلمانان واجد شرایط شرکت در رأی‌گیری در مساجد سراسر آمریکا تهیه کرده و مهاجران مسلمان را تشویق به گرفتن حق تابعیت کند.

مثلاً، یک گروه جدید به نام گروه زنان مسلمان آمریکا در روز برگزاری انتخابات، سازماندهی حمل و نقل زنان و انجام مراقبت‌های ویژه در این روز برای شرکت آنان در انتخابات را به عهده گرفت. انتظار می‌رفت در این انتخابات همچنین کاندیدای ریاست جمهوری نیز از سوی مسلمانان برگزیده شود. برپایه این گزارش، اتحادیه مسلمانان آمریکا طی سال گذشته دویست نامزد مسلمان برای کنوانسیون‌های ملی و ایالتی انتخاب کردند که از این بین ۴۲ نفر به این کنوانسیون‌ها راه یافتند.

(خالد سفوری) یک عضو شورای اسلامی آمریکا در گفت و گویی با روزنامه یو. اس. ای تودی اظهار داشت: ما بخشی از ملت آمریکا هستیم و همچون هر یک از اقلیت‌های دیگر به سرنوشت جامعه علاقه مندیم. ما سزاوار یافتن جایی در نقشه سیاسی هستیم. (۸).

براین اساس، پس از سال‌ها درون‌گرایی، اکنون مسلمانان آمریکا برای تغییر دادن کلیشه‌ها و شنیده شدن نظریاتشان تلاش می‌کنند.

در گردهمایی (کنوانسیون) این هفته حزب دموکرات (جهان حمدان) متولد کویت از نخستین مسلمانانی است که در کمیته برنامه ریزی خط مشی انتخاباتی یک حزب سیاسی (آمریکا) به فعالیت پرداخته است، او همچنین به سمبل حضور روز افزون مسلمانان در لوس آنجلس و سراسر کشور تبدیل شده بود، حمدان ۲۷ ساله، عضو هیأتی است که هدایت شورای امور عمومی مسلمانان را در لوس آنجلس به عهده دارد. این گروه، مبارزه‌ای را برای ارتقای وجهه اسلام و شش میلیون مسلمان این کشور و نیز نام نویسی رأی دهندگان مسلمان آمریکایی آغاز کرده اند. مبارزه پس از سال‌ها توقف و انتظار، پس از شرکت (هیلاری رودهام کلینتون)، بانوی اول کشور در ضیافت شورای مسلمانان در هتل بالتیمور لوس آنجلس، شتاب تند خود را در ماه مه (اردیبهشت) آغاز کرد. حمدان گفت:.

حضور بانوی اول کشور، حقیقه‌آ راه‌ها را برای ما باز کرد و به ما نشان داد چه توانایی‌هایی داریم. متعاقب آن برای نخستین بار در ماه ژوئیه (تیر) (ریچاد ریاردن)، شهردار لوس آنجلس، در شورا حضور پیدا کرد و اعلام داشت که، حداقل با پاره‌ای از اهداف خانم حمدان اشتراک نظر دارد.

حمدان از قبل تجربی در زمینه سازماندهی سیاسی داشت. او در کنار همکاری با (آرت تورز) (سناتور دموکرات از لوس آنجلس) به اصلاح کتب درسی مدارس دولتی در زمینه فرهنگ اسلامی پرداخت. تورز شش ماه پیش

را به خاطر می آورد که حمدان پیش او آمد تا درباره کلیشه های موجود در کتب درسی مدارس با او به گفت و گو بنشیند.

او گفت:.

در یکی از این کلیشه ها، مردمی با لباس عربی و شتری در کنار آنان نشان داده می شود که می رساند مسلمانانی که در کالیفرنیا زندگی می کنند از این نمونه اند.

به عقیده من چنین نظری ظالمانه بود؛ چرا که مرا به یاد شیوه ای می انداخت که پیش ترها از آن برای معرفی آمریکایی های مکزیکی استفاده می شد. با اصرار حمدان، تورز در حضور کمیته کتاب های درسی اداره آموزش و پرورش ایالتی، به لزوم تغییر کتب درسی گواهی داد.

تورز به همکاری خود با حمدان پیرامون موضوعات دیگر ادامه داد و او را به عنوان عضو کمیته برنامه ریزی مشخص کرد و در باره حمدان گفت:.

او در کمیته برنامه ریزی، همچون سایر بخش های زندگی اش، نقشش را در زدودن اسطوره های ضد اسلامی و تأکید بر استحکامی که مسلمانان آمریکایی می توانند به کشورشان ببخشند، می بیند. او گفت: به عنوان نمونه، اسلام به شدت استفاده از مواد مخدر را حرام کرده و تعدادی از محله های درون شهری که از سوی مسلمانان سیاه پوست سازماندهی شده اند، شاهد کاهش شدید استعمال غیر مجاز مواد مخدر بوده است. حمدان همچنین از به کارگیری تاکتیک های شوک برای زدودن اسطوره های ضد اسلامی بهره می جوید و می گوید: (هنگامی که بسیاری در می یابند من یک مسلمان هستم، حیرت زده می شوند، من لهجه ندارم، من از پوشش به خصوصی استفاده نمی کنم. آنان هنوز انتظار خاصی از ظاهر یک شخص مسلمان دارند. اسلام تصریح دارد که هر مسلمان اختیار دارد به روش خودش خدا را بشناسد. در کنار چنین تعلیماتی، مرکز اسلامی لوس آنجلس امام جماعتی ندارد، بلکه، امام مراسم مذهبی هر هفته از بین شرکت کنندگان انتخاب می شود و امام جماعت یک هفته، مأموم هفته بعد خواهد بود.

مسلمانان همچنین بدون توجه به نژاد یا موقعیت اجتماعی، به وحدت معتقدند، از این رو، اختتامیه مراسم نماز اخیر در مرکز اسلامی، صحنه بوسه زدن مسلمانان چینی، سیاه و سفید بر گونه های یکدیگر بود. با این حال، حتی با وجود چنین اختلافات ظاهری با سایر ادیان اصلی عرب، وجوه مشترکی نیز در خصوص مسائل دنیوی وجود دارد.

(اسلام عبدالله)، سردبیر مجله مرکز اسلامی گفت:.

اسلام به ما می آموزد که باید جداً به کودکان احترام بگذاریم، اسلام می گوید ما در برابر خدا مسؤولیم و در زندگی آن دنیا برای آنچه که اکنون انجام می دهیم، مورد باز خواست قرار می گیریم. (حکیم اولاجون)، ارزشمندترین بازیکن لیگ ملی بسکتبال، سال گذشته به همین شکل به خوانندگان مناره گفت:.

بسکتبال در اسلام عبادت است. چنانچه من به استعدادهایی که خدا به من داده، به حد اعلای خود برسانم، باز هم خدا به من پاداش خواهد داد.

اما با همه اینها، نوعی احساس درونی در بین بسیاری از مسلمانان وجود دارد که، آنان هنوز آمریکایی‌های معتبری نیستند. آنان هنوز به نوعی خودشان را نیمه خارجی‌ان در یک سرزمین لائیک (غیر مذهبی) می‌بینند. با وجود این (خانم) حمدان این دوگانگی را به چشم منبع بالقوه برای استحکام جامعه می‌بیند. او گفت: مسلمانان، مسیحیان و یهودیان جد مشترکی به نام ابراهیم دارند. شایسته است که مسلمانان ساکن آمریکا که به شدت در حال سیاسی شدن هستند، به اتفاق دیگر آمریکایی‌های یهودی و مسیحی بتوانند به حرکت دیگری برای صلح خاورمیانه کمک کنند. (۹).

ایجاد کمیته‌های اقدام سیاسی (نفوذ گذاری).

نکته ای که در زمینه فعالیت‌های سیاسی مسلمانان آمریکا حایز اهمیت است، موضوع ایجاد کمیته‌های نفوذ گذاری به سبک کمیته‌هایی که یهودیان در آمریکا دارند می‌باشد. در واقع تحقیقات یکی از اعضای بازنشسته کنگره آمریکا به نام (پاول فیندلی) درباره فعالیت‌های نفوذی گرایانه یهودیان آمریکا که عمدتاً از طریق کمیته‌های اقدام سیاسی یا PAC صورت می‌گیرد، در شکل‌گیری کمیته‌های مشابه از سوی مسلمانان آمریکا بسیار مؤثر بوده است. در واقع نتایج تحقیقات فیندلی که در سال ۱۹۸۵ به صورت کتابی تحت عنوان آنها جرأت می‌کنند صحبت کنند، منتشر شد، نشان داد که ترس اعراب و کلاً مسلمانان نسبت به نفوذ فراگیر و روز افزون یهودیان آمریکا که عمدتاً به کمک کمیته‌های اقدام سیاسی، PAC (نفوذگذاری) صورت می‌گیرد، مشروع بوده است. به هر حال گروه‌هایی از (۱۰) مسلمانان این کشور با استفاده از تجربه‌های گروه‌های اقلیت مقیم این جا و با مایه گرفتن از تحقیقات کسانی چون پاول فیندلی دست به ایجاد کمیته‌های اقدام سیاسی PAC (نفوذ گذاری) زدند. از سال ۱۹۸۵ به بعد چندین PAC از سوی مسلمانان به وجود آمد. به نظر می‌رسد که نخستین PAC در هوستون به وسیله جامعه اسلامی هوستون و حومه تأسیس شد و نام کمیته اقدام سیاسی همه مسلمانان (AAMPAC) به خود گرفت و طبق گزارش همین کمیته در نوامبر ۱۹۸۷ تعداد اعضای آن به دوهزار نفر رسید که بیش ترها در هوستون و دالاس زندگی می‌کردند. پس از آن چند PAC از سوی مسلمانان تأسیس شد که یکی از آنها به وسیله مرکز اسلامی جنوب کالیفرنیا که از آن به عنوان یک مؤسسه مترقی اسلامی یاد می‌کنند، به وجود آمد و دیگری از سوی (فاتح عثمان) سر دبیر معروف جورنال اسلامی (عربیا) تشکیل شد و نام کمیته اقدام سیاسی مسلمانان (MPAC) (نفوذ گذاری) به خود گرفت. مسلمانان پاکستانی نیز تحت کمک و نظارت جامعه دوستی آمریکا و پاکستان، کمیته اقدام سیاسی پاکستان (PPAC) را در میشیگان تشکیل دادند، تا مسلمانان پاکستانی آمریکا را به فعالیت‌های سیاسی محلی ترغیب نمایند. در این میان، جامعه اسلامی آمریکای شمالی (ایسنا) نیز اعلام کرد که، کمیته اقدام سیاسی (ایسنا) را در سال ۱۹۸۷ ایجاد کرده و شدیداً مشغول عضوگیری برای این کمیته است. (۱۱) (ISNA-PAC) همچنین مسلمانان آمریکا در تلاش برای کنار نهادن نامرئی بودن سیاسی خود و کسب

نفوذ و احترام از طریق شرکت در سیاست های حزبی، می باشند. مسلمانان برای شرکت در کنوانسیون های ایالتی و ملی، از جمله کنوانسیون دموکرات ها در شیکاگو، انتخاب می شوند. آنان کاندیدها را تأیید و مشکلات را بازگو می کنند. از این رو شورای روابط آمریکایی ها و مسلمانان طرحی را برای اخذ آرا در شعب مساجد در سراسر کشور و تشویق مهاجران مسلمان به قبول تابعیت آمریکا اعلام کردند. همچنین گروهی جدید، به نام بانوان مسلمان آمریکا، عهده دار ایاب و ذهاب و مراقبت روز انتخابات شدند تا بانوان بتوانند به حوزه های رأی گیری مراجعه کنند. شورای مزبور، در نظر داشت از این طریق یک کاندیدای ریاست جمهوری را تأیید کند. اوایل امسال، اتحاد مسلمانان آمریکا از دویست کاندیدای مسلمان در انتخابات درون حزبی (اولیه) حمایت به عمل آورد، از بین این تعداد کاندیدا، ۴۲ نفر به عنوان نماینده برای حضور در کنوانسیون های سیاسی، ایالتی و ملی انتخاب شدند.

(خالد سفوری) عضو شورای اسلامی آمریکا، می گوید: ما بخشی از آمریکا می باشیم و مانند هراقلیت دیگر، این کشور را منافع جامعه خودمان می دانیم و در نقشه سیاسی، ما شایستگی بجایی برای خود داریم. (۱۲). همچنین از سویی امر نهاد سازی به کندی پیش می رود. با این حال، مسلمانان در تلاشند به منظور تأثیرگذاری بر انتخابات و با هماهنگی شورای مسلمانان آمریکا به تشکیل یک نهاد سیاسی همت گمارند. طی سال های اخیر، چهار گروه ملی مسلمانان بر نفوذ دست اتحاد به هم داده و نهادی را تشکیل داده اند که قادر است برخی از اعمال اسلامی از قبیل تعیین زمان روزه در ماه رمضان را منظم سازند. یک شورای فقه جدید متشکل از هفت محقق به تفسیر مسائل اسلامی در این جا پرداخته است. مسائل مزبور از اعتبار (اسلام واقعی، بهره را حرام می شمرد) گرفته تا ارشاد سازمان های پنتاگون درباره این که یک سازمان آمریکایی مسلمان می تواند در آشپزخانه به پختن گوشت خوک پردازد یا خیر را شامل می گردد؛ اما به طوری که از گفته های حداد بر می آید، این تلاش ها هنوز آن طور که باید و شاید گسترش نیافته است و تنها تعداد انگشت شماری از مردم بدان مشغولند. وی می گوید: بیش تر مسلمانان سرگرم زندگانی خودشان، یعنی کسب معیشت و رسیدن به خانه های خویش هستند. (۱۳).

سازمان های فعال سیاسی.

البته تشکیلات سیاسی مسلمانان آمریکا صرفاً در کمیته های اقدام سیاسی PAC خلاصه نمی شود، بلکه تعدادی از سازمان های سیاسی را نیز در بر می گیرد. این سازمان ها عمدتاً دو نوع هستند: نوع اول انجمن های اسلامی هستند که جنبه قومی نیز دارند و فعالیت سیاسی تنها یکی از فعالیت های آنان است. شورای ملی امور اسلامی (NCIA) مستقر در نیویورک یکی از نمونه های این گونه سازمان ها است که تحت رهبری (محمد مهدی)، توانست در جلب عضو از قومیت ها و نژادهای مختلف مسلمان آمریکا موفقیت هایی

کسب کند. این سازمان با استفاده از رسانه های آمریکا توانست مسائل سیاسی داخل آمریکا و جریان‌های سیاسی خاورمیانه را برای مردم آمریکا بازگو نماید و کلاً در بالا بردن سطح آگاهی سیاسی مسلمانان این کشور نقش مهمی ایفا نماید. رهبر این سازمان محمد مهدی، تا به حال در تعداد بسیار زیادی از برنامه های رادیویی و تلویزیونی از جمله در برنامه معروف نایت لاین شرکت جسته و در زمینه ارتباط بین مذاهب مختلف به قولی پیش از دیگر رهبران اسلامی آمریکا فعالیت کرده است. مهم ترین تأثیر و کمک NCIA بالا بردن سطح آگاهی سیاسی مسلمانان از طریق خبرنامه ماهیانه بوده است. وی همچنین هفته نامه ای به نام اسلام و آمریکا را به عنوان ارگان هفتگی هشت میلیون مسلمان آمریکا شروع نموده است.

از دیگر نمونه های این گونه سازمان ها می توان از دو سازمان پاکستانی که برای بهبود روابط آمریکا و پاکستان کوشش می کنند نام برد. یکی از آنها موسوم به پاکستان فوروم، مستقر در نیویورک و دیگری کمیته دوستان پاکستان می باشد. این دو سازمان از طریق برقراری تماس های تشکیلاتی با مقامات دولتی و کنگره و سایر نهادهای مؤثر تصمیم گیری سعی کرده اند خواسته های خود را مطرح نموده و اهداف مورد نظر را از طریق لابی کردن دنبال کنند. برای مثال، در سال ۱۹۸۷ تعدادی از رهبران سازمان های مذکور با تعدادی از اعضای کنگره در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و کمیته فرعی امور پاسیفیک و آسیا و نیز با یکی از مقامات روابط عمومی کاخ سفید ملاقات کردند. یک چنین اقدامی که در واقع یک اقدام نفوذ گذاری بود وقتی صورت گرفت که اعضای جامعه پاکستانی آمریکا دریافتند، دولت ریگان در صدد کاهش میزان کمک سالیانه به پاکستان می باشد. (۱۴).

از نمونه سازمان های اسلامی سیاسی گروه دوم که عمدتاً ماهیت سیاسی دارند، می توان از سازمان موسوم به مسلمانان متحده آمریکا (UMA) مستقر در سانفرانسیسکو نام برد که در سال ۱۹۸۲ با چهل عضو تشکیل گردید و تعداد اعضای آن در سال ۱۹۸۷ به چهارصد نفر رسید و در شهرهای لوس آنجلس و ساکرامنتو نیز شعباتی دایر کرد. هدف عمده این سازمان سیاسی اسلامی، ترغیب و ثبت نام مسلمانان برای رأی دادن، انتشار یک خبرنامه سیاسی و برگزاری کنفرانس می باشد. از نمونه سازمان های نوع دوم که تحت نام اتحادیه های رأی دهندگان فعال هستند، در سراسر آمریکا و مخصوصاً در شیکاگو، لوس آنجلس، کلیولند، هوستون، نیویورک و آتلانتا و شهرهای دیگر دیده می شوند. (۱۵).

یکی دیگر از سازمان های فعال در امور سیاسی، انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، گروه فارسی زبان می باشد که عمده اعضا و هواداران آن ایرانی، پیرو ولایت فقیه و معتقد به نظام اسلامی ایران می باشند. این انجمن مدت ۲۵ سال است که از سوی شبکه سرتاسری خود در آمریکا و کانادا به فعالیت های اسلامی که فعالیت سیاسی نیز بخشی از آن است مشغول است؛ لیکن این سازمان مخالف شرکت در امور سیاسی داخلی آمریکا بوده و تنها در چارچوب وظیفه و تکلیف، دست به اقدامات سیاسی می زند.

تلاش برای احراز موقعیت های مهم سیاسی.

یکی از وجوه قابل اهمیت فعالیت های سیاسی مسلمانان آمریکا، تلاش برای احراز موقعیت های مهم کلیدی در ساختار سیاسی این کشور است. مسلمانان با توجه به موقعیت ممتازی که از حیث تعداد جمعیت و تخصص های گوناگون و سوابق اقامت در این کشور دارند، در صدد بر آمده اند تا با استفاده از تجربیات مهاجران غیر مسلمان مقیم آمریکا که در پروسه های سیاسی این کشور چندین دهه فعالانه شرکت جسته و بعضاً به مدارج بالایی ارتقا یافته اند، برای نیل به موفقیت های ممتاز سیاسی تلاش پی گیری نمایند. به همین دلیل، گروهی از چهره های مقبول و برجسته جامعه مسلمانان این کشور در جریان مبارزات انتخاباتی شروع به فعالیت جدی نموده و خود را کاندیدا نمودند. در این زمینه خبرنامه سازمان شورای ملی امور اسلامی در پانزدهم فوریه ۱۹۸۸ خبر نامزدی چند مسلمان برای کنگره آمریکا را اعلام نمود و ضمن ابراز حمایت از این نامزدهای انتخاباتی از تمام مسلمانان خواست تا از این افراد حمایت کنند. کسانی چون (رضا حسین) از نیویورک و (بیل قریشی) از کالیفرنیا خود را کاندیدای نمایندگی کنگره نموده و برای جلب آرای مسلمانان در بسیاری از نشست ها و اجتماعات اسلامی از جمله در کنفرانس های ایسنا و مانند اینها سخنرانی نمودند؛ البته مسلمانان وابسته به سازمان های محافظه کار به این افراد رأی دادند و کاندیداهای مذکور، عمدتاً تحت حمایت سازمان های اسلامی لیبرال قرار گرفتند. علاوه بر مواردی که در فوق اشاره شد، مسلمانان همچنین در مبارزات انتخاباتی سطوح پایین برای احراز موقعیت هایی در شوراهای کنگره های محلی، شهرداری ها و مانند اینها فعال بوده اند. (۱۶).

موانع و مشکلات تضعیف کننده حرکت های سیاسی مسلمانان آمریکا.

علی رغم درک ضرورت و اهمیت فعالیت های سیاسی و رشد سازمان های فعال سیاسی مسلمانان در این کشور، متأسفانه باید گفت که، رشد این سازمان ها و تشکیلات با رشد درگیری های فرقه ای و درون سازمانی مجموعه های اسلامی این کشور توأم بوده و همین امر به صورت مانع عمده ای در مسیر مبارزات سیاسی مسلمانان آمریکا در آمده است. شاید بتوان این درگیری ها و گروه بندی های مخالف را (بهتر از دسته بندی های فرهنگی و قومی) به سه بخش تقسیم کرد: درگیری های شیعیان و سنی ها، درگیری های سلفی ها و اخوانی ها و درگیری های درونی اخوانی ها. یکی از بارزترین نمونه ها درگیری بین مسلمانان شیعه و سنی بوده است. البته به زعم برخی از صاحب نظران تا پیش از آغاز دهه ۱۹۸۰ سنی ها و شیعیان در مسیر همکاری سازمانی حرکت می کردند و به گفته (الیاس یونس) رئیس سابق ایسنا، چهار تن از رؤسای سابق انجمن اسلامی دانشجویان MSA، شیعه بودند و مسلمانان شیعه و سنی مشترکاً مراسم مذهبی و عبادی را برگزار می کردند، ولی پس از آغاز جنگ عراق و ایران، روابط حسنه و برادرانه این دو گروه مسلمان تیره شد تا جایی که انجمن اسلامی دانشجویان فارسی زبان جلسات خود را به طور مستقل در دانشگاه ها برگزار می کرد.

سازمان هایی چون ایسنا، انجمن دانشجویان مسلمان **MSA** و سازمان جوانان مسلمان که تحت حمایت مالی ممالک خلیج فارس (مخصوصاً عربستان سعودی) قرار داشتند شروع به مبارزات ضد شیعی و توزیع نوشتجات انتقادی علیه شیعیان نمودند. از جمله این نوشتجات ضدشیعی می توان به شیعی گری خطوط العریض، و فریب شیطانی شیعیان اشاره کرد. سلفی ها نیز به کمک سازمان هایی نظیر: الهجره در نیوجرسی، انتشارات مجلس الحق در ونکوور و خبرنامه هایی چون: البشیر در کلرادو و همچنین السلف الصالح و نصیحه که به وسیله انجمن مسلمانان آمریکا در بلومینگتون ایندیانا تهیه می شد، به انتقاد از شیعیان پرداختند. متقابلاً گروه های شیعی، مخصوصاً شیعیان طرفدار انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) نیز به دفاع از خود برخاسته و سازمان هایی چون: ایسنا **ISNA**، مسا و مایا و مانند اینها را به دلیل ارتباط مالی با حکومت های سعودی، کویت، **MESA MAYA** قطر و بحرین و امارت متحده عربی مورد انتقاد قرار دادند. نشریاتی چون: کرسنت انترنشنال که مقر آن در کانادا است، و نیز نشریه اسلامیک فوروم و نیوترند در مریلند و دیگر نوشته ها مورد حمله و انتقاد مسلمانان محافظه کار گروه های اخوان و جماعت اسلامی قرار می گرفتند. در این میان برخی از مقامات ایسنا با استفاده از مساجد و سازمان های خود سعی نموده اند خود را مهبیای رویارویی با شیعیان در انتخابات محلی مساجد نمایند؛ چون احتمال می دادند که مسلمانان شیعه با بسیج تعداد زیادی از مسلمانان در انتخابات محلی مساجد پیروز شوند. در صورت پیروزی شیعیان، مقامات ایسنا قصد داشتند مساجد تحت کنترل آنها را به دلیل این که جزء املاک ایسنا است از آنان بگیرند. (۱۷) (آنان این کار را در طول سال های ۱۹۷۹ الی ۱۹۹۲ در بیش تر مساجد عملاً انجام دادند).

از سویی درگیری های فرقه ای سلفی ها و اخوانی ها که در ممالکی چون: کویت، مصر و سودان جریان داشت سرانجام به جامعه مسلمانان آمریکا کشانیده شد. گرچه اخوانی ها از حیث فعالیت های سازمانی در آمریکا سابقه بیش تری از سلفی ها داشتند، ولی در اواخر دهه ۱۹۸۰ سلفی ها رشد چشمگیری نمودند و سازمان هایی از قبیل جامعه انتشاراتی (مجلس الحق) در کانادا و جامعه حدیث و قرآن را در لوس آنجلس و شهر واشنگتن تأسیس نموده و از حمایت های مالی یک شاهزاده سعودی در سفارت این کشور در واشنگتن و نیز حمایت جامعه احیای میراث اسلامی کویت برخوردار شدند. در مواردی دامنه درگیری های سلفی ها و اخوانی ها، به برخوردهای فیزیکی کشید. رهبران سلفی همچنین برخی از رهبران ایسنا از جمله رئیس سابق آن (احمد زکی محمد) را به اتهام تحریک مسلمانان اخوان علیه سلفه ها مورد حملات خود قرار دادند. همچنین در سال ۱۹۸۶ در جریان انتخابات ایسنا اختلافات درونی اخوانی ها نیز آشکار شد. در جریان انتخابات مذکور، دانشجویان مالزیایی فرقه اخوان وابسته به گروه مطالعات اسلامی مالزی (**MISG**)، کاندیدای مورد نظر خود؛ یعنی، احمد زکی را مورد حمایت قرار دادند و دانشجویان مسلمان وابسته به جنبش جوانان مسلمان مالزی **ABIM** به قطبی مهدی رأی دادند. سودانی های گروه اخوان نیز سعی نمودند مسلمانان سیاه را به حمایت از قطبی مهدی بسیج کنند؛ زیرا زکی و اخوانی ها طرفدار او را تحت الحمایه و موجب بگیر دولت لیبی می دانستند. (۱۸).

به هر حال جریانات تجزیه طلبانه و درگیری های فرقه ای، و درون سازمانی جامعه مسلمانان آمریکا و نیز شکاف فزاینده بین مسلمانان مهاجر با مسلمانان بومی، مسائل مالی، و مشکلات دیگر از جمله گرفتاری های مبتلا به جامعه اسلامی این کشور هستند که گاه و بی گاه در فرم های گوناگون جلوه گر می شوند. بدیهی است که تداوم این روند، باعث تضعیف هر چه بیش تر جامعه مسلمانان آمریکا و به ناچار باعث از بین رفتن قدرت جمعی مسلمانان به عنوان قومی ترین اقلیت مذهبی این کشور و کاهش تأثیر جاذبه های اسلام در بین سیاهان و دیگر افراد علاقه مند به اسلام و مسلمانان خواهد شد و این مجموعه بزرگ اسلامی را همانند فرقه های تجزیه شده جامعه مسیحی این کشور به صورت گروه های منفرد و منزوی و بی علاقه به سرنوشت دیگر جمعیت های مسلمان و مهم تر از همه بی توجهی به سرنوشت اسلام در برابر هم به صف آرایی خواهد کشانید.

مسلم است که ما حصل یک چنین صف آرایی فرقه گرایانه خصومت آمیز چیزی جز اضمحلال تدریجی پیکره نوپای جامعه اسلامی این کشور نخواهد بود و در این صورت، صدای مسلمانان در این کشور به گوش کسی نخواهد رسید و تحقق آرمان های مذهبی آنان غیر ممکن خواهد شد. به هر حال، مسلمانان ساکن ایالات متحده آمریکا، دور ریختن ترس خود از ایستادگی برای احقاق حقوق خویش را آغاز کرده اند. (ابراهیم هوپر)، در سراسر ایالات متحده آمریکا به سیر و سفر می پردازد، تا به مسلمانان شیوه بیان و تفهیم افکار و عقاید و نیازهای شان را (آن هم به سبک آمریکایی) یاد بدهد. او می گوید که، مثلاً نوشتن نامه به سود سردبیر یک نشریه به منظور انتقاد از یک خط مشی مربوط به دولت، موجب آن نخواهد شد که نویسنده آن نامه، سراز زندان در آورد، شعارهای قدیمی برای ابلاغ پیام مسلمانان مفید واقع نخواهد شد. مردانی که در سخنرانی ها و گفت و گوهای تلویزیونی ظاهر می شوند، ناگزیر باید صورت خود را آرایش (گریم) کنند و چنین چیزی مختص زنان نیست. شغل هوپر به عنوان مدیر ارتباطات ملی در شورای روابط آمریکا، اسلام، بخشی از یک تلاش مسلمانان آمریکا در سطح کشور به شمار می رود، تا از نظر اجتماعی و سیاسی بهتر بتوانند خواسته های خود را به عنوان یک گروه قومی و مذهبی، مطرح کنند. هوپر اظهار داشت:

فعال گرایی سیاسی مسلمانان هنوز دوران طفولیت خود را می گذراند، ما کارهای زیادی داریم که باید انجام دهیم. این چیزی نیست که یک شبه بتوان از عهده انجام آن بر آمد. با این همه، این تلاش ها از هم اکنون ثمرات خود را به بار آورده است. جامعه مسلمانان آمریکا که جمعیت آن بنا به گفته گروه های مسلمان آن کشور حدود شش میلیون نفر است، موجودیتش نمایان شده است و رهبران عالی رتبه (آمریکا) آن را به رسمیت شناخته اند، حال آن که تا چند سال پیش چنین امکانی برای مسلمانان آمریکا پدید نیامده بود. درسی و سومین کنوانسیون سالانه جمعیت اسلامی آمریکای شمالی در کلمبوس، واقع در ایالت اوهایو، که تحت شعار مسلمانان، هوادار صلح و عدالت هستند، آغاز خواهد شد، بحث و تبادل نظر حول محور نحوه استفاده از این پیشرفت دور خواهد زد.

(جیمز زاگبی)، رئیس مؤسسه اعراب^۵ آمریکا مستقر در واشنگتن اظهار داشت:

بر اثر سیل ورود مهاجران در دهه ۱۹۶۰، اکنون موجودیت جامعه مسلمان آمریکا در حال شکل گرفتن و نمایان شدن است. ورود سیل آسیای مسلمانان در این دهه، نه تنها موجب آمدن مسلمانان از خاورمیانه گردید، بلکه همچنین مسلمانان کشورهای پاکستان، هند و آسیای جنوبی نیز به آمریکا مهاجرت کردند.

(تام دیویس)، نماینده جمهوری خواه (مجلس نمایندگان) از ایالت ویرجینیای غربی در این زمینه اظهار داشت: مسلمانان مقیم آمریکا اندکی سازمان یافته تر می شوند و ما بذل توجه به آنان را آغاز کرده ایم و به گمان من در آمریکا چنین چیزی گذرگاه رسیدن به قدرت از طریق صندوق رأی گیری است.

(نیوت گینگریچ)، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، در سخنرانی خود در اجلاس کنوانسیون جمهوری خواهان، هنگامی که واژه های کلیسا و کنیسه را بر زبان می راند، به دعوت مسلمانان، واژه مسجد را نیز اضافه کرد. (هیلا ری را دهام کلینتون)، ضمن آن که اسلام را سریع الرشد ترین دین در آمریکا می نامید، در ماه فوریه، جشنی را برگزار کرد که نخستین جشن از این نوع در کاخ سفید به شمار می رفت و به مناسبت بزرگداشت عید فطر بود. عید فطر، پایان بخش ماه روزه داری موسوم به ماه رمضان است.

(جوزف کندی)، نماینده (مجلس نمایندگان)، در ماه فوریه به سبب آن که واژه جهاد را در سخنانش به کار برده بود، از شورای مسلمانان آمریکا عذرخواهی کرد. جهاد اکبر، نزد بیش تر مسلمانان به معنای کوشش و مبارزه انفرادی یک فرد با نفس است تا به مسلمان شایسته تری مبدل شود؛ لیکن افراطیون مسلمان آن را به معنای جنگ با کفار به کار می برند. جوزف کندی، این واژه را در توصیف جمهوری خواهان بیش از حد متعصب و افراطی نیز به کار برد. جوزف کندی که نماینده ایالت ماساچوست می باشد، در نامه ای خطاب به شورای مزبور چنین نوشت:

لطفاً عذرخواهی صادقانه مرا بابت رنجشی که ممکن است با به کار بردن نابجای این واژه موجب شده باشم، بپذیرید.

حتی کمپانی (فیلم سازی) برادران (وارنر) نیز، پس از ملاقات با نمایندگان برخی از سازمان های مسلمان و عرب که از بابت یکی از فیلم های این کمپانی شکایت داشتند، می گفتند که، این فیلم، حاوی تصویری است که اهانت به اسلام تلقی می شود. اکنون پیش از آن که این فیلم خود را موسوم به تصمیم مدیر عامل در چند کشور خاورمیانه و خاور دور به معرض نمایش در آورد، در آن تغییراتی به عمل خواهد آورد و به تدوین مجدد آن مبادرت خواهد کرد.

با این حال، هوپر اظهار داشت که، بخش اعظم پیشرفت های سیاسی اسلام از پایین به بالا صورت گرفته است. از این رو، وی به مسلمانان تازه وارد آمریکا یاد می دهد که مقاومت برای احقاق حقوق خود که ممکن است در موطن خود آنان به آزار و اذیت آنان منتهی شود، هرگونه ترس و وحشتی را از خود دور کنند. او گفت که، آموختن سخن گویی در مدرسه، در محیط کار و در گفت گو با اعضای انجمن شهر بر فعالیت های سیاسی در سطح کشور مقدم است.

وی اظهار داشت:

ما ناگزیریم که حرکت خود را از آن سطح آغاز کنیم و از آن جا با تلاش و کوشش به سطوح بالاتر برویم حرکت از بالا به پایین بی ثمر و زیان بار است.

او مسلمانان را تشویق می کند که در برنامه های گفت و گو و سخنرانی در کانال ها و ایستگاه های محلی رادیویی و تلویزیونی شرکت کنند و بدین طریق دین و مذهب خود را برای آمریکایی ها تشریح نمایند و بدین سان برخی از تصورات رایج و پیش داوری را که در جامعه با آن مواجه می شوند از بین ببرند. او همچنین جامعه مسلمانان را تشویق می کند تا درهای مساجد و مراکز مذهبی خود را به روی جامعه اکثریت بگشایند. هوپر در گفته های خود ادامه داد:

هنگامی که تلفنی به ما اطلاع می دهند که در یک مسجد بمب آتش زان منفجر شده است، غالب اوقات متوجه می شویم که جماعت اسلامی (ساکن در آن جا) در انزوای شدیدی به سر می برده است. انزوایی که بذر شک و سوء ظن را در بین جامعه اکثریت می افشاند.

مسلمانان آمریکا به جامعه ای دارای تنوع و گوناگونی تعلق دارند. این مسلمانان، علاوه بر آمریکایی های آفریقایی تبار، (سیاهان) شامل مهاجران یا اعیان و احفاد مهاجران آسیایی و خاورمیانه ای نیز می شود. آنان به منزله یک جامعه یکدست، یکپارچه و همگون رأی نمی دهند؛ لیکن (خالد سفوری)، عضو شورای مسلمانان آمریکا، گفت:

مسلمانان این کشور به جمهوری خواهان بسیار بیش تر رأی می دهند؛ زیرا جمهوری خواهان از موضع گیری های سنت گرایانه آنان در قبال سقط جنین، هم جنس گرایی و مجازات اعدام حمایت می کنند. با این همه او انتظار دارد که در سال جاری تغییر و تحول عظیمی صورت گیرد؛ زیرا دولت کلینتون احترام فراوانی برای جامعه مسلمانان قایل شده است، از جمله آن که آگور، معاون ریاست جمهوری، از مسجدی در واشنگتن دیدن کرده است.

(دیویس) گفت:

اگر سکنه مسلمان هوشمند و زیرک باشند به زودی ناگزیر خواهند شد که با هر دو حزب مراوده برقرار نمایند؛ زیرا هیچ شهروند (مسلمان) مایل نیست که تنها یک حزب او را به رسمیت بشناسد. او گفت:

سیاستمداران در آینده توجه بیش تری به مسلمانان مبذول خواهند داشت و آن در صورتی است که مسلمانان بیش تر از گذشته از خود مایه بگذارند و در امور سیاسی مشارکت جویند. (۱۹).

به هر حال از اواسط دهه ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) مسلمانان آمریکا دیگر خویشتن را یک واردات خارجی نمی پندارند، بلکه برعکس، بدان سان که یهودیان و کاتولیک ها به ترتیب در قرن های نوزدهم و بیستم به عنوان دو گروه متمایز، طبقه متوسط را تشکیل داده و هویت های آمریکایی منحصر به فردی پیدا کردند، مسلمانان نیز روند همگن سازی مشابهی را طی می نمایند. مسلمانان با علم به این که در این جا از امتیازاتی برخوردار هستند، آرام آرام راه خویش را در فرهنگ و سیاست آمریکا پیدا کرده و می کوشند تصویر کاریکاتور به وجود آمده

درباره خود را به عنوان (افراطیون غرب ستیز مشتمل گره کرده)، از بین ببرند. ایوان حداد از کارشناسان اسلام در دانشگاه ماساچوست در امهرست می گوید:

جنگ خلیج فارس یک نقطه عطف بود. پس از این جنگ، مسلمانان گفتند: (باید به فکر خودمان باشیم). (جان اسپورتیو) رئیس مرکز تفاهم اسلامی مسیحی دانشگاه جرج تاون می گوید:

مسلمانان می کوشند همان کاری را انجام دهند که سایر گروه ها کرده اند. آنان سعی می کنند همگن شده و در عین حال به صورت متمایز باقی بمانند. آمریکایی شدن مسلمانان به صورت های گوناگون انجام می پذیرد. در حال حاضر، برای کودکان مسلمان، اردوگاه های تابستانی اسلامی و برای مسلمانان بزرگسال نیز استراحت گاه های ویژه ای وجود دارد. تحولات دیگری که رخ داده است بیش تر جنبه فرهنگی دارد: دیسک های کامپیوتری قرآن همه جا یافت می شود. گروه های اسلامی شکل گرفته اند، کتاب ها و مجلات فکاهی اسلامی در اختیار کودکان قرار دارد. ائمه جماعت محلی برای ارتباط با پیروان خود از تلفن سیار (موبایل) استفاده می کنند.

(یوسف دلورنز) از اعضای مترقی شورای فقه آمریکا که مسلمانان در زمینه احکام مذهبی با او مشورت می کنند گفت:

(گروه زیادی از مسلمانان اشتباهاً بر این عقیده اند که احکام اسلام بسیار خشک و غیر قابل انعطاف است. در اسلام، هر نسلی باید موقعیت و محیط زندگی خود را درک نماید. در آمریکای شمالی می توانیم تعبیرهای تازه و نوع مطلوبی از اسلام قرن پانزدهم میلادی بیابیم. با وجود این، بیش تر مسلمانان طبیعتاً قدری محافظه کارند، آنان کسانی هستند که کار می کنند و مالیات می پردازند و جزء طبقه متوسط به شمار می روند. در میان آنان گروه های مختلفی چون: مغازه دار، کارمند، پزشک، لوله کش، دندان پزشک و مانند آنان وجود دارند. بسیاری از آنان می بینند که زندگی به سان یک مسلمان سنتی در ایالات متحده مشکلاتی در زندگی فردی و خانوادگی پدید می آورد.

بیش تر مسلمانان آمریکا، مسلمان ارثی هستند. تنها حدود ۱۰ تا ۲۰٪ آنان مطابق دستورات قرآن به انجام فرایض و تکالیف مذهبی خویش عمل می کنند، هر چند در سال های اخیر، بیداری و حرکت مذهبی تازه ای پدیدار گشته است، با این حال، یک اقتصاد رقابت آمیز، فشار گروه های هم طراز و ازدواج های مختلط در یک جامعه غیر مذهبی، جملگی دست به دست هم داده و علیه افکار و آیین های سنتی عمل می کنند.

(سودا حافی) یک مسلمان لیبرالی که برای سازمان بزرگ راه های ماساچوست کار می کند، می کوشد احکام برگرفته از قرآن را به طور سفت و سخت در زندگی خویش اجرا می نماید. به طور مثال، سعی می کند گوشت غیر ذبح اسلامی را مصرف نکند و نگذارد فرزندانش برنامه های تلویزیونی را تماشا کنند. او در نهایت احترام درباره قرآن می گوید:

من واقعاً بدان اعتقاد دارم، دیگران این کار را دشوارتر می بینند.

یک پروفیسور مسلمان مصری که در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) با همسر آمریکایی اش به آمریکا مهاجرت کرده است، می گوید:

گفتن این که می خواهید هویت خود را حفظ کنید خوب است؛ اما وقتی دخترتان به خانه می آید و می گوید قصد کار کردن در رستوران های زنجیره ای مک دونالد را دارد چه می توانید بکنید نگه داشتن وی در خانه دشوار است. عوامل آمریکایی کننده بسیار قوی است (۲۰).

جامعه آمریکایی آفریقایی و هم جامعه مسلمانان مهاجر بر این عقیده اند که، مطالعه حقوق و وظایف مردم نه تنها عین سیاست است، بلکه نشانه ای از مسلمان خوب بودن نیز به شمار می رود. در حال حاضر، عبارت رأی دهنده مسلمان در سیاست آمریکا، مفهوم چندانی ندارد، اما با توجه به حضور حدود شش میلیون مسلمان در این کشور، نسل تازه ای از مسلمانان جسورتر آمریکا خواستار آن هستند که این عدم اختیار را از بین برده و جای پای محکمی در اختیار قدرت آمریکا به دست آورند. عبدالرحمان العمودی رئیس شورای اسلامی آمریکا می گوید:.

ما سر آغاز روند پر اهمیتی را شاهد هستیم، اما هنوز راه درازی در پیش است. گروه های اسلامی اگر چه از لحاظ تعداد نفرات و میزان منابع مالی در سطحی متوسط قرار دارند، اما رفته رفته، در صدد بر می آیند با کنار گذاردن سوء ظن های قدیمی مربوط به کمک دولت، گرد هم جمع شده و حالتی یکپارچه پیدا کنند. آنان به تدریج در امور سیاسی مقاطع مختلف محلی، ایالتی و کشوری نیز به ایفای نقش می پردازند.

مسلمانان، که معدودی از ایشان در زمینه فرهنگ مدنی دارای تجربیاتی هستند، خویشتن را در آغاز راهی بس طولانی، می بینند. (عمر داجانی) صاحب رستوران فلافل کینگ، اورلاندو فلوریدا می گوید:.

من و دوستانم احساس می کنیم شدیداً به یک تشکیلات اجتماعی، نیازمندیم. چنین تشکیلاتی یا انجمنی، ما را در تحقق اهدافمان یاری خواهد رساند.

در انتخابات سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) گروه های اسلامی از ۷۷ کاندیدای کنگره و فرمانداری حمایت کردند. در سال گذشته، برای نخستین بار، ائتلافی از گروه های اسلامی از یک کاندیدای ریاست جمهوری پشتیبانی کرد. مسلمانان مثل هر گروه قومی یا مذهبی دیگر، در پشتیبانی از تازه واردان آمریکا، در انتخابات مربوط به مسؤولان امور محلی، موفقیت هایی به دست آورده اند. آنان در شوراهای شهر، در نواحی کلان شهری از قبیل: اوکلند، کالیفرنیا، چاریوت، کارولینای شمالی، چاتانوگاو تنسی، عضویت یافته اند؛ اما امسال، مسلمانان تأییدیه رئیس جمهور را در خصوص وعده گماردن یک مسلمان در یکی از مناصب برجسته در دولت آینده را خواهند گرفت. مسلمانان نیز به سهم خود تغییر موضع خواهند داد و از حمایت از آرمان های جهانی به حمایت از یک دستور کار مشخص تر روی خواهند آورد. سابقه ایده تشکیل یک انجمن یا سازمان اسلامی به دهه ۱۹۸۰ برمی گردد. این ایده به واسطه وجود این ترس تقویت می گردد که اگر قدرت و نفوذ سیاسی به ادراک عمومی بستگی داشته باشد، ارتباط دایمی افراط گرایی با اسلام باعث خواهد شد که مسلمانان به طور غیر منصفانه ای از روند سیاسی کنار گذاشته شوند.

علاوه بر شورای اسلامی آمریکا که در واشنگتن مستقر می باشد، گروه های برجسته دیگری چون: کمیته روابط اسلامی آمریکا (واشنگتن) و شورای امور عمومی مسلمانان (لوس آنجلس) نیز فعالیت دارند. این گروه ها در زمینه های روابط عمومی، برای پیشبرد امور مورد نظر خود با کم ترین استفاده از شعارهای مذهبی و

مشخص کردن مواضع خود درباره مسائلی چون: سقط جنین، جرایم نفرت آمیز و بوسنی فعالیت دارند. این گروه های تازه، به شدت تلاش می کنند یک گروه کارگزار در سطح مردم عادی تشکیل دهند تا مسلمانان محلی را از حقوقشان آگاه سازند و آنان را در شکل بخشیدن به تصویر رسانه ای خویش، رهنمون گردند. به طور مثال، کمیته روابط اسلامی آمریکا اخیراً یک برنامه کامپیوتری ویژه، با عنوان رمضان و یک کتابچه رسانه ای برای فعالان عرضه کرده است. در سطح کشوری، فعالیت های مسلمانان بیش تر جنبه نمادین دارد. (ال گور)، معاون رئیس جمهور در پاییز گذشته از یک مسجد دیدار کرد. او بلند پایه ترین مقام دولتی آمریکاست که تاکنون به چنین اقدامی مبادرت ورزیده است. در سخنرانی روز دوازدهم ژوئیه دو سال پیش کلینتون رئیس جمهور آمریکا درباره آزادی مذهبی، چندین مرتبه به مسلمانان اشاره شد. وارث الدین محمد، رهبر سیاه پوست اسلامی اخیراً در سنای آمریکا خواستار احقاق حقوق مسلمانان شد.

(سراج وهاج) امام جماعت نیویورک نیز در مجلس نمایندگان این کشور همین کار را کرد. کارکنان شورای اسلامی آمریکا در کاخ سفید با مقامات وزارت دادگستری دیدار نمودند، تا اعتراض خویش را به آنچه که به اعتقاد خودشان به طور غیر منصفانه در لایحه ضد تروریست اخیر علیه آنان عنوان گردیده است، ابراز دارند. (عبدالرشید محمد) به عنوان نخستین روحانی مسلمان برای تصدی امامت جماعت و به طور کلی امور مذهبی حدود ده هزار پرسنل مسلمان نیروهای مسلمان آمریکا، اخیراً در نیروی هوایی این کشور مشغول انجام وظیفه شد. حضور این قبیل روحانیان در ارتش و یا به طور کلی در هر سازمان و نهادی، شاخص موضع و موقعیت گروه مربوطه در جامعه مذهبی آمریکاست. مسلمانان آمریکا به عنوان یک گروه، از دیر باز به جمهوری خواهان رأی داده اند، هر چند گروه های مسلمانان، بیش تر از هر دو حزب طرفداری می نمایند؛ ولی مسلمانان که جامعه ای پیچیده و متنوع هستند، با موکول نمودن کارها به وقت دیگر مخالفند.

مسلمانان سعی می کنند در خصوص حقوق اقلیتی و قوانین مهاجرت، حالتی لیبرال داشته باشند. به طور مثال، در خصوص ارزش های خانوادگی نظیر: روابط جنسی و خشونت در فیلم های هالیوود، محافظه کار هستند. در کالیفرنیا که بزرگ ترین جامعه مسلمانان کشور در آن اقامت دارند، بسیاری از مسلمان ها از انتخاب (پیت ویلسون) فرماندار محافظه کار جمهوری خواه پشتیبانی کردند؛ اما آنان با اعتراض به لایحه پیشنهادی شماره ۱۸۷ که از لوایح مورد نظر ویلسون می باشد، به لیبرال ها پیوستند، به موجب این لایحه چنانچه به تصویب برسد، ارائه خدمت به بیگانگانی که به طور غیر قانونی به کشور آمده اند، قطع خواهد گردید. به عنوان مثال، شورای امور عمومی مسلمانان به شورای کلیساهای کالیفرنیا پیوست و براساس متمم یا اصلاحیه نخستین قانون اساسی کشور، استدلال کرد که تصویب چنین لایحه ای، خصیصه اسلامی کمک به بیگانگان دچار مشکل را، نقض خواهد کرد. در زمینه سیاست خارجی، مسلمانان سعی می کنند دقت و بررسی بیش تری به عمل آورده و براساس نحوه اقداماتی که آمریکا در خارج انجام می دهد، درباره حمایت از کاندیدها تصمیم گیری نمایند. مثلاً، (باب دول) سناتور جمهوریخواه از کانزاس و کاندیدای ریاست جمهوری گذشته به سبب موضع گیری اش به طرفداری از بوسنی، در میان مسلمانان محبوبیت خاصی پیدا کرده است، اما در این اواخر،

بسیاری از مسلمانان از وی روی گردان شده اند؛ چرا که وی از انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل از تل آویو به بیت المقدس شرقی جانبداری کرده است.

با همه اینها، برخورداری از قدرت اعمال نفوذ در سیاست خارجی آمریکا، چیزی است که مسلمانان هنوز با آن فاصله بسیار دارند. سی سال پس از ورود نخستین موج مهاجران، مسلمانان، فاقد خاطره یا تجربه بیش تر کارگزاران قومی هستند. یکی از کارگزاران کنگره، از یهودیان آمریکاست. این کنگره مبلغ ۵۶ میلیون دلار بودجه دارد و تعداد کارکنان آن به صد نفر می رسد، حال آن که شورای اسلامی آمریکا صرفاً دارای چهارصد هزار دلار بودجه و ده نفر کارمند است. یک اقتصاددان مسلمان تحصیل کرده دانشگاه هاروارد می گوید:

ما همچنان تلاش می کنیم. می دانید که حدود پنج تا شش میلیون مسلمان در آمریکا زندگی می کنند، ولی آن دسته از ما که سال ها پیش در جریان امور قرار داریم، می دانیم که تنها سه هزار نفر از آنان در انجام کارها نقش داشته و دارند.

این گروه کارگزار در حال ظهور، با رفتارها و موضع گیری های مسلمانان، دال بر این که سیاست ممکن است روح و هویت اسلامی را فاسد نماید، مبارزه می نماید. گفتنی است که سابقه رفتارهای مزبور به دهه ۱۹۶۰ برمی گردد. با این حال، گروه مزبور تا حدودی، رشد یافته است. مسلمانان به جایی نیاز دارند که مثلاً اگر مساجدشان مورد حمله قرار می گیرد، بدان روی آورند. به گفته مقامات پلیس، ظرف هجده ماه گذشته، تعداد شش باب مسجد، از جمله مساجدی که در خدمت صدها خانواده اهل گرین ویل کارولینای جنوبی، اسپرینگ فیلد، ایلینویز و یوباسیتی کالیفرنیا قرار دارند، بر اثر وقوع آتش سوزی های عمدی آسیب دیده و یا ویران شده اند. کمیته روابط اسلامی آمریکا که با این موارد برخورد می کند، در تابستان گذشته گزارش مبسوطی درباره وقوع ۲۲۷ فقره جرایم نفرت آمیز علیه مسلمانان تهیه کرد. این جرایم به دنبال وقوع حادثه بمب گذاری در اوکلاهاسیتی که طی آن ۱۶۸ نفر کشته شدند، صورت گرفته است. این گزارش، در نوع خود نخستین به حساب می آید. کمیته روابط اسلامی آمریکا، به طور فزاینده ای خود را درگیر مسائل محلی از قبیل: هتک حرمت یا تبعیض در محل کار می بیند. (۲۱).

در خصوص بین الادیانی در آمریکا می توان گفت که، هر چه تعدادشان بیش تر می شود، آنان برای ایجاد روابط و تصحیح اشتباهات می کوشند. بین الادیانی در آمریکا معنای وسیعی دارد: پروتستان، کاتولیک، یهودی؛ ولی اکنون بسیاری از مسلمانان دارند در بین الادیانی، آمریکا را برای ورود به صدا در می آورند. در سراسر ایالات متحده آمریکا، فعالیت بین الادیانی مسلمانان در جریان است که حتی پنج سال پیش آشکار و هویدا نبود. با آرزوی تصحیح آن چیزی که آنان به عنوان تحریف اسلام ناشی از جنگ ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) خلیج فارس و بمب گذاری در مرکز تجارت جهانی در نیویورک، تلقی می کنند، بسیاری از مسلمانان اکنون در حال پیوستن به بحث های مربوط به الهیات، گروه های فعال در امور اجتماعی و مذاکرات رسانه ای با نمایندگان پیروان خطوط فکری اصلی در میان پروتستان ها، کاتولیک ها و یهودیان هستند.

مسلمانان آمریکایی که تعدادشان تقریباً به شش میلیون نفر می رسد، غالباً از گفت و شنود مذهبی مستثنا شده اند، ولی همچنان که آنان خودشان را برای ماه رمضان، ماه روزه داری آماده می کنند، پیشرفت مهمی نیز در

ورود به محفل مذهبی که سابقاً به روی شان بسته بود، حاصل می نمایند. (جان بورلی) عضو شورای ملی اسقف های کاتولیک در واشنگتن می گوید:

یک چرخش واقعی پس از جنگ خلیج فارس به وجود آمد. مسیحیان، مسلمانان و یهودیان شروع به نیایش با یکدیگر کردند و تا حدی شروع کردند که به یکدیگر اعتماد کنند. (چی راک) عضو شورای ملی کلیساها در نیویورک می گوید:

آنان در حال جا انداختن خود هستند. آنان روابطشان را با دیگران به صورت نهادی و سازمان یافته در می آورند. علایم زیادی از مشارکت بیش تر مسلمانان مشاهده می شود: در مراسم سالانه عید قربان در مسجد لوس آنجلس، یک کشیش، یک خاخام و یک فقیه اسلامی در خصوص حضرت ابراهیم یک شخصیت انجیلی که مورد تقدیس و احترام پیروان هر سه ادیان است بحث می کند.

در شهر سدار را پیدز در ایالات آیووا، یک روحانی مسلمان محلی از طریق رأی گیری به عنوان نایب رئیس شورای بین الادیان این ایالت انتخاب شد. در دالاس، انجمن اسلامی و جامعه کلیساهای دالاس، اطلاعیه های عمومی امضا و منتشر کردند که در آن بمب گذاری در شهر اوکلاهوما محکوم شده بود. روحانیان مسلمان، مبتکر بحث های خدانشناسی جاری و رسمی درباره مفاهیم خدا و رستگاری با یهودیان و کلیسای کاتولیک روم در شهرهای بوستن، لوس آنجلس، دیترویت، نیویورک، واشنگتن و شیکاگو هستند. قرار است ملاقات با پروتستان ها در یک سطح عمومی تر با برقراری روابط بین مسلمانان و کلیساهای محلی صورت گیرد. مسلمانان، پیشرفت زیادی در فعالیت بین الادیانی خودشان داشته اند. در زمینه سیاست خارجی مربوط به نقاط ویژه مورد علاقه آنان، همچون: بوسنی و خاورمیانه، مسلمانان تمایل داشته اند که با گروه های کلیساهای لیبرال همکاری کنند؛ ولی آنان در خصوص مسائل اخلاقی سنتی همچون: قماربازی و روابط جنسی پیش از ازدواج با محافظه کاران تشریک مساعی می کنند. برای مثال، یک مسجد معتبر در لوس آنجلس به تازگی سمیناری درباره اخلاقیات جنسی با همکاری کاتولیک های محلی برگزار کرد، به علاوه، دو سال پیش، اولین روحانی مسلمان طی مراسمی به عنوان قاضی عسکر (در ارتش آمریکا) سوگند یاد کرد. اقدامی که ادیان اصلی، سالیان دراز به عنوان مقبولیت یک دین عمده تلقی می کردند. سایر مسلمانان نیز اخیراً دارند درس های الهیات و آموزش های فقهی خود را تکمیل می کنند و به زودی به عنوان قاضی عسکر، هم در نیروی هوایی و هم در نیروی دریایی، خدمت خواهند کرد.

(داوود اسد) رئیس اتحادیه جهانی اسلامی نیویورک می گوید:

ما در حال تشریک مساعی هستیم؛ زیرا این کار برای درک یکدیگر مفید است. فشار و تلاش مسلمانان در حالی که مسلمانان آمریکا مسائل داخلی را در کانون توجهات خود قرار می دهند قدری راکد شده است، در زمانی دیده می شود که بسیاری از رهبران مذهبی آمریکا به کثرت گرایی مذهبی بذل توجه می کنند. برای نمونه، شورای ملی پروتستان ها، کاتولیک ها و یهودیان اخیراً به علامت تأیید و شناسایی اعضای مسلمانانش نام خودش را به شورای ملی تغییر داد.

مسلمانان در تمامی جنبه های صدمین سالگرد تأسیس (۱۸۹۳)(۱۲۷۲) پارلمان جهانی مذهبی شیکاگو که یک گردهمایی عمده از پیروان ادیان جهان است، شرکت کردند. فعالیت بین الادیانی برای گروهی از مسلمانان که مجبور بوده اند با یک گرایش نیرومند انزوا طلبی در جامعه اسلامی مبارزه کنند، امر آسانی نبوده است. یکی از پیشگامان مسلمان در فعالیت بین الادیانی، (حسن حثوط) که یک پزشک و ساکن لوس آنجلس است. او می گوید:

هنگامی که برای نخستین بار پیشنهاد پیوستن به شورای بین الادیانی جنوب کالیفرنیا را در اواسط دهه ۱۹۷۰ ارائه داد، برخی از هم وطنانش در مسجد فکر کردند که می خواهم از عضویت مسجد استعفا دهم. امروز دکتر حسن حثوط رئیس این شورا است. از گفته های او برمی آید که وی چهل شهر آمریکا را در عرض پنج سال گذشته دیده و به مسلمانان کمک کرده است تا یاد بگیرند که چگونه با پیروان سایر ادیان ارتباط متقابل برقرار نمایند. وی می گوید:

من توجه همه را به این نکته جلب کردم که به صورت بخشی از بافت کل جامعه آمریکا در آمدن، چقدر مهم و حیاتی است.

مسجدی در شهر آمهرست در ایالت ماساچوست با گشودن درها بر روی اعضای سایر ادیان شروع به برقراری پیوند و ارتباط در محله خود کرد. یکی از اعضای مسجد این شهر می گوید:

این راهی بود که بر همسایگان خودمان نشان دهیم هیچ گونه رمز و ابهامی در خصوص زندگی ما وجود ندارد. (خاخام آلفرد ولف)، ساکن لوس آنجلس به یاد می آورد که در اواسط دهه ۱۹۷۰ وقتی قرار بود از مسجد دیدار به عمل آورد، از برخوردی که در آن جا با وی شد، می ترسید ولی وی می گوید:

من با احترام مورد استقبال قرار گرفتم.

من دائماً به مساجد رفت و آمد می کنم، مسلمانان به اندازه گروه های یهودی، پروتستان و کاتولیک بخشی از صحنه مذهبی در لوس آنجلس هستند.

البته همه گروه های بین الادیانی هم، مسلمانان را نپذیرفته اند. در چندین مورد در غرب میانه آمریکا، موقعی که به مسلمانان اجازه ورود به گروه های موجود بین الادیانی داده نشد، گروه های جدید بین الادیانی تشکیل شد. یک شورای اسلامی در نیویورک خواستار تعقیب قانونی شبکه تلویزیونی W.A.B.C به سبب ندادن یک کرسی دائمی به یک فرد مسلمان طی برنامه یک شنبه خود موسوم به برنامه مذهبی است. با این حال، تاحدودی بین مسلمانان و پیروان سایر ادیان دوستی های دو جانبه به وجود می آید. پاییز گذشته، اتحادیه یهودی ضد افترا و بهتان، جزوه ای را در خصوص محافظت از کنیسه ها برای کمک به محافظت از مساجدی که مورد هجوم واقع شده اند به مسلمانان تقدیم کرد. در شیکاگو، گروهی از مدارس علوم دینی در زمینه مطالعه مکتب اسلام و روابط بین مسیحیت و اسلام برنامه هایی را پیشنهاد می کنند. همچنین، همان طوری که (ادوارد سعید)، فقیه فلسطینی تبار آمریکایی خاطر نشان می کند، مسیحیانی چون وی، بویژه از جهان عرب، به طور فزاینده ای به دفاع از آن دسته از مسلمانان آمریکایی که مورد آزار و تحقیر قرار می گیرند، بر

می خیزند. همچنین در سال گذشته، هم رهبران مسلمانان آفریقایی آمریکایی و هم رهبران مسلمانان مهاجر یک شورای واحد تشکیل دادند و امیدوارند که به کمک یکدیگر آن را گسترش دهند (۲۲). درباره ارزش ها نیز، ماهر محمد حثوت، کاردیولوژیست مصری و رئیس مرکز اسلامی کالیفرنیا جنوبی می گوید:

وقتی مسأله سیاست داخلی در بین باشد، ما هم دموکرات هستیم و هم جمهوری خواه؛ اما از لحاظ سیاسی، لیبرال هستیم و از لحاظ اجتماعی، محافظه کار. ما معتقدیم که، دولت موظف است که به ملت کمک کند؛ ولیکن با سقط جنین و کورتاژ، با پورنوگرافی و بی بند و باری جنسی مخالفیم، ما از ارزش های خانواده جانبداری می کنیم.

(اسعدابوالخلیل)، از پژوهشگران انستیتوی خاورمیانه در واشنگتن، بر وجود اختلاف و تنوع در میان مسلمانان تأکید می ورزد، ولی می گوید:

چون نفوذ و تأثیر اسلام رو به گسترش است و رفته رفته صورتی سازمان یافته به خود می گیرد، این احتمال وجود دارد که جنبه محافظه کاری به خود گرفته باشد. گروهی از مسلمانان اهل نماز و عبادت هستند و گروهی اهل باده گساری و لهو و لعب. اگر چند سال دیگر یک جبهه بنیادگرای متحد و متشکل از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان علیه مسائلی چون: مواد مخدر، پورنوگرافی، سقط جنین و مانند اینها به وجود آید، برای من شگفت انگیز و غیر منتظره نخواهد بود.

بسیاری از مسلمانان می گویند که ضروریات گاه ضد و نقیض باعث جذب شدن در مسیر اصلی زندگی اجتماعی حاکم بر آمریکا و در عین حال با حفظ یک هویت اسلامی جداگانه، کشمکش دارند؛ یعنی، در میان برخی از اعتقادات سنتی مسلمانان و بسیاری از آداب و سنن زندگی آمریکایی، تنش هایی وجود دارد. (۲۳).

همچنین مسلمانان آمریکا نشریات، سازمان های دانشجویی و گروه های فشار خاص خود را دارا می باشند، ولی دارای مدارس مذهبی اسلامی مخصوص خود نیستند. شبکه ای از مدارس، باشگاه های اجتماعی، سرویس های ازدواج و کتاب فروشی های مختلف نیز در جوامع مسلمان وجود دارد. کوتاه سخن این که مسلمانان آمریکا که کلیه عوامل لازم برای یک فرهنگ مترقی را در اختیار دارند. (۲۴).

لذا در دهه ۱۹۹۰ پیروان پیامبر اسلام سرگرم ایجاد یک جامعه اسلامی واقع در فضای ماهواره ای (سیبرنیتیک) هستند. در آمریکای شمالی، هزاران مسلمان کاملاً تحصیل کرده و ورزیده در امور کامپیوتری روی خط می روند و به جست و جوی خبر، حمایت، فعال گرایی سیاسی و بحث درباره مذهب خویش می پردازند. جامعه اینترنت آنان که تا همین پنج سال پیش اثری از آن نبود، اکنون عمدتاً از دانشجویان مسلمانی تشکیل یافته است که نوعی مناظره سیاسی به وجود می آورند که در دنیای اسلام سابقه نداشته است. این نسل از مسلمانان تحصیل کرده آمریکا، رفته رفته به شیوه ای با همدیگر آشنا می شوند که حتی ده سال پیش امکان آن وجود نداشت. مسلمانان جوان، ایده ها و آرمان های سیاسی خویش درباره اسلام و غرب را با چنان سرعتی در نقاط بسیار دور از یکدیگر مورد بررسی و آزمایش قرار می دهند که پیش از این امکان پذیر نبود. بحث ها و مناظرات مربوط به فضای ماهواره ای اسلامی، ممکن است به اندازه علاقه تازه (مایک تایسون)

قهرمان معروف بوکس به اسلام رایج بوده و یا به اندازه جدل های دانشجویی درباره مقایسه قرآن و تئوری نسبیت (انیشن) جنبه سرّی و محرمانه داشته باشد، همه روزه می توان تفسیرهایی درباره اسلام گرایی و تجدد یا سازگاری و انطباق پذیری اسلام و دموکراسی مشاهده کرد. انجمن دانشجویان مسلمان که تقریباً در تمامی دانشگاه های ایالات متحده و کانادا عضو دارد، طی یک دوره چند هفته ای در سال پیش، همه روزه مباحثات حدوداً ۱۵۰ صفحه ای تهیه کرد. در این خصوص (جوزف را برتس) از متخصصان علوم سیاسی که مدیریت یک گروه خبر یا یک بولتن الکترونیک سیاسی اسلامی در دانشگاه یوتا را بر عهده دارد می گوید:

دانشجویان در حال حاضر پیشتازان ابر بزرگراه اطلاعات به حساب می آیند؛ اما این وضع در حال دگرگونی و تحول است. هم اکنون حدود ۱۲۰ مرکز شبکه ای وجود دارد، در ماه جاری نخستین مرکز شبکه ای ویژه دست اندرکاران حرفه ها و مشاغل اسلامی به شبکه سراسری جهانی اینترنت می پیوندد. این مرکز شبکه ای (WORLD WIDE WEB) که به وسیله (کمال احمد) و (عدنان حسن) دو تن از کارکنان بانک جهانی در واشنگتن پایه گذاری و تأمین مالی شده است، یک مرکز دوستانه، آموزشی و همگن خواهد بود. در واقع این مرکز به صورت نوعی کلپ روتاری با گرایش اسلامی اداره خواهد شد؛ اما در حال حاضر، بزرگ ترین گروه کاربران به وسیله انجمن دانشجویان مسلمان اداره می شود که در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) به دست یک دانشجوی دانشگاه کرنل تشکیل یافت. در مباحث و مناظره های کاملاً مذهبی و سیاسی انجمن دانشجویان مسلمان، افراد غیر مسلمان نیز می توانند مشارکت جویند؛ لیکن یک گروه کاربران جداگانه نیز برای توده مردم عادی وجود دارد. این دو گروه، دفاتری درباره اجلاس ها، تأمین بودجه و نیازهای مساجد در نقاط دور افتاده دارند و اخبار و اطلاعاتی ارائه می دهند که در مطبوعات و رسانه های اصلی کشور انتشار نمی یابند. مذاکرات و گفت و گوهای انجمن دانشجویان مسلمان با نمایندگان روزنامه کریسچین ساینس مانیتور از وجود یک رشته تنش هایی خبر می دهد که به وسیله مسلمانان جوان و اهل پرسش و تحقیق پدیدار گردیده است.

با این حال، یک گروه آرام قابل توجه نیز در انجمن دانشجویان مسلمان دیده می شود که ظاهراً گرایش و تمایل بیش تری به دموکراسی نشان می دهد. تنها محدودی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان که در این شبکه ها هستند، به مسائل سیاه پوستان اشاره می کنند و تعداد زنان فعال در این زمینه نیز اندک است. زنان دارای یک شبکه خواهر هستند که منحصرأ به خودشان (SISTERS NET) اختصاص دارد و انجمن دانشجویان مسلمان نیز با آنان مخالفتی ندارد، همچنین مرکز شبکه ای تازه، ویژه دست اندرکاران حرفه ها و مشاغل مسلمانان که در سال گذشته فعالیت خود را آغاز کرد، درویش نام دارد و علت این نام گذاری، آرمان های جهانی تصوف است. این مرکز عبارت خواهد بود از یک بانک یا گنجینه اطلاعات اسلامی یک قانون برای بحث ها و مناظرات معنوی جهانی درباره مسائلی چون: حقوق زنان و یک گروه پشتیبانی. واکنش اسلام ستیزانه در پس از انفجار بمب در اوکلاهاسیتی در آوریل ۱۹۹۵ (اسفند ۱۳۷۳) آقایان کمال احمد و عدنان حسن را بر آن داشته که به تأسیس مرکز درویش، همت گمارند. احمد می گوید:

ما غرق در زندگی شغلی و روز مره خویش گشته بودیم؛ ولی نمی توانستیم موضع گیری ها و برخوردهای اطرافیان خود را پس از وقوع انفجار باور کنیم.

آنان خواستار مراوده حرفه ای و اجتماعی هستند تا از این راه، هم به مسلمانان کمک کنند و هم به نیک اندیشان توده مردم امکان دهند مسلمانان را بشناسند. احمد می گوید:

ما مردمانی هستیم که هم به مسابقات می رویم و هم به مسجد.(۲۵).

۱. YVONNE HADAD,1991 2.STEVE A . JOHNSON"POLITICAL ACTIVITY OF MUSLIMS IN AMERICA",IN HADDAD 1991 HADDAD.p.113. 3. AMER HALEEM :PATH TO PEACE: CALLING TO ALLAH IN AMERICA "ISLAMIC HORIZONS,16(DECEMBER 1987). CITED IN Y.HADDAD,1991. 4. همان، ص ۳۱.

۵. WALL STREET JOURNAL,22 MARC,1988 6. همان جا.

۷. 8. UNITY TIMES.JANUARY/FEBRUARY 1988 . یو. اس. ای. تودی، چاپ آمریکا، بی تا.

۹. جوزف هاناینا، لوس آنجلس تایمز، چاپ آمریکا، ۹۶/۸/۲۸.

۱۰. PAUL FINDLEY ,THEY DARE TO SPEAK OUT , WEST PORT . COMPANY :LAWRENCE HILL AND COMPANY, 1985,pp.41-47 .

11.STEVE A .JOHNSON .POLITICAL ACTIVITY OF MUSLIMS IN AMERICA ,N Y.HADDAD 1991. 12. لوری شارون، یو. اس. آ. تودی، چاپ آمریکا. ۹۶/۸/۲۳.

۱۳. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۱۴. SAMIR ELSAYED "FOCUS ON ARABS AND ISLAM"THE WASHINGTON REPORT ON MIDDLE EAST AFFAIRS,5 (APRIL,1987,pp.14)CITED IN Y. HADDAD,1991 . 15.STEVE A.JOHNSON .POLITICAL ACTIVITY OF MUSLIMS IN , YOVONNE HADDAD,1991 . 16. همان، ص ۱۱۸.

۱۷. همان جا.

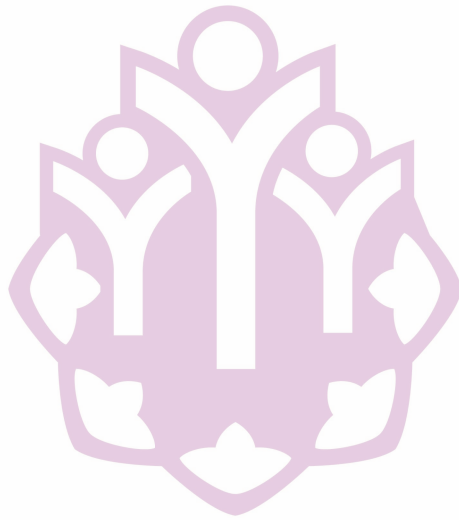
۱۸. 19. CRESCENT INTERNATIONAL, MARCH 1-15,1988,p.10. ابوناصر دونا، نیشن، چاپ تایلند، ۹۶/۹/۱.

۲۰. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۲۱. لامیس آندونی، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۵.

۲۲. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۱۸.

۲۳. ریچارد پرنتاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.
۲۴. ریچارد پرنتاین، نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.
۲۵. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۵.



نہضت ترجمہ
Translation Movement
TM

فصل دوازدهم: مسائل و چالش های فراروی مسلمانان آمریکا

مسائل و چالش های فراروی مسلمانان آمریکا

یکی از واقعیات معاصر، حضور اسلام در همه نقاط جهان است، چیزی که خود مسلمانان روز به روز بیش تر به آن آگاهی پیدا می کنند. در همه جای دنیا اقلیت های مسلمان شکل گرفته اند و امروز توجه جهانیان به این نکته معطوف شده است که اسلام نه تنها در جوامع کمونیستی چین و اتحاد شوروی حضور دارد، بلکه در جوامع دور افتاده ای نظیر: ژاپن، استرالیا و جنوب آفریقا نیز اقلیت های مسلمان فعالی به چشم می خورند. همچنین جمعیت های اسلامی منسجمی در قلب جوامع آلمان، بلژیک، فرانسه، انگلیس و نیز در ایالت جنوبی و شمالی وجود دارند. سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)^(۱) که متشکل از نمایندگان ۴۳ کشور اسلامی است، تقریباً همه جهان اسلام را زیر پوشش دارد و نسبت به شرایط زندگی اقلیت های مسلمان در همه جهان خود را مسؤول و علاقه مند احساس می کند.

حال ببینیم، مسائل عمده ای که این گروه های اقلیت مسلمان با آن مواجه اند کدام است نخستین مسأله مورد توجه آنان، این است که مسلمانان چگونه می توانند در چارچوب یک جامعه غیر مسلمان، به شیوه اسلامی زندگی کنند. مخصوصاً با توجه به این اصل اسلامی که در جامعه اسلامی حکومت از مذهب جدا نیست و به اصطلاح دین و سیاست جدایی ناپذیرند. ایدئولوژی اسلامی این نکته را به روشنی اعلام نموده است که دولت اسلامی باید به گونه ای سازمان یابد که به نیازهای افراد مسلمان جامعه رسیدگی کند و سعی نماید اعتقادات دینی آنان را حفظ و تقویت نماید و در مقابل مسلمانان باید دولت را در اجرای برنامه های خود یاری کند و مؤمن باشند به این که جامعه اسلامی باید بر طبق دستورات اسلامی به حیات خود ادامه بدهد. بدیهی است انجام این مسؤولیت متقابل، برای مسلمانانی که در یک جامعه غیر اسلامی زندگی می کنند، امکان پذیر نیست.

البته این نکته چندان هم تازگی ندارد، در متون گذشته نیز دستورات مفصلی برای نحوه زندگی مسلمانان در جوامع غیر مسلمان آمده است. اسلام زندگی فرد مسلمان را در یک کشور غیر مسلمان مجاز می شمرد، اگر این کار برای امرار معاش و کسب باشد که فرد موظف است، در هر حال پس از انجام کار، به کشور اسلامی خود بازگردد. فرد مسلمان، در هیچ حالی نباید مطیع حکومت غیر مسلمان باشد. بدیهی است متون اسلامی راه های گریزی برای موارد اضطراری پیش بینی کرده است؛ بدین معنا که گاهی ممکن است انجام برخی فرایض دینی، به سبب عدم حمایت حکومت اسلامی، به حال تعلیق در آید. بدیهی است بیش تر مسلمانانی که به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده یا می کنند به کشور خود باز نمی گردند و حتی درصد قابل ملاحظه ای از آنان تلاش می کنند به تابعیت آمریکا در آیند. بسیاری از آنان البته با این قصد می آیند که روزی به وطن اسلامی بازگردند؛ چون بر طبق سنت اسلامی مورد اعتقاد خود تمایل دارند در سرزمین اسلامی دفن شوند؛ اما از زمانی که اقلیت های مسلمان توانستند زمینی اختصاصی برای خود فراهم آورند و قبرستان ویژه مسلمانان

داشته باشند، این گرایش نیز رو به ضعف نهاده است. در هر حال، امروزه دغدغه خاطر مسلمانان آن است که از یک سو باید مطیع احکام اسلامی باشند و از سویی از عهده انجام مسؤولیت های خود در جامعه میزبان بر آیند.

یکی از اعتقادات اساسی اسلام که در عصر ما بیش تر مورد توجه قرار گرفته، مسأله هجرت است. در صدر اسلام، با فرار برخی از مسلمانان به کشور حبشه و سپس هجرت خود حضرت رسول از مکه به مدینه، مفهوم هجرت مصداق پیدا کرد و زمان وقوع همین حادثه است که مبدأ تاریخ اسلام شد. حادثه هجرت مبنای مشروعیت فرار هر مسلمان از کشوری (اعم از اسلامی یا غیر اسلامی) که در آن به سبب شرایط نامساعد و یا فشار حاکمان ظالم قادر نباشد بر طبق آیین و اعتقادات دینی خود عمل کند و این هجرت تا زمان اعاده شرایط مساعد زندگی اسلامی ادامه خواهد داشت. در آمریکا نیز بسیاری از مسلمانان امیدوارند که روزی به وطن خود بازگردند و برای استقرار یک حکومت حقه اسلامی تلاش کنند. افراد انجمن اسلامی دانشجویان غالباً حضور خود را در آمریکا بدین گونه توجیه می کنند. گروه زیادی از آنان، همواره سعی کرده اند در میان جامعه مسلمان مهاجر نفوذ پیدا کنند، اما موفقیتی کسب نکرده اند، برخی نیز با گروه هایی از مسلمانان آفریقا آمریکا همکاری می کنند و در این راه تا حد انتخاب شدن به عنوان امام مسجد ارتقا پیدا کرده اند.

مهاجران اولیه ای که به آمریکا آمده اند و دین اسلام را با خود به این کشور آورده اند، غالباً از روستاییان بی سواد بودند که به زبان انگلیسی هم آشنایی چندانی نداشتند. در آن زمان، وقتی که مسؤولان اداره مهاجرت اقدام به تغییر نام این مهاجران به نام انگلیسی کردند، آن قدر ساده و بی اطلاع بودند که حتی به فکر اعتراض هم نیفتادند. این مهاجران که همه دغدغه خاطرشان مسائل اقتصادی و ادامه حیات در کشور جدید بود، همواره سعی می کردند ملیت و مذهب خود را برای دیگران آشکار نکنند و اصولاً اطلاعات بسیار ابتدایی و ناقصی هم نسبت به دین خود داشتند و چون در وطن خود نیز زیاد انس و الفتی با مسجد نداشتند، در کشور جدید هم بر همان روال باقی ماندند. زندگی در غربت برای مهاجران اولیه بسیار دشوار بود و جای شگفتی است اگر عده ای توانستند در محیطی بیگانه و در محاصره دشمنان بی شمار ایمان خود را حفظ کنند. مسلمانان اولیه اندک بودند و غالباً پراکنده و ناتوان در ایجاد ارتباط با مردم و محیط تازه، زیرا به زبان انگلیسی آشنا نبودند. تلاش آنان تنها در حفظ حیات اقتصادی خود بود. گروهی از آنان که به عنوان فروشنده دوره گرد کار خود را آغاز کردند، در نقاط مختلف روستاهای میدوست در رفت و آمد بودند و کالاهای کوچک و کم قیمت به روستاها می بردند. شغلی که برای آنان به منزله طناب نجات بود و رشته ای نازک که حیات آنان را به جامعه ارتباط می داد. تعداد اندکی از آنان که توانستند با جامعه آمریکا سازگار شوند، مجبور شدند با زنان غیر آمریکایی، از ملیت های دیگر ازدواج کنند، این مهاجران، پس از آن که صاحب فرزند شدند، احساس کردند که برای حفظ دین خود و ادامه آن در فرزندان، باید دور هم جمع شوند و مراکز مذهبی تشکیل دهند. از این رو، گروهی از آنان که پراکنده ماندند، پیوندهای خانوادگی، قومی و دینی خود را فراموش کردند و به مرور زمان، فرزندان بسیاری از این مهاجران با غیر مسلمان ها ازدواج کردند و حتی متأسفانه به مسیحیت گرویدند.

در طول قرن بیستم مهاجران مسلمان، امواجی از عقاید و آداب گوناگون را به همراه خود به این کشور آوردند که با وجود تفاوت های زیاد، همه آنها تحت عنوان اسلام شناخته شدند. آنان با باورهای آمیخته که به عقیده خودشان همان بود که مورد قبول اجماع مسلمانان جهان اسلام است و برای هر زمان و مکان معتبر می باشد. در حدود سال های ۱۹۵۰ شماری از مسلمانان ناسیونالیست به آمریکا مهاجرت کردند که تعبیر و تفسیر تازه ای از اسلام داشتند. طبق نظر آنان اعمال عبادی روزمره نظیر: نمازهای واجب و حضور در مسجد، کم اهمیت تر از تقید به آداب سنتی و قومی و ملی بود. در همین سال ها نیز شمار معدودی امام جماعت به میان مسلمانان آمدند که ضمن تبلیغ افکار و عقاید اسلامی، تأکید زیادی بر فقه اسلامی و آداب عبادی می کردند. در سال های اخیر نیز موجی از ورود مسلمانان تازه به آمریکا ایجاد شد و با حمایت های مالی عربستان سعودی به تبلیغ و آموزش اسلامی پرداختند که به نظر خود آنان اسلام رسمی یا اسلام واقعی بود. این مسلمانان مبلغ اسلام بودند و هیچ نوع تفسیر و تعبیر سازش کارانه از تعالیم اسلام را مجاز نمی دانستند. و در نتیجه، این تفاوت های بارز و گوناگون، موجب می شود که نتوان آنان را تعمیم داد و به نوعی (اسلام در آمریکا) را دسترسی پیدا کرد. نوع تعالیم اسلامی، از نخستین سال های مهاجرت مسلمانان به این کشور به نسبت ملیت آنان، وضع اقتصادی، پیوندهای قومی و سطح آموزش آنان و اخیراً نیز به نسبت میزان سازگاری با فرهنگ آمریکا، همواره متفاوت بوده است. یکی از واقعیات اسلام مهاجران آمریکا آن است که جامعه مسلمانان آمریکا تاکنون نتوانسته است مؤسسات معتبری برای پرورش کسانی ایجاد کند که بتوانند نقش رهبری مذهبی را ایفا کنند. در تمام کشور آمریکا، تا آن جا که ما اطلاع داریم تنها چند امام یا رهبر مذهبی وجود دارد که از داخل آمریکا هستند (که یکی از آنان اصلاً متولد آمریکاست). این چند نفر خود از فرزندان ائمه جماعت هستند، ولی اطلاعات اسلامی آنان به اندازه کافی گسترده نیست. به عبارت دیگر، مسلمانان آمریکا نتوانسته اند رهبران مذهبی واجد صلاحیت برای خود تربیت کنند، از این رو، غالب رهبران، فقها و ائمه جمعه و جماعات مسلمانان آمریکا، از خارج مأمور می شوند. از آن جا که جامعه مسلمانان آمریکا تاکنون مراکز آموزشی معتبر ایجاد نکرده است، درباره عمده مسائل اسلامی و راه حل های مشکلات اعتقادی خود همواره چشم به خارج از آمریکا دوخته است.

در عین حال آنچه قابل توجه است، آگاهی روز افزون و اعتنای هر چه بیش تر مسلمانان آمریکا به اسلام و رسالت آن است. در پانزده سال اخیر گروه کوچکی از دانشمندان مسلمان مهاجر در صدد تهیه کتب و نشریاتی برای استفاده مهاجران بر آمده اند. مساجد زیادی مرتباً ساخته می شود که سعی می شود در بنای آنها معماری اسلامی مراعات شود و حتی مدارس قبلی را چنان تزیین می کنند که نشان دهنده ایده آل های سنتی باشد. مثلاً، برای مساجد مناره می سازند. تأسیسات الحاقی و اضافی مساجد را که رابطه مستقیمی با عبادات اسلامی ندارد، حذف می کنند؛ اما با وجود این، قابل ذکر است که ازدیاد روز افزون آگاهی اسلامی موجب شده است که به مرور زمان هویت ها و پیوندهای قومی و ملی کم رنگ شده و هویت اسلامی، به عنوان جوهر متحد کننده جامعه اسلامی آمریکا سر برآورد.

ازدیاد آگاهی و هوشیاری اسلامی و نیز هجوم مهاجران تازه ای که در شمار مسلمانان متعصب و مقید می باشند، موجب ایجاد درک تازه ای از اسلام شده است. از سویی حوادث اخیری که در خاورمیانه اتفاق افتاده است، از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران و مسأله فلسطین و لبنان، موجب آگاهی بیش تر شده و به این جهت آمریکاییان و غرب به طور اعم به اسلام به مثابه نوعی ایدئولوژی منفی و مخرب نگاه می کنند. در آمریکا بسیاری علاقه مندند که اسلام نه به عنوان یک مذهب آمیخته با وحشت و ترور، بلکه پیام آور آرامش و صلح شناخته شود و ضمن آموزش مبانی اسلام به توده های مسلمان آمریکا، به مسأله همسازی و همنوایی بین اسلام و دو دین معتبر دیگر، یعنی، مسیحیت و یهود بیندیشند سه چهارم.

- افراد مسلمان معتقدند که، جنگ های خاورمیانه تأثیر منفی در آرای آمریکاییان نسبت به اسلام بر جای گذاشته و در آمریکا با مسلمانان بیش تر از سابق بد رفتاری می شود و مردم از اسلام متنفر شده اند و عملاً هم آن را نشان می دهند. تقریباً عموم مسلمانان آمریکا علاقه مندند که آمریکاییان به اسلام به عنوان دین صلح و صفا نگاه کنند. یک دغدغه دیگر جامعه مسلمانان آمریکا آن است که آمریکاییان هم به علت بی اطلاعی از تعالیم اسلامی و هم تحت تأثیر نوشته های آشفته و بی پایه مطبوعات، کم کم اعتقاد پیدا کنند که تروریست های اسلامی نمونه و سرمشق همه معتقدان به اسلام هستند. غالب افراد معتقدند که، مطبوعات آمریکا به شدت جانب اسرائیل را می گیرند و علاقه خاصی به حفظ منافع اسرائیل در خاورمیانه دارند و نظرشان درباره اسلام و اعراب دور از انصاف و عدالت است. مسلمانان آمریکا عموماً بر این عقیده اند (و کاملاً درست است) که مردم غیر مسلمان آمریکا ابداً اطلاع ندارند که مسلمانان تا چه اندازه برای حضرت موسی و حضرت مسیح و همه پیامبران مورد قبول مسیحیان و یهودیان احترام قایلند. همچنین آمریکاییان عموماً با تعالیم اسلامی بیگانه اند و نسبت به این دین آسمانی، سوء تفاهم کامل دارند. بویژه مسلمانان کشورهای عربی، مشتاق هستند که نشان دهند خدایی که می پرستند، همان خدای مسیحیان و یهودیان است. همه یکتا پرستند و پیامبران آنان از یک سلاله اند. تعداد اندکی از پاکستانی ها مقیدند که، خداوند را با کلمه (الله) یاد کنند. به عقیده آنان اطلاق هر اسم دیگری غیر از آنچه در قرآن آمده؛ یعنی، الله، دون شأن اوست. برعکس، اعراب با این نکته موافق نیستند و احساس می کنند که تخصیص کلمه الله برای خداوند از سوی عالمان پژوهشگر غرب، تلاشی است برای جدا کردن اسلام از ادیان مسیحی و یهودی و اعلام این مطلب که اسلام آیین بیگانه با این دو دین است و با میراث آنها ارتباطی ندارد. در مطالعات دینی که از سوی آمریکاییان صورت می گیرد، استعمال مکرر کلمه (یهودی-مسیحی)(۲) در توضیح ادیان آسمانی یک هدف عمده دارد و آن منزوی کردن اسلام و جدا کردن آن از سایر ادیان الهی است. مأموران دولت آمریکا با این کار و اقدامات مشابه دیگر، سعی دارند مسلمانان و پیروان سایر ادیان را از جامعه چند آیینی و چند ملیتی آمریکا طرد نمایند. اعم از این که این کار، عمدی یا غیر عمدی باشد، حاصل آن دور نگه داشتن مسلمانان از مشارکت در ساختار آینده جامعه آمریکاست.

بی اعتنایی و یا بغض آمریکاییان نسبت به اسلام موجب شده است که متفکران این سرزمین یا به کلی از اسلام بی اطلاع بمانند و یا قضاوت اشتباه آمیز داشته باشند. مسلمانان عموماً متوجه این نکته شده اند که

آمریکایی‌ها چندان اشتیاقی به شناخت اسلام، این دینِ همزاد مسیحیت ندارند و این بی‌اعتنایی غالباً موجب تنفر از این دین نیز خواهد شد و انتشار اسلام را در آمریکا با مشکل مواجه خواهد ساخت و وقتی از افراد درباره این مسأله اخیر، یعنی، انتشار و اشاعه اسلام در آمریکا سؤال شد، تنها ۷٪ آنان عقیده داشتند که، آمریکاییان ظرفیت پذیرش اسلام را دارند. در مقابل ۳۴٪ اظهار داشتند که، آمریکاییان یا کاملاً بی‌اطلاع از اسلامند و یا بی‌علاقه به شناخت آن و ۵۹٪ عقیده داشتند که، آمریکاییان نظر خصمانه نسبت به انتشار و اشاعه اسلام دارند. در این درصدها عواملی نظیر: سن، جنس، درجه تحصیلی و یا محل تولد چندان دخیل نیست؛ اما کسانی که به مطالعه مجلات و روزنامه‌های منتشره در کشورهای اسلامی می‌پردازند، همچنین در این اظهار نظرها میزان رفت و آمد به مسجد و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و میزان تقید به اسلام تأثیر قابل توجه ندارد. مسلمانانی که به مسائل اسلامی چندان مقید نیستند، مشروب الکلی می‌خورند، به استخرهای مختلط و مجالس رقص می‌روند، بیش‌تر واقفند که آمریکایی‌ها نسبت به اشاعه و انتشار اسلام بی‌توجه و بی‌تفاوتند. مسلمانان ساحل شرقی که در محیطی آزادتر و غنی از نظر مؤسسات آموزشی و فرهنگی زیست می‌کنند، محیطی دارای مماشات و سازگاری با ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، هستند. تاحدود ۵۰٪ عقیده دارند که آمریکاییان اگر به مسأله اشاعه اسلام روی خوش نشان ندهند، لاقلاً بی‌تفاوتند که این میزان البته در دو ناحیه دیگر به حدود ۳۰٪ می‌رسد. (به جدول زیر رجوع کنید).

سایر ضرایب همبستگی نسبت به درجه پذیرش اشاعه اسلام از سوی آمریکایی‌های پیرو سایر مذاهب.

این ضریب همبستگی البته چندان قابل ملاحظه نیست. نتیجه آن که نزدیک به سه پنجم افراد عقیده داشتند که آمریکایی‌ها با اشاعه اسلام مخالفند. بسیاری از افراد نیز به این نکته اشاره کردند که آمریکایی‌ها، اعراب را مردمی نادان و عقب افتاده می‌دانند، چیزی که البته مایه رنجش زیاد عرب‌ها می‌شود. تعداد اندکی اظهار داشتند که، شخصاً برخوردهای خصمانه‌ای در محل کار یا محل‌های عمومی شاهد بوده‌اند؛ اما در زمینه رفتار با بچه‌ها جز یکی دو استثنا هیچ‌کس از این بابت؛ یعنی، بدرفتاری با بچه‌ها در مدرسه، شکایتی نداشت و هیچ موردی حاکی از بدرفتاری به سبب مسلمان بودن بچه‌های شان سراغ نداشتند. البته در صحبت‌های خصوصی می‌گفتند که، با برخی از آشنایان آنان برخورد نژاد پرستانه شده است. در واقع می‌توان شاهد مواردی از این خصومت نسبت به مسلمانان باشید. پس از حادثه بمب‌گذاری در مقر نظامیان آمریکا در لبنان، در سال ۱۹۸۸ که منجر به قتل گروه زیادی از آنان شد، در یکی از شهرهای آمریکا، شمار زیادی از جوانان آمریکایی در ماشین‌های رو باز از جلوی مسجد مسلمانان عبور می‌کردند و ضمن پرتاب میوه‌های گندیده و زباله به سوی مسجد، فحاشی می‌کردند و حتی از مواد انفجاری بی‌خطر نیز استفاده می‌کردند و این تظاهرات ادامه داشت تا گروهی از مذهبیون وابسته به

یک کلیسای مجاز جلوی آنان را گرفتند و به مسأله خاتمه دادند. همچنین پس از این حادثه بود که برای عده ای از بچه های مسلمان در موقع مراجعت از مدرسه مزاحمت هایی فراهم شد.

یک حادثه دیگر نیز که گویای خصومت و کینه آمریکاییان نسبت به اسلام بود اتفاق افتاد. این حادثه نشان داد که مسلمانان در چه شرایطی زندگی می کنند. قضیه از این قرار بود که در یکی از شهرهای آمریکا که یک مرکز اسلامی مهم هم دارد، برخی ها در کنیسه های یهودیان آتش سوزی عمدی راه انداختند و به خانه خاخام و یک یهودی معتبر نیز آسیب رساندند. همه شهر می دانستند که این، کار گروه های ضد یهود است. (جامعه دفاع از یهود) به مقابله برخاست و تهدید کرد که به هرکس ظنین باشند، حمله خواهند کرد. در کلیساها مسیحیان جلسات زیادی برای تخفیف احساس ضد یهود تشکیل شد. اگر چه عاملان اصلی شناخته شدند و با وجود خسارات زیادی که به بار آورده بودند، هرگز تحت تعقیب و محاکمه قرار نگرفتند. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که خودداری برخی از مسلمانان از ذکر موارد تبعیض و اظهار دشمنی با اسلام و ترس مسلمانان از این احساسات آن است که افراد نمی خواهند با این بهانه خود را انگشت نما کنند و به این مسأله دامن بزنند و نیز نمی خواهند با ذکر تجارب شخصی خود و نزدیکان مردم چنین گمان کنند که این موارد جنبه شخصی و خصوصی دارد. آنان مایلند که این خصومت را یک مسأله عام مربوط به کینه آمریکاییان با اسلام وانمود کنند. به هر حال، موارد پنهان کاری و نادیده گرفتن موارد تبعیض یک نوع مکانیسم دفاعی می تواند به شمار آید.

ترس مسلمانان در این موارد ناشی از چند عامل است. پیش از هر چیز، جلوه دادن چهره غیر واقعی و مخدوش از اسلام در رسانه های گروهی؛ به عنوان مثال، کتاب هایی با عناوین منفی منتشر می شود از قبیل: اسلام جنگ طلب، خنجر اسلام. در روزنامه واشنگتن پُست، (جوزف کرافت) (۳) مقاله ای نوشت با عنوان (چهره سیاه اسلام). علت دیگر این ترس، وجود نداشتن هیچ نوع حمایت سیاسی و اقتصادی قابل توجه از سوی دنیای اسلام است. در این شرایط و در حالی که آمریکاییان با نظر تحقیر و خصومت به اعراب می نگرند، (۴) مسلمانان آمریکا برای حفظ امنیت خود جز بر حسن نیت و بزرگواری دوستان و همسایگان غیر آمریکایی خود نمی توانند متکی باشند.

با وجود این نگرانی های بجا، جوش خوردن و همسازی مهاجران مسلمان با جامعه آمریکا به کندی صورت می گیرد، هم از نظر شغلی و هم از نظر اقتصادی و حال آن که جذب مسلمانانی که مؤثر و منشأ خدمت در نظام آمریکا هستند، می تواند به رونق سرمایه داری این کشور کمک کند. داده های به دست آمده از پژوهش ها، حاکی از آن است که سازگاری مسلمان با فرهنگ آمریکا، بسیار به کندی صورت می پذیرد، مخصوصاً اگر مهاجران مسلمان از کشورهایی آمده باشند که فرهنگ و آداب و آیین های آنان به کلی متفاوت با فرهنگ آمریکا باشد. مثلاً، اعراب غرب زده، اما دارای احساس ناسیونالیستی زودتر با فرهنگ آمریکا دمخور می شوند تا پاکستانی های متعصب و شدیداً پایبند به اعتقادات اسلامی، عرب ها خیلی زود می توانند به عنوان ملیت های حوزه مدیترانه جای خود را در کنار یونانی ها و ایتالیایی ها باز کنند؛ اما برای پاکستانی ها این کار، مشکل است. پاکستانی ها با مشکل دیگری نیز مواجه اند و آن تیرگی نسبی پوست آنان است که به مشکلات

آنان به عنوان مسلمان، مشکل سیاهان را نیز می افزاید. از سوی دیگر، در پاکستانی ها، احساسات دینی بر احساسات ملی گرایانه غلبه دارد که از این جهت نیز با اعراب تفاوت دارند.

در مطالعه وضع مساجد نقاط مختلف آمریکا هم می توان متوجه شد که مسلمانان مجتمع در آنها خیلی وابسته به پیوندهای قومی و ملی هستند و احساسات ملی گرایی در گروه های مختلف مسلمان بسیار قوت دارد، وجود این احساس ناسیونالیست، تکیه گاه خوبی برای مهاجران تازه است، به خصوص آنانی که جز به زبان مادری ملی خود زبان دیگری نمی دانند وقتی به این کشور می رسند، پیوند و تماس با هموطنان و همزبانان خود را موهبتی می دانند و یک تکیه گاه روانی. همبستگی این مهاجران موجب می شود که آداب و رسوم خود را زنده نگه دارند و این همبستگی ملی و زبانی با ورود پی در پی مهاجران تازه تقویت می شود. با این حال، برای مسلمانان آمریکا این مسأله حایز اهمیت است که اسلام را به عنوان یک چتر حمایت عمومی و یک مأمن برای همه معتقدان به اسلام نگه دارند، که در زیر آن، همه بدون توجه به تعلقات زبانی و قومی گرد آیند. البته اقامت مسلمانان در کشور آمریکا به تدریج در جوامع مسلمان تأثیراتی منفی برجای گذاشته است. مثلاً، کودکان مسلمان به سبب تماس مستمر با مدارس دولتی، به سرعت غرب زده می شوند و غیر مستقیم نیز بر خانواده خود اثر می گذارند. به هر حال می توان متوجه شد که در بسیاری از نواحی آمریکا تجمع مسلمانان در مساجد بیش تر به مجالس خانوادگی شباهت دارد تا به یک گردهمایی عبادی و دینی. و سازمان مسجد و مرکز اسلامی با نفوذ روش های دموکراتیک از شکل سنتی خارج شده اند و اداره مسجد و مسائل مالی و مقررات و اساسنامه ها همه به شیوه نظر خواهی و انتخابات دموکراتیک صورت می گیرد. حتی به مرور زمان اسلام، خود را با اصول حاکم بر جامعه آمریکا تطبیق می دهد و چهره اصلی خود را عوض می کند و سازشکاری و مماشات جای اصول قطعی اسلام را می گیرد. هر نسل از نسل پیش نسبت به اجرای احکام اسلام تعصب کم تری نشان می دهد.

بهبخت ترجمه

(به جدول های صفحه بعد رجوع کنید).
میزان تقید بر اعمال عبادی (۵) و ارتکاب محرمات (۶).

INS

درجه ارتکاب محرمات افرادی که تا حد مقیاس ۱۶ - ۲۰ بی اعتنا به اعمال عبادی می باشند به نسبت محل تولد.

درجه معاشرت با جامعه غیر مسلم و تأثیر آن بر تقید به اعمال عبادی و ارتکاب محرمات.

روشن است که مسلمانانی که مدت مدیدی در آمریکا بوده اند و فرزندانشان جذب مدارس عمومی آمریکایی شده اند، از نظر اعمال عبادی اسلامی، رفتارهای مغایر و نامتجانس دارند، حتی آنانی که وابسته به یک گروه قومی و ملی هستند. بسیاری از مسلمانان روز به روز از تأثیر مدارس دولتی بر آمریکایی شدن فرزندانشان بیش تر آگاه می شوند. این مسأله موجب شده است که جامعه مسلمانان آمریکا به تلاش افتاده است که مدارس ویژه ای برای فرزندان خانواده های مسلمان تأسیس کنند. به خصوص در شهرهای بزرگی نظیر: شیکاگو، سیاتل و لوس آنجلس. البته همه مسلمانانی که مورد بررسی ما قرار گرفتند، درباره فرستادن فرزندانشان به مدارس اسلامی موافق نبودند و درصدی ترجیح می دهند فرزندانشان به همان مدارس آمریکایی بروند. با این حال، برای مسلمانانی که نسبت به تربیت اسلامی فرزندان حساسیت دارند، این اقدام فرصت مساعدی به شمار می آید. دغدغه خاطر مسلمانان آمریکا آن است که اگر چه با تأسیس مدارس ویژه بچه ها بیش تر در خط اسلام، باقی خواهند ماند، اما در مقابل غیبت از مدارس رسمی آمریکایی به درجه علمی و آموزشی آنان لطمه می زند. چون روش تدریس و پرورش علمی بچه ها در مدارس رسمی (اعم از دولتی یا خصوصی) در سطح بالایی قرار دارد.

بسیاری از مهاجران تازه از راه رسیده از یک مسأله به شدت نگرانند و آن بی بند و باری و آشفتگی معیارهای اخلاقی حاکم بر جامعه آمریکاست: بالا بودن آمار جنایات، اشاعه مواد مخدر، فحشا و برهنگی زنان و از بین رفتن قبح مسائل جنسی. آنان وجود این مفاسد را به مسیحیت نسبت می دهند؛ زیرا، این دین از مبانی اولیه خود خالی شده است. به نظر آنان در جامعه آمریکا چیزی که ارزش تقلید و یادگیری داشته باشد وجود ندارد. از این رو، به سرعت متوجه ارزش های اسلامی شده و با جدیت سعی در تبعیت از آن می کنند و حتی رسالت خود می دانند که مردم آمریکا را به سوی اسلام و به سوی خدا و ایمان به خدا فرا خوانند و از آنان بخواهند در استقرار یک حکومت اسلامی جهانی مشارکت کنند، نظامی که فراتر از تعیضات و تفاوت های قومی، نژادی و زبانی است. و جامعه ای بر مبنای عدالت. بدیهی است اسلام در آمریکا به اشکال مختلف ظاهر می شود و حتی در گروه نسبتاً کوچک مسلمانان، افکار و اعتقادات اسلامی گوناگونی به چشم می خورد. ضمناً مجموع مطالعات و پژوهش هایی که تاکنون به عمل آمده، نشان می دهد که مسلمانان آمریکا را می توان به پنج گروه نسبتاً متمایز تقسیم کرد:

گروه اول را که می توان مسلمانان لیبرال نامید، گروهی هستند که رهبر ندارند. احتمالاً بیش ترین مسلمانان غرب زده متعلق به این گروه اند. بیش تر افراد این گروه یا مهاجران مسلمان غیر مأنوس بامسجدند و یا مسلمانان متولد آمریکا (از پدر و مادر لبنانی الاصل) هستند. گروه دوم که می توان آنان را مسلمانان سنتی یا محافظه کار نامید، مسلمانانی اند که به حداقلی از اعمال عبادی و رفتار اسلامی و تقوای فردی مقید هستند. اهل عبادات یومیه هستند، غالباً روزه می گیرند و از صرف مشروبات الکلی و گوشت خوک یا گوشت غیر ذبح شرعی اجتناب می کنند.

گروه سوم که می‌توان آنان را مسلمانان مقید و متعصب نامید، افرادی‌اند که برنامه زندگی خود را بر مبنای محتوای احادیث اسلامی و تعالیم قرآنی می‌گذرانند و به دقت به همه اعمال عبادی متعارف پرداخته و از محرّمات پرهیز می‌کنند. این گروه برای حفظ روش اسلامی زندگی خود معمولاً منزوی باقی مانده و در گروه‌های کوچک به حفظ شیوه اسلامی خود ادامه می‌دهند. گاهی با اشتیاق روحانیان مسلمان، سایر کشورها را در جمع خود پذیرا می‌شوند و به مواعظ و سخنان آنان با دقت و علاقه گوش می‌دهند.

گروه چهارم که می‌توان آنان را مسلمانان نوین یا مسلمانان مجاهد نامید، کسانی هستند که از نظر تقید به عبادات و پرهیز از محرّمات مانند گروه سوم هستند، با این تفاوت که معتقد به رسالتی نیز هستند و آن تلاش برای استقرار نظام اسلامی در جوامع و پیاده کردن برنامه‌های اسلامی و نظارت بر اداره صحیح زندگی جوامع اسلامی است.

و بالاخره گروه پنجم، جماعت متصوفه است که همه توجه و گرایش آنان به جنبه‌های عرفانی اسلام است. غالب این افراد غیر مسلمانانی هستند که به اسلام گرویده‌اند.

روشن است بیش‌تر مسلمانان آمریکا منحصر به دو گروه اول است، زیرا با توجه به فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه آمریکا دسترسی به سایر گروه‌ها چندان آسان نیست و حتی می‌توان گفت در پاره‌ای موارد غیر ممکن است.

این مسأله در مطبوعات منعکس شد و مقالاتی درباره وضع مسلمانان انتشار یافت، از جمله مقاله (جان دارت) (۷) در روزنامه لوس آنجلس تایمز تحت عنوان (خطر تحلیل رفتن ارزش‌های اسلامی) این مقاله طبیعتاً به مثابه زنگ خطری بود برای جامعه اسلامی شهر لوس آنجلس، به گونه‌ای که یک امام جماعت مسجد مسلمانان از آن مقاله به عنوان (بمبی که تکمه آن کشیده شده) یاد کرد. پس از انتشار این مقاله بود که دو نفر از رهبران مساجد شیکاگو درخواست کردند که وضع مسلمانان حوزه مساجد و مراکز آنان مورد بررسی قرار گیرد.

در واقع عنوان این مقالات چندان مغایرتی با حاصل پژوهش ما نداشت؛ زیرا برخی از مسلمانان، آمریکا را به عنوان وطن خود برگزیده و با ارزش‌های آن سازگار شده‌اند. در حالی که گروهی دیگر معتقدند که، این روش خوگرفتن با زندگی آمریکایی، ارزش‌های اسلامی را در خطر نابودی قرار می‌دهد. هر دو دیدگاه متوجه یک مسأله است و آن یافتن پاسخ این سؤال است که: مسلمان بودن در جامعه آمریکا به چه معناست آینده اسلام در این کشور تا حد زیادی وابسته به چند فاکتور کلیدی است.

جریان عمومی گرایش‌های اسلامی در دنیای اسلامی، از لحاظ رهبری، تبیین اعتقادی و ایمانی و جریان مهاجرت مسلمانان به خارج از دنیای اسلام و تلاش برای بازسازی فکر اسلامی و یافتن راهی برای آشتی اسلام با مقتضیات معاصر.

درجه پذیرش و استقبال آمریکا از حضور روزافزون اسلام در این کشور. (در این زمینه، دولت آمریکا سعی می‌کند به سیاستی مشخص در خاورمیانه و سایر مناطق جهان اسلام دست یابد و مطبوعات با حساسیتی ویژه مسائل اسلامی را در صفحات خود منعکس می‌سازند).

و بالاخره راه و روشی که اسلام برای بیان خود و اعلام شیوه زندگی خود در کشور آمریکا در پیش خواهد گرفت.

با ادامه کوشش های مسلمانان شاید بتوان راه هایی کشف کرد که از طریق آن، اسلام به عنوان یک ایمان و یک ایدئولوژی و نیز به عنوان یک پدیده واقعی آمریکایی عرض اندام کند.(۸).

به هر حال، تردیدی نیست که مسلمانان مهاجر و بومی آمریکا، همانند دیگر اجتماعات اقلیت این کشور، با چالش ها و مسائل متعددی مواجه هستند. یکی از موارد مهم و مسأله ساز، نحوه زندگی به شیوه اسلامی در آمریکاست، بدین معنا که مسلمانان سعی دارند از یک سو اسلام را به عنوان یک شیوه کامل و جامع زندگی حفظ کنند. در عین حال ناگزیرند با مشکلات ناشی از تحولات و تغییرات حاصل در عصر مدرن که طی چند دهه گذشته صورت گرفته، دست و پنجه نرم نمایند. به زبانی دیگر، مسلمانان ناگزیرند یک شیوه زندگی مذهبی متناسب با اوضاع و دگرگونی های عصر ما بعد صنعتی و عصر مدرنیسم در جامعه آمریکا برای خود تنظیم نمایند تا ضمن حفظ معتقدات دینی و انجام فرایض مذهبی، خود را با دنیای مدرن که مظاهر و مصادیق و تبعات بارز آن در این کشور پیشرفته صنعتی بیش از هر جای دیگر به وفور به چشم می خورد، بیگانه سازند و به تعبیری دیگر بین زندگی اسلامی و مدرنیسم صنعتی تناسب سالمی برقرار سازند. پرواضح است که ظهور پدیده ای به نام جامعه مافوق مدرن و یا مافوق صنعتی در عصر کنونی، مسائل ویژه خود را به همراه دارد و از این رو، نه تنها اسلام، بلکه همه ادیان و ایدئولوژی های گوناگون سعی دارند، به نحوی در برابر شرایط زندگی ناشی از مدرنیسم امروزی، عکس العمل مناسب نشان دهند.(۹).

آمریکا درباره روش کلی زندگی، هماهنگ با جنبش های آگاهی بخش اخلاقی در آمریکاست. به نظر مرحوم (اسماعیل فاروخی)، ورود مسلمانان و فعالیت آنان در آمریکا یک خواست الهی بوده است. نامبرده در این خصوص یادآور شد:

خداوند سبحانه و تعالی با آوردن مسلمانان به آمریکا مأموریت جدی به آنان محوّل کرده و این مأموریت عبارت است از نجات غرب به دست مسلمانان.(۱۰).

از این رو، برخی از مسلمانان آمریکا تصور می کنند در یک موقعیت ویژه ای قرار گرفته و با چالش های جدیدی رو به رو شده اند و این چالش ویژه عبارت است از یافتن راه هایی که با سنت های یهودیت، مسیحیت و اسلام سازگار باشد. سنت هایی که بیش تر مردم آمریکا در آن سهیم و با آن هم عقیده هستند. خانم (سوزان حنیف) در کتابی تحت عنوان چه چیزی راجع به اسلام و مسلمانان باید دانست، آورده است:

به موازات افزایش پیوسته تعداد مسلمانان مهاجر و بومی در جهان غرب، امید می رود که این مسلمانان از طریق شناساندن اسلام و به کارگیری میراث بزرگ آموزش ها و تعالیم اسلامی برای یافتن راه حل هایی برای مسائل و مشکلات پیچیده ای که بشریت با آن مواجه است و برای بهبود اوضاع جوامعی که در آن زندگی می کنند، بتوانند نقش مهمی ایفا نمایند.(۱۱).

مسلمانان آمریکا ناگزیرند برای ادامه حیات فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی خود در محیط جدید به نحوی خود را با الزامات محیط چالشگر و مشکل آفرین تطبیق دهند. یکی از چالش هایی که مسلمانان آمریکا با آن روبه رو

هستند، مربوط به حفظ هویت اسلامی آنان می باشد، آنچه که برای مسلمانان مهاجر آمریکا، همانند دیگر اقلیت های مهاجر، چالش عمده به حساب می آید، مسأله حفظ آداب، سنت ها و ارزش های قومی و فرهنگی و مذهبی در محیط فرهنگی حاکم و در کشاکش برخورد ارزش ها می باشد. این برخورد ارزشی در پروسه بسیار حساس استحاله فرهنگی، که عموماً جامعه شناسان و انسان شناسان آن را ادغام شوندگی فرهنگی یا فرهنگ پذیری می نامند، صورت (ACCULTURATION) می گیرد. به تعبیری دیگر، فرهنگ پذیری، طبق تعریف علم جامعه شناسی، عبارت است از: پروسه ای که طی آن افراد مستعمره یا تحت سلطه در فرهنگ مسلط استعمارگر یا در محیط جدید فرهنگی، تدریجاً استحاله شده و به ناچار ارزش ها و شیوه های زندگی محیط حاکم را پذیرا می شوند و خود را با فرهنگ حاکم تطبیق می دهند. البته پروسه ادغام شوندگی فرهنگی یا فرهنگ پذیری در فرم های گوناگون جلوه می کند و در همه موارد، مخصوصاً در شرایط کنونی، این پروسه مستلزم استیلای نظامی و ایجاد رابطه مستعمره و استعمارگر نمی باشد؛ زیرا در فرم جدید و امروزی استحاله فرهنگی، مهاجرت های آزادانه به کشورهای دیگر، مخصوصاً به ممالک صنعتی غرب به جای روابط کهنه استعماری نشسته است. برای نمونه، گرچه پروسه فرهنگ پذیری در خصوص مسلمانان آمریکای شمالی نیز مصداق دارد، باید توجه داشت که مسلمانان مهاجر به این کشور، غالباً داوطلبانه به این جا آمده و زندگی در یک فرهنگ مسیحی را پذیرا شده اند. بنابراین، مسلمانان مهاجر در این کشور ناگزیرند برای زندگی کردن در یک چنین محیطی، که در آن بسیاری از قوانین اسلامی را نمی توان پیاده کرد، به انگیزه ها و خواسته های خود صورتی واقع بینانه و منطقی بدهند.

همان گونه که در مباحث علوم اجتماعی، بویژه در جامعه شناسی و انسان شناسی مطرح است، آنچه که در پیدایش و شکل گیری و تداوم یک گروه اجتماعی نقش بسیار تعیین کننده، دارد علایق، گرایشات، حساسیت ها، اهداف و سرنوشت مشترک اعضای گروه می باشد. در این میان یکی از مهم ترین عناصر در حیات تاریخی و توسعه یک گروه اجتماعی، حفظ هویت آن گروه است. گروه ها و دسته جات و مجموعه های مختلف از جمله مسلمانان بومی آمریکا در محیط صورت می گیرد. از این رو، یک مسلمان آمریکایی پیش از هر چیز، خود را یک شهروند آمریکایی می شناسد و از این حیث خواسته یا ناخواسته خود را از دیگر مسلمانان جهان متمایز می بیند؛ زیرا هویت وی تنها براساس معیارهای مذهبی تعیین نمی گردد. به بیانی دیگر، هویت مذهبی یکی از ابعاد وجودی و هویت کلی اجتماعی اوست. بنابراین، یک مسلمان آمریکایی برای شناسایی و حفظ هویت خود باید پیش از هر چیز متوجه باشد که عوامل متعددی، که در بالا اشاره شد، در شکل دهی و تعریف هویت (عوامل سیاسی، فرهنگی، زبانی و قومی) او نقش دارند. به همین سبب، مسلمانان برای حفظ هویت اسلامی خود در یک چنین محیطی، که نرم ها و ارزش ها و معیارهای گوناگون اجتماعی و غیر اسلامی در تعیین روند زندگی افراد نقش دارند، باید با یک نگرش چند بعدی و برنامه های نسبتاً جامع که کلیه ملاحظات در آن ملحوظ شده باشند حرکت کنند، ولی این حرکت باید عمدتاً بر محور توحید باشد. البته این حرکت، کار چندان ساده ای نیست؛ زیرا نیروهای زیادی دست اندرکار تأثیرگذاری و جهت دهی زندگی در این جامعه هستند و از این رو، حرکت به سوی حفظ هویت برمحور توحید را با مشکلات زیادی رو به رو می سازند. (۱۲).

از دیگر چالش‌هایی که در برابر مسلمانان قرار گرفته، مربوط به ایجاد نهادهای اسلامی است. ایجاد یک چنین نهادهایی تا به حال به کُندی صورت گرفته است. به نظر برخی از ناظران یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، حرکت کُند مردم بومی آمریکا برای گرویدن به اسلام و دیگری به خاطر نوع مسلمانان مهاجری است که به آمریکا آمده‌اند. به نظر این گروه، اگر مسلمانان بومی آمریکا با سرعت بیش‌تری به اسلام می‌گرویدند، می‌توانستند با استفاده از تجربیات اجتماعی و دانش خود، رهبری پروسه ایجاد نهادهای اسلامی را به دست گرفته و حرکت آن را تسریع نمایند. بیش‌تر مهاجران اولیه به فکر ماندن همیشگی در آمریکا نبوده و بیش‌تر به فکر تحصیلات و یا تهیه پول و تأمین معیشت و سرانجام در اندیشه بازگشت به کشورهای اصلی خود بودند و از این رو، در سال‌های اولیه مهاجرت خود، توجهی به ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات اسلامی نداشتند. (۱۳).

چالش‌های دیگری که مسلمانان آمریکا با آن رو به روهستند، مربوط به فعالیت‌های اقتصادی آنان می‌باشد. بسیاری از رهبران اسلامی این کشور، در زمینه فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان، بامسائلی رو به رو شده‌اند: مسأله ربا یا همان بهره پول، مسأله مالکیت براساس ضوابط اسلامی، مسأله تجارت کردن با کالاهایی چون: نوشابه‌های الکلی، گوشت خوک و دیگر کالاهایی که از نظر اسلام حرام شمرده شده‌اند و مانند اینها. البته ساختارهای اقتصادی مسلمانان آمریکا تدریجاً در حال ظهور هستند و توفیق مسلمانان در این باره به موجودیت سرمایه در جامعه اسلامی این جا و نیز به طرز فکر و تلقی مسلمانان تاجر و کاسب نسبت به سیستم سرمایه داری آمریکا بستگی دارد. در شرایط فعلی، تعداد قابل توجهی از این دسته از مسلمانان مسأله نرخ بهره (ربا) را برای خود حل کرده و توجیهات منطقی برای آن یافته‌اند. و سرانجام مسأله مشارکت فعال در پروسه‌ها و جریان‌های سیاسی آمریکا از دیگر چالش‌هایی است که در برابر بسیاری از مسلمانان این کشور قرار گرفته است. البته همان گونه که در بخش‌های پیشین ملاحظه شد، از دهه مخصوصاً ۱۹۸۰ توجه مسلمانان به فعالیت‌های سیاسی سازمان یافته حالت جدی به خود گرفت و مسلمانان با استفاده از تجربیات سایر گروه‌ها و از جمله با بررسی فعالیت‌های یهودیان از طریق کمیته‌های اقدام سیاسی، دست به ایجاد سازمان‌ها و کمیته‌های اقدام سیاسی زدند. و همان گونه که قبلاً اشاره شد، همه گروه‌های مسلمان در خصوص فعالیت‌های سیاسی نظر مشابهی ندارند. بدین معنا که تعدادی از گروه‌های اسلامی، مثل جماعت تبلیغی و مانند اینها مخالف هرگونه فعالیت سیاسی مسلمانان هستند. (۱۴) دیگر از مشکلاتی که در میان مسلمانان در حال افزایش است، طلاق است، به دلیل رو به رو بودن نوجوانان با دو فرهنگ گاه متضاد، با مشکلاتی از قبیل: سرکشی و لجام گسیختگی مواجه می‌شوند و متأسفانه، از این رو، نسبت به دستورات اسلامی، بدبین می‌شوند؛ چرا که نمی‌خواهند با منازعات و اختلاف نظرهای خانوادگی کنار بیایند و نمی‌خواهند همه چیز را فدا کنند. از این رو، وضعیت آنان تا حدی از نظر سیاسی، اجتماعی به هم ریخته است. (۱۵).

یکی دیگر از مشکلات بزرگ مسلمانان آمریکا، مسأله نژادی می‌باشد؛ زیرا مسلمانان آمریکایی از نژادهای مختلف هستند. این تعداد نژادی، باعث تعداد آرای مختلفی بین آنان شده است که حتی این مسأله در حمایت از حزب‌ها نیز صدق می‌کند. مثلاً، به قول (احسان بالگی) که یک پروفیسور مسلمان است، عده‌ای از

مسلمانان تحت ارزش های خانوادگی که جمهوری خواهان، شعار آن را می دهند، احساس آسایش می کنند؛ ولی از آن سو گروهی نیز از سیاست های سنتی دموکرات ها در حمایت از مستمندان و افراد فقیر حمایت می کنند. (۱۶).

به هر حال، متأسفانه بین مسلمانان سیاه پوست و مهاجر در آمریکا، هماهنگی خوبی وجود ندارد. مثلاً، حدود پنجاه خانواده مسلمان در شهر کوچک نیویارک وجود دارد. (جهاد عبدالله) ۴۷ ساله قائم مقام مرکز آموزشی اسلامی درباره این مشکل می گوید:

در این جا ما به همکاری مسلمانان مهاجر و سیاه پوست احتیاج داریم تا این بدبینی اهالی شهر را نسبت به دین اسلام و مسأله تروریسم از بین ببریم؛ چرا که بدون اتحاد بین مسلمانان مهاجر و سیاه پوست آمریکایی، نمی توان دین مبین اسلام را به دیگران شناساند. (۱۷).

همچنین با وجود افزایش و توسعه دین مبین اسلام سیاه پوستان، رفته رفته بر تعداد مسلمانان اضافه شد؛ ولی گروه (امت اسلامی) سیاه پوستان از سوی مسلمانان مهاجر مورد استقبال واقع نشد که این مسأله، خود یک معضل بزرگ به شمار می رود؛ (۱۸) چرا که مسلمانان سیاه پوست و مسلمانان مهاجر در آمریکا، بیش تر جدا از همدیگر زندگی می کنند، ولی با تمامی این مشکلات، ظاهراً مسلمانان سیاه پوست و مهاجر دریافته اند که برای حل مشکلات، احتیاج به وحدت و هماهنگی دارند. از این رو، یک عضو مراکشی یکی از مساجد اورلاندو^۵ فلوریدا، که بیش تر اعضای آن را هندی ها و پاکستانی ها تشکیل می دهند، گفت:

ما در محل های مختلفی زندگی می کنیم، اما اکنون از سویی به دلیل منافع دو جانبه و پخته تر شدن جامعه اسلامی، پل هایی میان سیاه پوستان و مهاجران زده می شود و به عبارت دیگر، اختلافات رفته رفته از میان برداشته می شود.

البته رهبران دو گروه هم به یکپارچگی دایمی امیدوارند و سابقه همکاری میان این دو گروه به یک روز گرم ماه فوریه ۱۹۹۳ در پارک هتل بوئنا در (ارنج کاونتی) کالیفرنیا برمی گردد که در آن ۲۵ نفر از رهبران چهار سازمان اسلامی عمده آمریکا به تشکیل شورای رایزنی مسلمانان آمریکا همت گماردند. اکنون اعضای این شورا به طور مرتب تشکیل جلسه می دهند و تصمیماتی عمدتاً نمادین اتخاذ می نمایند؛ اما این شورا، نخستین گام مهم در از سر گرفته شدن روابط میان مسلمانان مهاجر و آفریقایی^۶ آمریکایی تلقی می گردد. رهبر این دو گروه در مراسم و برنامه های یکدیگر اجلاس هایی که تقریباً ماهی یک بار تشکیل می گردد، شرکت می نمایند. شخصیت های برجسته سیاه پوست، از قبیل وارث الدین محمد رهبر بزرگ ترین گروه سیاه پوست میسیون مسلمان (MISSION MUSLIM) و جمیل الامین رهبر گروه سیاه پوست جامعه ملی در مراسم و برنامه های (انجمن اسلامی آمریکایی شمالی) و (شورای اسلامی آمریکای شمالی) که دو گروه عمده از مهاجران مسلمان به شمار می روند، شرکت می جویند. از این رو، ازدواج های مختلط بویژه در کالیفرنیا، اندک اندک افزایش می یابد. تعدادی از مساجد، بالاخص مساجد واقع در مجاورت دانشکده ها و مدارس عالی، حالتی مختلط پیدا می کنند؛ یعنی، دیگر مسلمانان مهاجر و سیاه پوست با هم در مراسم نماز جماعت شرکت می کنند. (۱۹).

از مشکلات دیگر مسلمانان، آزادی هایی است که به آنان داده می شود. مثلاً، بیش تر خانم های مسلمان در آمریکا با سر گذاشتن روسری در محل کار خود، به طور فزاینده ای با مشکلات رو به رو شده اند. معمولاً آنان می گویند: به دلیل خودداری از برداشتن روسری در محل کار و یا تقاضای دست کشیدن از کار برای ادای نماز، شغل خویش را از دست داده اند. همچنین آنان معتقدند که، دختران مسلمان در مدارس، مورد سرزنش قرار می گیرند و همکلاسی های شان روسری های آنان را از سرشان برمی دارند، مسلمانان نیز از آن شکوه دارند که در جایگاه هایی چون: پمپ بنزین و فروشگاه ها، از ارائه خدمت به آنان خودداری می شود. البته برخی از این رویدادها با وساطت و پا در میانی رهبران جامعه اسلامی و یا با تهدید وکلای حقوقی دایر بر شکایت بردن به دادگاه، فیصله می یابد. به طور مثال، اخیراً در ناحیه (فالزجرج) جامعه اسلامی به صاحب یک هتل که یکی از کارکنان زن مسلمان خود را به سبب سر کردن روسری از کار بر کنار کرده بود، اعتراض کردند و صاحب هتل مزبور، مجبور شد که عذرخواهی کند و زن مورد نظر را به کار فرا خواند. (۲۰).

از دیگر چالش هایی که مسلمانان با آن رو به رو هستند، مشکل رسانه های تبلیغاتی است که همواره مطالب خود را با بدبینی نسبت به اسلام و مسلمانان چاپ می کنند. کلاً، رسانه ها همواره مسلمانان را به صورت تروریست جلوه می دهند و ایالات متحده در همه جا علیه مسلمانان می جنگد؛ چرا که مطمئن است اگر دین اسلام همچنان رشد کند، دیگر جایی جهت فرمانروایی سران آمریکایی وجود نخواهد داشت. (۲۱) از این رو، آمریکا از فعالیت آنان به تنگ آمده تاجایی که در چند سال پیش تاب تحمل تبلیغات مذهبی مسجد مرکزی واشنگتن را نیاورد و باحمله به مسجد، امام جماعت و تعدادی از مسلمانان این کشور را دستگیر کرد. (۲۲).

از سویی رسانه ها، همواره تصویری کلیشه ای از مسلمانان ارائه می دهند. واشنگتن آنان را هدف حملات خود قرار داده است. (۲۳) از این رو، از زمان وقوع حادثه بمب گذاری در (اوکلاهوما سیتی)، مسلمانان آمریکا هدف آزار و اذیت، خشونت و تبعیض قرار گرفتند که بخش اعظم آن ناشی از تبلیغات رسانه ها بود که تروریست های خاورمیانه ای مسبب انفجار ساختمان مذکور بوده اند. به هر حال، حتی پس از آن که مشخص شد، مظنونان این انفجار، خانواده های مسیحی آمریکایی بوده اند، مسلمانان همچنان ملاحظه می نمودند که به عنوان یک اقلیت مذهبی و فرهنگی در جامعه ای عمدتاً بی خبر از اسلام، مورد تبعیض قرار می گیرند. (۲۴).

۱. 2.JUDE . ORGANIZATION OF ISLAMIC CONFERENCE

4. 3.JOSEPH KROFT . CHRISTIAN . آمریکاییان غالباً اعراب را آدم های شهوتران و

زن پرست و خشن به شمار میآورند و این تصورات خود را در سینما و تلویزیون هم به تصویر می کشند.

۵. اعمال عبادی مورد نظر عبارتند از: نماز جمعه، روزه، تلاوت قرآن، دعوت مسلمانان به شرکت در نماز جماعت و نمازهای پنجگانه یومیه.

۶. محرمات مورد نظر عبارتند از: خرید و مصرف گوشت غیر ذبح شرعی، شنا در استخرهای مختلط، شرکت در مجالس رقص معمول در آمریکا و مصرف مشروبات الکلی.

۷. برای ردیف اول بالاترین مقیاس پنج و پایین ترین مقیاس بیست و برای ردیف دوم بالاترین مقیاس پنج و پایین ترین شانزده در نظر گرفته شده است.

9.۸. JOHN DART. ایون یازبک حداد و آلبرت لومیس، گسترش ارزش های اسلامی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه افضل وثوقی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران سال ۱۳۷۱، ص ۲۵۶.

۱۰. JOHN O.VOLL, "ISLAMIC FOR MUSLMS IN THE UNITED

11. STATES"IN YVONNE HADDAD, 1991. همان جا.

۱۲. SUZANNE HANEEF. "WAHT EVERYONE SHOULD KNOWN

13. ABOUT ISLAM AND MUSLIMS"CHICAGO :KAZI 1982,p.314 .

13.SULAYMANS NYAZ, CONVERGENCE AND DIVER GENCE IN AN FMERGENT COMMUNITY:A STUPY OF CHALLENGE

14. 1991. Y.HADDAD, MUSLIMS,IN Y.FACING U.S. همان، ص ۲۴۷.

۱۵. 1993 16, LARRY POSTON. رابرت مارکند، لامیس آندونی، کریسچین ساینس مانیتور،

چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۹.

۱۷. یو. اس. ای. تودی، چاپ آمریکا، بی تا.

۱۸. کوچی ایگاراچی، آساهی، چاپ ژاپن، ۹۶/۱/۵.

۱۹. کوچی ایگاراچی، آساهی، چاپ ژاپن، ۹۶/۱/۵.

۲۰. مارکند رابرت، آندونی لامیس، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۲۱. لاری گودشتاین، واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۹۶/۴/۲۰.

۲۲. میشل برونو، فیگارو، ۹۲/۶/۱۳.

۲۳. نجومی الطامی، المجله، چاپ انگلستان، ۸۲/۲/۱۹.

۲۴. رابرت مارکند، کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۲۵. لاری گودشتاین، واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۹۶/۴/۲۰.

فصل سیزدهم: آینده اسلام در آمریکا

آینده اسلام در آمریکا

از نظر بسیاری از رهبران اسلامی آمریکا، اسلام با سرعت شتاب گیرنده ای در این کشور حرکت می کند، به طوری که از مرز کالج ها، مدارس و دانشگاه ها گذشته و حتی به زندان ها نفوذ کرده است. البته برخی از پژوهشگران با چنین ادعایی موافق نبوده و آن را نوعی خوش بینی بیش از حد، که عمدتاً علایق و کشش های ایدئولوژیکی در آن مؤثرند، تلقی نموده اند. لاری پاستون در زمره پژوهشگرانی قرار دارد که با چنین نظری درباره رشد مسلمانان چندان موافق نیست. به نظر وی گرچه فعالیت مسلمانان در یک مسیر صعودی حرکت می کند، ولی سرعت آن کند است و مهم ترین که بیش تر مسلمانان آمریکا روز به روز بیش تر از گذشته استحاله فرهنگی می شوند و به قولی سبک زندگی و رفتار اجتماعی و بسیاری دیگر از وجوه زندگی فرهنگی این کشور را مورد تقلید قرار داده و آسیمیله (تشبه پیدا کردن به قومی یا گروهی) شده اند. از سویی، اگر چه سازمان های فعال مسلمانان رو به ازدیاد است، ولی در عین حال این سازمان ها از لحاظ منابع مالی، حجم، تعداد اعضا و نظم تشکیلاتی با مشکلات عدیده ای رو به رو هستند. بدتر از همه این که سازمان های مذکور نه تنها بدون ارتباط و همکاری با یکدیگر عمل می کنند، بلکه در بسیاری موارد علیه یکدیگر صف آرایی می نمایند. و سرانجام این که فرقه گرایی بر اساس برداشت های متفاوت از اسلام و قرآن، گروه ها و فرقه های مسلمان را به نفی ایدئولوژیکی یکدیگر واداشته و دامنه این قضیه به حملات انتقادی و گاه به برخوردهای فیزیکی (نمونه درگیری سلفیه ای ها و اخوانی ها و...) فرقه های متخاصم کشیده شده است. خلاصه این که قسمت قابل توجهی از انرژی و نیروی فکری و مالی مسلمانان این کشور به دلیل همین درگیری ها به هدر می رود.



شانس موفقیت اسلام در آمریکا.

درباره این که آیا اسلام در آینده به صورت یک نیروی مذهبی قدرتمند در آمریکا درخواهد آمد یا نه، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی با بررسی جریانات فعلی اسلامی این کشور، به این جمع بندی رسیده اند که ادامه روند کنونی به نفع اسلام و مسلمانان در آمریکا نخواهد بود؛ زیرا نتیجه ای جز ایجاد تفرقه و تحلیل رفتن تدریجی نیروهای مسلمان و کم رنگ شدن جاذبه های اسلام در پی نخواهد داشت. برخی نیز با استناد به گفته های مسلمانان و صاحب نظران مسائل مذهبی، شانس خوبی برای رشد سریع تر اسلام در آمریکا می بینند؛ البته مشروط به این که مسلمانان فعلی این کشور، از زمینه های موجود کنونی به درستی بهره برداری کنند و از طریق روش های مناسب و با شناخت پتانسیل های موجود جامعه آمریکا، اسلام را به درستی عرضه

نمایند. برخی از تحقیقاتی که درباره جنبش های مذهبی سه دهه گذشته، مخصوصاً دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ صورت گرفته، حاکی است که تعداد فزاینده ای از مردم آمریکا، مخصوصاً جوانان این کشور با سرخورده شدن از تعالیم مسیحیت و یهودیت، که در آنها به جای استفاده از عقل و منطق، عمدتاً به بُعد احساسی انسان تأکید شده و در عین حال پتانسیل انسان ها دست کم گرفته شده، در جست و جوی رستگاری از طریق دست یابی به مذاهبی هستند که در آنها ضمن تأکید به عقل و تجربه و دیسیپلین به پتانسیل و استعداد ذاتی انسان نیز توجه شایسته ای شده است. در همین زمینه (جکوب یندلن) طی تحقیقات خود درباره گرایشات جدید مذهبی جوانان به این نتیجه رسید که، جوانان امروزی در صدد یافتن ایمانی هستند که علاوه بر مراسم مذهبی و داشتن دیسیپلین و متد برخورد عقلانی و منطقی به جای برخورد صرفاً احساسی، به قدرت خلاقه انسان ها در تکامل بخشیدن به وضعیت خویش نیز تأکید ورزد. (۱) از این رو، با توجه به خصوصیات مذکور می توان به خوبی دریافت که اسلام دارای پتانسیل بزرگی برای بسط و گسترش خود در جهان غرب می باشد. به نظر این دسته از متخصصان اگر مسلمانان آمریکا در جریان جنبش های مذهبی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به صورت متحد گونه بسیج می شدند، می توانستند تعداد زیادی را به اسلام سوق دهند.

البته انجمن اسلامی دانشجویان طی سال های فوق الذکر توانست در زمینه جلب تعداد زیادی به اسلام، به موفقیت های قابل توجهی دست یابد، ولی بقیه سازمان ها نتوانستند توفیق چندانی در این خصوص به دست آورند؛ زیرا مسلمانان آمریکا حداکثر آمادگی بهره برداری تبلیغی از وضعیت آن موقع را نداشته و مهم تر از همه این که بیش ترها در فرهنگ آمریکا استحاله شده و به فکر مسؤولیت های اسلامی خود نبودند. در شرایط کنونی نیز زمینه های مناسب برای بسط و گسترش اسلام در آمریکا وجود دارد و استفاده از این فرصت ها منوط به این است که مسلمانان این کشور دست به یک سری تغییرات اساسی در جامعه خود بزنند. به نظر برخی از صاحب نظران، این گونه تغییرات باید شامل موارد زیر باشد:

نخست این که پیش از هر چیز مسلمانان آمریکا باید در صدد به وجود آوردن یک رهبری بومی در این کشور باشند وگرنه اسلام با همان خصوصیت خارجی متمایز از فرهنگ بومی آمریکا باقی خواهد ماند که در این صورت، کمکی به بسط و گسترش آن نخواهد کرد؛ یعنی، با توجه به تصویر ذهنی مخدوش از اسلام که از سوی رسانه های جمعی این کشور ترسیم شده، اگر مسلمانان بومی آمریکا رهبری جامعه اسلامی خود را به دست نگیرند، در این صورت، اسلام همچنان به عنوان یک فرقه مذهبی بیگانه تلقی شده و همیشه در معرض خطر تبلیغاتی دشمنان قرار خواهد گرفت. (۲) دوم این که مسلمانان باید تصور منفی نسبت به اسلام را در ذهنیت مردم آمریکا تغییر دهند و به مردم این کشور تفهیم نمایند که اسلام، غیر از آن چیزی است که رسانه های آمریکا معرفی کرده اند. به طور کلی به نظر تعدادی از پژوهشگران، آینده مسلمانان در این کشور، به آینده کثرت گرایی مذهبی آینده مرتبط است. این پژوهشگران با مشاهده اوضاع فعلی مسلمانان، استدلال می کنند که اسلام، به عنوان یک دین اقلیت، آینده خوبی در این کشور خواهد داشت؛ زیرا بسیاری از قراین حاکی از این است که مسلمانان، علی رغم مشکلات و درگیری های سازمانی و فرقه ای وضع تبلیغاتی و نیز علی

رغم چالش های فراوری خود، در شرایط فعلی تا حدی جای پای خود را باز کرده اند. به بیانی دیگر، بر خلاف تبلیغات منفی رسانه ها و تأثیر سوء، این تبلیغات در تصویرسازی منفی از اسلام در ذهن مردم آمریکا، رشد اسلام در این کشور از دید اولیای امور پنهان نمانده است. تعدادی از سیاستمداران نیاز به جلب حمایت مسلمانان را درک کرده و سعی کرده اند در مبارزات انتخاباتی در سطح ملی یا محلی، گروه های گوناگون مسلمانان کشور را به صف طرفداران خود سوق دهند. برای نمونه، در انتخابات چند سال پیش، جسی جکسون کاندیدای حزب دموکرات توانست حمایت برخی از گروه های مسلمان را جلب نماید. در سال ۱۹۹۱، جورج بوش رئیس جمهور وقت، طی صدور بیانیه ای رسمی که گویا نخستین بیانیه کاخ سفید درباره به رسمیت شناختن اعیاد اسلامی بود، عید فطر را به مسلمانان تبریک و آرزوی بهروزی برای آنان نمود.

بیل کلینتون نیز در ۲۳ مارس ۱۹۹۳ با صدور بیانیه ای خطاب به مسلمانان گفت:

در خلال ماه مبارک رمضان، مسلمانان متعهد و مؤمن در سراسر جهان روزه گرفتند تا به یکی از وظایف بزرگ اسلامی خود عمل کرده باشند. این یک سنتی است که جامعه شما را متحد نگه می دارد و افراد را نسبت به مسؤولیتشان در قبال شهروندان نیازمند متوجه می سازد.

از دیگر نمونه های سمبلیکی که نشان دهنده توجه مقامات آمریکایی به جامعه اسلامی این کشور است دعوت رسمی از امام (سراج وحاج) از مسجد بروکلین برای ارسال پیام مذهبی در کنگره بود. وحاج نخستین مسلمانی بود که برای نخستین بار به کنگره دعوت شد تا مراسم دعای مجلس نمایندگان را برگزار کند. گفته می شود: دعوت از امام مسجد بروکلین به توصیه (نیک رها) نماینده دموکرات (وست ویرجینیا) صورت گرفت؛ زیرا نامبرده معتقد بود که، بهتر است یکی از مراسم دعا در مجلس نمایندگان به وسیله یک روحانی مسلمان صورت گیرد. (۳).

گرچه دعوت از مسلمانان و توجه به آنان از سوی نهادهای حکومتی آمریکا عمدتاً جنبه سیاسی و تبلیغاتی و ظاهر سازی دارد، ولی همین ظاهرسازی ها، تا موقعی که مسلمانان به عنوان یک نیروی اقلیت نسبتاً بزرگی مطرح نبودند، هرگز صورت نمی گرفت. رشد روز افزون اسلام در این کشور، نه تنها از دید مقامات و مخصوصاً سیاستمدارانی که در پی جلب آرای اقلیت های مختلف هستند دور نمانده، بلکه بسیاری از مقامات کلیساهای این کشور نیز نگرش جدیدی نسبت به مسلمانان پیدا کرده اند. متعاقب انفجار مرکز تجارت جهانی در فوریه ۱۹۹۳ در نیویورک، تعدادی از مردم عادی و حتی برخی از نمایندگان کنگره، تحت تأثیر تبلیغات رسانه ها دید منفی تری نسبت به مسلمانان پیدا کرده و حتی خواهان محدود کردن مقررات و قوانین اداره مهاجرت برای جلوگیری از ورود مسلمانان خاورمیانه به آمریکا شدند. در این میان، سناتور (آلفونس دوماتو) که از طرفداران پرو پا قرص یهودیان و دولت اسرائیل و مخالف مسلمانان است، با ارائه لایحه ای به کنگره، پیشنهاد کرد جلوی ورود فلسطینی های ناسیونالیست و طرفدار حماس به آمریکا گرفته شود. دولت اسرائیل نیز مدعی شد که، گروه اسلامی حماس در آمریکا، دارای دفاتری است که از طریق آنها برای کمک به فعالیت های تروریستی علیه اسرائیل پول جمع آوری می کند؛ ولی علی رغم این گونه تبلیغات منفی علیه مسلمانان که در خدشه دار کردن اعتبار مسلمانان این کشور بی تأثیر نبوده، عده ای از دست اندرکاران امور حساسیت قابل

توجهی به نفع مسلمانان نشان دادند. مثلاً، کمی پس از واقعه انفجار فوق الذکر، (ماریوگمو) استاندار ایالت نیویورک با صدور بیانیه ای مردم را دعوت به صبر و آرامش نموده و آنان را از متهم نمودن مسلمانان بر حذر داشت. در این زمینه، شمار زیادی از سازمان های مذهبی از جمله: شورای ملی کلیساها و اتحادیه های عبری آمریکا نیز مردم را دعوت به آرامش و صبر نمودند. دبیر کل شورای کلیساهای آمریکا، (جان کمیل) از مسیحیان خواست که همسایگان مسلمان خود را بهتر از اینها بشناسند و بدانند که ما منکر وجود افراط گرایان نیستیم، ولی باید توجه داشت که افراط گرایان در بسیاری از ادیان از جمله در بین مسیحیان نیز وجود دارند. باید روشن سازیم که این یک مسأله مربوط به افراط گرایی است و ربطی به گروه مذهبی ندارد. به طور کلی گروه های مختلف مسلمان آمریکا امیدوارند که علی رغم تلاش های منفی رسانه ها و محافل مخالف اسلام، چهره واقعی اسلام و مسلمانان روز به روز بهتر از گذشته برای مردم این کشور روشن شود و جامعه اسلامی بیش از پیش مقبولیت یافته و سرانجام همانند جوامع یهودی و مسیحی این جا از احترام لازم برخوردار شود. (شاکرالسید) از جامعه اسلامی آمریکای شمالی، ایسنا، در این خصوص می گوید:

تصویری که از مسلمانان به دست رسانه ها ترسیم شده، تدریجاً تغییر خواهد یافت؛ ولی کمی وقت لازم دارد. دیگر این که بالاخره مسلمانان در جامعه آمریکا پذیرفته خواهند شد. این طبیعت جامعه آمریکا است. یکی دیگر از رهبران اسلامی، آقای (العمودی)، می گوید:

مسلمانان آمریکا برخلاف تبلیغاتی که می شود، هرگز در پی تحلیل بردن ارزش های مسیحی و یهودی این کشور نیستند؛ ولی آنچه که باید بدان توجه شود، این است که ما هم این جا هستیم و دوست داریم به عنوان یک گروه مثبتی که می خواهد بخشی از این سیستم و از این فرهنگ باشد، به رسمیت شناخته شویم. ما می خواهیم بخشی از این ملت بزرگ باشیم.

العمودی در جایی دیگر می گوید:

هر وقت به کنگره و یا کاخ سفید می رویم، به آنان می گوئیم که ما دیگر یک جامعه و ملت صرفاً یهودی^۱ مسیحی نیستیم. شما می توانید آن را فرهنگی ابراهیمی و یا فرهنگ یهودی^۲ مسیحی^۳ اسلامی بنامید. (۴).



رسالت مسلمانان آمریکا.

به هر حال، آنچه که مسلم است این است که جامعه مسلمانان آمریکا با توجه به ترکیب و پراکندگی جمعیت و نیز با در نظر گرفتن وجود هزاران متخصص در زمینه های علمی، فنی و مهارت های مختلف و موفقیت های نسبی اقتصادی کلاً به عنوان یک جامعه نوپای بزرگ و رشد یابنده و نسبتاً قوی در این کشور مطرح است. مخالفت های محافل یهودی داخل و خارج و تشدید تبلیغات زهرآگین علیه اسلام و مسلمانان و از جمله علیه مسلمانان در آمریکا، همگی حاکی از بیم جامعه یهودیان صهیونیست و طرفدار اسرائیل از خطر رشد سریع اسلام در ایالات متحده است؛ زیرا مطرح شدن روز افزون اسلام و جلب احترام مردم و مقامات کشور به نفع

مسلمانان و مشاهده رفتار اجتماعی احترام برانگیز آنان، تبلیغات منفی رسانه ها، محافل یهودی و ضد اسلامی را بی رنگ خواهد نمود. از سویی تلاش مسلمانان آمریکا برای تطبیق و آشتی مسالمت آمیز ارزش های اسلامی با ارزش ها و نُرم های فرهنگی و اجتماعی آمریکا و از آن جمله احترام به دموکراسی و تبعیت از قانون و تلاش برای کسب علوم و فنون و مشارکت در پروسه های سیاسی طبق موازین دموکراتیک مورد قبول جامعه و مبارزه با مظاهر انحراف انگیز و مفسد اجتماعی و مخصوصاً توجه به ارزش های انسانی و تأکید بر سلامت خانواده و مانند اینها نه تنها جنبه هایی از شیوه زندگی اسلامی را به معرض دید و قضاوت مردم آمریکا می گذارند، بلکه با آشنا ساختن مردم این کشور با اسلام و رفتار و اهداف مسلمانان باعث خنثی شدن تدریجی تبلیغات منفی علیه مسلمانان می شوند؛ زیرا با شیوه زندگی خود (هر چند معیارهای اسلامی در آنها به طور کامل رعایت نشده باشد) به مردم آمریکا عملاً نشان می دهند که اسلام نه تنها بامبانی دموکراسی، (البته به مفهوم درست آن)، در تضاد نیست، بلکه احترام به آزادی و رعایت حقوق انسان ها و استقرار عدالت و محو همه مظاهر ظلم و استثمار و تبعیض، و احترام به قانون و تعهد نسبت به پیمان و تأکید به علم و کسب و کار و ثروت و مانند اینها از ابتدایی ترین شعارهای اسلامی است. بدیهی است که ادامه روند رشد یابنده اسلام در آمریکا، عرصه را بر ترک تازی محافل صهیونیستی و ضد اسلام در این کشور تنگ خواهد کرد. به همین دلیل مسلمانان آمریکا، چه مهاجر و چه بومی، رسالت رسانیدن پیام اسلام و مسلمانان سراسر جهان به گوش مردم آمریکا را خواسته یا ناخواسته باید به دوش بکشند و با برداشتن گام های هوشیارانه و آگاهانه، شخصیت مذهبی خود را براساس ارزش های اسلامی بسازند و با حفظ هویت اسلامی در محیط سکولار آمریکا، استعداد انسان سازی و جامعه سازی اسلام را در فاسدترین و منحط ترین اجتماعات بشری عملاً نشان دهند تا بدین وسیله ماجراجویی های تبلیغاتی نظریه پردازان یهود که پیوسته تلاش نموده اند، اسلام را به عنوان دشمن شماره یک دموکراسی و پیشرفت و دشمن تمدن غرب در ذهن مردم آمریکا جلوه دهند، بی اثر شود.

ترجمت برجه
Translation Movement
JMS

۱. همان، ص ۱۸۱ - ۱۸۳.

۲. همان، ص ۱۸۱ - ۱۸۳.

۳. WALLSTREET JOURNAL, APRIL, 1.1993. همان، ص ۳۷۶ - ۳۷۸.

فصل چهاردهم: جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان آمریکا

نهضت جهانی اسلام و جایگاه تاریخی جمهوری اسلامی ایران

اگر قرن هجدهم و مخصوصاً قرن نوزدهم را قرن ظهور و گسترش ایدئولوژی های غیر مذهبی در مغرب زمین در نظر بگیریم، در این صورت قرن بیستم را باید قرن افول و سقوط این ایدئولوژی ها و قرن تجدید اسلام و رشد شتاب گیرنده نهضت جهانی اسلام بدانیم. همان گونه که پیش تر اشاره شد، شکست علم و ایدئولوژی های مادی و به بن بست رسیدن روشن فکران در فراهم ساختن زمینه های لازم برای استقرار جامعه آزاد و آباد، شرایط لازم را برای تولد دوباره ایمان مذهبی آماده نمود و در این میان اسلام، پس از چهارده قرن بعثت، انقلاب خود را تکرار کرد تا با تغییر انقلابی ارزش ها و متحول ساختن انسان ها و خلق شخصیت های بزرگ و دگرگون ساختن بینش ها، روح حیات و حرکت به کالبد عصر ما بدمد. بعثت دوباره اسلام ناب محمدی در زمانی صورت گرفت که زمزمه مرگ و پایان ایدئولوژی در غرب از زبان متفکرانی چون (دانیل بل) و مانند آنان به گوش می رسید. البته شرایط خاص حاکم بر غرب، طی سال های بین ۱۹۳۰ و ۱۹۵۰ که با ظهور فاشیسم، نازیسم، امپریالیسم نژادی، جنگ های ویرانگر آن هم در ممالکی که خود را میراث دار فرهنگی غنی بشری می دانستند، بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی همراه بود و نیز صدها نمونه دیگر از جنایاتی که در جریان مبارزات استقلال طلبانه علیه قدرت های استعماری اروپا صورت گرفته، همه و همه موجبات یأس متفکران انسان دوست غرب را نسبت به لیبرالیسم، دموکراسی و دیگر ایدئولوژی های غیر مذهبی فراهم ساخت. امروز در غرب، صحبت از بی محتوا بودن ایدئولوژی های مادی و غیر مادی گذشته و طرح ایدئولوژی های جدید تحت عنوان توسعه اقتصادی و قدرت ملی مطرح است؛ زیرا به گفته دانیل بل: ایدئولوژی های قدیمی، ارزش و اعتبار و قدرت خود را در چشم روشن فکران رادیکال کاملاً از دست داده اند. (۱).

به هر حال، آنچه که مسلم است این است که، اسلام از گوشه نشینی و انزوای تحمیلی بیرون آمده و بار دیگر وارد متن زندگی انسان های تعالی جو شده تا سرنوشت آینده را رقم بزند؛ زیرا این اسلامی که به میدان آمده، آن اسلام خنثی و بی طرف و بازیچه دست قدرتمندان و زورمندان و ریاکاران نیست، بلکه اسلامی است که سلاح به دست گرفته و حساس ترین لحظات تاریخی خود را در مبارزه با امپریالیسم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نیروهای ضد انسانی می گذراند و هیچ رسالتی جز انسان سازی و رهایی از استعمار و شورانیدن مردم محروم و ستم دیده علیه قدرت هایی که به استثمار، استعمار، استعباد و در یک کلام به استضعاف خلق مشغولند برای خود قایل نیست. و به همین دلیل است که این نهضت نوپای اسلامی، دورانی سخت، هیجان انگیز، توطئه آمیز و خطرناک و در عین حال آفریننده و هم ثمر بخشی را می گذراند؛ زیرا کاروان اسلامی مسیری ناهموار، پُرسنگلاخ و پر پیچ و خمی را طی می کند که حرامیان بسیار در آن به کمین نشسته و کمر به نابودی آن بسته اند. به زبانی دیگر، تمامی نیروهای ضد آزادی و ضد انسانی به صورت جبهه ای متحد در

برابر این نهضت جدید صف آرایی کرده و با بسیج تمامی امکانات اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ایدئولوژیک خود ضربات پی در پی بر پیکر آن وارد می سازند؛ ولی این جنبش بزرگ و آگاه بخش که دوران تکوین ایدئولوژیکی خود را طی کرده، بر خلاف گفته نظریه پردازانی که از مرگ ایدئولوژی ها و حتی ایدئولوژی های مذهبی سخن گفته اند، شایستگی و استعداد انسان سازی و آفرینندگی و دگرگون سازی اجتماعی و خلاصه هنر خود را در بیداری و آگاهی بخشیدن به توده ها و بسیج آنان علیه تمامی مظاهر ظلم و فساد در جلوه انقلاب اسلامی ایران متجلی ساخت. به بیانی دیگر، این بعثت جدید اسلامی بزرگ ترین معجزه خود برای دگرگون سازی انسان و جامعه را در چهره انقلاب اسلامی ایران به نمایش گذاشت و به نسل نومید عصر ما که امید به آزادی و رستگاری را در خود باخته بود، ایمان و امید تازه ای بخشید.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نخستین تجربه و ثمره بعثت جدید اسلام پس از گذشت شانزده سال از عمر خود، همچنان به صورت تنها سمبل و الگو و منبع شور و حرکت و امید در دل های مستضعفان جهان حتی در بین مستضعفان آمریکا ولو در مقیاس کوچک (به دلیل جلوگیری استکبار از شناخت آن) به حیات پربار خویش ادامه می دهد. و جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان پاسدار ارزش های این انقلاب بزرگ جهانی، علی رغم فشار و توطئه های پیدا و پنهان دشمنان و با پشت سر گذاشتن پیروزمندانه همه تجربه های تلخ گذشته، مقاوم تر و بالنده تر از همیشه پرچم مبارزه با استکبار و قدرت های اهریمنی را به عنوان قافله سالار نهضت جهانی اسلام به دست گرفته و شایستگی خود را در این راه به اثبات رسانیده است.

اما به میزانی که کاروان اسلام در مسیر حرکت چالش گرانه خود به پیش می رود، توطئه های دشمنان اسلام نیز ابعاد و شدت بیش تری به خود می گیرد و مهم تر از همه این که، نوک تیز حملات دشمن متوجه ایران اسلامی است؛ زیرا می داند که مهر سرنوشت این نهضت جهانی بر پیشانی نظام اسلامی ایران خورده و از این رو، شکست جمهوری اسلامی ایران، تمامی مستضعفان و همچنین مبارزان مسلمان را از قوی ترین و اصلی ترین پایگاه خود محروم خواهد کرد و امید به پیروزی نهایی اسلام را در دل های آنان به یأس مبدل خواهد ساخت. به همین دلیل، حمایت مسلمانان آگاه و مبارز از نظام اسلامی ایران و مهم تر از همه حمایت ایران از مسلمانان سراسر جهان یک ضرورت تاریخی جلوه می کند، آن هم در زمانی که ائتلاف شوم سردمداران مسیحیت و یهودیت در برابر اسلام انقلابی ایستاده است.

تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها دژ مستحکم نهضت جدید اسلام مسئولیت سنگین دفاع از اسلام و مسلمانان را به دوش می کشد و در عین حال برای هدایت این مبارزه رهایی بخش باید در حد امکان، حمایت دیگر مسلمانان آزادی خواه در سراسر جهان را پشت سر خود بکشد تا با تقویت پایگاه های حمایت در نقاط مختلف جهان، توطئه ها و تبلیغات دشمن را خنثی کند. یکی از منابع و ذخایر پر پتانسیل اسلام را هم اکنون و در آینده می توان در آمریکا و در مجموعه های اسلامی این کوشش مشاهده نمود. و به دلیل پتانسیل نفوذ قوی مسلمانان در جامعه آینده آمریکا، و وجود تعداد زیادی از دانشجویان زبده کشورهای اسلامی در آمریکا، ایجاد رابطه با مسلمانان این کشور برای تقویت جبهه اسلام و خنثی کردن توطئه های پنهان و آشکار دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان در این کشور امری ضروری جلوه می کند.

ضرورت رابطه جمهوری اسلامی ایران با مسلمانان آمریکا.

تردیدی نیست که وجود شش تا هشت میلیون مسلمان در آمریکا و رشد شتاب گیرنده اسلام در این کشور، آن هم با در نظر گرفتن پتانسیل قابل توجه مسلمانان این جا از حیث علمی، فرهنگی و تجربیات دیگر، نیروی مستعد و جوانی را به مجموعه های موجود جهان اسلام افزوده است که در صورت هدایت و به حرکت انداختن صحیح آنان نقش مهمی در حیات اسلام بازی خواهد کرد. از سویی دیگر باید توجه داشت که رشد سریع و روز افزون اسلام در آمریکا با تشدید تبلیغات ضد اسلامی رسانه های این کشور توأم بوده است، تا بتواند پیش از پا گرفتن و ریشه دوانیدن اسلام در قلب بزرگ ترین قطب سرمایه داری جهان، آن را از رشد و نفوذ بیش تر باز دارند. از جمله تبلیغات زهرآگین رسانه ها و محافل صهیونیستی، معادل قرار دادن اسلام با تروریسم و آدم کشی و ضدیت با دموکراسی غرب بوده است که تا حدی زیاد در مسموم کردن اذهان مردم آمریکا مؤثر افتاده است. البته در جریان این گونه تبلیغات به مفاهیمی چون بنیادگرایی اسلامی و تشیع به عنوان ایدئولوژی مسلمانان خرابکار و در عین حال واپسگرا بسیار تأکید شده تا ضمن بدنام کردن تشیع که ایران پایگاه اصلی آن است، تخم بدبینی نسبت به مسلمانان شیعه را در قلوب مسلمانان غیر شیعه در این کشور بکارند و در عین حال، بذر کینه و نفرت نسبت به اسلام و مسلمانان فرقه های گوناگون شیعه و یا سنی را بر قلب مردم عادی آمریکا بنشانند.

اگر چه رسانه ها و محافل امپریالیستی و صهیونیستی در پراکندن تخم بدبینی نسبت به اسلام موفقیت هایی کسب کرده اند، ولی با این حال، نتوانسته اند جلوی رشد سریع اسلام در این کشور را بگیرند؛ زیرا جاذبه های اسلام برای مردم بومی این کشور بیش تر از آن است که تبلیغات این رسانه ها بتواند تأثیر آن را از بین ببرند. برخی از گزارشات حاکی است که، سالانه قریب به ۲۵ هزار نفر به اسلام می گروند. از این رو، مهم ترین نقش تبلیغاتی که رسانه های جمعی به عهده گرفته اند این است که فعالیت های خود را برای بی اعتبار کردن اسلام انقلابی که ایران پایگاه اصلی آن می باشد متمرکز نمایند. از دیگر راه های مبارزه با اسلام در آمریکا استفاده از گرایشات ناسیونالیستی و قومی مسلمانان مهاجر است تا ایمان اسلامی تحت الشعاع احساسات و کشش های ناسیونالیستی آنان قرار گیرد و با تأکید و تکیه انحصاری به این گونه کشش ها و تمایلات قومی و ملی وحدت مسلمانان مهاجر و بومی خدشه دار شود و مسلمانان به صورت فرقه های متخاصم و متضاد در برابر هم قرار گیرند. برای نمونه، در جریان جنگ عراق و ایران تعدادی از مسلمانان سنی آمریکا علیه شیعیان این کشور و علیه ایرانیان بسیج شدند و یک حرکت ضد شیعی و ضد ایرانی به کمک محافل صهیونیستی و کمک های عربستان سعودی و شیوخ مرتجع عرب به راه انداختند. دسیسه های دشمنان اسلام در آمریکا تنها به ایجاد خصومت بین شیعیان و سنی ها خاتمه نیافت، بلکه دامنه آن به گروه

های سنی مهاجر که ریشه های قومی و نژادی متفاوت دارند نیز کشانده شد و آنان را به جان هم انداخت: اخوانی های مالزی علیه اخوانی های ممالک عرب و سلفی ها علیه اخوانی ها....

اما علی رغم همه این واقعیات تلخ باید دانست که اسلام هنوز به صورت یک پتانسیل قوی در آمریکا قابل مطالعه است و جمهوری اسلامی ایران می تواند از طریق برقراری روابط مناسب و کمک به مسلمانان آمریکا مخصوصاً مسلمانان بومی، که در بین آنان طرفدار انقلاب اسلامی ایران زیاد به چشم می خورد، آنان را به صورت یک نیروی فعال برای تقویت اسلام در آمریکا هدایت کند و به دست آنان تا حد قابل توجهی تصویر مخدوش از اسلام و جمهوری اسلامی ایران را در ذهن مردم این کشور بزدايد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران نمی تواند نسبت به سرنوشت مسلمانان آمریکا، مخصوصاً سیاهان مسلمان این کشور، بی تفاوت بماند، آن هم در شرایطی که عربستان سعودی، شیخ نشین های خلیج فارس و مصر و دیگر دولت های کشورهای مسلمان نشین در تبلیغ اسلام مورد نظر خویش در آمریکا شدیداً فعالیت می کنند و به دلیل ارائه کمک های زیاد به مسلمانان این کشور، آنان را تا حد زیادی تحت الشعاع برنامه های مذهبی و سیاسی خود قرار داده اند.

البته تردیدی نیست که حوزه مانور جمهوری اسلامی ایران برای نزدیک شدن ارگانیک به مسلمانان و سازمان های اسلامی موجود در آمریکا از یک سو در مقایسه با کشورهای مسلمان نشین خاورمیانه بسیار محدود است که دلیل اصلی آن تیرگی روابط ایران و آمریکا و همچنین تبلیغات منفی و توطئه های محافل صهیونیستی علیه ایران و اسلام بوده است. از سوی دیگر علی رغم این مشکلات و بنابر اصالت انقلاب اسلامی، علاقه مسلمانان آمریکا به انقلاب از عمق و ابعاد بیش تری برخوردار است و از این رو، ایران می تواند با شناختن و کشف راه های ویژه، به کمک افراد مجرب و متخصص و آشنا به ابعاد گوناگون حیات سیاسی، فرهنگی و مذهبی آمریکا، شیوه های مناسب و مؤثری برای نزدیک شدن به مسلمانان این کشور و ارائه کمک های فکری و اعتقادی و مالی به آنان پیدا کند. یکی از نکات شایان توجه در رابطه با آمریکا وجود یک فرهنگ چند ملیتی، به دلیل حضور ملیت های مختلف در این کشور است.

به همین سبب، وجود چنین فرهنگی قابلیت انعطاف پذیری فرهنگی در این کشور را در مقایسه با اروپا بسیار زیاد کرده و امکان مانور افراد یا گروه های سیاسی و مذهبی را فراهم ساخته است. جو نسبتاً آزاد و پخش اخبار، نتیجتاً افشای واقعی سیاست رژیم های به اصطلاح اسلامی، سطح تحصیلات، وضعیت نسبتاً خوب اقتصادی مسلمانان مهاجر و همچنین فشار تبعیض و محرومیت در بین مسلمانان بومی، همه عواملی هستند که زمینه کار و تمایل به سوی جمهوری اسلامی را فراهم می کند. از سوی دیگر، نکات قابل توجه، حضور بیش از یک میلیون ایرانی در آمریکاست که عمدتاً مسلمان شیعه و صاحب حرفه ها و تخصص ها و مهارت های بالایی هستند. برقراری ارتباط سازمان یافته با بسیاری از این افراد که تمایلات اسلامی دارند، می تواند کمک مؤثری به حفظ و تقویت باورهای مذهبی و علایق ملی آنان گردد و در جلب حمایت علمی و تخصصی آنان به نفع ایران مؤثر واقع شود.

راه های مناسب برای برقراری ارتباط با مسلمانان آمریکا.

آنچه که مسلم است این است که ایجاد رابطه با مسلمانان آمریکا با توجه به ویژگی های فرهنگی و علمی و ساختار کلی این جامعه باید با شیوه های مدرن و ابزار پیشرفته صورت گیرد. به عبارتی دیگر، دست زدن به هرگونه فعالیت مذهبی و تبلیغ دینی در یک چنین جامعه ای باید بر موازین و الزامات فرهنگی و رعایت حساسیت ها و خواسته های مردم مسلمان این جا مبتنی باشد و زبان خاصی برای ایجاد تفاهم فرهنگی و مذهبی به کار گرفته شود. بدیهی است که لازمه انتخاب زبان خاص و شیوه های مناسب برای تبلیغ در بین مسلمانان آمریکا، شناخت صحیح ساختار فرهنگی و اجتماعی و مذهبی این کشور است و یک چنین شناختی تنها از طریق یک مطالعه جامع و همه جانبه میسر خواهد شد. برای انجام یک چنین مطالعه جامع و تمام عیار بی تردید یک هیأت متخصص و خوش فکر و در عین حال بینشمند طی یک دوره مشخص نحوه زندگی فکری، سیاسی، اجتماعی و گرایشات مختلفشان وابسته به گروه های گوناگون نژادی و قومی و فرقه ای را مورد مطالعه قرار دهد. از سویی، ترکیب قومی و ملی مسلمانان آمریکا ایجاب می کند که مطالعه ویژگی های هر گروه اسلامی از سوی فرد یا افراد خاصی که کاملاً با آن ویژگی ها آشنا باشند صورت گیرد. برای مثال، بهتر است امور مسلمانان بومی سیاه پوست از سوی یک مسلمان متخصص سیاه پوست آمریکایی و امور مسلمانان عرب از سوی یک مسلمان متخصص عرب و امور مسلمانان شبه قاره هند به وسیله یک مسلمان هندی یا پاکستانی یا بنگلادشی و امور مسلمانان ایرانی و افغانی به دست متخصصان مسلمان ایرانی یا افغانی، تحت بررسی و پژوهش قرار گیرد و درباره دیگر گروه های اسلامی نیز چنین عمل شود.

بررسی فوق الذکر باید انواع سازمان ها و مؤسسات علمی، فرهنگی، مذهبی و ارتباطی و نیز گرایشات فرقه ای، سیاسی و همچنین مسائل و مشکلات نسل های دوم و سوم مسلمانان مهاجر و تمایلات قومی و ملی آنان و وضعیت علمی و حرفه ای و مالی و خلاصه نحوه نگرش مسلمانان بومی آمریکا به اسلام و برخورد آنان با نظم اجتماعی و سیاسی حاکم بر این کشور و دیگر ممالک اسلامی و بالأخره انتظارات آنان از دیگر مسلمانان جهان و... مانند اینها را در بر گیرد. باید توجه داشت که فعالیت های مطالعاتی یک چنین گروه تحقیقاتی، باید زیر نظر یک متخصص ایرانی مسلمان و مرتبط با جمهوری اسلامی صورت گیرد و در عین حال به دلیل وجود حساسیت های سیاسی و فرهنگی منفی علیه جمهوری اسلامی در آمریکا، لازم است ارتباط یک چنین مجموعه تحقیقاتی و مطالعاتی با ایران حالتی مستقیم و صریح نداشته باشد.

استفاده از وسایل ارتباط جمعی مناسب.

شکی نیست که یکی از مؤثرترین وسائل برقراری ارتباط فکری و ایدئولوژیکی با مسلمانان یا هر گروه دیگر اعتقادی و سیاسی و فکری، انتشار نشریات، کتب و جزوات متعدد در زمینه های فوق الذکر می باشد، ولی

هزینه تهیه و تکثیر و توزیع این گونه نوشته جات و نیز زمان لازم برای تهیه و در دسترس قرار دادن آنها با اهداف کوتاه مدت و تأثیر گذاری سریع سازگار نمی باشد. بنابراین، برای برقراری تماس و ارتباط فوری تر با گروه های مختلف مسلمان، بهتر است در کنار فعالیت های انتشاراتی از وسائل ارتباطی دیگری چون: رادیو و تلویزیون، تلفن های خبری، سیستم های خبر رسانی کامپیوتری، سیستم فاکس و مانند اینها نیز استفاده شود. به عبارت دیگر یک سری فعالیت های تبلیغاتی و ارتباطی همه جانبه و چند بُعدی به موازات یکدیگر صورت گیرد. مسلماً در بین همه وسائل ارتباطی موجود، استفاده از رادیو مناسب ترین راه می باشد؛ زیرا این وسیله ارتباطی از لحاظ هزینه و سرعت انتقال اطلاعات و حوزه پوشش و در دسترس بودن به مراتب بهتر و مؤثرتر از دیگر وسائل ارتباطی برای اهداف سریع تبلیغاتی است. مهم تر از همه این که با استفاده از این وسیله می توان نوعی دیالوگ و تبادل نظر بین مسلمانان در زمینه مسائل گوناگون مبتلا به آنان برقرار کرد و به نظرسنجی های مناسبی دست یافت و با دیدگاه های اعتقادی و سیاسی و حساسیت ها، نیازها، گرایشات، والویت های افراد و گروه های مختلف مسلمان آشنا شد و با گرد آوری این گونه اطلاعات زنده و تازه یک بانک بزرگ اطلاعاتی فراهم ساخت که برای تحقیقات و اقدامات بعدی مورد بهره برداری صاحب نظران قرار گیرد. جالب توجه این که اقلیت های ایرانی و عرب و دیگر گروه های مهاجر در این کشور، تدریجاً نسبت به برنامه های رادیویی مورد علاقه خود گرایش نشان داده و از آنها استقبال کرده اند تا جایی که رادیو هم اکنون به صورت یکی از مهم ترین وسایل ارتباطی و اطلاعاتی در بین اقلیت ها در آمده است. بنابراین، با توجه به اهمیت روزافزون وسایل ارتباطی سمعی و بصری (رادیو و تلویزیون) می توان با استفاده از افراد متخصص به امور رادیویی بهره گرفت و برنامه های متنوع خبری، علمی، اعتقادی، سیاسی، هنری در زمینه اسلام و مسائل روز را به شنوندگان مسلمان و یا افراد علاقه مند به مسائل مسلمانان و اسلام عرضه کرد. در عین حال باید توجه داشت که ارائه این برنامه ها باید از سوی افراد کارشناس و مجهز به دانش و بینش علمی و اسلامی صورت گیرد؛ چون جو فرهنگی این جا و ذائقه مشکل پسند علمی و ذهن جست و جو گر بسیاری از شنوندگان برنامه های مذهبی و فرهنگی و یا سیاسی این جامعه طوری نیست که بتوان با مواعظ صرفاً اخلاقی و برخی نصایح دینی به جنگ بمباران های تبلیغاتی نیروهایی که مجهز به آخرین دست آوردهای علمی و تحقیقاتی در زمینه های گوناگون هستند رفت. قبلاً اشاره شد که اسلام، امروز پا به عرصه زندگی اجتماعی گذاشته و برای انسان مدرن، حرف های تازه دارد و این حرف های تازه نیز براساس اجتهاد مرقیانه از قرآن و شریعت و با شناخت روح زمان و نیاز انسان امروز مطرح است که این خود نشان دهنده پویایی اسلام و استعداد این آیین الهی برای متحول ساختن انسان و جامعه در هر مقطعی از تاریخ می باشد. بنابراین، عرضه مباحث اسلامی و یا مرتبط با فرهنگ اسلامی در این جامعه باید متناسب با اتمسفر فکری و فرهنگی این جا و مبتنی بر استدلالات عقلی و توجیهات منطقی و سازگار با رسالت جهانی اسلام باشد. تحقیقاتی که درباره تعداد زیادی از مسلمانان آمریکا صورت گرفته، حاکی است که، بیش تر آنان در جست و جوی یافتن مذهبی بوده اند که علاوه بر تأکید بر دیسپلین فردی و بُعد احساسی و ارزش های انسانی، از قدرت بالای منطقی و استدلال علمی نیز برخوردار باشد و به همین دلیل، اسلام را برگزیده اند.

همان گونه که پیش تر اشاره شد، استفاده از رادیو برای ارسال اطلاعات و پیام های مذهبی، اجتماعی، علمی و فرهنگی و نظر سنجی و غیره به دلیل وسعت حوزه پوشش و در دسترس بودن و سرعت انتقال و هزینه کم، یکی از مناسب ترین شیوه ها برای ایجاد ارتباط با جامعه اسلامی آمریکا است؛ ولی در عین حال نباید از قدرت تأثیرگذاری تلویزیون غافل بود، مخصوصاً که عرضه بسیاری از مباحث به صورت میزگرد یا شوی مذهبی تلویزیونی و به نمایش گذاشتن برنامه های زنده و فرهنگی و نشان دادن آثار هنری، ابنیه تاریخی، معماری اسلامی و برخی مراسم و جشن های مذهبی و گوشه هایی از ابعاد گوناگون زندگی مسلمانان در سایر ممالک مسلمان نشین به صورت فیلم های کوتاه و گفت و شنود زنده با بینندگان این برنامه ها و مانند اینها دارای جاذبه های زیاد است (برخی از مهاجران مسلمان عرب دارای یک چنین برنامه های تلویزیونی در حد محدود می باشند).

البته با توجه به مشکلات موجود در روابط ایران و آمریکا، اجرای یک چنین برنامه هایی، به سادگی میسر نمی باشد و تنها راه عملی آن، استفاده از افراد با تجربه ای است که ارتباط آنان با جمهوری اسلامی ایران پنهان نگه داشته شود و به عنوان افراد یا سازمان های مستقل از ایران شناخته شوند، ولی هزینه های مالی و مواد تبلیغاتی و خوراک فکری آنان به وسیله ایران تأمین شود. مسلماً این گونه فعالیت ها در عین ظرافت کاری خالی از خطر نمی باشد و به همین دلیل، نیاز به یک برنامه ریزی بسیار حساب شده و یک کار بسیار ورزیده و آشنا به فرهنگ حقوقی و تبلیغاتی و سیاسی این کشور دارد.

و اما برای تأمین نیازهای اطلاعاتی برای بارور کردن برنامه های تبلیغاتی در زمینه هایی که بدان اشاره شد، پیش از هر چیز، ایجاد یک مرکز تحقیقاتی یا مطالعات اسلامی، تحت نام خانه فرهنگ اسلامی همانند برخی از مؤسسات تحقیقاتی آمریکا، نظیر تینک تنک ها، ضروری است. یک چنین مرکز تحقیقاتی باید یک کادر ورزیده متشکل از شخصیت ها و اندیشه وران دانشمند و بینشمند و اسلام آگاه و زمان آگاه و جامعه آگاه و نیز از امکاناتی نظیر کتابخانه و مانند اینها برخوردار باشد تا محصولات فکری و عقیدتی آن را بتوان حتی در مراکز دانشگاهی و محافل علمی مطرح و عرضه کرد. به بیانی دیگر، پژوهشگران مسلمان یک چنین مرکز تحقیقاتی، باید متفکران نوآور باشند و بتوانند در زمینه مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با تأکید بر مبانی فقهی و شریعت اسلام استنباط های مترقیانه نموده و برای نیازهای مسلمانان عصر حاضر پاسخ هایی مناسب بیابند. متخصصان این مرکز می توانند به صورت دو گروه تمام وقت و نیمه وقت فعالیت کنند و از نظر مالی کاملاً تأمین شوند تا با آرامش خیال به تحقیق بپردازند. مرکز مطالعات اسلامی، در کنار تولیدات فکری و اعتقادی پیوسته خود، می تواند با در نظر گرفتن پاداش های مادی و معنوی نتایج تحقیقات دیگر مسلمانان اندیشمند و خوش فکر را به صورت مقالات بدیع جلب و پس از بررسی و تنظیم آنها به صورت مجموعه هایی منظم منتشر ساخته و در اختیار علاقه مندان قرار دهد. کلاً این مرکز مذکور در صورت برنام ریزی صحیح و استفاده از استعداد های اخلاقی مسلمانان این کشور، می تواند به صورت یک مجموعه پویای تحقیقاتی و کانون نشر اطلاعات اسلامی نه تنها برای مسلمانان آمریکا، بلکه برای مسلمانان سایر نقاط جهان در آید؛ زیرا امکانات تحقیقات موجود در آمریکا در هیچ جای دیگر جهان وجود ندارد. از دیگر اقدامات تبلیغاتی با ایجاد

کانون ها و مراکز آموزشی، از قبیل ایجاد و توسعه مدارس و دانشگاه های اسلامی، حوزه های علمیه اسلامی برای تربیت دانشجویان مستعد، ایجاد کانون های هنری و مانند اینهاست. یکی از اقدامات مفید در این زمینه، اعزام اساتید و دانشمندان مسلمان از ایران به صورت دیدارهای کوتاه مدت جهت ارائه سخنرانی و کمک به تبلیغات اسلامی در این کشور و نیز اعزام تعدادی از پژوهشگران مسلمان آمریکا به ایران جهت آشنایی با مراکز اسلامی و شخصیت های مذهبی و ارائه سخنرانی و مبادله فکری است.

همچنین برگزاری کنفرانس ها و سمینارهای منظم فصلی و یا سالیانه جهت ارائه مباحث مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی از سوی اندیشمندان مسلمان سراسر آمریکا نیز می تواند تأثیرگذار باشد. برای این کار لازم است مرکز تحقیقات اسلامی از پیش موضوع اصلی کنفرانس ها و سمینارها را تعیین نموده و از طریق شبکه های اطلاعاتی خود سایر علاقه مندان و دانشمندان مسلمان را مطلع ساخته و آنان را تشویق به عرضه سخنرانی های تخصصی در کنفرانس یا سمینار نماید و مجموعه سخنرانی ها را بعدها به صورت نشریه ویژه مرکز تحقیقات اسلامی منتشر سازد. خوبی چنین کنفرانس ها این است که افراد کار کشته و برجسته و دانشمند کشف و شناسایی می شوند و با توجه به حوزه های تخصصی که دارند می توان از تجربیات علمی آنان در کنفرانس هایی که در ایران برگزار می شود، استفاده نمود؛ یعنی، آنان را تشویق به شرکت در آن کنفرانس ها کرد. و بالاخره انتشار خبرنامه، هفته نامه، ماه نامه، فصل نامه و غیره، تحت نظارت مرکز مطالعات اسلامی، برای ایجاد ارتباط فکری و عقیدتی با مسلمانان و ارتقای سطح اطلاعات آنان در خصوص مسائل و مشکلات و نیازهای مسلمانان در محیط فرهنگی آمریکا از نمونه اقداماتی است که در جریان برقراری ارتباط با مسلمانان بسیار مؤثر است.

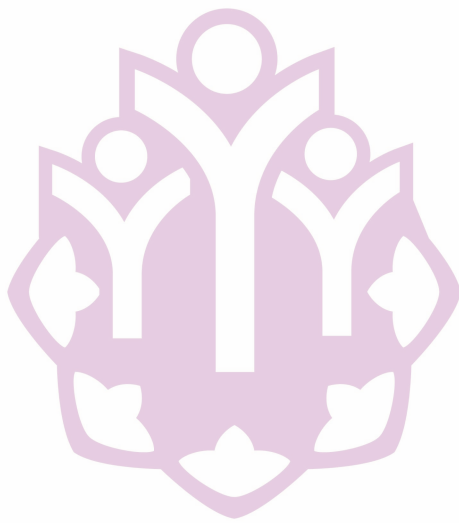
مسلماً اجرای چنین برنامه وسیع و فراگیر تبلیغاتی، بودجه قابل توجهی را می طلبد. البته قسمتی از هزینه های برنامه های رادیو و تلویزیون را در صورت موفق بودن برنامه می توان از طریق قبول آگهی تأمین کرد. انتشار نشریات نیز در صورت ارزشمند بودن آنها می تواند منبع درآمد برای مرکز تحقیقاتی باشد؛ ولی یک بودجه دو میلیون دلاری اولیه لازم است که از محل سود آن می توان قسمتی از هزینه های تحقیقاتی را تأمین کرد.

همان گونه که اشاره شد، تیرگی روابط دو کشور ایران و آمریکا، مشکل بزرگی بر سر راه فعالیت های فرهنگی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران قرار می دهد و به همین دلیل، ایران نمی تواند همانند: عربستان، مصر یا کویت به سهولت با سازمان های اسلامی مورد نظر و تحت الحمایه خود، ارتباط پیوسته و ارگانیک برقرار نماید و خوراک فکری و کمک مالی برایشان تأمین نماید. شاید تنها راه موجود استفاده از یک کادر ورزیده ایرانی و غیر ایرانی که در ظاهر مستقل از جمهوری اسلامی ایران هستند، باشد که البته خالی از ریسک نبوده و مستلزم یک برنامه ریزی بسیار حساب شده و ظرافت کاری زیاد می باشد.

دیگر این که، انجام برنامه های تبلیغاتی و ارتباطی فوق الذکر به دلیل گستردگی و وجود محدودیت ها و موانعی که قبلاً خاطر نشان شد به طور کامل امکان پذیر نیست و تنها برخی از آنها شاید در مقطع فعلی قابل اجرا باشند. و در پایان باید اضافه کرد که اصولاً کار تبلیغاتی آنان هم در زمینه مبانی اعتقادی، یک کار بسیار

بسیار ظریف و تخصصی و مستلزم یک کادر بسیار متخصص و کار آزموده و بودجه قابل توجه و سرانجام آزادی عمل می باشد. عدم تأمین هر یک از این شرایط، برنامه تبلیغاتی و ارتباطی را مختل و بی نتیجه خواهد کرد.

۱. DANIEL BELL ,THE END OF IDEOLOGY IN THE WEST ,NEW .YORK FREE PREES 1960



نهضت ترجمه
Translation Movement
.INS

کتب و اسناد:

۱. آلماناک جهانی: اداره مهاجرت آمریکا، سال ۱۹۹۳.
۲. داوود هارون: تاریخ جامعه اسلامی در هوستون (مقاله تحقیقی)، کنفرانس جهانی اهل بیت.
۳. ایون یازبک حداد و آدیرت لومیس: گسترش ارزش های اسلامی در ایالات متحده، ترجمه افضل وثوقی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۱.
۴. ارل وا: مجموعه دوران های انتقال و تحمل در تاریخ مذاهب، چاپ لیدن، سال ۱۹۸۰.
۵. بولتن خبری دفتر اخبار مسلمانان، چاپ آمریکا، هفتم مارس ۱۹۶۰.
۶. فردریک دوگلاس: زندگی و عصر فردریک دوگلاس، هارتفورد، کانتیکت، شرکت انتشاراتی پارک، سال ۱۸۸۲.
۷. زیگمونت: بیگانگی اجتماعی و فراگرد جذب در یک نهضت رجعت عیسی، دانشگاه شیکاگو، سال ۱۹۵۳.
۸. اسین ادم: مسلمانان سیاه آمریکا، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، سال ۱۳۶۳.
۹. حزب جمهوری اسلامی: مسلمانان سیاه پوست آمریکایی، سال ۱۳۵۹.
۱۰. گزارش دفتر حفاظت منافع ج.ا.ا: واشنگتن دی.سی.

نشریات.



۱۱. اسلام، ش ۲، چاپ چین، سال ۱۹۹۳.

۱۲. اکونومیست، چاپ انگلستان، ۹۶/۸/۲۴.

۱۳. نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۳/۶/۲.

۱۴. المجله، چاپ انگلستان، ۹۴/۹/۱۱.

۱۵. کریسچین ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۲.

۱۶. یو. اس. آ. تودی، چاپ آمریکا، ۹۶/۴/۱۴.

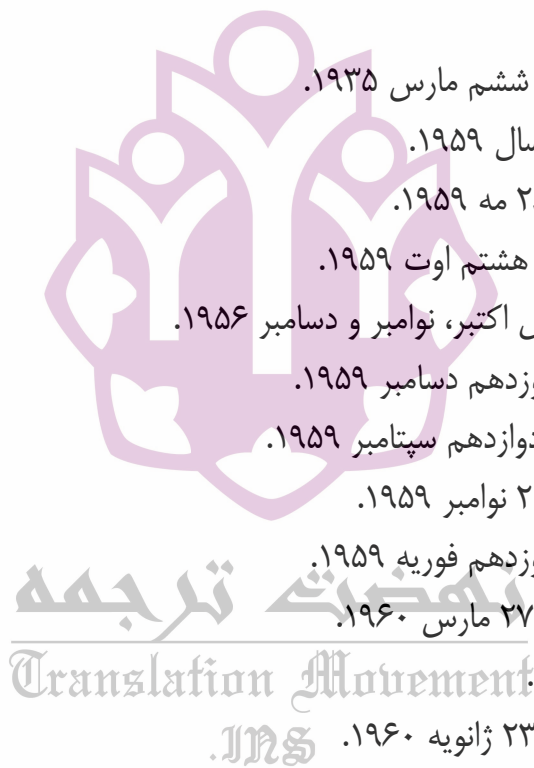
۱۷. یو. اس. آ. تودی، چاپ آمریکا، ۹۶/۸/۲۳.

۱۸. العالم الاسلامی، چاپ عربستان، ۸۱/۱۲/۲۴.

۱۹. واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۸۳/۴/۱۳.

۲۰. المجله، چاپ انگلستان، ۹۶/۵/۱۱.

۲۱. نیویورک تایمز، چاپ آمریکا، ۹۶/۶/۲.



۲۲. نیشن، چاپ تایلند، ۹۶/۱۱/۱۱.
۲۳. واشنگتن پست، چاپ آمریکا، ۹۶/۹/۲.
۲۴. کریسچین ساینس مانیٹور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۵.
۲۵. وال استریٹ جورنال، چاپ آمریکا، ۹۶/۵/۱۰.
۲۶. کریسچین ساینس مانیٹور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۲۹.
۲۷. ترجمان، چاپ ترکیه، ۸۲/۲/۱۸.
۲۸. کریسچین ساینس مانیٹور، چاپ آمریکا، ۹۶/۲/۱۲.
۲۹. بیروت تایمز، مصاحبه با امام زید قصفی، سال ۱۳۶۸.
۳۰. تایم، ۱۹۵۹/۸/۱۰.
۳۱. تایم، ۲۴ اکتبر ۱۹۵۹.
۳۲. دیلی تریبیون، چاپ شیکاگو، ششم مارس ۱۹۳۵.
۳۳. مجله پیامبر، ج ۱، نیویورک، سال ۱۹۵۹.
۳۴. هرالڈ دیسپیچ، چاپ آمریکا، ۲۸ مه ۱۹۵۹.
۳۵. شیکاگو دیفندر، چاپ آمریکا، هشتم اوت ۱۹۵۹.
۳۶. دنیای اسلام، چاپ آمریکا، ش اکتبر، نوامبر و دسامبر ۱۹۵۶.
۳۷. هرالڈ دیسپیچ، چاپ آمریکا، نوزدهم دسامبر ۱۹۵۹.
۳۸. آمستردام نیوز، چاپ آمریکا، دوازدهم سپتامبر ۱۹۵۹.
۳۹. هرالڈ دیسپیچ، چاپ آمریکا، ۲۱ نوامبر ۱۹۵۹.
۴۰. هرالڈ دیسپیچ، چاپ آمریکا، نوزدهم فوریه ۱۹۵۹.
۴۱. اکونومیست، چاپ انگلستان، ۲۷ مارس ۱۹۶۰.
۴۲. نیوکروزیڈر، ۲۶ مارس ۱۹۶۰.
۴۳. مدافع شیکاگو، چاپ آمریکا، ۲۳ ژانویه ۱۹۶۰.
۴۴. نیوکروزیڈر، دوم ژوئیه ۱۹۶۰.
۴۵. دیترویت فری پرس، چاپ آمریکا، چهاردهم اوت ۱۹۵۹.
۴۶. جهان مسلمان و ایالات متحده آمریکا، چاپ آمریکا، آوریل و مه ۱۹۵۶.
۴۷. واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۹۶/۱۰/۱۵.
۴۸. یو.اس. ای. تودی، چاپ آمریکا، بی تا.
۴۹. لوس آنجلس تایمز، چاپ آمریکا، ۹۶/۸/۲۸.
۵۰. نیشن، چاپ تایلند، ۹۶/۹/۱.
۵۱. کریسچین ساینس مانیٹور، چاپ آمریکا، ۹۶/۱/۱۸.
۵۲. آساهی، چاپ ژاپن، ۹۶/۱/۵.

۵۳. واشنگتن پُست، چاپ آمریکا، ۹۶/۴/۲۰.

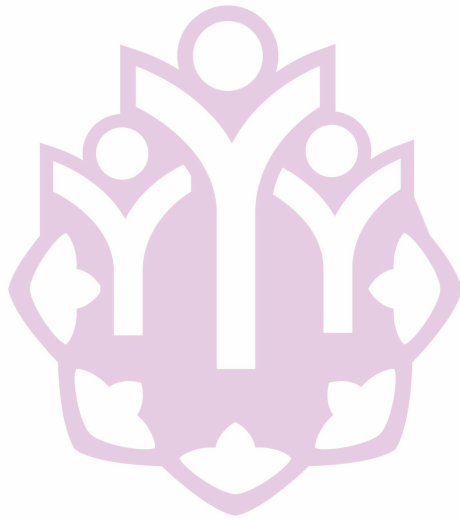
۵۴. فیگارو، ۹۲/۶/۱۳.

۵۵. المجله، چاپ انگستان، ۸۳/۲/۱۹.

منابع انگلیسی.

۵۶. EMILY KALLED LOVEL ,ISLAM IN THE UNITED STATES: PAST AND PRESENT IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA ,1983 . 57. BEVERLEE TURNER MEHDI, THE ARAB ,ISLAMIC IDAEALS IN NORTH ,IN AMERICA ,1492 - 1977 AMERICA,IN THE MUSLIM COMMUNITY IN NORTH AMERICA , ED.EARLE WAUGHT , BABA ABU-LABAN ,EDMONATION: UNIVERSITY OF ALBERTA PRESS . 58.YVONNE YAZBECK ISLAMIC VALUES IN THE UNITED STATES HADDAD ADTR LUMMIS ACOPARATIVE STUDY ,NEW YORK OF XFORD UNIVERSITY PRESS , 1987 . 59. YVON YAZBECK, HADDAD,THE MUSLIM OF AMERICA ,N.Y.:OXFORD UNIVERSITY PRESS . 60.YVONNE HADDAD AND JAME IDELMAN SMITH .MISSION TO AMERICA ,FIVE ISLAMIC SECTION MOVEMENT IN NORTH AMERICA ,1993 . 61. GUTBI MAHDI AHMAD ,MUSLIM OF GAMIZATIONS IN THE UNITED STATES,IN YVANNE HADDAD ,1991. 62.E.E.GALVERLY,"NEGRO MUSLIMS IN HARTFORD""THE MUSLIM WORLD" .1965 63.LARRY POSTON,ISLAMIC DAWAH IN THE WEST,NEW YORK :,OXFORD UNIVERSITY PRESS ,1992 . 64. KHALIFA, PASHAD QURAN ,AND ISLAM ,TUCSON ,ARIZ: ISLAMIC PRODUCTIONS IN TERNATIONAL ,1982. 65. MARCUS,MARGARET ,HOW I BECAME INTERESTED IN ISLAM ,THE ISLAMIC REVIEU , APRIL ,1961. 66.STEVE A.JOHNSON * "POLITICAL ACTIVITY OF MUSLIMS IN AMERICA",IN HADDAD , 1991. 67.AMER HALEEM." PATH TO PEACE*:CAUING TO ALLAH IN AMERICA",ISLAMIC HORIZONS ,1987 . 68. PAUL FINDLEY,THEY DARE TO SPEAK OUT ,WEST PORT ,COMM:LAWRENCE HILL AND COMPANY ,1985 . 69.SAMIR ELSAYED,"FOCUS ON ARABS AND.ISLAM " ,THE

WASHINGTON REPORT ON MIDDLE EAST AFFAIRS ,1991 . 70. JOHN O.VOLL,"ISLAMIC ISSUES FOR MUSLIMS IN THE UNITED STATES ,IN YVONNE HADDAD ,1991. 71.SUZANNE HANEEF,"WAHT EVERYONE SHOULDED KNOWN ABOUT ISLAM AND MUSLIMS",CHICAGO:*KAZI ,1982 . 72. SULAYMAN S NYAZ,CONVERGENCE AND DIVERGENCE IN AN FMERGENT COMMUNITY:,A STUDY OF CHAUENGE FACING U.S ,MUSLIMS ",IN Y.HADDAD ,1991. 73.DANIEL BELL,THE END OF .IDEOLOGY IN THE WEST , NEW YORK FREE PRESS ,1960



ترجمت تحریک
 Translation Movement
 .INC